انتشارات دانشگاه تهران
۱۰۵۸/۳

جلد سوم

احوال و آثار

خوش نویسان

نستعلیق نویسان

تألیف

انتشارات دانشگاه تهران

شمارهٔ ۱۰۵۸/۳

گنجینهٔ تحقیقات ایرانی

شمارهٔ ۴۳-۳

تهران ۱۳۴۸

Marfat.com

احوال و آثار

خوش نویسان

نستعلیق نویسان

جلد سوم

تألیف

Marfat.com

138898

شماره مسلسل ۱۴۰۱

چاپ و صحافی این کتاب در یکهزار ودویست نسخه در خرداد ماه ۱۳٤۸

در چاپخانه دانشگاه تهران خاتمه پذیرفت

حق طبع این کتاب تا سه سال درانحصار دانشگاه تهران

و مسئولیت صحت مطالب آن با مؤلف است

بها : ۱۰۰ ریال

Marfat.com

توضیح

سومین مجلد آثار و احوال خوشنویسان تألیف دکتر مهدی بیانی ، زمانی انتشار می یابد که مؤلف دانشمند آن روی در نقاب خاك کشیده است .

مرحوم مهدی بیانی که خود خطی خوش و به‌اسلوب داشت از شیفتگان آثار خوشنویسان بود و در طول سالهای متمادی همواره در تجسس بود که خطوط خوش از هرقلم را جمع آورد و هرمطلب و مضمونی که در باب خوشنویسان و آثار آنان در کتب و مراجع بدست می آید یادداشت کند . او درین زمینه کتابی پرداخت که بنابر گفتهٔ خودش در شش هفت جلد احتمال اتمام داشت .

قسمت مهمتر و آمادهٔ آن ، بخش نستعلیق نویسان یعنی مربوط به خطی بود که ایرانیان واضع و مبتکر آن بودند و این کتاب در سه مجلد به‌طبع رسید . دو مجلد آن را خود آن مرحوم متصدی طبع بود و در زمان حیاتش نشر شد و از مجلد سوم سی صفحه‌ای چاپ شده بود که بیماری سخت چنگ در جسم آن استاد زد و او را از کار بینداخت و چنانکه سنت روزگارست عاقبت او را ازما دور ساخت و کتاب نیمه کار بماند .

چون دریغ بود که این اثر عالمانه و پرفایده ناتمام بماند بازماندهٔ مسودهٔ کتاب که منقح بود از خانوادهٔ آن مرحوم گرفته‌شد و ازهمکار صمیمی و دانشمند آقای حسین محبوبی ارد کانی که خود ازدوستداران وصاحب خط شیرین وخوش است و در کارهای علمی پایمردو با کوشش ، خواستار شدیم که دنبالهٔ کار را بگیرد و کتاب را به‌اتمام برساند . خوشبختانه اینک آخرین مجلد از قسمت نستعلیق نویسان از چاپ خارج می‌شود . خانم منیژه بیانی دختر مؤلف نیز در غلط گیری اول قسمتی از کتاب معاضدت کرده است .

* * *

Marfat.com

سرحوم بیانی می‌خواست که مجلد چهارم کتاب را به نقل تصویر خطوط خوش که از مجموعه های مختلف عکس تهیه و یا خود عین خطوط را در طول سالهای دراز جمع کرده بود اختصاص دهد. اما اجل مهلتی بر و باز نگذارد، و فرصت نشد از ذوق و سلیقهٔ او که شاخصیتی درین امر داشت استفاده شود و آنها را که او پسند می کند به چاپ برسانیم. قسمتی از مجموعهٔ شخصی او در زمان حیاتش عکس برداری شد و امیدست در جلد چهارم با شرح هرعکس چاپ شود.

سرحوم بیانی مجموعهٔ بسیار ارزنده ونفیسی از خطوط داشت. خوشبختانه وزارت فرهنگ و هنر آن مجموعه را خرید و اینک در موزهٔ هنر های تزئینی نگاهبانی می‌شود.

برای این سه جلد فهرستی فراهم گردید که معرف کتب و رسائلی است که به خطوط استادان کتابت و درین کتاب محل نگهداری و یا ملکیت هریک معین شده است و این فهرست را آقای علی اصغر حسن تبار عمران از همکاران ارجمند ادارهٔ انتشارات دانشگاه تنظیم کرده است.

* * *

گفتیم که مرحوم بیانی خود از خوشنویسان معاصر به شمار میرفت ومخصوصاً خط نستعلیق را خوش وشیرین می نوشت. نمونهٔ آن اسم کتاب حاضرست که خود نوشته است. چون این کتاب در شرح حال نستعلیق نویسان است شرح حالی از آن مرحوم در ابتدا به چاپ می رسد و برای روان پرفتوحش طلب غفران خداوندی میشود.

امید آنکه توفیق یارشود ویادداشتهای آن فقید دربارهٔ خوشنویسان اقلام دیگر به لطف بازماندگان ارجمندش به دست افتد و به چاپ برسد و دورهٔ این اثر جاودانی وپرارزش صورت کمال پذیرد.

۲۴ اسفند ماه ۱۳۴۷ **ایرج افشار**

Marfat.com

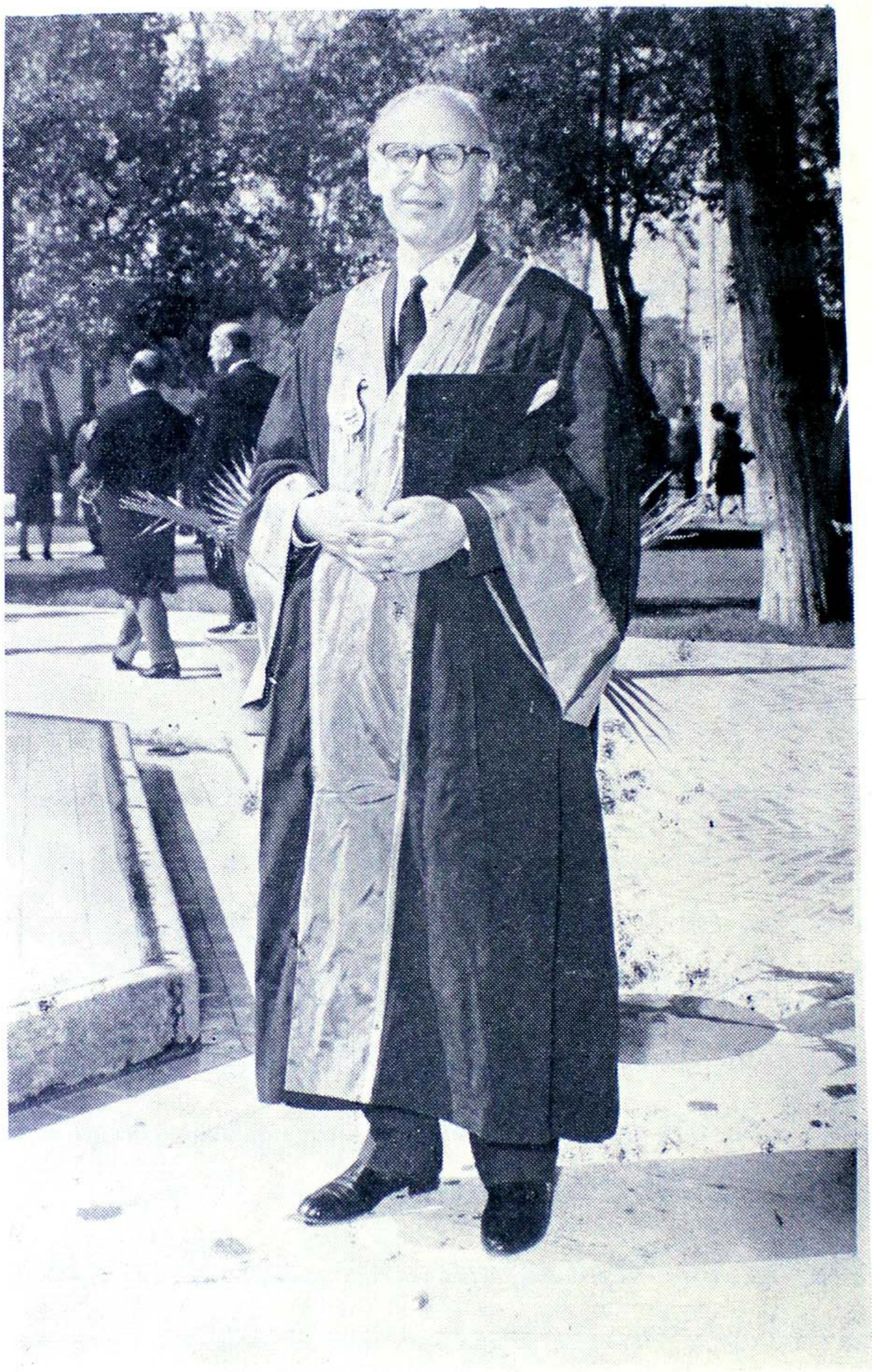

دکتر مهدی بیانی

Marfat.com

Marfat.com

شرح حال مؤلف

بقلم حسین محبوبی اردکانی

تقدیرچنین بود که نام دکتربیانی ـ مؤلف کتاب ـ هم دررد یف خوشنویسان درگذشته درآید وبرصفحهٔ تاریخ ثبت گردد. خوشنویس بودوخطشناس ودراحوال خوشنویسان وشناختن خطوطآنان بصیر وآگاه. هرجانشانی ازخوشنویسی می یافت ثبت میکرد تاسرانجام بتاریخی چنین توفیق یافت. افسوس که خیلی زود نام خوداو هم درشمار نامداران تاریخش درآمد وایکاش زنده بود وبه‌سلیقهٔ مستقیم خود، این کاررا بپایان میبرد.

دکتر مهدی بیانی از خاندانی ازمستوفیان فراهان، درسال ۱۳۲۶ هجری قمری، در همدان متولد گردید. مادرو پدرو برادرو نیاگانش را بقول خودش، بعضی، میتوان جزو خوشنویسان آورد، وبنابراین هنر خط و کتابت در خاندان او ارثی بوده‌است. درکودکی ازمهرپدری محروم وباخانوادهٔ خود ازهمدان بطهران منتقل گشت. انتخاب نام خانوادگی او ظاهراً بمناسبت انتساب به میرزا سلمان بیان السلطنه ازمنشیان و مستوفیان و مقربان ابوالقاسم خان ناصرالملک همدانی نایب‌السلطنه است که اوخود درفنون ادب واستیفاء و هنرخط وانشاء از استادان بوده است.

درطهران بمدرسه گذارده‌شد ودورهٔ دبستان رادرمدرسهٔ «اقدسیه» و«اشراف» ودورهٔ دبیرستان رادردارالفنون گذرانید. معلم خطاودردورهٔ دبستان مرحوم کاتب‌الخاقان بود (ص ۱۶۳ ج ۱) وسیدمحمد شمس الکتاب (ص ۳۱۵ ج ۲) وی پس از گرفتن گواهی نامهٔ دبیرستان واردد ارالمعلمین عالی (بعداً دانشسرای عالی) گردید ودررشتهٔ فلسفه وادبیات بتحصیل پرداخت وبدرجهٔ لیسانس رسید. پس از پایان

Marfat.com

تحصیلات عالیه برای انجام دادن خدمت نظام وظیفه وارد دانشکدهٔ افسری شد و درسال ۱۳۱۱ شمسی خدمت خودرا بپایان رسانید.

درآغازسال ۱۳۱۲ شمسی بسمت معلمی زبان وادبیات فارسی و کتابداری کتابخانهٔ دانشسرای عالی استخدام شد. درسال بعد با حفظ سمت آموزشی خود، بمدیریت کتابخانهٔ عمومی معارف منصوب گشت ودرسال ۱۳۱۶ آن کتابخانه را بصورت کتابخانهٔ ملی وابسته بوزارت فرهنگ درآورد. باین معنی که مقداری از کتابهای کتابخانهٔ سلطنتی را که مقررشده بود به کتابخانهٔ معارف انتقال داده شود تحویل گرفت و زمینهٔ تشکیل یک کتابخانهٔ معتبری رافراهم ساخت وسه سال ریاست آن را بعهده داشت.

درسال ۱۳۱۹ برای مدت یکسال ازطرف وزارت فرهنگ مأمور اصفهان شد وچون بطهران بازگشت یکسال نیز دروزارت پیشه وهنر خدمتی آموزشی برعهده داشت ولی دوباره بخدمت کتابخانهٔ ملی درآمد و درضمن تدریس دردانشکدهٔ ادبیات باسمت مدیر کلی، درکتابخانهٔ ملی انجام وظیفه مینمود. درسال ۱۳۳۰ با حفظ سمت استادی و بنا بعنایت شاهانه بریاست کتابخانهٔ سلطنتی مفتخر گشت واین برای او موفقیتی بزرك بود چه ازآن تاریخ گنجور گنجینهٔ بزرگی ازهنر خط و تذهیب و کتابت شد وبرای دروس «تاریخ تکامل خطوط اسلامی» و «کتاب‌شناسی نسخه های خطی» که تدریس مینمود منابعی بسیار باارزش دراختیاراو قرار گرفت و تبحر وتخصص او روز بروز افزون تر گردید.

وی با همهٔ این مشاغل بعنوان کارشناس هم درکمیسیون انتخاب وتقویم و تعیین قیمت کتب خطی و چاپی که برای فروش به کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه و کتابخانهٔ مجلس و کتابخانهٔ ملی عرضه میشد شرکت می جست. چه درتشخیص ریزه کاریها وفنون هنرخط وتذهیب کاملاً داناوبصیروخبره وبقول یکی ازدوستانش بدرجه‌ای مسلط بود، که خط استادان را ازدور تشخیص میداد.

* * *

Marfat.com

مرحوم دکتر بیانی درطی دورهٔ سی‌وچهار ساله خدمت خود ، مأموریتهای فرهنگی موقتی هم ببعضی ممالک خارجی داشت و از کشورهای : هند ، پاکستان ، افغانستان ، ترکیه ، روسیه ، لهستان ، اطریش ، آلمان ، دانمارک ، هلند ، بلژیک ، فرانسه ، سویس ، انگلستان وآمریکا دیدن کرد .

از تألیفات او آنچه بچاپ رسیده نخست «نمونهٔ سخن فارسی» است که خود او آن را در سال ۱۳۱۷ در دانشسرا یعالی تدریس میکرد . دیگر «راهنمای گنجینهٔ قرآن» فروردین ۱۳۲۸ که با همکاری مرحوم دکتر مهدی بهرامی آن را تدوین وتنظیم کرده‌است، دیگر «فهرست خطوط خوش کتابخانهٔ ملی» نوروز ۱۳۲۸ و «نمونهٔ خطوط خوش کتابخانهٔ سلطنتی ایران» ، «احوال وآثار میرعماد» ، «نمونه‌ای چند از خطوط خوشنویسان» (۱۳۳۲) ، «احوال وآثار خوشنویسان» که سه جلد آن چاپ شده‌است و گویا مجموعاً به دوازده جلد میرسد .

وآنچه تا کنون چاپ نشده عبارتست از : «تاریخ پانصد سالهٔ جواهرات سلطنتی ایران» ، «فهرست کتابهای خطی فارسی کتابخانهٔ سلطنتی ایران» - «تاریخ دریای نور» .

کتب ورسالات ذیل ازمتون قدیم نیز بوسیلهٔ او طبع ونشر شده‌است :

پنج رسالهٔ فارسی از شیخ شهاب الدین سهروردی بدین شرح :

۱- رسالة فی حالة الطفولیه

۲- روزی باجماعت صوفیان (۱۳۱۷)

۳- عقل سرخ (۱۳۱۹)

٤- آواز پرجبرئیل ضمیمهٔ مجلهٔ پیام نو (شهریور ۱۳۲۵)

٥- فی حقیقة العشق ضمیمهٔ مجلهٔ پیام نو (اردیبهشت ۱۳۲۵)

السوانح فی العشق از احمد غزالی ۳۹ صفحه (۱۳۲۲) .

معراج نامه منسوب به ابن سینا وبخط امام فخر رازی ۹۲ صفحه (۱۳۳۱) .

Marfat.com

بدایع الازمان فی وقایع کرمان (تاریخ سلاجقهٔ کرمان) ازافضل الدین کرمانی .

مقالات ادبی و هنری وتاریخی متعدد نیز ازاو درمجلات وجرائد داخلی و خارجی انتشار یافته است که بیشتر دراطراف هنر مورد تخصص وی است .

مرحوم بیانی سالها عضو انجمن فرهنگی ایران وشوروی بود ومجلهٔ پیام نوین زیرنظراو منتشرمیشد وچون خود خطی خوش داشت ـ هرچند که ازفروتنی هیچگاه به آن اشاره‌ای نکرده است ـ بخط و خطاطان علاقه داشت وازاینرو انجمن حمایت خط و خطاطان را پایه گذاری کرد ودرشناساندن این طبقهٔ هنرمند ، حتی الامکان کوشید . دربغ که روزگار خیلی زود وپس از ۶۱ سال زندگی ، در ۷ ذیقعدهٔ ۱۳۸۷ برابر با ۱۷ بهمن ۱۳۴۶ اورا دررربود وازجمع خویشان ودوستان بدربرد .

(با استفاده ازمجلهٔ دانشکدهٔ ادبیات وعلوم انسانی ش ۵ و۶ س ۱۰ ص ۶۳۶-۶۴۹ ومجلهٔ راهنمای کتاب ش ۱ و۲ و۳ س ۱۱ ص ۱۱۵-۱۱۸)

* * *

در پایان سخن ، شایستهٔ مقام است که گفته شود که ای کاش باقی آثار مرحوم بیانی نیز بزیور طبع آراسته میشد چه او درفنی صاحب نظر بود که روز بروز مهجورتر و از دایرهٔ علم و دانش زمان دورتر میشود . نه تنها دیگر کسی بدنبال خوشنویسی و تعلیم وتعلم وتمرین وممارست دراین کار نمیرود بلکه فنون خط و کتابت وتذهیب وصحافی قدیم یکسره ازمیان رفته است یا درشرف ازمیان رفتن است . اصطلاحات مستوفیان و مترسلان پیشین و آداب کتابت و استیفاء را دیگر کسی نمیداند و عنقریب ازمشکلات کتب خواهد گشت و چه بهتر که اگر یادداشتها و نوشته هائی ازمرحوم بیانی باقی است با توجه به کتبی که دراین فنون از قدیم مانده است چاپ شود تا این رشته ازهنراسلامی وایرانی بکلی متروك وناشناخته نماند .

دیگرآنکه شرح احوال وآثار خوشنویسان وقتی کامل میشود که اولاً همهٔ

Marfat.com

مجلدات آن چاپ شود وثانیاً نمونهٔ خط خوشنویسان نیز بصورت عکس دردسترس همگان گذارده‌شود واین مسئله درنقشهٔ کارمرحوم بیانی هم بوده‌است واکنون‌جای آنست که ضمن کوشش درچاپ دنبالهٔ کتاب لااقل ازمجموعهٔ خود آن مرحوم هم قطعاتی عکس‌برداری و گراورشود تاموجب مزید فایده گردد.

فهرست کتب خطی فارسی کتابخانهٔ سلطنتی وتاریخ پانصدسالهٔ جواهرات سلطنتی ایران خود شایستهٔ یک‌بحث علیحده است که اگر انتشار یابد دری‌ازگنج شاهوار را بر روی هموطنان می گشاید و امید است که علاقه‌مندان به ادب و هنر ایران، انتشاراین‌آثار را وجههٔ همت‌خود قرارداده مطبوعات ایران‌را بیش‌ازپیش غنی وسرشار، ومزین وممتاز، وروح پرفتوح مرحوم بیانی را ازخود شاد سازند.

رحمةالله علیه رحمةً واسعه

Marfat.com

Marfat.com

گ

گامی = دوست محمد کوشوانی

۸۰۷) گلزار رقم

ندانستم لقب کدام یک از خوشنویسان هندوستان است و قطعه‌ای بهمین رقم در کتابخانهٔ سرکاری رامپور است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، که رقم و تاریخ چنین دارد : «راقمه گلزار رقم ، سنهٔ احد» .

گلستانه = علی اکبر ـ سید

گلشن = محمد گلپایگانی

۸۰۸) گلشن رای

ازخوشنویسان هندوستان است وقطعه‌ای بخطوی درموزهٔ پیشاور پاکستان است ، بقلم سه دانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : « کتبه گلشن رای، سنهٔ ٤٤ جلوس اورنگ زیبی» که مطابق است باسال ۱۱۱۲ هجری قمری .

---

۸۰۹) گلشنی علی ـ شیخ

صاحب نتایج الافکار گوید که ، از خاندان انصاری واز مردم جونپور بود . بسال ۱۱۱۷ متولد شد و نزد پدر خود شیخ عطاء الله ، بتحصیل علوم متداول پرداخت . سفری بشاهجهان آباد کرد ودرخدمت میرافضل ثابت ، مشق سخن کرد . بامحمدعلی حزین همدم بود . جزنستعلیق ، شکسته و ثلث را نیک می نوشت . آخر عمر منزوی شد و بسال ۱۲۰۰ دراطراف جونپور درگذشت .

Marfat.com

۸۱۰) گلشنی کاشانی

ابتدا سنگ‌فروشی می کرد و بعد بدربار شاه‌طهماسب راه‌یافت وظاهراً بتعلیم کودکان دربار پرداخت. مردی صاحب وعاشق پیشه بود. شعرمیگفت ونستعلیق رابامزه‌می نوشت. بعتبات سفر کرد وازآنجا بشوشترافتاد ودرتاریخ تألیف تحفهٔ سامی (سال ۹۵۷) هنوز دراین شهر می زیست.

---

۸۱۱) گوهر شاد

دختر میرعمادسیفی حسنی قزوینی، بزرگترین نستعلیق نویس است. میرزا سنگلاخ گوید که، همسر میرمحمد علی خدیوالخطاطین است و فرزند بسیارآورد که همه خوشنویس شدند.

گوهرشاد پس ازقتل میر تاسال ۱۰۳۲ دراصفهان وسالهاسوگواربود وچون بیش تاب اقامت دراین شهر نیاورد، بقزوین رفت و همانجا بود تا بسال ۱۰۳۸ درگذشت. خط نستعلیق را ازپدرخود تعلیم گرفته است ودرمیان زنان خوشنویس کسی‌را به‌زبردستی او درخط نستعلیق ندیده‌ام. ازخطوط وی دیده‌ام:

یک‌نسخه گلستان‌سعدی، بقلم کتابت خوش بلکه عالی درکتابخانهٔ سلطنتی وبااینکه رقم‌صریح وتاریخ: «کتبه‌العبد المذنب گوهرشادغفرله [کذا] ۱۰۲۵ دارد، محمد کاظم واله خوشنویس، درپشت‌این نسخه، آنراازخطوط خوب میرعماد تشخیص داده است؛

یک قطعه، بقلم نیم دو دانگ خوش بآب‌زر، با رقم: «نمّقه گوهرشاد، ۱۰۳۰» درمجموعهٔ نگارنده.

Marfat.com

ل

۸۱۲) لاله درگاپرشاد

درشاه جهان نامه آمده است که ، فرزندلاله دیاناتهه و از خوشنویسان و تندنویسان هندوستان بود ونستعلیق وشکسته هردورا خوش می نوشت و باردو شعر میگفت و «مضطرب» تخلّص می کرد و بزبان فارسی آشنا بود ودر شاعری شاگرد محمد عیسی تنها بود . دراوایل دههٔ نهم ازسال ۱۲۰۰ درلکنهو درگذشت .

---

۸۱۳) لاله لچهمی رام پندت

درشاه‌جهان‌نامه است که ، منشی زبردست و بزبان فارسی و عربی مسلط ، ونقاشی چیره‌دست بود ونستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت ودرسر کار ذوالفقار‌الدوله میرزا نجف خان صدر اعظم شاه عالم (متوفی سال ۱۱۶۹) با احترام میزیست .

نستعلیق را ازمحمد حفیظ‌خان تعلیم گرفته بشیوهٔ او می‌نوشت . سرانجام ازبینائی چشم‌پوشید . تاریخ وفاتش را لاله‌سنکرناتهه ، چنین بنظم آورده است :

از نظر چون رفت شمع بزم علم — تیره شد عالم بچشم مردمان

یعنی آن شاهنشه ملک سخن — فیض بخش کودک و پیر و جوان

. . . . . .

قادر دل خسته تاریخش بگفت — (رفت لچهمی رام صد حیف ازجهان)

که می‌شود سال ۱۲۲۸ .

---

۸۱۴) لامع نسفی

شاعر بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت. هنگام تألیف تذکرهٔ نصرآبادی (حدود سال ۱۱۰۰) هنوز درقید حیات بود.

لسان‌الملک = هدایت‌الله کاشانی

۸۱۵) لطفا اصفهانی

از نستعلیق نویسان‌قرن‌دوازدهم‌است ومحمدصالح اصفهانی درتذکرهٔ خود گوید که، بهندرفت وظاهراً در زمان حیات مؤلف این تذکره (متوفی ظاهراً سال ۱۱۲۶) هنوز درقید حیات بوده‌است.

---

۸۱۶) لطفا تبریزی

اونیز از نستعلیق نویسان قرن دوازدهم‌است وبقول محمدصالح اصفهانی، اوهم بهندوستان سفر کرده است.

لطف‌الله = شمس‌محمد

۸۱۷) لطف‌الله لاریجانی ـ سید

از کاتبان گمنام‌قرن‌سیزدهم وظاهراً درد ربارفتح علی‌شاه‌قاجار، بامر کتابت اشتغال‌داشته وشعر می گفته است. ازآثار تفنّنی‌او، یک‌نسخه گلستان سعدی در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است، بقلم کتابت متوسط، بارقم و تاریخ: «حرّره لطف‌الله الحسنی‌غفرله ۱۲۳۷». این نسخه ازابتدای گلستان شروع وبه‌نیمه‌تمام شده‌است وبعد نیمهٔ‌دوم، وارونه‌اززیر آخرین کلمهٔ آخرین‌سطر نوشته، شروع شده وپایان گلستان یعنی آخرین کلمهٔ‌آن بزیر اولین کلمهٔ گلستان، پایان می‌پذیرد.

دیگر یک‌نسخه مجموعهٔ‌غزلیات ورباعیات‌سعدی، درمجموعه آقای‌دکتر

مهدوی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «درعهد . . . فتح علی شاه . . . بترقیم دیوان همایون . . . شیخ سعدی شیرازی پرداخته ، استثال خدمت دانسته . . . تحریریافته‌است . . . وانا الفقیر الحقیر ابن محمدزمان ، لطف‌الله الحسنی لاریجانی ، غفرلهما و ستر عیوبهما ، سنهٔ ۱۲۳۸ هجریه . . .»

دیگر یک‌نسخه دیوان حافظ ، در کتابخانهٔ مرحوم سیدعبدالرحیم خلخالی بقلم کتابت جلّی خوش ، بارقم وتاریخ : «حسب الامر شاهنشاه . . . فتح علی شاه قاجار . . . بترقیم دیوان همایون خواجه حافظ شیرازی پرداخته . . . حرّره العبد الحقیر ابن محمدزمان ، لطف‌الله الحسنی غفرالله لهما ، سنهٔ ۱۲۳۷

بامر پادشه تاج بخش ملک پناه

پناه عالم و جان جهان و ظل آله

گشوده بر ورق از نوک خامهٔ مشکین

خطی چو خطّ جوانان لطیف، لطف‌الله »

---

۸۱۸) لطف‌الله بن مصطفی

از کاتبان گمنام قرن نهم وبخط وی یک‌نسخه جنگ اشعار متفرقه در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم نستعلیق کتابت جلی متوسط ، بشیوهٔ سلطان علی مشهدی ورقاع کتابت خوش ، بارقم : «چاکر آل عبا لطف‌الله بن مصطفی» .

---

۸۱۹) لطف علی تبریزی

ملقب به صدرالافاضل از تعلیق نویسان زبردست قرن اخیر است . سایر خطوط ونستعلیق را نیز نیکو می نوشت . ترجمهٔ احوالش درضمن شکسته تعلیق نویسان آمده است . ازخطوط نستعلیق وی ، بسیاری ازعبارات وعناوین کتاب «مسدّس» نسخهٔ کتابخانهٔ سلطنتی است ، که بقلمهای ازدودانگ تا کتابت خفی خوش نوشته است .

Marfat.com

۸۲۰) مالك ديلمى

اصلش از فیلوا گوش قزوین واز معاریف دیلمیان که خاندانی شریف بودند ودرقزوین زیست می کردند ، بود واینکه صاحب کتاب «دانشمندان آذربایجان» اورا تبریزی دانسته ، جز او کسی متذکرآن نیست .

مالک بسال ۹۲٤ متولد شد ودر ابتدای زندگی نزد پدرخود «شهره امیر» تعلیم خط ثلث و نسخ گرفت ودر این خطوط شهرت یافت ، چنانکه گویند، خط نسخ ویرا کسی از خط یاقوت تمیز نمی داده است . بعدها بفرا گرفتن خط نستعلیق پرداخت و بقول صاحب قواعد خطوط ، هنگامی که رستم علی و حافظ بابا جان بسال ۹٤٤ بقزوین رفتند ، از ایشان تعلیم خط نستعلیق گرفت وخود مالک درمقدمهٔ مرقعی که ذکرآن خواهد آمد ، بخط خود نوشته است : «وجناب مولانا رستم علی . . . حافظ باباجان عودی و راقم حروف و استاد مظفرعلی را واسطهٔ وصول سند بمولانا سلطان علی ، اوست» .

بعضی گویند که، خط نستعلیق را از میرعلی هروی تعلیم گرفته است وصاحب مناقب هنروران و محمدصالح اصفهانی هم متذکر این مطلب است ؛ ولی خود او گوید که، بعضی گفته اند: فقط از قطعات خطوط میرعلی مشق کرده ، وصحیح همین است ، زیرا که مسافرت مالک بمشهد بسال ۹٦٤ وزمانی بوده که میر علی دوازده سال پیش، درگذشته بوده است ؛ و بنا براین قول میرزا حبیب نیز درست نیست که گوید : عبید خان ازبک او را ببخارا برد و همانجا بود تا بسال ۹۰۹ درگذشت .

میرزا سنگلاخ بمعمول خود ، افسانه ای تراشیده و آورده است که : مالک

نزد میرعلی هروی مشق کرد وبا خواجه‌محمودشهابی شاگردمیرعلی رقابت‌داشت و خواستگاردختر میرعلی بود. واین خلطرا ازاینجا کرده‌است که صاحب گلستان هنر گوید : مالک نزد خواجه جمال الدین محمود شیرازی شرح تجرید و حاشیه وغیره میخواند.

شاهزادهٔصفوی ابوالفتح سلطان ابراهیم میرزا درآغازشهرت مالک ، ویرا نزد خود خواند و مالک درکتابخانهٔ آن‌شاهزادهٔ هنرمند هنرپرور بکتابت و تعلیم خط مشغول شد و هنگامی که‌بسال ۹٦٤ سلطان ابراهیم‌میرزا بمشهدرفت ، مالک نیز همراه او بود وپس‌ازیکسال‌ونیم اقامت درمشهد ، چون شاه‌طهماسب عمارات دولتخانهٔ قزوین را باتمام رسانیده بود ، مالک‌را برای نوشتن کتیبه های عمارات ، احضارکرد وسلطان‌ابراهیم میرزا مالک‌را روانهٔقزوین کرد ومالک بکتیبه‌نگاری پرداخت ودرایوان چهل‌ستون ، غزل حافظ راکه مطلعش این است :

جوزا سحر نهاد حمایل برابرم　　یعنی غلام‌شاهم‌وسوگندمیخورم

بسال ۹٦۹ بر بوم طلا بلاجورد و غزل حسام‌الدین مدّاح راکه مطلعش این است :

ما غلامان شاه مردانیم　　رهبری غیراز او نمیدانیم

درسردرها و پنجره‌های ایوان و تاریخ بنا راکه حاج عطاءالله وراسینی در یک قطعه چهاربیتی آورده و این است :

شه ازسال تاریخ پرسید ، گفتم :　　(بهشت برین است خیرالمنازل)

نوشت وپس‌ازاتمام کتیبه‌نگاری ، مکرر رخصت مراجعت بمشهد خواست وسلطان ابراهیم میرزا بدفعات ازمشهد مراجعت‌مالک‌را بمشهد از پادشاه خواستار شد ، ولی شاه طهماسب اجازهٔ مراجعت نداد و همچنان مالک درملازمت شاه در تبریز و دیگرشهرهابود ، تادرتاریخ هجدهم ذی الحجهٔ سال ۹٦۹ ، درقزوین درگذشت و همانجا بخاك سپرده شد. تاریخ وفاتش راکسی ازمعاصرین‌او چنین بنظم آورده است :

Marfat.com

صدحیف کز جهان رفت ، مالک یگانهٔ عصر

خطاط بود و فاضل ، درویش بود و سالک

یاقوت عصر خود بود ، روزیکه ازجهان رفت

تاریخ فوت او شد (یاقوت عصر ، مالک)

این ماده تاریخ که در وفات مالک گفته شده سال نهصد وشصت وهشت را می نماید ، که ظاهراً درست نیست وقائل آن ، زیبائی لفظ را به بیان تاریخ واقعی که امثال این نوع تسامحات در بعضی ماده تاریخهای دیگر نیز مشهود است راجح شمرده . تاریخ وفات مالک دیلمی درسال نهصد وشصت و نه اتفاق افتاده و علی الظاهر اشکالی در آن نیست . حافظ حسین بن الکربلائی نیز در بیاض خود با این عبارت تصریح کرده است « وفات مولانا مالک دیلمی نادر العصر بل الاعصار فی یوم- الاربعا ۱۸ ذی الحجة حجة تسع وستین وتسعمائة» .

مالک هنرمندی مهربان و پرهیز گار بود و از شعر و معمّا و موسیقی وقوف داشت و گاه اوقات را صرف مطالعه و مباحثه می کرده و از اکثر علوم متداول مانند صرف ونحو ومعانی وبیان ومنطق و ریاضیات وحکمت بهره‌مند بوده‌است ودر اوایل حال که درسلسلهٔ قاضی جهان وکیل اردوی شاه‌طهماسب بود وعالم شهیر خواجه جمال الدین محمود شیرازی نیز درآن جمع ؛ مالک نزدوی تحصیل علوم عقلی میکرد .

مالک شعر نیز میگفت و جز قطعاتی که درضمن مقدمهٔ مرقع خواهد آمد ، صاحب روضات الجنان ، این قطعه را بوی نسبت داده که دربارهٔ عبدالله صیرفی خطاط سروده است :

صیرفی ناقد جواهر خط — که به تبریز بود گوهرریز

هست برحسن خط او شاهد — در و دیوار خطهٔ تبریز

ازشاگردان وی ، نام محمد حسین تبریزی و شاه محمد مشهدی و عیشی و قطب الدین یزدی را ذکر کرده‌اند ؛ اما اینکه بعضی گویند که میرعماد ابتدا نزد

وی تعلیم خط گرفت ؛ اگر چنین باشد باید میر عماد در کودکی که منتهی شش سال داشته است ؛ نزد مالک مشق کرده باشد .

یک مرقع ممتاز در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول موجود است که با بهترین خطوط خوشنویسان و تصویر مصوّران و تذهیب مذهّبان قرن نهم و دهم، آرایش یافته است .

این مرقع در ایام سلطنت شاه طهماسب اول به امر امیر حسین بیک که از رجال دربار سلطان مذکور است ، بدستور و سرپرستی مالک دیلمی جمع آوری و تنظیم و تزیین و تجلید شده است و مالک خود بر آن مرقّع دیباچه و مقدمه ای ، در ذکر ترجمهٔ احوال خوشنویسان و نقّاشان و مذهّبان و دیگر هنرمندان انشاء کرده و بخط خود نوشته است ، که از حیث مطالب تاریخی و فنی هنری ، با ارزش و نمونه ای از بهترین خطوط شخص مالک و انشاء اوست .

متأسفانه نمیدانم این مرقع در چه زمان از صورت اصلی بیرون آمده و متفرق شده است که اکنون در قسمت موجود از میان و آخر ساقط دارد و قسمتی از آن بمرقع سید احمد مشهدی (که ذکر آن گذشت) منتقل شده و آنچه موجود است نیز پریشان و اوراق آن در محل اصلی در جای خود نیست ، چنانکه مقدمهٔ مرقع در وسط و دیباچهٔ آن در مرقع سید احمد مشهدی قرار یافته است .

باوجود نواقصی که در این مقدمه موجود است باز مغتنم ، و تمامی آنرا هرچه هست ، در اینجا نقل می کنم :

« نفیس ترین دیباچه ای که مرقع پوشان صوامع قدس ، برای جلای ابصار ناظران مذهب و مهذب سازند، و شریف ترین سفینه ای که مروق پوشان جوامع انس، بجهت صفای اذهان حاضران ، مزین و مرتب گردانند؛ کتاب حمد و ثنای مدبری است که صفحات صحیفهٔ عالم کن فیکون بخامهٔ کاف و دوات نون ، مرقوم ساخت و نسخهٔ شکر و سپاس مصوری که اوراق جریدهٔ امکان بصور نبات و حیوان و نقوش نفوس انسان پرداخت .

ذات او خارج از درون و برون — فعل او فارغ از چگونه و چون
پاك از آنها که غافلان گفتند — پاك تر زانکه عاقلان گفتند

Marfat.com

و خلاصهٔ لطایف موجودات و نقاوهٔ صحایف مکونات ، ذات قدسی سمات حضرت خاتم النبیین محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم و حضرت امیرالمؤمنین علی المرتضی صلوات الله وسلامه علیه واولاده المعصومین ائمة الهدی علیهم افضل الصلوة والسلام والثناء گردانید.

ساخت ایزد وجود ایشان را رقم اصل لوح انسان را
انبیا گرچه محترم بودند هر یکی صفر این رقم بودند
گرچه پیشند وبیش ازین چه غمست پیشی صفر بیشی رقمست

اما بعد، نموده می‌آید که درین اوقات با برکات که صفحات ایام و لیالی، چون اردیبهشت ماه جلالی ، بارقام انوارهدایت ونقوش آثار ولایت نواب کامیاب شاه دین پناه، آنکه از القاب رسمی اعراض فرموده و ذات اشرف خود را از کمال شرف بدین عبارت ستوده ، که خاك آستانهٔ خیرالبشر صلی الله علیه وآله وسلم ، رواج دهندهٔ مذهب ائمهٔ اثنی عشر صلوات الله وسلامه علیهم، غلام علی بن ابی طالب علیه الصلوة والسلام ابوالمظفر شاه طهماسب الحسینی الموسوی الصفوی ، اشاع الله تعالی نعم عدالته و سلطنته علی العالمین؛ منقوش و مزین است. و همچنانکه بمؤدای حقیقت انتمای، هوالذی انشأ جنات معروشات ، وغیر معروشات درمنازل آب و گل بجای کلبه های منخفض وخانه های بی صفا ، بناهای سرتفع و قصور دلگشا افراخته ودرصحاری پرخار ، بدل حشایش واحجار ، جنات تجری من تحتها الانهار، ساخته ؛ همچنین بمقتضای اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم ، زمین جان و مزرع جنان عساکر و رعایا را از خار اعتقادات فاسده و خاشاك عصیان و معانده ، پاك گردانیده و گلبن صلاح وتقوی ونهال ولای اهل بیت رسول خدایرا علیهم الصلوة والتحیة والثناء ، بجای آن نشانیده . (نظم)

برون بینم اوصاف شاه از حساب نگنجد درین تنگ میدان کتاب
زبان آوری کاندرین عدل و داد ثنایش نگوید ، زبانش مباد
تنش باد پیوسته چون دین درست بداندیش راتن چو تدبیر سست

و اعیان دولت قاهره و ارکان سلطنت باهره ، بعد از آنکه از سعادت خدمت و شرف زمین بوس ، مفتخر و مشرف گشته، بمنازل خود باز می گردند؛ چون قیام بطاعات و اشتغال بعبادات می‌نمایند، صحبت با فضلا و اهل کمال می‌دارند، و همت بر مطالعهٔ کتب و ملاحظهٔ خطوط می گمارند ؛ خصوصاً امارت و حکومت پناه ، رفعت و حشمت دستگاه ، ناظم مناظم الحکومة برأیه المتین ، وصالح مصالح الامارة بفکره الصائب المبین ، منبع المکارم والاحسان ، و مجمع المروة و الامتنان ، جامع محسنات معنوی و صوری ،

حاوی حیثیات و کمالات ضروری ، کمالاً للامارة و الحکومة و الرفعة و العز و الاقبال ، حسین بیک مدظله العالی ، که با وجود مناصب عالیه و مهام عظام ، میل خاطر شریف و همت بلند بر مجالست ارباب فضل ومؤانست اهل هنر و کمال میگمارند و در اثنای صحبت ، گاهی مشغولی بمشق خط دقیق نسخ تعلیق ، که باتفاق اهل هوش و فضل ریحان تازهٔ بستان ، الخط نصف العلم است ، مشغولی می فرمایند وباندك توجهی بوجهی ، آن خط مضبوط القواعد و کثیر الفوائد از قلم مشکین رقم، صورت ارتسام داده‌اند، که موجب حیرت ارباب خبرت می‌شود. و همچنین بهر هنر که دراندك فرصتی مداومت نمودند ، بخوبترین صورتی انجام فرمودند. اما کمال شرف در مداومت بندگی و اطاعت و ملازمت فرمان‌برداری و طاعت بندگان نواب کامیاب اشرف اعلی همایون دانسته ؛ لهذا صورت حسن اخلاص و نیکو بندگی آن امارت و حکومت پناه بر صفحات آئینهٔ ضمیر انور و مرآة خاطر اقدس اطهر مرتسم گشته، بعد از آن که منصب عالی خزانه‌داری بدو رجوع فرموده بودند ، چون پدر صاحب جاه عالی مقدارش ، قدوة الامراء العظام، مرجع الحکام الکرام مؤتمن الحضرة العلیة البهیة الخاقانیة، الواصل الی جوار الالطاف الرحمانیة ،حسن بیک یوزباشی، که از غایت شهرت نام ، حاجت به بیان علو منصب و مقام ندارد؛ ازین دیر فانی بدار باقی رحلت نمود ؛ شفقت و عنایت شاهی و مرحمت و عاطفت نامتناهی ، شامل حال این فرزند نامدار سعادت آثارش که اکبر اولاد و اشرف اقوام و احفاد است ، فرموده ، جمیع مناصب والکا و ملازمان عظام آن عالیجاه غفران پناه‌را بمزید الطاف و مراحم بی‌دریغ شاهانه بدومفوض و رجوع فرمودند ودر تاریخ این احوال ، راقم حروف مالک الدیلمی را ، رباعی روی داده :

چون رفت حسن بیک ازین دیر تباه
شه داد حسین بیک را منصب و جاه
بر جای پدر نشست و تاریخ نوشت
(بادا همگی بر سر ما سایهٔ شاه)

و چون بتقریب مشق این رفعت و امارت پناه ، هر یک از مخلصان صادق و یاران موافق، خطوط و تصویرات، بنظر شریف ایشان میرسانیدند و رسائل مقبوله می گذرانیدند و هریک بخلعتهای دلپسند و انعامات ارجمند ، محظوظ و بهره مند می گشتند. تا آنکه قطعه های نفیس که هر یک چون قطعهٔ یاقوت، صفاو قیمتی تمام داشت و رسائل حسن الخط و المسائل که بازینتی مالا کلام بود بهم میرسید و صفحات صور حسنه و اوراق نقوش

مستحسنه که هریک ازاستادی کامل بدقت تمام حاصل شده بود، باآن خطوط منضم گردید ؛ بنابراین بخاطر قرارداد ند که ازاین جواهر نفیسه واستعۀ شریفه ، سرقعی ترتیب فرمایند که هر ورقی ازآن چون خلعت فاخر زرنگار سرصع بجواهر ولالی آبدار باشد؛ بلکه هریک صفحۀ آن بمثابۀ گلشنی آراسته که سبزۀ آن از ارقام عنبرین فام و گلهای فرح فزایش از نقوش و تذهیبات با صفا و اندام بود و جدول اطرافش بمنزلۀ جداول و انهار ، که ازعکس سبزه و گل ، قوس و قزح وار ، رنگ زر و شنگرف و زنگار گرفته و نقوش طیور و اشجار بر حواشی آن چون بلبل خوش الحان و کبک خراسان باشد وصورتهای مطبوعش چون جوانان رعنا وصاحبان هوش و غنا که در آن بساتین بسیر و کسب هوا مشغولند (نظم)

هر قطعۀ خط دلفریبش — کز جدول و حاشیه است زیبش
باغیست بچشم خط پسندان — پر سبزه و غنچه های خندان

تا همچنانکه در مجلس آن صاحب مروت و احسان، ذوق ارباب شوق از جمیع مرغوبات حسی لذتی کامل دارد ، همچنین بصر اهل فهم و بصیرت از ملاحظۀ لطف صورت خطی و مشاهدۀ حسن صورت ، حظی شامل یابد. (بیت)

چار چیز آمد که یابد دیده و دل نور ازآن
خط خوب و روی خوب و سبزه و آب روان

وچون راقم این حروف را نسبت با این عالیجاه اقبال پناه ، رابطۀ مؤانست وعلاقۀ ملازمت ، مؤکد بود و همگی در مجلس عالی ایشان بمزید التفات و احسان از امثال و اقران ، امتیاز داشت و گاهی بمباحثۀ قواعد خطی و نوشتن سطور مشقی، مأمور و مشرف می‌شد و صورت اخلاص این مخلص در آن آئینۀ خاطر نقش بسته ، لطف و شفقت در تحسین و تعریف خطوط شکسته بستۀ این دلخسته می‌فرمودند ؛ واجب و لازم دید که بآنچه از دست آید ، در خدمت نوشتن قطعات و رسائل اقدام نماید و بعون الله تعالی و حسن توفیقه ، در بحر عمیق ، الخط هندسة روحانیة تظهر بآلة جسمانیة ؛ غواصی نمود و اصداف لالی و درر بساحل نظر اهل هوش و بصر رسانید . اگر چه از حیثیت بیقدری راقم ، در دیدۀ بی‌ذوقان چندان قدری نداشت، اما چون بنظر سعادت از جوهریان بازارفهم و نظر درآمد. بیمن شرف قبول و تشریف تعریفشان از جواهر گرامی و گهرهای نامی بر سر آمد. (نظم)

جوهری قدر خط من داند — ورنه در دهر مهره بسیارست
زان جهت خط من بود شیرین — که نی کلک من شکربارست

Marfat.com

و همچنین جناب استادالدهر و نادرالعصر جامع فنون‌حیثیات علمی و عملی‌استاد مظفرعلی، که جناب‌استادالبشر، معروف‌الزمان‌ومشهورالدوران، استاد بهزادرا ، هم‌شاگرد بلاواسطه و هم‌خویش‌است و در جامعیت فنون استادی‌ازو بیش، صفحات تصویر دلگشا و ارقام گرفت و گیر، یاقوت و صفا ، قطعات مرقومه و محرره برقم و قطع وتحریر خود که هر یک مایهٔ حیرت استادان ماهر و مصوران کامل‌است ، مرتبه مرتبه ، سبب زیب و زینت خطوط و قطعات سابقه می‌نمودو مختلف التفات ونوازش‌از آن صاحب‌جود واحسان مشاهده می‌فرمود ، تا باندك مدتی بسعی و اهتمام دو نادرهٔ فن خود ، حافظ کلام مجید ملامسیح‌الله مذهب و جلال‌بیک‌افشانگر ، اوراق این مرقع بهتر از آنکه در آئینهٔ خیال مرتسم بود ، صورت ترتیب یافت و اکثر حواشی آن اوراق مزین و مذهب بحل کاری استاد مظفرعلی مشارالیه شد.

و سردفتر استادانی که این‌مرقع بخط شریفشان مزین‌است ، جناب استادالماهرین و افتخارالمعاصرین، الذی هویاقوت‌فنه ، و علی رقاب الکتاب طوق‌منه ، المؤیدبالفیض‌السرمدی، مولاناسلطان‌علی‌المشهدی‌است؛ که هرنقطه‌از کلک‌شیرین حرکاتش، زبانیست در تعریف او ، زبان قلم شکسته رقم امثال ما را چه حد توصیف او ؛ کسی که از جام ذوق کاسی گرفته،چون تأمل نماید در همین‌مفردات که‌از قلم مشکین رقمش مرزده و این مرقع بآن مزین شده ؛ هر دایره از حروف آن سطور قدحی از شربت نبات یابد که مذاق جان شیرین کند؛ و هر الفش میلی‌بر کحل سرور بیند که دیده را نور دهد. (نظم)

خط یاقوت را آنها که دیدند — از آن سطری بیاقوتی خریدند

اگر یاقوت این خطرا بدیدی — ازین حرفی بیاقوتی خریدی

و نسبت شاگردی‌ایشان ، بجناب مولااظهر هروی است، اگر چه سرخط ازاو نگرفته‌اند، اما از روی کتابات و قطعاتش مشق نموده‌اند.

و مولانا اظهر شاگرد مولانا جعفر تبریزی است.

و او شاگرد خواجه‌امیرعلی‌تبریزی است ، که واضع‌اصل این‌خطست و بعد ازاو مرتبه‌مرتبه ، صفا و تیزی قلم برآن افزودند، تا آنکه جناب مولاناسلطانعلی‌بکمال رسانید و ازغایت قوت تصرف و انگیزهٔ خیال بروشهای مختلف نوشت. و هر شاگردی از خرمن فیض او خوشه و از خوان رقمش ، توشه یافت .

و ازجمله شاگردان او ، آنها که مشهورند و این مرقع بخطوطشان آراسته است ، یکی مولانا سلطان محمدخندان است و دیگری مولانا سلطان محمدنور و مولانا علاءالدین

Marfat.com

محمد هروی و مولانا زین الدین محمود داماد، که استاد جناب نادرهٔ عصرفی فنون الفضایل المختص باللطف الجلی، مولانا میرعلی روح روحه است.

ومولانا عبدی نیشابوری که استاد وخال جناب کمالات معنوی وصوری ، مولانا شاه محمود نیشابوری سلمه الله تعالی است.

و مولانا غیاث الدین مذهب و مولانا محمد ابریشمی و مولانا محمدقاسم شادیشاه و مولانا شمس الدین محمد کرمانی ومولانا پیرعلی جاسی وجناب مولانا رستم علی، زید برکاته که نادرهٔ عصر واوانند؛ حافظ باباجان عودی و راقم حروف و استاد مظفرعلی را واسطهٔ وصول سند بمولانا سلطانعلی ، اوست .

و از مولانا میرعلی دو شاگرد ، مشهور شدند : یکی جناب سیادت مآب ، سید احمد مشهدی؛ و جناب فضایل ایاب ، خواجه محمود بن اسحق شهابی سلمهما الله تعالی .

وصاحب النظم والخط، ملاعیشی هروی است، که شاگرد ملاسلطان محمد خندان است .

و مولانا یاری هروی، شاگرد ملامحمدقاسم شادیشاه است .

و اما استادان روشهای دیگر که بعضی معاصر جناب مولانا سلطانعلی مشهدی بوده اند، و بعضی پیش ازو، بهترین ایشان، جناب افادت مآب مولانا عبدالرحیم خوارزمی مشهور بانیسی است ، که شاگرد مولانا اظهر بوده ، اما در تکلف و اصلاح افزوده .

و برادرش ملاعبدالکریم خوارزمی شاگرد اوست .

و مولانا سلطان علی قائنی و مولانا سلطان علی سبز مشهدی، شاگردان ملااظهرند.

و مولانا شیخ محمد اسامی و برادرش مولانا غیب الله اسامی ، که هروی المولد ، گیلانی المسکن اند، شاگردان مولانا اظهرند.

و مولانا شیخ محمود زرین قلم که خمسهٔ غبار کتابت نموده، معاصر ملااظهر وشاگرد ملاجعفر تبریزی است ...

... الحق سرقعی صورت اتمام یافته، که اگر ناقدان خزاین خطوط و صور همیشه بنظر نظر دقیق سازند رواست ... تاریخ اتمامش جناب فصاحت شعار سعادت آثار میرزا محمد امینی نظم نموده :

سرقعی که حسین بیک کرده است انشاء
پی نظارهٔ آن مهر طلعت مهوش

Marfat.com

سفینه ایست مزین بصورت و معنی
جریده ایست مرصع بجوهر تیغش
پی حساب بتاریخ این خجسته رقم
بچشم لطف نگر در مرقع دلکش

.....

چون حسین بیک از کرم ترتیب داد — این کتاب جانفزای دلگشا
شد گلستانی که گلهایش بود — قطعه های با صفای دلگشا
کرد مالک بهر تاریخش رقم — (گلشنی از قطعه های دلگشا) »

چنانکه گذشت، این مقدمه و رساله پریشان و ناقص است ، چنانکه ذکر خوشنویسان بنام « شیخ محمود زرین قلم » تمام میشود و بقیهٔ مطالب خاتمه که نقل شد ، در مرقع «سید احمد مشهدی» که ذکر آن گذشت ، قرار یافته است .

ازآثار خطوط مالک آنچه دیده‌ام ، جز مقدمهٔ مشروح مرقع مذکور، که بقلم نستعلیق دودانگ عالی است ، ۶ ، قطعه از بهترین مشقهای وی در این مرقع جای گرفته که بقلمهای از پنجدانگ تا غبار عالی است . بعلاوه در همین مرقع رساله‌ای بخط وی هست در چهل و یک باب ، که آنرا بطریق چهار چهار ، بقلم نیم دو دانگ عالی ، نگاشته است وچنین تمام میشود :

«خدم بکتابتها باشارة الامیر الکبیر، مقرّب الحضرة العلیّة العالیة ، صاحب‌ـ الکمال والجود والاقبال ، نظاماً للدولة و الحشمة و الرفعة والاجلال ، حسین بیک مدّ الله ظلال حکومته و افضاله ، فی شهور سنة ۹۶۷ . و انا العبد مالک الدیلمی غفر له .»

و نیز قطعه‌ای از همان مرقع بخط مالک ، غزلی از خود اوست که عیناً نقل میشود :

برسر کویت منم با چشم گریان آمده
دیده صدجو را زپی یک لحظه دیدار آمده

Marfat.com

توز بی‌رحمی نداده بار در بزم خودم
من ز بس بی‌طاقتی ، هر روز صد بار آمده
امتحان بس ، رحم کن جانا ، که از کویت بسی
رفته‌ام نومید و با امید بسیار آمده
مالک از آئینهٔ روی تو می گوید سخن
طوطی طبعش از آنرو نغز گفتار آمده
مشّقه ناظمه ، غفر ذنوبه .»

دیگر از آثار وی ، یک نسخه مناجات حضرت امیر و یک نسخه مفردات نستعلیق است، بقلم سه دانگ و دو دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بارقم : «مشّقه العبد المذنب الراجی الی رحمة ربّه‌الغنی ، مالک‌الدیلمی غفر ذنوبه و ستر عیوبه بدارالسلطنة تبریز ، فی‌سنة ۹۰۵» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک نسخه رسالهٔ باب حادی عشر ، بقلم کتابت خوش که چنین تمام می‌شود : «تشرّف بتحریر هذه‌النسخة الشریفة و استسعد بمطالعتها العبد الفقیر الی عفوه سبحانه مالک‌الدیلمی ، ختم الله بالحسنی ، فی شهور سنة ۹۰۶ من الهجرة» در کتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

رساله حسن ودل ، فتاحی نیشابوری ، بقلم کتابت جلی خوش، که چنین تمام می‌شود : «مخترع منظوم ومنثور ، اقل العباد ، فتّاحی نیشابوری ، والحمدلله وحده . سوّده مالک ، فی سنة ۹۰۴» در کتابخانهٔ عمومی ، لنین گراد ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش، که رقم آن بقلم رقاع کتابت عالی چنین است : «نمّقه العبد الفقیر ، مالک‌الدیلمی ، غفرله ، فی شوال سنة تسع وستین و تسعمائة .» در همان کتابخانه ؛

و نیز ۷ قطعه متفرق و ضمن مرقعات دیگر ، در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛ کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛ کتابخانهٔ ملی ، وین (ضمن مرقع سلطان مراد) ؛ مجموعهٔ آقای مهدوی و نگارنده ، که یکی تاریخ سال ۹۶۸ دارد . و رقمهای :

Marfat.com

«مالک» و « مالک الدیلمی ».

درجزو مجموعهٔ نگارنده بخط مالک منتخبی است از سبحة الابرار جامی که خود وی آنرا انتخاب کرده و اشعار برگزیدهٔ او درحدود چهارصد بیت است وخود در پایان کتاب دارد :

این نسخه که پرزیب تر از گلزار است
گلهای مناجات درو بسیار است
چون لؤلوی شاهوار هر بیتی از او
درّ های عقود سبحة الابرار است

«حسب الاشارهٔ جناب وحید الافاق جامع مکارم الاخلاق المولی عبدالمحسن سلّمه الله و ابقاه و وفّقه لما یحب و یرضاه ، صورت انتخاب گرفت و سمت استکتاب پذیرفت ، فی ذی قعدة حجة خمسین وتسعمائة هجریة . کاتبها داعی صاحبه الفقیر مالک غفرالله ذنوبه وستر عیوبه .»

این کتاب بقلم کتابت جلی خوش ، نوشته شده است .

با اینکه مالک را بخوشنویسی اقلام شش گانه ستوده اند ، اثری از این اقلام بخط وی جز چند سطر بخط رقاع کتابت عالی که در مرقّع امیرحسین بیک و قطعهٔ کتابخانهٔ لنینگراد نوشته است ، ندیده ام و همین اندك مایه ، نموداری از تسلط وی درآن اقلام است . از کتیبه هائی که گفته اند درعمارات قزوین نگاشته است ، ظاهراً اثری باقی نمانده است ؛ یامن نتوانسته ام بیابم .

همچنین ازقرآنی که صاحب گلستان هنر کتابت آنرا بخط نستعلیق باو نسبت داده است ، که ناتمام مانده ، اثری بجای نیست وشاید خوشنویس دیگری کتابت آنرا تمام کرده ودر پایان بنام خود آنرا رقم کرده باشد ، که نظیر آنرا دیده ایم .

Marfat.com

۸۲۱) مالك قمی

نستعلیق را جلی وخفی خوش می نوشت ودرقم به درویشی و کتابت اشتغال داشت و چون از قم بیرون نرفت ، خط وی شهرت نیافت . هنگام تألیف گلستان هنر (حدود سال ۱۰۰۲) هنوز در قید حیات بود واینکه سپهر وفات وی را سال ۱۰۲۷ ضبط کرده ، درست نیست .

---

۸۲۲) مانی شیرازی

میرزاحبیب گوید که ، در ابتدا برزگر بود وبعد سپاهی شد ودر رکاب شاه اسمعیل اوّل صفوی بمقامات عالیه رسید .

شعر می گفت وخوش می نوشت و در تبریز مقتول و درسرخاب مدفون شد . صاحب روضات الجنان قبر او را درمزارات سرخاب تبریز بجانب دست راست مزار پیر قندیلی نوشته ، می گوید : «که دراوایل سلطنت شاه اسمعیل صفوی نشوونما یافت وخالی ازتقرّبی نبود ؛ تاآخربه اغوای مغویان کشته گشت وآنجا مدفون است ویرا اشعار خوب است ودیوان وی درعراق و خراسان مشهور است .»

ماهر = علی قلی داغستانی

۸۲۳) ماه شرف

درمجمع الفصحا آمده است که ، از زنان جمیله و دانشمند و هنرمند و دختر ابوالحسن بیک و همسر خسروخان والی کردستان بود . شعر می گفت و «مستوره» تخلص می کرد وخطوط را خوش می نوشت وبسال ۱۲۶۳ درگذشت .

Marfat.com

مبتلا = محمد کاظم

مبتلا = مردان‌علی‌خان

۸۲۴) متین ملاجیون

در لاهور می‌زیست و مانند پدرش مکتب داری میکرد. در تذکرهٔ مردم‌دیده آمده است که، نستعلیق و نسخ را خوش می نویسد. جوان مستعدی است. فکر شعر می کند و اغلب مادهٔ تاریخ می‌سازد.

هنگام تألیف تذکرهٔ مردم دیده (سال ۱۱۷۵) بیست ساله بوده و اشعار خود را برای اصلاح نزد حاکم لاهوری، مؤلف مردم دیده می برده است.

متقی = علی

مجدالدین = ابوالفضل محمد ساوجی

۸۲۵) مجد مذهّب

از کاتبان و مذهّبان گم نام قرن نهم است، یک نسخه ترجمهٔ رشف النصایح الایمانیّة، بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی است که، بقلم کتابت متوسط نوشته است و چنین رقم و تاریخ دارد: «تم الکتاب ... فی سلخ ربیع الاخر سنة احدی و خمسین و ثمانمائة الهجریة. کتبه و ذهّبه العبد الضعیف المذنب مجد المذهّب غفرالله».

مجدالملک = تقی‌خان عبقری - میرزا

مجدالملک = محمدخان - حاجی‌میرزا

مجلسی = محمدرضا

مجنون = قاسم

مجنون = محمدحسین شیرازی - میرزا

۸۲۶) مجنون

فرزند کمال‌الدین محمود رفیقی شاعر خوشنویس است. نام اصلی وی را

نه‌خودنوشته ونه تذکره‌نویسان ذکر کرده‌اند وخودوهمگی ، اورابه‌تخلّص یاد کرده‌اند . متأخرین اورا باسیرعلی هروی ، خلط کرده ونام اورا علی دانسته‌اند .

اصل اورا بعضی هروی وبعضی مشهدی گفته‌اند ، مسلم اینست که خود وپدرش در هرات می‌زیسته واز خوشنویسان ومعاریف این شهر بوده‌اند . مجنون دررسالهٔ تألیف‌خود ، بعنوان «خط وسواد» ترجمهٔ‌احوال خودرا چنین آورده‌است:

«چون کاتب مکتوب حقیقی ، مجنون بن محمود الرفیقی ، بمقتضی ، الولد الحرّ یقلّد بآبائه‌الغرّ ، از اول طفولیت تا زمان کهولت در تحصیل خط و تکمیل اعداد سیاقت ، سعادت خدمت استادان ماهر و خطاطان نادر یافت ؛ از هر خرمنی خوشه‌ای واز هر انجمنی توشه‌ای برمی‌داشت ؛ اما چون از نقصان قابلیت درآن صنعت لطیف وازآن علم شریف ، مقصودش حاصل نگشت وازآن ممرّ دری‌نگشود ودرپناه اختراع مزید خطوط ابداع نمود که ازآن‌جمله‌است «توامان» ، قداخترعت اختراعاً خطاً غریباً مرکباً من المعکوس وغیرالمعکوس مشکّلا بشکل الانسان وغیره وسمّیته بالتّوامان فقسمته صورتین متشابهین المتقابلین ؛ برین صورت ،

توامان مخترع مجنون است کز قلم چهره گشائیها کرد

وقبل ازین درقواعدخطوط ، نسخهٔ « رسم‌الخط » نظم کرده‌بود و مایحتاج آن را بنوعی که ازاستادان شنیده بود ، بنظم‌آورده . اگرچه میل طبع موزون بنظم بیشتراست ؛ اما مبتدی را یافتن سخن نثر ازنظم پیشتر . بنابرآن درنثر نیز بهمان طریق ورقی چند ساخته شد وسطری چند درقواعد نسخ تعلیق ، که هیچ یکی از استادان پیرامن آن نگشته‌اند ؛ پرداخته آمد ، تاطالبان صورت خطی‌را حظّی‌باشد وچون مبتدیان رااز سوادآن‌حظّش ، هم خطّ و هم سواد حاصل بود ، نام‌این نسخه «خط وسواد» مناسب نمود .»

ونیز دررسالهٔ منظوم رسم‌الخط مذکور ، این ابیات ترجمهٔ حالش را بیان می‌کند :

Marfat.com

بخطّ و شعر میلم بیشتر بود — که این فضلم ز میراث پدر بود
هو الواثق بمعبود الحقیقی — که نامی شد بمحمود الرفیقی
سه کس را حق بود بر آدمی زاد — یکی پیر و دویم اب سیّوم استاد
مرا ز اول درین دیرینه مکتب — هم استاداست و هم پیراست هم اب
زعلم خط بسی تعلیم چون گنج — بخاطر بود ز استاد گهر سنج
گهر پرداز درّ های معانی — بحسن خط شده یاقوت ثانی
محقق شد که ثلثش نیست باری — بود ریحان و نسخ او غباری
بنسخ اهل خط ، هنگام تحریر — قلم دانش چو قندیل است پر تیر
چو از بهر کتابت خامه سر کرد — خط یاقوت را زیر و زبر کرد
زلفظش نکته ها بس می شنیدم — چو خود را قابل حفظش ندیدم
ز بیم آنکه این عقد جواهر — بریزد ناگهم از درج خاطر
بنظم این جواهر عزم کردم — بعزمش نیت خود جزم کردم
بصحرای تفکر رو نهادم — بدریایی پر از درّ او فتادم
درآن دریا چو غوّاصان نشستم — بسی درّ های معنی داد دستم
روانی خامه سوزن وش کشیدم — چو درّ در رشتهٔ نظمش کشیدم
کنوز شش جهت را من گشادم — رموز شش قلم را شرح دادم
بخط ثلث و توقیع و محقق — بتوفیق خدا ، گشتم موثق
چو تعلیم سه خط گردید مفهوم — سه خط دیگر از وی گشت معلوم
چو از رسم خطش تاریخ دادم — از آنش نام رسم الخط نهادم

که تاریخ تألیف آن می‌شود سال ۹۰۹ و منظومه را تقدیم ابوالمنصور مظفر فرزند سلطان حسین میرزا بایقرا کرده است و گوید :

چو آن سازونوا از وی شنیدم — برسم تحفه پیش شه کشیدم
تمامش ساختم بر نام شاهی — که قدرش راست گردون پایگاهی
ز مهر مرحمت تابان و انور — سپهر سلطنت ، سلطان مظفر

نهال تازه از باغ جوانی گلی از گلبن چنگیز خانی
بیا مجنون در انصاف بگشای ز حدّ خویشتن بیرون منه پای
چو عاجز گشتم از مدح و ثنایش سخن را ختم کردم بر دعایش

این مثنوی در حدود چهارصد بیت است و ظاهراً آن را در مدت یک ماه بنظم آورده است و در خاتمهٔ منظومه گوید :

بحمدالله که کرد این طرفه خامه تمام انشای این فرخنده نامه
به نثرش گرچه بسیاری شنیدم ولی در صورت نظمش ندیدم
بنظمش خامه را کردم گهر بار نبودم باعثی جز مشق این کار
بیمن همت مردان آگاه تمامش ساختم در قرب یک ماه
چو بر عزم شمارش دست بردم فزون از چهارصد بیتش شمردم
اگرچه نظم او بس ناروانست ولی امیدم از یزدان چنانست
که صرّافان نقد خرده دانی گهر سنجان دریای معانی
ز دانش خرده بر نظمم نگیرند وگر باشد خطایی ، در پذیرند
بیامجنون حدیث از حد فزون شد سخن زاندازه وقانون برون شد

. . . . . .

چو ختم نامهٔ این نظم کردی همان بهتر که کاغذ در نوردی
خداوندا که این نظم روان بخش مبارك باد بر شاه جهان بخش
بیامرز آنکه بی روی و ریایی کند مسکین بی کس را دعائی»

سام میرزا صفوی در تذکرهٔ خود آورده است که مجنون «رسالهٔ نظمی باسم من در بحر لیلی ومجنون بسته ، در قاعدهٔ خطی وتعریف چگونگی قلم وسیاهی ورنگ کردن کاغذ وسایتفق بها ؛ بیتی ازآن بخاطر بود ، نوشته شد :

رنگی که صفای خط درآنست از آب حنا و زعفرانست »

که البته مقصود ، رسالهٔ منظوم « رسم الخط » نیست که ذکر آن گذشت

Marfat.com

وبنابراین مؤلفات‌او تاآنجا که شناخته شد ، دو رسالهٔ‌منظوم با عنوان «رسم‌الخط» و «قواعد خطوط» ویک رسالهٔ منثور ، بعنوان «خط و سواد» است .

در گلستان هنر آمده است که ، یک مثنوی بعنوان « نازو نیاز » نیز دارد . وهم او گوید که « کتاب لیلی‌ومجنون هم ازمنظومات اوست که باسم سامی‌نواب سام‌میرزا نوشته ونواب‌میرزائی درتذکرة‌الشعرای سامی ، ذکر او نموده‌اند» ولی این یک،سهو است وچنانکه گذشت سام‌میرزا نام‌رسالهٔ منظوم قواعد خطوطرا برده است که دربحر لیلی‌ومجنون است ، نه مثنوی لیلی‌ومجنون .

باری ، مجنون مردی درویش‌وش بود وطبعی‌شوخ داشت ودرخوشنویسی متفنّن بود . گاهی بدست‌چپ می‌نوشت و گاهی کلمات‌را ازچپ براست و وارون . وهمگی تذکره‌نویسان متفقند که بقدرت‌وی کسی درچپ‌نویسی نیامده‌است . نیز چنانکه گذشت مخترع خط «توامان» است که خود گوید :

توامان مخترع مجنون شد　　کز قلم چهره گشائی ها کرد
تا شدم مخترع و صورت کش　　خطکم صورتکی پیدا کرد

صاحب گلستان هنر گوید که ، نستعلیق را بامزه وخوش‌وپخته می‌نوشت و ازجمله‌خطی اختراع کرده‌بود که ازترکیب کلمات‌آن صورت انسان‌وحیوان بهم می‌رسید وازجمله این مصراع را : «نرخ شکروقند شکست ازشکرستان» ازدوطرف نوشته‌بود ، بصورت سه‌چهارآدمی که برزبریکدیگر بوده‌باشند وصورت‌وخط هردو درکمال خوبی ومرغوبی بود .

میرزاحبیب وی‌را شاگرد عبدالله طباخ دانسته گوید : هفت قلم را خوش می‌نوشت ؛ ولی دیگری متذکر این معنی نیست و چنانکه گذشت خود در مقدمهٔ رسم‌الخط ، خودراشاگرد محمودرفیقی‌پدرخودقلمداد کرده‌است . نیزاو وبه‌تبعیت او، صاحب‌پیدایش‌خط و خطاطان ، بسهو فاحش ، گویند که درزمان‌غازان خان ۶۹۴-۷۰۳) ودرخدمت او می‌زیست واین یک که ذکر تاریخ تألیف منظومهٔ

رسم الخط را (که سال ۹۰۹ می‌شود) کرده است و برای رفع اشتباه، اشتباه دیگری را سر تکب شده گوید، تاریخ تألیف «رسم الخط» نیست و «الخط» است که سال ۶۴۰ می‌شود؛ وبا اینکه هردو نام مجنون را جزو نستعلیق نویسان آورده‌اند، آنقدر تصرف نداشته‌اند که تا یکصد سال پس از مرگ غازان خان، هنوز خط نستعلیق نشأت نیافته بود. تاریخ وفات مجنون را فقط سپهر سال ۹۸۴ ضبط کرده که البته سهو است وهرگز تا این زمان نزیسته است.

از خطوط مجنون فقط دوقطعه دیده‌ام، باین قرار:

یک قطعه از رقع بهرام میرزا، بقلم نیم دودانگ خوش، با رقم: «مشقّه مجنون الرفیقی» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف، استانبول؛

یک قطعهٔ چپ نوشته، یعنی وارونه، بقلم سه دانگ متوسط، بارقم وتاریخ: «لشاعر مجنون، حرّره فی سنهٔ ۹۰۲» درمجموعهٔ نگارنده.

---

۸۲۷) مجنون بهبهانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم واز آثار وی یک نسخه فواتح (شرح دیوان حضرت علی بن ابی طالب) میبدی، در کتابخانهٔ سلطنتی است، بقلم کتابت متوسط باتاریخ ورقم: «فی شهر محرم الحرام سنه سبع وثمانین بعدالالف... کتبه المذنب الحقیر مجنون بهبهانی، غفرالله ذنوبه وستر عیوبه».

---

۸۲۸) محبّ علی نایی

فرزند وشاگرد رستم علی خوشنویس است. کتابدار سلطان ابراهیم میرزا صفوی بود وبهمین مناسبت «ابراهیمی» رقم می کرد.

محب علی به کتابداری قناعت نکرد و بلند پروازی آغاز نهاد و در مزاج ابراهیم میرزا و امورملکی دخالت می کرد. پس از هشت سال که در خدمت این

Marfat.com

شاهزاده بود ، شاه طهماسب اورا بقزوین احضار کرد ومدتی درملازمت سام‌میرزا بود ، بعد شاه طهماسب او را ملازم سید بیک مشهور به سید منصور نمود . پس از چندی مرخص‌شد و بزیارت عتبات‌رفت و بقزوین بازگشت وبسال ۹۰۰ درگذشت وجنازهٔ او را بمشهد منتقل کردند و درجوار قبر پدرش بخاك سپردند . مادهٔ تاریخ مرگ وی‌را چنین یافته‌اند :

رفت ازجهان فانی ، ملامحب‌علی‌حیف

یا رب بصدر جنت ، او را مقام بادا

چون نزد اهل‌دنیا ، مقبول ومحترم‌بود

در آخرت الهی ، بـا احـترام بادا

تاریخ‌سال‌فوتش ، پرسیدم‌ازخرد ، گفت

(ملا محب علی ، را شافع امام بادا)

صاحب گلستان هنر گوید که ، این ماده تاریخ را سید احمد مشهدی بخط خود نوشته است و صاحب مطلع‌الشمس گوید که ، سید احمد آنرا بر سنگ قبرش نوشته است .

محب‌علی نستعلیق‌جلی وخفی‌را خوش می‌نوشت ونام‌وی‌را جزو چهل تن خوشنویسان کتابخانهٔ بایسنغر میرزا آورده‌اند .

سام میرزا درتذکرهٔ خود ، اورا به بی‌پروائی و خوش‌طبعی وظرافت ، یاد کرده و ازظرافت های او با سید بیک مزبور قصه‌ای نقل کرده است که ، ذکرآن دراینجا مناسب‌نمی‌نماید . هم‌او گوید که نای را خوب می‌نوازد و بهمین‌مناسبت به «نایی» مشهور است .

صاحب مناقب‌هنروران ، در توصیف خط وی گوید که ، مفردات خطش متانت‌دارد ، ولی کرسی خط ندارد و ابیاتش بی‌بنیان‌است . بهرحال لطافت‌قلمش ازبسیاری از استادان بیشتر است .

۸۲۹) محتشم اصفهانی

از کاتبان قرن دوازدهم وظاهراً شغل وی ترجمه نویسی مصاحف در دربار شاه سلیمان حسین صفوی بوده و بهمین مناسبت کاتب السّلطانی رقم کرده است.

از خطوط وی دیده‌ام:

یک نسخه گلستان سعدی، بدون رقم، با ترجمهٔ ترکی، بقلم نستعلیق کتابت متوسط، بارقم وتاریخ: «کاتبه الضعیف محتشم ترجمه نویس قرآن مجید ربّانی» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک نسخه صحیفهٔ سجادیّه، بدون رقم، با ترجمه وحواشی، بقلم نستعلیق کتابت خوش، بارقم: «کاتبه الضعیف فی ترقیم هذه الترجمة ملا محتشم اصفهانی» در همان کتابخانه؛

نسخهٔ دیگر صحیفهٔ سجادیه بخط جعفر، حواشی آن بقلم کتابت خوش، با رقم: «کتبه العبد الجانی محتشم» و «کاتب ترجمه و حواشی، کاتب السلطانی، محتشم اصفهانی» در همان کتابخانه؛

یک نسخه رساله در وحدت وجود، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «... کاتب السلطانی محتشم الاصفهانی غفرله. سنهٔ ۱۱۱۲» در کتابخانهٔ مدرسه سپهسالار، تهران؛

یک نسخه قرآن بدون رقم، با ترجمه بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط، بارقم و تاریخ: «تمت علی ید الکاتب الجانی محتشم الاصفهانی، غفرله ولوالدیه المدعوّ بکاتب السلطانی، ۱۱۲۸» درمجموعهٔ آقای مهدوی، تهران؛

یک قطعه، بقلم دودانگ و کتابت جلی متوسط، بارقم: «مشقه العبد الجانی محتشم» درمجموعهٔ نگارنده.

Marfat.com

محتشم السلطنه = حسن اسفندیاری

۸۳۰) محراب بیک

محمدصالح اصفهانی و میرزاسنگلاخ وی را قزوینی وصاحب پیدایش خط وخطاطان ، اصفهانی وصاحب دانشمندان آذربایجان ، تبریزی دانسته‌اند .

شاگرد میرعماد و سریع القلم بود و گویند روزی پانصد بیت کتابت میکرد .

اورا به‌پرهیزگاری ستوده‌اند و گویند که دردربارشاه‌عباس مکانت‌داشت وبتعلیم شاهزادگان مشغول بود وصاحب خط وخطاطان ، وی‌را داماد شاه عباس دانسته ، گوید : شاه ، خواهرخودرا بعقدازدواج او آورده‌است ؛ ولی‌میرزاسنگلاخ گوید که ، به‌پایمردی‌شاه‌عباس ، خواهر عبدالرشیددیلمی را گرفته‌است .

صاحب دانشمندان‌آذربایجان اورا جزو نسخ نویسان آورده ، گوید : قرآنی بخط‌نسخ از او دیده‌ام که تاریخ ۹۰۹ دارد ؛ واگرچنین باشد ، این محراب‌بیک جزآنست که دیگران‌نقل کرده‌اند ؛ زیرا که‌آن‌دیگررا جزو نستعلیق نویسان‌آورده وتاریخ وفات اورا سال ۱۰۶۱ ، دراصفهان دانسته‌اند .

محرم = علی‌محمد

محزون = محمدحسین تبریزی

محسن = عنایت‌الله

۸۳۱) محسن

کاتب گمنامی ازقرن یازدهم است وبخط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه یوسف وزلیخا ، بقلم کتابت جلی متوسط ، باتاریخ ورقم: «تمام شد تصنیف رسالهٔ یوسف و زلیخا ، در روز چهارشنبهٔ بیست وسیم ماه ذی الحجة ، درسال هزار و پنجاه وشش ، درشهر کشمیر جنت‌نظیر ، کاتبه‌العبد محسن غفرله» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

Marfat.com

یک قطعه ازمرقع ، بقلم چهاردانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «راقمه محسن ۱۰۶۲» در همان کتابخانه .

---

۸۳۲) محسن - میرزا

محمد صالح اصفهانی ، وی را ازشاگردان خود دانسته ، گوید : خوب مینویسد . ظاهراً تاحدود سال ۱۱۲۶ درقیدحیات بوده‌است .

---

۸۳۳) محسن آشتیانی - میرزا

سپهر گوید که ، درعلم انشاء مهارت داشت ونستعلیق را استوار نوشت و بسال ۱۲۷۰ درگذشت .

---

۸۳۴) محسن تفرشی - میرزا

محمدصالح اصفهانی گوید که «خوشنویس پرزوری است ، بکتابت مشغول است» تا حدودسال ۱۱۲۶ (تاریخ وفات محمدصالح) هنوز درقیدحیات بوده‌است .

---

۸۳۵) محسن گلپایگانی - سید

ازکاتبان قرن سیزدهم بود وازآثاروی دو کتاب چاپ سنگی شده‌است : یکی زینت المجالس که ، بقلم کتابت خوش نوشته وبسال ۱۲۶۶ درتهران چاپ شده است ودیگری جلداول ناسخ التواریخ که ، بسال ۱۲۷۳ چاپ شده‌است .

---

۸۳۶) محسن بن لطف الله سبزواری

ازکاتبان وشاعران گم نام قرن دهم و یازدهم است و یک نسخه تذکرة-

Marfat.com

الشعرای دولتشاه سمرقندی ، بخط وی دارم که بقلم کتابت متوسط نوشته است ، وچنین رقم دارد : «راقم این کتاب ، محسن بن لطف‌الله معادالحسینی السبزواری را این ابیات درحق فرماینده کتاب بخاطرخطورنمود ، برسبیل یاد گاری ثبت افتاد:

بکلک سعی رقم کردم این صحایف را
بامر مالک ملک هنر ، ملک محمود
شریف اهل قلم ، نیک رای آصف قدر
که‌شد زفیض ازل بخت وطالعش مسعود
چنان بامر وزارت مهارتست او را
که گر بعهد سلیمان وحشمتش می‌بود
بفضل خویش ، سلیمان امور آصف را
باین مکرّم دانا ، رجوع می‌فرمود »

محسن هروی = محمد محسن هروی
محمد = علاءالدین
محمد = نورالدین

۸۳۷) محمد

صاحب خط و خطاطان گوید که ، ابتدا خط ثلث و نسخ می‌نوشت و بعد به نستعلیق میل کرد وآنرا خوش نوشت . شاه‌عباس صفوی او را ملازم خود کرد وپیوسته باوی روزگار می گذرانید .

---

۸۳۸) محمد - شیخ

از کاتبان شاه طهماسب و بسرعت قلم معروف بود . هنگام تألیف حالات هنروران (سال ۹۵۳) هنوز می‌زیسته وبلقب «نظام‌الدین» خوانده می‌شده است . ازخطوط وی وقتی دیده‌ام :

یک نسخه تحفة الاحرار جامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم: «تم الکتاب علی ید . . . الحقیر الفقیر شیخ محمد ، غفر ذنوبه وستر عیوبه» .

---

۸۳۹) محمد - حاجی

خوشنویس گمنامی از قرن دهم و یازدهم است و بخط وی دیده‌ام ، یک قطعه از مرقعی در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم: «اضعف العباد واحقرهم ، حاجی محمد» .

محمد - میر = میرزا بابای شیرازی

۸۴۰) محمد - میر

او نیز خوشنویس گمنامی از قرن دهم و یازدهم است و بخط وی دو قطعه در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «فقیر حقیر محمد الحسینی ، غفرله» .

---

۸۴۱) محمد - حاجی امیر

شاگرد و جانشین عبدالرشید دیلمی است که ، در مسافرت کشمیر همراه او بود و بعد از او جدا شد . میرزا سنگلاخ گوید که ، شباهت خط او بر شیدا بسیار بود . در جوانی داماد رشیدا شد . از جوانی شعر می گفت و خوش می نوشت و خود را بچندین واسطه بشاه محمود نیشابوری ، منتسب می‌ساخت . بسال ۱۰۷۳ در کشمیر در گذشت .

138898

Marfat.com

۸۴۲) محمد بن آقا خان

معروف به جلال الدین نخجوانی ، از خوشنویسان سال هزار هجری است .
میرزا حبیب گوید که بنام «انیس العشاق» کتابی دارد .

---

۸۴۳) محمد ابراهیم

کاتب خوشنویسی است که ، نتوانستم او را با یکی از محمد ابراهیم های خوشنویس آتی الذکر تطبیق کنم وبخط او یک نسخه منتخب حدیقه سنائی ، در مجموعهٔ آقای سلطان القرّائی است که ، بقلم کتابت خوش نوشته است وچنین رقم وتاریخ دارد : « کتبه الحقیر الفقیر محمد ابراهیم غفرذنوبه وستر عیوبه سنهٔ ۱۱۱۲ »

---

۸۴۴) محمد ابراهیم

ظاهراً از خوشنویسان گمنام نیمهٔ دوم قرن دوازدهم و نیمهٔ اول قرن سیزدهم هندوستان است وبخط وی چهارقطعه درمرقعی از کتابخانهٔ بادلیان است که بقلمهای سه دانگ و دودانگ و کتابت متوسط نوشته است و رقم و تاریخ دارد : «بندهٔ کمترین محمد ابراهیم» و «مشقّه العبد المذنب محمد ابراهیم سنهٔ ۱۲۱۶» .

---

۸۴۵) محمد ابراهیم اولیا سمیع

معروف به حاجی آقا اولیا سمیع ، جدّ وی ، سمیع خان نامی ، ازاهل الله بوده است وهمهٔ خاندان او بهمین نام معروفند و این یک ، فرزند محمد حسین اولیا ـ سمیع شیرازی بود و نستعلیق را خوش می نوشت و از علوم ادبی بهره داشت و شعر می گفت و «صفا» تخلص میکرد ودرخدمت حسام السلطنه سلطان مراد میرزا ، تربیت یافته بود . ازشیراز بهندوستان رفت وسالها دربمبئی بکتابت بامرکب چاپ اشتغال

Marfat.com

داشت و ازاین راه سرمایه‌ای اندوخت و بتجارت پرداخت ؛ ولی یک بار مال التجاره‌اش در دریا غرق شد و حاصل کوشش زندگیش ناگهان بباد رفت .

سفری ازبمبئی به حیدرآباد کرد ومدتی درآنجا بتدریس زبان فارسی مشغول شد . در اواخر عمر بایران باز گشت ، بمشهد رفت و بشیراز آمد . با صاحب طرایق‌الحقایق دوستی و مصاحبت داشت . بسال ۱۳۰۱ درشیراز در گذشت وجنازه‌اش را به عتبات منتقل کردند .

ازآثار وی بسیاری کتاب بچاپ رسیده‌است ، ازجمله :

انوار سهیلی ، که بسال ۱۲۷۰ درهند چاپ‌شده وآن را بقلم کتابت خوش نوشته است ، چنین رقم دارد : « .... علی ید اقل عبادالله محمد ابراهیم الشهیر بآقا ، خلف ... محمد حسین خان اولیا سمیع الشیرازی ... وقد حصل الفراغ من تحریر و الطبع فی ثالث عشرین من شهر جمادی‌الاول من شهور سنة سبعین ومائتین بعدالالف من الهجرة » ؛

تاریخ وصّاف ، که بسال ۱۲۶۹ دربمبئی چاپ شده است ، بقلم کتابت خفی خوش ؛

أخلاق ناصری وغیره ، که اجزاء خمسه‌آن دریک مجلد بسال ۱۲۸۶ در بمبئی چاپ شده‌است ، بقلم کتابت خفی‌خوش ؛

شش دفتر مثنوی مولانا ، که بسال ۱۲۷۰ چاپ شده است ، بقلم کتابت خفی خوش ؛

کنز المصائب ، که بسال ۱۲۷٤ چاپ شده است ، بقلم کتابت متوسط ، و کتابهای دیگر .

---

۸٤٦) محمد ابراهیم بن عبدالخالق

از کاتبان خوشنویس گمنام اوایل قرن سیزدهم بود وبخط وی یک‌نسخه

Marfat.com

رساله از بهاء الدین محمد عاملی ، در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار است بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم و تاریخ : «تم علی ید افقر الخلایق محمد ابراهیم بن عبد الخالق فی یوم الخمیس تاسع عشرون شهر صفر المظفر ۱۲۳۸ هزار و دویست وسی و هشت هجری» .

---

۸۴۷) محمد ابراهیم بن ملا علاء

پسر ملا علاء کاتب معاصر رشید است و محمد صالح اصفهانی گوید که ، «بدك نمی نوشت» هنگام تألیف تذکرهٔ او (پیش از سال ۱۱۲۶) در گذشته بوده است .

---

۸۴۸) محمد ابراهیم فیضان

فرزند محمد حسین ناجی شاعر است . خود او نیز شاعر بود و در عهد بهادر شاه هندی (۱۱۱۹-۱۱۲۴) مصدر مشاغل گشت و نستعلیق را خوش می نوشت و در علوم معقول و فن انشاء از مشاهیر عصر بود . هنگام تألیف کلمات الشعراء هنوز میزیست .

---

۸۴۹) محمد ابراهیم قمی

فرزند محمد نصیر ، از معاریف نسخ نویسان ایران و در این خط استاد میرزا احمد نیریزی مشهور است .

با اینکه معروفیت آقا ابراهیم در خط نسخ است ، در سایر اقلام ، از جمله ثلث و رقاع و تعلیق و شکسته و نستعلیق ، نیز مهارت داشت و بقول سپهر در هنر تذهیب و جلدسازی نیز دست داشت و بسرعت کتابت معروف بود . گویند سالی سه قرآن در مدت قلیلی کتابت میکرد واز حق الکتابهٔ گزاف آن ، زندگی آسوده و مرفهی میکرد و تمام عمررا بادست باز ، مجرد گذرانید .

آقا ابراهیم ، در تمام دورهٔ سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی (۱۰۷۵ تا ۱۱۳۵) شهرت داشت وآثاری ازآن زمان بخطوی بجاست .

تاریخ وفات وی را سپهر ، سال ۱۱۰۰ ضبط کرده که درست نیست ، زیرا که ازآثار تاریخ دار وی تاسال ۱۱۱۵ را نیز دیده‌ام .

ازخطوط وی ، باقلام مختلف بسیار دیده شده‌است که هریک درجای خود خواهدآمد ، وازخطوط نستعلیق وی دیده‌ام :

یک نسخه صحیفهٔ سجّادیه ، بقلم نسخ ، که ترجمهٔ آن بقلم نستعلیق نیم-دو دانگ خوش نوشته شده است ، وچنین رقم و تاریخ دارد : « کتبه العبد الفقیر محمد ابراهیم القمی ۱۱۱۲ » درمجموعه آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

یک نسخه قرآن بقلم نسخ ، که ترجمهٔ آن برخی ، بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش ، و خواص سور آن ، بقلم شکسته نستعلیق کتابت خفی عالی است ، بارقم : « کتبه محمد ابراهیم» درمجموعهٔ نگارنده .

---

۸۵۰) محمد ابراهیم مشکین قلم

از کاتبان قرن حاضر شیراز وبخط وی یک نسخه دیوان منسوب به بابا کوهی درشیراز چاپ شده ، که بقلم کتابت و سه دانگ متوسط نوشته است وچنین رقم و تاریخ دارد : «بید اقل محمد ابراهیم مشکین قلم شیرازی ، سمت تحریر یافت ، در سنهٔ ۱۳۴۷» .

---

۸۵۱) محمد ابراهیم منعم

فرزند محمدعلی بیک شیرازی ، پیشخدمت خاصهٔ حسین علی میرزافرمانفرما بود . ازجوانی بتحصیل کمالات پرداخت ، بدرویش مشربی و حسن خلق و صفای باطن معروف بود ، و معیشت خود را بکتابت کتابها میگذرانید . خوش می‌نوشت

Marfat.com

و شعر نیکو می گفت و « منعم » تخلص می کرد .

صاحب آثار عجم نقل می کند که بسال ۱۲۹۷ ازصحن بی‌بی دختران در شیراز می گذشتم ، وی را دیدم که نشسته بود و حفّاری گوری را آماده می کرد . پس ازاظهارمهربانی ، گفت دستورداده‌ام که این قبررابرایم حفر کنند وتاریخ مرگ خودرا «یاغفور» دیده‌ام . چندروزبعدچنانکه گفته وپیش بینی کرده‌بود ، درگذشت ودرهمان گوربخاکش سپردند .

دیوان بیگی درحدیقةالشعرا ، زیرعنوان منعم‌شیرازی می‌نویسد : «اسمش آقامحمد ابراهیم مشهور به «آقا» پدرش محمدعلی‌بیگ ازخواص چاکران مرحوم حسینعلی‌میرزای فرمانفرمای فارس بود . منعم دراول‌حال ازخدمت میرزای‌وصال تحصیل خط و کمال کرده بود ، ازفوت پدرو انقلاب امورفرمانفرما جزئی معونه برای او مانده بود ، منزوی شد و به‌شعر گفتن و کتابت کردن پرداخت ، گاهی از اندوختهٔ پدرو گاهی ازحق الکتابه و بعضی اوقات ازصله ، گذران می‌نمود ، ولی مثل شعرای طامع نبود که هرروزی جزوهٔ مدیح را بدست گیرد و به درب خانهٔ هر کس رود ، به‌اقتضای‌وقت‌وشخص گاهی‌شعرمیگفت وبیشترازمیرزامحمدعلی‌خان ناظم‌الملک مدح میکرد ، آن هم رعایت ازاو می‌نمود . خط نستعلیق را هم بسیار خوب می‌نوشت و مدار کتابتش برآن‌بود ، بسیارهم خوش سلیقه وپاکیزه وخوش لباس‌میزیست ، صورتاً هم افتاده ومعقول و فقیر مشرب ، وعارف‌مسلک بود ، حالا مدتی است ملاقاتش نکرده‌ام اما این قدر معین است که تا کنون که سال هزار و دویست ونود وشش است درقید حیات است . . .» .

بخط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی خوش بارقم‌وتاریخ : « کاتبه منعم ، فی‌شهر ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۶۱ » درکتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی ، تهران .

Marfat.com

محمد ابراهیم (میرزا عمو) = ابراهیم تهرانی

۸۵۲) محمد ابراهیم نواب

فرزند محمد مهدی طهرانی است. ملقب به «بدایع نگار» و از مورخان و خوشنویسان دورهٔ محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار بود.

از آثار منشآت او ، ترجمه نامهٔ حضرت علی بن ابی طالب بمالک اشتر و فیض الدّموع است که بخط میرزا محمد رضای کلهر ، بچاپ رسیده است. وفاتش بمرض سکته بسال ۱۲۹۹ اتفاق افتاد وجنازهٔ اورا به نجف منتقل کردند.

مرحوم میرزا محمد خان قزوینی ، در وفیات معاصرین گوید : «از منشیان و مورخان عهد ناصر الدین شاه ، و مؤلّف مقتل معروف به فیض الدموع و ترجمهٔ نامهٔ حضرت امیر بمالک اشتر و مؤلف کتابی در تاریخ بنام عقد اللّالی است. مدتی در دفتر وزارت امور خارجه منشی بود . وفاتش بتاریخ نیمهٔ ماه ربیع الاول سال هزار و دویست و نود و نه قمری در طهران اتفاق افتاد و جنازه‌اش را بنجف اشرف حمل کردند.»

یک نسخه کتاب هزار دستان ، بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی است که در مقدمهٔ آن چنین آورده است :

«.... درین عهد ... محمد شاه غازی ... بحمدالله ، که از توجه خاطر و همت باطن و ظاهر خواجهٔ اجل ... حاجی میرزا آقاسی ... که عهد گل را چنان که دانی وفائی نیست و نالهٔ بلبل را بقائی نه ... گفتا اگر خاطر از عزلت بفرساید ، طریق چیست ؟ - گفتم : درنظر است که برای بارگاه همایون ... محمد شاه غازی کتاب هزار دستان تصنیف کرده آید ...»

واین دیباچه را بسبک گلستان سعدی نگارش داده ودر آخر نسخه چنین یاد کرده است :

«کاتب این اوراق و ناظم این ابواب ، محمد ابراهیم بن مهدی طهرانی،

Marfat.com

ملقّب بنوّاب ، بر لوح خاطر ارباب بینش که برگزیدهٔ آفرینشند ، می نگارد که این بنده از آغاز جوانی ، تحصیل محاسن را مواظب بود وتکمیل معارف را مراقب . ازآنجا که اجداد امجادم را سرمایهٔ معیشت پیوسته امر تجارت و شغل زراعت بود این بنده هم بحکم ، الولد سرّ ابیه ، دست از تکمیل کمال باز داشته ، همّت بر تحصیل مال گماشتم . روزگاری در کار تجارت خون دل خوردم و رنج بی‌حاصل بردم . نه‌درخور ریاست شهری شدم ونه‌قابل کفایت امری . نه درنظر عام‌وخاص خاص گشتم ونه درنظر خاص ، اختصاص یافتم ، هرچه اندوختم ، خوردند و هر چه گردآوردم، بردند . بناچار دامن از معاشرت‌فراهم‌چیدم ودرنشیمن عزلت‌خزیدم ورفع ملال را ، گاهی بمطالعهٔ‌ابیات عرب و اشعار عجم سرگرم بودم . چندی نیامد که‌عزم تصنیف این کتاب دامن گیر خاطرم‌شد ؛ بتألیف‌آن‌پرداخته ، درروزگاری اندکش تمام‌ساختم وازآنجا که گلستان املح الشعرا را هزاردستانی در کار بود ، آن را هزاردستان نام نهادم . امید که در همایون بزم شاهنشاه جهانیان‌پناه . . . نغمه پردازآید . . .»

ازخطوط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه هزاردستان مذکور ، بقلم نیم‌دودانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : «. . . تمام شد کتاب هزاردستان در ماه جمادی‌الاولی سنهٔ ۱۲۶۰ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع شش رقعه‌ای و یک رساله درحکمت ، تألیف حاج میرزا آقاسی ، بقلم نیم‌دودانگ خوش ، باتاریخ ورقم : «درسال هزارودویست و شصت هجری کمترین بندهٔ‌درگاه ، محمدابراهیم‌بن محمدمهدی‌رازی ، ازنگاشتن این مبارک نامه شرفیاب آمد . امید که پسندیده آید .» درهمان کتابخانه .

---

۸۵۳) محمد ابراهیم واقعه‌نویس ـ ملا

محمد صالح اصفهانی گوید ، که « قلم بسیار تندی دارد و چسبان و بمزه

Marfat.com

می‌نویسد» تاحدود سال ۱۱۲۶ (تاریخ مرگ محمدصالح) هنوز میزیسته است.

---

۸۵۴) محمد ابراهیم همدانی - میرزا

محمد صالح اصفهانی گوید که «وزیر نخجوان است و خوشنویس خوبی شده است». درزمان حیات محمدصالح (سال ۱۱۲۶) هنوز میزیسته است.

---

۸۵۵) محمد ابریشمی

ازجملهٔ چهارشاگرد معروف سلطان‌علی مشهدی ومورد نظر مهر امیرعلی-شیر نوائی بوده است. خط وی را به شیرینی و پختگی و مزه ستوده، و او را سرآمد شاگردان سلطان علی دانسته‌اند؛ ولی آنچه من ازآثار خطوط او دیده و استنباط کرده‌ام اینست که، ازسایر شاگردان سلطان‌علی، یعنی سلطان‌محمد نور وسلطان محمد خندان و زین الدین محمود، خط را فروتر می‌نوشته وآنچه درخط وی نیست، مزه و استواری است.

صاحب گلستان هنر نیز خط محمد ابریشمی راستوده وشاید شیفتهٔ کتیبه‌ای شده که محمد ابریشمی شعرآن را سروده و خود بر سنگ قبر سلدلان علی مشهدی نوشته‌است، ومتأسفانه اکنون ازاین سنگ‌قبر اثری نیست، تابتوان دربارهٔ کیفیت خط آن حکم کرد.

محمد ابریشمی بقول سپهر، بسال ۹۳۰ درگذشته ومسلم اینست که در تاریخ ۹۲۳ حیات داشته، و در تاریخ ۹۰۱ درگذشته بوده‌است که، درقطعه‌ای کسی نوشته است «مولانا محمد ابریشمی کاتب راست، علیه الرحمة و المغفرة. سنة ۹۰۱».

ازآثار وی دیده‌ام:

یک‌قطعه ازسرقعی، بقلم دو دانگ متوسط، بارقم: «العبد الفقیر، محمد

Marfat.com

ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» ، در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه سورهٔ فاتحه ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ متوسط ، بارقم : «الحقیر محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» درمجموعه آقای کریم زاده ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : « فقیر محمد ابریشمی المشهدی الکاتب غفر ذنوبه» درمجموعهٔ نگارنده ؛

یک قطعه بقلم سه دانگ و دودانگ متوسط ، بارقم : «العبدالفقیر المذنب محمد ابریشمی المشهدی غفرذنوبه» در کتابخانهٔ عمومی ، لنین گراد ؛

یک رساله درعلم قافیه ، درضمن یک مرقع ، بقلم نیم دو دانگ متوسط ، با رقم وتاریخ : « العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی ، فی شهورسنه عشرین و تسعمائة» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک قطعه ، بقلم پنج دانگ جلی و دو دانگ متوسط ، با رقم : « فقیر محمد ابریشمی» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه منطق الطیر شیخ عطار ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم وتاریخ «العبدالفقیر محمد ابریشمی المشهدی غفرذنوبه وسترعیوبه ، فی شهورسنة ثلث و عشرین وتسعمائة من الهجرة النبویة علیه السلم والتحیة» درموزهٔ آثار اسلامی وترک استانبول ؛

دوقطعه از مرقع شاه اسمعیل ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ و کتابت وغبار خوش ، دو بیت شعر از خود او ، باین مضمون ورقم :

« سپهر از خط اظهر ساختی خط ترا اشهر
اگر بودی فزون تر ... ابریشمی دیگر

و

زهرطریقهٔ خط و،زهر که خواهی باش
چو درمقابله آیم ، برآن بود ظفرم »

Marfat.com

«مشقّه العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی غفر ذنوبه» و «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف، استانبول؛

دوقطعه از مرقع بهرام میرزا، بقلم دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی غفرذنوبه. قائلها قبلة الکتّاب مولانا سلطان علی المشهدی، مشقه العبد الفقیر محمد ابریشمی الکاتب غفرذنوبه» درهمان کتابخانه؛

یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی، بقلم نیم دانگ و کتابت جلی خوش بارقم: «کتبه العبد الفقیر محمد ابریشمی المشهدی غفرذنوبه» درهمان کتابخانه؛

یک قطعه از مرقع دیگر، بقلم دودانگ خوش، بارقم: «جهت فرزند شاه‌حسین محرر شد. مشقّه محمد ابریشمی المشهدی غفرذنوبه وسترعیوبه» درهمان کتابخانه.

---

۸۵۶) محمد بن احمد ـ شیخ

از کاتبان گمنام قرن نهم و از قدمای نستعلیق نویسان بود وبخط وی یک نسخه دیوان شمس تبریزی در کتابخالهٔ ایا صوفیهٔ استانبول است، بقلم کتابت متوسط، که چنین تمام می‌شود: «تمت الکتاب بعون الملک الوهّاب، علی یداضعف عبادالله الاحد الصمّد شیخ محمد بن احمد، احسن الله احواله، فی سنهٔ ۸۳۲».

---

۸۵۷) محمد استرابادی

در تحفهٔ سامی است که فرزند سلطان محمد و شاعر بود و «مشربی» تخلص می کرد وخطوط را خوش مینوشت، ودرسنین جوانی در گذشت.

Marfat.com

۸۵۸) محمد اسعد - شیخ الاسلام

میرزاحبیب گوید : درنستعلیق ازمحمد رفیع افندی اجازه داشت ، و بسال ۱۱۹۲ درگذشت .

---

۸۵۹) محمد اسعد یساری

از نستعلیق نویسان زبردست عثمانی بود و بدست چپ می نوشت ، و بهمین مناسبت به «یساری» معروف گردیده است . در خط نستعلیق شاگرد دده‌زاده سید محمد افندی است . بدربار سلطان احمد ثالث راه یافت .

ازآثاروی لوحه‌ای درمحراب ایاصوفیه بعبارت : «حسبی الله وحده» است که میرزاحبیب گوید «عبرةً للنّاظرین» است . این لوحه که بقلم زر روی کاغذمشکی بقلم شش دانگ کتیبه نوشته شده است و رقم دارد : « کتبه العبد الجانی محمد اسعد الیساری» البته خط خوشی است ، ولی در همان قبّه لوحه هائیست ، ازجمله هشت لوح عظیم ثلث بخط مصطفی افندی که ازعجایت کتیبه‌نگاری است و آنها رابا ید «عبرة للناظرین» دانست .

از مشقهای وی دوقطعه از مرقعی است ، بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش بارقم وتاریخ : « الفقیر محمد اسعد الیساری غفرله فی سنهٔ ۱۱۸٤ » درکتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

ودیگر قطعه‌ای ازیک مرقع ، مقابل قطعهٔ دیگر که بخط میر عماد است و محمد اسعد آنرا باستادی نقل کرده است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ عالی ، با رقم «نقله الفقیرالحقیر محمداسعدالیساری ، عن خط عمادالحسنی غفرلهما ۱۱۹۳» درموزه آثار اسلامی وترك ، استانبول ؛

Marfat.com

۸٦۰) محمد خان اسعدالدوله

رئیس ذخیرهٔ توپخانه ، فرزند محمد قلی خان حاجب الدوله افشار بود . چندی بشیراز رفت . درعلوم ادبی فارسی وعربی ماهربود ونستعلیق را استوارمینوشت هنگام تألیف آثارعجم (سال ۱۳۱۳) هنوز درقید حیات بود .

۸٦۱) محمد اسفزاری

معین الدین محمد اسفزاری ، مؤلف تاریخ هرات وغیره را میرزاحبیب جزو خوشنویسان نستعلیق آورده وسهو کرده است که وی تعلیق نویس بوده است که در حبیب السیر ، دربارهٔ وی چنین آمده است : « مولانا معین محمد اسفزاری عمدهٔ مترسلان زمان خود بود و بنظم اشعار نیز مشغولی مینمود . از حسن خط تعلیق بهرهٔ تمام داشت واکثراوقات بر تعلیم قواعدآن فن همت میگماشت . ازجمله مؤلفاتش تاریخ بلدهٔ هرات وترسلی مشتمل برمنشآت ومناشیر ومکتوبات درمیان مردم مشهور است . . . »

۸٦۲) محمد اسلم

مردی متّقی ومرتاض بود ، نستعلیق را خوش می‌نوشت . وی فرزند محمد حفیظ انصاری قادری مصنّف کتاب فرحة النّاظرین (تاریخ مسلمین هندوستان ازآغاز تا سال ۱۱۸٤) است . غلام محمد هفت قلمی باوی ملاقات داشته و گوید که بطرز وشیوهٔ رشیدا کتابت می کرد ودرخطاو متانت وشیرینی بسیاراست .

۸٦۳) محمد اسمعیل افشار

کاتب خوشنویس گمنام قرن سیزدهم وبخط وی یک نسخه نثراللالی در

کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ تحریر : «حرّره غلام بی‌مقدار ، محمد اسمعیل افشار ، فی سنهٔ ۱۲۹۵» .

یک قطعه سیاه مشق ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « خانه زاد قبلهٔ‌عالم محمد اسمعیل . ۱۲۶۰» درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده‌است که ، احتمالا بخط همین محمداسمعیل افشار است .

---

۸۶۴) محمد اسمعیل خان شیرازی

درفارسنامهٔ ناصری است که ، فرزند اسدالله خان بن حاج ابراهیم خان اعتمادالدولهٔ کلانتر است . بسال ۱۲۱۷ دراصفهان متولدشد ودر بروجرد نشو و نما یافت وتحصیلات مقدماتی‌را درآنجا کرد . همهٔ خطوط را خوش می‌نوشت ودر تحریررسایل مهارت‌داشت . سالهادردستگاه محمدتقی‌میرزا رکن الدوله خوانسالار بود . بسال ۱۲۴۷ باپدرخود بشیراز آمد . مدتی‌ندیم‌فرمانفرما بود . بسال ۱۲۸۰ ازشیراز بآذربایجان رفت و مدتی در خدمت مظفرالدین شاه که آنوقت ولیعهد بوده است ندیمی‌داشته ودرتبریز سرمایه‌ای بهم‌آورد و بشیراز بازگشت و بسال ۱۲۸۹ درگذشت .

قطعاتی بارقم «محمد اسمعیل» دیده‌ام که نمیدانم ازهمین کاتب‌است یا دیگری ، باینقرار :

یک‌مرقع مناجات حضرت امیر ، منقول ازخط میر عماد ، بقلم‌نستعلیق دو-دانگ‌خوش ، بارقم : «شرّف بکتابتها العبدالفقیرالحقیر محمداسمعیل ، غفرذنوبه وسترعیوبه» درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه بقلم‌دودانگ‌بسفیداب، بارقم: «محمداسمعیل غفرله» درمجموعهٔ نگارنده .

---

۸۶۵) محمد اسمعیل شیرازی

فرزند حاجی محمد باقر، از کاتبان گمنام قرن سیزدهم وبخطوی یک نسخه از کتاب بستان السیّاحة در کتابخانهٔ سلطنتی است، بقلم نستعلیق تحریر غبار خوش با رقم و تاریخ: «راقمه العبد المذنب العاصی الی رحمة الله الغنی، محمد اسمعیل بن ... حاجی محمد باقر شیرازی غفرله فی شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۲۴۹»

و یک نسخه روضة الطاهرین، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «العبد الاقل العاصی، محمد اسمعیل شیرازی، فی شهور سنهٔ ۱۲۴۶» در کتابخانهٔ دانشگاه، حیدرآباد سند، پاکستان.

---

۸۶۶) محمد اسمعیل عاقل

بعضی ویرا بهمین نام ذکر کرده‌اند، وصاحب فهرست قطعات خوش خط موزهٔ دهلی احتمال داده‌است که، شاید همان محمد اسمعیل غافل آتی الذکر باشد که روشن رقم لقب داشته است. ابتدا هم بنظر میرسد که هر دو محمد اسمعیل یکی باشد، ولی عبارت مرآة العالم که گوید: «این چند بیت ازواردات قریحت آن غافل تخلص آگاه‌دل است...» بتعریض می‌رساند که تخلص او «غافل» است که «آگاه‌دل» را باآن مقابل آورده است.

---

۸۶۷) محمد اسمعیل غافل

از مردم سازندران است که بهندوستان رخت کشیده ودردربار اورنگ‌زیب (۱۰۶۹-۱۱۱۸) راه‌یافته وبخطاب «روشن رقم» سرافرازشده است. خطوط ثلث وریحان ورقاع و نستعلیق را خوش مینوشت و منشی زبردست بود و بدبیری خاص پادشاه مخصوص. شعر می گفت و «غافل» تخلص اوست. سفری بمکه کرد و با

Marfat.com

بختاور خان صاحب مرآة العالم مصاحب بوده است .

تاریخ وفاتش معلوم نیست ، ولی هنگام تألیف مرآة العالم (۱۰۷۸) هنوزجوان بوده ودرتاریخ تألیف کلمات الشعراء درگذشته بوده است وازاین قطعه شعر که درکلمات الشعراء ازاو نقل شده‌است :

عمر شد صرف جنون خطم از هفت قلم
تا شوم زین هنر از محنت گیتی آزاد
گفتم ازیاری خط ، تنگ درآغوش کشم
نو عروس امل و شاهد گلرنگ مراد
ضعف پیری چوقوی گشت قوی ماندضعیف
طاقت افتاد زجولان و هوس رفت بباد
گشت پیدا که درین عرصهٔ حرمان امید
کس به‌نیروی هنر عقدهٔ طالع نگشاد

معلوم می‌شود که دیرزیسته ودرپایان عمرباحرمان دست بگریبان بوده‌است .

آنچه از خطوط ، بنام محمد اسمعیل دیده‌ام و تاریخ آنها با زمان دو محمد اسمعیل مزبور مطابقت دارد ، باینقراراست .

یک‌صفحه ازبیاض بختاورخان ، بقلم کتابت خوش ، مشتمل براین دوبیت :

لوحش‌الله ازاین ستوده بیاض — چشم بددورازاین صحیفهٔ فیض
یافت تاریخ سال اتمامش — خرد خرده بین ، صحیفهٔ فیض

بارقم : «محمد اسمعیل» که چون بختاورخان خود بامحمد اسمعیل غافل آشنایی ودوستی داشته‌است ، باید ازغافل باشد ؛

یک‌قطعه از مرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم وتاریخ : « العبد محمد اسمعیل ، فی‌شهورسنة احدی وتسعین والف» درکتابخانهٔ آستان‌رضوی ، مشهد ؛

سه‌قطعه مختلف که یکی دوبیت شعر ازخود اوست ، بقلم سه دانگ و دو

Marfat.com

دانگ با تاریخ ورقم : «فی شهور سنه اربع وتسعین والف ، العبد محمد اسمعیل» و «قد تشرّف بکتابته ناظمه العبد الراجی الذلیل ، محمد اسمعیل ، فی سنه ۱۰۹۳» ، درنزد فروشنده‌ای ؛

یک قطعه از سر قعی ، بقلم پنج دانگ خوش ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد روشن رقم ۱۰۹۷ » در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول .

---

۸۶۸) محمد اسمعیل بن عبدالنبی

از کاتبان گمنام قرن اخیر ویک نسخه دیوان عنصری بخطوی در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « حسب الاشارهٔ . . . میرزا عبد الباقی حفظه الله تعالی ، تحریر این کتاب نمود . اقل عباد الله محمد اسمعیل ولد شیخ عبدالنبی ، تحریراً فی شهر صفر المظفر سنهٔ ۱۳۱۱ » .

---

۸۶۹) محمد اسمعیل گلپایگانی

دوخوشنویس گمنام قرن سیزدهم و چهاردهم باین نام هست که مدتی از زمان یکدیگررا درک کرده‌اند و تفکیک و تمییز آثار آندو ، بسبب شباهت شیوه و هم‌سایگی خط برایم ممکن نشد . اینست آنچه از خطوط خوش برقم «محمد اسمعیل گلپایگانی» دیده‌ام :

یک قطعه بقلم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «در بسطام ، درضمن قصد زیارت حضرت رضا علیه آلاف التحیة والثنا تحریر شد ، حرّره محمد اسمعیل گلپایگانی سنهٔ ۱۲۰۹ » درمجموعهٔ نگارنده؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم وتاریخ : «مشقه العبد المذنب اسمعیل الکلبایکانی ، فی شهر شعبان المعظم ، سنهٔ یکهزار وسیصد وپنج» ایضاً در مجموعهٔ نگارنده ؛

Marfat.com

یک قطعه ، بقلم سه دانگ ودو دانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «احقرالکاتبین الکلبایکانی ، محمداسمعیل غفرالله ذنوبه وسترعیوبه . ذی الحجة الحرام تحریر نمود سنهٔ ۱۲۸۶» درمجموعهٔ آقای حسنعلی صبا ، تهران .

محمداصغر = اشرف خان

۸۷۰) محمد اصفهانی

فرزند جنیدبن محمود ، از کاتبان گمنام قرن نهم است ، بخطوی یک قصیدهٔ عربی وترجمهٔ منظوم آن بفارسی ، درمجموعه آقای مهندس عباس مزداست که متن آن بخط ثلث وترجمهٔ آن به نستعلیق کتابت متوسط است وچنین رقم وتاریخ دارد : «کتبه العبد . . . محمدبن جنیدبن محمود الحافظ الاصفهانی ، فی عاشر شهر رمضان المبارك سنة سبع وخمسین وثمانمائة» .

---

۸۷۱) محمد اصفهانی ـ ملا

شعرمی گفت و «صفائی» تخلّص می کرد . درعلم سیاق و موسیقی مهارت داشت . بزبان عربی مسلّط بود . جمیع خطوط را خوش می نوشت . درویش منش وشکسته نفس بود واظهار کمال وهنر نمی کرد . منزوی بود و بدست رنج کتابت امرارمعاش می کرد .

هنگام تألیف تذکرهٔ اختر (۱۲۳۰) هنوز درقید حیات بود .

---

۸۷۲) محمداصفهانی

میرزا حبیب گرید که بسال . . . ۱ ازاصفهان باستانبول آمد وشهرت یافت .

Marfat.com

۸۷۳) محمد افضل

ازخوشنویسان گمنام هندوستان است که درنیمهٔ دوم قرن یازدهم می زیسته وبخط وی قطعه‌ای دریک مرقع از کتابخانهٔ بادلیان است ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «فقیر دعا گو محمدافضل تحریر نمود درسنهٔ ۱۰۸۱» .

---

۸۷٤) محمدافضل حسینی

هفت‌قلمی گوید که درسرکار قمرالدین خان اعتمادالدوله وزیرمحمدشاه هندوستان (متوفّی سال ۱۱٦۱) بود وبشیوهٔ جواهررقم وهدایت مینوشت .

قطعه‌ای دارم ، بقلم دودانگ جلی خوش ، بارقم وتاریخ : «میرمحمدافضل علوی مشق کرد . فی شهر محرم الحرام ۱۱۰۲ ، بدارالملک شاه جهان‌آباد » که ظاهراً بخط اوست .

---

۸۷۵) محمد افضل قریشی

اونیز بشیوهٔ عبدالرشید می‌نوشت ، و نمیدانم کدام یک‌ازسه محمد افضل مذکور است ودوقطعه باین نام درمرقع باستان‌شناسی دهلی است ، بقلم دو دانگ ونیم‌دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبه العبد المذنب الراجی محمد افضل قریشی، غفرذنوبه» .

---

۸۷٦) محمد افضل لاهوری قادری

هفت‌قلمی گوید که، اوهم دردورهٔ محمدشاه(۱۱۳۱-۱۱٦۱) میزیست و پیروشیوهٔ عبدالرشید دیلمی بود وبهمین مناسبت«آقای ثانی» معروف‌بود وازهم‌نامان معاصران خود (که ذکرآنهارفت) نیکوتر می‌نوشت .

Marfat.com

٨٧٧) محمد افلاطون

درخط نستعلیق شاگرد قاضی عسکر عارف افندی وجزو ملازمان راشد افندی بود. وقتی که راشد بسفارت از استانبول بایران رفت، محمد افلاطون نیز همراه او بود. درمراجعت بعثمانی منزوی شد وبکتابت امرارمعاش میکرد.

میرزا حبیب از آثاروی یک نسخه کلیات صائب را در دارالکتب عثمانیه نشان داده است (که ندانستیم مقصود کدام کتابخانه است).

بسال ١١٦٨ دراستانبول درگذشت.

---

٨٧٨) محمد افندی دده‌زاده

از نستعلیق نویسان استانبول، بقول میرزا سنگلاخ وسپهر شاگرد اسمعیل افندی بود ونستعلیق ونسخ را خوش می‌نوشت وبسال ١١٧٣ درگذشت.

---

٨٧٩) محمد اکبر

یا محمد اکبر علی بن کفایت خان، درخاندان خوشنویسان زیسته وخود دراصول خط، آئین دیگر آورده و بسیار دلکش و دلچسب نوشته است. صاحب شاه جهان نامه ازخطوط وی بسیار دیده است.

---

٨٨٠) محمد اکرم

از نستعلیق نویسان گم‌نام هندوستان، و بخط وی یک قطعه در کتابخانهٔ رامپوراست، بقلم چهاردانگ متوسط که چنین رقم وتاریخ دارد: «کمترین خانه زادان محمد اکرم، فی سنه ٥٤».

Marfat.com

۸۸۱) محمد امامی هروی - شیخ

از زبردست‌ترین کاتبان خوشنویس قرن نهم است که ظاهراً در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلو، بکار کتابت مشغول بوده و بهمین مناسبت «یعقوبی» و «رستمی» رقم می کرده است. با اینکه هیچ یک از کاتبان و خوشنویسان شهیر معاصر و قبل از وی مانند اظهر و جعفر بایسنغری و حتی سلطان علی مشهدی، در خوشنویسی از وی برتر نبوده‌اند، این یک گم نام مانده و در تذکره‌ها و تاریخ ها کسی ویرا بخوشنویسی نستعلیق یاد نکرده‌است. خوشبختانه از شق و مخصوصاً کتابت او آثار متعدد بجا و همگی نمایندهٔ چیره‌دستی او در خط نستعلیق و بعض اقلام دیگر مانند نسخ ورقاع وتعلیق است. (که ذکر هریک درجای خود خواهدآمد).

ازخطوط نستعلیق وی دیده‌ام:

یک نسخه انیس العاشقین، بقلم نستعلیق کتابت عالی، با تاریخ و رقم: «تمت هذه الرسالة الشریفة الموسومه بانیس العاشقین، فی تاریخ سنة سبع و ثمانین و ثمانمائة، علی ید العبد الفقیر المحتاج الی الملک الصمد شیخ محمد الامامی» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

بگمان من تاسال ۸۸۷ تاریخ استکتاب این کتاب، کتابتی شیواتر واستوارتر ازاین کتاب وجود ندارد یا من ندیده‌ام.

دیگر یک نسخه هفت اورنگ جامی، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می‌شود: «کتبه العبد الفقیر الحقیر شیخ محمد بن شیخ احمد الهروی، فی تاریخ سنة تسع وتسعین و ثمانمائة» در کتابخانهٔ دانشگاه، استانبول؛

یک نسخه مثنوی اشترنامه، بقلم کتابت متوسط، با تاریخ ورقم: «تمام شد کتاب اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار علیه الرحمه بردست اضعف عباد الملک الصمد شیخ محمد بن احمد احسن الله احواله، در روز یکشنبهٔ پنجم ماه ذوالقعدهٔ سنهٔ احدی عشرین وثمانمائة ببلدة محفوظهٔ سمرقند» درهمان کتابخانه، (که اگر این کتاب هم بخط

Marfat.com

همان شیخ محمد بن احمد هروی باشد ، باید اولا عمری طولانی کرده باشد و ثانیاً ویرا از پیش قدمان خط نستعلیق دانست .)

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه العبد الفقیر الحقیر المحتاج الی رحمة الله ، شیخ محمد تجاوز الله » در مجموعهٔ آقای قاسم زاده استانبول ؛

یک صفحه از یک مرقع ، بقلم کتابت عالی ، با رقم : « کتبه الافقر الاحقر شیخ محمد بن شیخ احمد الامامی ، تجاوز الله عنهما وسیآتهما » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

۱۵ قطعه از مرقع عظیم سلطان یعقوب ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خفی خوش ، همگی با رقم «شیخ محمد» ونسبت «یعقوبی» در همان کتابخانه ؛

۸ قطعه از مرقع بهرام میرزا ، بقلمهای از دو دانگ تا غبار خوش ، با رقمهای «عبده الداعی شیخ محمد عفی عنه» و «عبده شیخ محمد» و « عبده شیخ محمد عفی عنه» و «الداعی شیخ محمد عفی عنه» و « عبده الداعی شیخ محمد غفر الله ذنوبه » در همان کتابخانه ؛

۲ قطعه از مرقع امیر غیب بیک ، بقلمهای دو دانگ جلّی محرّر و کتابت خوش با رقمهای : « کتبه شیخ محمد الامامی » ، قاطعها دوست محمد» و « کتبه العبد شیخ محمد الامامی غفر ذنوبه و ستر عیوبه » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه از مرقع سید احمد مشهدی ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم : « کتبه العبد شیخ محمد الامامی غفر ذنوبه وستر عیوبه » در همان کتابخانه ؛

۱۸ قطعه در مرقعهای مختلف ، بقلمهای از سه دانگ جلّی تا غبار خوش ومتوسط ، با رقمهای : «فقیر شیخ محمد» و «عبده الداعی شیخ محمد» و « کتبه شیخ محمد» و « کتبه محمد» و « کتبه شیخ محمد الیعقوبی» و « کتبه شیخ محمد الیعقوبی عفا الله عنه» : « کتبه شیخ محمد الرستمی» و« کتبه العبد الغریب شیخ محمد الامامی

تجاوز الله عنه فی بلدة رشت المبارك صانها الله عن الآفات» و «مشقه العبد المحتاج الی رحمة الله وغفرانه شیخ محمد الیعقوبی احسن الله احواله» و «کتبه العبد الغریب شیخ محمد عفا الله عنه» و «کتبه العبد محمد عفا الله عنه» درهمان کتابخانه ؛

۳ قطعه ازسرقعی ، بقلمهای ازچهاردانگ تا کتابت خفی خوش و متوسط ، بارقمهای : «عبده الفقیر الحقیر شیخ محمد» و «مشقّه العبد الفقیر المذنب شیخ محمد الکاتب غفر الله ذنوبه وستر عیوبه» و «مشقه العبد محمد الهروی تجاوز الله عن سیآته بمحمد وآله الطاهرین ، بمحمدآباد بید» در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول .

---

۸۸۲) محمد امان

ظاهراً ازخوشنویسان گم نام قرن دهم هندوستان است و قطعه‌ای بخط وی درموزهٔ پیشاور است که بقلم سه دانگ خوش بشیوهٔ هندی نوشته است بارقم وتاریخ «کتبه محمد امان سنهٔ ۹٤۰» .

---

۸۸۳) محمد امیر رضوی ـ سید

ازمعاصران و مصاحبان غلام محمد هفت قلمی است که گوید جوانی است مهذب الاخلاق و خوش طبع وشیرین زبان ودرفن کشتی گیری و پنجه کشی و هنر نقاشی ومصوّری و مذهّبی و جدول کشی و صحّافی وعلاقه بندی و سنگ تراشی ، دستگاه دارد .

هم او گوید که ازجوانی نستعلیق را بشیوهٔ قدما می نوشت وچون بخانهٔ من آمد وشدداشت واستعداد ویرا درخوشنویسی دریافتم ، اورا به پیروی ازروش رشیدا ترغیب کردم ومشقها و قطعات متعددی که از رشیدا داشتم دراختیار او گذاشتم واو از روی آنها مشق کرد وچندی نگذشت که پیشرفت کامل در خط وی حاصل آمد وشیوهٔ رشیدا را فرا گرفت وخود مجموعهٔ نفیسی ازآثار رشیدا جمع آورد وغالب

آنها را خود تذهیب و تزیین کرد و کم کم شباهت خط او برشیدا بآنجا رسید که برخط خود رقم رشیدا می‌نهاد و کسی آنرا ازخط رشیدا تمییز نمی‌داد. بعدها درماه محرم مجلسی از خوشنویسان تشکیل می کرد و غالب استادان خط دهلی درآن مجلس حاضرمی‌شدند ودرباب خط وخطاطان، مباحثات ومذاکرات می کردند.

امیررضوی در بلوای هندوستان، بسال ۱۸۵۷ میلادی، هدف گلوله واقع شد و درگذشت.

ازخطوط وی یک‌قطعه درموزهٔ باستان‌شناسی دهلی است، بقلم دودانگ وکتابت متوسط، بارقم و تاریخ: «مسوّده محمد امیر، درسنهٔ یکهزار و دوصد و پنجاه‌و هفت هجرة النبویّة تحریر یافت».

---

۸۸٤) محمد امین

ازشاگردان میرمحمد باقر بن میرعلی هروی است و خط او اسلوب مرغوب دارد. ظاهراً هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) حیات داشته‌است. ازآثارش که ممکن‌است ازاین محمدامین باشد، دیده‌ام:

یک نسخه سلامان وابسال جامی، بقلم کتابت خوش، که چنین تمام می‌شود: «درکتابخانهٔ نواب کامیاب قمررکاب عدالت شعارگردون وقارخورشید اشتهار، دین محمد سلطان زیدالله عمره، صورت تحریر یافت. کتبه‌المذنب محمد امین الکاتب، فی شهر رجب المرجب سنه احدی و الف» درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

دوقطعه‌ازمرقع محمدمحسن، بقلم‌دودانگ‌ونیم‌ودودانگ و کتابت‌خوش بارقمهای: «مشّقه الفقیر محمد امین غفرذنبه، تحریراً فی سنة ثمانین وتسعمائة» و «کتبه‌العبدالمذنب‌محمدامین غفرذنوبه» درکتابخانهٔ خزینهٔ‌اوقاف، استانبول.

Marfat.com

۸۸۵) محمد امین - حافظ

از کتیبه نگاران عثمانی بود وبخط او لوحه‌ای در موزهٔ آثار اسلامی و ترك استانبول است ، بقلم نستعلیق طغرائی شش دانگ ونستعلیق سه دانگ خوش ، با رقم : «حافظ محمد امین» .

---

۸۸٦) محمد امین بن باباخان

ازخوشنویسان گم‌نام قرن یازدهم است وازآثار وی دیده‌ام :

چهارقطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «جامعه و کاتبه فقیرالمذنب ، محمد امین بن باباخان ، در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یك‌قطعه ازمرقعی ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه العبد المذنب محمد امین بن باباخان غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

---

۸۸۷) محمد امین بخارائی - حاجی

صاحب مناقب هنروران گوید که معروف به میرك بخارائی و ازشاگردان میرعلی هروی است .

---

۸۸۸) محمد امین ترمذی

میرزا حبیب گوید که ازمعاصرین میرعماد بود وبسال . . . ، درگذشت .

Marfat.com

٨٨٩) محمد امین سمرقندی

از کاتبان گم نام قرن دهم و یازدهم و بخط وی یک قطعه بقلم سه دانگ متوسط ، در کتابخانهٔ رامپور هند است ، با رقم : «الفقیر محمد امین سمرقندی» .

---

٨٩٠) محمد امین سیفی - میر

نوادهٔ میرعماد سیفی حسنی است وخود هم در رقمها قید : «نوادهٔ میرعماد حسنی» را کرده است . با اینکه شیوهٔ او شباهت بشیوهٔ میرعماد دارد و خود کاتب خوشنویسی است ، ولی پایهٔ خط او حتی ازشاگردان میرعماد هم فروتر است .

میرزاسنگلاخ بحسب معمول خود باولقب «داناد بیر» داده است وتذکره نویسان پس از او نیز ، ازاو پیروی کرده‌اند .

وفات او را میرزا سنگلاخ درسنین چهل وپنج سالگی بسال ۱۱۲۰ وسپهر سال ۱۰۷۷ وعبدالمحمد خان ۱۱۱۰ ضبط کرده‌اند که هیچ یک درست نیست و ازآثار تاریخ دار او تاسال ۱۱۲۶ را نیز دیده‌ام .

اینست آنچه بخطاو دیده‌ام :

یک نسخه تحفة المؤمنین ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب . . . ذرهٔ بی‌مقدار محمد امین نوادهٔ مرحوم مغفور میر عمادالحسنی ، درعین تشویش بال وپریشانی اوضاع واحوال ، بتاریخ هزاروصد وبیست‌وشش ، توفیق تحریر این نسخهٔ شریف اتمام یافت .» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه ازمرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب الراجی ، محمد امین نوادهٔ مغفور مرحوم میر عماد الحسنی غفر له ، فی‌شهورسنه ۱۱۱۷ » درهمان کتابخانه ؛

یک‌نسخه رفیق توفیق محمدعلی قزوینی ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم

Marfat.com

و تاریخ : « ذرهٔ بی‌مقدار نوادهٔ مرحوم میر عماد الحسنی غفرله ، مسوّده نمود سنهٔ ۱۱۱۲ » درمجموعهٔ نگارنده ؛

یک‌قطعه ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «حرره‌العبد محمد امین نوادهٔ مرحوم میر عماد الحسنی غفر ذنوبه فی شهور سنهٔ ۱۱۱۸» ایضاً درمجموعهٔ نگارنده .

---

۸۹۱) محمد امین شامی

میرزا حبیب گوید که ازشاگردان باباشاه اصفهانی واز معاصرین میر عماد بود و خود را ازاولاد جعفر طیار می‌دانست . پدرش در دربار شاه طهماسب بود و پس‌ازمرگ‌پدر بعراق عرب رفت . بااینکه اصلا قزوینی است ، چون‌درشام متولد شده ، بشامی معروف گردیده است .

در ادب وانشاء فارسی‌وعربی دست‌داشت وشعرمی گفت وخوش‌می‌نوشت وبسال ۱۰۱۹ درگذشت .

---

۸۹۲) محمد امین عقیلی تبریزی

از اولاد عقیل است و خاندان وی در رستمدار مازندران بوده‌اند . پدرش پرهیزگار بود وعمّش مولانا میر حسین عقیلی ، درزمان شاه طهماسب ازجمله صلحا و فضلای وقت بود ، پدرش همراه سام میرزا به‌اردبیل رفت و محمد امین در آن‌شهر متولد گردید وهمانجا کسب علم‌وهنر کرد . چون بسن رشد رسید ، درزمان حکومت‌حمزه‌میرزا ، کتابدار اسمی‌خان‌شاملو شد . شاهزاده حمزه‌میرزا بوی‌محبت داشت و او را « صاحب السیف والقلم » خطاب میکرد . پس ازمرگ حمزه میرزا ، منزوی ، و بدرویشی و عبادت مشغول‌شد و بمشق و کتابت اکتفا کرد . گاهی‌شعر ترکی می گفت .

محمدامین درسلک خوشنویسان عهد قرارداشت وازشاگردان محمدحسین تبریزی بود.

صاحب گلستان هنر، بتاریخ محرم سال ۱۰۱۵، او را در قزوین ملاقات کرده است.

میرزاحبیب، وی‌را حفید میرعماد و کتابدارشاه عباس دانسته، گوید که حسن خطش بدرجه‌ای بود که بنام جدّش رقم می کرد و کسی ازاصل تمیز نمیداد وهم او گوید که درچهل وپنج سالگی بسال ۱۱۲۰ دراصفهان درگذشت. ظاهراً میرزاحبیب اورابامحمدامین نوادهٔ میرعماد خلط وسهو کرده‌است، زیرا که کتابدار شاه عباس اول تا بسال ۱۱۴۰ یعنی بیش از هشتاد سال پس از مرگ شاه عباس نمیتواند زیسته باشد ومحمدامین عقیلی را دیگری کتابدارشاه عباس نخوانده است سپهر تاریخ وفات اورا سال ۱۰۲۸ تعیین کرده است.

---

۸۹۳) محمد امین قزوینی - شیخ

از بزرگ‌زادگان قزوین و منشی وشاعر بلیغ بود وشعررا خوب می‌فهمید و خوش می‌نوشت. هنگام تألیف خلاصة‌الاشعار (حدودسال ۱۰۱۳) درگذشته بود.

---

۸۹۴) محمد امین لاهیجی - حکیم

مدتها درمحضر اطبای گیلان تحصیل علم کرد و به‌تبریز رفت و هم گام حکیم ابوطالب وحکیم باقر وحکیم جبرئیل بامر طبابت اقدام کرد.

هنگامی که تبریزرا عثمانیان اشغال کرده‌بودند، سرداران ترك بوی اعتقاد زیاد داشتند. سفری بعثمانی رفت، و در آنجا با بزرگان آشنا شد ودوباره به تبریز بازگشت و این زمانی بود که شاه‌عباس آذربایجان را ازوجود ترکان خالی کرده بود وحکیم بدربارشاه راه‌یافت وپس ازمدتی مرخص شد وبگیلان بازگشت وازآنجا

Marfat.com

بهندوستان رفت و بقول صاحب مآثر رحیمی ، بخدمت خان خانان عبدالرحیم خان رسید و از جملهٔ خاصان و محرمان گردید و تا سال ۱۰۲۵ درسرکار خان بطبابت مشغول بود .

گذشته از مراتب علمی ، محمد امین مردی هنرمند بود وخط نستعلیق را خوش می نوشت .

۸۹۵) محمد امین مذهّب

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی سه قطعه در مرقعهای مختلف کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلمهای دودانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه محمد امین بن ابراهیم المذهّب ۹۹۰ » و « الفقیر محمد امین بن ابراهیم المذهّب ، حرّره بمکّة المشرّفه ، فی شهور سنهٔ ۹۹۱ » ، و مشقه محمد امین المذهّب غفرذنوبه» .

۸۹۶) محمد امین مشهدی

شاگرد شاه محمد مشهدی و نزد وی گرامی بود . وی را بمحاسن معنوی و صوری ستوده‌اند . بقول صاحب گلستان هنر ، ازجوانی به خوشنویسی شهرت یافت واز خراسان بهندوستان رفت ودرهمانجا درگذشت .

سپهر سال وفاتش را ۹۷۸ ضبط کرده است ، که نباید درست باشد و بخط وی مرقعی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم دو دانگ و کتابت عالی ، با تاریخ و رقم : «تمت . . . علی یدالعبد المذنب محمد امین سنه ثمان وثمانین وتسعمائة» .

۸۹۷) محمد امین مشهدی

دیگری است که این یک نیز ، بهندوستان سفر کرده است و هنگام تألیف

Marfat.com

مرآة العالم (سال ۱۰۷۸) درقید حیات و با مؤلف این کتاب مصاحب بوده است ؛ وهم او گوید که یک‌نسخه پادشاهنامهٔ شاه جهانی‌را بغایت خوش‌نوشت و تقدیم کرد و صلهٔ گران یافت.

آنچه بخط وی دیده‌ام ، یک‌صفحه ازبیاض بختاورخان است ، بقلم نیم دو دانگ و کتابت خوش ، باین مضمون :

« این طرفه بیاض بین سواد اعظم — مجموعهٔ واردات اصل عالم
وین نیزعجب که گفت بختاورخان — تاریخ بیاض خود سواد اعظم

لکاتبه محمد امین المشهدی ۱۰۸۲ ». درموزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی.

ظاهراً یک محمدامین مشهدی خوشنویس دیگری ، سالها بعدازاین محمد امین می‌زیسته واوهم درهندوستان ومعاصر سیدعلی‌خان جواهررقم بوده است که ذکر وی‌را محمدصالح اصفهانی درتذکرهٔ خود کرده است.

---

۸۹۸) محمد امین هروی

کاتب گم نامی معاصر دو محمد امین مشهدی مذکوراست و ازآثار وی دیده ام :

یک‌نسخه یوسف‌وزلیخا و تحفة‌الاحرار وسبحة‌الابرار و خردنامهٔ‌اسکندری بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تمام گردید ... کتبه الفقیر محمد امین الکاتب الهروی ، بمحروسة مصر ، فی شهورسنهٔ ۹۹۳ » ؛

دیگر قطعه یی ازیک مرقع ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « مشقّه محمد امین الهروی» درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول.

Marfat.com

محمدانجوی = میرزابابای شیرازی

۸۹۹) محمد اوبهی

صاحب ریحان نستعلیق گوید که سلطان علی مشهدی اورا استاد دانسته است وبسال ۹۵۱ درمشهد درگذشت.

قطعهٔ شیوائی بخطوی، درمرقع امیرغیب بیک، درخزینهٔ اوقاف استانبول است، بقلم دودانگ عالی، بارقم: «الفقیر محمدالاوبهی غفرذنوبه».

---

۹۰۰) محمد ایروانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم است وبخط وی دیده‌ام:

یک رسالهٔ فارسی درشکیات نماز، بقلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «قدتمت الرسالة الشریفة فی شهر صفرالمظفر من ثلث تسعین و مائتین بعدالالف... سید محمد الایروانی غفرله سنهٔ ۱۲۹۳. نقلت هذاالرسالة من خطالاسناد الاعظم میرزامحمد صالح، باشارة استادنا... جناب میرزا علی محمد سلمه‌الله...» (که بدین قرارظاهراً ازشاگردان میرزا علی‌محمدصفای لواسانی بوده‌است) درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک‌قطعه، بقلم نیم‌دودانگ خوش، بارقم: «العبد محمدالایروانی»

---

۹۰۱) محمد باقر

خوش نویس گم‌نام زبردستی ازقرن‌دهم ویازدهم هجری‌است و بخط وی قطعه‌ای درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده است که بقلم دودانگ‌عالی نوشته‌است و رقم دارد: «بندهٔ درگاه گیتی‌پناه، محمدباقر»

---

۹۰۲) محمد باقر ـ میر

در مرآة العالم است که خوشنویس دربار اورنگ‌زیب پادشاه هندوستان (۱۰۶۹-۱۱۱۸) و فرزند میر زین‌العابدین ایرانی است ، اورنگ‌زیب را خط میر محمدباقر بسیار خوش‌آیند بود واورا معلم شاهزادگان کرده بود ومیر در بسیاری ازمرقعها نام‌آن پادشاه‌را ذکر کرده است .

محمدباقر بابختاورخان‌محشور واین یک که خود ازهنرمندان‌وهنردوستان بود ، سفینه‌ها ومرقعهای‌متعدد ترتیب‌داده‌وآثارشعرا وخطوط خوشنویسان معاصر را درآنها گردآورده‌بود که اکنون یکی‌ازآنها زینت‌بخش موزهٔ‌باستان‌شناسی دهلی است وظاهراً همانست که بختاورخان بآن « گلشن فطرت» عنوان داده است وخود گوید که این صحیفهٔ بدیعه اکثراً بخط میرمحمد باقر است . ازآن‌جمله‌است ، یک صفحه که بقلم نیم دودانگ خوش نوشته و رقم دارد : « کتبه المذنب محمد باقر غفرذنوبه» .

تاریخ وفات میرمحمد باقررا ذکر نکرده است ، بهرصورت تاسال ۱۰۷۸ ، تاریخ تألیف مرآة العالم هنوز درقید حیات بوده‌است .

از خطوط وی ، قطعه‌ای در یک مرقع در کتابخانهٔ بادلیان است که قطعه شعرماده تاریخی است که سال ۱۰۸۵ ازآن استخراج می‌شود وآنرا بقلم‌دودانگ و کتابت خوش نوشته است و چنین رقم دارد: «اقل موجودات اعنی محمد باقر بن زین‌العابدین الحسینی» .

---

۹۰۳) محمد باقر آشتیانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و یک نسخه ترجمهٔ نثراللالی بخط وی در کتابخانهٔ ملی تهران است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : «باتمام و انجام

Marfat.com

رسید . . . در دارالخلافهٔ طهران ، درشب یکشنبهٔ سلخ شهرشعبان المعظم من شهور سال هزار و دویست و هفتاد هجری . . . بید اقل عبادالله . . . ابن . . . میرزا محمد جعفر ، محمد باقرالاشتیانی غفرالله» .

---

۹۰٤) محمد باقر اردوبادی ـ قاضی

صاحب گلستان هنر گوید که امر قضای اردوباد بوی متعلق و مردی با کمال بود وشعر میگفت وهفت خطرا خوش می‌نوشت .

---

۹۰۵) محمد باقر اصفهانی ـ میرزا

در المآثر والاثار است که فرزند میرزا محمد حسن منجم باشی فتح علی شاه قاجار بود واز علوم ادبی وطب ونجوم بهره داشت وهفت خطرا استادانه می‌نوشت در اصفهان روزگار می گذرانید ودراوایل سلطنت ناصرالدین شاه بتهران آمد وبسال ۱۲۸۸ به بیماری وبا درگذشت ودر گورستان سرقبرآقا بخاك سپرده شد .

---

۹۰٦) محمد باقر تبریزی

ازکاتبان زبردست اوایل قرن حاضر تبریز وازآثار شیوای او ، یک نسخه کلیله ودمنه است که باشارهٔ امیرنظام گروسی بقلم نیم‌دودانگ خوش نوشته‌است وچنین تمام می‌شود : «قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب علی ید الحقیر محمد باقر المنشی التبریزی فی شهر جمادی الاولی سنه خمس و ثلاثمائة بعد الالف من الهجرة النبویة . . .» «بتاریخ روز دوشنبهٔ بیست‌وچهارم شهر رجب المرجب هزار وسیصد وچهار هجری قمری» . (به ترجمهٔ باقر گوش بریده مراجعه شود) .

Marfat.com

۹۰۷) محمد باقر (سمسوری) اصفهانی

ازخوشنویسان دربار فتح علی شاه قاجار واز کسانی است که بتقلید قطعات میرعماد راغب بوده است.

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۳۳ ضبط کرده که درست نیست و پس از این تاریخ لااقل تاسال ۱۲۴۷ می‌زیسته است. از خطوط وی دیده‌ام:

یک‌نسخه کلمات قصار حضرت امیر، بقلم نیم دو دانگ خوش، با رقم و تاریخ: «محقّر پیش کش پیشگاه... فتح علی‌شاه قاجار... بندهٔ جان‌نثار محمد باقر اصفهانی بتحریر وترقیم آن سعادت یافت، بتاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۲۴۷» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک مرقع مشتمل بر دوازده رقعه، که باب زر و مرکب الوان، بقلمهای پنج دانگ وچهار دانگ ودو دانگ خوش، با رقم وتاریخ: «من عبید حضرت السلطانی محمد باقر الخوراسکانی ۱۲۳۷» و «بندهٔ حضرت خسروانی محمد باقر خوراسکانی ۱۲۳۷» و «کتبه العبد الفقیر محمد باقر من عبید حضرت السلطانی، محمد باقر الاصفهانی، فی سنهٔ ۱۲۳۷» در همان کتابخانه؛

یک‌قطعه که عیناً ازروی یک‌قطعهٔ خط میرعماد نقل کرده است، بقلم سه دانگ جلی، نیم دو دانگ خوش، با رقم: «نقله عبد حضرت السلطانی محمد باقر الاصفهانی فی ۱۲۳۷» درمجموعهٔ نگارنده. و این قطعه همانست که میرزا عباس نوری سابق‌الذکر هم ازروی خط میرعماد نقل کرده است.

---

۹۰۸) محمد باقر حسینی

سنگابی درمسجد خان اصفهان است که بخط نستعلیق پنج بیت شعرفارسی برآن کتیبه کرده‌اند وچنین رقم دارد: «کتبه محمد باقرالحسینی غفرله».

---

۹۰۹) محمد باقر زرین قلم

پدر محمد حسین عطا خان خوشنویس لکنهوی مرصع رقم است. چون خط طغرایی را خوش می‌نوشت، به «طغرایی» نیز معروف است. در زمان شجاع الدوله نواب اوده (۱۷۵۳-۱۷۷۵ م.) شهرت داشت.

ازخطوط وی دیده‌ام:

یک قطعه نستعلیق نیم‌دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «المذنب محمد باقر زرین قلم تحریر نمود» درموزهٔ باستان‌شناسی، دهلی.

---

۹۱۰) محمد باقر زرین قلم - حافظ

خوش نویس گم نامی است که در قرن سیزدهم می‌زیسته و از خطوط وی یک مرقع بزرگ درمجموعهٔ موزهٔ حیدرآباد دکن است، بقلم سه دانگ و دودانگ خوش ومتوسط، بارقم وتاریخ: «کتبه حافظ محمد باقر زرین قلم ۱۲۹۴».

---

۹۱۱) محمد باقر شیرازی

از کاتبان خوش نویس گم نام قرن یازدهم بود و بخط وی دیده‌ام: یک نسخه شرح حکمة العین، بقلم کتابت خفی خوش، بارقم وتاریخ: «قد تمت الامور العامة بشرح حکمة العین، فی سلخ ربیع الثانی سنة ۱۰۵۳، بخط الفقیر... ابن قوام الدین حسین، محمد باقر الکاتب الشیرازی» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، تهران.

---

۹۱۲) محمد باقر قاجار

از خوشنویسان قرن سیزدهم واز شاگردان میرزا علی محمد صفاست.

بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه مناجات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « ختم بالخیر و السّعادة باشارة الاستاد الاعزّ والاجلّ مصداق الصدق و الوفا ، میرزا علی محمد المتخلص بصفا ؛ و انا العبد المذنب خانه زاد دولت ابد مدت محمد باقرخان قاجار سنهٔ ۱۲۹۶ هزار و دویست و نود وشش» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

ویک نسخه نصایح جامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم : « کتبه العبد المذنب محمد باقرخان قاجار . . . در فصلی که از برودت هوا آب ازجریان و مرغ ازطیران ایستاده بود ، صورت اتمام پذیرفت» (عرضه بمجلس شورای ملی) .

---

۹۱۳) محمد باقر کاشانی

فرزند محمد حسین خان کاشانی است ، سپهر گوید که نستعلیق را خوش [می] نوشت وبسال ۱۲۵۸ درگذشت .

---

۹۱۴) محمد باقر کاشانی

معروف به باقر خورده‌یی ، برادر کوچک ملامقصود خورده‌فروش کاشانی شاعر است .

محمد باقر شعر می گفت ودرشاعری شاگرد محتشم کاشانی بود و با حاتم وفهمی کاشانی مشاعره ومناظره ومباحثه داشت .

درخط نستعلیق شاگرد میرمعزالدین محمد کاشانی بود وخطش را باستادی وسزه ستوده‌اند .

درزمان شاه عباس ، بتهمت الحاد ، وی را محبوس ساختند . هنگامی که زندانی بود ، آقا خضربرادر عبدالباقی نهاوندی صاحب مآثررحیمی ، که وزیر کاشان

Marfat.com

بود ، ازاونگهداری ودلجویی می کرد وعبدالباقی گاه بگاه نزداومی رفت ودلداریش می داد . پس از یک سال که از الحاد برائت یافت وآزاد شد ، ازشاه عباس رعایتها دید وفرهادخان قرامان لو اورا بدستگاه خود برد و کتابداری خود راباو تفویض کرد . چندی بعد بقصد زیارت عتبات مرخص شد و پس از دوسال بکاشان باز گشت و در سراجعت باعبدالباقی مصاحب بود . سپس بهندوستان رفت ودرسلسلهٔ ابراهیم عادل شاه ملازم شد . بسال ۱۰۰۶ بدستگاه عبدالرحیم خان خان خانان وارد گردید و بسعی عبدالباقی صاحب مآثر رحیمی ، بکتابداری خان منصوب گردید و تا زمان تألیف مآثر رحیمی (سال ۱۰۲۵) بیست سال بود تابرسر آن کار بود .

اینکه سپهر سال وفات اورا ۱۰۲۴ ثبت کرده روا نیست و صاحب گلستان هنر ، هنگام تألیف کتاب خود (حدود سال ۱۰۵۲) اورا حاضر خطاب کرده است .

---

۹۱۵) محمد باقر گیلانی

از کاتبان خوش نویس گمنام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخهٔ کامل بهائی ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ و رقم : « وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب ، بعون الملک الوهاب ، فی دوم شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۴۰ اربعین والف من الهجرة ، علی ید اضعف العباد فقیر المحتاج بمغفرة سبحانی محمد باقر ولد ملا محمود گیلانی ، تصنیف حسن بن علی بن محمد بن الحسن الطبری» .

---

۹۱۶) محمد باقر مازندری

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه دیوان ظهیر فاریابی دیده‌ام ، بقلم نیم دودانگ جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « حسب الامر قضاجریان . . . ملک‌زاده . . . این کلمات ظهیرفاریابی راپرداخت . . . الفقیر الحقیر محمد باقر المازندری ، الشهیر بعباسیه ، سنهٔ ۱۲۵۱ » .

Marfat.com

۹۱۷) محمد باقر هروی - میر

فرزند میرعلی هروی وشاگرد اوست (نه‌چنان که میرزاسنگلاخ وبه‌تبعیت اوسپهر و میرزاحبیب ، اورا پدر میرعلی دانسته‌اند) .

جز نستعلیق به‌خط تعلیق نیز دست داشته است . متأخرین تذکره‌نویسان گویند که درعلم کلام وحکمت بی‌مانند بود وبشرح اشارات خواجه نصیر طوسی اعتراضات دارد .

بهندوستان رفت و در دستگاه خان خانان وظاهراً دربار همایون پادشاه (۹۳۷-۹۶۲) راه یافت و بهبود خوشنویس و نقاش را (که ترجمهٔ وی گذشت) بخان خانان وا گذاشت .

میرزاحبیب وفاتش را درسنین هشتادوهشت‌سالگی ، درهندوستان دانسته وسپهر سال درگذشت اورا . ۹۲ ضبط کرده که درست نیست وسالها پس ازاین تاریخ زیسته است .

میرزا سنگلاخ بحسب معمول خود و به‌تبعیت او میرزا حبیب ، باو لقب «ذوالکمالین» داده‌اند .

صاحب مناقب هنروران ، محمد حسین هروی و محمد امین را ازشاگردان او دانسته است .

ازآثاروی صاحب مآثررحیمی بسیاردیده‌است وآنچه‌من دیده‌ام عبارتست از :

یک‌قطعه ، بقلم سه‌دانگ جلی و نیم‌دودانگ عالی ، بارقم : «کتبه العبد محمد باقربن میرعلی غفرالله ذنوبهما» درکتابخانهٔ ملی پاریس ؛

یک قطعه ازمرقع ، بقلم سه‌دانگ خوش بسفیداب ، با رقم و تاریخ : «فی سنهٔ ۹۸۲ باقر الهروی» (نیمهٔ دیگر این مرقع ظاهراً خط پدروی میرعلی‌است که رقم «فقیرعلی» دارد) درکتابخانهٔ خزینهٔ‌اوقاف ، استانبول ؛

Marfat.com

یک قطعه از مرقع ، بقلم نیم دو دانگ خوش ، با رقم : «فقیر محمد باقربن میرعلی» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعه نیم دودانگ و کتابت رنگهٔ خوش ، با رقم : «الفقیر المذنب محمد باقر الکاتب» در مجموعهٔ نگارنده ؛

واز جملهٔ بهترین آثار او مقدمه ایست که بمرقعی بخط پدر خود میرعلی ، بقلم دودانگ عالی نوشته است باین قسم :

«غرض از تمهید این مقدمات آنکه فقیر بی بضاعت وحقیر بی استطاعت العبد الخائف المذنب محمد باقربن علی الحسینی الکاتب را یک چند قطعه و رباعی از نتایج دست وزبان والد او جمع گشته بود و پیوسته از پریشانی آن توهّم می نمود ، محقّر مرقّعی ترتیب داد که تا صفحهٔ عارض خوبان گلعذار از ریحان خط مشک آثار ، آرایش یافته ، مشابه خطوطی که در او مرقوم است قلم برصفحهٔ کاغذ ننهاده وتا مرقع سپهر بصورت نور افشان ماه ومهر منور گشته ، پرتو شعور هیچ مهندس مبصر ، بر امثال تکلّفی که این اوراق را مزیّن دارد نیفتاده ، برصدق دعوی من خط می دهد گواهی . بخاطر چنان رسید که تحفهٔ حضّار مجلس فردوس عالی حضرت . . . خسرو صاحبقران شاهنشه گیتی پناه ، فخر اولاد تمر ، یعنی همایون پادشاه خلدالله ظلال معدلته علی مفارق العالمین ، الی یوم الدین شود .

امید که بعین عنایت و نظر شفقت منظور و ملحوظ گردد و این بنده از قبول آن حضرت بهره مند ومحظوظ . بالله التوفیق»

یک نسخه غزلیات امیر شاهی در مجموعهٔ آقای سلطان القرائی است که بشیوهٔ قطعات مذکور بقلم کتابت خفی عالی نوشته شده است و چنین رقم و تاریخ دارد : « کاتب العبد . . . میر علی سنهٔ ۹۸۷ » و میانهٔ « العبد » و « میرعلی » دو کلمه را برداشته اند که جای آن را میتوان «محمد باقربن» نهاد و کسی را در این تاریخ که منسوب به میر علی باشد ، و باین مایه و شیوه کتابت نستعلیق کند ،

Marfat.com

جز محمد باقر مذکور نمی شناسم .

---

۹۱۸) محمد بحری پاشا

از نستعلیق نویسان عثمانی است . شاگرد درویش علی بود .

---

۹۱۹) محمد بدخشی حسینی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه‌ای دریک مرقع کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ خوش ، بارقم : «العبد محمدالبدخشی حسینی» .

---

۹۲۰) محمد بدیع

ازخوشنویسان گمنام ،وبنام او یک‌قطعه درموزهٔ کابل است ، بقلم دودانگ عالی ، که چنین رقم دارد : « بنظر فیض اثر صاحب زادهٔ بلنداقبال خواجه محمد برهان‌الدین سلّمه‌الله تعالی مسعود باد . راقمه محمد بدیع» .

---

۹۲۱) محمد بروجردی

کاردیوانی داشت واقسام خطوط وسیاق را خوش می‌نوشت . میرزاسنگلاخ گوید که وقتی ببروجرد رسیدم باوی ملاقات کردم وباو تعلیم خط دادم .

---

۹۲۲) محمد بسطامی - شمس‌الدین

درمشهد شاگردی سید احمد مشهدی کرده و کاتب مقرر شده است . در کتابخانهٔ شاه عباس بکتابت مشغول و صاحب تیول و مواجب بود . خط را با مزه

Marfat.com

می نوشت و هنگام تألیف گلستان هنر (حدود سال .....) در قید حیات بود.

---

۹۲۳) محمد بقال

از کاتبان گمنام قرن نهم است و بخط وی دیده‌ام:

یک نسخه دیوان کاتبی، بقلم کتابت متوسط، با رقم: «تم الکتاب العبد محمد بقّال» در موزهٔ آثار اسلامی و ترک، استانبول.

یک نسخه دیوان امیر خسرو، بقلم کتابت خفی متوسط، با تاریخ و رقم: «تمّ الکتاب ... بتاریخ شهر ذوالقعدة الحرام سنة سبعین و ثمانمائة وصلی الله علی محمد و آله اجمعین. العبد محمد بن محمد المشهور به بقّال والسلام» در همان موزه.

---

۹۲۴) محمد بلخی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه‌ای از یک مرقع در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است، بقلم نیم دودانگ خوش، بشیوهٔ شاه محمود نیشابوری با رقم: «مسوّده محمد بلخی».

محمد بهاءالدین = محمد عاملی

محمد بهادرشاه = بهادرشاه ثانی

۹۲۵) محمد بهائی

از خوشنویسان زبردست شکسته نستعلیق قرن سیزدهم است (که ترجمهٔ احوالش در جزو شکسته‌نویسان خواهد آمد) که نستعلیق را نیز خوش می‌نوشته است و قطعه شعری بقلم نیم دودانگ خوش به نستعلیق از او دیده‌ام که رقم و تاریخ دارد: «لمحرّره الدّاعی لدوام الدولة القاهرة محمد البهائی، سنة ۱۲۸۴».

Marfat.com

۹۲۶) محمد بهرام

ازخوشنویسان گمنام قرن دهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه دیوان امیرشاهی ، بقلم کتابت ملیح خوش ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب محمد بهرام بمدینة الشام ، فی تاریخ ۹۵۹ » در کتابخانهٔ ایاصوفیه ، استانبول ؛

یک‌نسخه اخلاق‌منصوری غیاث منصور ، بهمان قلم‌ملیح ، بشیوهٔ‌سلطان محمد نور ، بارقم وتاریخ : «تمام شد کتاب اخلاق‌منصوری فی‌یوم الاحد من‌شهر ربیع‌الثانی ، علی‌یدالحقیر محمد بهرام سنه ۹۵۸ » ، درمجموعه‌آقای سلطان‌القرائی ، تهران ؛

یک‌نسخه رسم‌الخط مجنون‌رفیقی وقواعد خطوط سلطان‌علی‌مشهدی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم‌وتاریخ : «قد تم بعون‌الملک العلام ، علی یدالحقیر محمد بهرام بمدینة شام ، فی‌سنه ۹۰۹ » در کتابخانهٔ ملی‌پاریس ؛

سه‌قطعه بقلمهای سه‌دانگ ونیم‌دودانگ و کتابت و کتابت خفی‌متوسط ، با رقمها و تاریخ : « کتبه العبد الحقیر محمد بهرام » و « کتبه العبد الحقیر محمد بهرام بمدینة‌دمشق ، فی تاریخ ثمان‌وخمسین وتسعمائة» درمجموعهٔ‌آقای کریم‌زاده، تهران ؛

---

۹۲۷) محمد پورانی ـ شیخ

صاحب مناقب‌هنروران ، وی را شاگرد سلطان‌علی مشهدی نوشته ومیرزا حبیب هم شاگرد و هم‌فرزند وی ، واورا بدون ذکر نام محمد بلقب « نورالدین » خوانده‌اند ؛ ولی درآثاروی که‌رقم «میرشیخ پورانی» دارد ، یکی‌بارقم: «نورالدین محمد‌پورانی» است . ظاهراً باید فرزند بایزیدپورانی سابق‌الذکر باشد .

Marfat.com

بهرصورت از خوشنویسان منسوب به «پوران» چند تن هستند که انتساب آنها به یکدیگر درست معلوم نیست ، و آنها عبارتند از: بایزید پورانی که صاحب تذکرهٔ بی‌نام او و سلطان علی مشهدی هر دورا شاگرد اظهر دانسته است ؛ دیگر میرشیخ پورانی ، که میان سالهای ۹۳۹ و ۹۶۸ می‌زیسته است و خط وی بدیگر پورانی ها می‌چربد ؛ دیگر شیخ زاده پورانی ، که اورا فرزند شیخ ابوسعید پوران معرفی کرده‌اند ؛ که همهٔ اینها دریک‌عصر بوده‌اند ، ولی نمیتوانند خوشنویس واحد باشند ، که اختلاف شیوه و مایه در خط آنها محسوس است .

اینست آنچه از آثار آنها دیده‌ام :

سه قطعه ازمرقع بهرام میرزا ، بقلمهای چهاردانگ و سه‌دانگ و دودانگ ونیم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقمهای : «مشقه نورالدین الپورانی» و « الفقیر نورالدین الپورانی تجاوزالله عنه وغفر ذنبه» و « مشّقه نورالدین محمدالپورانی » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه ازمرقعی دیگر ، بقلم نیم‌دودانگ الوان محرّر متوسط ، بارقم : «حرّره نورالدین الپوران غفرله» درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه از یک مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقم : « مشقه نورالدین محمد پورانی» در کتابخانه مدرسهٔ سپهسالار ، تهران ؛

یک‌قطعه ازیک مرقع ، بقلم نیم‌دودانگ متوسط ، بارقم : «مشقه‌نورالدین محمد پورانی» در کتابخانه دانشگاه ، استانبول .

---

۹۲۸) محمد تبریزی

معین الدین محمدشریفی تبریزی ، بقول صاحب مناقب هنروران ، ازشاگردان میرعلی هروی است وبخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ازمرقع مالک دیلمی ، بقلم سه‌دانگ‌جلی ونیم دودانگ‌خوش ،

Marfat.com

بارقم : «کتبه العبد معین الدین محمد الشریفی ، در مشهد مقدس انور نوشته شد» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

---

۹۲۹) محمد تبریزی

امیر بدرالدین محمد تبریزی ، بقول صاحب پیدایش خط و خطاطان ، از خوشنویسان دربار امیر تیمور گورکان بود که اقلام شش گانه ونستعلیق را خوش می‌نوشت ودر این خط شاگرد میرعلی تبریزی بود و میر خط او را بفرزند خود میر عبدالله ترجیح می‌نهاد . نیز وی را شاعر دانسته واشعاری ازوی نقل کرده است .

نام چنین خوشنویسی را جز صاحب پیدایش خط و خطاطان ، دیگری از تذکره‌نویسان و مورخان نیاورده‌اند ونمیدانم مأخذ نقل این حکایات چیست .

---

۹۳۰) محمد تبریزی منشی - میرزا

بسال ۱۰۹٤ دراصفهان متولد شد ، ولی اصلا تبریزی است ودربسیاری از علوم وهنرها سرآمد بود : فقه وحدیث وحکمت و تصوّف و موسیقی و ریاضی و جفر ورمل را می‌دانست وقوت حافظه‌اش بدرجه‌ای بود که هرچه‌را یک‌بار می‌شنید ، ازبر می کرد . بچهارزبان فارسی وعربی وترکی وپشتو آشنا بود و درزبان پشتو و دربعض علوم تصانیف دارد . همهٔ اقلام را خوش می‌نوشت .

علی‌قلی‌خان واله داغستانی ، صاحب تذکرهٔ ریاض الشعراء ، مدتی نزد وی تلمذ کرده وازوی تعلیم خط نستعلیق گرفته است .

---

۹۳۱) محمد تبریزی - حاج

ازشاگردان شاه‌محمود نیشابوری بود ودرزمان سلطنت سلطان سلیمان خان ، بعثمانی رخت کشید و بدربار سلطان راه یافت ومورد توجه اوشد وروزی چهل آقچه

Marfat.com

زر وظیفه داشت . هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) هنوز می زیست .

---

۹۲۲) محمد ترکستانی - میرزا

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم وبخط وی یک نسخه گوی وچوگان عارفی ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبدالمذنب میرزا محمد بن شاه محمد ترکستانی غفرذنوبه وستر عیوبه ، فی شهر محرم سنه ۹۸۳ » .

---

۹۳۳) محمد ترکی - حاج

معروف به دده مولوی بروسوی ، از نستعلیق نویسان عثمانی و شاگرد صدرالدین بیک و علی حیدر بیک و میرزا سنگلاخ بوده است .

---

۹۳٤) محمد تقی

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است وبخط وی دیده ام :

یک قطعه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : «محمد تقی ، سنه ۱۲۵٦» در مجموعهٔ آقای حاج حسین آقا نخجوانی ، تبریز ؛

چهار قطعه ، بقلم دو دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم : «العبدالمذنب محمد تقی غلام » و « کتبه علی ، مشقه المذنب تقی ، غلام » در کتابخانهٔ ملی ، پاریس ،

---

۹۳٥) محمد تقی - حاج میرزا

ملقب به « دبیرالدوله » وزیر دارالشّورای ناصرالدین شاه قاجار بود .

اجدادش از علماء و مجتهدین بودند و سلسلهٔ نسبش بامام زین العابدین میرسد .

Marfat.com

درجوانی تحصیل حسابداری ودفترداری و مقدمات علوم ادبی وعربی کرد خطوط نستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت.

مشاغل وی درروزنامهٔ شرافت چنین آمده است که، بسال ۱۲۸۲ به‌نیابت پدرش، میرزا مصطفی وکیل لشکر، بمنصب لشکر نویسی رسید و بسال ۱۲۹۸ که‌پدرش درگذشت شغل ولقب پدر بوی تفویض شد. تاسال ۱۳۱۶ می‌زیست.

---

۹۳۶) محمد تقی تویسرکانی

از کاتبان گمنام اوایل قرن حاضر و بخط وی یک نسخه حدیقة الحقیقه و طریق التحقیق سنائی در کتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی است، بقلم کتابت متوسط با رقم وتاریخ: «اناالعبد... محمد تقی المنشی التویسرکانی سنهٔ ۱۳۱۷».

---

۹۳۷) محمد تقی خاتون آبادی

از کاتبان گم‌نام قرن یازدهم است واز خطوط وی دیده‌ام:

یک‌نسخه نزهة‌القلوب، بقلم کتابت متوسط، بارقم وتاریخ: «کتبه العبد المذنب محمد تقی بن حسین الکاتب الخاتون آبادی الاصفهانی غفرالله ذنوبه، درتاریخ ثانی عشر شهرشعبان المعظم سنه اربع وثلاثین والف، سمت اختتام پذیرفت نزهة‌القلوب حمدالله مستوفی القزوینی بجهة بندگان... امیرآقا بیکا» درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک‌نسخه حبیب السیر، بقلم نیم‌دودانگ‌متوسط، باتاریخ ورقم: «باتمام رسید... فی تاریخ ثانی عشر شهر شعبان المعظم سنه اربع واربعین والف. کتبه المذنب محمد تقی بن حسین الکاتب الخاتون آبادی الاصفهانی عفی عنهما» در همان کتابخانه؛

Marfat.com

نسخهٔ دیگر نزهة القلوب ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «فرغ من تحریر هذا الکتاب المسمی بنزهة القلوب ، علی ید العبد الضعیف المذنب المحتاج الی رحمة الله الملک القوی محمد تقی الخاتونابادی الاصفهانی ، فی تاریخ یوم الخمیس سادس عشرین شهر ربیع الاول سنه احدی واربعین والف هجریة المصطفویة، بجهت بندگان . . . لاچین بیکا . . .» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران .

---

۹۳۸) محمد تقی بیك ـ دوات دار

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می‌نوشت وبسال ۱۰۲۴ درگذشت .

قطعه‌ای بقلم دودانگ خوش دیده‌ام که رقم : « کتبه المذنب محمد تقی» داشت وتاریخ نداشت ، ولی احتمالا درقرن یازدهم نوشته‌شده‌بود وممکن است بخط همین محمد تقی باشد .

---

۹۳۹) محمد تقی شیرازی

ازخوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است وبخط وی یک قطعه دارم ، بقلم چهاردانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «مشقه محمد تقی شیرازی ، سنه ۱۲۶۹»

---

۹۴۰) محمد تقی بن عبدالجبّار

ازخوشنویسان زبردست قرن دوازدهم است . محمد صالح اصفهانی گوید ، برادرمحمدشفیع فرزندعبدالجبارشاگردمیرعماداست ودرقزوین می‌بودوبیست تومان مواجب داشت، وبه تحریر کتاب شرح کافی مشغول بود ودرآنجا فوت شد . و بخط وی قطعه‌ای درمجموعهٔ آقای افخم السلطنهٔ اعتضادی است ، بقلم دودانگ عالی .

Marfat.com

۹۴۱) محمد تقی کاتب السلطان

کاتب گمنام قرن سیزدهم ، که خود را رشیدای ثانی خوانده است و خط نستعلیق و نسخ هر دو را خوش می‌نوشته و بخط وی یک نسخهٔ جوشن کبیر ، در کتابخانهٔ سلطنتی است که به‌نسخ کتابت خوش و نستعلیق متوسط نوشته است و چنین تمام می‌شود : «حسب الامر سلالة السادات الاطیاب ، میرزا عبدالوهاب ، و انا العبد محمد تقی کاتب السلطانی ، رشیدای ثانی» .

---

۹۴۲) محمد تقی کرمانی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه مثنوی مولانا در کتابخانه آقای دکتر مهدوی است بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : « . . . کاتبه ابن جمال الدین ، محمد تقی کاتب الکرمانی فی سنهٔ ۱۰۵۳ »

---

۹۴۳) محمد تقی مروارید

صاحب خط و خطاطان گوید که مخدوم عبدالله مروارید بود و صاحب مناقب هنروران گوید که کسی تصریح نکرده است که او فرزند عبدالله مروارید باشد ؛ ولی نسبت ظاهر می کند که او از خاندان عبدالله است . شاگرد میر معزالدین محمد کاشانی بود .

در تذکرهٔ هفت اقلیم آمده است که امیر محمد تقی مروارید کاشانی ، جوانی مستجمع فضل و هنر بود و نستعلیق را در غایت عذوبت می‌نوشت و مدتها درد کن اقامت داشت و شعر می گفت ، که تطبیق این محمد تقی با آنکه در مناقب هنروران آمده است ، دشوار می‌نماید .

Marfat.com

۹۴۴) محمد تقی میرزا قاجار

ملقب به رکن الدوله فرزند محمد شاه ، از شاهزادگان با کمال و هنر و با کفایت قاجار بود وبکارهای خطیر مانند ایالت خراسان اشتغال می‌ورزید . مجموعهٔ کتابهای خطی وی از نفایس بود وخط نستعلیق را استادانه می‌نوشت وبقول شاهزاده محمد علی میرزا ملقب برکن الدوله فرزند رکن الدولهٔ بزرگ ، خط نستعلیق را مانند خود ایشان ودیگر برادران نزد میرزا کاظم خطاط تعلیم گرفته بود .

از خطوط وی دیده‌ام :

قطعه‌ای بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « بندهٔ درگاه محمد تقی قاجار ۱۲۷۰ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

دوقطعه بقلم دو دانگ خوش ، بارقم : «رکن الدوله» و «مشقه محمد تقی قاجار سنهٔ ۱۲۸٤ » .

یک قطعه، بقلم دودانگ خوش، بارقم: «رکن الدوله» درمجموعهٔ نگارنده .

---

۹٤۵) محمد تقی نیریزی

از خوشنویسان گمنام قرن اخیر ویک قطعه بخطوی در کتابخانهٔ ملی تهران است ، بقلم نستعلیق نیم دودانگ وشکسته نستعلیق متوسط ، بارقم: «العبدالمذنب الحقیر محمد تقی نیریزی جهت برادر عزیز الوجود میرزا محمد رضا .... نوشته شده است » .

---

۹٤٦) محمد تقی هروی

از خوشنویسان زبردست گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه منتخبات اشعار متفرقه درمجموعه آقای مهندس مزداست ، بقلم کتابت عالی ، بارقم وتاریخ :

«کتبه محمدتقی الهروی فی سنه سبع و تسعین و تسعمائة».

---

۹٤۷) محمد جان

فرزند میان محمد عاشورائی ملازم و خوشنویس حضور بهادر شاه ثانی، آخرین پادشاه سلسلهٔ گورکانی هندوستان (۱۲۲۱-۱۲۵۳) و از مصاحبان غلام محمد هفت قلمی (متوفی سال ۱۲۳۹) بود که او را جوانی صالح و ستوده اخلاق معرفی کرده گوید در خط نستعلیق از شاگردان میر کلن بود و روش اسقادرا بخوبی فرا گرفته است.

---

۹٤۸) محمد جان شیرازی

از کاتبان گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه رباعیات خیام با مقدمهٔ منثور و رباعیات ابوسعید ابوالخیر، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است، بقلم کتابت خفی متوسط، با تاریخ و رقم: «تحریراً فی شهر جمادی الاخر سنه تسع و اربعین و تسعمائة، مشقه العبد الضعیف محمد جان کاتب الشیرازی غفرله».

---

۹٤۹) محمد جان کرمانی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و یک نسخه کلیات سعدی بخط وی در مجموعهٔ مرحوم عالی تورك گلدی است، بقلم کتابت خفی، با تاریخ و رقم: «قد فرغ من تسوید هذه الکتاب فی التاریخ شهر ربیع الثانی سنه احدی عشرین والف، العبد الضعیف المحتاج الی الله الغنی محمدجان الکرمانی غفرذنوبه».

---

۹۵۰) محمد جعفر انصاری

از کاتبان گمنام قرن دهم و یک نسخه شرح لمعات عراقی، از جامی بخط

Marfat.com

وی در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : «قد فرغ من تسوید هذه الاوراق شرح لمعات فی یوم الاحد سلخ شهر ربیع الاخر سنه تسع وخمسین والف من هجرة . . . انا الفقیر الحقیر محمد جعفر بن زین العابدین الانصاری عفی الله عنهما» .

---

۹۵۱) محمد جعفر حکیم الٰهی

برادر بزرگ میرزا علی محمد صفای لواسانی است ومرحوم میرزا محمد خان قزوینی ، در وفیات معاصرین خود دارد :

«حکیم الهی اول ، یعنی میرزا محمد جعفر پسر میرزا حسنعلی لواسانی که در حدود ۱۲۱۵ قمری تولد یافته و در حدود ۱۲۹۸ قمری در تهران در گذشته ، نیز در حدیث وعلوم معقول وتاریخ ماهر ودر انشاء استاد بود و برادر او یعنی عم میرزا شمس الدین حکیم الهی ثانی ، مرحوم میرزا علی محمد صفاست که در ۱۲۲۱ متولد ودر ۱۲۹۹ قمری مرحوم شده و از خوشنویسان و شعرای مشهور عصر خود بشمار میرفته است . (حکیم الهی ثانی ۱۲۵۲-۱۳۳۶ شاگرد حاج ملا هادی سبزواری است . حکیم الهی ثالث ، میرزا فضل الله ، ناشر کتاب فروغ کافی کلینی است)» .

بخط حکیم الهی ، تصدیقی در پشت یک جزو از اسکندرنامهٔ نظامی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، که نسخه را بخط میر عماد دانسته ، حاکی از خوشنویسی اوست ومضمون تصدیق نامه این است : «آنچه عالی جناب اخوی میرزا علی محمد تصدیق نموده‌اند ، حجت است ، محمد جعفر الالهی ۱۲۸۲» . (تصدیق میرزا علی محمد صفا نیز در همین صفحه است) .

محمد جعفر خان = رجوع شود به محمد محسن مصور

۹۵۲) محمد جعفر شیرازی

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم است وبخط وی دیده‌ام :

Marfat.com

یک نسخه دیوان شیخ علی نقی کمره‌ای ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « فرغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی یوم الاثنین سادس شهر جمادی الاولی فی شهور سنه تسع و اربعین و الف ، بید الفقیر الحقیر اقل عباد الله ، محمد جعفر بن عنایت‌الله الشیرازی . . . » در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار ، تهران ؛

یک نسخهٔ نقد الحواشی محمد هادی شیرازی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می‌شود : « تمت الرسالة النّفیسة المسماة بنقد الحواشی ، علی ید العبد الضعیف محمد جعفر بن عنایت‌الله الکاتب الشیرازی ، فی شهر رجب المرجب سنهٔ ١٠٧٤ » درهمان کتابخانه .

---

٩٥٣) محمد جعفر شیرازی

خوشنویس گمنام شیرازی دیگر از قرن سیزدهم است و بخط وی دارم :

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه محمد جعفر شیرازی سنهٔ ١٢٦٩ » .

---

٩٥٤) محمد جعفر کشمیری

از خوشنویسان گم نام قرن دوازدهم هندوستان وظاهراً از اولاد محمد حسین کشمیری زرین قلم است . بخط وی قطعه‌ای از یک مرقع کتابخانهٔ بادلیان است بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، که چنین رقم دارد : « کمترین خانه زادان درگاه آسمان‌جاه محمد جعفر بن محمدعلی نبیرهٔ زرین قلم مرحوم » .

---

٩٥٥) محمد جعفر گلپایگانی

از کاتبان قرن سیزدهم و یک نسخه الف لیلة و لیلة فارسی بخط وی بسال

۱۲۷۵ در تهران بچاپ رسیده است که بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته است.

---

۹۵۶) محمد جلال الدین شیرازی - سید

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی مرقعی در کتابخانهٔ سلطنتی است، بخط نسخ وشکسته ونستعلیق سه دانگ خوش، با رقمها و تاریخ: «نقلت من صحیفه المبارکة بخط الشریف، وانا محمدالمدعوّ بجلال الدین الحسینی، فی سنه ۱۲۷۹، لحبیبی وقرة عیونی میرزا محمدرضا. فی شهررجب المرجب» و «راقمه جلال الدین محمد الحسینی الشیرازی الشریفی» و «مشفّقه العبدمحمد المدعو بجلال‌الدین الحسینی الشریفی الشیرازی، محرم الحرام سنه ۱۲۸۰».

---

۹۵۷) محمد جمال الدین وحشت

از سادات طباطبائی زواره وبسال ۱۰۳٤ تولد یافته است. اشعارش مدوّن است ودیوانش بیش از بیست هزار بیت دارد. هفت خط، مخصوصاً نستعلیق را بسیار خوش می‌نوشت. مدتی درهندوستان بسربرد وبسال ۱۰۷۳ بایران بازگشت وپس از مدتی توقف دراصفهان، بزادگاه خود رفت.

تاسال تألیف قصص الخاقانی (سال ۱۰۸۷) هنوز درقید حیات بود.

---

۹۵۸) محمد جواد امین التجّار

از بازارگانان یزد بود و بقول سپهر، نستعلیق را خوش می‌نوشت و بسال ۱۲۹۰ درگذشت.

Marfat.com

محمدجوادعنقا = عبدالجوادعنقا

۹۵۹) محمد چاوش

از نستعلیق نویسان عثمانی و بقول میرزا حبیب شاگرد عارف افندی و طورمش زاده بود.

---

۹۶۰) محمد حبیب

ازخوشنویسان گم نام هندوستان وقطعه یی بخط وی در کتابخانهٔ رامپوراست بقلم دودانگ متوسط ، بارقم : «اقل العباد محمدحبیب»

محمدبن حسام = شمس الدین بایسنغری هروی

۹۶۱) محمد حسن

نتوانستم اورا بیکی از محمد حسن های آتی الذکر نسبت دهم وبا رقم ساده سرقعی در کتابخانهٔ سلطنتی است که باقلام : ثلث سه دانگ ـ نسخ کتابت ـ رقاع کتابت ـ نستعلیق سه‌دانگ و دودانگ متوسط ، نوشته شده‌است وچنین رقم دارد : «مشقه العبد الاثم محمدحسن».

محمدحسن بحرانی رجوع شود به‌محمدحسین بحرانی

۹۶۲) محمد حسن خوانساری

از کاتبان آغازدورهٔ قاجاریه وبخطوی یک نسخه تحفة الملوك ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم دودانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : «بجهت سرکار... شاهزادهٔ عالی‌قدرعلی‌شاه [ظل السلطان] قاجارسمت تحریر پذیرفت ... حرره العبد ابن محمد ، محمدحسن خوانساری ، ۱۲۲۸».

Marfat.com

محمدحسن دهلوی رجوع شود به میرزا کاظم مبتلا

محمدحسن رزه یی = محمدحسن بن فیروزبخت

۹۶۳) محمد حسن فارسی

از کاتبان خوشنویس قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه نصیحة الملوك درچهل باب، بطریق مرقع در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است، بقلم سه دانگ خوش، که چنین تمام می‌شود: «برحسب امر... سلطان عبدالحمیدخان خلدالله ملکه وسلطانه سمت تحریر یافت. حرره العبد محمدحسن منشی ومترجم سفارت کبرای دولت علیهٔ ایران دراسلامبول، فی شهر رمضان المبارك سنه ۱۲۹۵» و«العبد العاصی محمدحسن منشی الفارسی».

درمیان این مرقع مکتوبی است که همین منشی بسلطان عبدالحمیدخان عثمانی نوشته ودرخواست اعطاء لقب «کاتب السلطان» کرده است.

---

۹۶۴) محمد حسن بن فیروزبخت حسینی

از کاتبان زبردست گمنام قرن دهم وبخط او نسخه یی از دیوان حافظ، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است، بقلم کتابت خوش، بشیوهٔ میر علی هروی که چنین تمام می‌شود: «کاتبها الفقیر الحقیر محمدحسن بن فیروزبخت الحسینی غفر ذنوبهما وسترعیوبهما. تحریراً فی اواسط رمضان المبارك سنه احدی وسبعین وتسعمائة فی قریهٔ رزه من قراء باخرز».

---

۹۶۵) محمد حسن لواسانی

فرزند میرزا علی محمد صفای لواسانی (سابق الذکر) و بخط وی نسخه یی از اصطلاحات العرفای عبدالرزاق کاشانی، در کتابخانهٔ ملی تهران است، بقلم

Marfat.com

نیم دو دانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : « کتبه الفقیر الحقیر محمد حسن بن علی محمد اللواسانی ، سنهٔ ۱۲۹۳ » .

---

۹٦٦) محمد حسن بن محمدرضا

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم ویک نسخه آتشکدهٔ آذر بخطوی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « حسب الخواهش .. آقا احمد ... بتاریخ یوم الثلثا بیست وهشتم شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۲٤ ، بخط حقیر فقیر اقل کتّاب ، ابن محمدرضا ، محمدحسن ، اتمام پذیرفت » .

---

۹٦۷) محمد حسن مفتون

پدرش از بوّانات فارس بود ودر خدمت محمدمهدی میرزا بسر میبرد وخود وی در جوانی شعر می گفت و نستعلیق را پاکیزه می نوشت . هنگام تألیف انجمن خاقان (سال ۱۲۳٤) درسنین جوانی بود وصاحب مجمع الفصحاء باوی دیدار کرده وهنگام تألیف مجمع الفصحا (سال ۱۲۸۸) درقید حیات بود .

---

۹٦۸) محمد حسین

کاتب خوشنویس گم نامی ازقرن دهم وبخطوی یک نسخه گوی وچوگان در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، با تاریخ و رقم : « تحریراً فی شهر جمادی الاول سنه [؟] حرره العبد محمدحسین » .

---

۹٦۹) محمد حسین اصفهانی مشکین قلم

عبدالمحمد خان گوید که همهٔ اقلام را خوش می نوشت ومدتها درعثمانی

Marfat.com

ومصر بود وبسال ۱۳۳۰ درگذشت .

نمونهٔ خطوطش در کتاب پیدایش خط و خطاطان هست که نستعلیق نیم دودانگ متوسط وشکسته تعلیق وشکسته نستعلیق کتابت خوش است وچنین رقم و تاریخ دارد : «بندهٔ باب بها مشکین قلم ، من شهور سنهٔ ۱۳۰۵» که از کتابخانهٔ نورالدین بیک مصطفی ، نقل کرده است .

قطعه سیاه مشق بارقم محمدحسین مشکین قلم ازاودارم تند وشیرین وملیح نوشته ، کتابه های مقبرهٔ میرزا مسلم درجوارمزار سیدحمزه درسرخاب تبریز که در روی کاغذ نگاشته و در زیر شیشه به دیوارهای مقبره زیر سقف به ترتیب الصاق و نصب گردیده بخط اوست ، مضمون کتابه ها که شعراست بارقم کاتب یادداشت شده تفصیل آن بالفعل در خاطرم نیست .

---

۹۷۰) محمد حسین اصفهانی

دراطراف درنقرهٔ تقدیمی امیرنظام گروسی بآستانهٔ رضوی کتیبه یی بخطاوست که مشتمل اشعاری ازسرخوش است و تاریخ سال ۱۲۷۲ ورقم : « کتبه الداعی لدوام الدولة السلطانی العبد محمد حسین اصفهانی» دارد .

---

۹۷۱) محمد حسین اصفهانی - میر

واله گویدفرزندمیرمحمدصالح خاتونابادی اصفهانی ،شیخ الاسلام اصفهانی ودخترزادهٔ محمدباقر مجلسی است . از پدرخود وآقاجمال خوانساری کسب علوم کرد . شعر می گفت ومنشی زبردست بود وخطوط را نیکو می نوشت وبسال ۱۱۵۱ دراصفهان درگذشت وجنازه‌اش را بمشهد منتقل کردند .

جابری انصاری در تاریخ اصفهان مؤلفات چندی ازجمله نجم الثاقب راباو نسبت داده است .

Marfat.com

محمدحسین باخرزی = محمدحسین رزه یی

۹۷۲) محمد حسین بحرانی

ترجمهٔ احوالش را در پایان کتاب گنج دانش ، میرزا طاهر چنین آورده است :

جدم از مشایخ بحرین و موسوم بمحمد بود و از آنجا بعزم زیارت حضرت رضا ، بمشهد رفت . در مراجعت در تهران عبدالله میرزا دارا که بحکومت خمسه منصوب شده بود ، وی را همراه برد وآنجا بارشاد عباد مشغول بود تا در گذشت .

فرزند محمد ، شیخ ابوطالب را میرزا محمدتقی علی آبادی صاحب دیوان ، بتهران آورد وتربیت کرد . مردی هنرمند و دانشمند بارآمد و در نظم ونثر فارسی و عربی سرآمدوهفت قلم را نیکوسی نوشت وتذهیب ونقاشی خوب کرد . بسال ۱۲۵۳ در گذشت واز او دو پسر ماند : یکی من و دیگری محمدحسن . میرزا طاهر ، ما دو برادررا در کنف حمایت خود گرفت وتربیت کرد وهردودر ربط وخط بجائی رسیدیم . اکنون (هنگام تحریر گنج شایگان یعنی سال ۱۲۷۳) هفت سال است که در خدمت شاهزادهٔ اعتضاد السلطنه وزیر علوم می گذراند و کتابت رسائل و احکام بعهدهٔ اوست .

شعر می گوید و از آثار خطی وی ، یکی همان گنج شایگان است که بقلم کتابت خوش نوشته و اکنون در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است و چنین تمام می‌شود : «الحمدلله . . . که برحسب حکم . . . شاهزاده . . . اعتضادالسلطنه علی قلی میرزا . . . کتاب مستطاب گنج شایگان . . . بخط کمترین غلام ، محمد حسین منشی بحرانی ، سمت اختتام یافت وتاریخ اتمام کتاب : «آکنده شد بدرج گهر گنج شایگان» یافته آمد ؛

دیگر یک نسخهٔ خطی حدایق السحر رشید وطواط ، بقلم نیم دودانگ خوش ، که چنین تمام میشود : «برحسب حکم . . . ناصرالدین شاه شهرذی قعدهٔ ۱۲۷۱ سمت تحریر یافت ، حرره العبد محمدحسین البحرینی» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

Marfat.com

این نسخه ازحیث خط وقطع ، عیناً مانند آنست که بچاپ رسیده‌است .

ازآثار دیگر وی که بچاپ رسیده عبارت است از :

تاریخ افغانستان ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۳ در تهران بچاپ رسیده‌است ؛

فلک‌السعادة ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۸ درتهران چاپ شده است ؛

گنج شایگان ، بقلم کتابت جلی خوش ، که بسال ۱۲۷۲ در تهران چاپ شده است .

---

۹۷۳) محمد حسین تبریزی

ازخاندان علم و فرزند مولانا عنایت‌الله شیخ الاسلام آذربایجان و برادر مولانا محمد علی ازعلمای عصر و بزیور فضل و کمال و هنر آراسته بود . شعر می گفت و بقول واله «محزون» تخلص می کرد . دراوایل حال به‌مشهد رفت و از سیداحمدمشهدی و میرحیدر تعلیم خط گرفت وبعدها نزد مالک دیلمی آمد وخطرا نزد او تکمیل کرد .

درکتیبه‌نویسی دست‌قوی داشت ودرزمان شاه اسمعیل ثانی ، مدار کتیبه‌نویسی عمارات دولتی باوی بود .

صاحب عالم‌آرای عباسی گوید که اگرچه خط نستعلیق که خوشنویسان عراق و آذربایجان نوشته‌اند ، درنظر خوشنویسان خراسان ، زیاده اعتباری‌ندارد ، اما محمدحسین ، درنستعلیق ترقی عظیم کرده‌است وقلم‌وی بسیارپرمغز وخطوطش بی‌عیب وآلایش و اصلاح است .

محمد صالح اصفهانی گوید : قلمش درنهایت شیرینی و تندی و تیزی و بسیار بقدرت وچسپان‌نویس است .

Marfat.com

تاریخ وفاتش را فقط تربیت در دانشمندان آذربایجان سال ۹۸۲ و سپهر در تذکرهٔ خود ۹۸۰ ضبط کرده‌اند . این اندازه معلوم است که درجوانی بدرود زندگی گفته و هنگام تألیف عالم‌آرای عباسی (حدود سال ۱۰۳۸) مدتها پیش درگذشته بوده است .

وفات ملامحمد حسین تبریزی درسال نهصد وهشتادوپنج درقزوین اتفاق افتاده ، وحافظ حسین بن الکربلائی که معاصر او بوده وسابقهٔ مودت وشاید رابطهٔ مرید ومرادی نیز درمیان این دو برقرار بوده تاریخ وفات او را در بیاض خود با قید روز و ماه و سال با این عبارت آورده : « وفات مولانا محمد حسین خطاط ولد مولانا عنایت‌الله تبریزی روزسه شنبهٔ هفدهم ماه رجب المرجب سنه خمس و ثمانین و تسعمائه دردار السلطنهٔ قزوین » بنا براین نوشتهٔ تربیت و سپهر در تاریخ فوت او هردو خطا و بی‌اعتبار است .

ازشاگردان معروفش ، محمدرضا تبریزی ، بهبودشاهنشاهی ، محمدشریف علیرضای عباسی و میرعماد را ، نام برده‌اند .

میرزاسنگلاخ وبه تبعیت او ، تذکره‌نویسان متأخر ، باولقب داده و «مهین استاد» ش خوانده‌اند .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه مناجات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : « تمت الرسالة بید العبد المذنب محمد حسین التبریزی ، غفر ذنوبه » که سابقاً در کتابخانهٔ بقعهٔ شیخ صفی‌الدین دراردبیل بوده واسروز در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد است ؛

یک‌نسخه منتخب حدیقة‌الحقیقه سنائی ، بقلم‌نیم‌دودانگ‌خوش ، بارقم : «تمت‌الرسالة الشریف علی ید الفقیر محمد حسین التبریزی» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

Marfat.com

۸ قطعه در سرقعهای مختلف ، بقلمهای از چهار دانگ تا کتابت خوش ، با رقمهای : «فقیر محمدحسین التبریزی» و «نمّقه محمدحسین التبریزی غفرالله سیآته» و «اقل عبادالله محمدحسین غفرله» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «نمقه العبد محمدحسین التبریزی» در مجموعهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران ؛

قطعهٔ دیگر ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ خوش ، مضمون این اشعار که مدیح حافظ حسین کربلائی عارف خوشنویس معاصراوست :

در عالم فقر آنکه امروز بی خرقه و جبّهٔ ریائیست
شاهنشه کشور قناعت درویش حسین کربلائیست

العبد محمدحسین التبریزی غفرالله له» ایضاً درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «کتبه العبدالحقیر المذنب محمد حسین التبریزی غفرله» درموزهٔ باستانشناسی ، دهلی ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «مشقه المذنب محمد حسین غفرله» در کتابخانهٔ ملی ، پاریس ؛

یک قطعه ازسرقعی ، بقلم چهاردانگ خوش ، با رقم : «العبدالمذنب محمد حسین التبریزی» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

۳۱ قطعه درسرقعات مختلف ، بقلمهای از چهاردانگ تا کتابت خوش ، با رقمهای : « مشقه محمد حسین التبریزی » و « کتبه العبد المذنب محمد حسین التبریزی غفرالله ذنوبه وستر عیوبه » و مانند آن ، در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

۳ قطعه ، بقلمهای سه دانگ و دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقمهای : « جهت اخوی اعزّی ، حاجی محمد نوشته شد ، کتبه العبد الفقیر الحقیر محمد حسین التبریزی غفرله» و جهت مولانا طاعتی مداح نوشته شد . «مشقه العبد المذنب محمدحسین التبریزی غفرذنوبه» و«تمت المفردات جهت اخوی اعزی نیکو

خصالی محمد رضا طوّل الله عمره مرقوم گشت . کتبه العبد المذنب محمد حسین التبریزی غفرذنوبه» درمجموعهٔ نگارنده ؛

وشیواترین خطی که ازوی دیده‌ام یک‌قطعه درسرقع ولی‌الدین افندی‌است بقلم‌دودانگ‌ونیم‌دودانگ‌و کتابت‌عالی، بارقم: «نمقه‌العبدمحمدحسین التبریزی غفرله» درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

---

۹۷۵) محمد حسین تبریزی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت وبسال ۱۲۹۰ درگذشت .

---

۹۷۴) محمد حسین تبریزی - حاج‌میرزا

ازشاگردان کارکردهٔ میرزاسیدحسین خوشنویس باشی‌است، درثلث‌ونسخ نیز دست قوی داشت . پدرش ملا باقر دربازارشیشه گرخانهٔ تبریز مکتبدار بود ، خوداو نیز بجای پدر سالیان دراز درآنجا با اجرت تعلیم اطفال و تحریر اسناد اسرار معیشت میکرد ، عمری دراز یافت وازصد بیشتر زیست ، وفاتش بنابه‌تقریر پسرش بسال هزاروسیصد وپنجاه‌ویک هجری قمری درتبریز اتفاق‌افتاد .

محمدحسین تبریزی = حسین‌مشهدی - میر

۹۷۶) محمد حسین حسینی

ازخوشنویسان گم‌نام قرن‌یازدهم وقطعه‌یی بخط وی درکتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم‌دودانگ‌خوش ، بارقم : «فقیرمحمدحسین الحسینی» وشاید بخط همان خوشنویس باشد که بنام میرحسین تبریزی ازاو نام برده شده‌است .

---

۹۷۷) محمد حسین حسینی

ازخوشنویسان معاصروشایدشاگردمیرزاسیدحسین خوشنویس باشی تبریزی است ، بخط وی قطعه یی دارم بقلم شش دانگ ودودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «الفقیر محمدحسین الحسینی سنهٔ ۱۲۷٤» .

---

۹۷۸) محمد حسن حسینی دبیر الملك

ازخوشنویسان قرن سیزدهم است وبخط وی درپایان یک نسخه مفتاح الفلاح ودعای کمیل ، ازکتابخانهٔ آقای دکترمهدوی ، بخط نستعلیق کتابت خوش نوشته است : «... آخوند ملاعلی نیشابوری را زحمت داده نوشت . الحق درخط نسخ قلم برخطوط جمیع کتّاب کشیده است ... محمدحسین الحسینی الملقب بدبیرالملك ، فی شهر ربیع المولود سنه ۱۲۸٦» .

---

۹۷۹) محمد حسین دارالمرزی

ازکاتبان گمنام قرن یازدهم است وبخط وی یک نسخه خمسهٔ نظامی مزین دیده‌ام ، بقلم کتابت خفی متوسط ، باتاریخ ورقم : «تمت فی شهر رمضان المبارك سنهٔ ۱۰۳۳ من الهجرة النبویة ...» و« تمت هذاالکتاب بعون الله الملك الوهاب فی غره شهررجب المرجب سنهٔ ۱۰۳٤ اربع وثلثین والف من هجرة النبویة المصطفویة ، دردارالفیض شیراز ، بکارخانهٔ صلاحیت وکمالات اکتساب نادرالعصری ، لطف الله مذهّب ، علی یداقل خلق الله محمدحسین دارالمرزی» .

---

۹۸۰) محمد حسین رزه‌یی - میر

متقدمین تذکره‌نویسان وی را ازرزهٔ باخرز ومتأخرین اسفراینی دانسته‌اند .

Marfat.com

شاگرد محمدقاسم شادیشاه بود ، ولی ازتعلیم شاه محمود نیشابوری وسلطان‌محمد خندان ، نیز بهره‌مند بوده است .

محمدحسین برادرزادهٔ میرخلیل‌الله‌سابق‌الذکر وازاولاد میرصانعی باخرزی است که وقتی جزو وزرای سلطان‌حسین میرزا بایقرا بوده‌است .

وی‌را ازخوشنویسان مقرر قزوین و کتابت اورا با مزه وپخته و بعضی مانند محمدصالح اصفهانی «درنهایت‌امتیاز» یافته‌اند . بااکثراعیان دربارشاه‌طهماسب مصاحب بوده است وپس‌ازمرگ شاه بخراسان رفته بکارکشاورزی پرداخته است وهمانجا بوده تا درتر کتازتر کمانان وانقلابات خراسان ، پریشان و بی‌سامان‌شده ودر همان اوان درگذشته است . گویند مردی‌نجیب‌زاده وازخود گذشته وخوش‌محضر بود وشعر نیکو می گفت .

صاحب خلاصة التواریخ که با او دیدار کرده است ، گوید که بانواع کمالات آراسته است ، شعر او خوبست و شطرنج حاضرانه و غائبانه را کسی بهتر ازوی نمی‌بازد وخط‌را بهتراز استادش محمدقاسم شادیشاه می‌نویسد :

متأخرین تذکره‌نویسان ، میرزاحبیب‌وسپهر ومیرزاسنگلاخ ، وی‌راشاگرد محمودشهابی سیاوشانی وتاریخ وفات اورا سال ۹۲۰ وبعضی۹۶۸ ضبط کرده‌اند .

یک‌نسخه دیوان‌امیرشاهی درکتابخانهٔ مرحوم‌حاج‌سیدنصرالله‌تقوی‌است که اگرچه اصل نام آن محوشده ، باحتمال قوی باید آنرا خط همین محمد حسین دانست که قرینهٔ «سیادت» و نسبت «رزه‌یی» او معلوم است .

این نسخه بقلم کتابت خوش نوشته شده است و چنین رقم و تاریخ دارد : « کاتبها الفقیر [محمد حسین] الحسینی غفرذنوبه وستر عیوبه . تحریراً فی شهر رجب‌المرجب سنهٔ ۹۷۶ بمقام رزه‌من اعمال باخرز» .

---

۹۸۱) محمد حسین حکیم - میر

هفت قلمی گوید که مردی متواضع و خوش گفتار بود . نستعلیق را ابتدا از

خلیفه سلطان تعلیم گرفت وبعد بروش رشیدا مشق کرد ومجموعهٔ نفیسی ازخطوط رشیدا جمع کرد. در خط نسخ شاگرد عصمت‌الله خان بود وسی‌پارهٔ قرآن چندی کتابت کرده است. ازموسیقی وشاعری بهره‌داشت وسه‌تار خوب می‌نواخت.

ازمعتقدان بااخلاص مولانافخرالدین پسر مولانانظام‌الحق چشتی‌بود که بسال ۱۱۹۹ درگذشت.

---

۹۸۲) محمد حسین سلجوقی ـ خلیفه

پدر فکری سلجوقی هراتی سخندان معاصر افغانی است وقطعه یی بخط وی، فرزندش بمن بخشیده است بقلم سه دانگ و کتابت متوسط، با رقم: «حسب الاقتضاء جناب امیرالامراء شهنواز خان روحی فداه قلمی نمود. المذنب محمد حسین غفرالله له».

افغانها وی راجزو خوشنویسان زبردست عصر حاضر میدانند وباقیاس دیگر خطاطان کنونی افغانستان، مقامی دارد، ولی نسبت بخوشنویسان گذشتهٔ آن دیار پایه ومایه یی ندارد.

---

۹۸۳) محمد حسین بن سلطان حسین

ازکاتبان گم‌نام خوشنویس قرن دهم و بخط او یک نسخه غزلیات ریاضی سمرقندی، درمجموعهٔ آقای سلطان‌القرائی است، بقلم کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «العبدالمذنب محمدحسین بن سلطان‌حسین غفرذنوبهما وستر عیوبهما. سنه ۹۷۰».

---

۹۸۴) محمد حسین بن سیف الدین علی

ازکاتبان گم‌نام قرن دهم و بخط او یک نسخه دیوان جامی است، بقلم

کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب علی ید عبدالضعیف الراجی محمدحسین بن خواجه سیف الدین علی ، ستر الله عیوبه بدار السلطنه سمرقند ، حمیت عن الآفات و البلیات ۹۷۱ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

دیگر یک نسخه کلیات جامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، علی ید عبدالضعیف محمد حسین بن خواجه سیف‌الدین علی ، ستر الله عیوبه ، بدار السلطنهٔ سمرقند ، فی التاریخ شهر ذی الحجة سنه ۹۷۴ » در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران .

---

۹۸۵) محمد حسین شریف هندی

از کاتبان خوشنویس قرن حاضر و از آثار وی ترجمهٔ قرآن بخط زین العابدین اصفهانی است که بسال ۱۳۱۴ هجری قمری ، بصیر الملک آنرا در تهران چاپ کرده است وچنین تمام می‌شود : «تمة الکتاب المجید بعون الملک الحمید بید اقل الافقر الاحقر محمدحسین الشریف بن محمد بن حسین الهندی فی یوم الاثنین من تسع من شهر شعبان المعظم مطابق پیچی ئیل سنهٔ ۱۳۱۴» که ترجمه و خواص سور نسخه بخط این محمد حسین است که بقلم نستعلیق و شکسته نستعلیق و شکسته تعلیق کتابت خوش نوشته است .

---

۹۸۶) محمد حسین شیرازی

خوشنویس زبردست گم نام قرن دوازدهم است وبخط وی ، قطعه یی دیده‌ام بقلم شش دانگ عالی ، بارقم وتاریخ : «المذنب محمدحسین الشیرازی ۱۱۷۰» .

---

۹۸۷) محمدحسین شیرازی حسینی

ازخوشنویسان گمنام معاصر محمدحسین شیرازی کاتب السلطان آتی الذکر

Marfat.com

است وبخط وی قطعه یی دارم بقلم دودانگ ونیم دودانگ خوش ، بارقم : «المذنب محمدحسین الحسینی الشیرازی» .

---

۹۸۸) محمد حسین شیرازی عالی - میر

فرزند میرزا محمد کلانتر فارس وازاعیان شیرازبود . صاحب انجمن خاقان وی راجوانی فرشته خصلت وملا یک طینت وپسندیده صورت وخجسته سریرت خوانده است وخانه اش را مجمع وزرا و مرجع شعرا ومهبط ادبا ومضیف غربا . وهم او گوید که نستعلیق را خوش می نوشت وغزل را شیوا می سرود و «عالی» تخلص میکرد .

دیوان بیگی نیز در حدیقة الشعرا زیرعنوان عالی شیرازی دراحوال اوشرحی نوشته واورا از احفاد میرسید شریف علامه دانسته ومیگوید که پدرش میرزامحمد قبل از حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز بود . دعوی تولیت آستانهٔ احمدیه را کرده وتصرف نمودند وتولیت آستانه اززمان نادرشاه دردست این سلسله بود . میرزافضل الله خاوری از تصرف ایشان بیرون آورد وچون میرزای عالی چندان مقید بدنیا نبود که برای این کارزحمتها کشد وتملقها گوید ، همین قدر که خاوری درطهران حکم صادر کرد وفرستاد میرزای عالی دست برداشته واگذاشت . «بالجمله ایشان مرد باحال وکمالی بودند ومعاصران کمال تمجید ازایشان می نمودند . مرحوم میرزای وصال ایشان را استاد مطلق حکایت میکرد و بهمه جهت معتقدشان بوده ، رضا قلی خان هدایت هم ایشان را برخود ووصال مزیت می نهاده چنانچه این دوبیت از قصیدهٔ اوست :

باهمه دانی توخود که نظمی زین دست
طبعی نارد بغیر طبع وصالی
او و مرا پایهٔ سخن که شناسد
جز من و او لیک بعد حضرت عالی

Marfat.com

بالجمله جناب عالی در هزار و دویست و چهل وشش از دار ملال ارتحال و بجوار اجداد طاهرین انتقال نمود ، رحلت ایشانرا میرزای وصال قطعه گفته ماده تاریخ این است : «جای عالی بهشت عالی شد» وچنانکه معلوم است کلام دیوان بیگی در خوشنویسی وی صریح نیست ، و مدلول مادهٔ تاریخ ۱۲۴۷ و یک سال با تاریخی که دیوان بیگی درسال وفاتش آورده علاوه است .

---

۹۸۹) محمد حسین شیرازی ـ کاتب السلطان

پدرش حاج محمدعلی تاجرشیرازی ومادرش دختر حاجی میرزامحمد تاجر شیرازی است .

مختصری از گزارش زندگیش را خود درپایان یک نسخه مثنوی مولانا که بخط کم نظیر خود کتابت کرده ودر کتابخانهٔ سلطنتی است ، چنین آورده است :

پس ازآنکه خط من صورت خوش یافت ، جزوه یی ازمثنوی مولانا را کتابت کردم و بتهران آمدم و بااصناف مردم محشور شدم ؛ تاروزی بیکی از خاصان دربار ناصرالدین شاه برخوردم واومتعهدشد که اوراق نوشتهٔ مثنوی را بعرض شاه برساند . پس از گذشت زمانی ، به پایمردی وی به پیشگاه شاه شرفیاب شدم و از خط من تمجید وبه تکمیل مثنوی مأمورم کرد . درقلیل مدت استکتاب نسخه رابپایان رساندم وتقدیم داشتم واین درتاریخ ۱۲۷۹ بود .

ظاهراً پس ازاین هنرنمائی میرزا محمدحسین ، مورد توجه شاه واقع شده و بلقب « کاتب السلطان» سرافراز گردیده است . ناصرالدین شاه را بخط وی رغبت تمام بوده است ، چنانکه بسیاری از آثار او اکنون در کتابخانهٔ سلطنتی است ، که بیشترآنهارا برای شاه وبنام شاه کتابت کرده است .

میرزا محمدحسین شیرازی ، یقیناً یکی ازچیره دست ترین خوشنویسان است وبگمان من دردیف یکی از ده تن خوشنویس کاتب نستعلیق درجهٔ اول قراردارد

Marfat.com

اکنون ، پس از درگذشت وی و گذشت بیش از نیم قرن ، هنوز کاتب خوشنویس زبردستی چون وی نیامده است . در قدرت قلم و مزه و حسن سلیقه و لطف کم نظیر و خط نستعلیق را از شش دانگ جلی تا کتابت خفی و غبار ، کمتر کسی چون وی نوشته است .

میرزا محمد حسین ، پس از قتل ناصرالدین شاه ، در دربار مظفرالدین شاه بخدمت کتابت خود ادامه داد و آثاری بنام مظفرالدین شاه نیز از وی باقی است و معلوم است که نزد این پادشاه نیز قربت و مقام داشته است و در یک موضع که بنام مظفرالدین شاه رقم کرده است خود را «کاتب الحضرت السلطانی» و «مستوفی دیوان اعلی» یاد کرده است .

تاریخ مرگ او را کسی ذکر نکرده است و ظاهراً تاسال ۱۳۱۶ قمری نیز می زیسته است .

از آثار وی با اینکه گاه گاه در کتابخانه ها و مجموعه های خصوصی موجود است ؛ قسمت عمدهٔ آنها در کتابخانهٔ سلطنتی مجتمع شده است و پیداست که غالباً به تشویق وامرناصرالدین شاه کتابت شده است و موجب اینکه میرزا محمد حسین کمتر از سایر خوشنویسان معاصر خود ، مانند میرزا محمدرضای کلهر معروف شده ، اینست که آثار وی متفرق نشده است وبیشتر در آن کتابخانه گرد آمده است .

اینست آنچه از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت ممتاز ، که چنین تمام می شود : «... وانا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین الشیرازی غفرالله ذنوبه وسترالله عیوبه . تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۷۹» در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه ترجمهٔ فارسی قرآن ، بقلم نیم دو دانگ ممتاز ، که چنین تمام می شود : «چون پادشاه جمجاه ... ناصرالدین شاه قاجار ... همواره در بضاعت این

بندهٔ درگاه بنظر مرحمت و تشویق دیده و بعنایت رجوع خدمت سرافراز فرموده‌اند لهذا خط این بی‌بضاعت ، زیوری تمام یافته وبکسوتی شاهانه جلوه گر آمده ، سزد آنکه باین موهبت سر افتخار باوج ماه رساند ودرمیان ارباب این صنعت بمزید اعتبار استظهار جوید ؛ چنان که امر همایون درحق این بنده باستکتاب ترجمهٔ کلام الله مجید ، شرف نفاذ یافته بود وبندهٔ درگاه آسمان‌جاه این خدمت را بانجام رسانید . . . وانا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین الشیرازی ، غفرذنوبه وسترعیوبه سنهٔ ۱۲۹۰» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه تاریخ نخجیر ناصری ، بقلم کتابت جلی ممتاز ، بارقم و تاریخ : «وانا العبد کاتب الحضرة السلطانی ، محمد حسین شیرازی فی‌شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۲۸۲» درهمان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خفی عالی ، با رقم و تاریخ : « الفقیر الحقیر المذنب ، بندهٔ درگاه خلایق پناه محمدحسین الشیرازی غفرله سنه ۱۲۷٤» درهمان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم نیم‌دودانگ عالی ، بارقم : «العبدالمذنب الراجی کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین شیرازی ، غفرذنوبه وستر عیوبه ، فی دارالخلافه طهران ، سمت تحریر پذیرفت سنهٔ ۱۳۰٤» درهمان کتابخانه ؛

یک مرقع ، بقلم سه‌دانگ و کتابت خفی عالی ، بارقم وتاریخ : «العبدالمذنب بندهٔ درگاه خلایق پناه محمدحسین الشیرازی ۱۲۷٤» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه تاریخ سلطان محمود غزنوی تألیف عباسقلی سپهر ، بقلم کتابت عالی ، در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، که چنین تمام می‌شود : « بندهٔ درگاه آسمان جاه را که خط نستعلیق زیور کمال پذیرفته ، کسوتی شاهانه وبدیع پوشیده پرورده وبرآوردهٔ این دولت قضا صولت ، برقابلیت و استعداد وحسن سلیقهٔ او حمل نتوان کرد ؛ بلکه خداوند جهان . . . مظفرالدین شاه قاجار ، در بضاعت مزجاة

Marfat.com

اوبعین عنایت نظر فرموده و متحلی بزیور قبول آن درگاه شده باستکتاب این کتاب امر و مقرر فرمودند . . . بنا بامر المأمور معذور ، انجام داد . مگر باشد که روزی نظری در این کتاب فرمایند و کمترین بندهٔ درگاه کیوان جاه را بمراحم ملوکانه سرافراز و محظوظ فرمایند ، تا بندهٔ جان نثار را کلاه افتخار باوج ماه رسد و مزید و اعتبار بین الاماثل والاشباه شود . . . وانا العبد الکاتب الحضرت السلطانی محمد حسین شیرازی مستوفی دیوان اعلی غفر ذنوبه وستر عیوبه فی سنهٔ ۱۳۱۶ ، که پیداست در سنین شیخوخت آنرا کتابت کرده که در دنبال آن این اشعار را نوشته است :

تا بودم زنده در آفاق نام — تا بودم شفقت شه دستگیر
مشق قلم همچو کمان کردخم — عاقبتم قامت مانند تیر
شهرت ملک من و شمشیر شاه — هردوشه ازلطف حق آفاق گیر

یک نسخه دیوان حافظ ، بقلم کتاب عالی ، که چنین تمام می شود : «برحسب فرمودهٔ سرکار جلالت دستگاه . . . میرزا محمد شفیع مستوفی شیرازی دام اجلاله واقباله نوشته شد . وانا العبد کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین الشیرازی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه . سنه ۱۲۷۹ » درمجموعهٔ آقای دکتر مهدوی ؛

شاید همین میرزا محمد شفیع مستوفی شیرازی ، همان خاصهٔ دربار باشد که وی را بناصرالدین شاه معرفی کرده است ؛ زیرا که این دیوان حافظ درهمان تاریخ استکتاب شده ، که مثنوی سابق الذکر ، نوشته شده است ومیرزا محمد حسین برای سپاسگزاری ازوی نسخه را بنام او کتابت کرده است .

نسخهٔ دیگر دیوان حافظ ، بهمان قلم ، که چنین تمام می شود : «چون این بنده عمر خودرا همواره معروف خط نستعلیق داشته و بعون الله و تأییده ، پایهٔ این فن را بجایی رفیع گذاشته که درنظر همهٔ ارباب این صنعت ، خط این بی بضاعت زیور کمالی تمام یافته ، و تمام آنگه شود بحقیقت ، که پسندیده آید درحضرت . . .

Marfat.com

مستوفی الممالک . . . امید که این کتاب مستطاب دیوان خواجه شمس الدین حافظ را که دیباچهٔ دفتر فقر و فنا و عنوان طریقهٔ سلوك صفاست وبرای آن پیش کش آن سدّهٔ سنّیه و عتبهٔ عالیه استکتاب نموده است ، نظر مرحمت و قبول درآن فرمایند و این بندهٔ درگاه را بین الامثال مفتخر نمایند . حرره وانا العبد الجانی ، کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی غفرالله له ، فی شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۸۳ » در همان مجموعه ؛

یک مرقع مناجات خواجه عبدالله انصاری و مناجات منظوم دیگر ، بقلم دودانگ وغبار عالی ، که چنین تمام می شود : «بجهت پیش کش جانب جلالتمآب . . . مستوفی الممالک دام اجلاله العالی فقیر کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین الشیرازی تحریر نمود ۱۲۷۵ » درهمان مجموعه ؛

یک نسخه دیوان ناصرالدین شاه ، بقلم کتابت جلی عالی ، که چنین تمام می شود : «بخاطرفاتر این قاصر محمدحسین شیرازی ، که مدتی عمر خود را مصروف صنعت خط نموده تاازمیان فرق ، گوی مسابقت ربوده ، چنین رسید که حیف باشد با این همه رنج ، تحصیل گنج سعادتی ننمائی . این معانی بکر که بی رویت و فکر ، ازطبع همایون صادرآمده بهترآنکه بحلیهٔ خط نیک نیز آرایش یابد ؛ شاید ازبرکت انفاس همایون ، چون درمحضرش تحفه بری خود را ازمحنت ورنج بری بداری . از حسن تربیتش محط مرحمت شایان و مهبط عواطف نمایانت فرماید . والحمدلله علی اتمامه والشکر علی انعامه . حرره فی شهر جمادی الاول ۱۲۷۲ » در کتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

یک نسخه مخزن الاسرار نظامی ، بقلم نیم دو دانگ و کتابت عالی ، که چنین تمام می شود : «بجهت پیش کش . . . اعتمادالدولة العلّیة العالیه واعتضاد السلطنه . . . میرزا آقا خان نوری صدر اعظم . . . سمت تحریر یافت . . . کتبه العبد محمدحسین الشیرازی غفرالله له ۱۲۷۱ » در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک مرقع ، بقلمهای ازسه دانگ تا کتابت عالی ، بارقم وتاریخهای متعدد ازجمله : «العبد کاتب الحضرت السلطانی ، محمدحسین شیرازی غفرذنوبه وستر عیوبه فی دارالخلافهٔ طهران سنه ۱۳۰۵ » و « العبد المذنب الراجی محمد حسین شیرازی مستوفی همایونی الملقب بکاتب السلطان غفرذنوبه ۱۳۰۵ درمشهدمقدس نوشته شد ۱۳۰۸ » دردست یک کتاب فروشی ، تهران :

قطعات متعدد متفرق دیگر ، بقلمهای ازشش دانگ تا کتابت خفی وممتاز وعالی ، بارقم وتاریخهائی ازجمله : « ... حررة العبد کاتب السلطان محمدحسین الشیرازی ۱۲۹۲ » و « کاتب الحضرت السلطانی محمد حسین » و « ... العبد کاتب الحضرة السلطان محمد حسین شیرازی غفرالله لـه فی سنه ۱۳۰۵ » در مجموعه های : کتابخانهٔ سلطنتی ـ کتابخانه ملی تهران ـ کتابخانهٔ آقای سلطان ـ القرائی ـ آقای حاج حسین آقا نخجوانی ـ نگارنده ؛

واز نفایس آثاروی ، کتیبهٔ امام زاده عبدالله درشهرری است که بقلم کتیبهٔ دودانگ ممتاز نوشته است وچنین تمام می‌شود :

« نوشت کلک نثار از برای تاریخش

همی بتابد ازین بقعه نـور رحمانی

کتبه العبد المذنب محمد حسین الشیرازی غفرالله ذنـوبه وستر عیوبه ، فی شهر رجب سنه ۱۲۷۳ » .

میرزا محمدحسین ، جز نستعلیق باقلام دیگر نیز دست داشته وازجمله آثار وی بخط شکسته نستعلیق موجود است که درجزو شکسته نویسان خواهدآمد .

---

۹۹۰) محمد حسین شیرازی مشکین قلم

او نیزازمعاصرین محمدحسین شیرازی کاتب السلطان بود وچندقلم راخوش می‌نوشت . ازآثاراو موجود است :

Marfat.com

یک مرقع ، که قطعاتی بخطوط : نسخ و شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق ونستعلیق چهاردانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «المذنب الفقیر محمدحسین الشیرازی الملقب بمشکین قلم غفرله سنهٔ ۱۲۷۹» و «محمدحسین الشیرازی الملقب بمشکین قلم ، سنه ۱۲۷۹» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم نستعلیق دودانگ خوش ، باتاریخ ورقم : «هجدهم شهر ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۵۶ المذنب محمدحسین الملقب بمشکین قلم» درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران .

---

۹۹۱) محمد حسین ضابطه‌نویس

محمدصالح اصفهانی در تذکرهٔ خود گوید : ازشاگردان ابوتراب اصفهانی (پدر مؤلف تذکره) بود ودر کتابت امتیاز داشت .

---

۹۹۲) محمد حسین طهرانی ـ فراشباشی

بنقل المآثر والآثار وسپهر ، نستعلیق را خوش می‌نوشت و از خوشنویسان دورهٔ قاجار بود .

---

۹۹۳) محمد حسین طهرانی ـ کاتب السلطان

ازخوشنویسان دربار محمد شاه و ناصرالدین شاه قاجار وچند قلم را خوش می‌نوشت . خط نستعلیق را ازشش دانگ تا غبار ، استادانه می‌نوشت ، مخصوصاً درکتابت دست قوی داشت .

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۶۹ ضبط کرده و درست نیست ، که ازآثار تاریخ دار اوتاسال ۱۲۷۰ رادیده‌ام ؛ ولی هنگام تألیف المآثروالاثار (سال ۱۳۰۶) درگذشته بوده است .

Marfat.com

اثر عظیم نفیس وی یک دورهٔ ترجمهٔ الف لیلة ولیلة است که بامر ناصرالدین شاه درشش مجلد بقطع رحلی ، استکتاب و تزیین وتصویر وتذهیب و تجلید شده و ازآثار هنری بی‌مانند و عدیم المثل عهد ناصری است . این نسخه بقلم کتابت جلی خوش نوشته شده است ودرمقدمهٔ کتاب دارد : « کمترین کاتب حضرت السلطانی محمدحسین طهرانی تحریر نمود ، ۱۲۶۹ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

دیگر از آثار وی دیده‌ام :

یک نسخه آداب المشق باباشاه اصفهانی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه محمد حسین الطهرانی غفرله سنه ۱۲۵۹ » درهمان کتابخانه ؛

یک مرقع مشتمل بر سی رقعه ، بقلمهای نسخ وشکسته نستعلیق ونستعلیق ازپنج دانگ تانیم دودانگ عالی و خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه محمد حسین الطهرانی ، غفرله ، سنه ۱۲۵۹ » درهمان کتابخانه ؛

مرقع دیگر مشتمل بر سی رقعه ، بقلمهای ثلث و تعلیق و شکسته نستعلیق و نستعلیق ، از پنج دانگ تا نیم دودانگ عالی وخوش ، بارقم وتاریخ : «الکاتب السلطانی محمد حسین الطهرانی غفر له ، ۱۲۷۰ » و « کمترین کتاب حضرت ظل اللهی ، محمدحسین الطهرانی ، فی سنه ۱۲۷۰ » درهمان کتابخانه ؛

مرقع دیگر مشتمل بر بیست و یک رقعه ، بقلمهای نسخ و رقاع و شکسته نستعلیق ونستعلیق چهاردانگ و سه دانگ خوش ، بارقم : «المذنب محمدحسین الطهرانی» و « کمترین بندگان محمدحسین غفرذنوبه» ومانند آنها ، و تاریخهای متعدد : « ۱۲۵۶ » و « ۱۲۵۷ » درهمان کتابخانه .

قطعات متعدد متفرق ، بقلمهای از پنج دانگ تا کتاب خفی عالی وخوش بارقمها وتاریخهای : «محمدحسین الطهرانی سنه ۱۲۶۷ » و « کتبه الکاتب الحضرت السلطانی . . . محمد حسین الطهرانی . . . فی شهر الاصب رجب المرجب سنه هزار ودویست وهفتاد ، نوشته شد» و « کاتب الحضرت السلطانی محمدحسین ۱۲۵۲ »

Marfat.com

«حسب الامر حضرت شهریار دین پناه . . . کمترین بندگان محمد حسین الطهرانی ۱۲۵۲» ومانند اینها ، درمجموعه های : کتابخانهٔ سلطنتی و کتابخانهٔ ملی تهران ونگارنده .

شاید نسب نامهٔ فتح علی شاه قاجار که بانشاء میرزا تقی علی‌آبادی روی سنگ مرمر حک شده و اکنون در گوشهٔ بقعهٔ قبر فتح علی شاه است ، نیز بخط وی باشد .

---

۹۹۴) محمد حسین عطا خان ـ میر

فرزند محمد باقر زرین قلم است که ترجمه‌اش گذشت و خود او ملقب به «مرصع رقم» بود ودر دورهٔ حکومت شجاع الدوله نواب اوده (۱۷۷۵-۱۷۵۳م .) شهرت داشت وبامراو داستان چهاردرویش را باردو ترجمه کرد .

از خطوط او دیده‌ام :

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «میرمحمدحسین عطاخان ، سنه ۱۱۹۲» درموزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : «مرصع رقم خان ، عرف میر محمد حسین عطا خان» که در کتاب تاریخ خطوط اسلامی پرفسور کوهنل ، نقل شده است .

---

۹۹۵) محمد حسین عمادالکتاب

مرحوم میرزا محمدخان قزوینی در «وفیات معاصرین» خود ، تولدش را ۲۷ فروردین‌ماه ۱۲۸۵ قمری ، در قزوین ضبط کرده است و گوید که غالب عمرش را بکتابت وتعلیم خط گذرانیده‌است . بسال ۱۳۳۴ قمری در کمیتهٔ مجازات که میرزا ابراهیم خان منشی‌زاده واسدالله خان ابوالفتح زاده ، آنرا اداره می کردند ، وارد شد

Marfat.com

و تحریرات بیانیه های کمیته ، بخط او بود . بسال ۱۳۳۰ اعضای کمیته دستگیر شدند و عمادالکتاب هم مدتی محبوس بود ومدتی هم درقم تبعید وتحت‌نظر بود . درزمان سلطنت رضاشاه‌پهلوی دردفترمخصوص واردشد ومأمور تحریرات گردید . در۲۶ تیرماه ۱۳۱۵ ، مطابق ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ درطهران درگذشت .

عمادالکتاب از خاندان سیفی قزوینی و آخرین استاد خوشنویس نستعلیق قرن حاضر بود . وی پیرو و ناشر شیوهٔ خاص میرزا محمد رضای کلهر است و پس از درگذشت کلهر تا کنون کسی درآن شیوهٔ خط نستعلیق ، جای‌اورا نگرفته‌است .

عمادالکتاب همهٔ اقلام را خوش ونستعلیق را از کتیبه تا غبار استادانه و بسیار با نمک می‌نوشت واز نقاشی آب‌رنگ سررشته داشت .

ازآثار وی کتیبهٔ بسیاری از ابنیهٔ دورهٔ‌پهلوی ، ازجمله کتیبهٔ جدید سر در مدخل سپهسالار و لوحه یی برآرامگاه فردوسی درطوس است که گرده های آنها را با صدها ورق سیاه مشق دختر آن مرحوم بکتابخانهٔ ملی تهران اهداء کرده است و تصویر خود وی که باآب‌رنگ طرح کرده نیز جزو آنهاست .

دیگر از آثار نفیس هنر او یک دورهٔ رسم‌المشق است که برای نوآموزان خط دبستانها و دبیرستانها بچاپ رسیده است و نیز مرقعی است که مفردات جملهٔ اقلام را نوشته و چاپ ازالید کرده و دردست بعضی علاقه‌مندان است .

عمادالکتاب ، قبل از دورهٔ مشروطیت ، جزو کاتبان وزارت انطباعات بوده وازسال ۱۳۱۷ قمری باسمت کاتبی درآن‌وزارت مشغول بوده‌است . دردورهٔ‌سلطنت سلطان احمد شاه قاجار ، مدتی دروزارت داخله ، منشی وهمان اوقات معلم مشق خط سلطان احمد شاه نیزبود .

چنانکه گذشت ، زندگانی او خالی از حادثه نبوده و ازسال ۱۳۳۶ تا آخر سال ۱۳۳۷ را درزندان گذرانیده وفقط دراواخر عمر که دردربار پهلوی سمت خوشنویسی مخصوص را داشت ، چندی بآسایش و آرامش روزگار گذرانیده است

Marfat.com

واعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوی که خود از حسن خط و خط شناسی بهره مندند ، درطفولیت ، مشق خط ، ازهمین استاد گرفته اند .

عمادالکتاب از کاتبان خوشنویس پر کاربود وبسیاری ازآثار قلم وی بچاپ رسیده وازآن جمله است : شاهنامهٔ فردوسی ، معروف به امیربهادری ، بسال ۱۳۳۶ قمری - سفرنامهٔ استانلی ، بسال ۱۳۱۵ - نامهٔ دانشوزان ناصری ، بسال ۱۳۱۸ - محسنیه ، بسال ۱۳۱۲ - حساب موسی خان ، بسال ۱۳۱۷ و کتابهای دیگر ، از جمله نسخهٔ نفیس ترجیع بند هاتف ، درسلسله انتشارات انجمن دوستداران کتاب .

از قطعات خطوط وی ، جز آنها که در کتابخانهٔ ملی تهران است ، بعضی عبارتست از :

یک مکتوب که به پرفسور ادوارد برون انگلیسی نوشته است ونمیدانم که این نسخهٔ اصل است که نوشته ونفرستاده ویانسخهٔ دیگری ازآنست ؛ در کتابخانهٔ مرحوم حاج سیدنصرالله تقوی ؛

وچندقطعه درمجموعهٔ نگارنده باین قرار :

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و کتابت جلی عالی ، با تاریخ و رقم : « سنهٔ یکهزار وسیصد و بیست وسه ، در دارالخلافهٔ طهران قلمی گردید ... تقدیم حضور... آقای امین دفتر دام اقباله . کتبه العبد الفقیر محمد حسین عمادالکتاب القزوینی غفرله .»

یک قطعه ، بهمان قلم ، با تاریخ ورقم : «روزیازدهم ماه ربیع المولود یکهزار وسیصدوسی وشش هجری درمجلس فقیر عمادالکتاب ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «مشقه عمادالکتاب محمد حسین بن محمدقزوینی ، درمجلس نوشته شد ، ۱۳۳۶» ؛

یک قطعه ، بقلم چهاردانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «مشق الحقیر عمادالفقیر معلم خط بندگان اعلیحضرت ... شاهنشاه ایران سلطان احمد شاه قاجار ... لیلهٔ پنجشنبه بیست ودوم ذی قعده ۱۳۳۱» ؛

Marfat.com

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با تاریخ ورقم : «ناخوشی وضعف بنیه نمی گذارد یک چیز خوب جهت برادرم بنویسم . عصر روز بیست ویکم جمادی الثانی در آفتاب نشسته نوشتم . العبد المحبوس عماد الکتاب محمد حسین بن محمد قزوینی ۱۳۲۷ » .

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم وتاریخ ورقم : «شکرت یاسولی که دستم قدری حال آمده است . العبد محمد حسین عماد الکتاب دوم صفر ۱۳۳۶ الهی بجناب ماژور محمود خان واشخاصی که در مجلس باین فقیر کمک وحتی القوه همراهی کرده اند خیر دنیا و آخرت بده» ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم وتاریخ : «در ادارهٔ محاسبات وزارت داخله نوشت منشقه عماد الکتاب القزوینی ، در هفتم ذی قعدهٔ یکهزار وسیصد و بیست و نه» ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم وتاریخ : «معلم الحضرت السلطانی عماد الکتاب القزوینی غفر ذنوبه وستر عیوبه سنه ۱۳۳۰ » ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ خوش ، با تاریخ ورقم : «لیلهٔ یکشنبه هفدهم یا هجدهم شهر محرم الحرام سنهٔ یکهزار وسیصد وسی ویک هجریست ، در وزارت داخله منشقه العبد عماد الکتاب» .

---

۹۹۶) محمد حسین بن غیاث الدین علی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه دیوان جامی در موزهٔ دولتی کابل است ، بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد العبد المذنب الراجی الی رحمة الله الملک الولی ، محمد حسین بن غیاث الدین علی ، غفر ذنوبهما وستر عیوبهما ، بتاریخ . . . ۹» (رقم عشرات وآحاد تاریخ خوانا نیست) .

Marfat.com

۹۹۷) محمد حسین فراهانی - سید

از کاتبان قرن سیزدهم و یک نسخه مثنوی فرهاد و شیرین وحشی و وصال بخط او در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « العبد المذنب العاصی الجانی محمد حسین الحسینی الفراهانی ، فی شهر ربیع الاول سنه ۱۲۹۱ » .

محمدحسین قزوینی = محمدحسین عمادالکتّاب

۹۹۸) محمد حسین قزوینی

از کاتبان قرن حاضر است ویک نسخه الف‌النهار بخط وی بچاپ رسیده که بقلم کتابت جلی متوسط بسال ۱۳۱٤ قمری نوشته شده است ورقم محمد حسین بن محمد قزوینی دارد .

---

۹۹۹) محمد حسین کاشانی

سپهر گوید که فرزند میرزا محمد تقی کاشانی است ونستعلیق را خوش مینوشت وبسال ۱۲۸۷ درگذشت .

۱۰۰۰) محمد حسین کاشانی - شیخ

از کاتبان قرن حاضر است که شعر می گفت و «طوبی» تخلص می کرد و از آثارچاپی وی ، یک‌نسخه دیوان هلالی‌جغتائی است که بقلم کتابت متوسط‌نوشته است و تاریخ سال ۱۳۱۰ دارد و دربارهٔ سایر آثارچاپی خود در پایان این نسخه آورده است :

«این عبد مذنب جانی اقل‌الحاج شیخ محمدحسین تاجر کاشانی المتخلص بطوبی . . . دیوان جغتائی را با کمال دقت تصحیح کرده بخط خود تحریرنمود . .

وبزینت طبع درآوردم . . . فهرست کتب علمیه که بخط حقیر . . . بزیور طبع درآمده: شرح دعای جوشن و صباح سنهٔ ۱۲۸۳ ، شرح منظومه درسنهٔ ۱۲۹۸ ، سه منظومهٔ حاج سبزواری سنهٔ ۱۲۹۸ . آنچه نوشته شده وطبع خواهدشد ؛ شرح حکمة الاشراق اسرارالحکم ، شرح عربی وفارسی برمنظومهٔ جزری ، مشکلات العلوم نراقی ، یوسف و زلیخا ، دیوان حسین بن حسن کاشانی ، طاقدیس ملااحمد نراقی . آنچه دردست تحریراست ؛ مفتاح الکرامه ، ابواب الجنان واعظ قزوینی ، گوهرمراد ، مجمع الامثال میدانی ، سرمایهٔ ایمان مختصر گوهر مراد ، دیوان شمس تبریزی ، کلمات مکنونهٔ فیض ، دیوان فیض» .

واز کتابتهای خطی او، ترجمهٔ فارسی یک نسخه قرآن بخط علی عسکر ارسنجانی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم : «طوبی تحریر کرد» .

۱۰۰۱) محمد حسین کشمیری

معروف ترین خوشنویسان هندی درعصر خود وازمقربان اکبر پادشاه (۱۰۱٤-۹٦۳) واستاد شاهزادگان بود وازاین پادشاه لقب « زرین قلم » گرفته وبآن معروف شده است ، تازمان جهانگیر پادشاه (۱۰۳۷-۱۰۱٤) میر کاتب دربار وی بوده وباین مناسبت « جهانگیر شاهی » نیز رقم دارد . در تاریخ جهانگیری ، بانشاء همین پادشاه آمده است : «روز سه شنبه جهانگیر پور محل نزول رایات جلال گشت . درحوالی آن منار بفرمودهٔ من برسرقبر آهوی من راج نام که درجنگ آهوان خانگی وصید آهوان صحرائی بی نظیر بود احداث نموده اند . درآن منار محمدحسین کشمیری که سرآمد خوشنویسان زمان خود بود ، این نثر را نوشته برسنگی نقش کرده اند که : درین فضای دلکش آهوی بدام جهان دارخدا آگاه نورالدین جهانگیر پادشاه آمده درعرض یک ماه ازوحشت صحرائیت برآمده سرآمد آهوان خاصه گشت بنابرندرت آهوی مذکور ، حکم فرمودیم که هیچ کس قصد آهوان این صحرا نکند

و گوشت آنها بر کافر حکم گوشت گاو داشته برمسلمان از مقولهٔ گوشت خوك باشد وسنگ قبر اورا بصورت آهو مرتب ساخته نصب کردند» .

محمدحسین رابعضی‌شاگرد عبدالعزیزدانسته گویند که ازاستاددرگذشته است ؛ وبعضی دیگر مانند صاحب مناقب هنروران ، او را شاگرد میرعلی هروی ، که دراین‌صورت باید زندگی بس درازکرده باشد ؛ چه تاریخ وفات‌اورا بالاتفاق سال ۱۰۲۰ ضبط کرده‌اند وتاریخ مرگ میرعلی‌هروی باغلب‌احتمال ، سال ۹۵۱ است که درحدود هفتادسال پس‌ازدرگذشت میرعلی میشود ؛ مگراینکه انگاریم که محمدحسین بیش‌از هفتاد سال زیسته ودرکودکی شاگرد میرعلی بوده است و میدانیم که میرعلی آخرعمر دربخارا و درغربت وشدت دلتنگی بسر می‌برده و معلوم نیست که درآن حال مشق‌دادن و تعلیم کودکان را داشته بوده است .

ازشاگردان محمد حسین ، حسین کشمیری و محمد مراد زرین قلم را نام برده‌اند .

ازآثارفراوان وی دیده‌ام :

۶ قطعه ازمرقع گلشن ، بقلم سه ودو ونیم‌دودانگ وکتابت خوش ، بارقم وتاریخهای : « بموجب حکم اقدس ، کمترین بنده ها ، محمد حسین زرین قلم کشمیری بتاریخ سه موافق سنهٔ ۱۰۱۷ بقلم‌شکسته‌رقم ، نقل نمود .» و « کمترین بنده‌هامحمدحسین زرین‌قلم کشمیری ، سنهٔ ۳ موافق‌سنهٔ ۱۰۱۷ نقل نمود» و «العبد المذنب الفقیرمحمدحسین زرین قلم جهانگیرشاهی ،فی‌سنهٔ هزاروهجده» درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

۵ قطعه درسرقعهای دیگر ، بقلم‌های چهاروسه ودووونیم‌دانگ وکتابت خوش ، با رقمهای : « الفقیر المذنب زرین قلم غفرذنبه» و «العبد المذنب الفقیر محمد حسین زرین قلم اکبرشاهی ، درسال سی جلوس جهانگیری مشق نمود» در همان کتابخانه ؛

Marfat.com

قطعاتی چند ، بقلمهای ازچهاردانگ تا کتابت خوش ، بارقمهائی ازجمله : «العبد محمدحسین الکشمیری زرین قلم» و « کتبه العبد المذنب الفقیر محمدحسین الکاتب الکشمیری» و «فی شهور سنهٔ اثنین وتسعین و تسعمائة المذنب کشمیری الکاتب » و «سشقه المذنب الفقیر محمد حسین الکشمیری غفرالله ذنوبه و ستر الله عیوبه ، الفقیر محمدحسین الکشمیری سنهٔ ۹۸۸» در کتابخانه های : ملی ، تهران آستان رضوی ، مشهد ـ حاج حسین آقا ملک ، تهران ـ بادلیان ، انگلستان و موزهٔ باستان‌شناسی دهلی ؛

درسرقعی عظیم وبزرگترین مجموعهٔ قطعات خطوطوی ، مشتمل بر ۳ ٥ قطعه از پنج دانگ تا کتابت خفی خوش و عالی ، با رقمها و تاریخهای : « کشمیری » و « کشمیری کاتب» و «محمدحسین» و «محمدحسین کاتب» و «محمدحسین زرین قلم» و «الفقیر محمدحسین فی شهور سنهٔ ۹۹۹» و « کتبه العبد المذنب الحقیر محمد حسین غفرالله ذنوبه وستر عیوبه و السلام فی سنهٔ الف » و « کتبه العبد المذنب المفتقر الی رحمة الله محمدحسین زرین قلم غفرله سنهٔ هزاروچهار» و«بندهٔ بی بضاعت و بی استطاعت محمدحسین کاتب بجهت نواب قبله گاهی اقبال آثاری حکیم همام سلمه الله وابقاه تحریر نمود ، فی شهور سنهٔ ۹۹۸» و «تحریراً فی شهور سنة ثمان وتسعین وتسعمائة ، کتبه . . . محمدحسین الکاتب» .

یک نسخه مفردات نستعلیق میرعلی تبریزی ، بقلم سه دانگ خوش ، مصدر بیک صفحه سورهٔ فاتحه ومختوم بدوقطعه دودانگ و نیم دودانگ خوش ، باتاریخ ورقم : «بتاریچ سنهٔ نهصدونود ، اواخر ذی قعدة ، بندهٔ فقیر محمدحسین کشمیری بقلم شکسته رقم مرقوم ساخت» درمجموعهٔ نگارنده .

۱۰۰۲) محمد حسین کوزه کنانی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت وبسال ۱۲۱٤ درگذشت .

Marfat.com

۱۰۰۳) محمد حسین گیلانی

صاحب تذکرهٔ میخانه گوید که در شعر فهمی و تازه گویی بی‌انباز است و درحکمت استاد. ازموسیقی سررشته دارد ونستعلیق را خوش می‌نویسد.

ازشاعران لاهیجان بود وابتدا «رسمی» تخلص میکرد وبعدآنرا به «فغفوری» تبدیل نمود.

پدرش سیداحمد ازمقربان خان احمد گیلانی بود وفغفوری پس ازمرگ پدر بآذربایجان وازآنجا بگرجستان رفت وچون ازآئین مردم آن‌سامان دلگیرشد، بایران بازگشت ودراصفهان، با حکیم شفائی ملاقات ومهاجات کرد. بدرباه شاه عباس راه یافت وقصاید غرّا درمدیح شاه گفت وصله ها یافت. پس ازمدتی اقامت در اصفهان، بهندوستان شتافت وچندی درقندهار بپائید ومیرزا غازی‌ترخان، حاکم قندهار که مربی هنرمندان وسخن دانان بود، مقدم ویرا گرامی داشت؛ ولی‌بعلت حسدورزی دیگرشاعران سرکار غازی، بی‌خبر ازقندهار بیرون‌رفت وروانهٔ لاهور شد. ازآنجابه آگره‌رفت وچندی‌بعدبه برهان‌پور، بدربارشاهزاده پرویزبن جهانگیر پادشاه‌راه‌یافت ودر رکاب‌او به‌الله‌آبادرفت وپس‌ازدوسال در همان‌جادرگذشت. ماده تاریخ فوت او را که صالح تبریزی یافته است و بر لوح قبرش نقش کرده‌اند و سال ۱۰۲۷ می‌شود، اینست:

رفت فغفورسخن از ملک نظم — داغها بر سینهٔ احباب هشت

چون بهشتی‌بود، شدتاریخ او — (هم نواء عندلیبان بهشت)

۱۰۰۴) محمد حسین مازندرانی

از کاتبان گم‌نام قرن یازدهم‌بود ونسخه یی ازعیون‌الحساب بخط وی در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار است، بقلم کتابت خفی نزدیک به غبارمتوسط، که

چنین تمام می‌شود : «قد نمقها فی مجالس آخرها اول شهر شعبان المعظم من شهور سنهٔ ۱۰۹۳ ، وانا العبد الحقیر الجانی ، محمد حسین بن محمد صالح المازندرانی غفر ذنوبه وستر عیوبه» .

محمد صالح اصفهانی در تذکرهٔ خود نامی از محمد حسین وزیر مازندران آورده واوراجزو شاگردان خود شمرده گوید ، بسیار خوب می‌نوشت واکنون تارك است . ممکن است این نسخه عیون الحساب بخط هم او باشد .

۱۰۰۵) محمد حسین مستوفی - میرزا

فرزند میرزا مرتضی اصفهانی ازمستوفیان اصفهان و از مریدان رحمت علی شاه بود و دوبار با او بتهران آمد . چندی در شیراز جزء کارگزاران ظل السلطان و سررشته داری محاسبات او بود . همهٔ خطوط را خوش می‌نوشت و در سیاق مهارت داشت .

صاحب طرایق الحقایق گوید که ازوی شنیدم می گفت که پس از مرگ پدر، بانواع منهیات مبتلا شدم و تهی‌دست گردیدم . ناگهان هوای دین در دلم افتاد وبطلب اهل یقین رفتم و نیافتم ؛ تاروزی درخرابات کسی ، بکرمانم هدایت کرد . بدان سوی شتافتم . چندی جستجو کردم . چیزی نیافتم و ملول شدم خوابم دربود . درخواب مزار شاه نعمة‌الله را نشانم دادند . بدان‌جارفتم وبی‌خبر افتادم . ناگاه کسی مرا بخودآورد و گفت آنکه به‌دنبالش می گردی، درصحن است . چشمم به‌رحمت علی شاه افتاد وروانم روشن گردید ودیگرازوی مفارقت نتوانستم وحقیقت ایمان را ازوی یافتم .

بسال ۱۳۱۶ درگذشت .

Marfat.com

محمدحسین مشکین قلم = محمدحسین اصفهانی

محمدحسین مشکین قلم = محمدحسین شیرازی

۱۰۰۶) محمد حسین میرزا

ازفرزندان فتح علی‌شاه قاجار بود وبحکومت ولایات مأمور می‌شد وازجمله وقتی حاکم لرستان بود.

درگلشن محمود است که شعر می گفت و نستعلیق را باسلیقه می‌نوشت.

۱۰۰۷) محمد حسین ناجی

بقول صاحب نتایج الافکار اصلاً اندجانی وبگفتهٔ صاحب سفینهٔ خوشگو، شیرازی است که درشاه جهان‌آباد متولد گردیده است. درنظم ونثر دستگاه داشت ونستعلیق را نیکو می‌نوشت.

دراوایل عهد عالم گیر پادشاه، جزو منشیان دربار بود و درنزد فرخ سیر صاحب مناصب و بخدمت میر بحری بنگاله مأمورشد و همانجا بسال ۱۱۲۶ درگذشت.

۱۰۰۸) محمد حسین نورس دماوندی

درجوانی ازدماوند باصفهان رفت و بشاعری پرداخت و «نورس» تخلص کرد. صائب متوجه حال اوشد وتربیتش کرد واورا ملازم محمد زمان کرد؛ ولی چون خوی سازگار نداشت، خان مزبور ازو رنجیده گشت.

نستعلیق خفی‌را خوش می‌نوشت ولی‌خود بیش‌از خط بشعرش می‌نازید و ازاین رو شعرای عصر بوی خرده می گرفتند.

گویند روزی میر نجاتی شاعر گفت که: «خوشنویسان شاعرش میدانند و شاعران خوشنویس».

نورس مدتها بشاعری وخوشنویسی در اصفهان روزگار گذرانید تا در همانجا درگذشت. سال وفاتش را نیاورده‌اند ولی تا سال ۱۰۹۳ می‌زیسته است:

ازخطوط وی دیده‌ام:

یک نسخه قرآن مجید بقلم نستعلیق کتابت خوش، بارقم وتاریخ: «کتبه العبد المتخلص بالنورس دماوندی، فی سنه ثلث وتسعین بعدالالف» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک نسخه تذکرهٔ شاه طهماسب، بقلم نیم دو دانگ متوسط، که چنین تمام می‌شود: «اختتام واتمام بنای صحیفهٔ اسرار پادشاهی وانسلاك وانتظام درر غرر و لآلی آثار شاهنشاهی، حسب الامر نواب مستطاب خانی وفقه‌الله تعالی فی الدارین دراواخر شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۰۹۰. تصویر وتحریر وتنظیم وتکمیل پذیرفته مرقوم قلم انقیاد و کلك اذعان، المتخلص بالنورس، محمدحسین دماوندی گردید.» درهمان کتابخانه؛

یک قطعه ازمرقعی، بقلم دودانگ و کتابت متوسط، بارقم وتاریخ: «نمقه محمدحسین نورس، سنهٔ ۱۰۸۸» درهمان کتابخانه.

۱۰۰۹) محمد حسین نایب الصدر

فرزند رحمت علی شاه است. مادرش گوهرسلطان اصفهانی بود. بسال ۱۲۵۵ متولد شد. درعلوم عقلی و نقلی دست داشت و خطوط نسخ و نستعلیق و شکسته نستعلیق را خوش می‌نوشت وعهده‌دار مکاتبهٔ پدرش با دیگران بود.

بسال ۱۲۷۳ با پدر خود به کرمان رفت و همانجا بود تا رحمت علی شاه درگذشت و به تهران آمد و حاج میرزا رحیم خان ازمقربان دربار ناصر الدین شاه قاجار، او را بحضور برد و شاه را ازوی خوش آمد و دوثلث وظیفهٔ پدرش را دربارهٔ او مقرر و بلقب نایب الصدر مفتخرش کرد وپس از چندی بشیراز رفت.

Marfat.com

صاحب طرایق الحقایق ، نزد وی بتحصیل مقدمات علوم وادبیات پرداخت ونسخه یی از مطول را نایب الصدر بخط خود بوی داده‌است .

مؤلف طرایق گوید که وقتی بمن گفت که ازخداوند، مرگ خود را خواسته‌ام . روز بعد بیمار شد وپس ازسه روز بسال ۱۲۹۵ درگذشت وجنازه‌اش را بقم منتقل کردند . تاریخ وفاتش را مؤلف طرایق چنین یافته است .

گفت تاریخ وفاتش معصوم « به‌به آمد بر رحمت منصور »

نایب الصدر حواشی بسیاری بر کتابهای ادبی ومنطق وحکمت و هیأت دارد وبعربی وفارسی شعر گفته و «منصور» تخلص کرده است .

۱۰۱۰) محمد حسین هروی

درمناقب هنروران است که شاگرد میرسحمد باقربن میرعلی هروی بود .

محمدحسین = شمس الکتاب

۱۰۱۱) محمد حسینی - حاج

ازخوشنویسان گم نام قرن یازدهم بود وبخط وی دیده‌ام :

دوقطعه ازسرقعی ، بقلم سه دانگ خوش ، بارقم وتاریخ : « مشقه حاجی محمد الحسینی» و«نمّقه حاجی محمدالحسینی ۱۰۶۶ » درمجموعهٔ آقای مجید موقّر، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دو دانگ خوش ، با رقم : « کمترین بندگان سید محمد الحسینی» ، درنزد کتابفروشی ، تهران ؛

یک قطعه ازسرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، بشیوه میرعماد ، بارقم: « کمترین بندگان سید محمدالحسینی» درمجموعهٔ آقای ناصری ، تهران .

۱۰۱۲) محمد حفیظ خان

فرزند شیخ الله یار بن شیخ عبدالعزیز عزت بود . در سیزده سالگی از لاهور به دهلی رفت و در جزو یساولان پادشاهی منسلک گردید . بعدها گوشه گیری گزید و بهیچ یک از امراء و خوانین سرفرود نیاورد .

شعر می گفت و «عزّت» تخلص میکرد . پایان عمر را با کتابت قرآن گذرانید و جز در خط خوشنویسی ، قدم در خط دیگر نمیگذاشت . نسخ و شکسته نستعلیق وشکسته تعلیق ونستعلیق را خوش می نوشت و بخط خود می نازید ، چنانکه در این معنی یک مثنوی دارد ، که اینست :

خدا آفریده در این انجمن — مرا بهر خط و خط از بهر من
چونرگس شدم ازعدم جلوه گر — نی خامه و کاغذ اندر کمر
همه شب چراغ ازدل افروختم — ز خون جگر روغنش سوختم
سیه گشت در کاسهٔ سر دماغ — که پیدا شد این گوهرشب چراغ
ز بی خوابی من شده مغز جان — چونال قلم خشک دراستخوان
نشاندم خط خوب کرسی چنین — که می آید از عرشیان آفرین

محمدحفیظ خان شاگردان چند داشت که غالباً از خوشنویسانند ، ازجمله : میرابوالحسن ، معروف به میر کلّن ـ قادربخش ـ محمداسمعیل ـ محمدتقی ، درخط نستعلیق ؛ منشی لچهمی سنگهه ـ لچهمی رام پندت ـ لاله سگهه رام ـ منشی محجوب رای ـ منشی کسل سنگهه . مؤلف تذکرهٔ حسینی ـ غلام محمد هفت قلمی مؤلف تذکرهٔ خوشنویسان ، درشکسته نستعلیق .

تاریخ وفاتش را چنین یافته اند ، که می شود سال ۱۱۹٤ :

چون محمد حفیظ خان استاد — ترك این خاندان فانی کرد
سال تاریخ فوت او راقم — (وای آقا رشید ثانی) کرد

Marfat.com

۱۰۱۳) محمد حکیم

از کاتبان خوشنویس گم‌نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه غرر و درر در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ ورقم : «قدفرغ من تسوید هذه النسخة الشریفة ، فی تاریخ شهر شعبان المعظم سنه اربعین والف من الهجرة النبویة ، الفقیر محمد حکیم الحسینی» .

۱۰۱۴) محمد خان ـ میرزا

فرزند میرزا احمد خان مؤید الملک پیشخدمت ناصر الدین شاه قاجار بود . از ادبیات فارسی و عربی و زبان فرانسه بهره داشت و نستعلیق را خوش می‌نوشت . هنگام تألیف فارسنامهٔ ناصری (سال ۱۳۰۴) درسنین شباب می‌زیست . تولدش بسال ۱۲۸۴ درتهران اتفاق افتاده است .

۱۰۱۵) محمد خلیل ـ حاج

فرزند حاج محسن تاجرشیرازی ، بسال ۱۲۱۸ دربوشهر متولد شد وبه‌شیراز آمدو کسب کمالات کرد . درخط نستعلیق سرآمد (چنانکه برادرش حاج عبدالحسین درخط شکسته شهرت یافت) . این دوبرادر ، بقول صاحب فارسنامهٔ ناصری ، بساط تجارت را ازایران تا هندوستان و اروپا کشیدند وچندین باغ وملک درشیراز واطراف مالک شدند و دست بخشش بروی مردم گشادند . حاج محمد خلیل بسال ۱۲۷۵ ، درشیراز درگذشت .

۱۰۱۶) محمد خلیل مولوی

بقول غلام محمد هفت قلمی ، سردی دانشمند وپرهیزکار و مرتاض بود و نستعلیق را بروش رشیدا خوب می‌نوشت .

Marfat.com

۱۰۱۷) محمد خلیفة الخلفا

در نقاشی ومصوّری وخط نستعلیق استاد بود وطنبور را خوش می نواخت. جوانی آراسته و گشاده دست بود. شعر میگفت.

محمد بیک هنگام تألیف مجمع الخواص (سال ۱۰۱۶) هنوز در سنین جوانی می زیست.

۱۰۱۸) محمدبن خواجه جاجی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم بود و نسخه یی از یوسف و زلیخای جامی، بخط وی دارم، بقلم کتابت خوش، بشیوهٔ سلطان محمد خندان، با رقم: «تم الکتاب ... من ید اضعف عبادالله ... محمدبن خواجه حاجی غفرلهما».

۱۰۱۹) محمد خوانساری - میرزا

شاگرد محمدمهدی تهرانی واستاد میرزا محمدرضای کلهر است. جز نستعلیق نسخ را نیز خوش می نوشته است.

۱۰۲۰) محمد داوری شیرازی

فرزند وصال شیرازی است. ترجمهٔ حالش را که فرهنگ برادر کوچک داوری، بخواهش صاحب فارسنامهٔ ناصری انشاء کرده است، عیناً نقل می کنم:

«سیمین فرزند حضرت وصال جناب میرزا محمد داوری است. چون جناب وقاربه عرصهٔ وجود آمد، پدربزرگوارش، ازپیر عالی مقدارخود رحمهم الله مستدعی است که نام آن طفل را آن جناب گذارد. مسئول مقبول افتاده پیرروشن ضمیر فرمود او را بچه نام باید خواند. عرض کردند احمد نیکو نامی است. آن جناب بزبان

Marfat.com

مبارك راند ، احمد ، محمود ، محمد ، ابوالقاسم . وچنانکه فرموده بود پسران دیگر را بهمان ترتیب نام گذاشتند .

القصه مرحوم داوری درخط نسخ تعلیق استادی بود بزرگ . خط شکسته را بحد کمال رسانید و درصنعت نقاشی و پیکرنگاری ، ازاستادان سلف بگذرانید . درعلوم ادبیه وحکمت دستی تمام داشت . اشعارآبدارش ازاندازهٔ توصیف بیرون ودیوان اشعارش نزدیک به پانزده هزار بیت است . از روی انصاف ازآن زمان که آغازشعرسرائی شده تا کنون هیچ شاعری را چنین طبع قادری وسخنی عذب وسلس نبوده وباین سلاست و روانی و فصاحت کسی سخن نگفته . انواع شعررا همه نیکو فرموده قصائد را بطرز هر یک از استادان سلف گفته و بیشتر آنها را از استادان فن بهتر فرموده . غزلیات وقطعات ومراثی ومنشآت ورسائل ومثنویات بهروزن ، خاصه بسبک شاهنامهٔ حکیم فردوسی علیه الرحمه را نیکو گفته .

درسال ۱۲۳۸ بعرصهٔ وجود آمده ودرسال ۱۲۸۲ بمرض دق ، ترك جهان گفته ، بفردوس جنان شتافته و در بقعهٔ مبارکهٔ سید احمد علیه السلام ، در پهلوی تربت پاك حضرت سکوت علیه الرحمه مدفون گشت . . .»

دیوان بیگی درحدیقة الشعراء می نویسد : «داوری شیرازی سیوم پسرمرحوم میرزای وصال علیه الرحمه و اسمش محمد بود ، از روی تحقیق میتوان شمس القلاده آن طایفه اش گفت ، صورتی پسندیده ومطلوب داشت وقامتش زیبا و مرغوب ، در حسن اخلاق طاق ودرمعاشرت وطرزصحبت وانجمن آرائی ودلربائی منفرد آفاق ، تمام خطوط را خوب می نوشت ولیکن فنش نسخ تعلیق بود که برسایر امتیازداشت ، در نقاشی و تذهیب یکی ازاساتید محسوب می شد ، باهوش و ذکائی مفرط بود ، هر صنعتی را که اراده می نمود باندك توجهی فرامیگرفت ، شعررا هم اعتقاد خودشان این بود که ازهمه برادران بهتر میگفت اماروزگارش چندان امان نداد ودرجوانی بدرود جهان گفت . کتاب شاهنامه تمام کرد که تذهیب ونقاشی وجلداو تمام کار

Marfat.com

خودش بود و کمال امتیاز داشت ، قریب پنج سال در دست داشت و در آن مدت اجزاء و اوراق او بنظر غالب بزرگان رسید و کسی طالب نشد جز محمدقلی خان قشقائی ایل خانی فارس طالب شد . او کتاب را تمام کرد وشرحی ببحر تقارب مشتمل برزحمت خود وتعریف کتاب ومدح ایلخانی براو بیفزود . ایلخانی هفتصد تومان نقد ودوطاقه شال کشمیری ممتاز ودواسب خوب باونیاز کرد . اگرچه کتاب هم جای این را داشت ولی ایلخانی همت کرد ودراین زمان دیگری چنین کاری نمی کند . . .»

صاحب مجمع الفصحاء ، هنگامی که درشیراز بخدمت وصال میرفت، داوری را پانزده ساله دیده واورا خلیق وباکمال یافته است .

صاحب طرایق الحقایق ، دوماه نزداو تعلیم خط گرفته واورا بحسن خلق و تبحر درعلوم ادبیه وعربیه ستوده است .

نعمت فسائی ماده تاریخ وفاتش را چنین یافته است :

بهر تاریخ وفاتش نعمت محزون رقم زد

(داوری راد ای دل بامحمد حشر داد)[1]

که می‌شود سال ۱۲۸۳[2] وباآنچه فرهنگ برادروی نقل کرده‌است، یکسال اختلاف دارد .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می‌شود : « تمت المجلد الثانی من کتاب المثنوی ، فی اواخر شهر ربیع الآخر من شهورسنه ۱۲۶۲ » و« کتب للامیر الکبیر . . . اتابک اعظم . . . الداعی لدولة الابدیه المنسوب الی اهل بیت المحمدیة السید الامجد آقا میرزا محمد الشیرازی الشهیر بفسائی . . . وانا العبد افقر عبادالله محمد المتخلص بداوری ابن المرحوم وصال طاب الله ثراه . . . حرره فی سنهٔ ۱۲۶۷» در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک نسخه لوایح جامی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود :

۱- ماده تاریخ غلط است ومرحوم بیانی هم متوجه بوده‌اند . ۲- بصورت فوق ۱۰۸۳ میشود وعجب است که باوجود توجهی که مرحوم بیانی داشته‌اند باین صورت نوشته‌اند .

Marfat.com

«فرغت من تحریر هذه الکلمات الطیبات ، من کلام مولانا جامی علیه الرحمة ، ناقلاً عن خط الاستاد حکیم حفظه الله ، عن خط الاستاد وصال علیه الرحمة الملک المتعال عن خط الاستاد عماد الحسنی علیه المغفرة من رب العباد . وانا العبد الاقل داوری بن وصال سنهٔ ۱۲۶۳» درهمان کتابخانه ؛

نسخهٔ دیگر شش دفتر مثنوی، بقلم کتابت خفی عالی ، با تاریخ ورقم : «حرره فی یوم الخمیس غرهٔ محرم الحرام سنه ثمان و ثمانین و مائتین بعد الالف » و « قد فرغت من استکتابه فی عشر الثانی من شهر السابع فی یوم الرابع فی سنة ۱۲۸۰ و انا العبد داوری بن وصال اللهم وفقنی باتمامه » و « قد فرغت من استکتاب المجلد الخامس من کتاب المثنوی المولوی رحمه الله بعون الملک القوی ، فی منتصف شوال المکرم من شهور سنة ۱۲۸۱ احدی وثمانین ومائتین بعد الالف واستعین باتمامه» در همان کتابخانه ؛

نسخهٔ دیگر لوایح ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می‌شود : « بتاریخ روز پنجم شهر جمادی الثانیه فی سنهٔ ۱۲۷۶ این رساله گرامی که بهترین مؤلفات شیخ عارف کامل مولانا عبدالرحمن جامی است، بنام نامی . . . حسام السلطنه ابوالمناقب سلطان مراد میرزا . . . صورت اتمام پذیرفت . . . وانا العبد داوری بن وصال در همان کتابخانه ؛

یک نسخه چهار مقالهٔ نظامی عروضی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : «بجهت پیشگاه . . . امین الدولة والسلطان . . . حرره داوری بن وصال غفرله ، سنهٔ ۱۲۷۹» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه سحر حلال ، بقلم کتابت خوش، با رقم وتاریخ : « . . . داوری بن وصال ۱۲۸۲» در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ، تهران ؛

یک نسخه خسرو وشیرین نظامی ، بقلم کتابت جلی عالی ، که باشعاری از خود داوری تمام می‌شود وبعض آن اشعار اینست :

Marfat.com

«خاتمه از کاتب نامه ، داعی دولت قاهره داوری بن وصال :

گذشت این نامه را نام ازسرماه — که زینت یافت از نام شهنشاه
شهنشاه جهان شه ناصر الدین — که رای او خرد را داد تمکین
هنرمندان عهدت پای در مهد — زده پا بر هنرمندان هر عهد
کمینه چاکرت این خاکسارست — که چهل‌سالش هنرآموزگارست
همان تا این زمان ازبخت خفته — بمژگان خاك درگاهت نسفته
مرا هم در سر چل سالگی بخت — سعادت داد ازپابوس این تخت
تو شاهی بندهٔ دادار سرمد — محمد بندهٔ ظلّ محمد
ز داور هر دم او را یاوری باد — دعایش زیب مدح داوری باد

۱۲۷۸» (که ظاهراً درسنین چهل سالگی بدربار ناصرالدین شاه راه یافته است.)

در کتابخانه سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۱۸ رقعه ، بقلم دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خفی و غبار خوش و عالی ، با رقم و تاریخ : «کاتبه قائله العبد محمد بن وصال المتخلص بداوری غفرالله لهما» و «کاتبه العبد الاقل محمد بن وصال غفرله. سنهٔ ۱۲۶۳» درهمان کتابخانه ؛

و قطعات متفرق دیگر ، ازجمله درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده ، و کتابخانهٔ سلطنتی وغیره.

۱۰۲۱) محمد درویش سمرقندی

ازخوشنویسان گم‌نام قرن دهم و یازدهم و قطعه‌یی بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «فقیر محمد درویش السمرقندی غفر ذنوبه».

Marfat.com

۱۰۲۲) محمد دائم عظیم آبادی ـ شیخ

در تذکرهٔ روز روشن است که شعر می گفت ونستعلیق راخوش می نوشت و بسال ۱۱۹۰ درگذشت.

۱۰۲۳) محمدرازی ـ نورالدین

از کاتبان گم نام قرن یازدهم است که نستعلیق ونسخ را خوش می نوشته است و بخط وی یک نسخه صحیفهٔ سجادیه ، که متن آن بقلم نسخ و ترجمهٔ آن به نستعلیق کتابت متوسط است وچنین تمام می شود: «قدفرغ من تحریر هذه الصحیفه الکاملة مع الملحقات والترجمه ، ابن میرزا بیک نورالدین محمد الرازی ، فی تاریخ شهر ربیع الاول من شهور سنة تسع و ثمانین بعدالالف ۱۰۸۹» در کتابخانهٔ سلطنتی تهران .

۱۰۲۴) محمد راسم

علاوه ازنستعلیق سایر اقلام را نیز خوش می نوشت .

۱۰۲۵) محمد ربیع

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا ازجمله شاگردان خود شمرده گوید ، مستوفی خاصه وصاحب کمالات است . سابقاً مشق میکرد وخوب می نوشت ولی اکنون تارك است .

۱۰۲۶) محمدرحیم اردبیلی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن یازدهم است که علاوه ازنستعلیق ، بهمهٔ

Marfat.com

اقلام متداول مسلط بود ومخصوصاً نستعلیق را استادانه می نوشته است وازآثاروی دیده‌ام : یک نسخه حدیقة الحقیقه سنائی ، بقلم کتابت عالی ، بارقم وتاریخ : « کتبه الحقیر المذنب محمد رحیم بن محتسب الاردبیلی، علی طریق الاستعجال، غفرذنوبهما وستر عیوبهما . سنهٔ ۱۰۷۶ » دردست فروشندهٔ گم نامی ؛

یک نسخه منظومهٔ دستور مجالس نزاری قهستانی ، بقلم کتابت خفی عالی (وآخر نسخه چندسطر شکسته نستعلیق غبارعالی) که چنین تمام می‌شود : «حسب الفرمودهٔ عالی حضرت . . . زیناً للامارة . . . علی قلی سلطانا . . . سمت تحریر یافت بتاریخ پنجم شهر صفر ختم الله بالخیر والظفر سنهٔ ۱۰۷۵ ، کتبه العبد الفقیر الحقیر المذنب» محمد رحیم بن محتسب اردبیلی ، غفرذنوبهما وسترعیوبهما» درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران .

یک نسخه کلیات سعدی مجموعهٔ ناصرالدوله مجلسی

(آثار دیگر وی بسایر اقلام درجای خود خواهد آمد) .

۱۰۲۷) محمد رحیم اصفهانی

از خوشنویسان گم نام و بخط وی یک قطعه ، بقلم چهار دانگ خوش ، در سوزهٔ کابل است که رقم دارد : «المذنب محمد رحیم المدعو بحاجی رحیم الاصفهانی عفی عنه» .

۱۰۲۸) محمد رحیم جهرمی

ازسادات موسوی جهرم است که اجدادش درزمان صفویه ، باصفهان رفته وبشغل طبابت مشغول شده‌اند . پدرش درعهد کریم خان زند ، بشیرازآمد وطبیب کریم خان وساکن شیرازشد . هم‌چنان درشیرازبود تانوبت حکومت فارس به‌فتح علی‌شاه‌قاجاررسید وپس ازمدتی درهمانجادرگذشت ومحمد رحیم فرزندش درشیراز نشوونمو یافت وصاحب هنر ببارآمد .

Marfat.com

محمدرحیم نیز مانند نیاگان خود ازعلم طب بهره داشت وشعر می گفت و «بیدل» تخلص میکرد وخطوط را خوش می‌نوشت .

در ابتدای حال ، بتهران رفت ودر دربار فتح علی‌شاه اعتبار یافت و در زمرهٔ اطبا قرار گرفت واز ندیمان خاص شاه شد .

یکبارهم دردولت فتح علی‌شاه ازتهران بشیراز رفت وباز گشت . سال وفاتش معلوم نیست ولی درتاریخ تألیف تذکرهٔ دلگشا (سال ۱۲۳۹) هنوز جوان بود .

دیوان بیگی در شرح حال او تعریضی به خوشنویسی او نکرده و ویرا بعلم واستادی درطب ستوده وظاهراً هنر خطاطی او مقهور سایر فضایل وی آمده . مع هذا چون ترجمهٔ جامعی ازوی بدست داده عین آنرا از حدیقة‌الشعرا که بخط خود مؤلف کتابت یافته دراینجا می‌آورد که خالی از فایدتی نیست :

«فخرالدوله بیدل شیرازی از اجلهٔ سادات عالی درجات شیراز وبرادر کهتر جنابان حاجی میرزا باقر و حاجی آقای ملا باشی است که آن یک صاحب تصانیف عدیده چون بحرالجواهر در اصول خمسه و شرح صحیفهٔ سجادیه هر دو عربی و سه جلد انوارالقلوب درحالات ائمهٔ هدی سلام‌الله علیهم فارسی و تصانیف دیگر است واین یک بکمال فضل وزهد و ریاضت واستجابت دعوات مشتهر . وخود جناب بیدل را اسم‌سامی حاجی‌میرزارحیم ودر انواع علوم باربط ، خاصه درعلم‌طب خیلی مسلط بودند . درزمان خاقان مبرور فتحعلی شاه بطهران رفته رتبهٔ مصاحبت و منادمت و محرمیت یافت و باقتضای علم طب گاهی بمعالجهٔ خواص حرم می‌پرداخت وچون بیشتررا بمعالجه وخدمت فخرالدوله که ازصبایای محترمهٔ خاقان‌مبرور بود اشتغال داشت درافواه به میرزا رحیم فخرالدوله مشتهر شد و کم کم آن اضافه علم شد و مطلق فخرالدوله مخاطب می‌شد ، درهمان‌حال هم بازگاهی برای‌سرکشی باملاك خود بشیرازمیآمد ودر کمال‌عزت چندی توقف کرده معاودت میکرد . درزمان‌محمد شاه مغفور وحکومت‌مرحوم‌فریدون‌میرزای‌فرمانفرما به‌فارس تشریف‌آورده ازایشان

Marfat.com

احترامی فراخور توقع ندیده بعزم حج بیت‌الله روانه وبعداز ادراك آن موهبت مراجعت وباز درسال ۱۲۵۷ عزم طهران ودربلدهٔ طیبهٔ قم مریض شده بریاض رضوان خرامیده درجوار حضرت فاطمه سلام‌الله علیها مدفون گردید. اما درشاعری دیوانی مشتمل برسی هزار بیت ازقصاید وغزلیات ومراثی وغیره داشته‌اند درسفر مکهٔ معظمه جهاز ایشان طوفانی وبرای حفظ جان اغلب و اکثر اموال اهل جهاز را بدریا ریخته که جهاز سبك شود وازخطر برهد آن دیوان با سایر اموالشان بدریا رفت، درمراجعت از آنچه در نسخه های متفرق باقی بود و اشعار بعد از آن سفر دیوان دیگر مرتب کرده قریب شش هفت هزار بیت که الحال موجود است...»

۱۰۲۹) محمد رحیم عقیلی

محمدصالح اصفهانی (متوفی ۱۱۲۶) گوید ازفضلای عصر واعاظم سادات بود. قلم تندی داشت - برهنه نویس بود. پس از رشیدا میزیست.

۱۰۳۰) محمد رحیم گرایلی

درسفینهٔ هندی آمده است که در اوایل ترقیات نادرشاه، همراه وی بود و پس از دفع افاغنه، بخدمتی بزرگ سرافراز شد.

هنگامی که نادرشاه بسوی بغداد میرفت، وی ترك خدمت کرد و بلباس درویشان، بنجف رفت ومقیم شد. بعدها بهندوستان سفر کرد ودرآنجا برهان‌الملك رعایت وی کرد وچندی بظاهر روزگاری خوش، ودرباطن ناخوش، می گذرانید؛ تا نادرشاه بهندوستان رسید ودر همان اوان، بمرض ذات‌الجنب درگذشت.

محمد رحیم شعر می گفت و درفن سپاهی گری بی‌بدیل بود وخط نستعلیق را خوش می‌نوشت.

Marfat.com

۱۰۳۱) محمد رحیم مشهدی

ازشاگردان سیداحمد مشهدی است که پس از تکمیل تعلیم خط ، ده سال درگوشه یی نشست ومشق خط کرد وخط خودرا بکسی نشان نداد ، تاوقتی خودرا دراین خط قابل دید ، قطعاتش را به‌طالبان عرضه کرد .

صاحب مناقب هنروران گوید که من دو سه قطعه از خطوط او را نخستین بار ، بسال ۹۹۰ دربغداد دیدم .

آثار ذیل که دیده‌ام ممکن است ازاو باشد :

یک‌قطعه بقلم سه‌دانگ خوش ، درکتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد ؛

یک‌نسخه دیوان حافظ ، بقلم کتابت جلی‌خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت الکتاب ... علی یدالعبد الفقیر المذنب محمد رحیم غفرالله ذنوبه وستر عیوبه فی سنهٔ۹۹۳» درمجموعه آقای سلطان‌القرائی ، تهران ؛

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت جلی‌عالی ، بارقم : « کتبه المذنب محمدرحیم غفرذنوبه» درکتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک‌نسخه رسالهٔ کنوزالرموزبطریق‌مرقع ، بقلم‌نیم‌دودانگ‌خوش ، بارقم: « تم الرسالة علی ید العبد الفقیر محمد رحیم غفرالله ذنوبه وستر عیوبه » دردست فروشندهٔ گمنامی .

۱۰۳۲) محمدرحیم ناظر

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) میگوید: ناظردفترخانه‌وشاگرد شاگرد من است ، اگرچه خوب می‌نویسد ، ولی‌اکنون تارک است و بحلیهٔ کمالات آراسته است .

۱۰۳۳) محمد شیرازی - میرزا

ازسادات بنی‌مختار بود ومدتی دراصفهان بامحمدعلی‌حزین دم‌ساز.

خطوط را خوش‌می‌نوشت ودرسیاق ماهربود ، ازمقدمات علوم بهره داشت وشعر را روان میگفت وحمیده خصال وشیرین مقال بود .

هنگام تألیف تذکرهٔ حزین (حدود سال ۱۱۷۰) سی سال بود تا درمشهد درگذشته بود .

۱۰۳٤) محمد رزه‌یی

فرزندعلاءالدین ازمردم رزهٔ باخرزبود ، که وی ازشاگردان بی‌واسطهٔ سلطان علی مشهدی بوده است .

بعضی محمد را شاگرد محمودشهابی سیاوشانی‌می‌دانند ؛ ولی‌ظاهراینست که شاگرد پدرخود بوده ، زیرا که بشیوهٔ سلطان علی نزدیکتر می‌نوشته است .

حیاتش تاسال ۹۹۳ معلوم و تاریخ وفاتش معلوم نیست .

ازآثاروی دیده‌ام :

یک نسخه یوسف و زلیخای جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ و رقم : «... تحریراًفی تاریخ شهرصفرسنهٔ ۹٦۸ ، کتبه‌العبدالمذنب محمدبن علاءالدین رزه غفرذنوبه وستر عیوبه» درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران ؛

یک‌نسخه دیوان‌حافظ ، بقلم کتابت‌خوش ، که‌چنین تمام‌می‌شود : «تمت الدیوان اعجوبة البشر اطهر من الشمس و القمر ، خواجه حافظ محمد شیرازی... فی تاریخ شهر ربیع‌الثانی سنه ۹۸۱ ، کتبه العبد المذنب محمد بن علاءالدین رزه غفرذنوبه وستر عیوبه» درهمان مجموعه ؛

یک‌نسخه هفت‌اورنگ جامی ، بقلم کتابت عالی ، بارقم وتاریخ : «محمد بن علاءالدین ، سنهٔ ۹۷۷» درکتابخانهٔ رامپور ، هند ؛

Marfat.com

یک نسخه دفتر دوم سلسلة الذهب جامی ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ و رقم : « تحریراً فی تاریخ غرة شهر شعبان المعظم سنة ۹۶۹ . کتبه العبد المذنب [میرعلی ابن میر] محمد الکاتب رزة ، سترعیوبه وغفر ذنوبه » در کتابخانهٔ سلطنتی (که کلمات «میر علی ابن میر» آن بطور وضوح معلوم است الحاقی است) .

یک نسخه تیمورنامهٔ هاتفی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : «با تمام رسید . . . ازمنظومات مولانا عبدالله هاتفی نوّر مرقده ، فی تاریخ شهر رجب المرجب سنهٔ ۹۹۳ ، جهت سرکار حضرت سیادت سپاه مخدومی امیر سید الحسینی ، نوشته شد . کتبه العبد المذنب محمد الکاتب رزة بولایت باخرز ، در قریهٔ رزه ، صورت تحریر یافت» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران .

۱۰۳۵) محمد رضا

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه ترجمهٔ فارسی چهل حدیث در کتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ و رقم : «تمت فی شهر رجب المرجب سنه سبع وخمسون بعد الالف . . . کاتبه محمد رضا» .

۱۰۳۶) محمد رضا

کاتب دیگری است که در قرن دوازدهم میزیسته و با علی قلی خان والهٔ داغستانی آشنائی داشته است .

از آثار وی یک نسخه مثنوی واله وسلطان ، در کتابخانهٔ آقای سلطان القرائی است ، که واله آن را جمع وترتیب کرده واز این محمد رضا خواسته است که آن را استکتاب کند . این نسخه بقلم کتابت جلی نیم دودانگ متوسط است ودرپایان آن آمده است : « این مثنوی کلفت زدای مسرت افزای . . . حسب الامر بندگان رفیع‌الشأن بلندمکان علی قلی خان ، فیاض زمان که مرجع اهل دل است ومرکز علمای

Marfat.com

متبحر ، اطال الله عمره ودام اقباله ، فدوی عبودیت پیرا محمدرضا . . . دردارالخلافهٔ شاهجهان آباد ترقیم نمود . . . بتاریخ غرهٔ شهر جمیدی الثانی سنهٔ یکهزار ویکصد و شصت هجری . . .» .

این نسخه چندین صفحه بدرقه دارد که اشعاری ازواله بخط خوداو وچندین سجع مهر درآنست ، باین قرار :

«فدوی محمد شاه ، پادشان سلیمان جاه ، صاحب قران ثانی ،علی‌قلی خان بهادرعباسی ۱۱٦۰ .

من سادردهر را گراسی خلفم یکتا درشاهوار این به صدفم
نبودعجب ار بحردل رابر کفم زیرا که گدای در شاه نجفم

و «خان بهادر علی‌قلی داغستانی عباسی ۱۱۵۹» .

این کتاب که بعدها بدست خدیجه سلطان دخترعم ومحبوبهٔ واله رسیده ، اشعاری بخط آن بانو در پشت کتاب نوشته شده ودوسجع مهر ازاو به‌پشت کتاب افزوده شده است ، باین عنوان :

« در صدف حسن علی خان شمخال نسب خدیجه سلطان

۱۱۵۹» و

«بملک شرم وحیا شد زفضل حق سلطان
خدیجه بنت حسن افتخار داغستان

۱۱۵۹» .

درباب واله وخدیجه‌سلطان مقالتی پرداخته‌ام وبرای اطلاع بیشتراز کیفیت زندگی آن‌دو بآنجا رجوع شود .

۱۰۳۷) محمد رضا استرابادی

ازخوشنویسان گم‌نام قرن‌سیزدهم وبخط وی قطعهٔ سیاه‌مشقی در کتابخانهٔ

ملی تهران است ، بقلم چهاردانگ وسه‌دانگ خوش ، با رقم وتاریخ : «حرره نمقه المذنب محمدرضا بن محمدمهدی استرابادی ، شهر صفرالمظفر ۱۲۳۰» .

۱۰۳۸) محمد رضا اصفهانی

فقط میرزا سنگلاخ نام وی را آورده گوید که لقب «صدرالکتاب» داشت و در عباس آباد اصفهان میزیست و از خویشان و شاگردان سید علی خان بود . بهندوستان رفت و از ابوتراب اصفهانی در آنجا تعلیم گرفت . سریع القلم و شاعر و عارف مشرب بود .

ازطرفی وفاتش راسال ۱۱۱۸ ضبط کرده‌است وازطرفی گوید که شاه‌عباس بوی دستورداد تا کتابهٔ صحن مشهد حضرت رضارا به‌نستعلیق نویسد ! که معلوم نشد ، این خوشنویس درزمان شاه‌عباس چندساله بوده که پس ازمرگ شاه هشتاد سال دیگر نیز زیسته است . ظاهراً ترجمهٔ احوال محمدرضای امامی را (که ترجمهٔ احوالش خواهدآمد) باین‌صورت خلط کرده است .

۱۰۲۹) محمد رضا بهائی عاملی

ازخوشنویسان گم‌نام دورهٔ ناصرالدین‌شاه‌قاجار ویک مرقع دورقعه یی بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی‌است ، بقلم‌سه‌دانگ ونیم‌دودانگ‌خوش ، بارقم‌وتاریخ : «خانه‌زاد محمدرضا سنهٔ ۱۲۶۹» و « خانه‌زاد قدیمی حضرت ظل اللهی محمد رضا بهائی‌العاملی ، عفی‌الله عن‌جرائمه ، سنهٔ ۱۲۶۹» .

۱۰۴۰) محمد رضای تبریزی

محمد صالح اصفهانی در تذکرهٔ خود ، وی‌را خالوزادهٔ سیدعلیخان جواهر رقم ، فرزند محمد مقیم معرفی کرده گوید اول شاگرد دائی خود بود و بعد از رفتن

Marfat.com

سیدعلی خان بهندوستان نزد والدمن (یعنی ابوتراب) مشق کرد وسرآمد خوشنویسان عهدشد ودرصفای طینت وتهذیب اخلاق وحسن خلق نظیرنداشت ودرتاریخ ۱۱۱۸ دراصفهان درگذشت ودرمزار بابارکن الدین بخاك سپرده شد، ولی دریك نسخهٔ جوامع الحکایات عوفی کتابخانهٔ سلطنتی است که بقلم نیم دودانگ خوش نوشته وچنین تمام شده است، بصراحت خودرا فرزند محمدمقیم معرفی کرده است:

« این نسخهٔ میمنت آیات مبنی بر غرایب روایات، مبتنی بربدایع نکات را که موسوم بجامع الحکایات، حسب الفرمان قدر اقتران نواب سپهر رکاب خاقان رضوان مکان، فتّح الله ابواب مضجعه الی فرادیس الجنان، مرحوم مغفور نورامحمدا لاهیجانی نگارش و ترقیم نموده، فرصت اتمام نیافته بود؛ دراوان دولت قاهره وزمان ابد توامان خلافت باهرهٔ سلطان... شاه سلیمان الموسوی الصفوی الحسینی بهادرخان بسط الله تعالی بساط عظمته ومعدلته الی انقضاء الزمان، بخدمتگزاری وقلم شکسته رقم خاکروب درگاه خلایق پناه، محمد رضا بن محمد مقیم التبریزی سمت تتمیم وانجام پذیرفت. بتاریخ شهر رجب المرجب هزاروهشتاد ونه هجری».

دراین نسخهٔ باندازه یی باقدرت ومهارت خط نورای لاهیجی را تقلید کرده است که اگراین تذکار خود او نبود، تشخیص دوخط در نسخه بسیار دشوار نزدیک به محال بود.

۱۰۴۱) محمد رضا تبریزی

ازشاگردان محمدحسین تبریزی وهم عصر وهم مشق میرعمادحسنی است درمناقب هنروران است که بسال ۹۹٤ باستانبول رفت و با ارکان دولت عثمانی آشنا شد ومخصوصاً بمحضر مولانا سعدالدین اختصاص یافت وازانعام واحسان او بهره‌مند شد. هم او گوید که بیشتر اوقات به‌تمرین وسیاه مشق میگذرانید و هرماه یک دو قطعه بیش نمی‌نوشت و به کتابت راغب نبود. دراستانبول شهرت داشت

Marfat.com

و قطعاتش را ببهای گزاف میخریدند .

میرزا حبیب که سال مسافرت او را بعثمانی بسهو ٩٤٤ ضبط کرده است ، گوید که با بضاعت فراوان به تبریز بازگشت و بسال ١٠٣٧ در آنجا درگذشت . صاحب پیدایش خط و خطاطان ، بغلط تاریخ مرگ اورا سال ٩٤٤ دانسته است ، که حیات او تاحدود سال ١٠٠٠ مسلم است .

ازخطوط او دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان امیرشاهی ، که غزلها بخط سیداحمدمشهدی ورباعیات آن بخط محمد رضا است و بقلم کتابت جلی خوش نوشته است و رقم دارد : «تمت هذه الرباعیات بید العبد الفقیر المذنب محمد رضا تبریزی » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه ازمرقع ، بقلم دودانگ وغبارعالی ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب محمدرضا التبریزی غفرله ٩٩٣ » درهمان کتابخانه ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « الفقیر محمد رضا تبریزی » در همان کتابخانه ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خفی خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد محمدرضا تبریزی غفرذنوبه وسترعیوبه ، سنهٔ ٩٨٤ » در همان کتابخانه ؛

دوقطعه ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « الفقیر المذنب محمد رضا التبریزی ، سنهٔ ٩٩٠ » و «الفقیر المذنب محمد رضا غفر ذنوبه» درکتابخانهٔ ملی پاریس ؛

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت‌خفی وغبار خوش ، بارقم و تاریخ : « حضرت مولانا نوائی فرماید . . . کتبه العبد الفقیر المذنب المحتاج الی رحمةالله وغفرانه محمدرضا التبریزی . . . فی‌عشرالاوسط من‌شهر شوال ختم بالخیر والاقبال فی‌سنهٔ ٩٧٨ » درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

Marfat.com

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «الفقیر محمد رضا التبریزی » در مجموعهٔ نگارنده .

۱۰۴۲) محمد رضا حکیم باشی

محمدصالح اصفهانی اورا ازشاگردان رشید پدرخود ابوتراب معرفی کرده گوید ، درنهایت زبردستی واستادی بود .

۱۰۴۳) محمد رضا خاتون آبادی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم معاصرمیرعماد ، اصفهان است . بخطوی یک نسخه دیوان جمال الدین اصفهانی در کتابخانهٔ ملی تهران است ، بقلم کتابت خوش که چنین تمام می شود : «تمت دیوان اسلح المتقدمین وافصح المتکلمین جمال الدین محمد بن عبدالرزاق الاصفهانی ، بتاریخ شهر ربیع الثانی سنهٔ ۱۰۲۴ . کتبه محمدرضا ابن میرزا علی کاتب خاتون آبادی غفرذنوبهما وستر عیوبهما» .

۱۰۴۴) محمد رضاخان خراسانی

میرزاحبیب گوید مشهوربه «خان کنگر» بود ونستعلیق راخوش می نوشت .

۱۰۴۵) محمد رضا خویی

از خوشنویسان زبردست دربار محمدشاه قاجاربود ونسخه یی ازمنطق الطیر شیخ عطار بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم نیم دودانگ عالی ، با تاریخ و رقم : « فی شهر رمضان المبارك سنهٔ ۱۲۵۸ ، کتبه خانه زاد حضرت السلطانی ، محمدرضا خویی» .

Marfat.com

۱۰۴۶) محمد رضا بن سلطان محمد

از کاتبان گم‌نام قرن دهم ویازدهم وبخط وی یک نسخه کلیات مشفقی ، در کتابخانهٔ فردوسی شهر دوشنبهٔ تاجیکستان است بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : «تمام شد دیوان مطایبه و کلیات مولانا مشفقی ، درروز چهار شنبهٔ شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۰۰۳ ثلث والف ، دروقتی که آفتاب درنهم درجهٔ قوس بود ، دربلدهٔ فاخرهٔ بخارا حمیت عن الافات والبلیات ، علی یداضعف عباد الله الصمد ، محمد رضا بن سلطان محمد غفرذنوبهما وستر عیوبهما» .

۱۰۴۷) محمد رضا سیما

فرزند میرزا ابوالحسن بن میرزا صادق ، ازاجداد میرزا محمد تقی سپهر لسان الملک کاشانی است ودر مکارم الآثاراست که درعهدشاه‌سلطان‌حسین صفوی میزیسته وازاین سلطان بلقب «عضدالدوله» مفتخرشده بوده‌است .

سیما ازحکمت الهی ونظم ونثر فارسی وتازی بهره‌مند بود و در سیاق یگانه بود وخطوط هفت گانه را خوش می‌نوشت .

در فتنهٔ افغان (سال ۱۱۳۵) دراصفهان بقتل رسید .

۱۰۴۸) محمد رضا شیرازی

جز محمدرضای شیرازی ، سلطان الکتاب آتی الذکراست ، ولی زمان اورادرك کرده است . کاتب گمنام خوشنویسی است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه دیوان قطران ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می‌شود : «حسب الاشارهٔ ... محمد باقرخان سرهنگ دام عمره و زید اجلاله ، تحریر نمود . کمترین داعیان دولت ابد مدت ، محمد رضا الشیرازی غفرالله ولوالدیه ۱۲۸۲» درکتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران .

Marfat.com

۱۰۴۹) محمد رضا شیرازی صفا - حاج

ملقب به سلطان الکتاب ومتخلص به صفا واز کاتبان خوشنویس قرن حاضر ودر دربار ناصر الدین شاه وسظفر الدین شاه قاجار سمت لشکرنویسی داشت وبسیاری کتاب بخطاو چاپ شده است ، ازجمله :

اوصاف ناصری ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می‌شود :

« بیمن دولت و اقبال شه بخط صفا

هزار و سیصد و یک شد کتاب شاه تمام

کاتبه کمترین ثناخوان ، زادهٔ دولت جاوید بنیان ، ابن حاجی میرزا حبیب الله متخلص بخاقانی شیرازی الاصل ، حاجی میرزا محمد رضای متخلص بصفا . » ؛

دیوان مجمر ، بقلم کتابت و دو دانگ خوش که پس از نقل یک قصیدهٔ مدیح از خود کاتب چنین تمام می‌شود : « کتبه الحقیر الفقیر محمد رضای متخلص بصفای محلاتی الملقب بسلطان الکتاب ۱۳۱۲ » ؛

مفتاح الرموز مفتاح الملک ، بقلم کتاب جلی خوش ، که چنین تمام میشود :

« تحریر این کتاب ... بید این بنده ... حاجی میرزا محمد رضای متخلص بصفا الملقب بسلطان الکتاب لشکر نویس ابن مرحوم حاجی میرزا حبیب الله متخلص بخاقانی سنه ۱۳۲۰ » ؛

جلد اول نامهٔ دانشوران ، بقلم کتابت و دو دانگ متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « بید احقر الکتاب والحاج قدراً ، ابن حاج میرزا حبیب الله المتخلص بخاقانی شیرازی اصلاً ومحلاتی مسکناً ، میرزا محمد رضا متخلص بصفا اتمام پذیرفت ، فی پانزدهم شهر شعبان المعظم سنهٔ یکهزار ودویست ونودوشش ازهجرت ؛

ازآثار خطی وی یک نسخه ترجمهٔ کتاب آبی است بقلم دو دانگ و کتابت

Marfat.com

خوش ، با رقم : « راقمه عبدالراجی الی ملک الوهاب حاجی محمدرضای متخلص بصفا الملقب بسلطان‌الکتاب» ؛

یک نسخه دیوان حکیم سوری ضیاء لشکر دانش ، بقلم کتابت خوش ، با رقم‌وتاریخ : « کتبه العبد حاجی صفای سلطان‌الکتاب شهرصفرالمظفر سنهٔ ۱۳۲۱ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

۱۰۵۰) محمد رضا کلهر - میرزا

فرزند محمدرحیم بیک ، سردار سوار کلهر کرد ، بسال ۱۲۴۵ متولد گردید ودرآغاز جوانی بمقتضای ایلی وخانوادگی ، بسواری وتیراندازی پرداخته بود واز این رو سردی خوش بنیه وقوی هیکل بارآمده بود .

میرزا رضا پس از گذراندن دوران جوانی ، میل بخط کرد ودر تهران نزد میرزا محمد خوانساری ، شاگرد آقا محمد مهدی طهرانی تعلیم خط گرفت وچون استاد درگذشت بمشق از روی خطوط میرعماد پرداخت ، چنانکه گویند سفری باصفهان رفت ، تاازروی کتیبهٔ معروف میرعماد ، درتکیهٔ میرفندرسکی مشق کند . نیز سفری به‌قزوین رفت تا از روی کتیبه‌یی که درسردر حمامی ، بخط میر است ، تعلیم بگیرد . گویند ازآن دو کتیبه چربه برداشته وپیوسته از روی آن مشق می کرد .

میرزا چون درخط نستعلیق سرآمد وشهرت یافت ، ناصرالدین شاه قاجار ، که بتشویق هنرمندان تمایل داشت ، ویراحضار کرد ونوازش نمود وحتی گاهی نزدوی تعلیم خط گرفت وخواست که اورا دروزارت انطباعات بکار کتابت بگمارد ولی ازآنجا که وی مردی بلند همت وآزاد منش بود ، نپذیرفت ؛ ولی گاهی که اعتماد السلطنه وزیر انطباعات ، امر کتابتی را بوی رجوع میکرد ، می‌پذیرفت و بحق الکتابهٔ آن قانع بود .

Marfat.com

میرزا یک‌نوبت حاضر شد که مرتباً و موظفاً در دستگاه دولتی شغلی داشته باشد ؛ وآن هنگامی بود که ناصرالدین شاه به‌سفر دوم خود بخراسان می‌رفت (یعنی آخرین ماههای زندگی میرزا ، که به هشتم ذی‌الحجة سال ۱۳۱۰ منتهی می‌شد) بشوق زیارت آستان رضوی ، در اردوی همایونی شرکت کرد ودرضمن راه روزنامهٔ وقایع اردوی همایونی را بخط خود می‌نوشت و با وسایلی که همراه‌بود بچاپ‌سنگی نشر می کرد .

در بازگشت از خراسان ، در وبای عام ۱۳۱۰ ، مبتلا شد و روز جمعه ۲۵ محرم‌الحرام‌سال ۱۳۱۱ ، درسنین شصت‌وپنج‌سالگی ، درتهران‌درگذشت ومرحوم حاج شیخ هادی نجم‌آبادی باجمعی ازاصحاب خود ، بکارغسل و کفن‌ودفن میرزا پرداختند و اورا در گورستان چهارراه حسن آباد (که اکنون محل آتش نشانی شهرداری تهران است) بخاك سپردند .

میرزا رضا مردی پاکدامن و هنردوست و نظربلند وخوش‌محضر و بذله گو بود . ازلذایذدنیوی جزبهنرخود ، بچیزدیگر نمی‌پرداخت وهنررا دوست میداشت برای‌نفس هنر وهیچ گونه تظاهری در کارخودنداشت ؛ چنانکه گویند در شبانه‌روز، جز شش‌ساعت که صرف خواب‌وخوراك وعبادت‌می کرد ، بقیه‌را صرف‌مشق واحیاناً تعلیم چند شاگرد محدود میکرد . افسوس که آن همه گوهر گران بها که ازچشمهٔ خامهٔ وی ریخته شده ، همه‌را محو کرده است ؛ چون‌فکر بلندجوی خودرا قانع ندیده و پیوسته بدنبال کمال خط بوده است واگراحیاناً کتابهای چندی که موظفاً برای امرارمعاش ، کتابت کرده وچاپ شده‌است ، نبوداثربسیاری ازهنروی باقی نمی‌ماند .

ازمعروف‌ترین شاگردان میرزا ، میرزا زین‌العابدین شریفی قزوینی ملك‌الخطاطین است .

شرح زندگی میرزامحمدرضارا چنانکه باید بتفصیل شادروان‌استادبزرگوارم

عباس اقبال آشتیانی ومرحوم میرزا عبدالله خان مستوفی برشتهٔ تحریر آورده‌اند که درشمارهٔ هفتم سال اول مجلهٔ یادگار مندرج است که درآن باب بیش دراینجاسخن نمی گویم .

دربارهٔ مقام هنر وسبک وشیوهٔ خط میرزا ، مطالب بسیاری شنیده‌ایم وبعضی غلونموده خط ویرا ازمیرعماد سیفی نیز بالاتر دانسته‌اند !

آنچه مسلم است اینکه میرزا رضا پایهٔ خط نستعلیق را درجایی نهاده ، که پس ازاو ، کسی بآن مقام نرسیده است وقدرت قلم او کمتر کسی از خوشنویسان را دست داده ودرواقع شیوهٔ تازه‌یی درخط نستعلیق آورده که پیش ازوی کسی ، بآن نزدیک نشده است .

نکتهٔ دقیقی درسبک نستعلیق میرزا هست وآن اینکه باقدرتی که درکتابت ومشق داشته وهرحرف مفرد یا حروف مرکبی را یک‌قلم می‌نگاشته ، تمام حرکات قلم درخط او مشخص ومانند اینست که مثلاً در یک حرف «ی» که ازسه حرکت متمایز تشکیل می‌یابد ؛ این سه حرکت ، سه جزء مجزی است ، که بیک دیگر پیوسته گردیده‌است . این شیوه پس ازمیرزا ، بتوسط شاگردانش و پیروانش ، پیروی شد ؛ ولی هیچ یک ، چنانکه باید ، ازعهدهٔ تقلید برنیامدند ، باوجود این شیوه مورد پسند هنرمندان و هنرشناسان واقع شد .

اماحکم این که میرزا رضای کلهر ، ازمیرعماد هم نیکونوشته‌است ، بی مطالعه وبیشتر پیروی از احساسات شخصی پیروان شیوهٔ میرزا وشاگردان بی واسطه وبا واسطهٔ اوست ؛ وگرنه حساب این دو ، بلکه هریک از نستعلیق را ازمیر جدا کرد ، که میر پایهٔ خط نستعلیق را باوج اعلی رسانیده است و چنان نوشته است که تصور کتابت مافوق آن برای هیچ خوشنویسی ممکن نیست ؛ یعنی نکته یی ازلطایف ودقایق خط نمانده است که دربعضی قطعات و کتابت های میر ، نباشد . گویا میرزا رضا نیزخود بهتراز همه کس متوجه این نکته شده‌است که برای استفاده ازیک کتیبهٔ چندسطری

میر ، باصفهان وقزوین رفته وچربهٔ آنها را برداشته و تا آخر عمر سونس خود ساخته وازروی آنها مشق کرده است .

ازآثار هنری خطی میرزارضا ، که رقم صریح داشته باشد ، بسیارمعدود ، در دست است وبواسطهٔ طبع بلند وی اگراحیاناً قطعه یی وسیاه مشقی هم ازو مانده است رقم ندارد ، چنانکه چندقطعه ازاین قبیل درکتابخانهٔ سلطنتی ومجموعه های دیگر ، ازجمله درمجموعهٔ نگارنده است ، که چون فاقد رقم است ازتوصیف آنها خودداری می کنم ، درحالی که ازانتساب آنها بمیرزا ، تردید ندارم .

مهم ترین و نفیس ترین اثر هنری میرزا رضای کلهر که بارقم وتاریخ کامل مشخص است وازانفس نفایس هنر خوشنویسی است ، (جز آنکه با مرکب چاپ نوشته وچاپ سنگی شده است) یک نسخه فیض الدموع درکتابخانهٔ سلطنتی است که آنرا بقلم کتابت ممتاز نوشته است وچنین تمام می‌شود :

« کتاب مبارك فیض الدموع از منشآت مقرب الخاقان بدایع نگار دولت ابد بنیان ، میرزا محمد ابراهیم نواب طهرانی خلف الصدق آقا محمد مهدی نواب طهرانی درید عبد خاطی جانی محمد رضا بن مرحوم محمد رحیم بیک کلهرسمت اختتام یافت . فی شهر رجب سنهٔ ثلث و ثمانین بعد الالف من الهجرة علی هاجرها آلاف التحیة » .

چون میرزارضا خط شکستهٔ نستعلیق را نیز بسیارخوش می‌نوشته وآثارقلمی این خط او نیز کمیاب است ، بذکر یک قطعه ازاین خط او اشارت می کنم وآن یک‌طغری قبض رسید پنج تومان اجرت سفرنامهٔ خراسان است که بقلم دودانگ‌جلی عالی ، بانهایت قدرت نوشته واین قطعه نیز در دست نگارنده است وبسیارش عزیز می‌دارم .

ازآثار خطوط چاپی میرزا رضا ، که بعضی از هنرشناسان ، آنها را از خطوط دست‌نویس بعضی خوشنویسان عزیزتر می‌دارند ، عبارت‌است از :

Marfat.com

قسمتی از روزنامهٔ شرف که در زمان دولت ناصرالدین شاه منتشر می‌شده است؛

روزنامه های اردوی همایونی ، که ذکر آن گذشت ؛

سفرنامهٔ دوم ناصرالدین شاه بخراسان ؛

فیض الدموع ، که بقطع و قلم نسخهٔ خطی مذکور (در کتابخانهٔ سلطنتی) نوشته وچاپ شده است و در مقدمهٔ آن دارد : « ... در عهد دولت ... ناصرالدین شاه ... کتاب مستطاب فیض الدموع ... از املاء طبع و انشاء خاطر ... میرزا محمدابراهیم نواب طهرانی ... درسال یکهزار ودویست و هشتاد و شش هجری ، در دارالخلافهٔ طهران ... بخط احقر عباد محمد رضای کلهر مرقوم و به زینت طبع درآمد ... » .

مخزن الانشاء که بسال ۱۲۸۵ بچاپ رسیده ومشتمل بخطوط نستعلیق کتابت جلی وخفی وشکسته نستعلیق است ؛

منتخب السلطان ، (اشعاری از حافظ و سعدی که ناصرالدین شاه انتخاب کرده است) ؛

رسالهٔ غدیریه ؛

قسمتی ازسفرنامهٔ کربلای ناصرالدین شاه ؛

نصایح الملوك ومناجات خواجه عبدالله انصاری ؛

قسمتی ازیک چاپ کلیات قاآنی .

۱۰۵۱) محمد رضا کوزه کنانی

بنقل آقای سلطان القرائی ازخوشنویسان قرن سیزدهم است که خطوط شش گانه ، علی الخصوص نستعلیق ونسخ رابسیارخوب می نوشت . ازخطوطوی قطعه ای است شامل خطوط سته و نستعلیق خوش ، بارقم وتاریخ : «حرره العبد الاقل الاثم الجانی محمد رضا کوزه کنانی ، سنهٔ ۱۲۲۵ من الهجرة» .

Marfat.com

۱۰۵۳) محمد رضا لاهیجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از خوشنویسان درگذشتهٔ عهد خود دانسته گوید مستوفی لاهیجان و فرزند میرزا عبدالکریم بود و خوب می‌نوشت.

۱۰۵۲) محمد رضا بن محمد سعید

خوشنویس نسخ قرن دوازدهم است که نستعلیق را نیز خوش می‌نوشته واز خطوط نستعلیق وی سطوریست که درضمن جزوهٔ سوره‌های قرآن وادعیهٔ متعلق بکتابخانهٔ سلطنتی آمده است، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد الاقل حاجی محمدرضا بن حاجی محمد سعید، عفی‌عن جرائمهم، فی سنهٔ ۱۱۳۰ و سنهٔ ۱۱۳۳».

۱۰۵۴) محمدرضابن محمد مهدی

از خوشنویسان گم نام و بخط وی دو قطعه ازمرقعی در کتابخانهٔ سلطنتی است، بقلم چهاردانگ وسه‌دانگ خوش، بارقم: «حرره محمدرضابن محمدمهدی غفرلهما».

۱۰۵۵) محمد رضا مشهدی

معروف به «چرخ تاب» بقول صاحب گلستان هنر شاگرد سیداحمدمشهدی واز کاتبان مقرر خراسان است که به یزد افتاد ودرهمانجا ساکن شد.

سال وفاتش را سپهر ۹۹۲ ضبط کرده است.

بخط وی دیده‌ام:

یک قطعه، ازمرقع شاه اسمعیل، بقلم دودانگ وکتابت خوش، با رقم:

«کتبه العبد المذنب محمدرضا المشهدی غفرالله ذنوبه و ستر عیوبه» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف، استانبول.

۱۰۵۶) محمد رضا منشی

ازخوشنویسان نستعلیق و شکستهٔ قرن حاضر وظاهراً از کاتبان دربار مظفرالدین شاه قاجار بود.

بخطوی یک نسخه ادعیه، بقلم نستعلیق کتابت جلی خوش وشکسته کتابت خفی است، بارقم وتاریخ: «حسب الامر... ولیعهد... محمدرضامنشی سرکاری تحریر کرد. شهر ذی القعدة الحرام سنهٔ ۱۳۰۹» در کتابخانهٔ سلطنتی.

۱۰۵۷) محمدرضا نیاز شیرازی

فرزند ارشد محمد هاشم درویش بود ودرشیراز تربیت یافت. چند سالی در زمرهٔ اهل قلم، دردیوان حسنعلی میرزا فرمانفرما بود. سرانجام ازملازمت استعفا کرد و بشیوهٔ پدران خود بدرویشی گرائید.

شعرمی گفت و «نیاز» تخلص میکرد ودرانشاء دست داشت ونستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت.

هنگام تألیف تذکرهٔ اختر (حدود سال ۱۲۳۰) درسنین جوانی میزیست.

محمد رضی تبریزی = رضی تبریزی

۱۰۵۸) محمد رفعت

از کتیبه نگاران عثمانی است وبخط وی یک لوحه شعرترکی درمزار مولانا جلال الدین، درقونیه است که بقلم نستعلیق شش دانگ متوسط نوشته است بارقم وتاریخ: «کتبه الفقیر محمدرفعت ۱۲۶۳».

Marfat.com

۱۰۵۹) محمد رفیع

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید، ولد منشی الممالک است. خوشنویس بسیار خوبی است، در خفی وجلی هردو تسلط دارد؛ کمالات دیگرش انشاء وشعر فارسی وترکی است.

۱۰۶۰) محمد رفیع

از کاتبان قرن یازدهم هندوستان وبخط وی یک نسخه مثنوی واله وسلطان ازشمس الدین عباسی دهلوی است، که آن را برای علی قلی خان واله استکتاب کرده است. این نسخه بقلم نیم دودانگ متوسط است وچنین تمام می شود: «تمت مثنوی المسمی بواله وسلطان، بخط کمترین بنده ها محمد رفیع... احمد شاه پادشاه غازی خلدالله ملکه وسلطانه باتمام رسید... فی سنه ۱۱۶۱ من الهجرة...»

این کتاب نسخهٔ دوم این مثنوی ومتعلق است بآقای رکن الدین همایونفرخ ونسخهٔ اول آن، در ترجمهٔ محمدرضا توصیف شد. در صفحات بدرقهٔ این نسخه نیز اشعار ویادداشتهائی بخط ناظم مثنوی ووالله، باسجع مهر آنها هست.

۱۰۶۱) محمد رفیع افندی

ازمردم استانبول واز نستعلیق نویسان عثمانی است. معروف به کاتب زاده وشاگرد قاضی عسکر عارف افندی بود که بعدها خط را نزد طورسش زاده تکمیل کرد. ازآثاروی جزقطعات وسرقعات که میرزا حبیب دیده است، بعضی از کتیبه های ابنیهٔ استانبول است.

بسال ۱۱۸۳ درگذشت.

Marfat.com

۱۰۶۲) محمد زاهد

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم بود و بخط وی دیده‌ام :

قطعه یی، بقلم دودانگ خوش، با رقم: «دعا گوی قدیم الخدمة محمد زاهد» در کتابخانهٔ سرکاری، رامپور؛

قطعه یی از مرقع، بقلم دودانگ خوش، با رقم : « کتبه الفقیر محمد زاهد غفرله» در مجموعهٔ آقای مجید موقر، تهران.

۱۰۶۳) محمد زکی استانبولی - حاج

سپهر گوید که از نستعلیق نویسان عثمانی است و از سه استاد، یعنی، صدرالدین بیک و علی حیدر بیک و میرزا سنگلاخ تعلیم گرفته و بسال ۱۲۶۱ درگذشته است.

۱۰۶۴) محمد زمان اصفهانی

از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم و بخطوی یک نسخه دیوان رضی الدین نیشابوری، در کتابخانهٔ آقای سعید نفیسی است، بقلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ : «تمت الکتاب بحمدالله وحسن توفیقه علی ید اقل عبادالله، ابن حسن، محمد زمان کاتب الاصفهانی، فی یوم الثلثا شهر جمادی الاول سنهٔ ۱۰۰۱ مرقوم شد».

۱۰۶۵) محمد زمان بیک

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را از شاگردان مشغول مشق خود دانسته، گوید خوب می نویسد.

Marfat.com

۱۰٦٦) محمد زمان تبریزی

اصلاً کرمانی بود ، ولی در تبریز نشوونما یافته و باین نسبت معروف شده است . صاحب گلستان هنر گوید که هم کاتب بود وهم قطعه نویس وخطش نازك وباسزه . وفاتش را سپهر سال ۹۹٤ ضبط کرده است .

بخط وی موجود است :

یکٔ قطعه ازسرقعی ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، با رقم : «مشقه محمد زمان التبریزی غفرذنوبه» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

قطعهٔ دیگر ، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت گلزار عالی بارقم : «سوده محمد زمان» درهمان کتابخانه .

۱٦۰۷) محمد زمان خاتون آبادی

از کاتبان خوشنویس قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه مجمع الخواص و مجالس النفایس ، در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار است ، بقلم کتابت خوش ، با تاریخ و رقم : « قد وقع الفراغ من تحریر هذا الکتاب فی یوم الاحد سادس عشر ذی حجة الحرام من شهور سنة ثلاثین بعدالالف هجری نبوی . کاتبه محمدزمان بن حسین خاتون آبادی» .

محمدزمان کرمانی = محمدزمان تبریزی

۱۰٦۸) محمد ساوجی - میرزا

از خاندان میرزا ابوالفضل ساوجی ودرزمرهٔ دانشمندان عصر بود ودر نظم ونثرفارسی دست داشت ونستعلیق را خوش وبامزه می نوشت . بسال ۱۳۰۱ درتهران درگذشت وجنازه اش بقم منتقل شد .

ازخطوط وی دیده ام :

Marfat.com

ترجمهٔ فارسی یک نسخه صحیفهٔ سجادیه (که اصل آن بخط نسخ زین العابدین اشرف الکتاب است) بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می‌شود : «ترجمهٔ این صحیفهٔ کاملهٔ شریفهٔ سجادیه که بقلم معجز رقم استاد کل آقا زین العابدین اصفهانی است ، حسب الاشارهٔ ... مقرب الحضرة السلطان و معتمد الخاقان جناب میرزا نصرالله مستوفی خاصهٔ حضور مبارک بتحریر این حقیر بانجام رسید . وانا العبد الراجی محمد الساوجی سنه ۱۲۷۸» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « الحقیر محمد الساوجی غفرله ۱۲۸۲» در مجموعهٔ نگارنده .

محمد ساوجی = ابوالفضل ساوجی

۱۰۶۹) محمد سبحان

از نستعلیق نویسان حدود قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی یک قطعه بقلم دو دانگ و کتابت جلی خوش متوسط ، در موزهٔ باستان‌شناسی دهلی است ، با رقم : «محمد سبحان تحریر نمود» .

۱۰۷۰) محمد سبزواری

در عالم‌آرای عباسی است که مردی بذله گو وخوش محضر بود . در نقاشی و یکه صورت سازی استاد بود و او اول کسی است که صورت فرنگی را در نقاشی ایرانی متداول کرد . نستعلیق را خوش می‌نوشت و قطعات خطوط استادان را طوری ماهرانه تقلید و نقل میکرد ، که تشخیص آنها از اصل بسیار دشوار بود . در سبزوار ملازم سلطان ابراهیم میرزا صفوی شد و با او بعراق آمد . در زمان دولت شاه اسمعیل ثانی در کتابخانه جای گیر گردید و پس از مرگ شاه اسمعیل ، بخراسان بازگشت و بخدمت شاه عباس درآمد و در کتابت و عمارت نو دولت خانه کار میکرد ،

تا در گذشت.

(به ترجمهٔ محمد سبزواری آتی الذکر نیز مراجعه شود).

۱۰۷۱) محمد سبزواری

سپهر و میرزا سنگلاخ نام وی را آورده‌اند و اگر همان محمدسبزواری سابق‌الذکر نباشد، بقول اینان ملقب به غیاث‌الدین و شاگرد سید احمد مشهدی است واز خط نستعلیق ونسخ هردو بهره داشت وبسال ۹۸۰ درگذشت.

قطعه یی ازمرقع مالک دیلمی، در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است، که قطعهٔ معروف میرعلی هروی (عمری ازمشق دوتا بود قدم هم‌چون چنگ...) را بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش، بمرکب الوان نوشته شده‌است وچنین رقم دارد: «... فقیرشیخ محمدبن شیخ کمال‌سبزواری غفرذنوبهما وسترعیوبهما ۹۷۶» که یاخط همین محمد سبزواری یاخوشنویس هم‌نام اوست.

۱۰۷۲) محمد سروستانی

بقول صاحب مناقب هنروران شاگرد سلطان‌علی مشهدی وازخواص ندیمان شاه طهماسب بود ونستعلیق را خوش می‌نوشت.

۱۰۷۳) محمد سعدالدین - حافظ

در روزروشن است که ازمردم لکنهو وفرزند حافظ محمدابراهیم بود. شعر می‌گفت ونسخ و نستعلیق را خوش می‌نوشت.

۱۰۷٤) محمد سعدالله افندی

میرزا سنگلاخ وسپهر گویند که معروف به‌عرب‌زاده وازمردم استانبول بود

Marfat.com

واز محمد یساری تعلیم خط گرفت وبسال ۱۲۵۷ درگذشت .

۱۰۷۵) محمد سعید ـ سید

میرزا حبیب گوید که داماد سید فیض‌الله افندی و دختر زادهٔ سید محمد دده بود و باین مناسبت دده‌زاده معروف شده‌است .

خط نستعلیق را از کاتب محمد رفیع تعلیم گرفته واز وی اجازه یافته‌است . نیز نزد کرد اسمعیل‌زاده تلمذ کرده است . بزبان و ادبیات ترکی و فارسی و عربی آشنا بود . مستمری کلان داشت و در رفاه میزیست . بسال ۱۱۷۳ درگذشت و در مقابل زاویهٔ امیربخاری بخاك سپرده شد .

۱۰۷۶) محمد سعید ـ سید

میرزا حبیب بار دیگر این نام را در تذکرهٔ خود آورده است و گوید که ، اوهم از نستعلیق نویسان عثمانی و معروف به خواجه زاده حسن است . نستعلیق را ازشیخ الاسلام ولی‌الدین افندی آموخت و بعد نزد کاتب زاده محمد رفیع ، خط را تکمیل کرد .

۱۰۷۷) محمد سعید اشرف

فرزند محمد صالح مازندرانی و دختر زادهٔ محمد تقی مجلسی است . ترجمهٔ احوالش را میر غلام علی آزاد و محمد علی حزین و هفت قلمی و تربیت آورده‌اند و دانشمند معاصر آقای احمد گلچین معانی ، مقالهٔ مشروح ممتع کاملی در نامهٔ آستان قدس دربارهٔ اشرف انشاء کرده‌اند که خلاصهٔ مطالب آنرا اینجا نقل می کنم :

« اشرف مازندرانی . . . دراصفهان نشوونما یافته ، ازمحضر پدرخود ومیرزا قاضی وآقاحسین خوانساری استفادهٔ علوم کرده ، درشعرشاگرد مولانا صائب تبریزی

Marfat.com

ودرخط شاگرد عبدالرشید دیلمی خواهرزادهٔ میرعمادسیفی حسنی قزوینی بوده‌است ولی درهنر نقاشی استاد اوشناخته نیامد.

اشرف دربارهٔ هنر خوشنویسی و نقاشی خویش اشعار فخرآمیزی دارد که ازآن جمله است این دورباعی:

اشرف تو کمیت نکته رانی رانی　　اسرار رموز جاودانی دانی
هرچند که مانند نداری در خط　　در شیوهٔ تصویر بمانی مانی

و دیگر

گاهی چون خط سخن زمعنی گویم　　گه چون قلم سو، ره صورت پویم
گر زانکه شبیه خلق تصویر کنم　　زین راه تشبّهی بمبدأ جویم

... درسال هزارو هفتاد هجری، براثر مفارقت فرزند وجد [مجلسی] دیگر دراصفهان تاب مقاومت نیاورد و پای ثباتش سستی گرفت. لذا همسر جوان خود مسماة مریم را با پسر دوساله‌اش محمد امین دراصفهان گذاشت و خود بعزم سفر هندوستان جریده راه خراسان درپیش گرفت... درهندوستان بدربار اورنگ زیب عالم گیر پادشاه باریافت و در پرتو صلاح وسداد و فضل و رشاد به‌تعلیم و تربیت دختر کلان‌وی زیب‌النساء بیگم که درشعر مخفی تخلص میکرد، گماشته شد..

با اینکه اشرف در هندوستان با عزّ و شرف بسر می‌برد وازاکرام وانعام زیب‌النساء بیگم زیاده ازحد بهره‌مند بود... همچنان روی‌دل در وطن داشت.. پس از یازده سال اقامت درهند، طی قصیده‌ای ازشاهزاده خانم رخصت مراجعت به‌ایران می‌طلبد... بالاخره رخصت‌بازگشت بوطن حاصل کرد... درآغازفصل زمستان به‌خراسان‌رسید... تاریخ این‌سفر بضبط تذکره‌نویسان سنهٔ هزاروهشتاد وسه هجری است و میرغلامعلی آزاد بلگرامی درتذکرهٔ سروآزاد می‌نویسد: ... و درسنهٔ ثلث و ثمانین و الف معاودت نمود، و کرّت دیگر قاید روزگار زمام او را بجانب هند کشید... و باخانوادهٔ خود این بار بهندوستان‌رفت... ودرعظیم‌آباد

Marfat.com

پتنه با شهزادهٔ عظیم‌الشأن بن شاه عالم بن خلد مکان [اورنگ زیب] که در آخر عهد جد خود بنظم آن صوبه می‌پرداخت ، بسر می‌برد . . . ملا در پایان عمر ارادهٔ بیت‌الله کرد و خواست که از راه بنگاله در جهاز نشسته عازم مقصود شود ، اما در شهر مونگیر . . . اجل درسید واورا بعالم دیگر رسانید . قبر ملا درآنجا مشهوراست شیخ محمد علی حزین . . . تاریخ فوت اشرف را سال ۱۱۱٦ ثبت کرده است . . . »

آقای گلچین یک نسخه ازدیوان اشرف را در کتابخانهٔ آستان‌قدس بخط خود اشرف نشان داده ونمونهٔ آنرا یک صفحه چاپ عکس کرده‌اند که بقلم کتابت خوش نوشته شده است .

در یکی از مرقعهای کتابخانهٔ سلطنتی ، قطعه ایست بقلم سه دانگ خوش ، بارقم : «بندهٔ شاه دین پناه اشرف ، در دارالسلطنهٔ اصفهان مرقوم شد» که ممکن است ازو باشد .

اشرف بامرزیب النسا بیگم قطعه شعری دررثاء وتاریخ وفات صایب ورشیدا سروده که درضمن ترجمهٔ رشیدا نقل گردیده است .

۱۰۷۸) محمد سعید لاهیجانی

معروف به «سعیدای گیلانی» است . نصرآبادی در تذکرهٔ خود گوید که ، سعیدا فرزند علی لاهیجانی واز خاندان بازرگانان ومتمکن بود ؛ ولی وقتی حریقی درلاهیجان افتاد وخان‌ومان وی بسوخت .

هم‌او گوید که درفن نقاشی وطراحی طلاونقره دست دارد وطبعش درترتیب نظم خالی ازلطف نیست .

در مآثرالامراء آمده است که شعر را خوب می گفت ودرزمان دولت جهانگیر پادشاه (۱۰۱۲-۱۰۳۷) بهندوستان رفت وجزو شعرای درباری قرار گرفت ودرعهد شاه‌جهان بواسطهٔ کاردانی بخطاب «بی بدل خان» ممتازشد ومدتی داروغهٔ زرگرخانه

Marfat.com

شد وسریرمرصعی که موسوم به تخت طاوس است ، با هتمام او با تمام رسید . (کیفیت این تخت واسرد خالت سعیدا را درساخت آن ، در کتاب «پانصدسال تاریخ جواهرات سلطنتی ایران» بشرح آورده‌ام) .

سعیدا در دربار جهانگیر بسیار معزز بود . جهانگیر درتزوك خود آورده‌است که : « . . . روز شنبهٔ چهاردهم شهریور ۱۰۳۷ بصلهٔ این قصیده حکم فرمودم که سعیدا را بزروزن کنند . مطلع قصیده اینست :

ای نه فلک نمونه یی از آستان تـو
دوران پیر گشته جوان در زمان تـو »

صاحب مآثرالامرا گوید که سعیدا یکصدوسی وچهار بیت گفته‌است که هر مصراع آن مادهٔ تاریخ تولد شاه‌جهان ، یا بازگشت او از کشمیر به آگره ، یا جلوس او بر تخت طاوس است ، و آقای حاج حسین آقا نخجوانی این مطلب را مفصل ضمن مقاله یی درنشریهٔ دانشکدهٔ ادبیات تبریز (شمارهٔ ٤ ـ سال ۹) آورده است .

صاحب تذکرهٔ شمع انجمن ، که سعیدا را بمهارت درحکاکی و خوشنویسی ستوده‌است ، بسهو ، اورا بجای «بی بدل خان» ، «بیدل خان» مخاطب دانسته‌است .

زندگیش تا سال ۱۰٤۷ که ماده تاریخ بنای مسجدی را درقطعه شعری آورده است ، معلوم است وتاریخ درگذشت او معین نیست .

۱۰۷۹) محمد سعید لاهیجانی

در تذکرهٔ روز روشن آمده است که فرزند خواجه علی بود و در عهد شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) تجارت می کرد وشعرمی گفت وخوش می نوشت .

ازخطوط محمد سعید لاهیجانی دو کتاب موجود است باین شرح :

یک نسخه مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « حسب الاشارهٔ . . . زینت بخش مسند وزارت . . . میرزا

Marfat.com

محمد هاشما وزیر گیلان . . . فقیر حقیر محمد سعید لاهیجانی . . . که . . . در سلک ملازمان . . . انتظام دارد . . . بتاریخ روز سه‌شنبهٔ بیست‌وهشتم شهر ربیع الاول من شهور سنهٔ ۱۰۸۲ اثنی و ثمانین والف من الهجرة ، ازاستنساخ این کتاب مستطاب که بعنایت الله رتبهٔ انخراط در کتابخانهٔ سرکار عالی یابد ، فارغ گردید . » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه جوامع الحکایات عوفی ، بقلم نیم دو دانگ متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمام شد قسم چهارم از کتاب . . . حسب الاشارهٔ . . . آصف روشن‌ضمیر . . . میرزا آقا بیکا وزیر جلیل القدر گیلان . . . کمترین داعیان آن خلف دودمان حکومت واحسان محمد سعید اللاهجانی . . . بفراغ بال ورفاه‌حال بکتابت سرکار و دعای موجبات دولت و اقتدار آن رفیع المقدار اشتغال دارد ، به انتساخ این کتاب اقدام نمود . بعبارت الهی و یمن اعطاف نواب آصف جاهی . بتاریخ روز دوشنبهٔ هجدهم شهر محرم الحرام سنهٔ خمس وسبعین والف هجری ، باتمام واختتام رسانید والسلام» در همان کتابخانه .

که معلوم است کاتب این دو کتاب جز سعیدای گیلانی سابق الذکر و تاریخ زندگیش مؤخر بر اوست ؛ ولی صاحب تذکرهٔ روز روشن شرح احوال آن دو را خلط کرده است ، یعنی نام پدر و شغل نخستین او که تجارت بوده باین یک داده است .

۱۰۸۰) محمد سعید هروی

از کاتبان دربار قطب شاه هندی و بخط وی یک نسخهٔ ثمانیهٔ امیر خسرو دهلوی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمام شد ثمانیهٔ خسرو دهلوی برسم خزانهٔ . . . اعلیحضرت قطب‌شاهی . . . بدست کمترین بندگان درگاه خسروی ، محمد سعید بن مسعود الهروی ، درسال نهصد و هفتاد ودو از هجرت نبوی» .

۱۰۸۱) محمد سلیمان شکوه

بزرگترین فرزند دارا شکوه بن شاه جهان پادشاه هندوستان بود واو نیز مانند پدرخود ، نستعلیق را خوش می‌نوشت . بخط وی موجود است :

یک قطعه ، بقلم دو دانگ و کتابت متوسط ، با رقم : « راقمه میرزا محمد سلیمان شکوه بهادر» ، درموزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی .

۱۰۸۲) محمد سمرقندی - میر

درمناقب هنروران است که ازشاگردان میر علی هروی و هم مشق میر محمد معصوم بود . میر محمد قطعه‌نویس و محمد معصوم کاتب خوب بود .

بخط وی قطعه‌یی درسرقعی از کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش ، بارقم : «اقل العباد میرمحمد سمرقندی» .

۱۰۸۳) محمد سمرقندی - ملا

نصرآبادی گوید که فرزند ملا محمد زاهد است . شعر می گفت و « عابد » تخلص می کرد وهفت قلم را خوش می‌نوشت .

۱۰۸٤) محمد سوزی

از نستعلیق نویسان قرن حاضر عثمانی و بخط وی دولوحه برمزار مولانا جلال الدین بلخی درقونیه است ، بقلم شش دانگ جلی گلزار متوسط ، با رقم و تاریخهای : «عبده محمد سوزی ۱۳۲۷ و ۱۳۳۲» .

Marfat.com

۱۰۸۵) محمد سیمی نیشابوری

فرزند علی نیشابوری ، درمشهد سکونت داشت و مکتب داری می کرد . بزرگان شهر مجلس درس او را فرخنده می دانستند و فرزندان خود را نزد وی میفرستادند و گویند که هر که نزد وی تعلیم گرفت و درس خواند ، در هنر و دانش ، پیش رفت و بمرتبهٔ عالی رسید و از جملهٔ شاگردان وی ، نام عبدالحی منشی استرابادی از استادان مترسلین و خوشنویسان را آورده اند .

صاحب مناقب هنروران ، اورا جزو کاتبان دربار بایسنغرمیرزا آورده است و هم او و دولتشاه سمرقندی گوید که مردی ذوفنون بوده است و هفت قلم را خوش می نوشته و شعر پاکیزه می گفته است . در سرعت قلم بی نظیر بوده است . در معماری و رنگ آمیزی و سر کب سازی و افشان گری و تذهیب و وصالی و رنگ کاری کاغذ سر رشته داشته و در بعض این هنرها و ترسل ، رسالاتی تألیف کرده و معمیات او متداول است .

دربارهٔ سرعت کتابت و قوت نظم و نفس وی آورده اند که درعهد علاءالدوله فرزند بایسنغر میرزا ، در یک شبانه روز ، دویاسه هزار بیت بنظم آورد و خود کتابت کرد ، درحالی که درمعرکه یی نشسته بود که دهل ونقاره می نواختند و خواص وعوام مشهد جمع بودند و او نه طعام خورد و نه خواب کرد و نه از جای برخاست . پس ازاین هنرنمائی بود که این بیت را سجع مهر خود ساخت :

یک روز بعهد شاه پاکیزه سرشت

سیمی دو هزار بیت گفت و بنوشت

این قصه را صاحب مرآة العالم و ریحان نستعلیق درعهد دولت علاءالدوله وبسال ۸۲۵ نقل کرده اند ، درصورتیکه علاءالدوله درمیان سالهای ۸۰۳ و ۸۶۳ حکومت رانده است و اگر سال ۸۲۵ درست باشد ، باید درعهد بایسنغرمیرزا باشد ، نه فرزندش .

Marfat.com

در مرآة العالم آمده است که سیمی یک روز از صبح تا شام در حضور جمع ، یکصد و بیست مکتوب که هر یک ده سطر بود نوشت ، چنانکه ارباب انشاء و بلاغت واستادان خط ، بروی آفرین کردند .

سیمی ، از اعجوبه های روزگار بوده است و همان کس را که گفته اند در یک شبانروز نه خورد ونه خوابید ونه از جای برخاست ، نیز گفته اند که بسیار خوار بود (و از پرخوری وی قصه یی نقل کرده اند که متواتر و اینست :)

نوبتی دو کس از ظرفا گرو بستند که سیمی هشت من خرما بوزن خراسان تواند خورد یا نه . خرما نزد سیمی بردند . سیمی چون موجب آمدن عزیزان را معلوم کرد ، گفت خرما را نزد یکتر آرید ودست از زیر بالا پوش برآورده بخوردن و گفت و گو با ایشان شروع کرد . چون زمانی گذشت ، پرسید که یاران ، شما خرما را با استخوان شرط کرده بودید ، یا بی استخوان ؟ - چون گفتند که خرما را کسی با استخوان نمیخورد گفت که ، من باری همه را با استخوان خوردم ، تا میان شما بهیچ وجه نزاع نماند .

از آثار خطی سیمی ، چیزی ندیده ام ؛ ولی یک نسخه دیوان لطف الله نیشابوری در کتابخانهٔ تهران است وبا اینکه رقم ندارد ، در مقدمه دارد[1] :

۱۰۸۶) محمد شاه دارابی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم وبخطوی یک نسخه خمسهٔ امیر خسرو دهلوی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می شود : «تمام شد کتاب خمسهٔ امیر خسرو دهلوی رحمة الله علیه ، فی تاریخ غرهٔ شهر ذی حجة الحرام سنهٔ ۱۰۵۲ . کتبه الفقیر الحقیر محمد شاه دارابی» .

محمد شاه شجاع = شاه شجاع

۱۰۸۷) محمد شاه قاجار

فرزند عباس میرزا ابن فتح علی شاه قاجار است که بسال ۱۲۲۲ در تبریز

---

(۱) مرحوم دکتر بیانی مقدمه را ننوشته اند . باید به اصل کتاب رجوع شود .

Marfat.com

متولد شد و بسال ۱۲۴۹ بولایت عهد ایران رسید و بسال ۱۲۵۰ پس از مرگ فتح علی شاه تا سال ۱۲۶۴ سلطنت کرد و درگذشت.

لسان‌الملک سپهر در ناسخ التواریخ دارد: «در لغات عرب و صنعت اهل ادب و تفسیر کلام‌الله مجید و حفظ اشعار طرفه و لبید، هنری بکمال داشت و خط نستعلیق را نیکو نگاشت. در پیشهٔ نقاشان و فن حساب‌دانان و مهندسان، از تمامت باریافتگان درگاه و چاکران پیشگان رتبت برتری داشت.» و واقعاً وی را در نستعلیق و شکسته‌نستعلیق، میتوان جزو خوشنویسان آورد و گواه این مدعا آثار وی است که می‌توان دید:

یک مرقع مشتمل بر ۳۳ رقعه، بقلم سه دانگ و دو دانگ خوش، با رقمها و تاریخهائی ازجمله: «در ۱۵ شعبان سنهٔ ۱۲۶۰ برای حکیم در نیاوران نوشتم» و «در بالاخانهٔ نیاوران سنهٔ ۱۶۶۰ برای حکیم تحریر شد» و «در بالاخانهٔ عباس‌آباد، هیجدهم جمادی‌الثانی سنهٔ ۱۲۶۰» و «میرزا نظرعلی حکیم، مرا در اصفهان خیلی خوش حال ساخت، محرم سنهٔ ۱۲۵۷» و «برای انسان کامل، حکیم نوشتم، در محرم سنهٔ ۱۲۵۴» و «در بالاخانهٔ عباس آباد، بجهت حکیم می‌نویسم، ۱۶ ربیع‌الاول سنهٔ ۱۲۵۹» و همچنین، همه برای حکیم میرزا محمدنظر علی و تاریخها بین ۱۲۵۱ و ۱۲۶۱؛

یک قطعه سیاه مشق، نستعلیق دو دانگ خوش، در کتابخانهٔ ملی، تهران؛

یک قطعه سیاه مشق، نستعلیق دو دانگ خوش در مجموعهٔ نگارنده.

و نیز چندین مکتوب بخط شکسته‌نستعلیق خوش، که شرح آنها در جای خود خواهد آمد و این قطعات هیچ یک رقم ندارد؛ ولی همهٔ آنها تذهیب شده و در بالای هر قطعه نام محمد شاه قاجار با عناوین نوشته و تذهیب شده است و در پشت یکی از آنها، این مطالب نوشته شده است: «این مشق خط محمد شاه قاجار است. در سنهٔ

Marfat.com

هزار و دویست و چهل که حاکم همدان . . . [چند کلمه محو شده است] شبی این مشق را فرمودند و بنده بجهت یادگاری نگاه داشت» .

۱۰۸۸) محمد شاه گورکانی

پادشاه هندوستان که از سال ۱۱۳۱ تا سال ۱۱۶۱ در هند سلطنت کرد و هنگامی که نادرشاه بهند قشون کشید ، وی در آن سرزمین پادشاه بود .

از خطوط وی موجود است :

دوقطعه بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، با رقم : « کتبه محمد بهادرشاه» و «پادشاه غازی خلدالله ملکه وسلطانه» ، در موزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی .

۱۰۸۹) محمد شرفی یزدی

ازخوشنویسان گمنام قرن نهم که جز نستعلیق ، باقلام اصول نیز آشنا بوده است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه صد کلمهٔ حضرت علی بن ابی‌طالب با ترجمهٔ فارسی آن ، که متن بقلم ثلث خوش وترجمه بقلم نستعلیق کتابت متوسط است ، بارقم وتاریخ : « کتبه محمدبن نظام الشرفی الیزدی ، فی‌سنهٔ ۸۸۱» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول .

۱۰۹۰) محمد شریف

صاحب مناقب هنروران گوید که ، باخلاق حسنه متصف و در نستعلیق شاگرد محمد حسین تبریزی بود .

صاحب گلستان هنر گوید که ، از بزرگ زادگان اعراب نمیری است . با فضیلت بود ونستعلیق جلی وخفی را خوش می‌نوشت وحکاکی خوب می کرد . در سپاهی گری وشجاعت صاحب میراث بود .

Marfat.com

۱۰۹۱) محمد شریف

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است که ظاهراً در هندوستان میزیسته است وقطعاتی بارقم محمد شریف مطلق دیده‌ام ، باین قرار :

دوقطعه ، بقلم سه‌دانگ خوش ، بارقم : «مشقه محمد شریف سنه ۱۰۵۸» و «مشقه المذنب محمد شریف غفرذنوبه وسترعیوبه» در کتابخانهٔ ملی و کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

۷ قطعه ازسرقعی ، بقلمهای چهاروسه ودودانگ خوش ، بارقم و تاریخ : «کتبه المذنب محمدشریف غفرله» و «شریف» و «الحقیرمحمد شریف» و «المذنب الحقیرمحمدشریف غفرذنوبه وسترعیوبه ، فی شهورسنه ۱۰۳۹» در کتابخانهٔ بادلیان، انگلستان .

۱۰۹۲) محمد شریف تجرید

مردی فاضل وستوده اخلاق بود . از کدخدایان اصفهان وبه تحصیل علوم و کتابت مشغول بود . نستعلیق را خوش می نوشت وزندگی را باوجه کتابت صحایف میگذرانید . شعرمیگفت و «تجرید» تخلص می کرد . هنگام تألیف تذکرهٔ نصرآبادی (حدود سال ۱۱۰۰) درقید حیات بود وظاهراً ازمحمد شریف که ترجمهٔ آن گذشت مؤخر میزیسته است .

۱۰۹۳) محمد شریف کاتب السلطان - میر

خواهرزادهٔ میر عبدالله خوشنویس بود و ازشاه جهان پادشاه هندوستان (۱۰۶۸-۱۰۳۷) خطاب کاتب السلطان یافته بود .

صاحب مرآة العالم گوید که میرعبدالله وی را بجای فرزند تربیت کرده بود وهنگام مرگ وی را جانشین خود کرد .

Marfat.com

۱۰۹٤) محمد شریف هروی

از خوشنویسان قرن یازدهم است ونتوانستم آنرا بایکی از محمدشریفهای سابق الذکر تطبیق کنم وبا این رقم دیده‌ام :

سه قطعه درسرقعهای مختلف ، بقلمهای سه ودو ونیم دودانگ وکتابت خوش بـا رقمهای : « کتبه محمد شریف الهروی » و « کتبه العبد المذنب محمد شریف الکاتب » و «مشق العبد الضعیف محمد شریف» درکتابخانهٔ خزینهٔاوقاف، استانبول .

۱۰۹۵) محمد شفیع ارسنجانی

فرزند علی‌عسکر ارسنجانی نسخ نویس معروف قرن گذشته است واین یک درهفت‌قلم استادبود وازآثاروی دیده‌ام :

یک‌نسخه قرآن ، بقلم‌نسخ ورقاع وخواص آیات بقلم نستعلیق کتابت‌عالی بارقم‌وتاریخ : « ... علی‌یدالاقل الاحقرالفانی محمدشفیع بن علی‌عسکرالارسنجانی صورت اتمام پذیرفت ، فی‌شهر ذی‌القعده سنه ۱۲۹۱ احدی و تسعین ومائتین بعد الالف» درکتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک‌قطعه ، بخط نسخ وشکسته ونستعلیق کتابت خوش ، با رقم : « العبد الآثم الاقل المحتاج محمد شفیع » درکتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد؛

یک‌قطعه ، بخط‌ثلث ونسخ ورقاع وتعلیق وشکسته ونستعلیق نیم‌دودانگ خوش ، با تاریخ ورقم : «مشقه فی شهر ذی‌القعدة الحرام من سنة احدی و ثلثمائة بعدالالف من الهجرة النبویة ، علی هاجرها الف‌التحیة ، العبد محمد شفیع بن علی عسکر» درمجموعهٔ نگارنده .

۱۰۹۶) محمد ششنقی

از قدیم ترین کاتبان خط نستعلیق و بخط وی یک نسخه شاهنامهٔ فردوسی در کتابخانهٔ سلطنتی است بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام میشود : «تمت الکتاب . کتبه الفقیر اضعف عباد الله الغنی محمد بن محمد بن محمد علی حنفی ششنقی اصلح الله تعالی عنهم ، فی سلخ صفر ختم بالخیر والظفر سنه اربع واربعین و ثمانمائة الهجریة المصطفویة» . مقدمهٔ منثور این نسخه بقلم نسخ و عنوانها بقلم ثلث عالی وپیداست که در آن اقلام استاد بوده است .

۱۰۹۷) محمد شفیع شیرازی

پدرش محمد اسمعیل ، لقبش میرزا کوچک و تخلصش وصال و کنیه اش ابومحمد و ابواحمد ، از معروفترین خوشنویسان وهنرمندان وشاعران ودانشمندان قرن گذشته است . ترجمهٔ حالش را چنان که میرزا ابوالقاسم فرهنگ فرزند وی ، انشاء کرده ودر فارسنامهٔ ناصری ثبت است ، عیناً نقل می کنم :

«در بیان حال و ترجمهٔ احوال پدر بزرگوار و استاد عالی مقدارم ، حضرت وصال سقی الله ثراه وجعل الجنة مثواه و شمه یی از حال پدران وفرزندان آن جناب ، بطریق اجمال :

کنیهٔ شریفش ابواحمد و لقب مبارکش میرزا کوچک و نام فرخنده اش محمد شفیع و والد ماجدش محمد اسمعیل بن محمد شفیع بن محمد اسمعیل . از نیاگان پیش ازینم آگاهی نیست وآنچه از سال خوردگان سلسلهٔ خود شنیده شده ، میرزا اسمعیل جد سیمین از درگاه پادشاهان صفویه عامل گرم سیرات فارس بود وپسرش میرزا شفیع درحضرت نادرشاهی سمت دبیری داشت وچون روزگار نادرشاه سپری شد واختلال درحال عامهٔ مردمان پدید آمد ، میرزا شفیع نیز چندی به پریشانی زندگانی کرده ، دعوت حق را اجابت نمود و بازماندگان او که چهارنفر پسر بودند

میرزا اسمعیل و میرزا ابراهیم و میرزاقاسم ومیرزا محمدتقی ، قطع علاقه از اصفهان نموده بشیرازآمدند وازاولاد میرزامحمدتقی خبری نیست و میرزاقاسم ومیرزاابراهیم راه رهبانیة اختیار کرده ، مجرد زیسته و میرزا قاسم ازمشایخ سلسلهٔ ذهبیه بود .

میرزا اسمعیل درفن استیفا بی‌نظیر و در خط رقوم و سیاق یگانهٔ آفاق بود . دراوایل ترك خدمت سلطان واعمال دیوان گفته ، توبه واستغفار نمود وروزگاری درزمان پادشاه رضوان جایگاه محمد کریم خان زند ، زندگانی کرد وهم درآن‌اوان بعزم سیاحت بمملکت آذربایجان رفت ودرآنجا زن‌خواست وازاو دختری‌آمد ، اورا ببازرگانی داده عود به‌شیراز نمود .

درشیراز دختر میرزاعبدالرحیم نام‌شاعرشیروانی‌را بگرفت وپدر بزرگوارم حضرت‌وصال درسال ۱۱۹۷ ، ازآن‌دختر بعرصهٔ‌وجودآمد ومدتی‌نگذشته که میرزا اسمعیل بدرود زندگانی نمود ، میرزا عبدالرحیم ، حضرت‌وصال را که دخترزادهٔ‌او بود ، تکفل‌نمود وبعدازدوسال وفات یافت .

پس‌میرزاعبدالله‌نام ، خالوی‌حضرت‌وصال ، که‌خطی‌وسط‌داشت وبنوشتن قرآن معیشتی می‌نمود ، آن‌حضرت را تکفل فرمود و چون بسن تمیز رسید ، طبعش بدرویشی و فقرمایل گردید و پیوسته درطلب مردی کامل بود . پس بمصداق ، من‌طلب شیئاً وجدّ وجد ومن‌قرع باباً ولجّ ولج ، مشیت‌ازلی و هدایت‌لم‌یزلی ، او رابفیض‌خدمت شیخ العارفین وقطب‌السالکین مظهرانوارالهی ومُظهراسرارخدائی پیر روشن‌ضمیر حسینی‌بزرگوار ، میرزاابوالقاسم مشهور به‌سکوت رسانیده بسعادت صحبت وفیض‌خدمتش مستسعد گردید ، قدس‌الله روحه . وپیوسته سلاطین وابنای ملوك وبزرگان بصحبت حضرت‌وصال راغب و منادمتش‌را طالب‌بودند وآن‌جناب بانحاء شتّی ، معذرت میخواست .

اگر کسی دیوان قصایدآن بزرگوار را ملاحظه کند ، بظاهرچنین داند که مداح سلاطین بوده و شاعری را شعار خود فرموده است ؛ درواقع چنین نیست بلکه

Marfat.com

محض آزمایش طبع بوده ، برای آنکه بیشتر آنها بنظر ممدوح نرسیده است .

آن جناب را همتی بلند وطبعی ارجمند بود . مدار معیشت عیال را از کتابت کلام الله مجید معین فرموده بود وقناعت و گوشه گیری را بهترین نعمتی ونیکوترین دولتی دانستی .

همواره بافرزندان بطریق اندرز فرمودی که ، شعرنیکوصنعتی است وشاعری زشت حرفتی . چه آن بهری ازدانش وفن وحکمت است واین نوعی ازسؤال وقسمتی ازکدیت ؛ الاآنکه شاعران بنظم سؤال کنند و گدایان به نثر دریوزه نمایند .

هرگز هجاوهزل نفرمود ، مگردوسه قطعه بطریق طیبت ، که آنهارا دردیوان خود ثبت نفرمود وشاگردان فقیر مفلوك را با ابناء ملوك فرق ننهادی و فرزندان خویش را بردوستان درویش ترجیح ننهادی .

دوروزازایام هفته معین بود که اوقات شریف را به تربیت و تعلیم کافهٔ مردمان وقف فرمود ، هرکس زودتر آمد برنشست ، پیشتر بکاراو پرداخت .

هیچ گاه باسر معاش نپرداختی و خواهش ننمودی . هرچه آماده گردید ، تناول فرمودی وهرجامه که دوختندی ، پوشیدی . سختی و سستی روزگار وتنگی وفراخی معیشت درنزداویکسان بود . هیچ سال را بذخیره نگذاشت ویک بدست زمین ویک درخت باغ تحصیل نفرمود . امروزدرغم فردانبود . هرچه ازخزانهٔ غیب رسیدی صرف فرمودی وچون تمام گشتی ، وام نمودی .

براین نهج عمری را بآسایش گذرانید وچون سن شریفش به شصت و چهار رسید ، آبی درچشمش پدید گشت ، که یک سال نابینا بماند ودرآن حال صابروشاکر بود . پس از یک سال مرد کحالی از کرمانشاهان بیامد وچشمش راميل زده معالجه نمود . شهری را خرم وشادان نمود ودرغایت شوق بخواندن ونوشتن ، هنوز مادهٔ فساد دفع نگشته ، چشم را بکار خواندن و نوشتن وا گذاشت . پس از چند روزی ، دیگر بارمرض عودنمود واین نوبت امیدعلاج نبود ودرماه رجب سال ۱۲۶۲ طایر

Marfat.com

روحش از آخشیخان رسته ، بشیدستان پیوست و در بقعهٔ مبارکهٔ حضرت سیدمیراحمد مشهوربه‌شاه‌چراغ ، درجوارمزار پیربزرگوار ، جناب میرزاابوالقاسم سکوت، مدفون گردید . سقی‌الله ثراه وجعل الجنة مثواه .

از اشعار آبدار حضرت وصال نزدیک بسی هزار بیت بیادگار بمانده است ، مشتمل بر قصائد و غزلیات و مراثی و ترجیعات و مثنویات و دیوان غزل آن جناب برسه گونه است : آنچه درجواب غزلیات خواجه حافظ فرموده ، دفتری جداگانه است وآنچه برطرزشیخ سعدی گفته علیحده است وآنچه متفرق گفته شده ، دفتری دیگراست . مراثی نزدیک بدوهزاربیت است ودررثاء حضرت ابی‌عبدالله سیدالشهداء علیه‌السلام فرموده واکنون درتمامی ممالک اسلام مشهور و معروف است . کتاب فرهاد وشیرین مولانا وحشی را انجام داده باتمام رسانیده وبزم وصال بطرزشاهنامهٔ حکیم فردوسی فرموده است . از جملهٔ مثنویات کتابی است مسمی به سفینهٔ انبیا ، آن کتاب بر این نهج است که چهل حدیث از احادیث قدسیه را انتخاب فرموده ، حدیثی را عنوان نموده ، معنی آن‌حدیث وتحقیق آن مطلب و داستانی متناسب آن مقام فرموده ، باز حدیثی دیگر را آغازنماید وآن کتاب ناتمام بماند . . .

ازجناب وصال ، شش نفر باز بماند ، بترتیب : احمد وقار، محمود حکیم ، محمد داوری ، ابوالقاسم فرهنگ ، اسمعیل توحید ، عبدالوهاب یزدانی» .

این بود آنچه ابوالقاسم فرهنگ فرزند وصال دربارهٔ پدر خود نوشته است ، اضافه بر آن : صاحب مجمع الفصحاء گوید ، درجوانی بحسن صورت و حسن صوت مشهوربودوهم او وصال را درهنگام توقف درشیراز ملاقات کرده و بکمالات روحانی ستوده است .

صاحب انجمن خاقان اوراجوانی عاشق پیشه ونازک اندیشه و صوفی مسلک خوانده وآواز دلنشین وی را ستوده است .

صاحب صبح گلشن اورا درفن موسیقی ماهردانسته گوید که ، پانصدروپیه

Marfat.com

ماهوار برایش تعیین کردند که بهندرود ، تابندربوشهر نیزرفت ، ولی شاهزادگان تهران کسان فرستادند و بازگردانیدندش و وظیفهٔ شاهوار برایش معین کردند . که این مطلب باآنچه فرزندش نقل کرده است مباین است .

صاحب تذکرهٔ دلگشا گوید که ، ازاوایل عمر تا کنون بامن دوست مهربان است و کمی زود رنج است .

دیوان بیگی نیز در حدیقةالشعرا شرح حال مبسوطی ازاو آورده وویرا ستوده می‌نویسد : « . . . کمالاتش را حصر نیست ، وقتی خاقان مبرور فتحعلی‌شاه فرموده بود : انصاف آنست که میرزای وصال در کمال اسراف کرده است . اما علومش ، مقدمات صرف ونحو وحکمت وریاضی وموسیقی را بخوبی دارا بود ، در علم عروض وقوافی که استاداساتید محسوب می‌شد . . . اما خطوطش ، تمام خطوط سبعهٔ مشهوره خوش مینوشت ، نهایت این سه خط مصطلح ومتداولش معروفتر بود بواسطهٔ اشتهار خود خطوط ، درشکسته بسیاری ازشکسته نویسان شیراز تربیت ازایشان دیده‌اند وشیوهٔ خاص ایشان اکنون درآن حدود میان خوشنویسان مصطلح است ، ودرنسخ تعلیق یکی از تربیت یافتگان ایشان آقافتحعلی حجاب است که حالش گذشت . در نسخ که مسلم کل بودند واکنون مردم هرسطرش را مبلغی بها می‌دهند . اما اخلاقش ، همانامادر دهرچنین خلف باخلقی دراین دور نپروریده ، مکرردرخدمتش بودم ومیدیدم جوانان خردسال اشعاربد گفته می‌آوردند ودرحضورش می‌خواندند بعدازآنکه کمال تحسین می‌فرمود ، می‌فرمود : ای فرزند گوش ده اگر درجای این کلمه فلان را می گفتی شعرت بهتر میشد و همچنین تاآخر تمام اشعار او را تبدیل می‌فرمود ومیفرمود : این غزل باید این‌طور گفت ، تشویق وتربیت واستادی کرده واورانرنجانیده . همچنین درمشق ، وبهمین شیوهٔ مرضیه جمع کثیری ازمشاهیرشعرا وخوشنویسان راتربیت فرمود که یکی از جملهٔ آن شعرا مرحوم حکیم قاآنی است . . . مجملاً درزمان خود فقیری کامل وسالکی واصل بود ، درطریقت خدمت مرحوم مغفورمبرور میرزا ابوالقاسم سکوت شیرازی را اختیار کرده وازایشان فیوضات دیده

وبعداز رحلت ایشان اگرچه وقتی مخصوصی معین نفرموده بود ولی اغلب معتقدین آن مرحوم خدمت میرزا تردد میکردند واخلاص میورزیدند وازاینجهت بعضی ازطلاب ناقص در نزد عوام کالانعام نام مبارك ایشانرا بخوبی یاد نمیکردند تا آنگاه که سراثی ایشان شهرت کرد ودر افواه افتاد . . .»

ماده تاریخ وفاتش را نعمت فسائی چنین یافته است که می شود سال ۱۲۶۲ :

رقم زد خامهٔ نعمت ، کنون از بهر تاریخش
(وصال بی‌مثال با کمال اینک شد از دینا)

دیگر :

نعمت پی تاریخ وفاتش گفتا (شدجای‌وصال رادفردوس برین)

و نیز :

کنون نعمت از بهر تاریخ گفتا (باحسان محمدشفیع وصال است)

وصال همهٔ خطوط متداول را خوش می‌نوشت ، ولی ازآن‌میان درخط نسخ بیش از دیگران مهارت داشت و دراین قلم او علاوه براستواری ، ملاحت و لطافت خاصی است .

ازخطوط متنوع وصال بمقدار فراوان موجوداست ، که ذکر هریک درجای خود خواهد آمد . اما آنچه از خطوط نستعلیق وی دیده‌ام عبارتست از :

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش ، که درپایان بوستان آن دارد : « حرره العبد المسکین المستکین ، میرزا کوچک ابن المرحوم میرزا محمد اسمعیل الشیرازی ، عفی الله عن جرائمهما ، سنهٔ ۱۲۴۵ » ودرپایان نسخه «تمت الکتاب فخر العاشقین و زبدة العارفین واکمل السالکین ، شیخ مصلح الدین ، متخلص بسعدی شیرازی علیه الرحمة والمغفرة ، بتاریخ شهرذی قعدة الحرام ، لراقمه خرّوب [؟] ۱۳۴۷ » در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران ؛

Marfat.com

یک نسخه اوصاف الاشراف خواجه نصیر، بقلم کتابت متوسط، با رقم و تاریخ: «حرره العبد الاقل محمد شفیع المشهور بمیرزا کوچک، المتخلص بوصال سنه ۱۲۳۹» در همان کتابخانه؛

این نسخه بخط خوشی نیست که در جوانی وصال آنرا نوشته و پیداست که خط نستعلیق را پس از سایر اقلام تکمیل کرده است.

یک نسخه ادعیه، بقلم نسخ و نستعلیق کتابت خفی خوش، با رقم و تاریخ: «اقل ... میرزا کوچک مسمی به محمد شفیع متخلص بوصال» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

دفتر اول مثنوی مولانا، بقلم کتابت خفی عالی، که چنین تمام می‌شود: «برحسب امر... فتح علی شاه قاجار... این دفتر اول کتاب مثنوی مولوی معنوی بخط این چاکر صمیمی و داعی قدیمی دولت ابد آیت خاقانی سمت تحریر پذیرفت و به پیشگاه اقدس اعلی تقدیم نمود... المستظهر بعنایات السلطانیة محمد شفیع المشتهر به میرزا کوچک المتخلص بوصال فی دارالعلم شیراز ۱۲۴۶» در کتابخانهٔ حاج سید نصرالله تقوی، تهران؛

منتخب حدیقة الحقیقه سنائی، بقلم کتابت جلی خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه العبد العاصی محمد شفیع متخلص بوصال الشیرازی غفرالله ذنوبه فی شهر جمادی الاولی سنهٔ هزار و دویست و پنجاه و پنج هجری» در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران؛

وقطعات متفرق وضمن مرقعات مختلف متعدد، بقلمهای ازدو دانگ تا کتابت خفی، با رقم و تاریخهائی ازجمله: «حرره العبد وصال فی سنهٔ ۱۲۴۶» و «مشقه العبد الآثم محمد شفیع الشیرازی فی سنهٔ ۱۲۴۳» و «مشقه تراب اقدام الفقرا میرزا کوچک شیرازی ابن مرحوم میرزا اسمعیل، حرره فی سابع شهر صفر المظفر من شهور سنهٔ ۱۲۳۳» و «رقم کلک اقل الکاتبین وصال شیرازی عفی الله عنه شد، در شب جمعه

Marfat.com

بیست و نهم شهر جمیدی الاول سنه ۱۲٤۷ » و « نمقه العبد المذنب محمد شفیع الشیرازی ۱۲٤٥ » و « بجهة قرة العینی میرزا محمود تحریر نمود سنه ۱۲٤۷ » و « بجهة یاد گاری برای دوستی در دارالسلطنهٔ اصفهان تحریر شد . مشقه العبد الآثم میرزا کوچک شیرازی ۱۲۳٦ » و « مشقه الوصال ۱۲٥۷ جان وصالت فدا » و « حرره المذنب وصال الشیرازی ، تحریر شد سنه ۱۲٥۲ » و « کتبه العبد المذنب وصال فی سنهٔ ۱۲٥۱ » وغیره در مجموعه های : کتابخانهٔ سلطنتی ، کتابخانهٔ ملی ، کتابخانهٔ مجلس شورای ملی - آقای مهندس عباس مزدا - مرحوم امیر الکتاب - حاج حسین آقا نخجوانی - بانو ملکهٔ بیانی - نگارنده وغیره .

۱۰۹۸) محمد شفیع قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) گوید فرزند عبدالجبار (شاگرد میرعماد) و از جمله خوشنویسان ممتاز و در کمال قدرت قلم بود . در کتابخانهٔ سلطنتی ملازم بود و بیست تومان مواجب داشت . چندسال پیش در اصفهان در گذشت و در مزار بابا رکن الدین مدفون شد .

میرزا سنگلاخ باو لقب « خلیفة الخلفا » داده و گفته است که در دوازده سالگی از قزوین باصفهان رفت و نزد پدر تعلیم خط گرفت و خط خود را نزد میرعماد تکمیل کرد . شعر می گفت و کتابدار شاه عباس بود و پس از مرگ پدر بقزوین باز گشت و بمشاغل مهم دیوانی اشتغال ورزید .

و هم میرزا سنگلاخ گوید که سال ۱۰۱٤ سال نوزدهم سلطنت شاه عباس وقتی اسیری از قبیلهٔ مکری قصد جان شاه را کرد ، همین محمد شفیع خود را سپر بلای شاه نمود و از آنوقت بیشتر مورد توجه و لطف شاه شد . در هفتاد سالگی در گذشت و جنازه اش را بعتبات منتقل کردند .

یک نسخه لوامع الاشراق ملا جلال دوانی دارم ، بقلم کتابت خوش ، با رقم

Marfat.com

وتاریخ : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب فی سلخ شهر ذی‌القعدة سنة تسعة و خمسین والف ، علی ید الضعیف محمد شفیع بن عبدالجبار غفرله» که اگر خط همین محمد شفیع باشد ، پیداست که شیوهٔ میر عماد و عبدالجبار پدر خود را بخوبی اخذ کرده وازپدرخود فروتر ننوشته است .

۱۰۹۹) محمد شفیع لاهیجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی ۱۱۲۶) وی را ازشاگردان خود شمرده گوید فضل و کمالش بمرتبهٔ کمال است . خوش می‌نویسد و داماد آخوند ملا محمد سرابی است .

۱۱۰۰) محمد شفیع هروی حسینی

ظاهراً همان شفیعای معروف شکسته نویس است که بزعم من دو محمد شفیع حسینی در یک عصر (نیمهٔ دوم قرن یازدهم ونیمهٔ اول قرن دوازدهم) ، یکی کمی مؤخر بدیگری میزیسته است و یکی از آن دو جز شکسته ، در خط نستعلیق دست داشته ویکی درخط نسخ وترجمهٔ هریک درجای خود خواهد آمد .

اینک آنچه از خطوط نستعلیق با رقم محمد شفیع حسینی را دیده‌ام ، اینجا می‌آورم :

یک قطعه ازمرقع ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم : « کتبه العبد المذنب محمد شفیع » ، در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، پنج دانگ و کتابت متوسط با رقم : « کتبه الحقیر محمد شفیع الهروی» درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم : « مشقه العبد محمد شفیع » درهمان کتابخانه ؛

Marfat.com

دوقطعه ، بقلم دودانگ و نیم‌دودانگ خوش ، با رقم : «مشقه العبد محمد شفیع غفرذنوبه» و «مشقه العبد محمد شفیع» درمجموعهٔ نگارنده .

هم چنین خوشنویس دیگری هم نام محمد شفیع درعهد شاه عباس ثانی یعنی معاصر دوشفیعای مذکور میزیسته که «عباسی» رقم می کرده و علاوه بر خوشنویسی در نقاشی ومصوری نیز دست داشته‌است . ذکراین هنرمند بنام «شفیع عباسی» گذشت .

۱۱۰۱) محمد شمس الخطاطین - میرزا

میرزا سنگلاخ گوید که پدرش اصفهانی وخود در اصفهان تولد یافته بود هنرمندی خوش‌منظر وخوش گذران و عاشق پیشه ودرخط نستعلیق شاگرد رشیدا بود . درسوارکاری وچوگان بازی و تیراندازی مهارت داشت . بسال ۱۰۵٦ در لاهور درگذشت .

۱۱۰۲) محمد شوشتری - حاج

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه لیلی و مجنون ترکی فضولی بغدادی ، درکتابخانهٔ ملی تهران‌است ، بقلم کتابت‌متوسط ، بارقم وتاریخ : «تم الکتاب ... علی ید ... حاجی محمد شوشتری ... فی تاریخ شهر جمادی الثانی سنه ۹۷۹» .

۱۱۰۳) محمد شیرازی

یک نسخه قرآن بخط عبدالوهاب شیرازی با تاریخ سال یکهزار ، درموزهٔ آثار اسلامی و ترک استانبول‌است ، که فال‌نامه ، اضافات و صفحات‌آخر نسخه بخط نستعلیق نیم دودانگ عالی آن بخط همین خوشنویس است وچنین تمام میشود :

« روش قلم تیز گام و تحریک خامهٔ آرام در قطع مراحل تذهیب این کلام کریم و طی منازل تحریر این کتاب عظیم ، بسعی و اهتمام العبدالاحقر محمد تاج الدین حیدر مذهّب شیرازی ، بنهایت رسید» .

۱۱۰۴) محمد صادق

ازخوشنویسان دربار اورنگ‌زیب پادشاه هند (۱۰۶۸-۱۱۱۹) بودوبخط وی موجود است :

یک صفحه از بیاض بختاور خان ، بقلم نستعلیق و شکسته کتابت متوسط ، بارقم: «حسب الامر . . . مقرب حضرت ظل اللهی بختاورخان . . . در دوشنبهٔ پنجم جمادی‌الاولی اتفاق افتاد . حرره العبد المذنب محمدصادق . . .» درسوزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی ؛

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم سه‌دانگ ونیم دودانگ خوش ، با رقم : « کتبه العبد محمد صادق» در کتابخانهٔ بادلیان ، انگلستان .

۱۱۰۵) محمد صادق ـ میرزا

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) اورا درجزو شاگردان خود که ترك مشق کرده‌اند ، آورده گوید ، وزیر موقوفات است مدتی نزد پدرم و قدری نزد خودم مشق کرده است وخوب می‌نویسد :

۱۱۰۶) محمد صادق خان بیکدلی ـ حاج

سپهر گوید که ازمردم ساوه بود و نستعلیق را نیکو مینوشت وبسال ۱۲۹۳ در گذشت .

Marfat.com

۱۱۰۷) محمد صادق شیرازی

ازبزرگ‌زادگان شیراز و در زمان دولت زندیه ، مانند پدران خود بکار دیوانی مشغول بود . از علوم ریاضی بهره داشت . شعر خوب می‌سرود ونثر خوش مینوشت کوکب تخلص میکرد . مردی خوش سیما و رفیق، ظریف و بلند نظر بود ولی بخت بلند نداشت . شکسته ونستعلیق را خوش می‌نوشت .

پس از زوال دولت زندیه بهندوستان رفت ودرآنجا اعتبار تمام یافت و پس ازمدتی بشیراز بازگشت . بامیرزا علی اکبر بسمل آشنا ودمساز بود .

سرانجام همسرش اورا مسموم کرد .

۱۱۰۸) محمد صادق شیرازی

از کاتبان گم‌نام قرن سیزدهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه تاریخ بیهقی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «تم الکتاب ... فی یوم الخمیس التاسع من شهر محرم الحرام سنهٔ احدی وتسعین و مأتین بعد الف ... علی ید الاقل محمد صادق بن محمد کاظم الشیرازی» در کتابخانهٔ ملی، تهران ؛

یک نسخه زاد المسافر ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تم ... محمد صادق بن محمد کاظم الشیرازی فی دارالخلافه طهران ، بتاریخ روز جمعه هفدهم شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۹٦ هجری ، مطابق توشقان ئیل ترکی » در همان کتابخانه .

۱۱۰۹) محمد صادق گلپایگانی

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه دیوان خاوری در کتابخانهٔ سلطنتی است بقلم نستعلیق وشکستهٔ نیم‌دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ :

Marfat.com

«کتبه العبد محمد صادق الکلبایکانی ، فی ۱۲۳۵ » و« حـرره العبد الاقل محمد صادق الکلبایکانی ، المتخلص به مدهوش ، فـی دار الخلافه صانها الله من آلافة سنه ۱۲۳۷ ».

۱۱۱۰) محمد صالح

از خوشنویسان گم‌نام قرن سیزدهم وبخطوی دوقطعه در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بارقم وتاریخ : «مشقه محمدصالح سنهٔ ۱۲۲۰ ».

۱۱۱۱) محمد صالح اصفهانی

فرزند امیر نورسعید صاحب اختیار دربار سلطان ابوسعید میرزا است که به بدخویی موصوف بود ، ولی فرزند برخلاف پدر بسیار ملایم و ستوده اخلاق بود . شعر می گفت وخوش مینوشت . هنگام تألیف مجالس النفایس (سال ۸۹۶) درسنین جوانی میزیست .

۱۱۱۲) محمد صالح اصفهانی

فرزند میرزا ابوتراب خوشنویس شاگرد میرعماد است . میرزا سنگلاخ گوید که پس از قتل میرعماد ، شاه‌عباس اورا بهندوستان فرستاد تا رشیدا ، خواهرزادهٔ میرزارا بایران بازآورد . شاه‌جهان مقدم ویرا گرامی داشت ، ولی مانع از بازگشت رشیدا شد و او معززاً باصفهان بازگشت ، که البته این خبر صحت ندارد ، زیرا که باغلب احتمال محمدصالح تا به‌سال ۱۱۲۶ درقید حیات بوده‌است ، درحالی که میر عماد بسال ۱۰۲۴ یعنی یکصدودوسال پیش از این تاریخ بقتل رسیده و شاه عباس بسال ۱۰۳۸ درگذشته است .

محمد صالح ظاهراً سفری بآسیای صغیر کرده است ، که درقطعه شعری بخط خود چنین دارد :

Marfat.com

« در حلب آئینهٔ دل را زدست روزگار

می زنم برسنگ وسی پیچد صدا دراصفهان

ببلدة حلب الشهبا . . . » .

محمد صالح اصفهانی را تذکره‌ای درباره خط وخطاطان است که نخستین بار هنرشناس فقید میرزا محمدحسین جعفری ، معروف به ادیب اصفهانی ، وجود آنرا بنگارنده اطلاع داد وفرمود که نسخه‌ای ازآنرا دردست داشته وبکسی امانت داده وباز پس نگرفته است .

ازاین تذکره با همهٔ جستجو که کردم نسخه‌ای درجائی نیافتم ، تا دراین ولا که تاریخ بشهریور ماه ۱۳٤٦ رسیده است ، درضمن چندین کتاب خطی که به کتابخانهٔ مجلس سنا برای فروش عرضه شده‌است ، نسخه‌ای ازاین تذکره یافتم . این کتاب نسخهٔ اصل نیست وبخط شکسته نستعلیق کتابت خفی خوش بسال ۱۲۸۱ هجری قمری استکتاب شده‌است ودورنیست که همین نسخه متعلق بشادروان ادیب اصفهانی بوده و تصاریف روزگار ، امروز مرا بآن دسترسی داده تاازتمامی آن ، نسخه برگیرم ودراین کتاب ، ازمطالب سودمند آن استفاده کنم وخوانندگان کتاب من اطمینان داشته باشند که تقریباً از تمامی مطالب اصیل واساسی آن در تراجمی که درکتاب احوال وآثار خوشنویسان (ازبخش سوم نستعلیق نویسان ببعد) آمده‌است استفاده کرده‌ام وامیدوارم در تجدید چاپ تمامی کتاب دربخشهای دیگرنیزمورد استفاده قرار گیرد .

اما پیش ازآنکه من از این نسخه استفاده کنم میرزا سنگلاخ آنرا زیر نظر داشته واینک با تطبیق مطالب وطرزتنظیم آن بمن مسلم شده‌است که میرزای مزبور دو جلد کتاب مشروح عظیم خود بعنوان امتحان الفضلا را که تذکرة الخطاطین است براساس مطالب همین تذکرهٔ کوچک ولی بسیار مفیدنهاده وهمان مطالب را شرح وبسطی بسزا ولی لاطایل داده و اخبار و مطالب مجعول بی اساس فراوانی

Marfat.com

بآن افزوده و آنرا بالفاظی نامأنوس و عباراتی معقد انشاء کرده است (در این باب به ترجمهٔ میرزا سنگلاخ مراجعه شود) .

ازفصول سودمند این تذکره ، ترجمهٔ احوال مؤلف ومخصوصاً خوشنویسان معاصروشاگردان او وپدراو ابوتراب اصفهانی است . دراینجا ابتدا مطالبی که مربوط به‌سبب تألیف کتاب وبعد آنچه دربارهٔ زندگی خود محمدصالح است عیناً می‌آورم ؛ یعنی ازاصل آن نقل می کنم :

« . . . بعد ، چون بعضی ازمخادیم کرام ، بگمان اینکه فقیر حقیر خاکسار احقر کتّاب محمدصالح ابن ابی تراب را اطلاعی برچگونگی خط وبهم رسیدن خطوط خطاطان هرزمان میباشد ، خواهش فرمودند که تذکره‌ای دراوضاع خطوط‌واحوال خوشنویسان ، درسلک تحریر درآورد ؛ بنا برفرمان وامتثال اوامر ملازمان ذی‌شأن ایشان ، آنچه ازاین مراتب که مسموع این بی‌بضاعت شده‌بود ، درمقام تنمیق آن درآمده ، بعزّ عرض میرساند که ، قلم بردونوع است : یکی نباتی است ، و آن کام شیرین کن خوشنویسان و کاتبان کرامت آیات است . . . دیگری قلم‌موست . . . »

« ذکر احوال خود کمترین ـ هرچند که در عالم خوشنویسها ، از همهٔ شاگردان مرحوم والد خود وباقی خوشنویسان‌عهد ، دردنیانسبت وحسن خطی که موجب امتیاز و افتخار باشد ، ندارد ؛ اما قریب به چهل سال است که سررشتهٔ تعلیم خط نستعلیق ، دردست بنده و باین تقریب در خدمت اکابر و اصاغر ترك و تاجیک این ولایت واهل هردیاری که وارد این شهر شوند ، مشغول است و شعر ابوطالب حکیم[1] که :

در جهان طالع خاکستر صیقل دارم
خود سیه رو و هزار آینه روشن کردم

واین رباعی ازخود مناسب حال خود است :

---

۱ - این کلمه را مرحوم بیانی طوری نوشته‌اند که حکیم‌خوانده میشود ولی ظاهراً کلیم و مراد کلیم کاشانی شاعر معروف است .

Marfat.com

نیستم قدری که گویم رطل و مُدّ گردیده‌ام
از گناه اما گران تر از اُحُد گردیده‌ام
چون خمیرترش اگر خود نان نمیگردم ولی
مایهٔ نان هزاران بذر خود گردیده‌ام

ماصدق حال است . ازفقیر فیضهای وافی وشافی به خلق الله رسیده که هر کس تعلیم از بنده گرفت ، نشد که صاحب خطی و لب نانی نشود ؛ بلکه اکثر باعلی مدارج مراتب عالیهٔ دنیا رسیده ، صاحب مزیتهای بلند وخدمات ارجمند گردیده‌اند . شاید باین تقریب ، جمعی طلب مغفرتی بکنند ، یا ازراه قدرشناسی نام حقیر را گاه گاهی ببرند ، یا در نوشتجات به تقریبات بخیر یاد فرمایند ؛ از آن جمله چون مناسب مقام است ، بذکر آن میپردازد که ، بیست و سه سال قبل از این روزی ارسطوی عهد که قوت متخیلهٔ افلاطون طفل رضیع افکار بدیع و خیالات دقیق نیتش را مهد بود ؛ اعنی غریق رحمت ربانی ، بلبل گلشن سخندانی ، نواب مستطاب فضایل مآب وحید الزمانی [محمدطاهروحید] می‌فرمودند که اگر درخوشنویسی منشورخواهی ، اول کسی که چیزی خواهد نوشت ، من خواهم بود . بعدازچندروز این فقرات را انشاء فرموده ، قطعه‌ای برای بنده نوشته‌اند وعبارات آن قطعه این است :

«نهال قابلیت شخصی که از قطعه زمین ترابها اصقل من الماء وماؤها الطف من الهوا ، ببارآمده باشد ، صالح است که بگلهای بدایع اعجازمنور وبروایح امتیاز معطر باشد ، صدق فهم صادق ، و صحت قول ، بانفس الامر مطابق ، دو گواه عدلند که شمیم نرگسی که ازقلم سحررقم این زبدة الاقران به مشام ادراك رسیده ، ازریحان خط یاقوت لبان شنیده وبنفشه‌ای که ازجدول این خامهٔ اعجازشمامه ، بالا کشیده غبار خط بنا گوش سیمین عذاران بگرد آن نرسیده ، زمان حصول ترقیات نزدیک و چشم بد دور باد .»

اما دراین ایام که بازار کمالات کساد و خرمن هستی هنرمندان و ارباب استعداد نزدیک است به باد رود ، چند بیتی بطرح مثنوی ، با یک دو رباعی که مبتنی براین مطلب است ، خود موزون کرده ، درین مقام ایرادمی‌نماید ومسموع

Marfat.com

هوش و گوش هنرپروران هرعهد می‌سازد که هرچند روزگار برایشان تنگ گیرد ، باز ازعهد خود راضی باشند :

چه‌شد حق سعی و کجاشد سپاس چرا خلق گشتند حق ناشناس

. . . . . .

رباعی

آنها که درین دیر فنا یار همند پیوسته پی شکست بازار همند

ارباب کمال را هنر معشوق است گرنیست چنین بهرچه اغیار همند

قلم اینجا رسید وسر بشکست .

احوال جماعتی که کمترین را درزمرهٔ ایشان حق تعلیمی هست ودرطی طریق تحصیل خط ، راهنمای ایشان بوده‌ام ، چند طبقه اند :

طبقهٔ اول - چندین نفر بودند که همه خوش نویسان حسابی بودند واکنون نیستند . شمع قلم ازصرصرمفارقت ایشان خاموش وصفحهٔ مشق در ماتمشان سیه - پوش است ؛

طبقهٔ دوم - جمعی‌اند که سابق بر این ساعی درمشق بودند و خوشنویس بودند والحال تارکند ؛

طبقهٔ سیم - جمعی‌اند که بالفعل خوشنویس وبرسر مشقند ؛ بعضی بکتابت مشغول و برخی قطعه ها می‌نگارند و فوجی بمشق تنها اکتفا نموده اند و دماغ خرده کاریهای این فن را ندارند وجوقی دیگر هستند که خودرا ازننگ بدنویسی رهانیده ، صفای قلمی کسب کرده‌اند پاره ای بهمین اکتفا کرده متوجه شغلهای دیگرند وطایفه‌ای بازسعی میکنند ومشتاقند اما طبقهٔ اول . . .»

تاریخ وفات محمد صالح را سپهر ، سال ۱۱۳۰ ضبط کرده ولی درپشت یک نسخهٔ تحفهٔ حکیم مؤمن ، متعلق بآقای دکتر مهدوی نوشته است : «تاریخ وفات مرحوم مغفور میرزا محمد صالح خوشنویس ، یوم الاربعا هیجدهم شهر ربیع الاول

Marfat.com

سنهٔ ۱۱۲۶» . میرزا سنگلاخ قبر اورا درمسجد لنبان اصفهان درجوار آرامگاه پدرش معین کرده است .

از آثار وی بسیاری از کتیبه های ابنیهٔ دورهٔ آخر صفوی اصفهان است ، باین قرار :

کتیبهٔ بالای ایوان چهل ستون ، که اخیراً اززیر گچ بیرون آورده اند ، بقلم دودانگ کتیبهٔ خوش ، که چنین تمام می‌شود :

« بجست ازنو بطاق آسمان بنوشت تاریخش
(مبارك باد تالار بلند ایوان جم جاهی)

کتبه محمد صالح » که تاریخ آن می‌شود سال ۱۱۱۸ ؛

کتیبهٔ دولنگه در ورودی مدرسهٔ مادرشاه چهارباغ ، بقلم دو دانگ کتیبهٔ عالی ، که چنین تمام می‌شود :

« نگاشت کلك بدیع ازبرای تاریخش
(گشود حق بصفاهان در مدینهٔ علم)

کاتب الحروف محمدصالح غفر ذنبه» که تاریخ آن می‌شود سال ۱۱۲۰ .

کتیبهٔ خاتم غرفه های راهروی مدرسهٔ چهارباغ ، بقلم دودانگ کتیبهٔ خوش که چنین تمام می‌شود :

« رسید چون که باتمام این مقام منیع
بفکر مصرع تاریخ هر کسی افتاد
قلم گرفت و نوشت ازهری بتاریخش
(بنام مدرسهٔ شه شد از کمال آباد)

کتبه محمدصالح » که تاریخ آن می‌شود سال ۱۱۱۹ . و« ... (مدرس کلب علی شاه دین سلطان حسین) ، کتبه محمدصالح » که آن نیز میشود سال ۱۱۱۹[1] .

کتیبهٔ گلوی ایوان شمالی مدرسهٔ چهارباغ ، بقلم چهاردانگ کتیبهٔ خوش بارقم وتاریخ : « کتبه محمد صالح ۱۱۱۹»

۱- ازاینقرار میشود ۱۱۱٤ وبایدبجای مدرس «مدرسهٔ» باشد تا ۱۱۱۹ درست شود .

چهار قطعهٔ مختلف ، بقلمهای دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت خوش و عالی ، با رقمها و تاریخهای : « الفقیر المذنب محمد صالح غفرالله ذنوبه وستر عیوبه . سنه ۱۰۹۷ » و «ابن ابوتراب ، محمد صالح الاصفهانی غفر ذنبه ۱۰۹۲ » و «جهت خواهش حضرت میرزا محمد حفظه الله الحقیر المذنب ، محمدصالح غفرله وستر عیوبه سنهٔ ۱۱۱۶ » و « الفقیر المذنب الراجی محمد صالح غفرالله ذنوبه » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

دوقطعه ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ خوش ، با رقمها و تاریخ : « مشقه الفقیر المذنب المستغفر الراجی محمدصالح غفرالله ذنبه » و «مشقه العبد الحقیر الفقیر محمدصالح ۱۱۱۰ » در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

دوقطعه ، بقلم سه دانگ جلی خوش ، با رقم وتاریخ : « مشقه محمد صالح غفرله ، سنه ۱۱۲۳ » در کتابخانهٔ مدرسه سپهسالار ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ عالی ، بارقم وتاریخ : « افقر العباد محمد صالح ۱۱۰۹ » در کتابخانهٔ ملک ، تهران ؛

دوقطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه المذنب محمد صالح الکاتب غفرذنوبه وسترعیوبه » و «فقیر المذنب محمدصالح غفرذنوبه وستر عیوبه » در کتابخانهٔ آستان قدس رضوی ، مشهد ؛

دوقطعه ، بقلم دودانگ و کتابت عالی ، بارقم وتاریخ : « کتبه الفقیر محمد صالح غفرله ، ببلدة حلب الشهبا فی سنهٔ ۱۱۰۷ » و «مشقه اضعف العباد محمدصالح غفرذنوبه وسترعیوبه ۱۱۱۵ » درمجموعهٔ مرحوم پناهی ، تهران ؛

سه قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش وعالی ، بارقمها وتاریخ : «مشقه العبد الضعیف المذنب محمد صالح غفرالله له و لوالدیه » و « الفقیر محمد صالح غفرالله ذنوبه » و « سوّده اضعف العباد محمد صالح غفر ذنبه فی سنهٔ ۱۱۱۷ » در مجموعهٔ نگارنده ؛

Marfat.com

دوقطعه ازمرقعی ، بقلم دودانگ و کتابت عالی ، بارقمها وتاریخ : «العبد محمدصالح غفرله» و«العبدالمذنب، ابن ابوتراب محمدصالح ۱۰۹٤» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول .

۱۱۱۳) محمد صالح بخارائی

از شاگردان محمود شهابی سیاوشانی واز خوشنویسان زمان دولت اسکندر خان و عبدالله خان ثانی ، امرای بن شیبان (۹۶۳-۹۹۱) بود وهنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) درگذشته بود .

۱۱۱٤) محمد صالح خاتونابادی

میرزا سنگلاخ باولقب «خاقان الخطاطین» داده است .

محمدصالح شاگرد میرعماد است ومیر خط اورا به‌رشیدا خواهرزادهٔ خود ترجیح مینهاده وباو توجه مخصوص داشته‌است؛ درسه‌قطعه که یکی در کتابخانهٔ ملی پاریس ودوتا درمجموعهٔ نگارنده است ، میرعماد نوشته‌است : «جهت‌فرزندی محمدصالح خاتونابادی نوشته شد» .

محمد صالح اصفهانی در تذکرهٔ خود او را ازشاگردان میر عماد دانسته و کتابت اورا ستوده است .

میرزا سنگلاخ گوید که نزد شاه عباس معزز بود و پانصد تومان مستمری داشت و وفاتش را در هشتاد سالگی دراصفهان دانسته وقبر او را در گورستان تخت‌پولاد نشان داده است .

سپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۰۲٤ ضبط کرده ، که درست نیست و مدتها پس‌ازاین تاریخ ، یعنی لااقل تاسال ۱۰۷۱ هنوزمیزیسته است .

ازخطوط وی دیده‌ام :

Marfat.com

یک‌نسخه دیوان حافظ ، بقلم کتابت خفی عالی ، با رقم و تاریخ : « تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، فی تاریخ شهر جمیدی الاول سنه ۱۰۳۱ . کتبه العبد محمدصالح بن میرزاعلی خاتونابادی » در کتابخانهٔ ملی ، تهران :

یک‌نسخه دیوان عرفی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، حرره محمدصالح خاتونابادی» در همان کتابخانه ؛

یک‌نسخه نگارستان غفاری ، بقلم کتابت خوش ، که‌چنین تمام می‌شود: « تم الکتاب الموسوم بنگارستان فی سلخ شهر شوال ۱۰۲۶ ، کتبه العبد المذنب ابن میرزاعلی کاتب ، محمدصالح غفرالله ذنوبهما وسترعیوبهما ، درقریهٔ خاتوناباد جی فی بلوکات اصفهان عراق عجم ، سمت تحریر یافت » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌نسخه دیوان صائب (که درحواشی اشعاری بخط خود صائب دارد) بقلم کتابت متوسط ، بارقم و تاریخ : «تمام شد کتاب بعون الملک الوهاب ، حرره صالح خاتون‌آبادی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه ، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنه ۱۰۷۱» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه رساله در امامت (که قاضی کرهرودی بنام شاه عباس تألیف کرده‌است) ، بقلم کتابت خفی خوش ، که‌چنین تمام می‌شود : « . . . قدوقع الفراغ من تسوید هذه الرسالة الشریفة ، فی غرة شهر ربیع الاول سنه ثلث و ستین و الف ، کتبه العبد الفقیر المذنب محمدصالح خاتون‌آبادی غفرله» در کتابخانهٔ حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

قطعات متعدد دیگر بقلمهای مختلف خوش ، درمجموعه های آقای کریم زاده ونگارنده وغیره .

۱۱۱۵) محمد صالح دردمند

ازخوشنویسان گمنام قرن دهم ودرمرقعی از کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول

Marfat.com

قطعه یی است بخطوی ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «فقیر مستمند محمد صالح در دسند سنهٔ ۹۷٤ » وشمس الدین محمد وصفی که خود خوشنویس وجامع این مرقع است ، اورا بنام ونسبت «محمدصالح دردسند» ، جزوخوشنویسان شیراز و کرمان آورده است .

یک نسخه منتخب بوستان ورباعیات جامی درموزهٔ کابل است ، بقلم کتابت متوسط بارقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب محمد صالح غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، در نه صد و نود و شش ۹۹٦ سمت تحریر یافت» و دورنیست که این نسخه هم بخط همان محمدصالح دردسند باشد وازلفظ دردسند بنظر میرسد که شاعر نیز بوده وباین نام تخلص میکرده است .

دوقطعه ازمرقعی درموزهٔ آثاراسلامی وترك ویک قطعه ازمرقعی در کتابخانهٔ روان کوشکوی استانبول است بقلم دو دانگ خوش بزر و مرکب الوان با رقم و تاریخ : «فقیرالمذنب محمد صالح غفرذنوبه وسترعیوبه سنه ۹۸۷» و« . . . کتبه الفقیر محمدصالح ، فی شهور سنه ۹۸۸» و «فقیرمحمدصالح» که ممکن است همگی آنها بخط همین محمدصالح دردسند باشد .

۱۱۱٦) محمد صالح قره باغی

فرزنداسحاق ازنستعلیق نویسان عثمانی است . فرزنداوعلی مثلی نیزخوشنویس بوده است که ذکر آن گذشت .

این محمد صالح درخط شاگرد محمود افندی طوپخانه یی وسیاهی احمد افندی وازهردو اجازه داشته است .

بسال ۱۰۸٤ در گذشته است .

Marfat.com

۱۱۱۷) محمد صالح کاتب الخاقانی

از کاتبان خوشنویس قرن دهم وجامع مرقعی برای ولی محمدخان ناسی از امراست .

این مرقع نفیس که اکنون در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، مشتمل برقطعات شیوایی ازخطوط استادان خط نستعلیق مانند : سلطان علی مشهدی و میرعلی هروی و محمود بن اسحاق شهابی و محمدحسین تبریزی و میرمعز کاشانی و سیداحمدمشهدی وغیره وچندین مجلس تصویر مینیاتور عالی است . تاریخ تنظیم این مرقع چنانکه آنرا درقطعه شعری آورده ، ظاهراً «خوب رقم» است که میشود سال ۹٤۸ ، باین قرار :

این طرفه مرقّع که بخوبی است علم
هر صفحهٔ اوست رشک گلزار ارم
از غایت خوبی ز پی تاریخش
زد کلک قضا مرقع (خوب رقم)

نام امیری که مرقع را بنام او کرده است ، باعناوینی است که برای سلاطین می‌آورند ، باین قرار : «درین ولا خاطر اشرف همایون عالی حضرت . . . اعظم سلاطین روزگار . . . الخاقان بن الخاقان الخاقان ابوالغازی ولی محمد بهادر خان . . . » و نام چنین پادشاهی را درچنین تاریخی نیافتم وفقط نزدیک باین تاریخ ولی محمد خان بن جان محمدخان از خانهای بخارا بوده ، که ازسال ۱۰۱٤ تا ۱۰۱۷ ، درآن نواحی امارت داشته است ، که زمان او با این تاریخ موافقت ندارد ، مگر اینکه ساده تاریخ تنظیم مرقع ، حروف دیگری جز «خوب رقم» باشد .

مقدمهٔ این مرقع بقلم دو دانگ خوش و کاتب آن چنین رقم کرده است : « کتبه الفقیر الحقیر المذنب الراجی الی رحمة الله الملک الباری محمدصالح الکاتب الخاقانی غفر ذنوبه وستر عیوبه » .

۱۱۱۸) محمد صالح کشفی - میر

در شاه جهان نامه و مرآة العالم آمده است که فرزند میر عبدالله مشکین قلم نسخ نویس از اولاد شاه نعمة الله و برادر میر محمد مؤمن خوشنویس است که پدرانش از ایران بهندوستان رفته اند وخود او در دهلی متولد شده است.

میر محمد صالح در ابتدای حال بفقر وقناعت و در زیّ درویشان می زیست ودر اواخر عمر شاه جهان پادشاه اورا نزد خود خوانده بپایهٔ امارت رسانیده است.

محمد صالح مردی دانشمند بود ودر نظم ونثر فارسی و هندی دست داشت درشعر فارسی «کشفی» و درشعر هندی «سبحانی» تخلص میکرد و نستعلیق را خوش می نوشت. از تألیفات او «راز و اعجاز مصطفوی» و «مناقب مرتضوی» متداول است.

وفاتش بسال ۱۰۶۱ یابقول صاحب مجمع الفصحاء سال ۱۰۶۳ در اجمیر اتفاق افتاده است.

بخط وی دیده ام:

یک قطعه، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش، یک رباعی از اشعار خود او، بارقم وتاریخ: «مشقه محمد صالح کشفی غفرذنوبه، فی شهور سنه هزار وچهل وهشت» در کتابخانهٔ ملی، تهران؛

سه قطعه از رقعی، بقلمهای سه دانگ ودودانگ و کتابت خوش، بارقمهای: «احقر العباد کشفی» و«سوّده کشفی» و «سوّده محمد صالح الحسینی» در کتابخانهٔ بادلیان، انگلستان.

۱۱۱۹) محمد صالح مشهدی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم و بخط وی، یک نسخه مجالس المؤمنین در کتابخانهٔ سلطنتی است، بقلم کتابت متوسط، بارقم وتاریخ: «قدتم هذا الکتاب..

Marfat.com

محمد صالح بن کمال الدین حسین المشهدی ، فی یوم الاربعا دویم شهر ذی الحجة الحرام سنهٔ ۱۰۷۲».

۱۱۲۰) محمد صالح منشی

فرزند میرزا کاظم ، محمد صالح اصفهانی متوفی سال ۱۱۲۶ وی را جزو شاگردان خود آورده که تارك شده‌اند و گوید که ، نویسنده ضابطه‌دست وخوش می‌نویسد .

۱۱۲۱) محمد صالح ندائی

در تاریخ افغانستان ، نقل از مجمع الفضلاء آمده است که شاگرد مشفقی بود ودرعلوم متداول دست داشت و مذهّب بود وشعر میگفت ونستعلیق را خوش می‌نوشت ودر پنجاه‌وسه سالگی ، بسال ۱۰۱۱ روانهٔ هندوستان شد وپس از مدتی ازآنجا روانهٔ مکه گردید ودرآخر عمر درسلك صوفیه درآمد .

۱۱۲۲) محمد صالح هروی

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است و بخط وی قطعه یی دارم بقلم سه دانگ و نیم‌دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «مشقه محمدصالح الهروی غفرذنوبه ۱۰۸۷».

۱۱۲۳) محمد بن صالح یازجی‌زاده

از نستعلیق نویسان عثمانی بود واز علوم معقول و منقول بهره داشت و شعر میگفت ونسخه «مغارب الزمان» ترجمه بنظم کرده‌است که نه هزار بیت است . شرحی مختصر به نثر برفصوص کرده وبخط خود نوشته است .

Marfat.com

میرزا حبیب سال وفات اورا دوسال قبل از فتح استانبول یعنی سال ۸۷۳ هجری دانسته است.

۱۱۲۴) محمد صدرالدین

از کاتبان خوشنویس اوایل قرن حاضر است و بخطوی دو نسخه از مصطلحات الصوفیهٔ عبدالرزاق کاشانی دیده‌ام، باین قرار:

یک نسخه بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه المذنب ... صدرالدین محمد بن شمس الدین محمد بن محمد جعفرالالهی النظامی اللواسانی ... بجهت تقدیم ولیعهد گردون مهد دولت علیه ایران [مظفرالدین میرزا قاجار] ... تحریر گردید سنهٔ ۱۳۱۲» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک نسخه بهمان قلم، با تاریخ و رقم: «کتبه العبد ... محمد صدرالدین غفرالله ذنوبه وسترعیوبه فی شهر شوال المکرم من شهور سنهٔ ۱۳۱۱» از متروکات مرحوم تقی دانش.

۱۱۲۵) محمد صدرالدین - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) او را از شاگردان خود دانسته گوید، ولد میرزا رحیم وزیر سابق مازندران فرزند میرزا صادق مستوفی الممالک است بسیار خوش می‌نوشت ونهایت قدرت قلم را داشت، اکنون در گذشته است.

۱۱۲۶) محمد صدرالدین - سید

از نستعلیق نویسان عثمانی است. میرزا حبیب گوید که شاگرد سیاهی احمد افندی وازاو مجاز بود. درنظم ونثر فارسی وترکی وعربی دست داشت.

۱۱۲۷) محمد صدرالدین قزوینی - میر

از سادات سیفی قزوین و فرزند میر شرف قاضی جهان است . در رنگ‌آمیزی و وصالی مهارت داشت و از علم موسیقی و ادوار بهره داشت و تصنیفات و نقشهای نیکو بسته است .

در عالم‌آرای عباسی آمده است که شاگرد مولانا مالک دیلمی است که از خوشنویسان مسلم قزوین بود وتعلیم خط ازاو داشت و محرف‌نویس بود . در ایام جوانی بسیار بامزه می‌نوشت ، اما در آخر عمر بجهت ضعف باصره ترک مشق کرد . خط وی بروش سلطان علی‌مشهدی ، تتبع او بهتراز دیگران کرده بود .

در گلستان هنر است که شاه عباس ازاو تألیف تذکرة الشعرائی را بسبک تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی ، خواست . قریب ده‌سال مبالغ گزافی ازشاه وجه دریافت داشت، ولی کارخودرانتوانست‌تمام کند . چون‌از کارعاجزماند، تذکرة‌الشعرای مرا خواست که با سراجعهٔ‌آن کار خودرا تمام کند . چون کتاب من تمام‌نشده‌بود ، عذر خواستم . چون مأیوس شد نزد شاه بمن تهمت زد که چهل‌وپنج‌سال پیش که پدرقاضی‌احمد ، درمشهد تذکره‌یی از کتابخانهٔ‌آستانهٔ‌رضوی بامانت گرفته وا کنون نزدقاضی‌احمد است ، آنرا بستانند وبمن دهند ، تامن تذکرهٔ‌خودرا تمام کنم . باین وسوسه خاطر شاه‌را ازمن برنجانید وسرا معزول کرد . من درقم مباهله کردم و پس ازیک‌ماه درربیع‌الاول‌سنهٔ ۱۰۰۷ که‌ازاصفهان‌بکاشان‌آمد وازآنجامتوجه خراسان شد ، درحوالی بسطام درگذشت .

۱۱۲۸) محمد صلاح - میر

از کاتبان خوشنویس گمنام نیمهٔ‌دوم‌قرن‌دهم ونیمهٔ‌اول‌قرن‌یازدهم وبخط وی موجود است :

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم دودانگ و کتابت جلی و خفی خوش ، با تاریخ

Marfat.com

و رقم : « فی سنة ست وسبعین و تسعمائة ، المذنب محمد صلاح الکاتب غفرالله ذنوبه وسترالله عیوبه ، فی سنه ۹۷۶ » در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار ، تهران :

یک نسخه مخزن الاسرار نظامی ، بقلم کتابت خفی خوش ، بارقم وتاریخ : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب علی ید الضعیف النحیف ، محمد صلاح الحسینی تحریراً فی التاریخ غرهٔ شهر ذی قعدة سنهٔ ۱۰۲۲ » درمجموعهٔ نگارنده .

۱۱۲۹) محمد ضیاءالدین

معروف به «بیک بازاری» از نستعلیق نویسان عثمانی واز مردم استانبول بود وشاگرد حاجی محمد زکی دده بود ونزد میرزا سنگلاخ نیز تعلیم گرفته است .

۱۱۳۰) محمدطاهر

از کتیبه نگاران قرن سیزدهم وبخط وی موجود است :

کتیبهٔ سردر مسجدشاه قزوین ، بقلم دودانگ کتیبهٔ خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد الجانی محمدطاهر سنهٔ ۱۲۲۲ » .

دوقطعه ، بقلم شش دانگ خوش ، بارقم : « کتبه الخاسر محمد طاهر » در کتابخانه ملی ، پاریس .

محمدطاهر = طاهرهمدانی

۱۱۳۱) محمد طاهر زنجانی ـ سید

از کاتبان گمنام قرن یازدهم وبخط وی موجود است :

یک نسخه گلستان سعدی ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «تمت علی ید . . . خلیفه محمد طاهر بن قوام الدین محمدبن عبدالله الحسینی الزنجانی . . سنهٔ ۱۰۸۱ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه از رقعی، بقلم دو دانگ جلی خوش ، با رقم : «محمد طاهر الحسینی» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

۱۱۳۲) محمد طاهر مجلّد

از خوشنویسان و قطاعان و مجلدان قرن دهم وبخط وی یک قطعه از رقع سلطان مراد در کتابخانهٔ ملی وین است که بقلم دو دانگ متوسط بریده است و رقم وتاریخ دارد : «قطّعه العبد محمد طاهر مجلّد الخاقانی ، فی سنهٔ ۹۶۱» .

۱۱۳۳) محمد طاهر - میرزا

فقط میرزا سنگلاخ نام وی را آورده گوید که شاگرد مالک دیلمی وبسخاوت وشجاعت ولطف طبع مشهور بود . باعلما وحکما محاورات داشت و شعر می گفت : شاه طهماسب صفوی ، وقتی وی را بسفارت نزد شاه سلیم بعثمانی فرستاد و نامه یی مفصل مصحوب وی بود . پس از سه سال توقف در استانبول که در این مدت به قطعه نویسی در دربار سلطان سلیم اشتغال داشت ، پاسخ نامهٔ سلطان را همراه به ایران آورد و از پادشاه ایران لقب اعتماد الدوله گرفت . به سرعت کتابت معروف بود و انواع خطوط را خوش می نوشت . بسی پر کار بود وروزی یکبار بیش ، طعام نمیخورد بسال ۹۷۰ در گذشت .

۱۱۳۴) محمد طاهر منیف افندی - سید

میرزا حبیب گوید که فرزند عبدالنافع وزیر مختار دولت عثمانی در ایران بود و از علوم ادبی و زبان عربی بهره داشت و خط نستعلیق را خوش مینوشت . در مصر واستانبول بامیرزا سنگلاخ آشنا شده واز وی تعلیم خط گرفته و بسال ۱۲۷۰ در گذشته است .

۱۱۳۵) محمد طاهر وحید

فقط محمدصالح اصفهانی (متوفی ۱۱۳٦) وی را جزو خوشنویسان نستعلیق آورده ، گوید که ازخوشنویسان بعدازمیرعماد ومعاصروالدمن (ابوتراب اصفهانی) نواب مغفورسبرور میرزامحمدطاهر وحید اعتمادالدوله است که نزدا کثرشا گردان میر عماد مشق کرده بود وانامل اعجاز آمیز شمایلش در شیرین کاری این فن شکرین قلم وخامه عنبرین شمامه اش بر رخسار صفحه زرین رقم بود » درحالی که ویرا جزو شکسته نویسان یاد کرده وآثاری ازوی دراین خط موجود است . بهرحال محمدطاهروحیدازنشیان زبردست ومورخان شهیر وشاعران دورهٔ صفویه بوده است .

۱۱۳٦) محمدعارف

از خوشنویسان زبر دست گمنام قرن دهم و یازدهم و بخط وی قطعه یی در یک مرقع کتابخانهٔ آستان رضوی درمشهد است ، بقلم سه دانگ و کتابت عالی ، با رقم : «العبد المذنب الفقیر الحقیر محمد عارف غفرالله ذنوبه وسترعیوبه» .

۱۱۳۷) محمد عاقل ترمدی

ظاهراً جز محمد اسمعیل عاقل سابق الذکر و از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم است . بخط وی دیده ام :

دوقطعه ازسرقعی ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد محمدعاقل سنهٔ ۱۱٦٤ » در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه فقیر المذنب محمدعاقل غفرذنوبه ۱۱۱۱ » درموزهٔ باستانشناسی ، دهلی ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، با رقم : « کتبه الفقیر محمد عاقل ترمذی غفرذنوبه» در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد .

۱۱۳۸) محمد عالم

ازخوشنویسان گمنام قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی قطعه یی دریک مرقع کتابخانهٔ بادلیان است ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ متوسط ، بارقم : «سؤلفه و محرره فدوی جناب عالی محمدعالم» .

۱۱۳۹) محمد عاملی بهاءالدین

ازخوشنویسان گمنام قرن دوازدهم است که اقلام مختلف را خوش می نوشته است وازآثار وی دارم :

دوقطعه بقلمهای ثلث دودانگ ـ نسخ کتابت ـ رقاع کتابت ـ شکسته نستعلیق کتابت جلی ـ توقیع کتابت ـ نستعلیق کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «ذرهٔ بی مقدار تحریرنمود . بهاءالدین محمدعاملی ، فی سنه ۱۱۲۸» .

۱۱۴۰) محمد عباس

ازخوشنویسان گم نام قرن دوازدهم وسیزدهم هندوستان و بخط وی یک قطعه درموزهٔ باستانشناسی دهلی است بقلم دو دانگ متوسط ، بارقم : «محمد عباس تحریر نمود» .

۱۱۴۲) محمد بن عبدالله

معروف به « ابولیث ستاران » از خوشنویسان گمنام قرن نهم و بخط وی نسخه یی از «فعلت فلاتلم فی الهیئة» درکتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می شود : «خدم بکتابته اضعف عباد الله المهین المنان محمدبن عبدالله ، المدعو ، بابی اللیث الستاران ، حامداً لله الدیان . وقد اتفق الفراغ من تنمیقه ، فی اواسط شهر الله الاصم الاصب رجب المرجب من سنة ست و عشرین

وثمانمائة هجرية ، ونقل من نسخة سواد مؤلفه طيب الله . . .» اين نسخهٔ نفيس كه مورد مطالعهٔ الغ بيك گوركانى بوده و بخط وى عباراتى درپشت صفحهٔ اول است ، يكى از بهترين نمونه هاى آغاز تكامل خط نستعليق و تغيير شكل آن از قلم تعليق به نستعليق است وبا اينكه خط آنرا بايد نستعليق دانست ، هنوز اثرى از تعليق در آنست ودرعين حال كه نستعليق پخته يى نيست ، درنهايت استوارى است .

۱۱٤۳) محمد بن عبدالله

مشهوربه «شهيدشيرازى» از كاتبان قرن سيزدهم است وبخطوى يك نسخه روضة الصفا ، بقلم كتابت خفى ودودانگ متوسط نوشته شده ودربمبئى بسال ۱۲۷۱ بچاپ رسيده است .

۱۱٤٤) محمد عبدالله شريف ـ سيد

ازخوشنويسان زبردست گمنام قرن نهم ودهم وبخط وى يك قطعه درموزهٔ كابل است ، بقلم دودانگ عالى ، بارقم : «اقل عباد الله الغنى محمد عبدالله الشريف الحسينى غفرالله ذنوبه وستر عيوبه» .

۱۱٤۱) محمد عزيز

ازخوشنويسانى است كه محمد صالح اصفهانى (متوفى سال ۱۱۲٦) اورا جزو درگذشتگان قلمداد كرده گويد : ميرزا محمد عزيز خلف ميرزا محمد رحيم وزيرتوپخانه قطع نظر ازفضيلت وصفاى طينت ، درهرفنى ازفنون خط نستعليق نهايت قدرت وتسلط داشت وپاكيزه و بمزه مى نوشت و خوش نويس بود .

Marfat.com

۱۱٤٥) محمد عسکر ناجی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه یی در یک مرقع آقای مجید موقر است ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «راقمه محمد عسکر ناجی» .

۱۱٤٦) محمد عطا حسین خان - میر

فرزند محمد باقر طغری نویس مذکور است . شعر میگفت و «تحسین» تخلص می کرد ، علاوه بر نستعلیق ، نسخ وشکسته را خوش می نوشت و «مرصع رقم» رقم می کرد .

غلام محمد گوید که قصهٔ چهار درویش را بامر شجاع الدوله بهادر ، صوبه دار اوده (که ازسال ۱۱٦۷ تا ۱۱۸۸ در آن نواحی حکومت داشت) بزبان اردو تألیف کرد .

۱۱٤۷) محمد عطری

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و یازدهم وبخط وی قطعه یی از یک مرقع در خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم دو دانگ و نیم دو دانگ خوش ، با رقم : « کتبه الفقیر الحقیر المذنب محمد الشهیر بعطری الکاتب ، غفر ذنوبه وستر عیوبه» .

۱۱٤۸) محمد علاء الدین

ازمردم رزهٔ باخرز است وشاگرد بی واسطهٔ سلطان علی مشهدی است . صاحب مناقب هنروران گوید که هیچ یک ازشاگردان سلطان علی شباهت خطوی را باستاد نداشته است ، خاصه در کتابت .

علاءالدین در کتابخانهٔ میر علی شیر نوایی پیوسته بمشق اشتغال داشت و ترقیات وی را درخط بواسطهٔ ممارست مشق او در این کتابخانه دانسته اند .

Marfat.com

بعض تذکره نویسان ذکری از نسخهٔ خمسهٔ امیر خسرو دهلوی که او استکتاب کرده ، نموده وخط اورا ستوده اند . صاحب ریحان نستعلیق گوید که محمد معصوم خان حاکم جونپور ، آنرا بهزار سکهٔ زر خریداری کرد .

از تمامی این نسخه خمسه ، فعلاً چند صفحه ، در کتابخانهٔ ملی پاریس است که بقلم کتابت خفی خوش نوشته شده وچنین رقم دارد : «تمت علی یداضعف عبادالله القوی علاءالدین محمد الهروی فی شهور سنه تسع و تسعمائة ، فی قبة الاسلام بلخ» .

۱۱۴۹) محمد علی

ازخوشنویسان دربارشاه عالم ثانی (۱۱۷۳-۱۲۲۱) وسعلم پسراو کام بخش است . درخط نستعلیق پیرو شیوهٔ رشیدا بود . از آثاراو دوقطعه درموزهٔ باستانشناسی دهلی است ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب محمد علی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه» و «محمدعلی ۱۱۹۶»

(به حافظ محمدعلی آتی الذکر نیز مراجعه شود) .

۱۱۵۰) محمد علی ـ حافظ

فرزند هدایت الله زرین قلم خوشنویس ودرمتانت وقوت خط ازپدر خود برتر بود . اگر این حافظ محمد علی واقعاً فرزند زرین قلم باشد ، باید عمری دراز کرده باشد ، زیرا که زرین قلم بسال ۱۱۱۸ درگذشته است وازآثارمحمدعلی تاسال ۱۲۰۲ موجود است .

غلام محمد هفت قلمی ، از یک محمد علی خوشنویس فرزند زرین قلم ویک حافظ محمدعلی نام برده است ودرترجمهٔ حافظ محمدعلی گوید که نستعلیق رابروش رشیدا خوش می نوشت واز خط نسخ نیز بهره داشت واستاد میرزا جوان بخت (فرزند

جلال‌الدین شاه عالم ثانی متوفی سال ۱۲۰۳) بود. قطعه یی بارقم: «حافظ محمد علی‌بن زرین‌قلم» باتاریخ سال ۱۲۰۲ درموزهٔ باستان‌شناسی دهلی‌است که مؤلف فهرست قطعات خوش خط‌آن موزه، کاتب آن را فرزند زرین قلم معرفی کرده است ونام محمدعلی مطلق را که ذکرآن رفت، جداگانه ذکر کرده است که معلم پسر شاه عالم ثانی یعنی کام‌بخش بوده وظاهراً دراینجا خلطی درمطلب شده و محمد علی وحافظ‌محمدعلی ومحمدعلی‌بن زرین‌قلم‌را که درسه‌جا نام‌برده‌اند، باید هرسه یک‌خوشنویس باشد، زیرا که چنانکه گذشت دررقم قطعهٔ موجود درموزهٔ باستان‌شناسی دهلی که بقلم نیم دو دانگ و کتابت خوش نوشته شده است هرسه عنوان یکجا موجود است.

۱۱۵۱) محمد علی ـ میر

وی را شوی گوهرشاد دختر میرعماد دانسته‌اند و میرزاسنگلاخ بوی‌لقب خدیو الخطاطین نیز داده است. میرزا حبیب وسپهر گویند که شعرنیز می گفت و سعمائی بود.

میرزا سنگلاخ گوید که درجوانی مدتی بیمارشد واز نوشتن خط معرض بود؛ ولی پس از بهبود، دوباره بمشق خط پرداخت و با اینکه تعلیم از میر عماد گرفته بود بشیوهٔ سلطان‌علی ومیرعلی هروی می‌نوشت.

تاریخ وفات‌اورا میرزاسنگلاخ سال ۱۰۷۷ وسپهر ۱۰۰۵ ذکر کرده‌اند که درقزوین درگذشت.

۱۱۵۲) محمد علی ـ میر

از خوشنویسان گمنام قرن‌دهم و یازدهم و بخط وی قطعه یی درکتابخانهٔ آستان‌رضوی درمشهد است، بقلم دودانگ و کتابت‌خوش، بارقم‌وتاریخ: «بدار-

Marfat.com

السلطنهٔ سمرقند ، حمیت عن الآفات ، سمت تحریر پذیرفت . فقیر میر محمد علی فی شهور سنهٔ ۱۰۰۱ » .

۱۱۵۳) محمد علی اردبیلی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا جزو خوشنویسانی آورده که تعلیم خط ازاو گرفته وبالفعل تارکند و گوید ، آقا محمد علی اردبیل مسکن ، علاوه برحسن خط ، سواد زیادی دارد .

۱۱۵٤) محمدعلی بیك

عبدالجواد عنقای خوشنویس ، دربارهٔوی نوشته است : «درعهددولت . . . ناصرالدین شاه قاجار . . . محمدعلی بیک . . . ابن . . . حاجی بیژن خان . . . بمنصب نظارت اعلیحضرت . . . مفتخر . . . و بکمالات معنوی و صوری مشتهر . . . بی حشو ملیح . . . شعرش شعری دار . . . نثرش برفراز نثرهٔ فروزان . . . در فن خط نستعلیق فرید و بپایهٔ عماد و رشید . . . در فنون حساب و هیئت و اصطرلاب . . . رموز جغرافیا . . . »

۱۱۵۵) محمد علی تبریزی - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید فرزند میرزا محمد رضا تبریزی و در کتابخانهٔ سلطنتی ملازم است و تعلیم خط ازمن گرفته است و حالا هم گاهی بدیدار من می آید .

۱۱۵٦) محمد علی تبریزی

نسخ نویس معروف ، نستعلیق رانیز خوش می نوشت وازخطوط نستعلیق او

Marfat.com

یک نسخه ترجمهٔ ادعیه است که متن آن بقلم نسخ و ترجمه بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط است وچنین رقم وتاریخ دارد : «هدیّتی الی حضرة الدستور... جناب الامیر میرزا محمد صادق القائم‌مقام... و کتبه الآثم ابن میرزامحمد شفیع ، محمد علی التبریزی ، فی سنهٔ ۱۲۷۲» درمجموعهٔ آقای سلطان‌القرائی .

۱۱۵۷) محمد بن علی - میر

معاصر میرمحمدعلی سابق‌الذکر واز خوشنویسان گمنام است .

بخط وی دیده‌ام :

دوقطعه از یک مرقع ، بقلم سه دانگ و نیم‌دودانگ خوش ، بارقم : «میر محمد بن علی» و «فقیرالمذنب الحقیر میرمحمد بن علی سترالله عیوبهما» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

۱۱۵۸) محمد علی جراح‌نظام

از کاتبان قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه قرابادین صالحی (تحفة‌ـ الصالحین) بسال ۱۲۸٤ در تهران بچاپ رسیده که بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته است .

۱۱۵۹) محمد علی حسینی

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه مقامات حمیدی در کتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی‌است ، بقلم کتابت خوش ، بارقم‌وتاریخ : «کتبه العبد المذنب محمدعلی الحسینی ، فی‌شهر ربیع الاول ۱۲۸۰» .

Marfat.com

۱۱۶۰) محمد علی حکاك ـ میرزا

هفت قلمی گوید که شاگرد میرزا محمد علی بن خیرالله آتی الذکر است، مردی خوش طلعت وخوش محضر ودرسهر کنی، درعصرخود بی عدیل بود وقطعات جلی را خوش می نوشت. علاوه بر نستعلیق، ثلث و نسخ و ریحان را نیز نیکو می نوشت.

۱۱۶۱) محمد علی بن خیرالله ـ میرزا

فرمان نویس بود و نستعلیق جلی و خفی را بشیوهٔ رشیدا خوش می نوشت. مدتی درسر کار عماد الملك گذرانیده است. غلام محمد، در زمان آصف الدوله بهادرخان، اورا ملاقات کرده ومدتها در لکنهو بایکدیگر حشر داشته اند.

آشنائی محمدعلی با هفت قلمی ازآنجا شروع شده است که چون غلام محمد بخطوط استادان علاقه داشته است، براهنمائی قاضی نعمت الله نامی ازشاگردان میرزا محمدعلی بخانهٔ او رفته واو باروی باز هرچه ازاین قبیل آثار هنری داشته بهفت قلمی نشان داده است وهفت قلمی یك نسخه پندنامه و گلستان بخط میرزا محمد علی را پسندیده است.

میرزا محمدعلی درزمان حیات غلام محمد (متوفی سال ۱۲۳۹) درگذشته است.

ازشاگردانش، قاضی نعمت الله و خلیفه بخش الله ومیر نثارعلی را ذکر کرده اند.

۱۱۶۲) محمد علی رضوی

کتیبه نگار زبردست قرن دوازدهم است وازآثاراو کتیبهٔ محراب ایوان طلای نادری آستان رضوی است که قصیده یی ازندیم است وچنین تمام می شود:

Marfat.com

«کتبه محمدعلی بن سلیمان الرضوی غفرالله ذنوبهما فی شهور سنهٔ خمس واربعین ومائة والف» و «کتیبه ثلث ونستعلیق که دراین ایوان زرنشان عالی بخط این بندهٔ عاصی محمدعلی الرضوی است ، قطاعی آن بید اهتمام محمدطاهر ولد استاد مسیح شیرازی باتمام رسید ۱۱٤٦» .

۱۱٦۳) محمد علی سبزواری

از کاتبان گمنام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه رسالهٔ نورانیهٔ یوسفی ازمحمد حسین بن حاج ملاهادی سبزواری ، در کتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی است بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «قدوقع الفراغ من تسوید هذه النسخة الشریفة المسماة بالرسالة النورانیه علی ید اقل الخلیفه . . . محمد علی السبزواری اقل تلامذة صدرالمتألهین . . . حاج ملاهادی السبزواری ادام الله ایام افاداته . . وکان اتمامه بتاریخ لیل یکشنبهٔ بیست ونهم شهر رمضان المبارک ۱۲۷۸» .

۱۱٦٤) محمد علی بن سراج

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) وی را از خوشنویسان زبردست پیش از زمان تألیف تذکرهٔ خود دانسته ، گوید ، میرزامحمدعلی ولدمیرزاسراجای ضابطه‌نویس ، خوش می‌نوشت .

محمدعلی سنگلاخ = محمدعلی قوچانی

۱۱٦۵) محمد علی شیرازی - میرزا

معروف به «منشی» در کتیبه نگاری ونوشتن سنگ‌لوح دست‌قوی داشت واز جمله آثارش عبارتست از :

کتیبهٔ مرمر سر در ورودی مزار میر علاءالدین درشیراز ، بقلم سه دانگ

Marfat.com

کتیبهٔ خوش ، که بامر ناصرالدین شاه قاجار نوشته است و با رقم و تاریخ : « کتبه العبد محمدعلی ۱۲۷٤ » ؛

یک قطعه ، بقلم شش دانگ جلی خوش ، با رقم : «راقمه محمدعلی شیرازی» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

تاریخ وفاتش را سپهر سال ۱۲۷۵ ضبط کرده ، که درست نیست ؛ وصاحب آثارعجم سال ۱۲۸٤ ومدفنش را درشیراز دانسته است .

۱۱٦٦) محمد علی شیرازی - میرزا

فرزند میرزا آقا خان ابن میرزا احمد وقایع نگار درشیراز نشوونما کرد وپس بتهران آمد ونایب عم خود ، میرزاابوالحسن وزیر امورخارجه گردید . پس ازمرگ عمش ، وزارت امورخارجه باو تفویض شد .

در فارسنامهٔ ناصری است که نستعلیق را بپایهٔ استادان ، خوش می نوشت وبسال ۱۲٦۸ درتهران درگذشت .

۱۱٦۷) محمد علی شیرازی - میرزا

فرزند محمداسمعیل معروف به « کشکول» واز کاتبان قرن سیزدهم است .

ازآثاروی یک نسخه رسالهٔ «نصرة الدین »است که بقلم کتابت متوسط نوشته وبسال ۱۲۸۵ ، درتهران بچاپ رسیده است .

دیگر رسایل فارسی اخوان الصفا که بسال ۱۳۰۱ بقلم کتابت و دودانگ متوسط نوشته وبسال ۱۳۰۱ در بمبئی بچاپ رسیده است و رقم دارد : « حرره میرزا محمدعلی الشهیر به کشکول ابن مرحوم میرزا محمد اسمعیل شیرازی طاب ثراه» .

دیگریک نسخه حبیب السیر که بقلم کتابت خفی ودودانگ متوسط نوشته وبسال ۱۲۷۳ دربمبئی چاپ شده است .

Marfat.com

۱۱۶۸) محمد علی شیرازی - میرزا سید

فرزند میرزا سید حسینخان حاکم لارستان بود ، درشیراز متولد شده‌بود .

صاحب آثار عجم گوید که نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر می گفت و «وجدی» تخلص می کرد وبسال ۱۲۹۱ در گذشت .

ازآثاروی ، یک نسخه دیوان ادیب صابر ، در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « حسب الفرمایش . . . بیوك خان افشار . . . سرتیپ فوج مراغه . . . سمت تحریر یافت . کتبه الحقیر الفقیر اقل السادات محمدعلی الحسینی المتخلص بوجدی ، فی شهرصفرالمظفرسنهٔ ۱۲۸٤ »

۱۱۶۹) محمد علی طهرانی - آقا

از کاتبان قرن سیزدهم وسپهر تاریخ وفاتش را سال ۱۲۹۰ ضبط کرده‌است

ازآثارش یک‌نسخه دیوان‌قاآنی است که بقلم کتابت متوسط نوشته وبسال ۱۲۷۷ درتهران چاپ سنگی شده‌است .

۱۱۷۰) محمدعلی قاینی بیرجندی - میرزاسید

از دانشمندان عصر و در علوم فلسفی وهیئت ونجوم و ریاضیات استاد بود .

جز خط نستعلیق ، شکسته تعلیق و شکسته نستعلیق را استادانه می‌نوشت .

قسمت عمده از عمر خود را دراصفهان و برخی ازآن را در تهران گذرانید .

سلطان اویس میرزا احتشام الدوله (معتمد الدوله ثانی) مدتی نزد وی تلمذ کرده است .

میرزا محمدعلی بسال ۱۳۰۵ درتهران درگذشت ودرجوار امامزاده‌یحیی بخاك سپرده شد .

در المآثر والآثار آمده است که ، یک نسخه مثنوی مولانا را بمدت سی سال کتابت و به حاج فرهاد میرزا معتمدالدوله ، اهداء کرده است .

ازخطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه مثنوی مولانا (که ظاهراً همان نسخه‌ایست که ذکر آن در المآثر والآثار آمده است) بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می‌شود : « این کتاب مستطاب . . . قرب سالی پنج می گذشت که برنج کتابت آن مشغول بود . . . تا در این اوقات . . . که مسند حکمرانی به . . . حشمة الدولة العلیه نواب حمزه میرزا . . . که یکی از باریافتگان مجلس سعادت مونس والا بسمع علیه رسانید که فلان دعا گو . . . بقدر وُسع خط در بطی تحصیل کرده سالهاست در پی آن رنجها برده . نواب اشرف والا . . . امر باحضار دین دعا گو فرمودند . . . وداعی شوق محرك شد که این کتاب را تمام وبنام نامی آن شهزاده . . . انجام دهد . وانا العبد الضعیف الداعی محمد علی بن محمد اسمعیل الحسینی القاینی . . . قد شرع فی کتابته یوم الاحد خامس شهر شعبان فی ۱۲۶۶ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه نهایة الایضاح ، تألیف خود وی ، بقلم کتابت خفی نزدیک بغبار خوش ، که چنین تمام می‌شود : «وقد اتفق جفاف القلم ، عن تسویده فی عشر آخر شعبان المعظم من سنة اربعة وسبعین ومائتین بعد الالف من الهجرة النبویة المصطفویة فی بلدة اصفهان صانها الله عن طوارق الحدثان وانا العبد الضعیف الحقیر الفقیر الجانی ، ابن محمد اسمعیل الحسینی محمد علی البیرجندی القاینی وصلی الله . . .» در کتابخانهٔ مسجد سپهسالار ، تهران ؛

یک نسخه تحریر اقلیدس ، بقلم کتابت خفی خوش ، که چنین تمام می‌شود : « سمت اختتام پذیرفت وانا العبد الحقیر الفقیر الجانی ابن محمد اسمعیل الحسینی ، محمد علی البیرجندی القاینی حاسبها الله حساباً یسیراً وکان الفراغ من کتابته و ترسیم اشکاله ، فی عشر آخر ، شهر ربیع المولود من شهور سنهٔ ۱۲۷۴

Marfat.com

من الهجرة النبوية» دردست کتابفروشی ، درتهران .

۱۱۷۱) محمدعلی قمی ، واحد ـ ملا

صاحب ریاض الشعراء وی را جزو خوشنویسان دربار شاه سلیمان صفوی (۱۰۷۷-۱۱۰۵) آورده گوید که در اصفهان بسر می‌برد . وسیع المشرب و حمیده خصال بود و شعر می گفت و «واحد» تخلص می کرد وازآثار منظوم وی یک مثنوی را یاد کرده است .

۱۱۷۲) محمد علی قوچانی ـ میرزا سنگلاخ

از رجال شهیر قرن سیزدهم درممالک اسلامی است . اصلاً ازخاندان قرائی قوچان خراسان بود وخود ، بخودلقب «سنگلاخ» داده وازآن ، وقارومتانت ، اراده کرده است .

از نظم ونثر بی‌بهره نبود ، شعر می گفت ، ولی متوسط و نثراو سبک خاصی است ، درلغت فارسی وعربی دست داشت . ازخطوط مخصوصاً نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت . وخطوط را نیک می‌شناخت .

مردی درویش مسلک ولاابالی ودرعین حال بلندپرواز بود . دردورهٔ طولانی زندگی خود که بیش از یکصد سال بود ، همسری نگزید وغالباً درگردش وسیاحت بود . بیست وپنج سال در عثمانی ومصر گذرانید ودرمحضر محمد علی پاشا و دیگر اعیان مصر وعثمانی ، محترم زیست .

ازفحوای مطالبی که درآثارخود ذکر کرده‌است ، بنظرمیرسد که ازممالک آسیای میانه و افغانستان و هندوستان و آسیای صغیر دیدن کرده و با دانشمندان و هنرمندان آن دیار دیدار نموده‌است ودرهرشهر ازخطوط خود آثاری از قطعات متعدد و کتیبه های معدود باقی گذاشته‌است ، ازجمله کتیبه هائی‌است که درجامع محمد علی پاشا درقاهرهٔ مصر بخط نستعلیق نوشته است .

Marfat.com

معروف و مهم ترین آثار میرزا سنگلاخ یک قطعه سنگ مرمر عظیم است ، بطول دو متر و هفتاد سانتی‌متر وعرض یک متر و سی‌سانتی‌متر ، که سطح آن تقریباً پوشیده از عبارات مختلف ومتن اصلی آن یک « بسم الله الرحمن الرحیم » بقلم یک دانگ کتیبهٔ نستعلیق خوش وتماسی خطوط ونقوش آن برجسته است ، که رقم دارد: « راقمه سنگلاخ خامه روان» وظاهراً مدت هشت سال میرزا سنگلاخ روی آن کار کرده وآنرا برای روی مرقد پیامبر اسلام آماده ساخته‌است وچون حمل آن برای وی بسیار دشوار می‌نموده آنرا بمحمدعلی پاشا تقدیم وتوقع پاداش گزاف داشته ، که چون از دریافت آن مأیوس گردیده است ، عین سنگ را با کشتی باستانبول انتقال داده وبهمان هوس آنرا بسلطان عبدالعزیز خان سلطان‌عثمانی تقدیم داشته وچون ازاین سوی هم سودی ندیده است ، متاع خودرا بوساطت و اقدام میرزا جعفر خان مشیرالدوله که درآن اوان دراستانبول میزیست ، از راه قفقاز ، بایران باز گردانید ودر تبریز ، بمعرض تماشای اهالی گذاشت ، ودرصدد بود که بوسایلی آن را بمشهد منتقل کند که پس از مرگ آنرا بر گوراو نهند ، ولی مدتها گذشت و باین آرزوی خود نرسید وهمچنان‌سنگ درمزار سید ابراهیم تبریز بردیوار منصوب بود که میرزا سنگلاخ در گذشت و او را درمقابل همان سنگ درجوار مزار سید ابراهیم بخاک سپردند .

دربارهٔ سرگذشت این کتیبه ومطالب دیگر درموضوع مکاتبات ومذاکرات میرزا سنگلاخ ، با اعیان عثمانی و مصر ، آقای حاج حسین آقا نخجوانی ، مقاله یی مفصل پرداخته و درشماره اول سال چهارم نشریهٔ دانشکده ادبیات تبریز مندرج ساخته‌اند . برای اطلاع بیشتر در این خصوص بآنجا مراجعه شود .

مرحوم میرزا محمدخان قزوینی در «وفیات معاصرین» آورده‌است که میرزا سنگلاخ ازشاعران وعارفان وخوشنویسان عهد بود ودر خودخواهی و غلو درحق هنر خویش بمرحلهٔ جنون رسیده بود که خودرا آفتاب خراسان وزمین وزمان‌رابندهٔ

Marfat.com

شعر وخط خود می‌دانست که : « بهر کس قطعه یی از خط خود میداد ، این عمل را بزرگترین مرحمت در حق او می‌پنداشته و بهر خاکی که قدم می گذاشته برآن منتی عظیم می‌نهاده است» .

رقمهای مسجع بی‌مزهٔ بارد خودرا که بردنبال خطوط خود می‌نهاده‌است و ازهزارمتجاوز، درکتابی بعنوان «درج‌جواهر» جمع کرده که بسال ۱۲۷۲ درمصر بچاپ رسیده است وازآن‌جمله است رقمهای سنگلاخ رفته بفکر ـ نرّه گدا ـ شکربیز عالی طبع ـ صدرمقام ـ رفته‌بسر ـ دولت مند ـ سلمان سان ـ مؤید ـ نشسته نجم[1] ـ خامه روان ـ دبیر کبیر ـ میرزا سنگلاخیه ـ ابوالبشر ـ روشن ضمیر ـ بی‌عیال و یال و غیره .

از تألیفات وی «مجمع الاوصاف» وآن مشتمل براشعاریست که شاعران در مدیح وی‌سروده‌اندودیگرتذکرهٔ خوشنویسانست، که بآن‌عنوان «امتحان‌الفضلاء» داده وآن دوره کتاب در دو مجلد عظیم با خط خوش و چاپ زیبا ، بسال ۱۲۹۱ در تبریز منتشر شده است .

تذکره وی ، اثر فردی درسبک انشاء است که مهجورترین لغات فارسی و تازی را در آن بکار برده است ، چنانکه اگر لغت نامه یی که خود مانند مفتاح در حاشیهٔ هرصفحه آورده است ، نبود ؛ فهم مطالب آن برای هرخوانندهٔ بصیر و وارد بلغات فارسی وعربی ، دشوار، بلکه ناممکن بود .

چون کتاب تذکرهٔ خوشنویسان است و نگارنده برای تألیف کتاب خود ، خود را ازمطالعه ومراجعهٔ آن بی‌نیاز نمی‌دید ، درصدد برآمدم که برای تسهیل استفاده ازمطالب‌آن ، کتاب را از الفاظ بیهوده منقح سازم و چند ماهی به تلخیص و تنقیح عبارات پرداختم . مطالبی که دست گیرم شد ، درجزوه‌یی که ازیکصد صحیفه کمتر است ، گرد آمد . پس ازآن همه صرف وقت ، معلوم شد که بمطالب آن نمی‌توان اعتماد کرد که جناب میرزافقط خواسته‌است که درتألیف کتاب تفنن

۱ـ این کلمه بخم‌هم خوانده میشود

Marfat.com

درعبارت و انشاء و هنرنمائی درلغت دانی کند و پس از مقابلهٔ مطالب با تذکرهٔ محمدصالح اصفهانی ابن ابوتراب خوشنویس شاگردمعروف میرعماد ، بمن معلوم شد که تذکرهٔ مختصر ولی بسیارمفید محمدصالح را درپیش نظر گرفته ومطالب درست سودمند آنرا درلفاف الفاظ ناهنجار پیچیده ومطالب نامربوط بسیاری بآن افزوده وبا شرح وبسط فراوان فوائد آن نسخهٔ سودمند را مسخ کرده است .

آنچه درنتیجه یافتم اینکه ، اگر « سنگلاخ » اسم با مسمائی است ، برای این کتاب ازشخص میرزا شایسته تر است .

بقراری که خود میرزا یادآوراست ، شاگردان بسیار ، درایران ودرهردیار داشته است که ترجمهٔ هریک را درجای خود آورده‌ام و خواهم آورد .

تاریخ وفات وی را درالمآثر والآثار و منتظم ناصری وغیره هفدهم شهرصفر سال ۱۲۹٤ ، درسنین یکصدوده سالگی ، ضبط کرده‌اند ؛ ولی خود دریک موضع به یکصد وبیست سالگی خود اشاره دارد و گوید که دراین هنگام درتبریز مشغول به نگارش هستم .

ازقطعات خطوطاو بعضی عبارتست از :

سه قطعه بقلم های پنج وچهار وسه دانگ خوش وعالی ، بارقمهای عجیب مذکور ، درمجموعهٔ آقای نخجوانی ، درتبریز ونگارنده .

اما راجع بکیفیت خط میرزا با اینکه نستعلیق ومخصوصاً شکسته نستعلیق راخوش وبسیار استوار می‌نوشته است ، مبالغه درخوشنویسی اورا ، که بعضی اورا اعجوبهٔ دوران و استاد زمان وهم پایهٔ میرعماد ، دانسته‌اند ، بایدحمل به بی‌پروائی کرد ، که مقام شاگردان میرعماد راهم درخط نداشته است ، چه رسداینکه ، خط او بخط استاد استادان زمانه نزدیک باشد .

Marfat.com

۱۱۷۳) محمد علی قوچانی - میرزا

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۹۰ درگذشت.

۱۱۷٤) محمد علی کابلی - غریبی

درمجالس النفایس است که برادر میر سعید کابلی و مردی خوش محاوره وخوش خوی وخوش طبع بود واز موسیقی بهرهٔ تمام داشت و اکثر سازها را خوش می‌نواخت.

خطوطرا خوش می‌نوشت وسلطان حسین میرزا بایقرارا بوی نظرعنایت بود شعر می گفت و «غریبی» تخلص می کرد.

درسنین جوانی، درشهر سمرقند کشته شد.

۱۱۷۵) محمد علی کرمانی - شیخ

فقط میرزا حبیب نام وی را آورده، گوید که شاگرد عبدالرحیم امینی خوارزمی بود.

۱۱۷٦) محمد علی کشمیری

فرزند محمدحسین زرین قلم کشمیری معروف است. نستعلیق جلی را خوش می‌نوشت.

۱۱۷۷) محمد علی کهنه

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) وی‌را جزو خوشنویسانی آورده که بعدازسرگ میرعماد معاصر پدراو (ابوتراب اصفهانی) بوده و گوید محمدعلی مشهوربه کهنه قمی است.

بخط وی یک نسخه اخلاق ناصری در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «تمت فی ید الحقیر الفقیر المذنب محمد علی الشهیر به کهنه . آخر شهر الصفر من سنة اثنان وسبعین والف من الهجرة . . .»

۱۱۷۸) محمدعلی نایب الصدر - حاج میرزا

فرزند محمدرحیم از اشراف ارومیه ونایب الصدر محل بود که بسال ۱۲۸۵ درگذشته است . میرزا محمدعلی مانند پدر درخدمت خلق کوشا بود و ازمعاشرت خوددار . نستعلیق را خوش می نوشت . تاسال ۱۳۱۶ تاریخ تألیف طرایق الحقایق هنوز می زیست .

۱۱۷۹) محمد علی خان نواب هندی

فرزند جعفرعلی خان نواب هندی بود بسال ۱۲۳٤ درشیراز متولدشد وهمانجا کسب کمالات کرد .

ایشان را ازآن رو « نواب هندی » می گفتند که از طرف دولت انگلستان ، کارگزاری امور هندیها را درشیراز می کردند . این یک پس از مرگ پدر با همان سمت درشیراز اشتغال داشت وبامبلغ پانصد تومان مواجب سالیانه معیشت می کرد .

صاحب فارسنامه گوید که نستعلیق را خوش می نوشت و بسال ۱۲۷٦ در شیراز درگذشت .

۱۱۸۰) محمد علی نوری - میرزا

فرزند میرزا حسین علی (بهاءالله ، پیشوای بهائیان) است . تولدش بسال ۱۲۷۰ وبیش از هشتاد سال زیسته است .

میرزامحمدعلی انواع خطوطرا خوش می نوشت ونمونهٔ خطوط : ثلث ونسخ

Marfat.com

و کوفی وشکسته تعلیق و شکسته نستعلیق ونستعلیق او در کتاب پیدایش خط و خطاطان آمده‌است. در مشق جلی دست‌قوی داشت. بعض آثاراو اینست:

یک‌قطعه، بقلم نستعلیق پنج‌دانگ عالی، بارقم: «محمدعلی» نزد آقای محمدعلی ناصح، تهران؛

یک‌قطعه، بقلم نستعلیق پنج دانگ خوش و نستعلیق دو دانگ، با رقم و تاریخ: «محمدعلی ۱۲۹۸» درمجموعهٔ آقای مجیدموقر، تهران؛

سه‌قطعه، بقلم نستعلیق شش دانگ‌ودودانگ‌عالی‌وشکسته‌نستعلیق شش دانگ عالی، بارقم: «بندهٔ محتاج خدای‌غنی، ذرهٔ بیقدر محمد علی» درمجموعهٔ نگارنده.

۱۱۸۱) محمد علی واحد ترکمان قمی

صاحب قصص الخاقانی گوید که فرزند منصوربیک، از تربیت یافتگان شاه طهماسب صفوی ودرسلک هنرمندان کتابخانهٔ همایونی بودوشعرمیگفت و «واحد» تخلص می کرد. نصرآبادی گوید درمثنوی گویی دست داشت ومثنوی «گلشن‌خیال» دربحر حدیقهٔ سنائی اثر اوست. درعلم انشاء وسعمی دست‌داشت ونستعلیق را خوش می‌نوشت. مدتی شاگردی میر عبدالرزاق کاشانی کرده بود.

۱۱۸۲) محمدعلی بن یارعلی

از کاتبان گمنام قرن دهم و یازدهم و بخط وی نسخه یی از دیوان کمال خجندی، وقتی دیده‌ام، بقلم کتابت متوسط، بارقم: «تم الکتاب... علی ید... محمدعلی ابن مولانا یارعلی، غفرالله... سنهٔ ۹۰۳».

Marfat.com

۱۱۸۳) محمد عوّاد

میرزا حبیب گوید که برادر کوچک میرمصطفی است که در جنگ شروان درخدمت عثمان پاشا ، دفتردار بود ودر همان حوالی کشته شد .

هم او گوید که از موسیقی بهره داشت وعود را نیکو مینواخت ودر خط نستعلیق پیرو شیوهٔ امینی بود .

۱۱۸٤) محمد بن غضنفر

از کاتبان و قاطعان گمنام و بخط وی رساله یی بقلم زر و سفیداب و کتابت خوش ، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، که چنین رقم دارد : « قطّعه الفقیر الحقیر محمد بن غضنفر ، از بندگان درگاه ، از زمرهٔ سپاهیان» .

۱۱۸۵) محمد غوث

از خطاطان گمنام ظاهراً قرن یازدهم وبخط وی یک قطعه درمجموعهٔ آقای کریم زاده است ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ متوسط ، بارقم : «محمد غوث غفرله»

۱۱۸٦) محمد فاضل

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم و دوازدهم است وبخط وی دیده ام :

دوقطعه ازمرقع ، بقلم چهاردانگ خوش ، بآب زر ، بارقم : «بندهٔ خاکسار محمد فاضل ، ساکن آن جناب» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت متوسط ، بارقم : «فقیر محمد فاضل غفرله» درموزهٔ باستان شناسی ، دهلی ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «العبد الفقیر . . . محمد فاضل غفرالله ذنوبه ۱۱۰۱» درمجموعهٔ نگارنده .

Marfat.com

۱۱۸۷) محمد بن فخرالدین ـ شیخ

از کاتبان گمنام قرن نهم ودهم است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : «تم الکتاب ... علی انامل العبد ، اقل خلق الله تعالی ، شیخ محمد بن فخرالدین احمد الکاتب السلطانی الهروی ... فی ثانی عشرین شهر رمضان المبارك سنة ثلاث و ثلثین وتسعمائة الهجریة» درموزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی ؛

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «... اختتام یافت ... علی انامل العبد شیخ محمد بن فخرالدین احمد السلطانی ، احسن الله عواقبهما فی سلخ رمضان سنة ۹۱٤ و «شوال ۹۲۱» درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی تهران ؛

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب المجلدات الستة المثنوی ... شیخ محمد بن فخرالدین احمد الکاتب ... سنة اثنین وتسعمائة» درمجموعهٔ آقای دکتر صحت ، تهران ؛

یک نسخه جام جم اوحدی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «محمد بن فخرالدین احمد سنهٔ ۹۱۷» در کتابخانهٔ رامپور هند ؛

نسخهٔ دیگر دیوان جامی بقلم کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «شیخ محمّد بن فخرالدین احمد کاتب سنهٔ ۹۱۹» درمجموعهٔ آقای مجید موقّر ، تهران ؛

یک نسخه دیوان مغربی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «... اضعف عباد الله ، شیخ محمد بن فخرالدین احمد ، عفا الله عنهما سنهٔ ۸۸۹» درموزهٔ آثار ترك واسلامی ، استانبول ؛

که درآثار مذکور ، چندصفحه بقلم رقاع نیز هست واستادی ویرا دراین خط وبرتری آنرا به نستعلیق نشان میدهد .

محمد بن فضل الله = ابوالفضل ساوجی

۱۱۸۸) محمد فیض

در تذکرهٔ روز روشن است که وی متوطن قصبهٔ ملانوه از مضافات لکنهو و دبیر سرکار امیرالدوله انتظام الملک میرزا حیدربیک خان نصرت جنگ بود. خط نستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت.

۱۱۸۹) محمد قاسم

از خوشنویسان گمنام قرن دوازدهم هندوستان و بخط وی قطعه یی دریک مرقع کتابخانهٔ بادلیان است، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ متوسط، بارقم: «کتبه العبد محمد قاسم».

۱۱۹۰) محمد قاسم

از خوشنویسان گمنام قرن سیزدهم است و بخط وی قطعه یی دارم، بقلم شش دانگ وسه دانگ خوش خوش، با رقم و تاریخ: «العبد الآثم محمد قاسم سنهٔ ۱۲۹۹».

۱۱۹۱) محمد قاسم بخاری

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه یی درمرقع بهرام میرزا در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش، بارقم: «محمد قاسم البخاری».

Marfat.com

محمدقاسم تبریزی قاسم تبریزی

۱۱۹۲) محمد قاسم جرجانی

ازخوشنویسان زبردست گمنام قرن دهم ویازدهم است وبخط وی قطعه یی دارم بقلم‌دودانگ و کتابت‌خوش ، بارقم : « کتبه‌العبد المذنب الخادم بالمشهد الغری محمد قاسم‌الجرجانی غفرله» .

۱۱۹۳) محمد قاسم‌بن شادیشاه

بعضی‌مانندمحمدصالح اصفهانی‌وی‌راشاگردبی‌واسطهٔ سلطان‌علی‌مشهدی وقرینهٔ سلطان محمدخندان وبعضی شاگرد سلطان محمد خندان می‌دانند و غالب وی را بلطف وملاحت ونازکی قلم ستوده‌اند . بعضی‌اورا بطیءالکتّابه دانسته‌اند وازجمله صاحب گلستان هنر گوید که روزی پنج بیت می‌نویسد و در نقد خط او گوید که قطعه‌نویس است و با اینکه خط او بسیار بامزه است ، ولی خط ساز است وباصطلاح خودش : « قلم دردست وقلم تراش درمشت » دارد ونوشتهٔ خود را اصلاح می کند .

صاحب تذکرهٔ بی‌نام که معاصر محمد قاسم است ، گوید که صبح وشام ، بکتابت مشغول است و برای امرا وسلاطین وحکام می‌نویسد و هم او گوید که سرعت کتابت‌ندارد .متأخرین تذکره‌نویسان،ازجمله‌میرزاحبیب‌وصاحب‌پیدایش خط وخطاطان گویند که محمدقاسم شادیشاه ، با میرعلی هروی معاصر ومعاندبوده ودرهجو میرعلی گفته است :

گران کاتب که دارد دعوی خط
هوای خودپسندی برده هوشش
از آن رو خط او اصلی ندارد
که تعلیم کسی نشنیده گوشش

و میرعلی درجواب گفته است :

پسر نا قبول شادیشاه چون پدر ناقبول ومنکوب است

خط بی نقل او نباشد خوب اگرآن نقل میکند خوب است

که [نه] دیگری ازسورخان متقدم باین معنی متذکرند ونه این ماجری را میتوان بدو هنرمند بزرگ عالی مقام نسبت داد .

ازشاگردان معروف محمدقاسم شادیشاه ، نام : عیشی - محیی - سلطان محمد تربتی - محمدحسین باخرزی را ذکر کرده اند .

تاریخ وفات اورا کسی نیاورده است ، ولی صاحب خلاصة التواریخ و گلستان هنر گویند که تاسان . ۹۵ درقیدحیات بوده است وصاحب تذکرهٔ بی نام گوید که : «دراین تاریخ که سال . ۹۶ است آن جناب درقید حیات است ودرنظر خاص و عام عزیزالوجود .» .

از خطوط وی دیده ام :

یک نسخه دیوان امیرشاهی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم و تاریخ : « کاتب العبد محمد قاسم شادیشاه غفر ذنوبهما وستر عیوبهما ، فی شهور سنهٔ ۹۰۵ » در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران ؛

یک نسخه گوی و چوگان عارفی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت . . . علی ید . . . محمدقاسم شادیشاه غفرذنوبهماوسترعیوبهما ، بدارالسلطنه هرات » . در . . .

دوقطعه ، بقلم چهاردانگ ودودانگ و کتابت جلی و خفی خوش ، بارقم : « کتبه محمدقاسم غفرله» ، در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ،

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : «عبده محمد قاسم غفر ذنوبه» در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : « کتبه محمد قاسم شادیشاه غفر ذنوبهما» در مجموعهٔ آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

Marfat.com

یک‌قطعه ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبه محمدقاسم بن شادیشاه غفرذنوبهما وسترعیوبها» درمجموعهٔ نگارنده ؛

دوقطعه دردومرقع ، بقلمهای چهاردانگ ودودانگ ونیم دودانگ و کتابت خوش و عالی ، با تاریخ و رقمهای : « فی شهور سنة اثنین و ثلثین و تسعمائة ، بید الحقیر محمدقاسم بن شادیشاه» و «مشقه العبد محمدقاسم بن شادیشاه» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک‌قطعه ازمرقع محمدمحسن ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت خوش ، بارقم: «عبده محمد قاسم بن شادیشاه غفر ذنوبهما» درهمان کتابخانه ؛

هفت قطعه ازمرقع سید احمد مشهدی ، بقلمهای دو دانگ و نیم دو دانگ خوش وعالی ، بارقمهای : «عبده محمدقاسم» ومانندآن ، درهمان کتابخانه ؛

بیست و دو قطعه از مرقع بهرام میرزا ، بقلمهای ازدو دانگ تا کتابت خوش ، بارقمهای : «العبد المذنب محمد قاسم بن شادیشاه» ومانندآن ، درهمان کتابخانه ؛

سه‌قطعه ازمرقع امیرغیب بیک ، بقلمهای ازدودانگ تا کتابت خوش وعالی ، بارقمهای : «عبده محمد قاسم بن شادیشاه» ومانندآن ، درهمان کتابخانه ؛

دو قطعه در دو مرقع ، بقلم نیم دو دانگ خوش ، با مرکب چهره‌یی روی کاغذ لاجوردی ، با رقم : « العبد محمد قاسم غفر ذنوبه » در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول :

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم: «این مرقع باسم میرهادی . . عبده محمدقاسم» ، درکتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول .

۱۱۹۴) محمد قاسم بن غیاث‌الدین

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن دهم و بخط وی یک‌نسخه ازدیوان حافظ

Marfat.com

در کتابخانهٔ ملی تهران است ، با تاریخ ورقم : «تمت الکتاب بعنایت الکریم الوهاب فی تاریخ شهر رمضان المبارك سنهٔ ۹۳۶ ، کتبه العبد المذنب الراجی محمد قاسم . . . بن غیاث الدین» که یک اسم بعد از محمد قاسم وپیش از غیاث الدین محو شده است و بهرصورت اگر نام محو شده «شادیشاه» نباشد بخط خوشنویسی مانند محمد قاسم شادیشاه یا محمد قاسم بخاری سابق الذکر است .

۱۱۹۵) محمد قاسم بیك قاجار

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید ، دوات دار نقوش خاتم سلطانی وقلم دودانگه امروزه دربند ایشان است .

۱۱۹۶) محمد قاسم قزوینی

از کاتبان گمنام قرن دهم است و بخط وی یک نسخه دیوان امیرشاهی در دست فروشنده‌ای دیدم که بشیوهٔ سلطان محمد خندان بقلم کتابت جلی متوسط نوشته است بارقم وتاریخ : «کتبه العبد محمد قاسم قزوینی سنهٔ ۹۸۵» .

۱۱۹۷) محمد قاسم لاهیجی حایری

ازخوشنویسان گمنام قرن دهم است وبخط وی دیده‌ام :

چهارده قطعه ازمرقعی ، بقلمهای سه دانگ ودودانگ و کتابت خوش ، با رقمهای : «مشقه العبد محمد قاسم الحائری» و «العبد قاسم غفرذنوبه» و «فقیرقاسم الجیلانی عفی عنه» و «کتبه الفقیر محمد قاسم لاهیجی» و «المذنب قاسم غفرذنبه» ومانند آن ، وقطعه شعری دارد ، باین قرار :

«خواستم تا بموجب دل خواه آورم تحفه یی بخدمت شاه

در خیال آنچه نقش می‌بستم هیچ جز خط نبود در دستم
از کرم عذر بنده را بپذیر که بود تحفهٔ فقیر ، حقیر

مشّقه قاسم»

درهمین مرقع قطعه یی است که رقم: «مشّقه العبد محمدقاسم بن شادیشاه» دارد ؛ که بانظراول چنین پنداشته می‌شود که باقی قطعات که رقم محمدقاسم ندارد نیز از محمد قاسم شادیشاه باشد ؛ ولی جامع مرقّع آنرا از خطوط خوشنویسان بنام محمدقاسم مجموعه یی ساخته است ، بدون اینکه نظر بمحمدقاسم خاصّی داشته باشد .

۱۱۹۸) محمد قاسم بن محمد میرك حسینی

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم است وبخطوی یک نسخه حدیقة‌الحقیقه سنائی دارم که بقلم کتابت خفی خوش نوشته است وچنین تمام می‌شود : « تمت الکتاب بعون الملک الکریم الوهاب ، علی ید العبد المذنب الراجی محمد قاسم بن محمد میرك الحسینی الاستادی ، فی شهور سنه ۱۰۵۱ »

۱۱۹۹) محمد قاسم ملك‌الشعراء

فرزند فتح علی خان صبا ملك‌الشعرای کاشانی و برادر محمد حسین خان عندلیب ملك‌الشعراء وعم محمود خان ملك‌الشعراء است .

مردی دانشمند و هنرمند وسخن دان ومورخ وحکیم وشاعر بود و « فروغ » تخلص میکرد . درنقاشی ومنبت کاری دست داشت وهمهٔ خطوط راخوش می‌نوشت . بسیار خوش محضر و بذله گو بود . مدتها در خراسان گذرانید و بتهران باز گشت و منزوی شد .

بقول صاحب المآثر والآثار در بیست‌وهفتمین سال جلوس ناصرالدین شاه (سال ۱۲۹۱) درگذشت .

Marfat.com

۱۲۰۰) محمد قاسم منجّم

از خوشنویسان گمنام قرن دهم و بخط وی قطعه یی از مرقع بهرام میرزا در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه العبد محمدقاسم المنجم» وسطوری نیز بخط نسخ خوش دارد .

۱۲۰۱) محمد قدسی - میرزا

از کاتبان خوشنویس قرن سیزدهم وچهاردهم وازجمله آثارش ، کتاب آثار عجم است که بخط نستعلیق جلی کتابت خوش نوشته وبسال ۱۳۱٤ درتهران بچاپ رسیده است .

۱۲۰۲) محمد قطب الدین حسینی

از کاتبان گمنام قرن دهم وبخط وی یک نسخه دیوان حافظ در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تمت الکتاب بتاریخ سلخ محرم الحرام سنه ست وسبعین و تسعمائة ، کتبه العبد الفقیر الداعی قطب الدین محمد الحسینی غفرالله ذنبه ، درمشهدمقدس اقدس نوشته شد» .

۱۲۰۳) محمد قطب الدین بن محمدتقی

از کاتبان گمنام قرن یازدهم وازجملهٔ آثارش یک نسخه شرح قصیدهٔ نونیّهٔ جامی ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « خدایگانی ولی الانعامی میرزا شاه ابوالمهدی ... حسب الامر... بتسوید این نسخهٔ گرامی ... این بندهٔ زادهٔ قدیمی ... بتاریخ جمیدی الاول سنهٔ ۱۰۸۳ ، در قصبهٔ ماهان ... صورت اتمام یافت . حرره العبد ، ابن محمد تقی ، قطب الدین محمد » .

Marfat.com

۱۲۰۴) محمد قطب‌الدین یزدی

جوانی‌را دریزد گذرانیدوبعدها ببغداد انتقال یافت . صاحب‌مناقب هنروران بسال . ۹۹ اورا دربغداد ملاقات کرده است واین درهنگامی بوده که قطب‌الدین مأمور دفترداری خزینهٔ بغداد بوده‌است . درآن تاریخ قطب‌الدین بیست‌سال بیش بوده که درآن شهر می گذرانیده است .

قطب‌الدین باصاحب مناقب هنروران آشناوسأنوس ومحشورشده واین یک اوصاف حمیده واستادی وی‌را در خط‌نویسی و خطشناسی ستوده است وهم او گوید که‌چهاراستاد : مقصود علی‌ترك ، میرمعز کاشانی ، مالک‌دیلمی ومیرحیدربخاری راشاگردی کرده ، ولی بیش از همه اسلوب مالک را اخذ کرده است و از مشاهیر شاگردانش ، میرمصطفی بغدادی است .

قطب‌الدین مؤلف تذکره‌یی‌است که ترجمهٔ پنجاه‌ودو خوشنویس را درآن گرد آورده بود ، واکنون دردست نیست ؛ ولی عالی افندی ، درزمان سلطان مراد خان پادشاه عثمانی ، آن را به‌ترکی ترجمه کرده و ترجمهٔ چند خوشنویس دیگر ، ازجمله شرح‌حال خود قطب‌الدین یزدی را بآن افزوده است .

این تذکره که بچاپ رسیده ودردست است یکی‌از جامع‌ترین و معتبرترین تذکره‌های خوشنویسان است .

حیات‌قطب‌الدین تاسال . . . ۱ هجری‌معلوم [است] ومعین نیست که‌تاچه زمان پس ازآن تاریخ زیسته است .

ازآثاروی فقط دوقطعه تاکنون دیده‌ام :

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم‌سه‌دانگ و کتابت‌خوش ، بارقم‌وتاریخ : « کتبه قطب الدین محمد الیزدی غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، فی بغداد ، سنه ۹۸۸ » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه العبد

الحقیر المذنب قطب الدین محمد یزدی غفرالله له ۹۷۸ ، جهت امیر کمال الدین محمد شیرازی ، سمت تحریر یافت ، در بلدهٔ بغداد» در مجموعهٔ نگارنده .

۱۲۰۵) محمد قلی خان

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) گوید حاکم کرمانشاهان است وقتی اینجا (اصفهان) بودند دماغ مشق نستعلیق و نسخ هردو را داشتند . بعد از فراغ ازمباحثه ، مشق می‌فرمودند وخوب می‌نوشتند .

۱۲۰٦) محمد قلی کاتب

از کاتبان خوشنویس گمنام قرن دهم و بخط وی یک نسخه چهل حدیث در سوزهٔ کابل است ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت هذه الاربعین علی ید . . . محمد قلی الکاتب غفر ذنوبه ، فی تاریخ شهر ربیع الاول سنة ثلث وخمسین وتسعمائة» .

۱۲۰۷) محمد قوام شیرازی

از کاتبان پر کار قرن دهم است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه صفوة الصفی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « قد اتفق الفراغ . . . محمد القوام الکاتب الشیرازی المشهور بحمّاسی . . . تحریراً فی شهر شوال سنة ثمان وخمسین وتسعمائة الهجریة» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « تم الکتاب . . . علی ید تراب الاقدام محمد القوام الکاتب الشیرازی» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه گلستان وبوستان سعدی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : «تم الکتاب کتبه محمد قوام شیرازی غفرله» درنزد آقای اسفرجانی ، اصفهان ؛

یک نسخه دیوان شاهی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه محمد قوام» درموزهٔ آثار اسلامی وترك ، استانبول ؛

یک‌نسخه شاهنامهٔ‌فردوسی ، بقلم کتابت‌خوش ، بارقم: «محمدالقوام .. درشهر شیراز» در همان موزه ؛

یک‌نسخه هدیةالملوك و هدایةالسلوك ، بقلم کتابت‌جلی‌خوش ، بارقم : « تم الکتاب ... علی ید ... محمد القوام الشیرازی » در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک‌نسخه رباعیات خیام ، بقلم کتابت‌متوسط ، بارقم‌وتاریخ : «تم الکتاب .. فی تاریخ سنه ثمان وخمسین وتسعمائة ، علی‌ید تراب‌اقدام ، محمدالقوام‌الکاتب الشیرازی» در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه ، تهران ؛

یک‌نسخه خمسه نظامی ، بارقم‌وتاریخ : «محمدالکاتب‌الشیرازی‌المشهور بحمامی ۹۴۳ » درمجموعهٔ کورکیان ، نیویورك ؛

یک‌نسخه دیوان حافظ ، بارقم : «محمدالشیرازی‌المشهور بحمامی . ۹۵ » درمجموعهٔ زاندر Zander ؛

یک‌نسخه یوسف‌وزلیخای‌جامی ، بقلم کتابت‌متوسط ، بارقم: «محمدقوام» درتاریخ ۹۵۴ ، درکتابخانهٔ دانشگاه ، کیمبریج ؛

نسخه‌دیگر یوسف‌وزلیخا ، بارقم : « محمد القوام الشیرازی » درکتابخانهٔ ایندیاآفیس ، انگلستان ؛

نسخهٔ‌دیگر خمسهٔ نظامی ، بارقم : «محمدقوام‌الکاتب‌الشیرازی‌المشهور بحمامی» باتاریخ ۹۵۰ ، درکتابخانهٔ مدرسهٔ السنهٔ شرقیه ، لنین گراد ؛

نسخه‌دیگر خمسهٔ نظامی ، بارقم : «محمد قوام‌الکاتب الشیرازی معروف بحمامی» باتاریخ ۹۵۱ ، درموزهٔ طوپ‌قاپوسرا ، استانبول ؛

یک‌نسخه سبحةالابرار جامی ، بارقم ، «محمدالقوام الکاتب الشیرازی» و تاریخ ۹۵۸ ، درمجموعهٔ کورکیان ، نیویورك .

Marfat.com

نسخهٔ دیگر شاهنامهٔ فردوسی ، بارقم : «محمد القوام الشیرازی » و تاریخ ۹۶۰ ، درسوزهٔ هنرهای زیبا ، بستن ؛

یک نسخه هفت اورنگ جامی، بارقم: «محمد القوام الشیرازی» در کتابخانهٔ بادلیان ، دوبلین ؛

یک نسخه کلیات سعدی ، بارقم : « محمد القوام الشیرازی » درمجموعهٔ کورکیان ؛

یک نسخه مثنوی خضرخان و دولرانی امیر خسرو ، با رقم : «محمد القوام الکاتب الشیرازی» درهمان مجموعه .

۱۲۰۸) محمد قوللر آقاسی ـ میرزا

محمدصالح مازندرانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجزوشاگردان خودشمرده گوید ، ازخوشنویسان معروف است .

۱۲۰۹) محمد کابلی ـ میرزا

در تذکرهٔ صبح گلشن است که شعر می گفت و «تمنّی» تخلص می کرد . درمصاحبت عبداللطیف خان تنها ، از کابل به دهلی رفت وازطرف فرخ سیر مأمور کتابت یک شاهنامه شد . باین کارشروع کرد ، ولی آنرا ناتمام گذاشت وبمرشدآباد شتافت وبخدمت علی وردی خان ناظم بنگاله پیوست و بخطاب خانی سرفراز شد و همان جا بود ، تابسال ۱۰۶۰ درگذشت .

۱۲۱۰) محمد کاتب

خوشنویس گمنامی ازقرن دهم است که جزنستعلیق ، سایراقلام رانیز خوش می نوشته است . بااین رقم دیده ام :

Marfat.com

یک نسخه قرآن که متن آن بنسخ وریحان وآخر برقاع وفالنامهٔ منظوم ضمیمهٔ آن بقلم نستعلیق نیم دو دانگ متوسط است و چنین تمام می‌شود : « شرّف بکتابة هذه المجید و الفرقان الحمید محمد الکاتب فی سنهٔ ۹۵۶ » وقسمت نستعلیق باین عبارت ختم می‌شود : «فرغ من تتمیم هذه القرآن ، فی یوم الاحد عاشر شهر رجب سنه ۹۵۷ » درموزهٔ آثار اسلامی وترك ، استانبول ؛

یک قطعه ازمرقعی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : « کتبه العبد الغریب المذنب محمد الکاتب اصلح الله شأنه ابداً بمحمد و آله ، بدار السلم بغداد » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول .

ممکن است که این نسخه قرآن وضمایم آن بخط همان شاه محمد کاتب باشد که ذکر آن گذشت ، که آن یک نیز باقلام مختلف آشنا بوده است .

۱۲۱۱) محمد کاتبی ترشیزی

پدرش عبدالله وازقریهٔ دراوش ترشیز بود . درجوانی به نیشابور آمد واز سیمی نیشابوری تعلیم خط گرفت و کاتبی خوشنویس شد ودرشعر نیز بمناسبت پیشهٔ خود ، « کاتبی» تخلص کرد .

صاحب مناقب هنروران اورادرجزو چهل تن هنرمندان دربار بایسنغرمیرزا نام برده‌است .

چون درنیشابور استادش ، سیمی ازوی دل گران شد ، قصد هرات کرد و درآنجا بی‌تعین وتکلف می‌زیست .

وقتی بایسنغر میرزا گورکانی ، او را بجواب قصیدهٔ کمال‌الدین اصفهانی تشویق کرد و کاتبی آن قصیده را استقبال کرد ونیکو کرد ، ولی یارانش بآن وزنی ننهادند واو دل گیر شد و از هرات رخت باستراباد کشید و از آنجا روانهٔ شروان شد وامیر شیخ ابراهیم شروانی مقدم او را گرامی داشت و باو زرفراوان داد و کاتبی

Marfat.com

همه را در اندك زمانی برانداخت و روانهٔ آذربایجان شد و قصیدهٔ غرائی در مدیح اسکندربن قرایوسف گفت . چون آن ترکمان چنانکه باید بلندی سخن اورا درنیافت رنجیده از تبریز باصفهان رفت وبخدمت خواجه صاین الدین ترکه رسید ورساله یی در تصوف نزد خواجه گذرانید وازدنیا معرض شد و باجازت خواجه قصد دارالمرز کرد ودراستراباد مقیم شد .

دیوان اشعار وچندمثنوی او متداول است .

کاتبی بسال ۸۳۹ دراستراباد دروبای عام درگذشت ودر جوار مزار امامزاده معصوم ، که به بند گوران معروف است ، بخاك سپرده شد .

۱۲۱۲) محمد کارگزار - میرزا

درفارسنامهٔ ناصری است که فرزند حاج میرزا اسدالله شیرازی بود و بسال ۱۲۵۲ درشیراز متولد شد .

درجوانی کسب علوم ادبی کرد وهمهٔ خطوط ، خاصه نستعلیق را خوش می‌نوشت . بسال ۱۲۸۷ کارگزار بوشهر وبسال ۱۲۹٤ رئیس التجار شیراز شد و بسال ۱۳۰۱ به کارگزاری ایالت فارس و وزارت وظایف و مستمریات برقرارشد .

۱۲۱۳) محمد کاشانی - میرمعزالدین

میر معزالدین محمد ، معروف به « میر معز » ازسادات حسینی کاشانی واز مشاهیر خوشنویسان عصرخود ودر خط نستعلیق شاگرد میر هبةالله کاشانی بود . میر معز شعر می گفت و «معزی» تخلص می کرد .

اورا به مهارت درهنر ومکارم اخلاق ستوده‌اند :

صاحب مجمع الخواص گوید که جوانی بسیارملایم ومصاحب وخوش طبع وخوش سلیقه است .

صاحب گلستان هنر گوید که پیوسته به گشت بازار می‌پرداخت و مردی فانی و لاابالی بود.

تقی‌الدین کاشانی معاصروی، درتذکرهٔ خلاصة‌الاشعارخود، اورابه‌محاسن آداب و تواضع و کسر نفس، ستوده گوید که بهر صنعتی و بهر شیوه‌یی از خط که میل کرد، دراندك فرصتی آن‌را چنان‌حاصل کرد که‌استادان، درسی‌سال آن‌چنان نتوانندوصاحب هرشیوه، خط خودرا ازخطوی تشخیص ندهد. درجمیع خطوط ماهر بود، ولی بیشتر میل به‌نستعلیق داشت.

صاحب مناقب هنروران بنقل قول ازمالك دیلمی، گوید که وی استادمسلم عصر و درعراق بی‌مانند است وخود گوید که خطش دلپذیر و عزیز است.

(این قول صاحب مناقب هنروران ظاهراً اشاره به‌مفادمقدمهٔ مرقعی است که در ترجمهٔ احوال مالك دیلمی عیناً نقل کردیم و متأسفانه قسمت آخر آن مقدمه، آنجا که باید ذکر خوشنویسان معاصر مالك و از جمله ترجمهٔ میر معز باشد، ساقط است).

درمآثر رحیمی آمده است که یک‌مثنوی بنام خان‌خانان، عبدالرحیم‌خان سروده بودند؛ آن را بکاشان نزد میر معز فرستادند، او آنرا استکتاب کرد و نزد خان خانان فرستاد ویک لك روپیه جایزه دریافت.

تقی‌الدین کاشانی، باین مطلب اشاراتی دارد که در ضمن ستایش از هنر او، آورده است: «در وادی نستعلیق ازجملهٔ استادان است، بلکه قدوهٔ ایشان و شهرتش درآن فن، در ربع مسکون درجه‌یی دارد که مزیدی برآن متصورنیست، چنانکه قطعه‌های پر زیب و زینتش بمرتبه‌یی رسیده که سلاطین صاحب تمکین، ازاقصی‌بلادعالم، رسولان به‌دارالمؤمنین کاشان فرستاده، مرقعات معجزآیاتش را می‌طلبند و دراین اوقات لطافت و پختگی خطش به جایی رسیده که هزار بیت کتابتش را باانتظار بیش‌ازحد به‌ده‌هزار خریداری می‌نمایند.»

صاحب عالم آرای عباسی هم شاید با توجه باین خوش بینی تقی الدین و مبالغه در تمجید خط میرمعز اشاره دارد که گوید : اعتقادی که اهل کاشان وعراق بخط وی داشتند ، خالی از صحت است ، و بخوشنویسان خراسان ، مانند خواجه محمود شهابی ومیرزا سیداحمد مشهدی ، برابری نمی کرد .

اگرچه تقی الدین در حسن خط میرمعز ، شاید بمناسبت هم‌شهری بودن ، راه مبالغه پیموده است ؛ ولی قول صاحب عالم آرا نیز روانیست . زیرا که از آثار خطوط جلی وخفی موجود میرمعز ومقایسه و مطابقه با خطوط محمود شهابی و سید احمد مشهدی ، بخوبی میتوان دریافت که مایه واستواری وملاحت و شیوایی خط او ، بخط خواجه محمود ، برتری دارد وازخط میرزا سید احمد که در کتابت استاد مسلم است ، فروتر نیست ؛ واز قطعات متعددی که بخط وی دیده‌ام ، یکی که در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است وتاریخ سال ۹۸۱ دارد وبقلم سه‌دانگ نوشته ازجملهٔ بهترین قطعات خطوط نستعلیق است ودرجهٔ ممتاز دارد .

صاحب مناقب هنروران ازجملهٔ شاگردان میرمعز ، نام : محمدتقی مروارید و ملا مظفرعلی و ملا هدایت‌الله اصفهانی و مهدی قولی و ایلچی ابراهیم را ، ذکر کرده است .

تاریخ وفاتش را صاحب گلستان هنر سال ۹۹۰ وصاحب مناقب هنروران ۹۹۰ ضبط کرده‌اند .

بعض تذکره‌نویسان متأخر ، شرح زندگی میر معز را بامیرمعز دیگری که یزدی بوده است ، خلط کرده و گفته‌اند که درزمان شاه عباس اول بهندوستان رفت ودر دورهٔ اکبر پادشاه وجهانگیر پادشاه درآن سرزمین اقامت کرد وملازم شاهزاده پیروز شد و بسال ۱۰۳۵ مقتول گردید ؛ درصورتی که تذکره نویسان معاصر وی مانند صاحب عالم آرای عباسی و گلستان هنر ومجمع الخواص ، اورا ازخوشنویسان دورهٔ شاه‌طهماسب دانسته و اشاره‌یی به‌مسافرت او بهندوستان نکرده‌اند . شاید این

Marfat.com

سهو از اینجا حاصل شده باشد که صاحب گلستان هنر گوید که : خطوط او هرچه نوشت ، تجار بهندوستان بردند و ببهای گزاف فروختند .

میرزا سنگلاخ ، بحسب معمول خود ، اخباری جعل کرده وباونسبت داده واورا به «صدر آفاق» ملقب ساخته است و گوید که شاگرد طرف توجه محمدحسین تبریزی ومورد طعن میرعماد بود ودر معارضهٔ میرمعز بامیرعماد ، شاه‌عباس و علی رضای عباسی ، از محمد حسین جانب داری کردند . که خافت این اقوال روشن است و همین قدر باید دانست که درسال مرگ میرمعز ، هنوزمیر عماد بدربار شاه عباس راه نیافته بود .

از اشعارش قطعه یی است که چون ذکر چند تن ازخوشنویسان معاصر پیش از خودرا درآن کرده است ؛ عیناً نقل می‌شود :

فرید خطهٔ خط سید احمد مشهد
که دست قدرتش ازروی خط گشود نقاب
وحید دهر محمد حسین تبریزی
که ازسحاب قلم می‌نشاند درّ خوشاب
دو خوشنویس چوسلطان‌علی ومیرعلی
بشأن و مرتبه چون ابن مقله و بوّاب
ز رشحهٔ قلم مشکبار این هر دو
چو شد صحایف آفاق پر ززینت‌وتاب
معزی از پی تاریخ شد بخواب شبی
درین خیال که خوابش ربود دید بخواب
که‌آن دو کاتب قدرت‌نویس را تاریخ
نوشت کاتب تقدیر ، (قبلةالکتاب)

که مقصود ازدو کاتب ، سیداحمد مشهدی ومحمدحسین تبریزی است و تاریخ

Marfat.com

وفات آنها می‌شود سال ۹۸۶ . این قطعه در ترجمهٔ سید احمد مشهدی آمده است ؛ ولی چون این قطعه با آنکه سابقاً ذکرشد ، جزئی اختلاف در بعضی الفاظ و شماره ابیات دارد ، آنرا نیز از مجموعهٔ خطی متعلق بخود ، که تاریخ کتابت آن ۹۹۰ است ، نقل نمود . . .

ازخطوط میرمعز دیده‌ام :

یک‌نسخه مقالات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم دودانگ عالی ، با رقم و تاریخ : « کتبه‌الفقیر المذنب معزالدین محمدالحسینی الکاتب ، سنهٔ ۹۸۵ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران [٤]

یک‌قطعه ازمرقع ، بقلم سه‌دانگ خوش ، بارقم‌وتاریخ : « کتبه‌معزالدین محمدالحسینی ، سنهٔ ۹۸۷ » در همان کتابخانه ؛

۱۷ قطعه‌ازمرقعات‌مختلف ، بقلمهای‌ازچهاردانگ تا کتابت‌عالی‌وخوش، بارقمهای : « کتبه معزالدین محمد الحسینی» و تاریخهای : ۹۸٤ و ۹۸۷ و جزو همین قطعات بهترین خطی که ازاو دیده‌ام ، بقلم سه دانگ جلی ممتاز، با رقم و تاریخ : « کتبه معزالدین محمد الحسینی ۹۸۱ » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک‌قطعه‌ازمرقع محمدصالح ، بقلم‌سه‌دانگ و کتابت‌خوش ، بارقم‌وتاریخ «مشق معزالدین محمدالحسینی ، فی سنهٔ ۹٦۸ » درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه ازمرقع امیر غیب‌بیک ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « العبد معزالدین محمد الحسینی غفرذنوبه ، سنهٔ ۹٦۲ » در همان کتابخانه ؛

دوقطعه ازمرقع مالک دیلمی ، بقلم سه‌دانگ ودودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخهای : « کتبه معزالدین محمد الحسینی غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، فی‌سنهٔ ۹٦۲ » و « کتبه معزالدین محمدالحسینی ۹۷٦ » در همان کتابخانه ؛

Marfat.com

یک قطعه بقلم چهاردانگ جلی خوش ، بشیوهٔ میرعلی هروی ، بقلم نیم دو دانگ عالی ؛ بارقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب معزالدین محمد الحسینی الکاتب غفرذنوبه : فی سنهٔ ۹۷۱ » در کتابخانهٔ عمومی لنینگراد ؛

یک قطعه ، بقلم دو دانگ جلی خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه معزالدین محمد الحسینی ۹۸٤ » درمجموعهٔ آقای کریم زاده ؛

دوقطعه ، بقلم دودانگ جلی خوش ، بارقم : « کتبه معزالدین محمد الحسینی » وتاریخ : سنهٔ ۹۸۵ و ۹۸۷ ؛ درمجموعهٔ نگارنده .

محمد کاظم = کاظم-آقا

محمد کاظم = کاظم طهرانی

۱۲۱٤) محمد کاظم قزوینی

ازخوشنویسان گم نام قرن یازدهم است وبخط وی دیده‌ام :

یک مرقع (قصیدهٔ میمیّهٔ فارضیّه) بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «المحتاج الی رحمة الملک الغنی وبشفاعة النّبی المکّی المدنی ، محمّد کاظم القزوینی ۱۰۷۰ » درکتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ خوش ، بشیوهٔ میرعماد ، بارقم و تاریخ : «مشقه العبد محمد کاظم غفرالله ذنوبه [.]۱۰۷ » درمجموعهٔ نگارنده .

۱۲۱۵) محمد کاظم والهٔ اصفهانی

ترجمهٔ احوال وی درضمن شکسته تعلیق نویسان آمده‌است ، بسال ۱۲۲۹ درگذشته است .

نستعلیق رانیز خوش واستادانه می‌نوشت وازخطوط نستعلیق وی دیده‌ام :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، متن بقلم نستعلیق کتابت خوش و

Marfat.com

عنوانها بقلم رقاع کتابت عالی؛ بارقم : «اناالعبد محمد کاظم الواله الاصفهانی» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران ،

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم کتابت عالی ، که رقم ندارد ، ولی در دیباچهٔ کلیات ، در یک موضع خارج ازمتن ، این عبارات آمده است : « . . . وعلمای روزگار نصیحت چنانی با بقالی یا قصابی نتوانند گفت ، مثل علمای ضعیف النفس دارالسلطنهٔ اصفهان ، در این عهد که عهد کاتب کتاب محمد کاظم متخلص بوالهٔ اصفهانی است ، لاجرم روزگار پیوسته بدین نسق در تنزل وارتفاع . . . تم الرساله» در مجموعهٔ آقای عبدالحسین مسعود انصاری ، تهران .

۱۲۱٦) محمد کرمانی

صاحب مناقب هنروران گوید که بعضی وی را شاگرد عبدالکریم پادشاه دانسته‌اند ؛ ولی اسلوب وی مطابق روش عبدالرحیم امینی است . (به‌شمس الدین محمد کرمانی نیز مراجعه شود) .

۱۲۱۷) محمد کرمانی ـ شمس الدین

شاید همان محمد کرمانی مذکور باشد و اگر هم او باشد از خوشنویسان نیمهٔ دوم قرن نهم و اوایل نیمهٔ اول قرن دهم است واز آثار وی دیده‌ام :

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت خوش ، که درپایان بعض مثنویها دارد : «نجزاتمام کتاب هفت پیکر ، فی خامس شهرشریف ذی الحجة سنه سبع عشر وتسعمائة بدارالسلطنه تبریز ، علی ید العبدالفقیر الحقیر شمس الدین محمد الکرمانی غفرالله عن سیآته» و «نجزاتمام هذه الکتاب فی یوم الرابع والعشرون من شهر رمضان المبارك سنه خمس عشر و تسعمائة» و «تمت الکتاب . . . علی ید . . . شمس الدین محمد الکاتب الکرمانی فی عاشر ذی الحجة سنه ثمان عشر وتسعمائة ، بقصبة اردوباد ،

Marfat.com

صانهاالله عن جمیع الآفات» در کتابخانهٔ مجلس‌شورای ملی ، تهران ؛

یک‌قطعه ازمرقع مالک دیلمی ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب الراجی الی عفوه السبحانی ، شمس الدین محمد الکاتب الکرمانی ، بمدینة الهراة ، فی شهر جمیدی الاولی ست عشر و تسعمائة» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

۳ قطعه ازمرقع بهرام‌میرزا، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «مشقه العبد شمس الدین محمدالکرمانی ، فی‌شهور سنهٔ ۹۱۸ ثمان عشروتسعمائة بدارالسلطنه تبریز» و «مشقه العبدالفقیرالحقیرشمس الدین محمدالکرمانی عفی‌الله عن سیآته» و « کتبه العبد شمس الدین محمد ، فی‌شهور سنة ثمان‌عشر و تسعمائة » در همان کتابخانه .

۱۲۱۸) محمد کرمانی - شمس الدین

صاحب ریحان‌نستعلیق گوید که هنگام تألیف کتاب ریحان‌نستعلیق (سال ۹۸۹) هنوز درقید حیات است . بسیار دور بنظر میرسد که این شمس‌الدین محمد کرمانی همان‌باشد که آثار استادانهٔ او بعضی تاریخ ۹۱۰ دارد وذکر آن گذشت .

۱۲۱۹) محمد کریم شیرازی

از کاتبان گم‌نام نیمهٔ اول قرن سیزدهم هجری و بخط وی یک‌ترجمهٔ قرآن دیده‌ام که از دورهٔ فتح علی‌شاه قاجار است وبقلم کتابت خفی خوش نوشته است و رقم دارد : «محمد کریم بن محمد صادق شیرازی» .

۱۲۲۰) محمد کمال نیشابوری

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه صد کلمهٔ

Marfat.com

حضرت امیر ، در کتابخانهٔ حاج سید نصرالله تقوی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، که بشیوهٔ شاه محمود نیشابوری و اندکی فروتر نوشته است . متن کلمات بقلم نیم دو دانگ به لاجورد و زر و ترجمه بقلم مشکی است و چنین رقم و تاریخ دارد : «مشقه العبد المذنب شیخ محمد کمال کاتب نیشابوری غفر ذنوبه وستر عیوبه ، سنه ۹۴۳» .

۱۲۲۱) محمد کوزه کنانی

از منشیان وعمان و کاتبان دربار فتح علی‌شاه قاجار است ، که شعرمیگفت واز آثار منظوم او یک‌مثنوی در کتابخانهٔ سلطنتی است که بخط خود ، بقلم نیم‌دو دانگ خوش نوشته است وچنین تمام می‌شود : « سالی که موکب جهانگشا ... بعزم تنبیه متمردین خوارزم وافاغنهٔ هرات واویماقات هزاره‌وتکه بسرحدات خراسان نهضت‌فرما واین بندهٔ درگاه عالمیان‌پناه محمدمنشی کوزه کنانی ازرکاب اقدس مأمور بخدمتی دریزد واصفهان بود ؛ این‌مثنوی درعرض هجده‌روز بمعرض عرض رسید و هوالسلطان . . . فتح علی‌شاه قاجار روح العالمین فداه» .

۱۲۲۲) محمد گلپایگانی ـ میرزا

نسبش به هفت واسطه بشیخ بهاءالدین محمد عاملی میرسد . پدرانش در سلک علماوفضلا بودند وخوداو درجوانی بتحصیل علوم متداول پرداخت و کسب کمال کرد . شعر می گفت و « گلشن» تخلص می کرد . خط نستعلیق و شکسته را استادانه می‌نوشت .

در تهران ساکن بود و مجلس مشق خط داشت و شاگردان بسیار ازوی تعلیم گرفته‌اند .

سپهر سال وفاتش را ۱۲۹۰ ضبط کرده ، ولی هدایت درمجمع الفصحا (سال

Marfat.com

تألیف ۱۲۸۸) اورا جزو شاعران حی یاد کرده است وحتی در المآثر و الاثار (که بسال ۱۳۰۶ تألیف شده است) او را جزو آنها که در آن زمان می‌زیسته اند آورده است.

از خطوط وی دیده‌ام:

یک نسخه منتخب دیوان فرخی، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «کتبه الداعی لابودالدولة القاهرة الباهرة، العبد الفقیر الحقیر الفانی محمد الکلبایکانی. سنهٔ ۱۲۶۷»

یک‌قطعه در مجموعهٔ نگارنده است، بقلم سه‌دانگ خوش، که رقم ندارد ولی شادروان امیرالکتاب ملک‌الکلامی درپشت‌آن نوشته‌است: «خط میرزامحمد گلپایگانی».

۱۲۲۳) محمد گلستانه ـ علاءالدین

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را ازشاگردان پدر خود ابوتراب‌اصفهانی‌شاگردمیرعماد دانسته، گوید، چندین قلم‌سیما نستعلیق را خوش می‌نوشت.

۱۲۲۴) محمد لاهیجانی ـ نورالدین

نورالدین محمدلاهیجی معروف‌به «نورا» از کاتبان‌وخوشنویسان زبردست قرن یازدهم است و باهمهٔ استادی که درخط داشته‌است، از تذکره‌نویسان کمتر کسی متذکر نام ویست وازجمله معدود کسانی که ازوی نام برده‌اند، یکی‌محمد صالح اصفهانی (متوفی‌سال۱۱۲۶) است که درتذکرهٔ خود گوید «نورای‌لاهیجی از شاگردان میرعماد، بقدرت و پرزور نویسی است و خط مطبوعی دارد» و در لاهیجان‌بود، درعهدنواب‌خاقان‌رضوان‌مکان [شاه‌عباس] ایشان‌راطلب‌فرمودند

Marfat.com

وبعلت خوشنویسی اورا ملازم فرمودند و سی تومان مواجب باو عنایت شد» .

میرزا سنگلاخ دربارهٔ وی گوید که ، ازمعاصران و شاگردان میر عماد بود ونستعلیق را ازهمهٔ شاگردان میر ، بوی شبیه تر می نوشت و میر عماد را بوی علاقهٔ خاصی بود . هم او گوید که نورا در زمان شاه عباس دستگاه عظیم داشت و از شاه مهربانی بسیار می دید . هنگام قتل میرعماد ، نورا رنجیده خاطر ازاصفهان به لاهیجان رفت ؛ ولی پس از اندك زمانی شاه عباس وی را باصفهان فراخواند و مأمور کتابت قرآنی بخط نستعلیق کرد .

نیز میرزا سنگلاخ گوید که در زمان سلطنت شاه عباس ، نورا در اصفهان درگذشته است که البته درست نیست واز خطوط تاریخ دار وی تاسال ۱۰۰۰ یعنی بیش از دوازده سال پس از مرگ شاه عباس ، موجود است وظاهراً بین سالهای ۱۰۰۰ و ۱۰۰۲ باید درگذشته باشد (رجوع شود به ترجمهٔ محمد رضا بن محمد مقیم تبریزی) .

نورای لاهیجی ، پس از مرگ میر ، ظاهراً شهرت فراوان داشته و به « خوشنویس ایران» شهرت داشته ، وخود در قطعه یی متذکر این نکته است وهمان قطعه مانند بسیاری از دیگر خطوط وی ، شاهد مهارت وی در خط نستعلیق است .

نورا شیوهٔ استاد خود میر عماد را بخوبی پیروی کرد ودرخطاو علاوه بر استواری ، ملاحتی است که خط غالب خوشنویسان ازآن خالی است .

ازآثار وی دیده‌ام :

سه قسم اول از دورهٔ کامل یک نسخه جامع الحکایات محمد عوفی (که بقیهٔ اقسام را محمد رضا بن محمد مقیم مذکور استکتاب کرده است) ، بقلم نیم دو دانگ خوش ، که درسه مورد چنین رقم و تاریخ دارد : « تم قسم الاول من جامع الحکایات و لوامع الروایات . . . فی منتصف ذی حجة الحرام ثمان و اربعین و الف» و « تمام شد قسم دوم از کتاب جامع الحکایات و لوامع الروایات . . . فی منتصف شعبان سنهٔ خمسین والف . . . حرره احقر العباد الراجی نورالدین محمد اللاهیجی . .»

Marfat.com

و «تمام شد قسم سوم از کتاب جوامع الحکایات و لوامع الروایات . . . علی یداحقر العباد نورالدین محمد اللاهیجی غفرالله ذنوبه وسترعیوبه .» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

چهارقطعه ، بقلمهای : چهاردانگ و سه دانگ و دودانگ عالی وخوش ، با رقمها و تاریخ : « کتبه نورالدین محمد اللاهیجی » و « مشقّه نوراءلاهیجی » و «برسم یادگار جهت برادرعزیز خواجه علی بیک نوشته شد . مشقّه نورالدین محمد لاهیجی» در همان کتابخانه ؛

یک نسخه نگارستان قاضی احمد غفاری ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : « . . . حیران بی‌سامانی اعنی بندهٔ شرمنده نوراء المنشی اللاهیجی » در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک مجموعهٔ دیوان حافظ و دیوان مغربی و دیوان اوحدی و غیره ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم وتاریخ : « الفقیر نورالدین محمد اللاهیجی . . . تمت هذه النسخة الشریفة علی ید اضعف عباد الله الغنی ، نورالدین محمد اللاهیجانی فی سنهٔ ۱۰۳۲ من الهجرة .» در کتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

یک قطعه ، دودانگ و کتابت خفی ممتاز ، با رقم و یادداشت : « کتبه العبد نورالدین محمد اللاهیجی الملقب بخوشنویس ایران غفرالله ذنوبه ، بجهت مجموعهٔ کمالات صوری و معنوی وحید زمان مولانا علی خان خوشنویس سلمه الله تعالی ، مرقوم قلم شکسته رقم شد ، فی سنهٔ ۱۰۳۹ » درمجموعهٔ نگارنده .

۱۲۲۵) محمد لطیف شوخی بخارائی

ازشاعران و کاتبان قرن یازدهم ، ترجمهٔ احوالش را نیاورده اند فقط در تذکره طلعت این مطالب آمده است : « بابا شوخی در قرن دهم هجری میزیسته این دو رباعی از اوست . . . »

یکی از این دو رباعی دربارهٔ فرزندان او و این است :

Marfat.com

ای دوست ابوتراب دمساز من است
حیدر بشکفتگی هم آواز من است
این هر دو جگرگوشه دو بالند مرا
بالم مشکن که وقت پرواز من است

وبخط وی یک نسخه کلیات خاقانی در کتابخانهٔ سلطنتی است بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «قد تمت النسخة . . . تحفة العراقین . . . فی اواخر شهر شعبان المعظم سنهٔ ۱۰۱۵ الف وخمسة عشر ، علی ید الضعیف محمد لطیف المشهور به‌شوخی البخاری . . . لمسوده :

این نسخه که هست رشگ طبع مانی
از سکرست . . . . . .
تاریخ سواد او رقم زد شوخی
اعجاز مسیحای دم خاقانی

سوّده‌العبد . . . محمد لطیف المشهور بشوخی البخاری ، فی اواسط رجب المرجب ۱۰۱۷ . . .»

۱۲۲۶) محمد لواسانی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت وبسال ۱۲۶۹ درگذشت .

۱۲۲۷) محمد مجدالملك

حاجی میرزا محمدخان مجدالملک از منشیان عصر بود وشعر می گفت ودر دربار ناصرالدین شاه قاجار بوزارت وظایف واوقاف رسید ودرهمان مقام بود که بقول سپهر ، صاحب منتظم ناصری بسال ۱۲۹۸ در گذشت .

۱۲۲۸) محمد مجید ــ سید

از نستعلیق نویسان عثمانی بود و خط را نزد طورسش زاده و سعید و صادق کاتب زاده تعلیم گرفته است . به «ملای بی‌زبان» معروف بود .

میرزا حبیب گوید که لوحهٔ «حسبی الله» که در ایاصوفیه آویخته ، خطاوست ولی من آنرا دیده‌ام ورقم «محمد اسعد الیساری» دارد .

بسال ۱۱۸۱ درگذشت و درخارج شهر ادرنه درمقابل چشمهٔ روح ، بخاك سپرده شد .

محمدمحسن آبشوری = زین العابدین آبشوری

۱۲۲۹) محمد محسن امامی اصفهانی

از ثلث نویسان زمان شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی است ، که خط نستعلیق را نیز خوش می‌نوشته است ، ولی نه بشیوائی خط ثلث .

گویند درخط نستعلیق شاگرد ابوتراب اصفهانی بوده است .

سپهر وی را ازسادات اصفهان دانسته گوید که معروف به «آقامحسن چلاغ» بودوبسال ۱۱۰۵ درگذشت ؛ که نباید این تاریخ درست باشد، زیرا که دراینصورت بیش از یکصد سال باید زیسته باشد .

آثار خطوط ثلث وی ، درجای خود خواهد آمد واز خطوط نستعلیق وی ، کتیبهٔ لوحهٔ سنگی است ، در ایوان امام زاده اسمعیل اصفهان ، بقلم دودانگ کتیبهٔ خوش ، بارقم : «... شاه سلطان حسین ... کتبه محمدمحسن بن علی نقی الامامی ۱۱۱٤».

Marfat.com

۱۲۳۰) محمد محسن خاتونابادی

از کاتبان قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه شفای ابن سینا در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تم فی عشرین شهر محرم الحرام سنهٔ ثلث وخمسین والف هجری نبوی ، بید العبد المذنب الخاطی محمد محسن بن محمد حسین الخاتونابادی» .

۱۲۳۱) محمد محسن خفری

از کاتبان گم نام قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه جوگ در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب .. فی بیست و دوم شهر جمادی الثانی سنهٔ ۱۲۵۷ ، بجهت پیش کش ... السلطان محمدشاه غازی ... حسب الفرمایش نایب الایاله [فرهادمیرزا معتمدالدوله] .. سمت اتمام پذیرفت . اقل الکاتبین محمد محسن الخفری غفرالله ...» .

۱۲۳۲) محمد محسن قاینی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه خسرو و شیرین وحشی ، وقتی دیده‌ام ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم و تاریخ : « تمت الکتاب ... کتبه محمد محسن القاینی ۹۱۲» .

۱۲۳۳) محمد محسن مصور

از کاتبان خوشنویس زبردست گم نام قرن نهم ودهم وبخط وی یک نسخه دیوان حافظ درسوزهٔ کابل است که برای سلطان حسین میرزا بایقرا (۸۴۲-۹۱۱) بقلم کتابت جلی عالی ، استکتاب کرده است .

Marfat.com

۱۲۳٤) محمد محسن هروی

ازخوشنویسان گم‌نام قرن‌دهم‌است وشاید همان‌باشد که‌بدون‌ذکرنسبت میرزاحبیب اورا شاگرد میرمحمد باقربن میرعلی هروی دانسته‌است.

ازآثاروی دیده‌ام:

یک‌قطعه‌ازمرقع، بقلم‌نیم‌دودانگ و کتابت‌خوش، بارقم‌وتاریخ: «کتبه المذنب محمد محسن الکاتب غفرذنوبه، تحریراًفی‌شهر رجب‌المرجب سنة‌ثلاث وثمانین وتسعمائة» درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک قطعه، بقلم دودانگ خوش، بارقم: «مشقه محمدمحسن غفرله» در مجموعهٔ نگارنده؛

یک‌نسخه‌منتخب‌اشعارجامی، بقلم کتابت‌متوسط، که‌چنین تمام‌می‌شود: «کتبه‌العبد المذنب محمدمحسن غفرذنبه» درکتابخانهٔ دانشگاه، استانبول؛

و دریک‌موضع دارد: «لکاتبه... معما باسم احمد ویوسف، دراین بیت سی‌اسم دیگر استخراج پذیرفته» که معلوم‌می‌شودمعمائی‌بوده وشعرسی گفته‌است.

یک‌نسخه نصیحت‌نامهٔ خواجه عبدالله انصاری، بقلم نیم‌دودانگ خوش بارقم: «کتبه محمدمحسن الهروی غفرذنوبه» که وقتی‌برای‌فروش‌عرضه‌شده‌بود؛

یک‌قطعه‌ازمرقع، بقلم‌دودانگ‌ونیم‌دودانگ‌خوش، بارقم: «بدارالسلطنه هرات‌تحریریافت، فقیرالمذنب‌محسن‌الکاتب‌الهروی» درکتابخانهٔ‌خزینهٔ‌اوقاف، استانبول؛

مرقعی درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است که مجموعه‌یی ازقطعات خطوط و تصویرهای برگزیدهٔ عالی استادان خط نستعلیق وجامع آن مرقع ظاهراً همین محمد محسن است که دیباچه و مقدمه‌یی بقلم دو دانگ خوش برآن نوشته است.

این‌مرقع نیز مانند مرقع امیرغیب بیک و... بامقدمه‌یی‌شروع وبخاتمه‌یی

بانشاء محمد محسن تمام می‌شود ؛ که نقل مطالب تاریخی آن را دربارهٔ هنرمندان و تاریخ هنرخط ، بی‌فایده ندید و با صرف نظر ازدیباچه و خاتمه ، مطالب آنراعیناً می‌نگارد :

«. . . و یکی از لطایف آن ، آنست که باسامی خوشنویسان مزین است و ذکر خطوط سته و مأخذآن ومخترع آن مشروح و مبین .

برضمایر ارباب بصایر پوشیده نماند که اول کسی که ازتحریرآثار وحی الهی واوامرونواهی حضرت رسالت پناهی (ص) سرمه‌دار دیدهٔ اولوالابصار را روشن فرموده ، شاه ولایت بوده ، سلام‌الله علیه ؛ وجمعی که بعد ازآن حضرت بشرف ، علّم بالقلم ، مشرف گشته بودند و تتبع خامهٔ عنبرین شمامهٔ آن آن‌حضرت را بخط کوفی مزاولت می‌نمودند ؛ تا در سنهٔ عشر وثلاثمائة ، ابن مقله خطوط سته که ثلث ونسخ ورقاع و توقیع و محقق و ریحان باشد ؛ استخراج از خط کوفی نموده است .

و علی بن هلال که به ابن بوّاب اشتهاردارد ، سرآمد شد و نسّاخان جهان و خوشنویسان زمان ، ریزه‌چینان خوان ایشانند .

وواضع خط نستعلیق ، مولانا میرعلی التبریزی است . وعبدالله ولداو بی‌نظیرشد . وشاگرد او مولانا جعفر است . و شاگرد او مولانا اظهر . و شاگرد او مولانا سلطان علی المشهدی است که خط او از خطوط ممتاز واز تعریف معرفان بی‌نیاز است . وشاگردان او مولانا سلطان محمد نور ومولانا سلطان محمد خندان ومولانا محمدابریشمی ومولانامحمد قاسم شادیشاه ومولانا زین‌الدین محمود و شاگرد او مولانا میرعلی است که خطاو بخط مولانا سلطان علی مشهدی برابرست ، بلکه باعتباری پیش‌تر .

و جمعی که روش مولانا سلطان علی دارند ، مولانا سلطان علی قاینی و مولانا سلطان علی سبز مشهدی و مولانا شاه محمود نیشابوری و مولانا عبدی نیشابوری است .

و جماعتی که شاگرد مولانا میر علی‌اند ، محمد باقر ، ولد او و خواجه محمود اسحاق‌الشهابی وسیرسیداحمدالحسینی و مولانا مالک دیلمی ومولانا یاری‌البخاری‌است . و حالا کسی که در روش تتبع بمولانا میرعلی می‌نماید ، مولانا محبی‌است و مرقع ملمع زمان بوجود بعضی ایشان مزین است .

ومولانا عبدالرحمن الخوارزمی تغییر درروش این طایفه نموده ، دوپسراو سرآمد شدند ، یکی عبدالرحیم مشهور به اسینی[1] و یکی عبدالکریم المعروف بپادشا . وطرز خط

۱- این کلمه درنوشتهٔ مرحوم بیانی انیسی هم خوانده میشود .

Marfat.com

ایشان بروش امینی مشهورست واکثر کتّاب دارالملک شیراز تتبع ایشان می کنند.

امید چنان است که بموجب مضمون نصیحت مقرون من کتب بحسن الخط بسم‌الله الرحمن الرحیم ، دخل الجنة بغیر حساب» کاتبان افعال عباد سیآت این طایفه را بگزلک عفو، حک و اصلاح نموده داخل حسنات ایشان گرداند. آمین یا رب العالمین.

کتبه الفقیر المذنب ، محمد محسن غفر ذنوبه و ستر عیوبه ، فی بلدة هرات ، حمیت عن الافات و البلیات ، سنة تسعین و تسعمائة الهجریة».

۱۲۳۵) محمد محیط

از کاتبان دربار همایون پادشاه هندوستان (۹۶۲-۹۳۷) بود وازاین پادشاه لقب «کاتب الملک» داشت.

نستعلیق را خوش می نوشت و بقول صاحب تذکرهٔ حسین شعر می گفت : «دبیری» تخلص می کرد.

۱۲۳۶) محمد مراد کشمیری

درجوانی سوداگری می کرد ومایل بخط نستعلیق شد و از محمد حسین کشمیری تعلیم خط گرفت و ترقی کرد و در دربار جهانگیر پادشاه و شاه جهان راه یافت واکثر کتیبه های عمارات سلطنتی آن دوپادشاه‌را بخط خود می نوشت.

صاحب مرآة العالم ، خطاورا دررتبه قرین محمدحسین کشمیری وصاحب شاهجهان نامه ، ثانی سلطان علی و میرعلی ، گرفته اند.

درشاهجهان نامه وی مخاطب «شیرین قلم» ودرمرآة العالم وواقعات کشمیر «زرین قلم» است.

ازخطوط وی دیده‌ام :

یک قطعه ، بقلم چهاردانگ خوش ، بارقم : «کتبه محمدمراد» درمجموعهٔ آقای خان ملک ساسانی ، تهران ؛

چهارقطعه از یک مرقع ، بقلم پنج دانگ ودودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : «العبدالمذنب محمدمراد غفر ذنوبه» در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد ؛

یک قطعه ازیک مرقع ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم: « کتبه العبد المذنب محمدمراد غفرالله ذنوبه وسترعیوبه» در کتابخانهٔ بادلیان ؛

چهار قطعه ازیک مرقع ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقمهای : « اقل العباد محمد مراد» و «اقل العباد کشمیری» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم : « کتبه العبد المذنب محمد مراد الکشمیری» درمجموعهٔ مرحوم پرفسور محمد شفیع ، لاهور.

۱۲۳۷) محمد مراغه‌یی

از خوشنویسان گمنام قرن نهم ومرقعی بخط وی درموزه آثار اسلامی وترک است که مضمون آن صد کلمهٔ حضرت امیر وترجمهٔ رشید وطواط است و کلمات آن باقلام مختلف بریده شده‌است ، ازجمله ، نستعلیق چهاردانگ ودودانگ متوسط ، بارقم : «تم الکتاب . . . علی یدی . . . محب الفقراء والمساکین وتراب اقدامهم ، العبد محمدبن سیدی احمدبن علی الصوفی المراغی ، فی سنة ۸۷۶» .

۱۲۳۸) محمد مسعود

از خوشنویسان گم‌نام اواخر قرن دهم واوایل قرن یازدهم‌است وبخطوی قطعه‌یی دارم ، بقلم سه‌دانگ و کتابت جلی عالی ، که چنین رقم‌دارد : « کمترین غلام‌زادگان محمد مسعود» .

۱۲۳۹) محمد مسعود ـ شیخ

فرزند حافظ محمد معصوم پنجابی است . پدرش درعهد محمد شاه هندی

Marfat.com

ازپنجاب به‌دهلی مهاجرت کرد ودراین‌شهر ساکن‌شد وشیخ محمدمسعود دراین شهر متولد گردید. خط نستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت وبقول صاحب‌صبح گلشن شعر می گفت و «معنی» تخلص می کرد.

۱۲٤۰) محمد مسیح شیرازی

از کاتبان خوشنویس زبردست گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه دیوان حافظ در کتابخانهٔ مجلس شورای‌ملی است ، بقلم کتابت‌خفی‌نزد یک بغبار عالی با تاریخ ورقم : « بتاریخ پنجم شهر رجب‌المرجب سنه ۱۰۷۲ سمت تحریر یافت . کتبه العبد المذنب الراجی ، ابن مولانا نویدی ، محمد مسیح شیرازی . غفرالله ذنوبهما و ستر عیوبهما» .

۱۲٤۱) محمد مصور ــ شیخ

ازخوشنویسان ونقاشان گم‌نام قرن‌دهم وظاهراً ازشاگردان میرعلی هروی بوده‌است و بخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ازمرقع محمدصالح ، که قطعه شعر معروف میر علی را چنین نقل کرده است : «نقل ازخط شریف حضرت استادی مخدومی ، امیرعلی‌علیه‌الرحمة :

عمری‌ازمشق‌دوتا بودقدم همچون‌چنگ
تا که خط من بیچاره بدین قانون شد
طالب من همه شاهان جهانند و مرا
در بخارا جگر از بهر معیشت خون شد
سوخت‌ازغصه درونم ،چکنم، چون‌سازم
که سرا نیست ازین شهر ، ره بیرون شد

فقیرشیخ محمدمصور غفرذنوبه وسترعیوبه ، فی مشهدمقدس حضرت امام علیه السلام

Marfat.com

۹۷۰ » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از رقع سید احمد مشهدی ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «فقیر شیخ محمد مصور» در همان کتابخانه .

۱۲۴۲) محمد مطلع شیرازی

فرزند میرزا محمدصادق معلم بود و نستعلیق را خوش می نوشت و شعر میگفت و «مطلع» تخلص می کرد . نزد صاحب آثارعجم درس خوانده بود .

۱۲۴۳) محمد بن مطهر نیشابوری

از کاتبان دربار بایسنغر میرزای گورکانی و بخط وی یک نسخه شاهنامهٔ فردوسی و خمسهٔ نظامی ، در کتابخانهٔ ملک ، تهران است ، بقلم کتابت متوسط ، که در پشت صفحهٔ اول آن نوشته است : «برسم خزانة الکتب السلطان الاعظم .. غیاث السلطنة والدنیا و الدین بایسنغر بهادرخان خلدالله ملکه و سلطانه » و چنین رقم وتاریخ دارد : «تم الکتاب علی ید اضعف عبادالله و احقرهم ، محمد بن مطهر بن یوسف بن ابی سعید القاضی النیسابوری ، بدارالسلطنة هراة ، حمیت عن الآفات فی شعبان سنة ۸۳۳» .

۱۲۴۴) محمد معصوم بخاری ـ میر

ازسادات حسینی بخارا و بقول صاحب مناقب هنروران ، شاگرد میرعلی هروی بود وبسال ۹۷۰ درگذشت .

از آثار وی دیده‌ام :

یک قطعه ازرقع ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم « کتبه محمد معصوم» در کتابخانهٔ سرکاری رامپور ؛

یک قطعه ازمرقع ، بقلم سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، بارقم : « کتبه محمد معصوم الحسینی » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

(به ترجمهٔ محمدبن ملامیر رجوع شود) .

۱۲٤٥) محمد معین الدین تبریزی

در دانشمندان آذربایجان آمده است که ، ازشاگردان خوشنویس میرعلی وازشعرای قرن دهم هجری بود وشعر می گفت و «شریفی» تخلص می کرد .

۱۲٤٦) محمد مقیم تبریزی - میر

فرزند میرشاهمیر است که اصلاً تبریزی وساکن عباس آباد اصفهان بود . محمدمقیم بافرزند خود ، سیدعلیخان جواهر رقم ، بهندوستان منتقل شد و دردورهٔ سلطنت شاهجهان (۱۰۳۷-۱۰٦۹) شهرتی داشت .

محمدمقیم ازشاگردان میرعماد بود و کتابت خفی را خوش می کرد .

دردهلی ، درکالی‌مسجد بسر می‌برد وشاگردان بسیار بگرد خود داشت . درمرآة العالم است که غالب شاگردان وی درخوشنویسی سرآمد شدند .

محمدمقیم ظاهراً قبل ازانتقال به هندوستان ، کتابدار شاه‌عباس ثانی صفوی (۱۰۵۲-۱۰۷۷) بود وتا سال ۱۰٦٤ نیز برسر این کار بوده است . درپشت یک نسخهٔ جنگ بخط شفیعا ، در کتابخانهٔ حاج سید نصرالله تقوی ، بخط نستعلیق کتابت خفی خوش نوشته شده است : « بدستور فقیر خانه‌زاد ، نادرالعصر مولانا محمد شفیع ، هنگام مراجعت اردوی معلی ، از خطّه مازندران بهشت نشان ، بصوب باصواب دارالسلطنهٔ قزوین ، پرداخت ، دربلدهٔ طهران بنظر کیمیا اثرنواب کامران کامکار رسانید . جزو کتب خاصه شد ، فی سنه ۱۰٦٤ ، حرره محمد مقیم کتابدار» .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « بتاریخ بیست و دوم رجب نوشته شد ، فقیر محمد مقیم» در موزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی ؛

یک قطعه درسرقعی ، که‌مقابل یک‌قطعه‌عالی ازخطوط‌رشیدا ، سورهٔ‌فاتحه را عیناً نقل کرده بود ودست کم ازآن نداشت ، بارقم : « کتبه‌العبد المذنب محمد مقیم‌الحسینی غفر ذنوبه» دردست فروشنده‌ای ، درتهران ؛

یک‌قطعه ، بقلم‌سه دانگ ونیم‌دودانگ‌خوش ، بارقم : مشقه‌الفقیرالمذنب الراجی محمد مقیم‌الحسنی غفرذنوبه» درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده ، تهران .

۱۲٤۷) محمد بن ملا میرحسینی

از کاتبان گم‌نام قرن‌دهم ویازدهم‌است وبخط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان کمال‌الدین اسمعیل ، بقلم کتابت‌خوش ، بارقم‌وتاریخ : «تمت‌الکتاب . . . علی‌یدالعبد . . . محمدبن‌ملامیرالحسینی الاستادی . . . تحریراً بتاریخ شهر ذی‌الحجة الحرام سنة . ۱ . ۱» درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « کتبه محمد بن ملامیر» ، درهمان کتابخانه ؛

یک‌نسخه سبعهٔ امیر خسرو دهلوی ، بقلم کتابت خفی‌خوش ، با تاریخ و رقم : «تحریراًفی‌شهورسنهٔ ۳۸ . ۱ ، کتبه . . . محمدبن ملامیرالحسینی‌الاستادی» درکتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک‌نسخه حدیقه سنائی ، بقلم کتابت خفی‌خوش ، با رقم و تاریخ : «تمة الکتاب . . . فی‌الشهورسنه۳ ۲ . ۱ ، کتبه الفقیر المذنب محمدبن ملا میرالکاتب غفرذنوبهما و ستر عیوبهما» درکتابخانه مجلس شورای‌ملی ، تهران ؛

که معلوم می‌شود ملامیر پدر این کاتب نیز خوشنویس بوده وفرزند ازپدر تعلیم خط گرفته است .

Marfat.com

درآخر یکی ازمثنویهای این نسخه ، چنین رقم شده است : « تمت الکتاب فی تاریخ شهر ذی‌قعده ، الداعی محمد معصوم الکاتب» که اگر این مثنوی بخط محمدمعصوم بخاری سابق‌الذکر باشد ، وفات‌وی درسال ۹۷۰ که صاحب مناقب هنروران متذکر است ، دشوار می‌نماید .

۱۲٤۸) محمدبن ملك آراء

درپشت کتابی از کتابخانهٔ آقای سلطان‌القرائی ، بخط کتابت خفی خوش ، تصدیق کرده ، که نسخه بخط بابا شاه است . ظاهراً از خوشنویسان و کاتبان قرن سیزدهم است .

۱۲٤۹) محمد منیر - میر

از کتیبه نگاران عثمانی و بخط وی لوحه یی درموزهٔ آثار اسلامی و ترك استانبول است ، بقلم یك دانگ کتیبه خوش ، بارقم : «نمّقه میر محمد منیر» .

۱۲۵۰) محمد موسی سرهندی - میر

در دورهٔ محمد شاه هندی (۱۱۳۱-۱۱٦۱) درسلك خوشنویسان بود واز شیوهٔ میرعماد پیروی می کرد . غلام محمد هفت‌قلمی گوید که هم قطعه را خوش می‌نوشت وهم کتابت نیکو می کرد .

از خطوط وی یك‌قطعه درموزهٔ باستان‌شناسی دهلی‌است ، بقلم‌دودانگ و کتابت خوش ، بارقم : «العبدالمذنب محمد موسی الحسینی غفرذنوبه» .

۱۲۵۱) محمد مؤمن

از کاتبان گمنام قرن‌دهم ویازدهم ومعاصرمحمدمؤمن هروی آتی‌الذکراست .

بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه فرهنگ جهانگیری ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد المذنب محمد مؤمن ، بتاریخ شهر ربیع الاول سنهٔ ۱۰۳۲ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان بابافغانی ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : «حسب الامر میرزائی صاحبی مخدوم زادگی ، میرزا ابوتراب ، سلمه الله تعالی نوشته شد ، حرره العبد محمد مؤمن» در کتابخانهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران .

۱۲۵۲) محمد مؤمن اکبر آبادی - میر

فرزند میر عبدالله مشکین رقم خوشنویس است . دارا شکوه بن شاه جهان ، اورا بتعلیم خط فرزند خود ، سلیمان شکوه گماشت و با اینکه دستگاهی بهم آورد ، از خدمت کناره گرفت و بگوشه گیری میل کرد و در همان حال باز از دربار وظیفهٔ خودرا دریافت می‌داشت . تا درسنین نودسالگی بسال ۱۰۹۱ درگذشت .

در صبح گلشن است که شعر می گفت و «عرشی» تخلص می کرد .

ازخط وطوی ، یک قطعه ، بقلم سه دانگ جلی ونیم دودانگ عالی در کتابخانهٔ ملی پاریس است ، بارقم وتاریخ : «الفقیر الحقیر محمد مؤمن الحسینی غفرذنوبه و ستر عیوبه ۱۰۷۳ » .

۱۲۵۳) محمد مؤمن کرمانی

فرزند خواجه شهاب الدین عبدالله سروارید کرمانی بیانی خوشنویس ومنشی وشاعر ، وزیر سلطان حسین میرزا بایقراست .

محمد مؤمن را بفضایل نفسانی و سخندانی و سخن‌شناسی و استقامت طبع ، ستوده‌اند .

Marfat.com

محمد مؤمن در ابتدای زندگی بخدمت حبیب‌الله (که حبیب‌السیر بنام وی تألیف شده است) آمد و بواسطهٔ ابراز لیاقت و دانش و هنر، بدربار شاه اسمعیل اول صفوی معرفی شد و پادشاه صفوی، وی را به معلمی ابوالنصر سام میرزا، گماشت و این شاهزاده در تحفهٔ سامی آورده‌است که: «اگر شمه یی از فضایل او مبیّن گردد، کتابی شود معیّن، من درخدمت ایشان درس خوانده‌ام واندك سیاه و سفیدی که فرق می‌توانم، ازبرکت ایشان است. درهرات وشیراز بامن بود ومنصب صدارت مرجوع بدیشان.»

محمد مؤمن بعدها به‌دربار شاه طهماست پیوست و تا سال ۹۴۷، در دربار شاه طهماسب بود واز آن تاریخ بقول صاحب مرآة العالم، ازشاه رنجیده‌شد؛ وبقول سام‌میرزا «بواسطهٔ بعض امور» متوجه هندوستان گردید. وظاهراً «بعض امور» همان آزردگی اوست کهٔ درغزلی چند سروده است:

بس که گردون همچو خود میخواست سرگردان مرا
عاقبت کرد از غمت سرگشتهٔ دوران مرا
بس که خون پالاست چشمم بی‌تو، خواهد شد خراب
شهر مستی دم بدم از موج این طوفان مرا

محمد مؤمن سالی در هندوستان زیست وبسال ۹۴۸ درهمان دیار درگذشت.

محمد مؤمن درزمان حیات خود، استاد مسلم شناخته شده است و صاحب حبیب‌السیر گوید که «درتحریر خطوط اصول بدرجه یی رسیده که حالا درعراق و خراسان تمامی خوشنویسان، آن جناب را مسلم می‌دانند و رشحات خامهٔ مشکین شمامه‌اش را، سرمشق خود می‌سازند.»

وی یکی از چند تن خوشنویس زبردست و استاد مسلم است که در هفت قلم استاد مبرز محقق طراز اول می‌باشد و درخطوط اصول، بالاترین مقام را دارد وخط نستعلیق او، اگرچه ازسایراقلام فروتراست، ازخوشنویسان عصراین قلم است.

Marfat.com

از آثار گرانبهای کم نظیر این هنرمند مرقع عظیمی بوده که ظاهراً برای شاه طهماسب آن را فراهم ساخته بوده و در چند موضع متذکر است : «اللهم ابد دولة الخاقان الذی افتخر بتقبیل عتبته ملوك العرب والعجم ، ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان . . . » واین مرقع بعدها متفرق شده و بسیاری از صفحات آن درضمن سه مرقع دیگر (که آنها را بنام «مرقع مالک دیلمی» و «مرقع سیداحمدمشهدی» نامیده ایم و شرح آنها گذشت و مرقعی در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول) صحافی شده و موجود است .

این مرقع در اصل از نفایس آثار خطوط بوده است ، که بدین جامعیت ، از حیث تنوع خطوط و استقامت واستواری وملاحت ولطافت و حسن سلیقه ، از کاتب واحدی ، کم نظیراست و اوراق باقیماندهٔ آن ، نمایندهٔ کمال دورهٔ کامل آنست .

آنچه ازخطوط غیرنستعلیق دراین مرقع بوده‌است ، درجای خود خواهدآمد و خطوط نستعلیق آن عبارتست از :

یک صفحه ، نیم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه محمد مؤمن » ؛

دو صفحه ، بقلم سه دانگ و کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه افقرالعباد . . . محمد مؤمن بن عبدالله ۹۲۵ » و «مشقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله المروارید غفرله ، فی شهور سنهٔ ۹۲۵ » ؛

دوصفحه ، بقلم کتابت خوش ، بارقم : «السلطان بن السلطان ابن السلطان ابوالمظفر شاه طهماسب بهادرخان الصفوی الحسینی ، کتبه اقل عباد من هواسمه الشریف محمد مؤمن عبدالله» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «مشقه العبد المذنب الراجی الی الله المجید محمد مؤمن بن عبدالله المروارید ، تجاوزالله عن سیآتهما ، فی العشر الاخر ، من شهر ربیع الثانی سنه اربع وعشرین و تسعمائة ، بدارالسلطنة تبریز » ؛

Marfat.com

یک صفحه ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم وتاریخ : «نمقه العبد . . . محمد مؤمن بن عبدالله فی شهور سنه سبع واربعین وتسعمائة» ؛

یک صفحه ، بقلم نیم دو دانگ جلی خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله المرواريد . . . فی العشر الاول من شهر رجب المرجب سنه اربع وثلاثین وتسعمائة» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « نمقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله ، فی شهور سنه خمس واربعین و تسعمائة» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کاتبه محمد مؤمن» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت جلی خوش ، با رقم : « مشقه . . . خادم الفقرا » محمد مؤمن» .

یک صفحه ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه العبد محمد مؤمن بن عبدالله» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «نمقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله ، فی شهور سنه سبع و اربعین و تسعمائة» :

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم : «راقمه محمد مؤمن» ؛

یک صفحه ، بقلم نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : « مشقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله ، فی شهور سنه سبع واربعین وتسعمائة بدارالسلطنة تبریز» ؛

یک صفحه ، بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : «نمقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله بلغه الله ، تمناه ، فی شهور سنهٔ ۹۳۱» ؛

یک صفحه بقلم کتابت خوش ، با رقم وتاریخ : «مشقه . . . محمد مؤمن بن عبدالله المروارید غفرذنوبه فی شهور سنهٔ ۹٤٥ ببلدة تبریز ؛

یک صفحه ، بهترین خطوط نستعلیق این مرقع ، بقلم سه دانگ عالی ، با رقم وتاریخ : « کتبه . . . محمد مؤمن ۹٤٥» .

Marfat.com

۱۲۵٤) محمد مؤمن بن نصیر

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی مجموعهٔ رسالاتی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «حسب الامر... حاسی سلسلهٔ نورانیهٔ نعمة اللهی ، میرزاشاه ابوالمهدی ، درقصبهٔ طیبهٔ ماهان بهشت نشان، این اوراق مختصر ، مرقوم قلم ذرهٔ احقر ، ابن حاجی نصیر ، محمد مؤمن گردید ، وکان ذلک فی شهور سنهٔ ثلث وثمانین و بعد الالف» .

۱۲۵۵) محمد مؤمن هروی

برادر محمد حسین مجلّد صحاف زبردست و پسر شاه محمود هروی است ، که سالها با برادر خود ، در کتابخانهٔ خان خانان بکارهای هنری اشتغال داشتند .

محمد مؤمن نستعلیق جلی وخفی هردورا استادانه می‌نوشت وصاحب مآثر رحیمی گوید ، کتابهای مفصل بخط وی در کتابخانهٔ خان خانان است و از خان مزبور رعایت وتربیت کافی یافته است .

محمد مؤمن همچنان درخدمت خان خانان بود ، تادر گذشت وبنابراین در سال ۱۰۲۵ (تاریخ تألیف مآثر رحیمی) در گذشته بوده است .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه شاهنامهٔ فردوسی دردومجلد ، ازسلسله کتابهائی که برای خان خانان نوشته است ، بقلم کتابت عالی ، بارقم: «محمد مؤمن بن شاه محمود الهروی، فی شهور سنهٔ ۱۰۱۳» در کتابخانهٔ ملک ، تهران ؛

یک نسخه دیوان امیر شاهی ، بقلم کتابت خوش ، باتاریخ ورقم : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، بتاریخ شهر محرم الحرام لسنة احدی وسبعین وتسعمائة علی ید العبد المذنب ، محمد مؤمن بن محمود الکاتب ، غفر ذنوبهما وستر عیوبهما،

Marfat.com

بدارالسلطنة هرات حمیت عن الافات و البلیات » در مجموعهٔ آقای مهندس عباس مزدا ، تهران ؛

یک نسخه رسالهٔ موجودات و موجودیت فارسی ، از میر سید شریف ، بقلم کتابت خفی ، که چنین تمام می‌شود : «این نسخهٔ شریفه فی شهور سنه ثمان عشر و الف هجریة النبویة . . . بمقام بلدهٔ برهان‌پور ، صورت اتمام پذیرفت ، کتبه العبد محمد مؤمن الهروی» در کتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران .

۱۲۵٦) محمد مهدی تبریزی

از نسخ نویسان قرن دوازدهم هجری است که نستعلیق نیز می‌نوشته است و از آثار وی دیده‌ام : یک نسخه قرآن که متن آن بخط نسخ و ترجمهٔ آن بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش است و چنین رقم و تاریخ دارد : «قد وفق لاتمام کتابة کلام الله فی منتصف شهر ذی‌حجة الحرام من شهور سنة ثمان ومائة بعد الالف من هجرة . . . لارادة اخ الاعز . . . حاجی محمد هاشم . . . العبد اقل الخلیقه . . . محمد مهدی التبریزی غفرالله له . . .» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران ؛

۱۲۵۷) محمد مهدی حسینی

از کتبه‌نگاران قرن دوازدهم که ثلث و نستعلیق هردو را خوش می‌نوشته است و از آثار او بجاست : کتیبهٔ سنگاب مدخل مدرسهٔ چهارباغ اصفهان که بقلم ثلث و یک دانگ کتیبه عالی و نستعلیق یک دانگ کتیبه متوسط نوشته است و رقم دارد : « کتبه اقل الطلبه محمد مهدی الحسینی عفی عنه» ، «در شهر شعبان المعظم سنه ۱۱۰۰ باتمام رسید عمل کمترین محمد طاهر»

Marfat.com

۱۲۵۸) محمد مهدی شیرازی

از کاتبان خوشنویس نیمهٔ اول قرن سیزدهم و بخط وی یک نسخه کلیات سعدی ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم : « کتبه العبد الاقل محمد مهدی شیرازی ، حسب الفرمودهٔ . . . میرزا رضاقلی . .»

۱۲۵۹) محمد مهدی طهرانی

از خوشنویسان دربار فتح علی شاه قاجار است که تا زمان سلطنت ناصرالدین شاه درقید حیات بوده است .

در کتیبه نگاری دست قوی داشته وغالب کتیبه های ابنیهٔ دولتی زمان فتح علی شاه ، بخط اوست .

میرزا سنگلاخ گوید که از فتح علی شاه لقب «خوشنویس خاصه» داشته و نزد من تعلیم خط گرفته است . رقم « کاتب الحضرت السلطانی» وی را دیده ام و وقایع نگار در جهان آرای خود ، اورا «ملک الکتاب السلطانی» خوانده است ؛ ولی اشاره یی ازوی به لقب مذکور میرزا سنگلاح ، ندیده ام .

سپهر تاریخ وفات اورا سال ۱۲۲٤ ضبط کرده که البته درست نیست وسالها پس از این تاریخ زیسته است .

محمدمهدی ، جزنستعلیق سایر اقلام را نیکومی نوشته است که ذکر هریک درجای خود خواهدآمد .

ازآثار وی دیده ام :

کتیبهٔ ازارهٔ مدخل مسجد سلطانی ، تهران بقلم سه دانگ کتیبهٔ خوش ، بارقم وتاریخ : « کمینه کاتب الحضرة السلطانی ، محمدمهدی الطهرانی ۱۲۲۱ » ؛

کتیبهٔ تخت سرسلیمانی ، درمحوطه کاخ گلستان ، تهران ، بقلم یک دانگ کتیبهٔ خوش ، با رقم وتاریخ : « . . .

Marfat.com

یک نسخه ادعیه، بقلم کتابت خوش، با رقم و تاریخ: «حرره کاتب الحضرة السلطانی محمد مهدی الطهرانی، فی شهر رمضان المبارک من شهور سنه ۱۲۱۳، بدارالسلطنه طهران... تحریر شد» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک نسخه دیوان فتح علی شاه، بقلم دو دانگ متوسط، که چنین تمام می‌شود: «آغاز و انجام این نامهٔ همایون برحسب... تکلیف شاهنشاه جم‌جاه... بدیباچه و خاتمه موشح و مذیّل افتاد، کاتب الحضرت السلطانی مهدی طهرانی» در همان کتابخانه؛

نسخهٔ دیگر دیوان فتح علی‌شاه، بقلم نیم‌دو دانگ خوش، با رقم: «کاتب الحضرت السلطانی مهدی طهرانی» درهمان کتابخانه؛

یک نسخه دیوان حافظ، بقلم کتابت خفی خوش، با تاریخ و رقم: «تمت الکتاب... فی یوم الخمیس بیست و پنجم شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۲۰۴ هزار و دویست وچهار، و انا عبدالمذنب الحقیر محمد مهدی غفرذنوبه و ستر عیوبه».

یک قطعه سیاه مشق، بقلم شش دانگ و دو دانگ خوش، با رقم: «بجهت سرکار... میرزا محمد مشق شد، امید که بنظر بی‌انصاف نرسد، محمد مهدی» در مجموعهٔ نگارنده، و ظاهراً این محمد شاگرد محمد مهدی، همان میرزا محمد خوانساری است، که میرزا رضای کلهر نزدوی تعلیم خط گرفته است.

دیگر کتیبهٔ گنبد آستان حضرت معصومه درقم است، که تاریخ سال ۱۲۱۸ دارد؛

دیگر کتیبهٔ درطلای آستان حضرت معصومه، باتاریخ ۱۲۳۲ و دراطراف همین در ازچهارطرف، لوحهٔ مرمری است ازاشعار فتح علی خان صبا، با تاریخ سال ۱۲۲۱؛

دیگر دو کتیبه، یکی بقلم زر، باتاریخ سال ۱۲۶۲، دربقعهٔ منوچهرخان معتمدالدوله، درآستان حضرت معصومه، قم.

Marfat.com

۱۲۶۰) محمد مهدی فراهانی

ملقب به ملک‌الکتاب و متخلص به عشرت ، از سادات حسینی فراهان ، واز بنی اعمام میرزا بزرگ قائم‌مقام است .

درجوانی تحصیلات مقدماتی را در فراهان و بروجرد ، انجام داد وبمشق خط توجه کرد . نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت .

ملک‌الکتاب بتوسط فتح علی خان ملک‌الشعراء ، بدربار فتح علی‌شاه قاجار راه یافت ومورد نظر وعطوفت شاه واقع وبلقب ملک‌الکتاب مفتخر شد .

درمنتظم ناصری آمده است ، که «بسال ۱۲۶۹ باعطای یک‌توب جبهٔ ترمه نایل ومفتخر گردید» .

درسرعت کتابت مشهوراست وصاحب انجمن خاقان گوید که ، بسا روز درحضورمن با هزاربیت شعر کتابت و بهفت ساعت ، تمام کرده‌است . هم‌او گوید که دواوین شعر شاهزادگان وشاه و تاریخ ایشان‌را ، تماماً استکتاب کرده‌است .

وی‌را به‌اخلاق حسنه وصفات پسندیده وسلیقهٔ شعر و شعرفهمی وشعرشناسی ستوده‌اند .

سپهر تاریخ وفات وی‌را سال ۱۲۶۰ ، ضبط کرده و روانیست ، زیرا که‌ازآثار تاریخ داروی تاسال ۱۲۶۳ را دیده‌ام .

از خطوط وی موجود است :

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا ، بقلم کتابت خوش ، که چنین تمام می‌شود : « تم المجلد السادس من کتاب المثنوی ... بتاریخ یوم السبت ثانی‌عشرین شهرصفرالمظفر سنة ثالث وستین و مائتین بعدالالف من الهجرة النبویة علی ید حقیرالفقیر محمد مهدی ملک‌الکتاب» درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌نسخه انجمن خاقان ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه کاتب الحضرة السلطانی محمد مهدی الحسینی الفراهانی ، فی‌سنة مائتین وثلاثین

Marfat.com

و خمس بعدالالف من الهجرة» در همان کتابخانه.

۱۲۶۱) محمد مهدی گلپایگانی

از کاتبان قرن سیزدهم وچهاردهم واز جملهٔ آثارش، یک نسخه نفایس‌الفنون درتهران بچاپ رسیده است، که بقلم کتابت و دودانگ متوسط نوشته‌است باتاریخ و رقم: «بتاریخ بیست‌وهفتم شهر جمادی‌الاول سنهٔ ۱۳۰۹، حرره محمد مهدی الکلپایکانی».

۱۲۶۲) محمد میر دهلوی

هفت قلمی گوید که ظریف الطبع و درویش صفت بود و شعر می گفت و «میرسوز» تخلص می کرد. در دورهٔ سلطنت شاه‌عالم، که اوضاع دهلی متزلزل‌شد ومردم متفرق گردیدند، بسال ۱۱۹۱، میرسوز، به‌لکنهوآمد وازآنجا به‌مرشدآباد رفت. در زمان حکومت آصف‌الدوله (۱۲۱۲-۱۱۸۸) به‌لکنهو بازگشت و امر تعلیم‌وتدریس اورا عهده‌دارشد. چندی بیاسود، ولی‌زمانی برنیامد که درهمانجا درگذشت.

میرسوز، نستعلیق را خوش و شکسته را شیوا می‌نوشت.

۱۲۶۳) محمد میرزا قاجار

فرزند کیومرث میرزای ملک‌آرا فرزند فتح علی شاه قاجار بود، نستعلیق کتابت را بامزه ولطیف می‌نوشت وبسال ۱۲۹۰ درگذشت.

بخط وی دیده‌ام:

یک‌قطعه، بقلم دودانگ خوش، با رقم و تاریخ: «محمد میرزا ۱۲۸۰»

درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران.

Marfat.com

۱۲٦٤) محمد ناصر بخارائی

از شاگردان میرحسین میر کلنگی و بحسن منظر معروف بود . هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۰) هنوز در بخارا می‌زیست و از خوشنویسان مقرر آن سامان بود .

بخط وی دیده‌ام :

یک قطعه از مرقعی بقلم دودانگ و کتابت جلی خوش ، با رقم : «مشقه العبد محمد ناصر» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول .

۱۲٦٥) محمد نبی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) او را جزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید از ولایت دارون اصفهان و خوشنویس خوبی است وامروز در کتابت نظیر ندارد .

۱۲٦٦) محمد نجفی - سید

از خوشنویسان گم نام قرن نهم وبخط وی قطعه یی از یک مرقع در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خفی وغبار متوسط ، با رقم: «سید محمد نجفی گذرانید» .

۱۲٦۷) محمد نرگس بن احمد

از خوشنویسان عثمانی واز مردم بسنه بود . نستعلیق وشکسته وثلث ونسخ را خوش می‌نوشت و سریع القلم بود ، چنانکه گویند کتابت یک نسخه عوامل را درحال راه رفتن ازجامع بایزید در استانبول شروع ودرجامع سلطان محمد آنرا تمام

Marfat.com

کرد ویک نسخه تفسیر بیضاوی را در چهل روز استکتاب نمود .

میرزا حبیب گوید که بسال ۱۰۴۴ دراستانبول در گذشت ودرمحلهٔ ایوب بخاك سپرده شد .

۱۲۶۸) محمد نصیر

ازشاگردان سید علی خان جواهر رقم است و جز نستعلیق ، ثلث و نسخ و رقاع را خوش می‌نوشت وشاهزاده محمد کام‌بخش هندی ( ) را مشق خط می‌داد . بسال ۱۰۷۸ تاریخ تألیف مرآة العالم هنوز درقید حیات بود .

۱۲۶۹) محمد نصیر طرب

پدرسخنور و دانشمندارجمند معاصر آقای جلال الدین همائی است وترجمهٔ احوالش را استاد درمقدمهٔ دیوانی که بسال ۱۳۴۳ درتهران بچاپ رسیده آورده‌اند که اینست ملخّص آن .

«میرزا ابوالقاسم محمد نصیر متخلص بطرب ، کوچکترین فرزندان شاعرعالم عارف ، همای شیرازی (محمد رضا قلی خان ۱۲۱۲-۱۲۹۰) است . ولادتش در اصفهان حوالی طلوع آفتاب روزشنبهٔ دوازدهم ذی‌القعدهٔ سال ۱۲۷۶ هجری‌قمری وفاتش هم دراصفهان ، پیش‌ازظهر دوشنبهٔ دوازدهم ربیع الثانی ۱۳۳۰ قمری ، موافق دوازدهم برج حمل شمسی ، اتفاق‌افتاد ومدفنش در امامزاده‌احمد ، قرینهٔ ضلع‌شمالی تربت والد ماجداوست ولوح مرقدش سنگی‌است تمام‌قد بخط ثلث زیبای همان مرحوم میرزا عبدالحسین قدسی که سنگ لوح همارا نوشت .

... طرب را میتوان اصفهانی شیرازی گفت ؛ برای اینکه محل تولد ونشو ونما ووفات و مدفن او همه دراصفهان و باین اعتبار اصفهانی است ؛ اما به‌رعایت نسب ونژاد و زادوبوم پدر و اسلافش اصلاً شیرازی است چه ... همای شیرازی

Marfat.com

... ازطایفهٔ فیلی زند ساکن شیرازبود ... وطرب هم دراشعارش مکررنسب شیرازی پدر را یاد می کند :

بنده مداح خسرو غازی طرب بن همای شیرازی

... بین فرزندان همای شیرازی که پنج پسر وسه دختربودند ، طرب ازهمه کوچکتر بود ... چهارده ساله بود که پدرش رحلت کرد ... عنقا نسبت ببرادر کوچکترش طرب ... در تعلیم وتربیت وتهیهٔ وسایل تحصیل ومعیشت او جانشین وقائم مقام پدر بود ... دومین برادر بزرگتر طرب ... میرزا محمد سها ... نیز در سهم خود ازوظایف بزرگتری وتعلیم رموزودقایق شعروشاعری کوتاهی نکرده بود .. چندسفرهم طرب همراه سها کرده بود که یکی ازآنها .. بطهران، مابین سنوات ۱۳۱۰ و ۱۳۱۳ است ...

اما اساتید درس و خط او درخارج منزل ... باین قرار است :

میرزاعبدالغفار پاقلعه یی متخلص بسحاب - میرزاعبدالعلی هرندی نحوی - آخوند ملامحمد کاشانی - جهانگیر خان - میرزا محمدباقر چهارسوئی - میرزامحمد هاشم چهارسویی - میرزا ابوالحسن جلوه ...

استاد همائی درباره کیفیت خوشنویسی طرب بسائقهٔ محبت پدر فرزندی بمبالغه چنین آورده :

«طرب درخوشنویسی خط نستعلیق استادیگانهٔ مسلم عهدخود دراصفهان بودودراین فن ازشیوهٔ میرعماد ... ومحمدصالح ... پیروی می کرد ... در کتیبه نویسی ... حسن سلیقه ومهارتی منحصربفرد داشت ، چندانکه بسیاری ازاهل خبرت اورادرخصوص این فن برمحمدصالح نیزترجیح میدادند [!] نمونهٔ کتیبه نویسیهای اودرمسجدرکن الملک تخت فولاد ومسجدآخوند ملامحمدحسین کرمانی درمحلهٔ کلبها روسرای ملک دربازار شاه اصفهان بیادگارمانده است ...

نمونه های خطوط ریز ودرشت طرب راهم درخلال صفحات مقدمهٔ [کتاب دیوان طرب می توان دید]

Marfat.com

از خطوط چاپی او هم دو اثر بیاد گار مانده است: یکی ترجیع بند عرفانی خوداوست طبع ۱۳۲۷ ق... دیگر دوسه فقره قصیده وقطعه، باز از خود او که در اثناء و پایان دیوان پدرش همای شیرازی درسال ۱۳۳۰ ق. چاپ شده واز خطوط اصلی خود دیوان که کاتبش محمد شفیع گلپایگانی بوده کاملا ممتاز و مشخص است.

قطعات ومرقعات خوشنویسی اوبا امضاء وبدون امضاء هم درتملک اعقابش هم دردست اشخاص متفرقه بسیار یافته می‌شود...

میرزا محمد عنقا، متوفی شهریور ۱۳۴۱ وشیخ محمدرضا حسام الواعظین، واعظ معروف اصفهان، متوفی شهریور ۱۳۴۰، مرحوم میرزا محمدباقر... متوفی حدود ۱۳۳۶ ق.. وگروهی دیگر درطهران واصفهان... ازوی سرمشق و تعلیم خط گرفته بودند.

در تعلیم خط معتقد بود که باید از خط نسخ شروع کنند... وبعد بمشق نستعلیق بپردازند...

... برای تعلیم خط ونوشتن قطعات ومرقعات از کسی اجرت نمی گرفت...

طرب درا کثرفنون مربوط بخط وخطاطی ازقبیل مرکب سازی وجوهرقرمز دانه وقل‌طلا و تذییرشنگرف ولاجورد وسفیداب بر الوان کتاب وآهار ومهره و زرافشان کردن کاغذ و امثال آن مهارت داشت...

درشناختن خطوط اساتید وتقویم کتب ومرقعات خطی نفیس، دارای خبرت وبصیرت کامل بود... خطوط اساتید خط‌نسخ وشکسته‌راهم خوب می‌شناخت، اما عمدهٔ مهارتش درخط نستعلیق بود...

طرب در خط ارشد شاگردان میرزا عبدالرحیم افسر شاعر خوشنویس معروفست... اما درشیوهٔ خط بتقلید استادش قانع نشد ومدتها هم از روی خط میرعماد ومحمدصالح وآقا محمد باقر سمسوری و رضاقلی ادیب شیرازی که دو نفر

Marfat.com

اخیر از خوشنویسان بارع قرن سیزدهم هجری‌اند، مشق کرد، تا خود صاحب شیوه‌یی ممتاز گردید که از شیوهٔ اساتید قدیم مخصوصاً میر ومحمدصالح مایهٔ بسیار داشت...

... راقم سطور را اهلیت و جسارت آن نیست که خط طرب را باخود افسر ودیگر نستعلیق نویسان مشهور و مسلم آن زمان... ازقبیل مرحوم میرزا غلامرضا اصفهانی..ومیرزامحمدرضا کلهر..وامثال ایشان مقایسه ودرترجیح آنها بریکدیگر قضاوت کنم؛ چون نمونهٔ خطوطشان دردست است. دراین باره داوری را برعهدهٔ اهل فن می گذارم...»

محمد نصیرالدین مذهب = نصیرالدین

۱۲۷۰) محمد نعیم اصفهانی

از خوشنویسان دربار اورنگ‌زیب (۱۰۶۸-۱۱۱۹) پادشاه هند بود.

از خطوط وی یک صفحه از بیاض بختاورخان در موزهٔ باستان‌شناسی دهلی است، بقلم کتابت متوسط، بارقم: «کتبه محمدنعیم».

۱۲۷۱) محمد ندیم

از خوشنویسان گم‌نام قرن‌سیزدهم وبخط وی قطعه‌یی در کتابخانهٔ مرحوم حاج‌سید نصرالله تقوی است، بقلم دودانگ ونیم دودانگ خوش، بارقم وتاریخ: «مشقه العبد محمدالندیم غفرله، ۱۲۹۶».

۱۲۷۲) محمد ندیم باشی - میرزا

برادر محمودخان ملک‌الشعراء کاشانی‌است. سپهر گوید که، اگرچه خط نستعلیق را صاف نمی‌نوشت ولیکن درست و با مزه می‌نوشت. نسخ وشکسته رانیز

Marfat.com

خوش می‌نوشت . ازعلوم بهره‌داشت وشعررا بسبک قدمانیک می‌سرود . بسال ۱۲۹۰ در گذشت .

۱۲۷۳) محمد نوائی کاشانی ـ شمس الدین

شعر می گفت و «نوائی» تخلص می کرد . درعلم قافیه ومعما مهارت داشت درانواع هنرخاصه خوشنویسی دست داشت . هنگام تألیف تحفهٔ سامی (سال ۹۰۷) هنوزمی‌زیست وصاحب تحفهٔ سامی او را «جوان» خوانده است ؛ ولی در مناقب هنروران ، جزو چهل تن هنرمند دربار بایسنغر میرزا آمده است .

۱۲۷٤) محمد نور الدین

ازخوشنویسان شاعر گم نام قرن دهم وبخط وی قطعه‌شعری ازخود او ، در مرقعی از کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم دودانگ متوسط ، باین مضمون :

«ولد ولدالاخر دوست میرك فی النصف الاول من لیلة الجمعة الثانیه من شهر ربیع‌الاول سنه ثلث وثلثین و تسعمائة ، اللهم ارزقه سعادة الدارین و ابنته نباتاً حسناً .

غنچه یی ازشاخ امیدم شکفت — لاله یی از باغ عنایت رسید
بلکه نسیمی ز گلستان فیض — آمد و بر کشت امیدم وزید
سال ولادت چو بپرسد کسی — گوی که فرزند اعز رشید

راقمه وناظمه نورالدین محمد» .

محمدنورالدین اصفهانی = نورالدین اصفهانی

۱۲۷۵) محمد نوری

از کاتبان قرن اخیر و بخط وی یک نسخه طیبات سعدی در کتابخانهٔ آقای دکترمهدوی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، باتاریخ ورقم : « . . . فی ست عشرین

من شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۸۵ . حرره الاقل محمدبن محمد هادی النوری» .

۱۲۷۶) محمد هادی

میرزا سنگلاخ گوید که شاگرد رشیدا و امیرخلیل هروی و در قطعه نگاری مشابه میرعماد است . کثیرالمشق و طویل العمر بوده . هم او گوید که مجموعه یی درلغت والحان تألیف کرده است واشعارنغزدارد ومنشی زبردست بود وبسال ۱۰۸۲ درگذشت .

جز میرزا سنگلاخ دیگری ذکری از این خوشنویس نکرده و معلوم نیست اطلاعاتی که داده است تاچه اندازه مقرون بصواب باشد ؛ ولی یک نسخه عالم آرای عباسی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بدون تاریخ ، که درقرن یازدهم بقلم نیم دودانگ خوش نوشته شده است ورقم : «محمد هادی» دارد ؛ که اگر واقعاً همان باشد که میرزا سنگلاخ ازاو یاد کرده ، کاتب خوشنویسی است .

۱۲۷۷) محمد هادی ماهانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی دو رسالهٔ : شرح رباعیات جامی و رسالهٔ ایمان شاه نعمة‌الله ، در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت خفی ، که چنین تمام می‌شود : « تمت الرساله الموسومة بشرح رباعیات ، بتاریخ شهر ربیع الثانی سنهٔ ۱۰۸۳ . حسب الامر ... صاحب سلسلهٔ علیهٔ نعمت الهی ، میرزائی شاه ابوالمهدی مد ظله تعالی ؛ درقصبهٔ طیبهٔ بهشت نشان ماهان ، مرقوم قلم بنده‌زادهٔ قدیمی ، ابن محمد صادق ، محمد هادی ماهانی گردید » و « تمت الرسالة بتاریخ غرهٔ شهر ذی القعدة الحرام سنهٔ ۱۰۸۳ ، درقصبهٔ طیبهٔ ماهان ... حسب الامر ... میرزا شاه ابوالمهدی ... بندهٔ دولتخواه ، محمد هادی مرقوم گردید» .

Marfat.com

۱۲۷۸) محمد هاشم

پدرزن سرخوش مؤلف کلمات‌الشعرا ومردی صاحب کمال بود وهفت‌قلم را خوش می‌نوشت و شعر می گفت .

درتاریخ تألیف کلمات‌الشعراء (سال) در گذشته بود .

قطعه‌یی در موزهٔ پنجاب است ، بقلم سه‌دانگ متوسط که چنین رقم دارد : « کتبه‌الفقیر محمد هاشم» و دورنیست که بخط همین محمد هاشم باشد .

۱۲۷۹) محمد هاشم خوانساری ـ سید

از نسخ نویسان قرن سیزدهم است که نستعلیق را نیز خوش نوشته است .

بخط وی یک‌نسخه زادالمعاد دیده‌ام که ترجمهٔ آنرا بقلم نستعلیق کتابت خفی خوش نوشته‌است وچنین رقم دارد : «اقل السادات محمد هاشم بن محمدالموسوی الخوانساری . . . تحریر پذیرفت ، فی‌شهر ربیع‌الثانی من شهور سنهٔ ۱۲۵۸ ثمان و خمسین و مائتین بعدالالف من الهجرة النبویة» .

۱۲۸۰) محمد هاشم شیرازی

اجدادش در زمان دولت صفوی غالباً ارباب دانش بودند و خود وی در مراتب نظم‌ونثر فارسی وتازی سرآمد بود .

درجوانی بانشاء واستیفای دیوانی اشتغال داشت . درچهل‌سالگی ازمشاغل دنیا وی چشم پوشید و انزوا گزید و بسیر وسلوك پرداخت . پس عازم عتبات شد ودرنجف بخدمت سید قطب‌الدین شیرازی ازمشایخ سلسلهٔ ذهبیه رسید واز محضر وی کسب فضایل ومعارف کرد . سرانجام قطب اجازهٔ خرقه باوتفویض کرد واورا بدامادی خود بر گزید .

Marfat.com

در پایان زندگی بشیراز رفت ودرسنین هشتاد سالگی ، بسال ۱۱۹۹ درآن شهر درگذشت ودر تکیهٔ خواجه شمس الدین محمد حافظ ، بخاك سپرده شد .

اختر در تذکرهٔ خود گوید که آقا محمد هاشم مجموعهٔ کمالات معنوی و صوری بود وخط نستعلیق را خوش می نوشت وچندین هزار بیت از هر گونه ، بسیاق اهل عرفان ، ازاو بجای مانده است .

۱۲۸۱) محمد هاشم شیرازی

صاحب آثار عجم گوید که مردی نیکونهاد ودرنستعلیق استاد بود . بسال ۱۳۱۳ (تاریخ تألیف آثار عجم) هنوز میزیست .

۱۲۸۲) محمد هاشم شیرین قلم

از خوشنویسان گم نام قرن دوازدهم هندوستان و بخطوی قطعه یی ازیک مرقع ، در کتابخانهٔ بادلیان است ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، بارقم : « کتبه محمد هاشم شیرین قلم » .

۱۲۸۳) محمد هاشم طائر

ترجمهٔ احوالش درضمن خوشنویسان اقلام شش گانه آمده است . جز اقلام مزبور ، نستعلیق وشکسته رانیز خوش می نوشت .

یک نسخه صحیفهٔ سجادیه بخطوی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، که متن آن بقلم نسخ و ترجمهٔ آن نستعلیق وحواشی آن شکستهٔ خوش است وچنین رقم دارد : « کتبه هذه الصحیفه متناً و هامشاً ، محمد هاشم الشهیر بالطایر ، فی ۱۱۰۲ » .

۱۲۸٤) محمد هروی

از خوشنویسان زبردست گم‌نام قرن دوازدهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم چهاردانگ خوش ، بارقم‌وتاریخ : « کتبه‌محمد هروی سنهٔ ۱۱۲۲ » درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم‌وتاریخ : « کتبه محمد هروی ، سنهٔ ۱۱۳۲ » درمجموعهٔ نگارنده .

۱۲۸۵) محمد هلالی بن نجم‌الدین

بقول‌میرزاحبیب ازفضلای شام‌بود وبقصداستفاده ازمحضرمیرعماد ، باوی سفرحج کرد ودرآن سفردرخط نستعلیق سرآمد وبسال ۱۰۱۳ درگذشت)

۱۲۸٦) محمد یارسالیانی

چند قلم را خوش می‌نوشت و بخط وی قطعه‌یی نزد مرحوم امیرالکتاب ملک‌الکلامی دیدم که باقلام مختلف نوشته بود و نستعلیق آن بقلم کتابت خفی خوش بود وچنین رقم داشت : «حسب‌الاشاره . . . سلالةالسلسلة البهیةالخاقانیه امیرالامراء المجاهد الغازی محمد حسن‌خان قاجار ، ادام‌الله تعالی اجلاله‌واقباله قلمی گردید ، وانا العبد الاذل الاقل ، محمدیارسالیانی ، فی‌سنهٔ ۱۲٤۲ » .

۱۲۸۷) محمد یحیی

ازکاتبان وخوشنویسان گم‌نام قرن‌دهم‌ویازدهم‌است وبخطوی دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان انوری ، بقلم کتابت جلی‌خوش ، که‌چنین تمام‌می‌شود : «حسب‌الامر . . . میرزاطالب ، دردارالسلطنهٔ‌قزوین‌سمت‌تحریریافت ، محمدیحیی

غفرله ، بتاریخ غرهٔ شهر ذی‌قعده سنهٔ ۱۰٤۳ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان بسحق اطعمه ، بقلم نیم‌دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه العبدالمذنب محمد یحیی ، غفرذنوبه وسترعیوبه» در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم سه‌دانگ ودودانگ عالی ، بشیوهٔ میرعلی هروی، بارقم : « کتبه العبد الفقیرالمذنب محمد یحیی» درمجموعهٔ نگارنده .

(به ترجمه محمد یحیی آینده نیز رجوع شود) .

۱۲۸۸) محمد یحیی بن رستم کیا

از خوشنویسان گم نام است و شاید همان محمد یحیی سابق‌الذکر باشد . بخط وی یک نسخه سوزو گداز ، در کتابخانهٔ سلطنتی است بقلم کتابت خوش ، با رقم : « کتبه العبد المذنب الراجی محمد یحیی بن رستم کیا ، بدارالسلطنهٔ لاهیجان » .

این نسخه تاریخ ندارد ، ولی‌ظاهراً درهمان اوایل قرن یازدهم نوشته شده است و در پشت کتاب یادداشت کرده‌اند که : « خط یحیی لاهیجی شاگرد میرزا صالح » .

۱۲۸۹) محمد یساری استانبولی

جلی‌وخفی‌را خوب می‌نوشت وچپ‌نویس بود وبهمین‌مناسبت به« یساری» معروف شده است .

۱۲۹۰) محمد یوسف کابلی

در مرآة العالم و منتخب‌التواریخ بداونی است که شاگرد اشرف خان میر منشی‌بود ودرهندوستان به خوشنویسی شهرت داشت . درجوانی‌بسال ۹۷ هنگام

Marfat.com

محاصرهٔ قلعهٔ سورت در گجرات وفات یافت و اشرف خان مادهٔ تاریخ آن را چنین یافت:

«کجا شد یوسف مصرای عزیزان».

بخطوی یک نسخه قران السعدین در موزهٔ باستان‌شناسی دهلی است که بقلم کتابت متوسط نوشته است.

۱۲۹۱) محمود

میرزا حبیب وصاحب صبح گلشن با این عنوان اورا آورده در یک موضع اورا شاگرد سلطان علی مشهدی و میرعلی هروی ویک جا شاگرد با واسطهٔ سلطان علی دانسته گویند که خمسهٔ نظامی را به‌قلم غبار برای کتابخانهٔ شاه طهماسب نوشت وبهزاد آن را مصور ساخت. گویند که وقتی شاه‌طهماسب در تبریز بود، مولانا محمود در مدرسهٔ نصیریه مسکن داشت، ولی سرانجام درآنجا ملول شد و به‌مشهد رفت و بیست سال درآنجا بود تا درسن هشتاد سالگی درمشهد درگذشت ونزد سلطان علی مشهدی به خاك سپرده شد. و تمام این مطالب با خصوصیات زندگی شاه محمود نیشابوری سابق الذکر است، که ایشان مشتبه شده‌اند ومفصل این مختصر در ترجمهٔ شاه محمود گذشت.

۱۲۹۲) محمود ـ جلال الدین

صاحب مناقب هنروران وی را از شاگردان سلطان علی مشهدی دانسته گوید از خوشنویسان روم بود وتعلیق را نیز خوش می‌نوشت.

از خطوط وی موجود است:

یک نسخه سبعهٔ جامی، بقلم کتابت خفی متوسط، با رقم وتاریخ: «تمت کتاب تحفة الاحرار، کتبه العبد جلال الدین محمود بن فیروز بخت الحسینی غفر ذنوبه وستر عیوبه، فی شهر رمضان المبارك سنهٔ ۹۷۸ بآخر انجامید» و «کاتبه

العبد جلال الدین محمود بن فیروز بخت الحسینی ، تحریراً فی شهر رمضان المبارك سنهٔ ۹۷٦ » و « تحریراً فی اواسط شهر محرم سنهٔ ۹٦۳ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان امیرشاهی، بقلم کتابت خوش، با رقم وتاریخ : «میرمحمود ۱۰٤ » درهمان کتابخانه ؛ که اگر این دیوان هم بخط او باشد ، باید عمری دراز کرده باشد .

یک قطعه از سرقعی ، بقلم چهاردانگ خوش ، با رقم : « مشقه جلال الدین محمود» در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعه از سرقع امیرغیب بیک ، بقلم نیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : « مشقه العبد المذنب جلال الدین محمود » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

دوقطعه یکی از سرقع سید احمد مشهدی ودیگری از سرقع سالک دیلمی ، هردو بقلم چهاردانگ و دودانگ جلی خوش ، با رقم : « کتبه المذنب محمود الحسینی» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

۱۲۹۳) محمود - زین الدین

مؤلف خلاصة الاخبار ،اوراقاینی وصاحب سرآة العالم، نیشابوری وازندیمان امیرعلی شیر نوائی دانسته اند .

صاحب تذکرهٔ بی نام ، او را خویش و مؤلف قواعد خطوط ، داماد سلطان علی مشهدی ، خوانده وی را بطبع سلیم و ذهن مستقیم و اخلاق پسندیده ستوده است .

زین الدین محمود شاگرد مستقیم سلطان علی مشهدی و استاد بی واسطهٔ میرعلی هروی است .

Marfat.com

در کیفیت خوشنویسی وی گویند که از اصناف خط نستعلیق ، کتابت را خوش می کرده است ، چنانکه صاحب خلاصة‌الاخبار وتذکرهٔ بی‌نام گویند که از میان شاگردان سلطان‌علی ، کسی ازوی در کتابت شیواترننوشته وپختگی و گردی خط او ، مانند خط پیریحیی صوفی‌است وازقول فرزنداوچنین نقل کرده است : «از خلف صدق ایشان مولانا محمد طاهر ، چنان استماع افتاد که ، کلیات میر شیخم سهیلی که مولاناسلطان‌علی کتابت نموده‌اند ، اتمام‌آنرابه‌مولانازین الدین محمود فرموده ، بخوبتر وجهی کتابت نموده و تمام فرمودند» ؛ ولی کتابتهای موجود وی شاهد این مدعا نیست .

درگذشت زین الدین را ، سپهرسال ۹۳٤ وصاحب مرآة العالم ۹۱۸ و مؤلف قواعد خطوط ۹۲۰ ضبط کرده‌اند ، که قول اخیر ازآن‌جهت که نزدیکترین تذکره‌نویسان بعهد زین الدین است ، ارجح است .

اینست آنچه ازخطوط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان نظام هروی ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : «مشقه العبد الفقیر المذنب ، زین الدین محمود الکاتب غفرذنوبه وسترعیوبه ، سنة سبع وتسعمائة الهجریة النبویة» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « العبد زین الدین محمود» درمجموعهٔ آقای عبدالحسین مسعودانصاری ، تهران ؛

یک نسخه دیوان امیر شاهی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ سال ۹۰٦ ، در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد ؛

۱٦ قطعه درسرقعهای بهرام‌میرزا وسیداحمد مشهدی ، بقلمهای‌ازدودانگ تا کتابت خوش و متوسط ، با رقمهای : « مشقه العبد الفقیر زین الدین محمود » و «اقل العباد زین الدین محمود» ومانندا ینها . در کتابخانهٔ خزینهٔ‌اوقاف ، استانبول ؛

یک‌قطعه ازسرقعی ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم : « مشقه العبد الفقیر

Marfat.com

الحقیر زین الدین محمود» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول» .

(به ترجمهٔ نظام الدین داماد نیز رجوع شود) .

۱۲۹٤) محمود ـ سید

از کاتبان گم نام قرن اخیر ونسخه یی از دیوان وفا بخطوی کتابت شده است بقلم کتابت ونیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «تمت الکتاب فی نوزدهم شهر ذی حجة سنه ۱۳۲۳ ، کتبه الاحقر محمود الحسینی» .

۱۲۹۵) محمود آشتیانی ـ میرزا

فرزند میرزا محمد حسین آشتیانی است که در ارومیه مسکن گزیده بود و هنگامی که میرزا سنگلاخ بآن شهر رسید باووارد وپذیرائی شد ، درآن اوقات میرزا محمود بیست وپنج سال داشت ونستعلیق وشکسته را خوش می نوشت .

صاحب المآثر والآثار گوید که از موسیقی سررشته داشت ونستعلیق وشکسته را نیکو می نوشت .

۱۲۹٦) محمود استرابادی ـ خواجه

مؤلف مناقب هنروران اورا جزو چهل تن کاتبان کتابخانهٔ بایسنغرمیرزا ، آورده است .

۱۲۹۷) محمود اورنگ

فرزند داوری بن وصال شیرازی خوشنویس شهیر است . بسال ۱۲۸٦ در شیراز متولد شد .

ویرا باخلاق حمیده و حسن خط نستعلیق و نسخ ، ستوده اند . شعر میگفت

Marfat.com

وپس ازمرگ پدر بعتبات سفر کرد وپس از شش ماه ، بسال ۱۳۱۳ بتهران بازگشت وتا آخر سال ۱۳۱٤ ، درتهران ماند ودراین مدت بامؤلف طرایق الحقایق محشور ومورد نوازش صدراعظم بود . پس از یکسال به شیراز بازگشت و تا سال ۱۳۱٦ هنگام تألیف طرایق ، هنوز درقید حیات بود .

ازخطوط وی دیده‌ام : یک نسخه لوایح جامی ، بقلم کتابت خفی خوش (و عناوین بقلم نسخ کتابت خوش) در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، که چنین تمام میشود : «بانجام رسید . . . درچهارم شهر ربیع الاول من شهور سنه ۱۳۱۳ ثلاث عشر و ثلاثمائة بعد الالف ، علی ید تراب اقدام العارفین محمود المتخلص باورنگ ابن الفرهنگ ابن الوصال . . .»

۱۲۹۸) محمود بمرودی

از کاتبان گم نام قرن نهم و بخط وی یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا در موزهٔ آثار اسلامی و ترك استانبول است ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تمت الکتاب . . . فی یوم الاربعا ثالث ذوالقعده سنه ثلاث و ثمانین و ثمانمائة ، علی ید العبدالفقیر النحیف الضعیف ، محمود بن سیف الدین بن حسین شاه بن علی البمرودی» .

محمود پیربوداقی = محمود هروی

۱۲۹۹) محمود فراش خلوت

از کاتبان خوشنویس دربار ناصرالدین شاه وبا اینکه کتابت را بشیوهٔ میرزا محمدحسین کاتب السلطان شیرازی نیکو میکرده‌است ، نام وی را جزوخوشنویسان آن عهد نیاورده‌اند .

از کتابتهای وی ، یک نسخه مزین سفرنامهٔ فرنگستان ناصرالدین شاه ، در

Marfat.com

کتابخانهٔ حاج سید نصرالله تقوی است ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «غلام خانه‌زاد محمود فراش خلوت ، فی شهر ذیقعدة سنهٔ ۱۲۹۱» ومذهّب نسخه در دوصفحهٔ اول نوشته است : «در مجمع الصنایع مبارکهٔ دولت علیّه ایران اتمام یافت ، خانه زاد دولت ابدآیت ، احمد ، امید که درپیشگاه حضور ساطع النّور مقبول آید» .

۱۳۰۰) محمود تبریزی

از خوشنویسان گم نام قرن اخیراست وبخط وی دیده‌ام :

مرقعی مشتمل بر ۱۸ رقعه ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم : « مشقه محمود » در کتابخانهٔ سلطنتی ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ نستعلیق وشکسته کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : « در بلدهٔ سقز صورت تحریر یافت ، حررة الحقیر الفقیر محمود ، فی سنهٔ ۱۲۷۲» در مجموعهٔ مرحوم امیرالکتاب کردستانی ، که پدر ایشان ملک الکلام در پشت آن قطعه نوشته بود : « این قطعه خط مرحوم میرزا محمود تبریزی است و او از عرفا و دوستان مرحوم والد حقیر بود . . . سنهٔ ۱۳۳۷» .

۱۳۰۱) محمود تربتی

میرزا حبیب گوید که شاگرد محمد قاسم شادیشاه بود .

۱۳۰۲) محمود جعفری - شیخ

خوشنویس گم نام قرن دهم وبخطوی یک قطعه از مرقعی در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم : « کتبه شیخ محمود الجعفری بمزار متبرک گازرگاه هرات» .

Marfat.com

۱۳۰۳) محمود چلبی طوپخانه‌یی

از نستعلیق نویسان عثمانی وازمردم استانبول وشاگرد درویش عبدی بود.
گویند که او واسطهٔ نشر خط نستعلیق درمملکت عثمانی گردید.
وفاتش را میرزا سنگلاخ سال ۱۰۸۰ وسپهر سال ۱۰۵۹ ضبط کرده‌اند.

۱۳۰۴) محمود حکیم

فرزند دوم وصال شیرازی است. بسال ۱۲۳٤ درشیراز متولد شد. درجوانی باتربیت پدر کسب کمالات کرد ودرفنون ادبی مهارت یافت وبتحصیل علم طب پرداخت. شعر می گفت و «حکیم» تخلص میکرد.

به‌رحمت علی‌شاه دست ارادت داد وسرسپرد و بسیر وسلوك آغاز کرد.
رحمت علی شاه او را بدامادی برگزید و حکیم درزمان سلطنت محمد شاه قاجار، بتهران آمد وبا رضاقلیخان هدایت، که پیشتر اورا درشیراز دیده‌بود چندی محشور ومصاحب شد و بشیراز بازگشت وبسال ۱۲٦٦ با احمد وقار برادر بزرگ خود، بهندوستان سفر کرد ودرآن‌سامان دیوان حافظی بخط خود نوشت که‌بسال ۱۲٦۷ دربمبئی به‌چاپ رسید.

حکیم پس‌ازچندی بشیراز رفت ودرسنین چهل سالگی، بمرض‌وبا، بسال ۱۲۷٤، درگذشت ونزدیک آرامگاه پدر خود، درمزار شاه چراغ بخاك سپرده شد.

تاریخ تألیف اورا هدایت مؤلف مجمع الفصحاء ومؤلف المآثر و الاثار ۱۲٦۸ ضبط کرده‌اند، که سهو است وفرهنگ برادرحکیم که ترجمهٔ احوال خاندان خودرا انشاء کرده ودرفارسنامهٔ ناصری مندرج است، متذکر این سهواست وبرادر دیگر وی وقار، ماده تاریخ اورا: «عاقبت محمود شد کار حکیم» ونعمت فسائی:

از پی تاریخ او نعمت دل خسته گفت

(حکیم پرعلم وحلم مقام محمود یافت)

و دیگر

نگاشت نعمت محزون برای تاریخش

(حکیم دید ترحم ز کرد گار حکیم)

یافته‌اند که همان سال ۱۲۷٤ می‌شود :

یک نسخه سبحة الابرار وطریق التحقیق ، در کتابخانهٔ سلطنتی است که بامر محمدقلی خان ایلخانی ، بقلم کتابت عالی ، بسال ۱۲۷۰ ، نیمه یی بخط حکیم و نیمهٔ اول بخط میرزا فتح علی حجاب نوشته شده‌است وچنین تمام می‌شود : «حسب الامر... ایلخانی... به تتمیم این کتاب مستطاب پرداخته شد ، وانا العبدالفقیر محمود المتخلص بحکیم ابن مرحوم الوصال... فی‌سنهٔ ۱۲۷۰ » و در موضعی که سبحة الابرار به نیمه رسیده ، درحاشیهٔ صفحه ، وقار برادر حکیم قطعه شعری مثنوی که خود سروده ، بخط خود نوشته ، وآن اینست :

اوستادی متخلص به حجاب — بود فتح علی اندر کتّاب

اوستادی ز اساتید زمان — پشتش ازرنج کتابت چو کمان

خواست وقتی که بخط نامی — زیب بدهد به کتاب جامی

کرد ازآنچه بدو منتسب است — سبحه رانخبه که بس منتخب است

رشتهٔ عمر گسستش ایام — زو نشد رشتهٔ این سبحه تمام

کلک او سیر چو تا اینجا کرد — بر سر بستر و بالین جا کرد

زآتش تب برخش تاب نماند — سبحه اش را به گهر آب نماند

آنکه او بود چوشمس از کتّاب — گشت چوشمس توارت بحجاب

اوستاد هنر آموز ، حکیم — که بدو دوست بداز عهد قدیم

نو نهال چمن مجد و کمال — زادهٔ حضرت استاد وصال

Marfat.com

کرد آهنگ که این سحر حلال — رسد از معجز کلکش بکمال
زو شد این سبحهٔ بگسسته درست — وآخرش گشت مطابق بنخست
کاین دورا مایه بد از یک قلزم — رضی الله تعالی عنهم
لیک در آخر این طرفه کتاب — محتجب بود و نهان نام حجاب
تا که این نامه ز اقبال زمان — آمد اندر کف سالار جهان
سر و سالار عدالت کیشان — ملجأ و معتقد درویشان
قدر دانندهٔ ارباب کمال — مرحمت گستر اصحاب وصال
میر فرهاد لقب خاب عداه — عمّ شه معتمد الدوله شاه

. . . . . .

گفت با داعی دیرینه وقار — که تو این پرده براندازز کار
نه ز عدل است درین نغز کتاب — اثری هیچ نباشد ز حجاب
آنکه او مبتدع این نامه است — سبحه را زیب فزای از خامه است

. . . . . .

از چه رو نامش مستور شود — تا دگر سعی تو گردد مشکور
اندرین کرده وی مأمور است — وانکه مأمور بود ، معذور است
آفرین بر ملک و انصافش — بر دل پاک و روان صافش

. . . . . .

ازآثار شیوای وی که مخصوصاً در کتابتهای خفی آن آثار مهارت و چابک‌دستی هویداست ، دیده‌ام :

یک نسخه ، دورهٔ کامل روضة الصفای میرخواند در یک مجلد ، بقلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام می‌شود : «فی تاریخ یوم الاحد سیم شهر ذی قعدة الحرام سنهٔ ۱۲۶۵ ، برحسب فرمایش . . . محمدقلی خان ایلخانی . . . تقدیم حضور . . . فیروز میرزا نصرة الدوله فرمانفرمای مملکت فارس گردید . و انا العبد المذنب محمود حکیم ابن مرحوم مغفور میرزا محمد شفیع متخلص بوصال شیرازی ، نورالله

Marfat.com

مرقده ، سنهٔ هزار و دویست وشصت وشش» که این نسخهٔ عظیم در مدت پنج سال ، از ۱۲۶۱ تا ۱۲۶۵ استکتاب شده‌است . در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک نسخه منتخب شاهنامهٔ فردوسی ، بقلم کتابت جلی ممتاز ، که چنین تمام می‌شود : « کتبه العبد الاقل محمود الحکیم ابن مرحوم الوصال طاب الله ثراه وجعل الجنة مثواه المخدومی الاکرم الاجل ، جعفرقلی خان حرسه الله عن الحدثان» و «بجهت دوست بزرگوار و مخدوم پسندیده اطوار عالی‌جاه جعفرقلی خان حفظه الله تحریر شد ، وانا العبد حکیم شیرازی ، ۱۲۶۹ » در همان کتابخانه ؛

یک نسخه لوایح جامی ، بقلم کتابت جلی عالی ، که چنین تمام می‌شود : « بجهت مخدوم زاده . . . محمد قلی خان ، که مرا چون گرامی روان است ، سمت تحریر پذیرفت تا از خطش تعلیم بر گیرد . . . وانا العبد المذنب محمود المتخلص بحکیم بن وصال . . . در دارالعلم شیراز ، در سنه ۱۲۶۵ تحریر شد » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مناجات خواجه عبدالله انصاری ، بقلم نیم‌دودانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : «العبد المذنب حکیم بن وصال طاب ثراه ، از خط بزرگوار استاد میر عماد الحسنی نقل و ترکیب کرده شد و بیاد . . . محمد مهدی میرزا . . . سمت اختتام پذیرفت . امید که نیاز درویشانه پسند افتد حرره فی سنه ۱۲۷۰ » در کتابخانه مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک نسخه دیوان فرخی ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « انا العبد حکیم بن وصال ۱۲۶۹ » در کتابخانهٔ مرحوم حاج سید نصرالله تقوی ، تهران ؛

یک نسخه طریق التحقیق ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «حکیم بن وصال ۱۲۶۹ . . . » در مجموعه یی خصوصی ، که ظاهراً اکنون بکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه منتقل شده‌است ؛

خواص سور یک نسخه قرآن که متن آن بخط میرزا غلام علی اصفهانی است

Marfat.com

بنلم کتابت خفی عالی ، که چنین تمام شده‌است : «بندگان مشیرالملک براقتضای پاکی گوهر... ازمخلص قدیم محمودحکیم خواهش چنان نمود ... پارهٔ احادیث از تفسیر صافی انتخاب کرده بلفظ پارسی بخط خویش استکتاب نمود ... حرره فی شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۲۶۸» دردست فروشنده‌یی ، تهران ؛

قطعات متعدد، ازجمله قطعه‌یی بقلم نیم دودانگ و کتابت خفی خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبدالمذنب محمود بن وصال فی سنهٔ ۱۲۶۲ » درمجموعهٔ نگارنده .

۱۳۰۵) محمود حیران شیخ

درتذکرهٔ شمع انجمن آمده است که ، شعرمیگفت ونستعلیق وثلث راخوش می‌نوشت ومعلم خط زیب النسا بیگم بود .

۱۳۰۶) محمود خفی نویس - شیخ

درتذکرهٔ بی‌نام و حالات هنروران آمده است که شاگرد جعفر بایسنغری بود ونستعلیق را ازمیرعلی تبریزی بهتر می‌نوشت .

صاحب ریحان نستعلیق وحالات هنروران باولقب «زرین قلم» داده‌اند .

۱۳۰۷) محمود خماری

[1]ازکاتبان گم‌نام قرن نهم وظاهراً ازخوشنویسان دربارپیربوداق قراقویونلو بوده ودربغداد میزیسته است .

ازآثاروی دیده‌ام :

بعض ترجیعات ، ازمجموعهٔ ترجیع بندها که درترجمهٔ شرف‌الدین حسین مشهدی گذشت ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم : «تم الترجیعات ... کتبه العبد

۱- دراینجا مرحوم بیانی یک ضرب در قرمز زده و درکنار صفحه نوشته‌اند « نستعلیق کتابت خفی شاهنامه V درکتابخانهٔ ... درامریکا . کتبه اضعف العباد الله المعبود ابن محمد المحمود فی سنة احدی وثلاثین وثمانماية الهجريه بالخير والحسنى حامداً مصليا مسلما .

الضعیف المحتاج الی رحمة الله الملک الباری محمود بن محمد خماری عفا الله عنهم»
در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، تهران ؛

یک نسخه لمعات عراقی و گلشن راز شبستری ، بقلم کتابت خفی متوسط ،
با رقم وتاریخ : « تمت ... علی ید اقل عباد الله الملک الباری ، محمود بن محمد
بن محمود بن خماری ، فی سنهٔ ٨٥٤» در مجموعهٔ نگارنده .

با ترجمهٔ محمود هروی آتی الذکر جمع وتلفیق شود .

۱۳۰۸) محمود دره گزینی

فقط میرزا حبیب ازوی یاد کرده گوید که بشیوه میرعلی ومیرعماد می نوشت
وبعد از سال هزار درگذشت .

۱۳۰۹) محمود رفیقی - کمال الدین هروی

پدر مجنون چپ نویس سابق الذکر است که در منظومهٔ رسم الخط خود ، او
را به خوشنویسی شش قلم ونستعلیق ستوده است .

کمال الدین شعر می گفت ونستعلیق را خوش می نوشت . سپهر سال وفاتش
را ۹۷۸ ضبط کرده که سهو است ودر تاریخ سال ۹۰۹ هنگام تألیف منظومهٔ رسم الخط
مجنون ، یقیناً در گذشته بوده است .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه خمسهٔ جامی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که عباراتی بقلم رقاع
و شکسته تعلیق کتابت خوش نیز دارد ، چنین تمام می‌شود : « تمت هذه الفیض
الحقیقی بخط العبد محمود الرفیقی ، فی سنهٔ ۸۹۳» و «تمت ... فی شهر شعبان المعظم
سنهٔ تسعین وثمانمائة» در کتابخانهٔ ایاصوفیه ، استانبول :

یک نسخه ذخیرة الملوک سیدعلی همدانی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و

Marfat.com

تاریخ : «وتم ذلک الفیض الحقیقی بخط العبد محمد الرفیقی فی شهور سنه ۸۹۳»[1]
درمجموعهٔ دولتی ، هرات .

محمود زرین قلم = محمود خفی نویس

۱۳۱۰) محمود سبزواری

ازسادات عریضی سبزوار واز اعیان آن ولایت بود . چون محتاج نبود کمتر کتابت میکرد .

صاحب گلستان هنر گوید که درمجلس شاه‌طهماسب اول صفوی راه‌داشت ومعزز میزیست .

۱۳۱۱) محمود بن سلطان‌علی

ازخوشنویسان گم‌نام قرن دهم وندانستم پدروی کدام یک ازسلطان علی های خوشنویس سابق الذکراست . اگرچه ممکن است که سلطان‌علی پدراین محمود اصلا خوشنویس نباشد ، ولی خوش خطی اوسوهم این است که بایداز خاندان هنرمندان خوشنویس باشد .

ازخطوط وی دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان امیرشاهی سبزواری ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب محمود بن سلطان‌علی ، سنهٔ ۷۶۹ (که‌ظاهراً مقصود ۹۶۷ وارقام را ازراست بچپ نوشته است) درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌نسخه دیوان قاسم‌انوار ، بقلم کتابت جلی‌عالی ، بشیوه میرعلی هروی وبسیارشیوا و استوار ، که چنین تمام می‌شود : « قد وقع الفراغ من کتابته فی شهر ربیع الثانی سنة ثمان وخمسین وتسعمائة ، بدارالسلطنة بلخ ، علی ید الفقیر الحقیر محمود بن سلطان‌علی غفرذنوبه وسترعیوبه » درموزهٔ آثارإسلامی وترک ، استانبول .

۱- درنوشتهٔ مرحوم بیانی عددآحاد این رقم دووهشت متصل بهم نیزخوانده میشود .

Marfat.com

۱۳۱۲) محمود بن سلیم گیلانی - غیاث الدین

از کاتبان گم نام قرن یازدهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه کلیات وحشی ، بقلم کتابت خوش ، بشیوهٔ عبدالجبار اصفهانی، که چنین تمام می‌شود : «تمت الکتاب المسمی بدیوان الوحشی ، بعون الله الملک الوهاب ، کتبه العبد، غیاث الدین محمود بن سلیم گیلانی» در مجموعهٔ آقای سلطان‌القرائی ، تهران ؛

یک نسخه رساله احکام سعد و نحس در روزهای هفته ، بقلم کتابت جلی خوش ، با تاریخ ورقم : «قد وقع الفراغ من تسوید هذه الرساله ، فی روزچهارم شهر رمضان المبارک سنهٔ ۱۰۸۶ ، العبد الضعیف المذنب غیاث الدین محمود بن سلیم گیلانی» در دست فروشنده‌یی ، تهران .

۱۳۱۳) محمود سیاوشانی

فرزند خواجه اسحق شهابی سیاوشانی هروی است ، که در زمان حکومت درویش خان شاملو ، کلانتر هرات بود وهنگامی که عبید خان ازبک ، امیر بخارا بسال ۹۳۵ هرات را فتح کرد ، خواجه اسحق را با خاندان ببخارا کوچ داد ومحمود نیز همراه بود . در این سفر ، چنانکه در ترجمهٔ میرعلی هروی گذشت ، او نیز ببخارا کوچانیده شده بود ، میرعلی ، محمود را بشاگردی برداشت ودر تعلیم وتربیت وی کوشید ومحمود در کنف توجه میرعلی ، بمقامات عالی رسید ، چنانکه وقتی میرعلی گفته بود که شاگردی بهتر از خود بهم رسانیده‌ام .

محمود ، پس از مدتی از اقامت بخارا دلگیر شد ورخت بسوی بلخ کشید و در آنجا ساکن شد وشهرت واهمیت فراوان یافت ودر نزد امرا وبزرگان معززمیزیست چنانکه برای اعاشه احتیاجی به کتابت نداشت وبطور تفنن قطعه نویسی و کتابت می کرد .

Marfat.com

خواجه محمود به خوشگذرانی وبی‌قیدی معروف بود ودرصحابت بزرگان به‌حسن محضرمشهور، وچون ازموسیقی سررشته داشت ونوعی ازآلات‌موسیقی موسوم به شترغو را نیکو مینواخت وبیشتر دردل اهل‌حال جای‌داشت.

محمود هم کتابت خوش می کرد وهم درقطعه نویسی دست‌داشت وجملهٔ تذکره‌نویسان، نازکی ولطافت خط وی را ستوده‌اند؛ مخصوصاً دراخذ و تقلید شیوهٔ‌میرعلی، هیچ یک‌ازشاگردان‌میر، بپایهٔ‌خواجه‌محمود نرسیده‌اند؛ ولی اینکه بعضی‌خط وی راازاستاد برتردانسته‌اند، مبالغه کرده‌اند وظاهراً بقول‌میرعلی تأسی کرده‌اند، که گفته است: «شاگردی بهتراز خود بهم‌رسانیده‌ام»؛ وغافل ازاینکه میرعلی استادی‌فروتن و درویش‌منش بود وخفض‌جناح کرده وشاگرد خودرابدین پایه‌ستوده‌است؛ وگرنه‌حق اینست که‌تازمان‌میرعماد هیچ یک‌ازنستعلیق نویسان مقام وپایهٔ خط میرعلی‌را درنیافته‌اند.

بااینکه میرعلی برای پیشرفت محمود درخط رنج کشیده، پیداست که در آخر کار، شاگرد نسبت باستاد جسارت ورزیده واستاد را رنجیده خاطر ساخته است که وقتی میرعلی قطعه‌یی دراین‌باب باین مضمون سروده است:

خواجه‌محمودآنکه یک‌چندی — بود شاگرد این فقیر حقیر
یاد دادم باو ز قلت عقل — آنچه دانستم از قلیل و کثیر
بهر تعلیم او دلم خون شد — تاخطش یافت صورت تحریر
در حق او نرفته تقصیری — لیک او هم نمی کند تقصیر
نیک و بد هرچه می‌نویسد او — همه را می کند بنام حقیر

که‌معلوم‌می‌شود ازروی‌جسارت‌خطوط‌خود را بعضی‌بنام‌استاد رقم‌می کرده است.

صاحب عالم‌آرا گوید که خواجه محمود وقتی این قطعه را شنید، گفت: «مولا نیک‌وبد غلط گفته، من آنچه بد می‌نویسم، بنام او می کنم» و هم صاحب

Marfat.com

عالم‌آرا گوید که «اگر واقع باشد هرچند صورت مطایبه و ظرافت دارد ؛ اما نهایت بی‌ادبی است» .

ونیز پیداست که خواجه محمود ، بخط خود اعتماد داشته وفریفته آن بوده است که صاحب گلستان هنر گوید که هر کس بدیدن او میرفت ، قطعه یی بخط خود باو میداد ودرغالب قطعات این بیت را نوشته بود :

بود این مشق محمود الشهابی که مثلش در جهان هرگز نیابی

صاحب عالم‌آرا گوید که خواجه محمود درآخرعمر درشیوهٔ خود تصرفاتی کرد که پسندیدهٔ ارباب تمیز نبود . هم او محمود را از خوشنویسان دورهٔ شاه طهماسب صفوی (۹۳۰-۹۸٤) دانسته است و ندانستم که نظر او این بوده که درآن دوره میزیسته یا جزو خوشنویسان دربار شاه طهماسب بوده است که گوید : « درعصر شاه طهماسب نستعلیق را باندام مولانا محمود مذکور کسی ننوشت» .

از متأخرین تذکره‌نویسان ، میرزا سنگلاخ وی را سخندان وحکیم وریاضی‌دان وطبیب دانسته وباو لقب «عین الزمان» داده اشت ، که دیگری از مورخان ، متذکر آن نیست .

میرزا حبیب گوید که درهرات درگذشته ، که آن نیز روا نیست و متقدمان مانند صاحب گلستان هنر مرگ وی را دربلخ نوشته‌اند .

صاحب قواعد خطوط وریحان نستعلیق گویند که ، جزنستعلیق ، تعلیق را نیز خوش می‌نوشته است ؛ ولی اثری ازخط تعلیق وی تا کنون ندیده‌ام .

تاریخ درگذشت اورا سپهر سال ۹٤ ضبط کرده که درست نیست واینکه درتذکرهٔ خوشنویسان هفت‌قلمی آن تاریخ را ۹٦ نوشته است ، نیز روانیست که ترجمه محمود نیشابوری مخلص تخلص را بامحمود شهابی خلط کرده‌است . بهرحال تاریخ وفاتش معین نیست ؛ ولی هنگام تألیف ریحان نستعلیق (سال ۹۸۹) هنوز دربلخ میزیسته است واز خطوط تاریخ داروی تا سال ۹۹۳ را نیز دیده‌ام وظاهراً

Marfat.com

زندگانی درازی داشته است که ازآثاروی باتاریخ ۹۲٤ نیز دیده‌ام.

از خطوط خواجه محمود، بر خلاف قول صاحب گلستان هنر (که گفته است چون احتیاج نداشت کمتر کتابت میکرد و آثاراو نادراست) بسیار دیده‌ام، باین قرار:

یک‌نسخه دیوان هلالی، بقلم کتابت‌خوش، بارقم‌وتاریخ: «تم‌الدیوان المنسوب الی‌مولانا هلالی، علی‌یدالعبدالفقیر محمودبن اسحاق‌الشهابی، فی‌سنهٔ ۹٦٦» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک‌نسخه منتخب شش دفتر مولانا جلال‌الدین، بقلم کتابت خوش، با رقم: «... محمودبن اسحاق غفرذنوبه و سترعیوبه» درهمان کتابخانه؛

یک‌نسخه بوستان سعدی، بقلم کتابت جلی خوش، با رقم: «کتبه العبد المذنب محمودبن اسحاق شهابی» درموزهٔ آثار اسلامی وترك، استانبول؛

نسخه دیگر بوستان، بقلم کتابت خوش، که چنین تمام می‌شود: «تمت الکتاب ... علی ید ... محمود بن اسحاق‌الشهابی، ستر عیوبهما، بدارالسلطنهٔ بلخ، حفظه‌الله عن‌الآفات، فی‌شهورسنه ثمانین وتسعمائة ۹۸۰[1]» درهمان‌موزه؛

یک‌نسخه اخلاق محسنی، بقلم کتابت جلی، بارقم‌وتاریخ: «...العبد المذنب الفقیرالحقیرالی‌الله‌الغنی محمودبن اسحاق‌الشهابی‌الهروی غفرالله‌ذنوبهما فی‌شهورسنه ۹٦۹» درمجموعهٔ آقای سلطان‌القرائی، تهران:

یک‌نسخه خمسه جامی بقلم کتابت خوش، بارقم: «محمود الشهابی» و تاریخ ۹٦٤ که پرفسور کوهنل عکس صفحه‌یی ازآن‌را در کتاب خود آورده‌است.

یک‌نسخه نفحات‌الانس جامی، بقلم کتابت‌عالی، بارقم: «محمودالشهابی» وتاریخ ۹۹۳، در کتابخانهٔ سرکاری رامپور؛

۱۷ قطعه، بقلمهای ازچهاردانگ تا کتابت‌خفی‌عالی‌وخوش، بارقمهایی ازجمله: «کتبه‌العبدالمذنب محمودبن اسحاق‌الشهابی» و «لمولانامیرعلی‌الکاتب

۱- ۹۳۰ هم‌میشود خواند.

Marfat.com

[یک رباعی] محمود بن اسحاق» و «فقیر محمود بن اسحاق الشهابی» ومانندا ینها، در کتابخانه های سلطنتی وملی ومدرسهٔ سپهسالار وآستان رضوی ورامپورونگارنده.

۲۹ قطعه درسرقعهای مختلف، بقلمهای ازسه دانگ تا کتابت عالی وخوش، بعضی باتاریخ ورقمهای ازجمله: «فقیر محمود الشهابی» و «کتبه العبد المذنب محمود اسحاق غفرذنبه» و «کتبه العبد المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفرالله ذنوبهماوسترعیوبهما فی شهورسنه ۹۷۰» و«لحضرة مخدومی مولانا میرعلی سلمه الله وابقاه، کتبه العبد المذنب محمود الشهابی سترعیوبه» و «العبد المذنب محمود الشهابی فی سنه ۹۲٤» و «کتبه الفقیر المذنب محمود بن اسحاق الشهابی، تحریراً فی سنه ۹۸۷» و«تحریراًفی شهورسنه ۹۸۸، کتبه العبد المذنب محمود بن اسحاق الشهابی غفرذنوبهما» درکتابخانه های خزینهٔ اوقاف وروان کوشکو، استانبول.

۱۳۱٤) محمود شاملو

محمود بیک ولد نجف قلی بیک شاملوقاپوچی ازمعاصران محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) است که دربارهٔ او گوید: خوب مینویسد.

۱۳۱۵) محمود شوشتری کاغذی

ازکاتبان گم نام قرن نهم است وبخط وی دیده‌ام:

یک نسخه شاهنامه فردوسی، بقلم کتابت خفی متوسط، با رقم و تاریخ: «... محمود بن محمد بن یوسف تستری، سنهٔ ۸٤۰» درکتابخانه سرکاری، رامپور؛

نسخه دیگر شاهنامه، بقلم کتابت خفی متوسط، که چنین تمام می‌شود: «قدتم تحریرالکتاب الموسوم به شاه‌نامه علی انامل العبد الفقیر الراجی الی عنایة الصمدی محمود بن محمد بن یوسف المعروف بکاغذی التستری، فی خامس شعبان المعظم سنه تسع وثلثین وثمانمائة» درکتابخانهٔ موزهٔ آثاراسلامی وترک، استانبول؛

یک نسخه لمعات دیوان عراقی و عشق نامه ، بقلم کتابت خفی متوسط ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد محمود بن محمد شوشتری المشهور بکاغذی ، فی ۲۲ محرم الحرام سنهٔ ۸۶۲ » در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول .

محمود شهابی = محمود سیاوشانی

۱۳۱۶) محمود شیرازی - میرزا

برادر میرزا اسدالله طبیب شیرازی است وصاحب فارسنامهٔ ناصری گوید که کسی بعداز میرعماد ، نستعلیق را مانندوی ننوشت وشاهد ، خط سنگ مزارمرحوم آقاهاشم ، درصحن تکیهٔ حافظ است که بخط اوست .

ظاهراً این میرزا محمود فرزند میرزا علی نقی شیرازی واز کاتبان اوایل قرن حاضر است که بخط وی چند کتاب در بمبئی بچاپ رسیده است ، ازجمله :

کلیات سعدی ، بقلم کتابت و دو دانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : « کتب فی دارالعلم شیراز وطبع بمعمورهٔ بمبئی ، فی المطبع المظفری ، فی السادس فی شهر رجب المرجب سنهٔ ۱۳۲۷ ، کتبه العبد الضعیف الذلیل محمود بن علینقی الشیرازی غفرلها» ؛

یوسف و زلیخای منسوب فردوسی ، که بهمان قلم نوشته است و تاریخ ۱۳۴۴ دارد ؛

دیوان مغربی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می‌شود : «برحسب امر . . . آقای قوام الملک روحی فداه سمت ترقیم پذیرفت ، فی چهاردهم شهر جمادی- الثانیة سنهٔ ۱۳۲۰ . کتبه العبد الملک الودود ابن علی نقی ، محمود الشیرازی غفر لهما» .

(اصل این نسخهٔ خطی دیوان مغربی درتملک آقای ابراهیم بوذری خوشنویس معاصر است) .

Marfat.com

۱۳۱۷) محمود صدر الکتاب - سید

میرزا عبدالله خان مستوفی در کتاب شرح زندگانی من ، ویرا از شاگردان میرزا محمدرضای کلهر و هم شاگرد میرزا زین العابدین ملک الخطاطین شمرده است .

۱۳۱۸) محمود طوپخانه‌یی

از خوشنویسان عثمانی بود و در اقلام مختلف دست داشت . ثلث و نسخ را نزد حافظ محمد امام ونستعلیق را از درویش عبدی تعلیم گرفته است .

قرآنی از روی خط شیخ حمدالله که در ایاصوفیه بود استنساخ کرد وبه‌سلطان مراد (۱۰۳۲-۱۰۴۹) عرضه کرد ومورد توجه شد ونویسندهٔ اندرون و کاتب سرّ گردید وبهمین مناسبت «کاتب السر السلطانی» رقم میکرد .

وفاتش را میرزا حبیب سال ۱۰۰۸ ضبط کرده است ، که اگر واقعاً شاگرد درویش عبدی بوده باشد که بسال ۱۰۰۷ درگذشته است ، این تاریخ درست بنظر نمی‌رسد .

۱۳۱۹) محمود بن علی

از خوشنویسان گمنام قرن دهم وبخط وی قطعه یی در سرقع بهرام میرزا در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است که بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش نوشته است .

۱۳۲۰) محمود عمادالسلطان - سید

فرزند سید مصطفی حسام السادات ، صدرالملک جهرمی است ، که از دورهٔ ناصرالدین شاه قاجار تاسال ۱۳۲۰ دردفتر استیفا انجام خدمت می کرده‌است وجز

Marfat.com

نستعلیق ، شکسته رانیز خوش می‌نوشته واز حسابداری سررشته داشته وخط سیاق را بکمال می‌دانسته است .

ازآثاروی یک‌نسخه منتخبات گلستان ، درکتابخانهٔ سلطنتی‌است که باسر ناصرالدین شاه بقلم نیم‌دودانگ خوش بلکه‌عالی نوشته است وچنین رقم و تاریخ دارد : « درسن ده سالگی این اوراق را اقل تربیت یافتگان این عهد ابد مهد احقر خانه‌زادان دولت‌جاویدمدت محمود بن المصطفی الموسوی‌مستوفی ، برشتهٔ نگارش درآورد ، فی‌شهر ربیع الاول سنه ۱۳۰۵ »

ودرمقدمه دارد : « . . . چون فطرت پاك . . . ناصرالدین شاه . . . به‌تربیت مستعدان مفطوراست . . . درپیشگاه حضور همایون او که مجمع صنوف صنایع است ومنشأ ظهور بدایع ، سطری چند ازخطوط نالایق این چاکرزادهٔ ناقابل ملحوظ نظر ضیاگستر گردید . خاطر مهرمظاهر ملوکانه بترغیب وتشویق این ذرهٔ بی‌مقدار مایل گشته به تنمیق و تحریر نسخه‌یی از کتاب گلستان . . . مأمور ومحکوم فرمودند . . . »

واگر واقعاً این نسخه را در ده سالگی نوشته باشد ، آیتی بوده است .

دیگر یک‌نسخه منتخبات اشعارحافظ ، بقلم کتابت خوش ، که‌چنین تمام می‌شود : «راقم این اوراق‌اقل تربیت یافتگان دولت‌جاویدمدت محمود بن مصطفی الموسوی المستوفی ، در سن سیزده سالگی نوشته نگارش درآورد ، فی شهر صفر ۱۳۰۷ » .

و ناصرالدین شاه بخط خود درصفحهٔ اول کتاب نوشته است . پسر حسام‌السادات نوشته است . الحق دراین سن کم بسیار خوب نوشته است . درمراجعت ازسفرسوم فرنگستان ، درطهران بحضورآورده‌است . سنهٔ ۱۳۰۷ ربیع الاول اودئیل » .

۱۳۲۱) محمود بن قباحت

پدرش خواجه قباحت جراح شاه طهماسب و خود وی ابتدا سفره چی شاه نعمت‌الله باقی بود که بجمع و ساختن مرقعات ، علاقه داشت و محمود گاهی مشقی می کرد و خط خودرا باوعرضه می کرد وشاه‌نعمت‌الله اورا تشویق می کرد تا خطش صورتی گرفت .

صاحب گلستان ، از مالک دیلمی نقل می کند که روزی نزد شاه‌نعمة‌الله ، قطعه یی بردم و گذرانادم . شاه قطعه های خط میرزا محمود را بمن نشان داد و گفت که چون می‌نویسد ؟ وآخر گفت ازسلطان علی و میرعلی بهتر نمی‌نویسد ؟ ـ گفتم شما هم بهترازمن می‌نویسید ؛ ولی میرزا محمود ازسلطان‌علی ومیرعلی بهترنمی تواند نوشت .

وفاتش راسپهر سال ۹۸٤ ضبط کرده‌است وبااینکه ترجمهٔ وی را از گلستان هنر نقل کرده ودرآنجا تاریخ مرگ میرزا محمود نیست ، نمیدانم این تاریخ را از کجا یافته است !

۱۳۲۲) محمود کاتب

صاحب مناقب هنروران گوید که ازشاگردان‌علی‌رضاست ودرحین تألیف مناقب هنروران (سال ۹۹۵) درقید حیات بوده است .

یک‌نسخه منتخب بوستان سعدی در کتابخانهٔ حاج‌سیدنصرالله تقوی‌است بقلم کتابت خفی عالی ، که رقم دارد : «حرره العبد المذنب محمود الکاتب فی شهورسنهٔ ۹۵۷» که اگر این نسخه بخط همان محمود کاتب باشد ، باید وی‌رادر ردیف کاتبان زبردست نیمهٔ دوم قرن دهم‌آورد .

۱۳۲۳) محمود کاشانی

سپهر گوید که فرزند میرزازین العابدین کاشانی است ونستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۹۰ درگذشت.

۱۳۲۴) محمودخان کاشی ـ ملك الشعرا

ازخاندان دنبلی وفرزندمحمدحسین خان ملك الشعراء متخلص به عندلیب فرزند فتح علی خان صبا ، ملك الشعرای فتح علی شاه قاجاراست ، که درهنگام جلوس این پادشاه ازکاشان به تهران رخت کشیده ودر دربار قربت ومکانت ومقام ملك‌الشعرائی یافته بود.

بسال ۱۲۳۸ که فتح علی خان درگذشت ، فرزندوی محمدحسین خان پدر محمود خان مقام ومنصب ولقب فتح علی خان را احراز کرد و هم‌چنان در دربار فتح علی شاه معززمی زیست تاشاه درگذشت وبسال ۱۲۵۰ محمدشاه جای نشین او گردید وباز محمدحسین خان باهمان سمت دردربار باقی بود.

هنگام جلوس ناصرالدین شاه محمد حسین خان درگذشت و محمود خان فرزندش بجای وی نشست.

محمودخان بسال ۱۲۲۸ درتهران چشم بجهان گشود وچون بسن رشد رسید بتحصیل علم ومعارف پرداخت ودرشعبه های ادبیات وریاضیات و هیأت و حکمت وعرفان وتاریخ ، سرآمد وعم وی محمد قاسم خان فروغ درتربیت وتعلیم محمود خان بسیار کوشید.

دراواخر سلطنت محمد شاه که الله قلی خان ایلخانی قاجار بایالت لرستان می‌رفت ، محمود خان را به پیشکاری خود برگزید و درمدت مأموریت ایلخانی ، محمود خان خدمات برجسته یی درضبط و ربط امور آن ولایت کرد ؛ ولی باایلخانی

Marfat.com

که مردی تندخوی بود نتوانست بسازد ، تا آنجا که ایلخانی قصد جان وی کرد و محمود خان شبانه از بروجرد بگریخت و بقم آمد و متحصن شد ودراین شهر درك فیض صحبت سیدعلی میرزا لر را ، که از عرفای وقت بود ، کرد وچندی بعد بتهران باز گشت .

پس از مرگ محمد حسین خان ، محمود خان جای پدر را گرفت و عنوان ملك‌الشعرائی دربار ناصرالدین شاه را یافت ونزد میرزا آقا خان صدراعظم نوری و شاهزادگان ووزراء وبزرگان ، بسیارمحبوب ومعززمی زیست ، تابسال ۱۳۱۱ در تهران درگذشت ودرجوارمزارحضرت عبدالعظیم ، درمحلی که دوسال بعدناصرالدین را دفن کردند ، بخاك سپرده شد .

گویند ناصرالدین شاه ازمرگ محمود خان بسیار افسرده و متأثر گردید ودر مرگ وی گفت که «دریغ ازملك‌الشعرا که یگانهٔ روزگارخود بود وچون او کم توان یافت» .

محمود خان در جملهٔ علوم متداول عصر دست داشت و اصناف شعر را خوب می‌سرود واز فنون و هنرهای زیبا بهرهٔ وافی داشت : نقاشی را بسبك قدیم ایرانی وسبك جدید غربی و مجسمه سازی و منبت کاری روی چوب و عاج را استادانه میکرد وبسیاری ازآثاروی هنوزمتداول وبعضی درکاخهای سلطنتی موجود است .

محمودخان مردی پرهیز کاروبا عزت نفس وخویشتن دار ومتواضع ودولت‌دوست وخوش محضر بود و کمترسخن می گفت وباهمهٔ فضل وهنر وعلم ، تظاهر نداشت .

مادهٔ تاریخ وفاتش را نعمت فسائی ، چنین یافته‌است :

بهر تاریخ وفاتش ، نعمت غم دیده گفت

(منزل ومأوای محموداست جنت جاودان)

Marfat.com

ایضاً

نعمت پی تاریخش ، اکنون چه نکو گفتا

(ازاهل جنان ای جان ، محمود نکو خوشد)

محمود خان همهٔ خطوط را خوش می‌نوشت و از خطوط نستعلیق وی که دیده‌ام عبارتست از:

یک نسخه گلشن راز ، بقلم کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « ... بقلم شکسته رقم اقل چاکران ... محمود کاشانی ، باحالت پریشانی در کنج عزلت و انزوا تحریر و ترقیم پذیرفت ... بتاریخ روز شنبهٔ بیست و هشتم شهر ربیع الآخر سنه یکهزار و دویست و هشتاد و یک ، اتمام پذیرفت» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۲۲ رقعه ، باقلام مختلف ازجمله نستعلیق پنج دانگ و دو دانگ و کتابت و غبار خوش ، با رقم : « مشقه العبد الاقل محمود کاشانی غفرله » و تاریخهای : سنهٔ ۱۲۸۹ و ۱۲۸۸ و ۱۲۹۰ ، در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک مرقع مشتمل بر ۱۰ رقعه ، مناجات حضرت امیر ، منقول از خط میر ، بقلم دو دانگ عالی ، که چنین تمام می‌شود : « شرف بکتابتها العبد الفقیر الحقیر عماد الحسنی غفر ذنوبه و ستر عیوبه ۱۰۱۱ و ناقله محمود کاشانی ۱۲۹۲ » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دو دانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : «بجهت حضور آقای مستوفی الممالک ... ۱۲۸۲ ، العبد المذنب الآثم العاصی الجانی محمود الکاشانی ، غفرالله له» در موزهٔ آذربایجان ، تبریز ؛

یک صفحه پشت و رو نوشته باقلام مختلف ، ازجمله نستعلیق نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «بتاریخ شهر صفرالمظفر جهت ... آقای حسن خان ...

Marfat.com

قلمی گردید ، العبدالاقل محمود الکاشانی ، فی سنهٔ ۱۲۸۱ . درروز پنجشنبه ۱۳ شهر صفرالمظفر ، بتحریر این صفحه پرداخت» ، درمجموعهٔ نگارنده ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ ونیم دودانگ عالی ، بارقم وتاریخ : «العبدالمذنب محمود سنهٔ ۱۲۹۵» ایضاً در مجموعهٔ نگارنده .

که درتمام این موارد ذکرعنوان «ملک الشعراء» نشده است ، فقط دریک نسخه قصیدهٔ برده بخط علاءالدین تبریزی کتابخانهٔ سلطنتی در حاشیهٔ آن نوشته است : «این بنده محمود الملقب فی الدولة العلیة الناصریة ، بملک الشعراء ...»

۱۳۲۵) محمود کاشانی

خوشنویسی گمنامی است معاصر محمود خان ملک الشعراء کاشانی وقطعه ای بخط وی درمرقعی دیده ام بقلم دودانگ و کتابت خوش ، که رقم و تاریخ دارد : «حرره العبد الاقل محمود بن زین العابدین الکاشانی ، فی سنهٔ ۱۲۹۰» .

۱۳۲۶) محمود گرگانی - میرزا

خود ونیاگانش ازمستوفیان بودند . پدرش میرزا نصرالله نایب مستوفی-الممالک وجدش میرزا اسمعیل مستوفی دیوان فتح علی شاه بود .

میرزامحمود ازعلوم ادبی بهره داشت واز ارباب قلم بود وشعر میگفت .

چندی وزارت تهران بوی مفوض بود . به منور علی شاه ارادت می ورزید وبا صاحب حدایق الحقایق مصاحب بود .

بسال ۱۳۱۱ درماه رمضان درسنین شصت وهفت سالگی درتهران در گذشت ودرجوار سزار حضرت عبدالعظیم بخاک سپرده شد .

ازخطوط وی دیده ام :

یک نسخه صد کلمه حضرت علی بن ابیطالب با ترجمهٔ فارسی ، بقلم نیم-

Marfat.com

دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «الداعی لدوام الدولة العلیة محمود بن میرزا نصرالله گرگانی سنهٔ ۱۲۶۸» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

۱۳۲۷) محمودلاری

ازخوشنویسان گمنام قرن یازدهم وبخطوی مرقعی در کتابخانهٔ آقای دکتر مهدوی است ، مشتمل بر ۳۵ قطعه ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «کتبه العبد . . . محمود محمدلاری غفرذنوبه وستر عیوبه ، سنهٔ ۱۰۸۰» .

۱۳۲۸) محمود بن محمدحسن

از کاتبان قرن حاضراست وبخطوی یک نسخه کلیله ودمنه بقلم نیم دودانگ خوش نوشته شده ، بسال ۱۳۲۹ ودر تهران بچاپ رسیده است .

۱۳۲۹) محمود مستوفی نظام ـ میرزا

برادر کوچک میرزا احمد منشی باشی شیرازی است . هنگامی که میرزاصادق قائم مقام ، در تبریز مصدر دیوان رسایل بود ، ازشیراز به تبریز رفت و در دیوان رسائل بکار انشاء پرداخت . چون کار قائم مقام بپایان رسید ؛ پس از اندك زمانی شغل وظایف ولشکرنویسی آذربایجان بوی محول شد .

تاحدودسال ۱۳۰۰ تاریخ تألیف تاریخ وجغرافیای تبریز ، درقید حیات بود .

ازآثاروی دیده‌ام :

یک زیارت نامه درمزار سید حمزه درتبریز ، بقلم نستعلیق چهاردانگ و سه دانگ خوش ، که چنین تمام می‌شود : «شرف بکتابتها کلب آستان شاه ولایت محمود مستوفی نظام ولشکرنویس باشی آذربایجان . . . کتبه فی شهرجمادی الاخر سنهٔ ۱۲۹۷ .

Marfat.com

ز خامه‌اش چو برون آمد این جریدهٔ نغز
ز هجرت نبوی از هزار و سیصد سال
بگفت خاطر ناصر بفکرت هشیار
سه سال کم کن و تاریخ را نمای شمار»

۱۳۳۰) محمود مدیر الدوله

از خطاطان گم‌نام نیمهٔ اول قرن حاضر است وبخط وی یک‌دوره کتیبه های دومصرعی ازیک‌قصیدهٔ رثاء سیدالشهداء دیده‌ام که دوقطعهٔ آن درمجموعهٔ نگارنده است وبقلم شش دانگ و رقم را بقلم چهار دانگ و سه دانگ متوسط نوشته است و رقم دارد : «محمود مدیرالدوله وزیرلشکر ۱۳۲۲» وظاهراً این لوحه ها متعلق بیک عمارت حسینیه بوده‌است که پس از ویران کردن آن متفرق شده‌است .

۱۳۳۱) محمود بن نظام

کاتب خوشنویس گمنام قرن دهم است که بشیوهٔ اظهر تبریزی می‌نوشته است وبخط وی دیده‌ام ، یک‌نسخه خمسهٔ نظامی بقلم کتابت خفی خوش ، باتاریخ ورقم : «باتمام رسید درچهاردهم شهر شوال سنه سبع وثلاثین وتسعمائه ، علی ید العبدالضعیف محمود بن نظام غفرذنوبهما» که بکتابخانهٔ مجلس شورای‌ملی عرضه شده است .

۱۳۳۲) محمودنواب ـ حاجی میرزا

از کاتبان دارالتألیف ادارهٔ انطباعات دورهٔ مظفرالدین شاه قاجاراست که تاسال ۱۳۲۳ درآن دستگاه بکار کتابت مشغول بود .

Marfat.com

۱۳۳۳) محمود نوری ـ میرزا

سپهر گوید که مستوفی دفتر لشکر ناصرالدین شاه بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۹۹ درگذشت.

۱۳۳٤) محمود نیشابوری

از کاتبان گم نام قرن نهم و بخط وی یک نسخه دیوان حافظ، در موزهٔ پنجاب لاهوراست، بقلم کتابت متوسط، بارقم وتاریخ: «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، بخط العبد الضعیف محمود بن حسن نیشابوری، بتاریخ سنه اربع وتسعین وثمانمائة».

۱۳۳۵) محمود هروی

کاتبی است، معاصر شیخ محمود هروی آتی الذکر، واین یک شاعر و هنگام تألیف مجالس النفایس (سال ۸۹٦) جوانی بوده است.

نوائی گوید که نستعلیق را خوش می‌نویسد ولی دماغش عیف وسودایش قوی است.

۱۳۳٦) محمود هروی ـ شیخ

ازشاگردان جعفر تبریزی بایسنغری است. نستعلیق راخوش و اقلام شش گانه را بسان استادان طراز اول می‌نوشت.

شیخ محمود، ابتدانزد پیربوداق بن جهانشاه قراقویونلو باسر کتابت مشغول بود وبهمین مناسبت در بعضی آثار خود «پیربوداقی» رقم کرده است. پس از آنکه حکومت از خاندان قراقویونلو به آق‌قویونلو منتقل شد (سال ۸۷٤)، شیخ محمود

Marfat.com

بدربار سلطان یعقوب بن اوزون حسن پیوست ودر کتابخانهٔ این امیر هنرپرور بکار کتابت پرداخت.

مرقعی بسیار نفیس از متروکات سلطان یعقوب اکنون در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است که درآن مکتوبی از شیخ محمود ظاهراً خطاب بسلطان یعقوب نوشته است وازمفاد آن چنین استنباط می‌شود که در کتابخانهٔ آن امیر، سمت ریاست را داشته است. این مکتوب که خالی از فایده نیست ومقام شیخ محمود را در دربار و درجهٔ علاقه‌مندی آن امیر را به‌نشر آثار هنری و علمی ظاهر می‌سازد، عیناً نقل می‌شود:

«کمترین خاك بر گرفتگان، شیخ محمود، آستان عالی بلب ادب بوسیده بعزّ عرض می‌رساند که پروانهٔ همایون درباب کتابت بندهٔ درگاه وشاگردان صادر شده که، هر یک در روزی چه توانند نوشت؟ - صورت حال آنکه کتابت، بفنون دیگر نسبت ندارد، جهت آنکه گاه باشد که بی‌خواست آنچه توقع است اضعاف آن دست می‌دهد؛ و گاهست که هرچه خود را بتکلف برآن می‌دارد؛ دانگ آنچه میکرده، میسرنمی‌شود وشاگردان هنوز مبتدی‌اند؛ اگردر کتابت تعجیل نمائید، مانع ترقی شود.

اکنون چون حکم جهان مطاع براین موجب نافذ شده، ازمثنویات روزی هشتاد بیت؛ واز غزلیات پنجاه‌بیت؛ خوب کتابت کنند. واین خاك بر گرفته خود وقف کتابت است وحسب‌المقدور می کوشد و هنوز ازضعف مرض، بقیه هست؛ بعد قضاءالله، چو در هوا اندك ترّیی واقع شود، آن مقدار کتابت خواهد کرد که مستحسن نظر کیمیا خاصیت افتد.

بدین جرأت امید عفوست و سایهٔ چتر همایون بر مفارق بندگان مخلّد و مستدام، بالنبی محمد علیه‌الصلوة والسلم».

تاریخ وفات شیخ محمود معلوم نیست، ولی ازآثار تاریخ دار وی تا سال ۸۹٤ دیده‌ام.

Marfat.com

از خطوط وی دیده‌ام :

یک نسخه غزلیات امیر شاهی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «بسعی و اهتمام اقل عبادالله الودود ، شیخ محمود ، عفاالله تعالی عنه . درسلک کتابت وتحریر آمد ، درآخر ربیع الاول سنه اربع وستین وثمانمائة الهجریه . . . بدارالملک شیراز صانهاالله عن الاعواز» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک نسخه رباعیات خیام ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبدالمفتقر الی رحمةالملک الباقی ، شیخ محمود پیربوداقی ، فی العشر الآخر من صفر ، ختم بالخیر والظفر ، سنه خمس وستین و ثمانمائةالهجریة النبویة علیه السلم والتحیة والاکرام ، بدارالملک شیراز ، حماهاالله تعالی عن الاعواز» در کتابخانهٔ بودلیان ، که با ترجمهٔ انگلیسی رباعیات بسال ۱۸۹۸ م . درلندن بچاپ رسیده است ؛

یک نسخه چهل کلمهٔ با ترجمه ، که ترجمهٔ آن بقلم نستعلیق کتابت خوش است ، بارقم وتاریخ : « کتبه شیخ محمود عفاالله عنه ، سنه تسع و ستین و ثمانمائة بدارالسلم بغداد» درمجموعهٔ آقای عباس مزدا ، تهران ؛

چند ترجیع بند درمجموعهٔ ترجیعاتی که در ترجمهٔ شرف‌الدین حسین از آن یاد شد ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم وتاریخ : «تم الترجیع بعون الملک السمیع والحمدلله وحده ، فی سابع شهر ذی الحجة الحرام سنه ست و ستین وثمانمائة ، حرره العبد محمود الکاتب» در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی تهران ؛

۳۹ قطعه ، بقلمهای از شش دانگ تا غبارخوش ومتوسط ، درمرقع سلطان یعقوب مذکور ، بارقمها وتاریخهائی ازجمله : « کتبه العبد المذنب المحتاج الی رحمةالملک الباقی شیخ محمود پیربوداقی احسن الله احوالهما ، فی سنه احدی وسبعین وثمانمئة ، فی بلدهٔ ساوه ۸۷۱» ، « کتبه شیخ محمود الهروی عفی عنه فی سنه احدی وسبعین وثمانمائة ، بحوالی درجزین» و « کتبه العبد المذنب شیخ محمود الکاتب اصلح الله شأنه ابداً» و« کتبه العبد الغریب شیخ محمود اصلح الله شأنه ابداً فی شهرالله

Marfat.com

الاصم رجب المرجب سنه احدی و سبعین و ثمانمائة فی بلدة ساوه» و « کتبه العبد شیخ محمود اصلح الله شأنه ابداً فی العشر الاول فی محرم الحرام سنه اربع وستین و ثمانمائة ، بشیراز» و « کتبه العبد شیخ محمود فی سنه سبع وسبعین وثمانمائة ، بدار السلم بغداد» و «فی سنة ثمان وخمسین وثمانمائة ، کتبه العبد شیخ محمود ...» و « ... فی محرم الحرام سنه سبع وسبعین و ثمانمائة الهجریه ، اقل عبید السلطان ، شیخ محمود» و « کتبه العبد شیخ محمود عفا الله عنه ، فی سنه تسع وستین وثمانمائة» و « کتبه العبد شیخ محمود تجاوز الله عن سیآته لسنة اربع وستین وثمانمائة، بدار الملک شیراز» و « کتبه العبد شیخ محمود ... فی العشر الاخر فی ذی القعدة لسنة ثلث وستین وثمانمائة الهلالیة ، بدار الملک شیراز» .

۱۳۳۷) محمود هروی مذهب

از هنرمندان خوشنویس گم‌نام قرن دهم است که جلی وخفی هردو را خوش می‌نوشته است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه سبحة الابرار جامی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبد محمود المذهب الهروی ، بمکة المبارکة زاده الله شرفاً و تعظیماً و تکریماً غفرالله ولوالدیه ، فی شهور سنه ۹۵۱ ، درنزد کتابفروشی ، تهران ؛

یک قطعه از مرقع شاه اسمعیل ، بقلم دودانگ خوش الوان ، بارقم : « کتبه المذنب محمود المذهب ، لمولانا جامی قدس سره » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه بقلم دودانگ و کتابت خوش بسفیداب ، بارقم : « کتبه المذنب محمود المذهب غفرذنوبه وستر عیوبه» درمجموعهٔ نگارنده .

Marfat.com

محیی‌الدین = یحیی اصفهانی

۱۳۳۸) محیی شیرازی

نستعلیق را خوش واقلام شش گانه را استادانه می‌نوشت وصاحب مرآة‌العالم ، وی‌را در ردیف عبدالله طباخ وعبدالله صیرفی آورده است .

درخط نستعلیق درزمرهٔ استادان اولیهٔ این خطاست وآن‌را بشیوهٔ اظهر خوش می‌نوشت .

تاریخ وفاتش معلوم نیست ، ولی‌حیاتش تاسال ۸۹۰ معلوم‌است .

ازآثاروی ، جزآنکه باقلام مختلف نوشته عبارتست از :

یک نسخه صد کلمهٔ حضرت علی بن ابی‌طالب ، که متن آن بقلم ثلث بزر تحریر دارد وترجمهٔ منظوم‌آن بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط است وچنین تمام می‌شود : «تمت مائة کلمه . . . علی یدالعبد الفقیر الی‌الله تعالی محیی ، تجاوزالله عنه ، حرره حاجی‌محمدبن عبدالواسع التبریزی ، عفاالله عنهما ، فی‌الثانی‌عشر ، من جمادی‌الآخر سنة ثمان وسبعین وثمانمائة» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

محیی کرمانی = میرشیخ اول کرمانی = شیخ اول = امیرشیخ

۱۳۳۹) محیی هروی

از شاگردان محمد قاسم شادیشاه و گویند طراوت خط وی ازاستاد بیشتر بوده است .

صاحب مناقب هنروران گوید که دراین ایام (سال ۹۹۰) در خراسان از او خوشنویس‌تر کسی نیست . آنچه از خطوط وی معلوم است که نستعلیق را چه قطعه‌وچه کتابت، استادانه‌وبسیاربا‌ملاحت‌می‌نوشته‌است‌واورا باید‌ازخوشنویسان زبردست قرن‌دهم محسوب داشت واینست‌آنچه ازآثاروی دیده‌ام :

یک‌نسخه دیوان ترکی نوائی ، بقلم کتابت جلی ، بارقم‌وتاریخ : «کتبه

العبد الفقیر الحقیر المذنب محیی هروی ، غفر ذنوبه ، سنهٔ ۹۸۶ » در کتابخانهٔ سلطنتی تهران ؛

یک نسخه منتخب بوستان سعدی ، بقلم کتابت عالی ، با تاریخ ورقم : « تمت الکتاب بعون الله تعالی ، فی آخر شعبان المعظم سنهٔ ثمان و ستین و تسعمائة ، کتبه العبد المذنب محیی غفر ذنوبه » در همان کتابخانه ؛

سه قطعه ، بقلمهای ازسه دانگ تا غبار عالی وخوش ، بارقم : « کتبه المذنب محیی » در همان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه المذنب محیی ، فی شهور سنة اثنی و ثمانین وتسعمائة » در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

دوقطعه از یک مرقع ، بقلم سه دانگ و دودانگ و کتابت خوش ، با رقم : « مشقه محیی ، در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد ؛

یازده قطعه درمرقعهای سیداحمد مشهدی ومالک دیلمی ، بقلمهای ازسه دانگ تا کتابت عالی و خوش ، با رقمهای : « المذنب محیی » و « المذنب محیی الهروی » و « کتبه المذنب محیی الکاتب غفر ذنوبه ، در منزل شریف حضرت . . . امیناً للسعادة والدین محمودا ، مرقوم شد . تحریراً فی شهر ربیع الاول سنهٔ ۹۷۱ ، کتبه محیی » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه ، ازمرقع میرعماد وولی الدین افندی ، بقلم سه دانگ عالی ، بارقم و تاریخ : « کتبه المذنب محیی ، فی شهور سنه ۹۷۰ » در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول .

محیی الکتاب = میریحیی

۱۳۴۰) مختار بیك قزوینی

فقط میرزاسنگلاخ بالقب « مختار الخطاطین » ازوی یاد کرده گوید که از

Marfat.com

نجیب‌زاد گان قزوین ومنشی وخوشنویس وازشا گردان میرعماد بود وپس ازمر گ میر چندی منزوی شد و به کیمیا گری پرداخت .

مختاری = حسین کوبنانی

مدهوش = محمدصادق گلپایگانی

مدیرالدوله = محمودوزیرلشکر

۱۳٤۱) مدیر الکتّاب

از کاتبان قرن حاضر است و بخط وی نسخهٔ تاریخ شورش روسیه ، بقلم نستعلیق کتابت متوسط نوشته شده وبسال ۱۳۲۷ درتهران بچاپ رسیده‌است .

۱۳٤۲) مرادچهارم - سلطان

سلطان عثمانی است که ازسال ۱۰۳۲ تا ۱۰٤۹ سلطنت کرده‌است . میرزا حبیب او را جزو نستعلیق نویسان عثمانی آورده گوید که بسیاری ازشعرا او را در خوشنویسی وشاعری ودلیری ، ستوده‌اند .

۱۳٤۳) مرادعبّاسی

ازقاطعان خوش خط ظاهراً دوران شاه عباس صفوی‌است ویک‌قطعه بریده بخط وی دارم ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم : «مرادالعباسی» .

۱۳٤٤) مرتضی الهام - میر

درمقالات‌الشعرا آمده‌است که‌فرزندمیر کمال‌الدین خان‌احمدرضوی‌است، درسی‌سالگی تحصیلات علوم معقول‌ومنقول را تمام کرد ودرفن سپاهی گری یکتا بود وشعر می گفت و«الهام» تخلص می کرد . هفت‌قلم را خوش می‌نوشت .

Marfat.com

پس از مرگ اورنگ زیب (سال ۱۱۱۸) بشاه عالم بهادر شاه ، فنون و کمالات خود را ، درشاه‌جهان‌آباد عرضه کرد ومقبول افتاد . درجوانی به‌سال ۱۱۲۶ درگذشت .

۱۳٤٥) مرتضی برغانی - سید

کاتب و دفتردار مدرسهٔ سادات بود ودرآغاز تأسیس مدرسه (ذی‌الحجهٔ ۱۳۱۶ قمری) قریب به‌چهل‌سال داشت . شخصی درویش‌مسلک ، خوش گذران ، زیرك وشغلش کتابت خط نستعلیق برای چاپ وغیره‌بود ومدتی نیز درهندوستان بسر برده‌بود . بالاخره هم‌نتوانست باموٴسس مدرسه مرحوم حاج‌میرزا یحیی دولت‌آبادی کار کند وبااواختلافاتی پیدا کرد که داستان‌مفصل دارد وسرانجام بدستور وزیرعلوم دورهٔ مظفری از کار مدرسه بر کنار شد (حیات یحیی ج ۱ ص ۲٤۷-۲۷۸) کتابهای چاپ سنگی متعدد بخط او انتشار یافته است که درآخر آنها « مرتضی الحسینی البرغانی» رقم شده است . (ح .م .)

۱۳٤٦) مرتضی شیرازی - شیخ

فرزند میرزا خلیل بن شیخ اسدالله شیرازی‌است . خاندانش اهل علم‌وفضل بودند ، ازجمله‌امام جمعهٔ‌وقت شیراز ازخویشان‌ایشان‌بود . شیخ مرتضی ازپزشکان شهیرشهر بود وخط نستعلیق را خوش می‌نوشت . در هنگام تألیف آثارعجم (سال ۱۳۱۰) درقید حیات بود .

مرتضی‌قلی‌خان = نامی

۱۳٤۷) مرتضی نجم‌آبادی - شیخ

فرزند مرحوم آقا شیخ هادی نجم‌آبادی بود ودرآغاز تأسیس دارالمعلمین

Marfat.com

عالی درآنجا به تعلیم خط اشتغال داشت وچون اواخر زمان میرزای کلهر، و دورهٔ خوشنویسان بعداز اورا درك کرده است، شیوهٔ نوشتنش متأثر ازآنهاست (ح .م .)

مردان علی‌خان مشهدی = کاظم - میرزا

۱۳۴۸) مرشدالدین شیرازی ــ شیخ

از کاتبان پرکارگم‌نام قرن دهم وبخط وی موجود است :

یک‌نسخه حدیقةالحقیقهٔ‌سنائی، بقلم کتابت‌متوسط ، که‌چنین تمام‌می‌شود : «تم‌الکتاب‌الموسوم بحدیقةالحقایق ، من کلام ملك‌الحکما و قدوة‌الفضلا استاد المحققین قطب‌العارفین افصح المتکلمین مجدود بن آدم السنائی الغزنوی روّح‌الله روحه فی‌شهور سنة . . . وتسعمائة [رقم‌عشرات محو شده است] علی یدالعبد شیخ مرشدالدین ، ستراللّه عیوبه ، ببلدة شیراز» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه مثنوی شاه ودرویش هلالی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم وتاریخ : « . . . علی‌یداقل‌العباد مرشدالکاتب‌الشیرازی . . . فی‌تاریخ یوم‌الاثنین عشرین شهر رمضان المبارك سنهٔ خمسین وتسعمائة» در همان کتابخانه ؛

یک‌نسخه سلسلة‌الذهب جامی ، بقلم کتابت جلی‌متوسط ، باتاریخ ورقم: «تم‌الکتاب . . . فی‌تاریخ شهر جمادی‌الثانی سنةثمان واربعین وتسعمائة . . . علی ید اقل‌العباد مرشد الکاتب شیرازی . . .» در مجموعهٔ آقای عباس مزدا ، تهران؛

یک نسخه حالنامهٔ عارفی ، بقلم نیم دو دانگ متوسط ، با رقم و تاریخ : «تم‌الکتاب . . . علی‌ید اقل العباد مرشد کاتب الشیرازی ، فی‌تاریخ شهررمضان المبارك سنة تسع واربعین وتسعمائة» درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران ؛

یک‌نسخه مثنویات کامل خواجوی کرمانی، بقلم کتابت‌متوسط، باتاریخ ورقم: « . . . تمت‌الکتاب . . . فی‌تاریخ یوم‌السبت‌ثالث شهرمحرم‌الحرام‌سنهٔ‌ثلاث وخمسین وتسعمائه . . . علی‌یداقل‌العباد مرشدالکاتب‌الشیرازی . . .» در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار، تهران ؛

Marfat.com

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم کتابت متوسط ، در The Walter Art - Gallery ، بالتیمور ؛

یک نسخه مهرومشتری عطار، بهمان قلم ، درهمان موزه :

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، با رقم « مرشدالدین محمد » و تاریخ ۹۱۹ که درشیراز نوشته است ، درمجموعهٔ کورکیان ، نیویورك ؛

یک نسخه ظفرنامهٔ تیموری شرف الدین علی یزدی ، بارقم : «مرشدالکاتب الشهیر عطار الشیرازی» وتاریخ ۹۲۹ ، درموزهٔ بریتانیا ، لندن ؛

نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی ، بارقم «مرشد الکاتب العطار الشیرازی» وتاریخ ۹۳۵ ، درمجموعهٔ چستربیتی ، دوبلین ؛

نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی ، باهمان رقم وتاریخ ۹۳۶ ، درهمان مجموعه ؛

نسخهٔ دیگر ظفرنامهٔ تیموری ، بارقم : «مرشد الکاتب الشیرازی» وتاریخ ۹۳۹ درکتابخانهٔ ، ایندیاآفیس ،

یک نسخه لیلی ومجنون هاتفی ، باهمان رقم و تاریخ ۹۴۱ ، درکتابخانهٔ دولتی ، برلین ؛

یک نسخه شاهنامهٔ فردوسی ، با همان رقم و تاریخ ۹۴۲ ، درکتابخانهٔ بانکی پور ؛

نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی ، باهمان رقم وتاریخ ۹۴۵ درکتابخانهٔ خزینه اوقاف ، استانبول ؛

نسخهٔ دیگر شاهنامهٔ فردوسی ، باهمان رقم وتاریخ ، درمجموعهٔ کورکیان نیویورك ؛

یک نسخه عجایب المخلوقات قزوینی ، بارقم : «مرشدالشیرازی الملقب عطار» وتاریخ ۹۵۲ ، درهمان مجموعه ؛

نسخهٔ دیگر ظفرنامه ، بارقم : «مرشد الکاتب الشیرازی» وتاریخ ۹۵۳ ، درکتابخانهٔ عمومی ، لنین گراد ؛

Marfat.com

نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی ، با همان رقم و تاریخ ۹۰۰ ، در فریر گالری ، واشنگتن ؛

نسخهٔ دیگر ظفرنامه ، بارقم : «مرشد الکاتب العطار» وتاریخ ۹۰۹ ، در کتابخانهٔ موزهٔ بریتانیا ، لندن ؛

نسخهٔ دیگر کلیات سعدی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با تاریخ و رقم : «فی تاریخ شهر شوال سنة اثنین و ثلاثین و تسعمائة الهجریه ، علی ید اقل العباد مرشد الکاتب المشهور بعطار الشیرازی غفرالله ذنوبه وستر عیوبه» در نزد عتیقه فروشی تهران ؛

شیخ مرشد را دو فرزند بوده است خوشنویس وهردو گم نام یکی بنام عبدالله که بمراتب از پدر بهتر می نوشته است و دیگری حمدالله که اگر چه مانند برادر نمی نوشت ولی از پدر خوش تر می نوشته است . (رجوع بترجمهٔ آن دو شود) .

مرصع رقم = بدرالدین علی خان

مرصع رقم = محمدحسین عطا خان

مستوره کردستانی = ماه‌شرف

مستوفی نظام = محمود

۱۳۴۹) مسعود ـ میرزا

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) ویرا از خوشنویسان درگذشتهٔ هنگام تألیف تذکرهٔ خود دانسته گوید ، میرزامسعود ولد میرزاصدرالدین محمد مستوفی الممالک ، جلی را بد نمی نوشت .

۱۳۵۰) مسعود رکن الدین

معروف به «رکنا» فرزند نظام الدین علی کاشانی است که دردربارسلاطین صفوی ، از زمان شاه طهماسب تا شاه‌عباس اول ، سمت طبابت خاصه داشته‌است .

Marfat.com

رکنا ، بسال ۹۹۲ جوانی بود که در آن اوان اورا بجودت طبع وحدت ذهن ستوده و گفته اند که در اصناف علوم دست داشته ودر علم طب کتابی بعنوان «ضابطة العلاج» تألیف کرده است وانواع شعررا خوش می سروده و«مسیحی» تخلص میکرده است وخط نستعلیق را خوش می نوشته است .

رکن الدین ، مدتی پزشک خاصهٔ شاه عباس اول بود ، ولی پس از مدتی شاه ازوی مکدر شد واورا ازخود راند ورکنا بکاشان رفت و مقیم شد وبکار طبابت پرداخت . پس از دوسال بخراسان رفت تاشاید شاه که درآن وقت در خراسان بود ، بوی توجهی کند وچون مأیوس شد ، درحینی که شاه عباس عازم سفر بلخ بود ، با خانوادهٔ خود بهندوستان مهاجرت کرد .

تقی الدین کاشانی در خلاصة الاشعار آورده است : « . . . با وجود قلت سن جمیع اطباء دوران بفضل وتقدم او معترفند . . . بااین حالات دروادی خوشنویسی قلم نستعلیق ، شریک غالب خوشنویسانست»

خود دراین قطعه اشارتی بخوشنویسی وشاعری وطبابت خویش کرده است:

چوبقراطم اندرطبابت نخست — فصولش بتصدیق من شد درست
گر ازشعر پرسی ، سنائی فنم — غلط گفتم آخر ، سنائی منم
وراز خط بپرسی، خفی وجلی — نویسم که ، العبد سلطان علی

غلام علی آزاد گوید که تاسال ۱۰۴۳ دردربار جهانگیر وشاه جهان ملازم وپزشک مخصوص بود ودر آن تاریخ رخصت یافت و بزیارت حرمین شریفین رفت درمراجعت ، بمشهد رفت وازآنجا بکاشان بازآمد وباشارهٔ شاه صفی باصفهان رفت ، ولی چون التفاتی ندید ، بشیراز رفت واز شیراز بکاشان بازگشت و بسال ۱۰۶۶ درهمانجا درگذشت .

«رفت بسوی فلک باز مسیح دوم» ماده تاریخ وفات اوست .

مسعود بن علی = عماد محلاتی

۱۳۵۱) مسعود مذهب کرمانی

از خوشنویسان گم نام قرن دهم است و بخط وی وقتی یک نسخه مناجات حضرت علی بن ابی طالب دیدم ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم و تاریخ : «مشقه العبد المذنب مسعود المذهب الکرمانی ، غفرذنوبه ، فی شهور سنهٔ ۹٤٤» .

(بترجمهٔ مسعود بن میرکی نیز مراجعه شود)

۱۳۵۲) مسعود بن میرکی مذهب

ازخوشنویسان گم نام قرن دهم است وشاید همان مسعود مذهب کرمانی سابق الذکر باشد . بخط وی یک قطعه نستعلیق گلزار سه دانگ و نیم دو دانگ خوش ، درمرقع شاه عباس کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف دراستانبول است ، که چنین رقم دارد : «مشقه العبد المذنب مسعود بن میرکی المذهب»

۱۳۵۳) مسیّب خان

فرزند محمد خان شریف الدین اوغلی ، بیگلر بیگی هرات است . مردی با استعداد بود و درموسیقی مهارت داشت و تصنیفات مشهور دارد . شعرمی گفت و نستعلیق را خوش می نوشت .

هنگام تألیف مجمع الخواص (سال) از ارکان دولت و درسنین جوانی بود .

۱۳۵٤) مسیح قزوینی - میرزا

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) گوید فرزند میرزا فصیح برادر

Marfat.com

محمد طاهر وحید وشاگرد پدرمن (ابوتراب اصفهانی) بود وخوش می‌نوشت .

۱۳۵۵) مسیحای شیرازی

فرزند نویدی شیرازی است . از کمالات بهره داشت و شعر لطیف می گفت و «ناطق» تخلص می کرد . نستعلیق را خوش می‌نوشت . باوجود وفور هنرو کمال روزگار باوی سازگارنبود ودر عُسرت می‌زیست . بسال ۱۰ ، تاریخ تألیف تذکرهٔ نصرآبادی ، دوران پیری را می گذرانید وخود دراین شعر متذکر این معنی است :

قدم کمان شده و از تنم توان رفته
عصا بود بکفم ، تیر از کمان رفته

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) وی‌را جزو کاتبانی میداند که که پس‌ازمیرعماد ودر زمان ابوتراب اصفهانی می‌زیسته است .

مسیحی = رکن‌الدین مسعود

۱۳۵٦) مشرب کاشانی ـ میر

فرزند میر حسین شیشه گر بود و بواسطهٔ طول اقامت درقم ، به‌قمی معروف شده است (یا بحسب روایت نصرآبادی بعکس) .

شعر می گفت وازخطوط ، نستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت .

در دورهٔ سلطنت شاه‌عباس اول صفوی ، جوانی‌بوده ، پدرش وقتی درمحضر پادشاه ، توصیف پاکدامنی وی‌را بمبالغه می کرده است ، شاه می گوید که : «مگو پسری دارم ، بگو کره خری دارم» .

در ریاض‌الشعراست که آخر عمر را در تبریز گذرانیده و همانجا درگذشته است .

مشربی = محمداسترابادی

مشکین قلم = عبدالله - میر

مشکین قلم = عبدالله - میر

مشکین قلم = نورا

مشکین قلم = محمدابراهیم شیرازی

مشکین قلم = محمدحسین شیرازی کاتب السلطان

مشکین قلم = محمدحسین طهرانی کاتب السلطان

مشیردفتر = علی - میرزا

مشیردیوان = باباخان - میرزا

مشیرالسلطنه = احمدخان - میرزا

۱۳۵۷) مصاحب تبریزی

از شاگردان میرعلی هروی است. نامش معلوم نیست و میرزاحبیب گوید که چون باستانبول رفت و بمصاحبت سلطان محمد ثالث نایل آمد، «مصاحب» رقم کرد و در اشعار تخلص نمود. درآخر عمر به تبریز بازگشت و در این شهر درگذشت.

مصحح = محمدصادق

۱۳۵۸) مصطفی - میر

معروف به «عواد» از خوشنویسان عثمانی [بود] ودر نواختن عود مهارت داشت.

درمناقب هنروران است که در خط شاگرد ملاعلی سلطان است و با اینکه نزد عثمان پاشا ملازم بود، در زندگانی طالع نداشت و غالباً دربدر بود و سرانجام درملازمت عثمان پاشا، درجنگ شروان یاداغستان کشته شد.

بخط وی قطعه یی درسرقعی ازخزینهٔ اوقاف استانبول است، بقلم سه دانگ

Marfat.com

و کتابت متوسط ، که در رقم اشاره به نامرادی خود دارد : «نوشت میر مصطفی دردمند نامراد ، ۹۸۷» .

(به ترجمهٔ مصطفی رضوی مراجعه شود) .

۱۳۵۹) مصطفی بغدادی - میر

صاحب مناقب هنروران گوید که از شاگردان قطب الدین محمد یزدی بود .

۱۳۶۰) مصطفی جودت

از نستعلیق نویسان عثمانی و شاگرد سید محمد افندی دده‌زاده بود و از او اجازه داشت .

میرزا حبیب گوید که در تیراندازی شهرت داشت و بسال ۱۳۰۱ درگذشت .

۱۳۶۱) مصطفی رضوی

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و یازدهم و قطعه یی در یک مرقع خزینهٔ اوقاف بخط وی است ، بقلم سه دانگ و نیم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «نمقه الداعی مصطفی الرضوی ، فی سنة ست والف من الهجرة» .

(شاید این مصطفی ، همان مصطفی عواد باشد)

۱۳۶۲) مصطفی سامی

میرزا حبیب گوید که معروف به « آرپه امینی » و از خوشنویسان عثمانی است .

۱۳۶۳) مصطفی طیبی

فرزند صنع الله ، شاگرد شیخ الاسلام ولی‌الدین افندی ، نستعلیق نویس زبردست عیمانی است .

میرزاحبیب از خطوط وی ، آثار بسیار را یاد کرده است ، از جمله ، بیست‌و پنج نسخه شفا و تفسیر بیضاوی ، و گوید بسال ۱۱۷۹ درگذشت .

۱۳۶۴) مصطفی عارف

ازنستعلیق نویسان عثمانی وبقول میرزاحبیب ، اول کسی است که نستعلیق را بطغرایی نوشته وبسال ۱۱۸۵ درگذشته است .

ازآثارش سه لوحه درطاق جامع نورعثمانی است .

۱۳۶۵) مصطفی عاشر

ازکتیبه‌نگاران عثمانی است وبخط وی دولو ـه درموزهٔ آثار اسلامی وترك دراستانبول است ، هردو بقلم یک‌دانگ کتیبهٔ خوش ، یکی مضمون ورقم : «الجنة تحت اقدام الامهات ، الداعی مصطفی عاشر غفرله» ودیگری بهمین رقم .

۱۳۶۶) مصطفی عزت افندی

معروف‌به «یساری‌زاده» فرزندوشاگرد محمداسعدافندی یساری‌استانبولی خوشنویس است . درکتیبه‌نگاری دست قوی داشت وازاین قبیل آثاراو دیده‌ام :

دولوحه شعرترکی ، درمزار مولانا جلال الدین بلخی ، درقونیه ، بقلم کتیبه شش‌دانگ‌خوش ، بارقم‌وتاریخ ، «اثر کلک‌یساری‌زاده ۱۲۵۱» و «کتبه یساری‌زاده غفرلهما ۱۲۵۹» ؛

Marfat.com

سه لوحهٔ دیگر ، درهمان مزار ، بقلم سه دانگ کتیبهٔ خوش ، با رقم وتاریخ «الفقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۴۳» ؛

یک لوحهٔ دیگر درهمان مزار ، بقلم شش دانگ ودودانگ کتیبه خوش ، با رقم و تاریخ : « موفق ایلدی کلک یساری زاده ۱۲۵۲ » که مضمون به کتیبه «یاحضرت مولانا» است .

کتیبهٔ سردر دارالایالهٔ شهر استانبول ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم : «مصطفی عزت»

یک‌لوحه، دربقعهٔ امیرسلطان، درشهر بورسه، بقلم یک‌دانگ کتیبهٔ متوسط، با رقم : «مصطفی عزت»

هشت‌لوحه ، درموزهٔ آثار اسلامی و ترک استانبول بشرح ذیل :

یک‌لوحه ، بقلم پنج وسه ودودانگ کتیبهٔ متوسط ، بقلم زر ، بارقم وتاریخ : «المذنب الراجی یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ۱۲۳۷» ؛

یک‌لوحه، بقلم چهاردانگ کتیبهٔ خوش، بارقم وتاریخ : « کتبه یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۵۱» ؛

یک‌لوحه، بقلم چهاردانگ ودودانگ کتیبه متوسط ، بارقم وتاریخ : «الفقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرالله ذنوبهما ، ۱۲۲۰» ؛

یک‌لوحه ، بهمان قلم خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد یساری زاده مصطفی عزت غفرالله ذنوبهما ، ۱۲۴۶» ؛

یک‌لوحه ، بقلم دودانگ کتیبه خوش ، بارقم وتاریخ : «الفقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۴۱» ؛

یک‌لوحه ، بقلم چهاردانگ کتیبهٔ خوش، بارقم وتاریخ : «الفقیر یساری زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۵۱» ؛

یک‌لوحه ، بقلم شش دانگ کتیبهٔ خوش ، بمضمون : « هوالسمیع العلیم»

Marfat.com

بارقم وتاریخ : «الحقیر یساری‌زاده مصطفی عزت غفرلهما ، ۱۲۱۵» ؛

یک‌لوحه ، بقلم‌شش دانگ کتیبه متوسط ، بارقم‌وتاریخ : « کتبه یساری‌زاده مصطفی عزت غفرلهما ۱۲۵۲» .

۱۳۶۷) مصطفی صدرالدین بیك

معروف به «بکرزاده» شاگرد یساری‌زاده بود وهنگام‌اقامت میرزاسنگلاخ دراستانبول ، نزد وی تعلیم خط نستعلیق گرفته است . وفاتش‌را سپهر سال ۱۲۶۵ ضبط کرده است .

۱۳۶۸) مصطفی قلی خان شاملو

ازخانان هرات‌بود . نستعلیق‌را خوش‌می‌نوشت وبقول سپهر بسال ۱۲۸۱ درگذشت .

۱۳۶۹) مصطفی‌قلی نوری

فرزند میرزافضل‌الله وزیرنظام واز مستوفیان دربار ناصرالدین‌شاه قاجاربود وبسال ۱۲۸۵ درگذشت .

ازآثاروی دیده‌ام ، یک مرقع پندنامهٔ لقمان ، بقلم نیم دودانگ متوسط و کتابت خوش ، که چنین تمام‌می‌شود : «حسب‌الخواهش . . . میرزامحمدصادق صورت تحریر یافت . کتبه . . . مصطفی قلی بن فضل‌الله بن اسدالله نوری ، فی شهر شعبان‌المعظم سنه اربع وستین ومائتین بعدالالف من‌الهجرة . . .»

مصطفی‌قلی خان کجوری مازندرانی دیگری هم‌عصر این مصطفی‌قلی‌خان ازکاتبان بوده ویک نسخه معراج السعادة بخط وی ، بقلم کتابت خوش نوشته و بسال ۱۲۶۵ چاپ شده است .

Marfat.com

۱۳۷۰) مصطفی نجم آبادی

فرزند محمد نجم آبادی و از کاتبان قرن اخیر است و یک نسخه «دستور حکومت» بخط وی بقلم کتابت و دو دانگ خوش نوشته شده و بسال ۱۳۲۱، در تهران بچاپ رسیده است.

۱۳۷۱) مصطفی نور

میرزا حبیب گوید از خوشنویسان استانبول بود و در خط نستعلیق از قاضی عسکر عارف افندی اجازه داشت وبسال ۱۱۰۵ درگذشت.

مطلع = محمد - میرزا

۱۳۷۲) مظفر حسین

از خوشنویسان چیره دست قرن دهم است، که با همهٔ مهارت در خوشنویسی، گم نام مانده است.

صاحب صبح گلشن از یک خوشنویس موسوم به مظفرحسین کاشانی نامی برده که طبیب شاه عباس صفوی بوده است وظاهراً جز این خوشنویس است.

از آثار شیوای وی دیده‌ام:

یک نسخه خسرووشیرین هاتفی، بقلم کتابت عالی، بارقم وتاریخ: «کتبه الفقیر المذنب مظفر حسین بن محمدامین غفرذنوبهما وسترعیوبهما، فی شهور سنه ۹۸۰» در کتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

دوقطعه، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ خوش، بارقم: «مشقه مظفرحسین» و «عبده مظفر حسین» درهمان کتابخانه،

یک نسخه یوسف وزلیخای جامی، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین

Marfat.com

تمام می‌شود : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب ، کتبه المذنب مظفر حسین بن محمدامین غفرذنوبهما ، فی تاریخ غرهٔ شعبان المعظم سنه ۹۸۰) درموزهٔ آثار اسلامی وترک ، استانبول ؛

یک قطعه از مرقعی ، بقلم دو دانگ عالی ، با رقم : « مشقه مظفر حسین » درهمان موزه .

۱۳۷۳) مظفربن عبدالله

از کاتبان نیمهٔ اول قرن نهم وظاهراً در دربار سلطان ابراهیم میرزا تیموری (۸- ۸) میزیسته است .

بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه کلیات سعدی ، که بنام امیر مزبور بقلم کتابت خفی متوسط نوشته است وچنین تمام می‌شود : «تمام‌شد دیوان املح الشعراء ، افضل السالکین ناصح الملوک والسلاطین ، افصح المتکلمین ، زبدة العارفین ، شیخ مصلح الدین مشرف ، المعروف بسعدی رحمة‌الله علیه . . . درعهد خلافت بندگی حضرت سلطان . . . خلیل الرحمان ، مغیث السلطنه والدین ، ابوالفتح ابراهیم سلطان خلدالله ملکه وسلطانه . . . بارشاد جناب مخدومم واستادم ، یگانهٔ زمان وهنرمندجهان ، خواجه غیاث الدین محمدفرج الله مدظله ، علی ید العبد مظفربن عبدالله اصلح الله شأنهما . . . درشهور سنة تسع وعشرین وثمانمائة . . . » ودر پشت صفحهٔ اول دارد : « برسم خزانة السلطان الاعظم الاعدل الاشجع مغیث الدنیا والدین ابوالفتح ابراهیم سلطان خلدالله ملکه » درکتابخانهٔ دانشگاه پنجاب ، لاهور ؛

یک نسخه مجموعهٔ اشعار بهمان قلم ، درکتابخانهٔ آقای سلطان القرائی ، که‌چنین تمام می‌شود[1] :

۱- دنباله را ننوشته‌اند.

۱۳۷٤) مظفّر علی

ازشاگردان معزالدین محمد کاشانی بود . میرزا حبیب گوید که باستانبول رفت وسلطان سلیم خان اورا بکاتبی دیوان واداشت .

۱۳۷۵) مظفرعلی تربتی

درمجمع الخواص است که فرزند حیدرعلی خواهرزادهٔ استاد بهزاد نقاش وخود وی نیز نقاش بود . شطرنج را صغیر و کبیر و حاضرانه و غایبانه ، استادانه می باخت وقطعات میرعلی و سلطان علی را چنان تقلید می کرد که تمییزآن بااصل دشوار بود وگاهی شعر می گفت . بااین همه فضل وهنر ، طالع خوبی نداشت .

بخط وی دیده‌ام :

دوقطعه ازمرقع امیرغیب بیک ، بقلم سه دانگ و دودانگ خوش ، بارقم : «الفقیر مظفر علی» و «فقیر مظفر علی» ، درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

۱۳۷٦) مظفر علی شیروانی

ازکاتبان گم نام قرن دهم ویک نسخه هشت بهشت ، بخط وی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ و رقم : « تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، فی تاریخ اوایل شهررجب المرجب سنه احدی وتسعین وتسعمائة ، کاتب العبد السلطانی مظفر علی شیروانی» .

مظهرالدوله = مهدی امین عدلیه
مظهرالدین = اظهر تبریزی
معتمدالدوله = عبدالعلی میرزا
معتمدالدوله = عبدالوهاب نشاط

۱۳۷۷) معجزی یزدی

فرزند شمس الدین محمد یزدی است ، شعر می گفت و کتابت می کرد .

Marfat.com

و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه کلیات خاقانی ، بقلم کتابت متوسط ، با تاریخ ورقم : «فرغ من تسوید هذا الکتاب . . . فی رجب المرجب سنهٔ ۹ . . ۱ ، سوده مالکه ، ابن شمس الدین محمد ، معجزی الیزدی» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه رباعیات مختلف ، بهمان قلم ، با تاریخ ورقم : «تحریراً فی شهر جمادی الثانی سنه ۲۲ . ۱ اثنی عشرین والف من الهجرة ، عبده معجزی یزدی» در همان کتابخانه ؛

۱۳۷۸) معروف بغدادی

معروف ، درنیمهٔ دوم قرن هشتم و نیمهٔ اول قرن نهم می‌زیست . در بغداد متولد شد و همانجا کسب دانش وهنر کرد .

آنها که ترجمهٔ حالش را ضبط کرده‌اند ، مانند صاحب مطلع سعدین و حبیب السیر و گلستان هنر و روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات و دیگران ؛ وی را بانواع فضایل و کمالات وهنر و حسن خط ولطف طبع و شیرین سخنی و وفور استعداد ؛ ستوده‌اند و سرآمد مستعدان جهان ونادرهٔ دوران دانسته‌اند .

با اینکه معروف را به خوشنویسی یاد کرده اند ، از آثار خطوط وی در کتابخانه ها و مجموعه های خطوط متعدد که دیده‌ام ، چیزی ندیده‌ام ، جز یک مجموعه در کتابخانهٔ سلطنتی تهران که جامع نمونهٔ هنر وحسن سلیقه و سخن دانی و سخن گوئی اوست .

هنگامی که سلطان احمد جلایر ، بسال ۷۸٤ قیام کرد و بسلطان جلال الدین حسین برادر خود چیره شد و بر آذربایجان مستولی گردید و بغداد را از دست عمال شاه شجاع مستخلص ساخت ودر بغداد متمکن گردید ؛ معروف بخدمت وی پیوست .

Marfat.com

سلطان احمد جلایر ، علاوه برسیاست مملکت داری ، صاحب ذوق وقریحه بود واز موسیقی بهره داشت و شعر می گفت و شعرا را تربیت می کرد واهل هنر را تشویق می نمود ودر دربار وی جمعی از هنرمندان ، از هرصنف ، گرد آمده بودند ؛ وازآن جمله معروف بغدادی است که مدتی ملازم او بود ودر دربار وی بامر کتابت مشغول بود ؛ ولی چون خوی تند و رفتار ناهنجار سلطان احمد نسبت بخویشان ، ملایم طبع معروف نبود ، از بغداد باصفهان رخت کشید وهمانجا بود که حکومت فارس واصفهان ، به میرزا اسکندر گورکانی ، مقرر شد ومعروف بدربار وی راه یافت ودر کتابخانهٔ او بکار کتابت پرداخت ومقرر شد که روزی پانصد بیت کتابت کند .

وقتی رسید که معروف سه روز از کتابت دست بازداشت ومیرزا اسکندر موجب تخلف ازحکم خود را ازمعروف بازخواست ومعروف متعذر شد که میخواهم یک روزه کار سه روزه کنم .

میرزا اسکندر فرمود که درمیدان اصفهان سایه بان و بارگاه بر افراشتند و یک کسی ازشاگردان معروف قلم می تراشید ومعروف می نوشت . نماز دیگر یکهزار وپانصد بیت درنهایت لطافت نوشت وعرضه کرد ومیرزا اسکندر او را رعایت تمام کرد وانعام فراوان فرمود .

معروف همچنان دردربار میرزا اسکندر بسر می برد تا بسال ۸۱۷ ، شاهرخ بن امیرتیمور ، از خراسان باصفهان آمد وحکومت را از اسکندر باز گرفت و به برادر او میرزا رستم تفویض کرد وهنگام بازگشت بخراسان ، معروف را همراه خود بهرات برد واورا کاتب خاص ومخصوص بخود گردانید .

معروف که مردی خوش محاوره ونیک محضر بود ، بزودی توجه دانشمندان و هنرمندان و هنردوستان را جلب کرد و جمعی از معاریف ، بدور وی گرد آمدند . بعضی از دانشمندان ، مانند تاج الائمهٔ خوارزمی مصاحب وی بودند و برخی از هنرمندان مانند شمس الدین هروی خوشنویس استاد بایسنغر میرزا ، ازهنر معروف برخوردار بودند وشاگردی وی میکردند .

Marfat.com

معروف در معاشرت ، بزرگ‌منش و خویشتن دار بود ودر زی بزرگان جامه می‌پوشید وبشاهزادگان ورجال درباری کم‌اعتناء بود ، چنانکه گویند ، شاهزاده بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ ، خواست که مولانا برای او یک نسخه خمسهٔ نظامی استکتاب کند و کاغذ مرغوب نزد وی فرستاد و معروف پس از گذشت یکسال ، کاغذها را نانوشته ، نزد شاهزاده بازپس فرستاد ؛ که البته شاهزاده را ناخوش آمد .

بسال ۸۳۰ که احمد لر ، از اصحاب مولانا فضل الله حروفی استرابادی ، در مسجد جامع هرات ، هنگام ادای نماز ، بشاهرخ سوء قصد کرد و بزخم کارد ، پهلوی شاهرخ را بدرید ؛ چون احمد لر از مصاحبان معروف بود ، اورا متهم کردند که در واقعهٔ سوء قصد ، دست داشته است واورا بازداشتند و چند بارش بپای دار بردند ، ولی از قتل او چشم پوشیدند ودر قلعهٔ اختیارالدین زندانیش ساختند ومعروف پس از اندك زمانی که زندانی بود ، درهمانجا درگذشت .

اما مجموعه یی که درصدر این گفتار ذکر آن رفت مشتمل باشعار متفرق و ازجملهٔ بعضی از اشعار اوست که متن آنرا بقلم کتابت خفی متوسط و عنوانها را بقلم رقاع کتابت خوش نوشته است ودر یک موضع چنین دارد : « کتبه العبد الضعیف علی سبیل الاستعجال ، المحتاج الی غفو ربه الرؤف معروف ، احسن الله حاله والحمدلله رب العالمین » وبااینکه تاریخ ندارد ، چنانکه درمقالت : « یک مجموعهٔ اشعار فارسی ناشناخته از قرن هشتم هجری » به‌تفصیل آورده‌ام ، باید این نسخه در بین سنوات ۷۸۴ و ۸۱۳ و باحتمال قوی بین سالهای ۷۸۴ و ۷۸۸ استکتاب شده باشد .

اما آنچه از این مجموعه برمی‌آید اینست که ، اگرچه خطوط رقاع آن با جودت کتابت شده است ، خط نستعلیق آن فروتر ودرجهٔ متوسط دارد وحق هم این است که این نسخه ازقدیمی‌ترین نمونه های خط نستعلیق وشاید قدیمترین مجموعه مدون این خط باشد .

Marfat.com

معزالدین = حسین بن محمد سیرك

معزالدین = محمد کاشانی

۱۳۷۹) معز - ملا

صاحب سرآة العالم وی راشاگرد ملا عبدالباقی تبریزی دانسته گوید هفت قلم راخوش می‌نوشت واز خوشنویسان زمان شاه عباس ثانی صفوی (۱۰۷۸-۱۰۵۲) بود. محمدنصیر خوشنویس، شاگرد او بود.

۱۳۸۰) معصوم - میرزا

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی راجزو شاگردان خودآورده که بواسطهٔ مناصب وخدمات دیوانی تارك شده است و گوید، وزیر رانکوه‌است و بسیار خوش می‌نویسد:

معین الدین = محمد اسفراینی

معین الدین شریفی = محمد تبریزی

معینی = محمودمسعود هلوی

۱۳۸۱) معین الدین واعظ

صاحب حالات هنروران وی رااستاد سلطان‌محمد نور دانسته‌است، درحالی که می‌دانیم استاد سلطان محمد نور، سلطان علی مشهدی است.

مفلس = امان‌الله خان

۱۳۸۲) مفلسی - میر

صاحب ریاض‌الشعراء گوید که ازسادات مشهد واز اولیای عصر بود و سلطان علی‌مشهدی در رسالهٔ منظوم قواعدخطوط خود، آورده‌است که نخستین بار

Marfat.com

مفردات خط نستعلیق را میر مفلسی بمن آموخته است.

۱۳۸۳) مقبول نبی خان

درتذکرهٔ هفت قلمی آمده است که فرزند انعام الله خان وازشعرا وخوشنویسان پرهیزکار وصالح هندوستان است ودرخط نستعلیق شاگرد میرزا محمد علی بود و کتابت خفی را خوش می کرد وآثار بسیار ازخود، بجای گذاشته است.

۱۳۸٤) مقصود تبریزی

ازکاتبان خوشنویس قرن دهم است که ثلث ونسخ ورقاع راعالی ونستعلیق را متوسط می نوشته است.

ازآثاروی دیده ام:

یک نسخه دیوان جامی، بقلم کتابت متوسط، باتاریخ ورقم: «بتاریخ سلخ ذی قعدهٔ سنهٔ ۹۰۹، کتبه العبد الفقیر المذنب مقصود تبریزی، غفرالله ذنبه» در کتابخانهٔ مدرسهٔ سپهسالار، تهران؛

۱۳۸۵) مقصود بن جمشید

ازکاتبان خوشنویس گمنام قرن یازدهم و بخطوی یک نسخه دیوان حافظ درمجموعهٔ آقای سلطان القرائی است، بقلم کتابت خفی خوش، که چنین تمام می شود: «تمت الدیوان خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی علیه الرحمة و المغفرة، بتاریخ شهر ربیع الاول سنهٔ ۷۰[۱۰]، کتبه العبد المذنب الراجی... ابن جمشید، مقصود...»

Marfat.com

۱۳۸۶) مقصود خاکی

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه جواهر التفسیر کاشفی، دربقعهٔ مولانا جلال الدین در قونیه است، بقلم کتابت متوسط، بارقم: «مقصود بن عبدالحق خاکی».

۱۳۸۷) مقصود علی ترک

صاحب مناقب هنروران گوید از شاگردان سلطان علی مشهدی است. میرزا حبیب گوید که اصلاً از مردم عثمانی بود که بایران آمده ونزد سلطان علی تعلیم خط گرفته است، و تاریخ وفات اورا سال ۷۷۰ ضبط کرده، که البته درست نیست و سلطان علی مشهدی، بیش از یکقرن، پس از این تاریخ هنوز می‌زیسته است.

۱۳۸۸) مقصود علی شیرازی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه کلیات سعدی، در کتابخانهٔ سلطنتی است بقلم کتابت متوسط، که چنین تمام می‌شود: «تمت الکلیات افصح المتکلمین، شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی علیه الرحمة و المغفرة، علی ید الفقیر الحقیر المذنب الراجی، مقصود علی شیرازی، غفرالله ذنوبه وستر عیوبه بتاریخ یوم الاثنین غرهٔ شهر ذی حجة الحرام سنهٔ سبعین بعدالالف»

۱۳۸۹) مقصود هروی

در آئین اکبری آمده است که؛ از رجال دربار همایون پادشاه بود و در ساختن آلات نجومی مانند کره و اصطرلاب مهارت داشت ونستعلیق ورقاع را خوش می‌نوشت.

از آثار وی دارم : یک نسخه تحفة الاحرار جامی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم و تاریخ : « تمت کتابة هذاالکتاب ، علی یدالعبد مقصود الهروی حامداً لله و مصلیاً علی نبیه ، فی سنهٔ ۹۲۸ » .

مقیم = محمد مقیم

۱۳۹۰) ملاجان کاشی

درمناقب هنروران است که ازشاگردان جعفر تبریزی وازخوشنویسان دربار بایسنغر میرزا گورکانی است .

ملاجان مخترع خط «شکسته بسته» وآن چنان است که اجزاء خط را بعضی دریک کاغذ وبعضی درصفحهٔ دیگرمی نویسند وچون آن دوصفحه راروی هم گذارند خط کامل نموده می شود .

ملاجیون = متین لاهوری

ملامیر = محمدحسین

۱۳۹۱) ملک ایرج میرزا

فرزند فتح علی شاه قاجار است . شعر می گفت واز علم طب سررشته داشت ونستعلیق را خوش می نوشت وبقول سپهر بسال ۱۲۹۰ درگذشت .

ملک پاشازاده = علی حیدربیک

۱۳۹۲) ملک زاده

از کاتبان گمنام عثمانی و نام اصلش نیز معلوم نشد . بخط وی در مرقعی از کتابخانهٔ دانشگاه استانبول قطعه یی است بقلم سه دانگ جلی و کتابت خفی خوش ، بارقم : « کتبه اضعف عبادالله و احقرهم ملک زاده ، تجاوزالله عن سیآته ، فی دارالفتح قسطنطنیه ، صینت عن البلیة » .

Marfat.com

ملک‌الشعرا = فتح علی خان صبا

ملک‌الشعرا = محمود خان صبا

ملک‌الشعرا = محمد قاسم خان کاشانی

ملک‌الکتاب = محمد مهدی = مهدی فراهانی

ملک‌الکتاب = محمدصالح

۱۳۹۳) ملك قاسم شیرازی

در تحفهٔ سامی و هفت‌قلم آمده‌است که خود را از اولاد شاه‌شجاع می‌دانست وشعر می گفت و از نقاشی بهره داشت ودر معما و عروض ماهر بود و همهٔ خطوط را خوش می‌نوشت. حافظهٔ قوی داشت که به یک‌بار خواندن، سی بیت را از بر میکرد وبا این همه فضل بی‌طالع بود وبسال ۹٤۷ درگذشت.

۱۳۹٤) ملك محمد قزوینی

در المآثر والآثار است که مردی درویش نهاد، از هنرمندان قرن‌سیزدهم بود واینکه اطراف قطعات بخط جلی را احیاناً با نیش قلم بطرز مخصوص مزین میسازند او اختراع کرده است.

جز نستعلیق، شکسته و نسخ و طغرائی و نوعاً خطوط را به تفنن، خوش می‌نوشت.

از آثار وی دارم: دوقطعه بقلم نستعلیق سه‌دانگ جلی وطغرائی و شکسته خوش، بارقم وتاریخ: «مشقه ملک محمد ۱۲٤۲» و «مشقه ملک محمد قزوینی ۱۲۵۰».

Marfat.com

منشی = محمدعلی شیرازی - میرزا

منصور = محمدحسین نایب الصدر

۱۳۹۵) منصور شیرازی - علاءالدین

از کاتبان گم نام قرن دهم و بخط وی یک نسخه شهنشاه نامهٔ فارسی سلطان مرادخان عثمانی ، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود :

«تم بالخیر والحسن ، فی سلخ شهر رمضان سنهٔ ۹۸۹ ...

بحمدالله که شام قدر روزه — شه از ختم کتابت بنده مسرور

حقیر خاکسار از ملک شیراز — که خوانندم علاءالدین منصور

الهی تا قیامت باد باقی — چو نام نامیش در دهر مشهور»

۱۳۹۶) منعم الدین اوحدی

از کاتبان خوشنویس پر کار گم نام قرن نهم ودهم هجری است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم وتاریخ : «تم الکتاب علی یدی العبد الراجی الی رحمةالله الملک الصمدی ، منعم الدین الاوحدی فی خامس شهر ذی حجةالحرام سنه سبع وتسعین و ثمانمائةالهجریة ...» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه کلیات سعدی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : «تم الکلیات ... علی اقلام تراب اقدام کلاب احباب ابی تراب ، منعم الدین الاوحدی فی ربیع الاخر سنة سبع عشرة وتسعمائةالهجریة .» درهمان کتابخانه ؛

یک نسخه عجایب المخلوقات ، بقلم کتابت جلی متوسط ، بارقم وتاریخ : «تم الکتاب ... علی اقلام ... منعم الدین الاوحدی الحسینی ... فی منتصف

جمادی الاول سنهٔ اربع وعشرین وتسعمائة» درمجموعهٔ آقای مجید موقر ، تهران ؛

یک نسخه خواب نامهٔ یوسفی ، بقلم کتابت جلی متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تم الکتاب بعون الملک الوهاب والصلوة والسلام علی محمد النبی الامی العربی الهاشمی وعلی آله وسلم ، کتبه العبد . .منعم بن مرشد الاوحدی» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

یک نسخه دیوان جامی ، بقلم کتابت خفی ، با رقم وتاریخ : « کتبه العبد الراجی الی رحمة الله الصمدی منعم الدین اوحدی غفر ذنوبه وستر عیوبه ، فی شهور سنه ثمان وتسعین وثمانمائة» در همان کتابخانه ؛

یک نسخه شاهنامهٔ فردوسی ، بقلم کتابت متوسط ، با رقم وتاریخ : « . . بشیراز . .منعم الدین اوحدی ، فی شهور خمس عشر وتسعمائة» درموزهٔ آثار اسلامی وترک ، استانبول ؛

یک نسخه حدیقة الحقیقه سنائی ، با مقدمهٔ منثور ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : « تم الکتاب . . . علی اقلام تراب اقدام الکلاب احباب ابی تراب منعم الدین الاوحدی الساکن بشیراز ، غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، فی ربیع الاخر سنه خمس عشر و تسعمائة الهجریة» ، درهمان موزه .

منعم شیرازی = محمد علی

۱۳۹۷) منوچهر

از خوشنویسان گم‌نام قرن یازدهم هندوستان و بخط وی قطعه یی در یک مرقع کتابخانهٔ بادلیان است ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : « کتبه منوچهر ۱۰۷۵ » .

Marfat.com

منیف‌افندی = محمدطاهر

۱۳۹۸) موزون ناگوری

سلسلهٔ نسب خودرا به‌شیخ حمیدالدین ناگوری منتهی‌می کرد. وی‌فرزند شیخ پیرآگره است که هفت خط را خوش می‌نوشت. بداونی‌وی‌را درزمان‌سلیم‌شاه درپیشاور دیده است.

درهفت‌اقلیم آمده‌است که درمعمی دست‌داشت وشعر را درکمال‌موزونی می‌سرود وشطرنج صغیرو کبیر را نیکوسی‌باخت وخط‌نستعلیق‌را خوش می‌نوشت.

۱۳۹۹) موسی سمرقندی

ازکاتبان گم‌نام قرن دهم و بخط وی یک‌نسخه شرح معمای امیرحسین، درکتابخانهٔ دانشگاه استانبول است، بقلم کتابت جلی متوسط، که چنین تمام می‌شود: «تم بالخیر علی ید اضعف عبادالله موسی‌بن عیسی سمرقندی... وقدوقع الفراغ من تحریر خواص‌الاسماء الشریفة، فی بلدة المحروسه، فی‌ثامن شهرمبارك شعبان، فی تاریخ سبع وسبعین و تسعمائة، علی ید اضعف عبادالله الحسنی موسی سمرقندی...»

۱۴۰۰) موسی منشی گرّوسی

ازمنشیان دربار ناصرالدین شاه قاجار است و بخط وی دیده‌ام:

یک‌رساله درشرح احوال‌حضرت‌رسول، بقلم کتابت‌متوسط، بارقم‌وتاریخ: «حرره چاکر درگاه موسی‌منشی، فی شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۳۰٤» درکتابخانهٔ ملی، تهران؛

یک‌قطعه بقلم‌سه دانگ ونیم‌دودانگ متوسط، بارقم: «حرره‌الحقیر موسی گرّوسی» درمجموعهٔ نگارنده.

۱٤۰۱) مول راج

از خوشنویسان قرن یازدهم هندوستان است و بخط وی دیده‌ام :

یک قطعه ازسرقعی ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «این مشق فقیر مول راجست سنه ۱۰۹۷» در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد ؛

یک قطعه ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «این مشق مول راجست سنه ۱۰۹۹» درموزهٔ باستان‌شناسی ، دهلی .

۱٤۰۲) مؤمن - میر

برادرمیرصالح کشفی مذکوراست . شعرمی گفت و«عرشی» تخلص میکرد . مردی صوفی مشرب بود وبوجدوسماع تمایل داشت . درعهد شاه جهان (۱۰۳۷-۱۰٦۸) معلم خط سلیمان شکوه بود .

درمرآة العالم است که درخط نستعلیق چنان بود که وقتی چند صفحه بتقلید میر علی هروی نوشت و بشاه شجاع گذرانید و دو هزار روپیه انعام گرفت و چون شاه شجاع دانست که خط خود عرشی است ، محبت زیاد فرمود و هزار روپیه مزید کرد .

عرشی بسال ۱۰۹۱ که سنین عمرش به‌نود رسیده بود ، درگذشت و کسی تاریخ مرگش را یافته است : «سید عرشیان امیر مؤمن» .

مؤمن = نعیما

مولی = عبدالمولی

۱٤۰۳) مولائی

هفت‌قلمی گوید که ازشاگردان عبدالرشید ومردی پاك نهاد بود ونستعلیق را بشیوهٔ رشیدا ، خوش می‌نوشت و از پادشاه بخطاب : «آقای ثانی» «آقای مطلق

Marfat.com

لقب رشیداست) سرافراز شد.

مولائی معلم خط میرزا معظم بخت‌بهادر بود.

۱۴۰۴) مونس حسن

ظاهراً از خوشنویسان قرن دوازدهم هندوستان است و بخط وی قطعه‌یی دارم، بقلم دودانگ و کتابت خوش، بارقم: «الفقیر مونس حسن غفرذنوبه».

مهاجر = قاسم

۱۴۰۵) مهدی

از خطاطان قرن سیزدهم و باظهار آقای اسمعیل امیر خیزی، معروف به «امین عدلیه» وملقب به «مظهرالدوله» ازشاگردان میرزا سید حسین خوشنویس باشی تبریزی است. ازتبریز به‌تهران‌آمد ودر پایتخت بقتل رسید. خاندان‌مظهری ازاولاد اویند.

بخط وی دیده‌ام:

یک‌قطعه ازمرقعی، بقلم دودانگ و نیم‌دودانگ متوسط، بارقم وتاریخ: «خانه‌زاد مهدی سنهٔ ۱۲۸۰» درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک‌قطعه سیاه مشق، بقلم سه‌دانگ خوش (بشیوهٔ خوشنویس باشی)، با رقم: «درخدمت سرکار شوکت مدار آقای میر حسین ادام‌الله ظله، مهدی» در مجموعهٔ نگارنده.

۱۴۰۶) مهدی بدایع نگار

چند سطر بخط وی در پشت یک نسخه دیوان‌حافظ درکتابخانهٔ سلطنتی است بقلم نیم دودانگ خوش، که چنین رقم و تاریخ دارد؛ «حرره العبد مهدی

Marfat.com

الحسینی ، الملقب به بدایع نگار والمتخلص لاهوتی ، سنهٔ ۱۳۲۳ » .

۱۴۰۷) مهدی تبریزی - میرزا

بقول میرزا سنگلاخ وسپهر ازمردم سرخاب تبریز بود . شکسته و نستعلیق را خوش می‌نوشت وشعر می گفت . وقتی با خال خود میرزا ابراهیم خان ، ببغداد رفت ودرآنجا چندی نزد میرزاسنگلاخ تعلیم خط گرفت . بسال ۱۲۵۰ درگذشت و جنازه‌اش را بعتبات منتقل کردند .

۱۴۰۸) مهدی ثاقب - میر

در نتایج الافکار آمده است که بسال ۱۲۲۳ تولد یافته وازسادات حسینی مدراس است که اجدادش ازمشهد خراسان ، بجنوب هندوستان منتقل شده‌اند ، خودوی بحیدرآباد رفت و باشعرای آن دیار محشور گشت . شعرمی گفت و بهفت قلم خط خوش می نوشت .

۱۴۰۹) مهدی خان شیرازی - حاج میرزا

فرزندفتح الله خان ، بقول صاحب فارسنامه ، بسال ۱۲۳۳ درشیراز متولدشد وانواع کمالات را بیاموخت و مادام العمر شغل دولتی نپذیرفت و با درآمد مختصر ملک خود ، بقناعت زیست . نستعلیق را بغایت خوش می‌نوشت و بسال ۱۲۹۰ درگذشت .

۱۴۱۰) مهدی شریف

از کتیبه نگاران نیمهٔ اول قرن حاضر وبسیاری از کاشیهای نوشتهٔ سر کوچه ها و خانه ها بخط وی بود وهست ، از جمله کتیبهٔ سردرمنزل مجدالسلطان لطیفی در

کوچهٔ‌والی ، بقلم یک‌دانگ کتیبهٔ‌عالی بارقم « کتبه مهدی‌الشریف» . درقطاعی دست قوی داشت . ازآثاروی دارم :

یک قطعه لوحه بریدهٔ نستعلیق شش دانگ عالی ، با رقم : « کتبه مهدی ۱۳۲۰» ؛

یک‌لوحه بریدهٔ بزرگ حدیث ، بقلم پنج‌دانگ‌نستعلیق وچهاردانگ ثلث عالی برروی کاغذ مشکی ، بارقم وتاریخ : « کتبه مهدی الشریف ۱۳۱۹ » .

۱۴۱۱) مهدی شیرازی

قطعه‌یی بقلم سه‌دانگ و غبار خوش دارم ، بارقم وتاریخ : « کتبه الحقیر الفقیر مهدی شیرازی ، فی‌جمعه شهر شوال المکرم سنهٔ ۱۲۶۴ » که نمیدانم بخط کدام یک ازمهدی‌های شیرازی آتی‌الذکراست .

۱۴۱۲) مهدی شیرازی - میرزا

ازکاتبان قرن‌حاضر وبخط وی رکن رابع حاج‌محمد کریم‌خان بقلم کتابت خوش نوشته شده وبسال ۱۳۱۳ دربمبئی بچاپ رسیده است .

۱۴۱۳) مهدی شیرازی مستوفی - حاج میرزا

فرزند میرزا یوسف مستوفی بود . بسال ۱۲۵۳ متولد شد ودرشیراز تحصیل علم و کمالات کرد .

نستعلیق را خوش‌می‌نوشت . چندی باموریحاسباتی دیوانی‌فارس اشتغال داشت ومردم ازوی خشنود بودند . هنگام تألیف فارسنامه (سال ۱۳۰۴) هنوز می‌زیست .

Marfat.com

۱۴۱۴) مهدی صابر

در آثار عجم است که سردی با کمال بود. نستعلیق را خوش می‌نوشت و شعر می گفت و «صابر» تخلص میکرد.

بخط وی دارم :

یک قطعه اشعار نوروزیه ، بقلم کتابت خوش ، بسفیداب ، باتاریخ ورقم:

«فی سنه احدی وستین و مائتین بعدالالف ۱۲۶۱ ، راقمه ، قائله صابر».

مهدی طهرانی = محمد مهدی طهرانی

مهدی فراهانی = محمدمهدی فراهانی - سید

۱۴۱۵) مهدی قلی

صاحب مناقب هنروران وی را ازشاگردان میرمعز کاشانی دانسته است.

بخط وی دیده‌ام :

یک قطعه ازمرقع ، بقلم نیم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه المذنب الفقیر مهدی قلی ، غفرذنوبه وسترعیوبه ، فی شهورسنهٔ ۹۷۷ » در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

دوقطعه از مرقع سید احمد مشهدی ، بقلمهای چهار دانگ جلی متوسط و سه دانگ خوش، بارقمهای: « کتبه مهدی قلی» و«مهدی قلی» درهمان کتابخانه.

۱۴۱۶) مهدی قلی خان خویی

سپهر گوید که شعرمی گفت ونستعلیق و شکسته را خوش می نوشت وبسال ۱۲۷۱ درگذشت.

۱٤۱۷) مهدی قلی سلطان

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) در تذکرهٔ خود وی را جزو خوشنویسان متأخر در گذشته آورده گوید ، حاکم فسا ولد مرتضی قلیخان قورچی-باشی قاجار بود وخوب می‌نوشت .

۱٤۱۸) مهدی مازندرانی - حاجی

وی‌را جزو شاگردان میرزا محمد رضای کلهر نام برده‌اند .

۱٤۱۹) مهدی میرداماد

از خطاطان زبردست گمنام اواخر قرن‌سیزدهم واوایل قرن‌حاضراست بخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ، بقلم‌نیم‌دودانگ جلی‌خوش ، بارقم: «المذنب میرداماد» ، در کتابخانهٔ ملی ، تهران ؛

یک‌قطعه، بقلم‌پنج‌دانگ‌خوش، بسفیداب‌برجسته، بارقم‌وتاریخ :«جهت ... حاج‌میرزا آقاخان مسوده وتحریر گردید ، سنه . ۱۳۱ ، میرداماد» درمجموعهٔ آقای کریم‌زاده ، تهران ؛

یک‌قطعه ، بقلم پنج‌دانگ وسه دانگ عالی ، با رقم و تاریخ : «حرره سید مهدی‌الشهیر بمیرداماد ، سنهٔ ۱۳۰۹» درمجموعهٔ آقای حاج حسین آقا نخجوانی ، تبریز .

۱٤۲۰) مهراب بیك

فقط میرزاسنگلاخ ازوی‌نام برده اوراملقب به‌قبلة‌الکتاب وشاگرد میرعماد

Marfat.com

دانسته ، گوید ، بشیوهٔ سلطان علی ، می نوشت وبسال ۱۰۶۱ دراصفهان در گذشت .

۱۴۲۱) مهرعلی

از خوشنویسان گمنام قرن یازدهم است وبخط وی دیده‌ام :

یک قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : « کمترین خلق الله مهر علی بن محمدعلی» درمجموعهٔ آقای خان ملک ساسانی ، تهران ؛

یک‌قطعه ، عیناً بهمان‌قلم با همان‌رقم ، درمجموعهٔ نگارنده ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم : «مهرعلی» در نزد کتابفروشی ، تهران .

مهین استاد = محمد حسین تبریزی

۱۴۲۲) میر ـ ملا

شیخ الاسلام سبزوار بود وصلاحیت تمام داشت واکثرخطوطرا خوش می نوشت وشعر می گفت ؛ ولی خودپسند بود .

هنگام تألیف لطایف‌نامه (سال ۸۹۶) درگذشته بود .

میرپنجه کاشانی = محمدامیررضوی ـ سید

میرثانی = یحیی اصفهانی

میرجان = کمال الدین علی حسینی

۱۴۲۳) میرخویی حسینی

درمناقب هنروران‌است که ازشاگردان باواسطهٔ سلطان علی‌مشهدی‌است که درزمان سلطان‌سلیمان‌خان عثمانی ( ) ازمشهدباستانبول رفت ویکتابت وشاهنامه خوانی خاصه مقرر گردید ودرهمانجا درگذشت .

Marfat.com

میرداماد = مهدی - سید

۱۴۲۴) میردنك

از خوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی قطعه یی در مرقع بهرام میرزا ، در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دو دانگ متوسط ، با رقم : «میردانگ» .

میرزاآغا = آغا

میردوست = دوست

۱۴۲۵) میرساوجی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) گوید ، ازشاگردان میرعماد بود قدرت قلمش ازسایر شاگردان میر بیشتر بود اما خطش بمزهٔ خط آنهای دیگر نیست . در کثرت مشق بحدی بود که مادرش نان را بدهان او می نهاد که مبادا از مشق بماند .

میرزاسنگلاخ ازوی نام برده وباولقب «جواهررقم» داده ، گوید که خوش-محضر وفصیح ومحضرش مرجع ارباب کمال بود . درنوشتن ومشق خط ولع داشت وبیشتر ازروی خطوط مالک دیلمی ، مشق می کرد .

میرسوز = محمد دهلوی - میر

۱۴۲۶) میر سید

ازخوشنویسان گم نام قرن دهم و بخط وی قطعه یی درمرقع امیرغیب بیک در خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم دو دانگ و کتابت خوش ، که در آن چنین نوشته است : «برسم محضر نواب نامداری سلطانی خلدسلطنته ، مرقوم گردید ، امید که منظور نظر کیمیا اثر آن حضرت گردد ، فی شهور سنهٔ اربع وخمسین و تسعمائة ، مشقه العبدالاحقر میرسید غفر ذنوبه» .

Marfat.com

۱٤۲۷) میر شیخ پورانی

با اینکه از خوشنویسان خاندان «پورانی» چند تن (نورالدین محمد ، بایزید شیخ زاده) را یاد کرده‌اند ، از این یک نامی نبرده‌اند ؛ ولی بخطوی ، قطعات متعدد دیده‌ام که میرساند وی ، در قرن دهم می‌زیسته و از خوشنویسان نسخ و نستعلیق زبردست بوده وبشیوه و قدرت میرعلی هروی می‌نوشته است .

اینست قطعاتی که از وی دیده‌ام :

پنج قطعه ، از مرقع بهرام میرزا ، بقلم سه دانگ جلی ونیم دودانگ و کتابت خوش ، با رقمها وتاریخ : «مشقه میر شیخ الپورانی غفرذنوبه ۹۳۹» و « میر شیخ الپورانی» و «عبده میرشیخ پورانی» و «عبده میرشیخ پورانی غفرذنوبه وسترعیوبه» و «عبد کم میرشیخ پورانی» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

دوقطعه از مرقع سیداحمد مشهدی ، بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم: «مشقه میرشیخ الپورانی» در همان کتابخانه ؛

چهار قطعه ، درسه مرقع مختلف، بقلمهای شش وچهاروسه ودووونیم دودانگ و کتابت خوش ، وبعضی بقلم نسخ خوش، با رقمهای : «میرشیخ الپورانی» و «مشقه العبد میرشیخ الپورانی» درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه از مرقع ، بقلم سه دانگ جلی خوش ، بشوخی ، که مضمون آن چنین تمام میشود :

« شبها تن من چو شمع بگداخته شد
کین خاتم دل پذیر پرداخته شد
هر چند که دقتی درو نیست ، ولی
بپذیر که یادگاریی ساخته شد

حضرت سیادت پناه قوام جعفرا ، جهت غلاف عینک فقیر خاتمی ساخته و

این رباعی نیز پرداخته‌اند ، امید که توجه خاطر شریف آن حضرت دربارهٔ بندهٔ داعی هر روز از روز دیگر بیش شود ، آمین یا رب العالمین ، فقیر میر شیخ » در کتابخانهٔ روان کوشکو ، استانبول ؛

یک قطعه ، بقلم سه دانگ و دودانگ عالی ، با رقم وتاریخ : «مشقه العبد میرشیخ الپورانی سنه ۹۶۸» در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد .

میرشیخ اول کرمانی = شیخ اول کرمانی - میر

میرشیخ ثانی کرمانی = شیخ ثانی کرمانی - میر

میرعلی هروی = علی هروی

میرعماد قزوینی = عمادقزوینی

میرک بخاری = محمدامین

۱۴۲۸) میرک تاشکندی

از کاتبان خوشنویس گم نام قرن دهم وبخط وی دیده‌ام : یک نسخه گلستان وبوستان سعدی ، بقلم کتابت خفی خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه العبد المذنب بابامیرک تاشکندی ، غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، سنهٔ ۹۵۷ سبع وخمسین وتسعمائة فی تاریخ شهرربیع الاخر، تم بالخیر . »در کتابخانهٔ انستیتوی خاورشناسی، لنین گراد .

۱۴۲۹) میرک شیرازی

از کاتبان گم نام قرن نهم وظاهراً ازخوشنویسان دربار پیربوداق آق قویونلو است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه دیوان اوحدی ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام می‌شود : «تمت الدیوان المتبرك . . . کمال الحق والدین شیخ اوحدی ، علیه الرحمة ، علی ید اضعف عباد الله واحوجهم . . . میرك الشیرازی ، عفا الله عن سیآته ، بدارالسلم بغداد فی شهر رمضان سنهٔ سبعین وثمانمائة» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

Marfat.com

چند ترجیع ، از مجموعهٔ ترجیع بندهای کتابخانهٔ مجلس شورای ملی ، که ذکر آن در ترجمهٔ شرف‌الدین حسین مشهدی گذشت ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم : « کتبه الفقیر الحقیر میرك الشیرازی ، عفاالله عنه» ؛

قطعه یی از یک مرقع ، بقلم کتابت جلی متوسط ، با رقم و تاریخ : « مشقه میرك عفاالله عن سیآته ، بدارالسلم بغداد ، فی سنهٔ ثمان وستین وثمانمائة» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول .

میرك وصالی = وصالی

۱٤۳۰) میرك هروی

در گلستان هنر و حالات هنروران آمده است که ، نامش امیر روح‌الله و از سادات کمانگر هرات بود . در اوایل حال ، بتلاوت و حفظ قرآن ومشق خط اشتغال داشت وبعداز مرگ پدر به کتیبه نویسی میل کرد وچنان دراین هنر پیش رفت که خطوط کتیبه نویسان پیشین را منسوخ ساخت . پس از آن بخدمت مولانا ولی‌الله افتاد وبتحریر و تذهیب مشغول شد وسپس به نقاشی متمایل شد ودراین هنر سرآمد و درنزد سلطان حسین میرزا بایقرا ، قربت و مکانت تمام یافت و بکتابداری خاصه گماشته شد .

میر کلنگی = حسین

۱٤۳۱) میر کی

مؤلف حالات هنروران ، وی را فرزند اظهر تبریزی معرفی کرده است .

۱٤۳۲) میر کی همدانی

از کاتبان گم نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه شرفنامهٔ بدلیسی ، در

Marfat.com

کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم وتاریخ : «حرره الفقیر المحتاج الی رحمة الله ، میرکی بن احمد قهرمانی همدانی ، فی اوایل شهر ربیع الثانی سنه سبع عشر والف من الهجرة النبویة» .

میرمعز کاشانی = محمد معزالدین

۱۴۳۳) میری خوارزمی

میرزا حبیب گوید که برادر وشاگرد محمد عوّاد (سابق الذکر) است .

ناجی = محمدحسین

ناجی = محمدعسکر

نادر = شنکرناتهه

۱۴۳۴) نازکی تبریزی

بقول صاحب مناقب هنروران ، مکتب دار بود ونستعلیق را خوش می نوشت وجزو هنرمندان چهل گانهٔ کتابخانهٔ بایسنغر میرزا بود .

۱۴۳۵) ناصر

از کاتبان گم نام قرن نهم و از قدیم ترین نستعلیق نویسان و معاصر جعفر بایسنغری است وبخط وی دیده‌ام :

یک نسخه تحفة الاحرار جامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم : « کتبه افقر احقر ناصر ، غفرذنوبه وستر عیوبه » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه شش دفتر مثنوی مولانا و دیوان شمس ، بقلم نستعلیق کتابت خفی متوسط واواخر نسخه بقلم رقاع نیم دودانگ خوش ، عنوانها بقلم ثلث نیم‌دودانگ خوش ، که چنین تمام میشود : « تمام شد کتاب مثنوی من کلام سلطان العارفین و قدوة العاشقین ، مولانا جلال الحق والدین ، محمد بن محمد بن حسین البلخی الرومی ، قدس الله روحه العزیز ، علی یدی العبد الضعیف النحیف ، تراب اقدام الفقرا ، ناصر الکاتب ، احسن الله احواله ، فی شهور سنه ثلاث وثلثین وثمانمائة الهجریة النبویة المحمدیة » در همان کتابخانه .

Marfat.com

۱۴۳۶) ناصرالدین علی

از کاتبان خوشنویس زبردست قرن نهم‌ودهم است وبخط وی دیده‌ام :
یک‌نسخه بهارستان‌جامی ، بقلم کتابت‌عالی ، بارقم‌وتاریخ : «ناصرالدین علی سنهٔ ۹۰۸» در مجموعهٔ دولتی افغانستان ، کابل ؛
یک‌قطعه ازمرقعی ، بقلم سه‌دانگ و نیم دودانگ خوشر ، با رقم : « کتبه ناصرالدین علی ببلدة بخارا» در کتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد .

ناصرالسلطنه = نصرالله‌خان
ناطق = مسیحا

۱۴۳۷) نامدار - حاجی

هفت‌قلمی گوید که ازخوشنویسان هندوستان ودر دورهٔ فرخ‌سیر (۱۱۲۴-۱۱۳۱) اکثر شاهزادگان از وی تعلیم می گرفتند . خفی را بشیوهٔ شفیعا ، خوش می‌نوشت .

نامه‌نگار = علی‌خان تویسرکانی - حاجی

۱۴۳۸) نامی

میرزا حبیب گوید که نامش مرتضی قلی خان است و بسال ۱۱۳۴ ، از طرف پادشاه صفوی (که باید شاه سلطان حسین باشد) بسفارت بدربار عثمانی در استانبول رفت .

۱۴۳۹) نامی سبزواری

درمجالس‌النفایس و تذکرهٔ حسینی وغیره آمده است که ازشعرای معاصر جامی وازمنشیان بود . نستعلیق وشکسته تعلیق را خوش می‌نوشت ولی‌سخن گفتن

وی مورد پسند عامه نبود و بعضی او را تخطئه کرده‌اند.

نایب الصدر = محمدحسین منصور - میرزا

نایب الصدر = محمدعلی = علی - حاج میرزا

نایب الوزاره = حسن خان - میرزا

نجاتی = اسمعیل

۱۴۴۰) نجمای لاری

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را ازمعاصرین پدر خود (ابوتراب) دانسته، گوید، نمیدانم شاگرد کیست. بد نمی‌نوشت.

نجیب = ابوبکر

۱۴۴۱) نجیب بیك

ازخوشنویسان قرن حاضر مصراست که جزنستعلیق انواع خطوط، بخصوص ثلث ونسخ را خوش می‌نوشت و فؤاد اول پادشاه مصر وی را گرامی می‌داشت.

نمونهٔ خطوط او در کتاب پیدایش خط و خطاطان منعکس است.

ندائی = محمد صالح

ندیم باشی = غلام رضاخان - میرزا

نشاط = عبدالوهاب معتمدالدوله

نشانی = علی احمد

۱۴۴۲) نصرالله - میرزا

نوادهٔ محمد طاهر حکاك معروف بود و خود وی نیز حکاکی می کرد. در خط نستعلیق شاگرد میرزا محمد رضای کلهر بود وشیوهٔ میرزارا درحکاکی‌او وارد کرد. پس‌ازچهار پنج‌سال که نزد میرزا رضا مشق کرد، درگذشت.

Marfat.com

۱۴۴۳) نصرالله بیضائی - میرزا

در فارسنامهٔ ناصری است که فرزند حاج میرزا ابراهیم کلانتر شیراز و از مستوفیان بود ونستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۸۰ درگذشت.

۱۴۴۴) نصرالله تفرشی

از کاتبان قرن سیزدهم است وبخط وی یک نسخه حدیقة الشیعه، بقلم کتابت خفی و دودانگ متوسط نوشته شده وبسال ۱۲۶۵ درتهران بچاپ رسیده‌است.

۱۴۴۵) نصرالله شیرازی

میرزا نصرالله خان ملقب به دبیرالملک، فرزند حاج محمدحسین خان جبّا-دارباشی بود وبسال ۱۲۵۲ درشیراز متولد گردید ودرآن شهر کسب کمالات کرد ونستعلیق را خوش می‌نوشت.

پدرش ازشیراز بتهران آمدوپس ازمرگ پدر بعتبات سفر کردوبتهران بازگشت ومنشی وزارت امور خارجه شد. درزمان صدارت میرزاحسین خان سپهسالار، منشأ خدمات لایقه گردید. پس از استعفای سپهسالار ازوزارت که بایالت خراسان رفت دبیرالملک نیز همراه او بود. چندی بعد به تهران بازگشت. درحین تألیف فارسنامه حیات داشت وبسال ۱۳۱۹ درگذشت.

۱۴۴۶) نصرالله شیرازی - حاج

فرزند حاج اسدالله خان بن بیگلربیگی بن اعتمادالدوله ابراهیم خان کلانتر شیراز، بسال ۱۲۱۹ دراصفهان متولدشد ومقدمات علمی وادبی را درآنجا فرا گرفت نستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت.

تاسال ۱۲٤۷ ، دربروجرد درخدمت محمدتقی میرزا حسام السلطنه مشغول خدمت بود و چون بشیراز آمد ، سمت میرآخوری حسین علی میرزا فرمانفرما را یافت و بسال ۱۲۷۲ ، بوزارت عبدالباقی میرزا حاکم لارستان ، بدانصوب گسیل شد .

هنگام تألیف فارسنامهٔ ناصری (سال ۱۳۰٤) درشیراز منزوی بود .

۱٤٤۷) نصرالله میرزا

فرزند حسین علی میرزا فرمانفرمای فارس و حاکم ممسنی و اردکان بود .

نستعلیق و شکسته را خوش می نوشت .

۱٤٤۸) نصرالله ناصرالسلطنه

سیدنصرالله خان فرزند میرزا سیدرفیع نظام العلمای طباطبائی تبریزی ، مدتها عهده‌دار امورخالصهٔ تهران وآذربایجان بود . اواخرعمر ازخاصان دربار مظفرالدین شاه گردید .

ازعلوم ادبی بهره داشت وزبان فرانسه را می‌دانست ونستعلیق وشکسته را خوش می نوشت .

درتاریخ سال ۱۳۲۰ زمان تألیف تذکرهٔ سپهر هنوز درقید حیات بود .

۱٤٤۹) نصرالله همدانی - آقا

سپهر گوید که تاجر بود و نستعلیق را خوش می‌نوشت و بسال ۱۲۸۰ درگذشت .

Marfat.com

۱٤٥۰) نصرة الدوله

فیروزمیرزا قاجار ، نستعلیق را خوش می‌نوشت وبخط وی موجود است :

یک مرقع مشتمل بر سی رقعه ، بقلم پنج دانگ متوسط ، با رقم و تاریخ :

« حرره فیروز قاجار الملقب بنصرة الدوله ، روز شنبهٔ شهر رجب سنهٔ ۱۲۸۲ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران .

۱٤٥۱) نصیر

سپهر گوید که ، خواجه نصیرمنشی تعلیق را بسی نیکونگاشت وبسال ۹٦۲ درگذشت . ولی بخط وی سه قطعه از مرقع بهرام میرزا در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، که بقلم نسخ ورقاع ونسئعلیق دودانگ ونیم دودانگ خوش نوشته است وچنین رقم دارد : «تحفهٔ مجلس نواب جهانبانی [مقصود بهرام میرزا صفوی است] خلدالله تعالی ملکه ، مشقه الفقیر ، نصیر غفر ذنوبه» .

و گویا بخط همین نصیراست : قطعه یی که من دارم وبقلم ثلث ونسخ ورقاع خوش نوشته است و چنین رقم و تاریخ دارد : « مشقه العبد المذنب الراجی الی رحمةالله الملک الغفور الباری ، نصیر المنشی النیسابوری ، فی شهور سنة خمس و ثلاثین و تسعمائة ، بمقام الترقون من اعمال السیستان حفظه الله عن الحدثان» .

و این قطعه درست بخط قطعهٔ زیبای نفیسی است که در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد است ، که اقلام ریحان و ثلث ونسخ و رقاع و توقیع و شکسته تعلیق و نستعلیق را استادانه نوشته و چنین رقم کرده است : «مشقه العبد المذنب الغریب المحتاج الی رحمةالملک الباری القوی النصیر المنشی ، فی شهر محرم الحرام سنهٔ ۹٤۸ ، بدارالسلطنهٔ اصفهان» .

Marfat.com

۱٤۵۲) نصیر الدین محمد مذهّب

در یک نسخه مجموعهٔ منشآت خطی نگارنده، که از آثار قلم شرف الدین علی یزدی و دیگران قطعات متعدد در آنست؛ بعنوان: «منشور امیرزاده ابراهیم سلطان [فرزند شاهرخ بن امیر تیمور] جهت خواجه نصیر مذهّب» چنین آمده است:

«چون خواجه نصیر الدین محمد مذهب، از فضیلت حسن خط ولطف تحریر بحظّی وافر کامل ونصیبی موفور بهره ور و محظوظ است ودر صنعت تذهیب ونقاشی سرآمدهٔ دوران و فایق بر سایر امثال و اقران و مدتی مدید است، تا بکلک توفیق نقوش اخلاص و خدمتگاری، برصفحات احوال خویش نگاشته، علی الدوام بسعی دوام وظایف نیکوبندگی بتقدیم میرساند وبصنوف خدمات پسندیده مواظبت می نماید؛ دراین وقت بحکم، من منع المستوجبین فقدظلم، تقدم وپیشوائی طوایف مذکور، بتخصیص مذهبان ونقاشان و مزوقیان وتقویم کارهای کتب خانهٔ عامره وغیرآن از کتابت وتذهیب وتصویر وتجلید ونقاشی وعمارت وتعیین اجرت عمله وبرآورد مصالح آن و مایتعلق بذلک الامور، باو رجوع فرمودیم ... جمهور مذهبان و مزوقیان، خواجه نصیر الدین مشارالیه را مقدم و کلانتر خود دانسته، طریق متابعت وانقیاد مسلوك دارند و کارکنان کتابخانهٔ همایون ونقاشان عمارات خاصه وغیرهم تقویم او را معقول شناسند و ازسخن و صواب دید او که هرآینه متضمن صلاح کار باشد تجاوز ننمایند ... فی الخامس والعشرین فی ذی القعدة الحرام سنة خمس وثمانمائة الهجریة».

نظام الدین = عبدالرحیم خوارزمی

نظام الدین = شیخ محمد

۱٤۵۳) نظام الدین اردبیلی

نام پدرش شمس الدین است و خود از خوشنویسان مقرر آذربایجان بود.

صاحب گلستان هنر گوید که علاوه بر نستعلیق ، اقلام شش گانه را خوش می نوشت وبیشتر در اردبیل بکتابت اشتغال داشت وتاسال ۹۲۰ درقید حیات بود .

۱۴۵۴) نظام بدر نیشابوری

خوش طبع وخوش آواز بود وبمطایبه مایل . ندیمی بی مانند بود وشعر میگفت ونستعلیق را خوش می نوشت . هنگام تألیف مجالس النفایس (سال ۸۹۶) درقید حیات بود .

۱۴۵۵) نظام الدین داماد

صاحب ریحان نستعلیق وی را شاگرد سلطان علی مشهدی دانسته ووفات اورا بسال ۹۳۰ ضبط کرده است .

دیگری از تذکره نویسان معاصروی ، ازنظام الدین داماد نامی ، نام نبرده اند واین توهم حاصل می شود که بجای «زین الدین» سهواً «نظام الدین» ضبط شده باشد ؛ که بعنوان «داماد» ازشاگردان سلطان علی مشهدی ، فقط زین الدین محمود ، استاد میرعلی هروی ، معروف است .

نظام السلطنه = حسین قلی خان سافی

۱۴۵۶) نظام علی

از خطاطان گم نام قرن دوازدهم وبخطوی یک قطعه ، درموزهٔ پیشاوراست بقلم سه دانگ متوسط ، که چنین رقم دارد : «کتبه العبد المذنب نظام علی خلف سید مدد علی صاحب ، سلمه الله تعالی» .

۱٤٥۷) نظام بن یقینی

از کاتبان گم نام متقدم خط نستعلیق است که در قرن نهم می زیسته و بخط وی یک نسخه تحفة الاحرار جامی در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم : «العبد نظام بن یقینی» .

۱٤٥۸) نظر علی

از خوشنویسان گم نام قرن سیزدهم و بخط وی قطعه یی در کتابخانهٔ ملی پاریس است ، بقلم دودانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «راقمه نظرعلی ۱۲۵۲» .

۱٤٥۹) نظیف زاده ـ احمد حامد

از نستعلیق نویسان قرن سیزدهم عثمانی وبخط وی یک نسخه پندنامهٔ عطار در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم و تاریخ : «اتمام یافت بقلم شکسته رقم فقیر احمد حامد المشتهر به نظیف زاده ، در اواسط محرم الحرام از شهور سنهٔ سبع عشرین ومائین والف . . .»

پشت صفحهٔ اول نوشته اند : «این پندنامه را احمد حامد نظیف زاده از مشایخ معروف مولویان استانبول واز شعرا وموسیقی شناسان واز خطاطان معروف آنجا نوشته است . صاحب دیوان است و تاریخ ۱۲٤۸ هشتاد ساله در آن شهر وفات کرد» .

۱٤٦۰) نعمة الله تبریزی

نوادهٔ میر عبدالوهاب تبریزی از اکابر سادات و فضلای آن شهر بود . چون تبریز بدست ترکان عثمانی اشغال شد ، نعمت الله بکاشان رفت و شیخ الاسلام آنجا شد و پس از چهار سال باصفهان رفت و سمت قاضی القضاتی یافت و همچنان دراصفهان می زیست تا بسال ۹۹۲ درگذشت .

Marfat.com

سپهر ، گوید که جز نستعلیق ، ثلث ونسخ رانیز خوش می‌نوشت .

۱٤٦۱) نعمة الله سروستانی ـ ملا

درفارسنامهٔ ناصری است که نستعلیق را خوش می‌نوشت و با وجه کتابت اعاشه میکرد ودرسنین هشتاد سالگی بسال ۱۲۸۹ درگذشت .

۱٤٦۲) نعمة الله مشهدی

ازمقری زادگان مشهد بود . پدرش درسلک مقربان شاه عباس می‌زیست . خود دراوایل حال درمشهد نزد سید احمد مشهدی بتعلیم خط پرداخت ، بعد به‌قزوین رفت ومدتی نزدعلی رضای عباسی مشق خط کرد . جزخوشنویسی، ازشاعری نیز بهره داشت .

چون شاه عباس به‌مشهد رفت ، اونیز بوطن خود ، بازگشت .

هنگام تألیف گلستان هنر (حدود سال ۱۰۰۲) هنوزدرقیدحیات بود وسپهر اشتباهاً ، تاریخ وفات اورا سال ۱۰۳۸ ضبط کرده است .

۱٤٦۳) نعمة الله نیشابوری شریف

ازکاتبان گم‌نام قرن‌نهم و بخط وی یک‌نسخه لباب‌الاختیار درکتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم کتابت ملیح ، که‌چنین تمام‌میشود : «قدوقع الفراغ من انتساخه ، ضحوة الجمعة الحادی والعشرین من ذی‌القعدة المنتظم ، فی شهور سنة سبعین وثمانمائة هجریة ، کتبه الفقیر الحقیر ، نعمة‌الله بن محمد النیسابوری الشریف» .

Marfat.com

۱٤٦٤) نعیما

محمد صالح اصفهانی ، وی را از خوشنویسان بعداز دورهٔ میرعماد و معاصر ابوتراب پدر خود میداند .

بخط وی دو قطعه در یک مرقع کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم چهار دانگ و دودانگ ونیم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه نعیما مؤمنا» .

۱٤٦٥) نعیم الدین شیرازی

از کاتبان گم نام نیمهٔ دوم قرن نهم و نیمهٔ اول قرن دهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک نسخه دیوان کمال خجندی ، بقلم کتابت خفی متوسط ، با رقم : «تم الکتاب ... علی ید العبد المذنب نعیم الدین الکاتب ، فی شهور سنة احدی و تسعمائة» در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک نسخه خمسهٔ نظامی ، بقلم کتابت متوسط ، بارقم: «نعیم الدین کاتب الشیرازی» وتاریخ : سال ۹۰۷ ، در کتابخانهٔ بادلیان .

نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی ، بهمان قلم ، با رقم : « نعیم الدین الکاتب » و تاریخ سال ۹۱۰ ، درموزهٔ هنر متروپولیتان ، نیویورک .

یک نسخه دیوان امیر خسرو دهلوی بقلم کتابت خفی متوسط، با رقم وتاریخ : «تم بعون الله و توفیقه ، سابع عشرین شهر جمادی الاول سنهٔ ۸۹۸ ، علی ید العبد المذنب ، نعیم الدین الکاتب الشیرازی اصلح الله حاله » در دست فروشنده‌ای ، تهران .

Marfat.com

۱٤٦٦) نقشی مذهّب

از مذهبان و قاطعان خوش خط عثمانی است که نام واصل او معلوم نیست و «نقشی» را بمناسبت هنرخود ، بر گزیده است .

از آثار هنری وی یک صفحه در رقع میرعماد وولی الدین افندی ، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است که اشعاری ترکی بخط نستعلیق متوسط ونقوش را از کاغذ سفید بریده وبروی کاغذ سبز انداخته است ورقم دارد : «فقیر نقشی المذهب» .

۱٤٦۷) نقی صفوی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۳۰ درگذشت .

نوائی = شمس الدین محمد کاشانی

نورا = نورالدین محمد لاهیجی

۱٤٦۸) نورای اصفهانی

محمد صالح اصفهانی در تذکرهٔ خود گوید ، میرزا نورا ولد قاضی غلام علی قاضی اصفهان وشاگرد میرعماد وهم مشق والدمن (ابوتراب) بود . بهندوستان رفت شاگردی ملا سلیمان کرده بود واز استادش پای کمی نداشت . متأخرین تذکره‌نویسان ، یعنی میرزا سنگلاخ و میرزا حبیب ازوی نام برده گویند که فرزند صدر-الشریعهٔ اصفهانی وملقب به « مشکین قلم » ازشاگردان میرعماد بود و گویند که میر خط وی را به خط رشیدا ترجیح می نهاد واراین روپیوسته بین نورا ورشیدا نقار بود .

نیز گویند که بامر شاه عباس ، شاهنامه‌ای نوشت . در اواخر از شاه عباس رنجیده شد وبه هندوستان رفت وبه کیمیا گری افتاد وبسال ۱۰۷۰ درآنجا درگذشت .

میرزا حبیب گوید که ، «نورالدین سام» رقم می کرده وازآثاروی کتیبه‌ای

Marfat.com

است ، در جلوخان مسجد شاه اصفهان (که آنرا ندیده‌ایم) و کتیبهٔ در مسجد آقا نورا در محلهٔ درب دشت اصفهان .

۱٤٦۹) نورالدین اصفهانی

برادر بزرك محمد صالح وفرزند ارشد ابوتراب خوشنویس اصفهانی است .

محمدصالح در تذکرهٔ خود دربارهٔ وی چنین آورده است :

« آقا نورا ولد اکبر ایشان [ابوتراب] که برادر بزرك بنده باشد ، بصفات حمیدهٔ پدر بزرگوار متحلی و در هر فنی از فنون خطاطی از همهٔ شاگردان پدر و خوشنویسان عهد خود درپیش ونهایت امتیاز بهرمعنی داشت ودر کتابخانهٔ [شاه عباس بزرك] ملازم بود . درسنه هزارونودوچهار برحمت ایزدی پیوسته در پهلوی پدر بزرگوار ، مدفون گشت .

میرزا سنگلاخ بوی لقب «جواهرنگار» داده است .

بخط وی دیده‌ام ، یك قطعه بقلم نیم دودانگ عالی ، بارقم : «تراب اقدام الفقراء نورالدین محمدالاصفهانی» درمجموعه آقای کریم زاده ، تهران .

نورالدین = عبدالله شیرازی

نورالدین = علی

نورالدین = محمد رازی

نورالدین = محمد لاهیجی

۱٤۷۰) نورای قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) در تذکرهٔ خود وی را جزو خوشنویسان معاصر خود آورده گوید ، خوشنویس کاتب خوبی است .

Marfat.com

۱٤۷۱) نورالله

درخدمت آصف‌الدوله اوده (۱۲۸۸-۱۲۲۲) درلکنهو می‌زیست. غلام محمد هفت قلمی، باوی دیدار کرده است و گوید مردی صاحب کمال و متواضع و خلیق و حق پسند است و بروش عبدالرشید دیلمی نستعلیق را خوش می‌نویسد و گوید یک‌نسخه هفت‌بند حسن کاشانی‌را که از روی خط رشیدا نوشته‌است دیدم که بسیار پسندیده بود. هم‌او گوید که فریفتهٔ خطوط رشیدا بود وبسیاری‌ازخطوط رشیدا را گرد آورده که همه را بمن نشان داده است. صاحب لاله سرب سنگهه و میان وجیه‌الله، شاگردان وی بوده‌اند.

ازخطوط وی دیده‌ام:

یک‌قطعه ازمرقعی، بقلم دودانگ و نیم‌دودانگ خوش، بارقم وتاریخ: «فقیرنورالله عفی‌عنه، ۱۱۵٤» درکتابخانهٔ سلطنتی، تهران؛

یک قطعه، بقلم دو دانگ خوش، بارقم وتاریخ: «الفقیر نورالله غفرله، ۱۱۵۳» درهمان کتابخانه؛

دوقطعه، بقلم دو دانگ و کتابت خوش، با رقم: «فقیر نورالله عفی عنه» درموزهٔ باستانشناسی، دهلی؛

یک‌قطعه، بقلم‌دودانگ و کتابت‌خوش، بارقم: «مشقه‌العبدالفقیر حافظ نورالله، غفرالله‌ذنوبه» درمجموعهٔ پرفسور محمد شفیع، لاهور؛

۱٤۷۲) نورالله ـ شیخ

شاگردعبدالرحیم‌فرمان‌نویس‌بود ودرعهداورنگ‌زیب (۱۰٦۹-۱۱۱۸) درهندوستان می‌زیست.

غلام محمد هفت‌قلمی، خط وی را شیرین ومتین یافته است.

نورس = محمدحسین دماوندی

۱۴۷۳) نور علی

گویند از شاگردان محمود شهابی است که در عثمانی سالیانی گذرانیده و بسال ۱۰۲۴ در استانبول در گذشته ودرجامع عرب احمدپاشا ، بخاك سپرده شده است و مادهٔ تاریخ مرگش را «چهارنور» یافته اند .

از خطوط وی دیده ام :

دوقطعه از یک مرقع ، بقلم چهاردانگ و سه دانگ جلی خوش ، بارقمهای: «فقیر نورعلی» در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه از مرقعی ، بقلم سه دانگ خوش ، با رقم «نورعلی» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول .

۱۴۷۴) نوریٔ

ازخوشنویسان گم نام قرن یازدهم وبخط وی قطعه یی دریک مرقع کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : « کتبه الفقیر المذنب ، نوری» .

۱۴۷۵) نویسی

صاحب مناقب هنروران وی را ازمردم عثمانی ومیرزامنیب ، از رزهٔ خوارزم دانسته اند . بهرصورت درعثمانی می زیست ومدتی درشام ، بایکصد آقچهٔ زروظیفه بآسودگی روزگار میگذرانید ودرجوار مسجد بنی امیه سکنی داشت .

از روی قطعات عبدالرحیم انیسی مشق بسیار کرده است و صاحب مناقب هنروران ، وی را درسلک صلحاء وصاحب کرامات میداند .

Marfat.com

گویند حلیمی شروانی شاعر، وقتی با نویسی کدورتی بهم رسانید و قطعهٔ ذیل را درهجو وی گفت:

نویسی آنکه بخط دردمشق بی‌بدل است
چرا وظیفهٔ او بیست و چار پاره کنند
مناسبش نبود این وظیفه، می‌باید
که خوشنویس چنین را هزارپاره کنند

وفاتش بسال ۹۷۵ اتفاق افتاده‌است و از آثار وی دیده‌ام:

یک نسخه نصایح ارسطوبه اسکندر، بقلم کتابت جلی متوسط، بارقم: «کتبه الفقیر نویسی» در کتابخانهٔ دانشگاه، استانبول.

۱۴۷۶) نهادبیك - امیر

فقط میرزاسنگلاخ نام وی را آورده گوید، اصلاً همدانی یا گلپایگانی است خواهرزادهٔ امیر گونه بیک قاجار بود.

و گوید، این امیر گونه همان است که درقزوین حمامی ساخت و میرعماد کتیبهٔ ذیل را برسردر آن نوشت:

بر امیر گونه بیک میمون باد — این عمارت بحق آل رسول
هر که در وی رود صفا یابد — بدعا گوئیش شود مشغول

نیز بنقل میرزا سنگلاخ، بسال ۱۰۰۹ که شاه عباس پیاده بزیارت آستان رضوی، بمشهد رفت، امیرنهادبیک همراه و ملتزم بود ودرمشهد سمت کتابداری شاه عباس را یافته است.

Marfat.com

نیاز = حسین طباطبائی

نیاز = محمد رضا شیرازی

نیک نگار = بدیع الزمان تبریزق

۱۴۷۷) نیکی

میرزا حبیب گوید که از شاعران و خوشنویسان عهد صفوی است.

Marfat.com

و

واثقی = شاه محمد مشهدی

واحدتر کمان = محمدعلی بیک

واصلی = آقاجان

واصلی = امام وردی

والا = سیدابوطیب خان

واله = جمالا

واله = محمد کاظم اصفهانی

وجدی = محمد علی شیرازی

۱۴۷۸) وجهی

درمآثر رحیمی است که نامش وجیه‌الدین و برادر حیدر خصالی هراتی (سابق‌الذکر) است.

وجهی در قندهار، ملازم رستم میرزا و مظفرحسین میرزای صفوی بود و از راه سپاهی گری اعاشه میکرد، تاازبکان برخراسان چیره شدند واووبرادرش خصالی باتفاق بهندوستان رفتند وبخدمت خان خانان رسیدند.

وجهی نستعلیق را خوش می نوشت وشعرنیکومیگفت واشعارش درهندوستان وهرات متداول است.

۱۴۷۹) وجیه‌الدین ـ خلیل‌الله ـ میر

عم قاضی احمد بن میر منشی قمی و مؤلف گلستان هنر بود. ابتدا تعلیق می‌نوشت و دراین خط روش درویش عبدالله را داشت، بعدها در سنین سی سالگی

Marfat.com

بمشق نستعلیق توجه کرد وچون در ملازمت سلطان ابراهیم میرزای صفوی بود ، ازآن شاهزادهٔ هنرمند تعلیم گرفت و نستعلیق را پاکیزه و پخته نوشت . جلی را به‌ازخفی می‌نوشت . بعدها بخدمت سیداحمد مشهدی رفت وخط نستعلیق را نزد وی تکمیل کرد .

گویند درشجاعت و تیراندازی و سپاهی گری ، بی‌عدیل بود . درچوگان‌بازی ، هم‌بازی سلطان ابراهیم میرزا بود .

پس‌ازقتل سلطان ابراهیم‌میرزا ، ترك خدمت کرد وازمردم روزگاربرید ودرقم به‌عبادت وزراعت روزگار گذرانید تابسال ۱۰۰٤ درگذشت .

شعر نیز میگفت وبسیاری ازاشعارابراهیم میرزا را تتبع کرده است .

وحدت = عبدالله کاشانی

وزیرلشکر = محمود مدیرالدوله

وصال = محمد شفیع شیرازی

۱٤۸۰) وصالی بلخی - میر

ازسادات مضافات بلخ بود وشعر میگفت وشاگرد مشفقی بود . نستعلیق‌را خوش می‌نوشت .

بسال ۹۸۳ ، بابقائی مؤلف مجمع الفضلا ، ملاقات کرده است .

۱٤۸۱) وصالی تبریزی

دراوایل حال ، ازتبریز آهنگ هندوستان کرد ودر کاشان با تقی‌الدین اوحدی مؤلف خلاصةالاشعار ملاقات کرد واین یک گوید که شاعری است باطبع بلند و نستعلیق را خوش می‌نویسد . چند بیت شعر از خود داشت که بسیارفریفتهٔ آنها بود وبهر بقعه ومدرسه ومسجد که میرسید ، بردیوار آنها ، آنرا می‌نوشت .

Marfat.com

زمانی که در هندوستان بود ، در گذشت .

وصفی = عبدالله ترمدی

وقار = احمد وقار شیرازی

وکیل الملک = فضل الله خان وزیرخلوت

۱۴۸۲) ولایة الله گلپایگانی - آقا

محمدصالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را در جزو شاگردان درگذشتهٔ خود آورده گوید ، طبع موزونی داشت . خوش شعر بود .

کمالات دیگر هم داشت . خوش نویس حسابی بود . کتابهٔ در مدرسهٔ واقعهٔ چهارسوق محلهٔ بیدآباد ، خط اوست .

۱۴۸۳) ولی الدین افندی

ازعالمان دین وشیخ الاسلام دولت عثمانی بود . فرزند مصطفی آقای صولاق‌باشی است که بسال ۱۱۷۳ یا ۱۱۸۰ درسنین هشتاد و سه سالگی ، در استانبول درگذشته ودر خانقاه شیخ مراد نقشبندی بخاك سپرده شده است .

ولی الدین درخط نستعلیق شاگرد طورمش زاده بود و این قلم را چه جلی و چه خفی بانهایت مهارت می نوشت وتاحدی که من استقصا کرده‌ام ، وی زبردست‌ترین نستعلیق نویسان عثمانی و ترك است . نیز بنظر میرسد که درخط شناسی و حسن سلیقه کم نظیر بوده باشد ، زیرا که سه مرقع ازمتروکات وی در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول ، اکنون موجود است ، که یکی مشتمل برخطوط میرعماد ویکی میرعلی ویکی دیگر استادان طرازاول نستعلیق است وهمگی آنها را خوداو جمع آوری وتجلیدو تصحیف کرده‌واین خطوط مجموعه یی ازبهترین خطوط ، بزرگترین استادان نستعلیق نویس است .

Marfat.com

ولی‌الدین در این مجموعه که گرد آورده است ، در مرقع میر عماد ، از خطوط خود که از بعضی قطعات میر مشق کرده ، در مقابل هر یک مندرج ساخته و نهایت زبردستی خود را در تقلید خط میر بکار برده است . بگمان من در میان نستعلیق نویسان عثمانی وترك ، کسی که با ولی‌الدین هم‌طراز باشد ، نیست .

از خطوط وی دیده‌ام :

یک کتیبه بمضمون «بارك الله تعالی» بقلم کتیبهٔ پنج دانگ عالی ، در مسجد ایاصوفیه ، استانبول ؛

دو قطعه از مرقعی ، بقلم سه دانگ و کتابت خوش ، بارقم : «الفقیر ولی الدین غفرله» و « کتبه الفقیر ولی الدین غفرله» در کتابخانهٔ دانشگاه ، استانبول ؛

هفت قطعه از مرقع میر عماد (که ذکر آن گذشت) بقلم سه دانگ و دو دانگ عالی ، بارقمها وتاریخهای : «نمقة الفقیر المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، فی سنهٔ ۱۱۲۱ » و « نمقه العبد الفقیر المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه ۱۱۲۲ » و « حرره الفقیر المذنب ، ولی الدین غفرالله ذنوبه وستر عیوبه فی سنه ۱۱۲۲ » و «العبد ولی الدین غفر ذنوبه» و «العبد ولی الدین غفرله» و «نمقه الفقیر ، ولی الدین غفرله» درهمان کتابخانه .

در موزهٔ آثار اسلامی و ترك ، کتیبهٔ اشعاری عربی دیدم ، بقلم یک دانگ کتیبهٔ عالی ، بزر. درنظرهٔ اول شیوهٔ نستعلیق را ترکی تشخیص دادم ، و کسی را جز همین ولی‌الدین نویسندهٔ این کتیبهٔ شیوا نیافتم ؛ ولی متأسفانه ، کتیبه رقم نداشت .

نگارنده هم‌چنان در تالار موزه مطالعه و در آثار گرانبهای فراوان آن غور می کردم ، تا چند روز بعد به کتیبهٔ کوچکی ، باندازهٔ یک مصراع از اشعار عربی مذکور برخوردم که هم‌چنان بآب زر بهمان قلم توانا نوشته شده وفقط مشتمل رقم باین عنوان بود : « کتبه العبد الداعی ولی‌الدین غفرله» . بااندك بررسی دریافتم

که این قطعه رقم همان کتیبهٔ اشعار عربی است ، که هنگام قاب گرفتن ، ندانسته ، ازاصل قطعه آنرا جدا ساخته اند .

درآن هنگام آقای الیف باخی، مدیر موزه بودند و با یکدیگر الفتی یافته بودیم . بایشان مراجعه و این نکته را گوشزد کردم . روز دیگر که بموزه رفتم ، بسیار مسرور شدم که رقم را ، در زیر کتیبهٔ اصل منصوب دیدم . آن مرد بزرگوار ، هم نویسندهٔ قطعه و هم قطعه یی گرانبها را زنده و هم مرا سپاسگزار خود ساخته بودند .

۱٤۸٤) هادی

خطاط گمنامی ، ظاهراً ازعثمانی است و بخط وی قطعه یی از یک مرقع ، بقلم نستعلیق چهاردانگ و نیم‌دودانگ و ثلث نیم دودانگ خوش ، در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول بارقم : « کتبه هادی» [دیده‌ام] .

۱٤۸۵) هادی - میرزا

محمد صالح اصفهانی گوید شاگرد پدرمن بود ونزد من هم تعلیم گرفت .

از اولاد محمدرضای تبریزی در کتابخانه ملازم است .

۱٤۸٦) هاشم‌خان امین‌الدوله - میرزا

از وزرای دربار ناصرالدین شاه قاجار بود و نسب خود را بابوذر غفاری میرساند .

سپهر گوید سخندان ونیک‌محضربود ونستعلیق رااستوار وشکسته را درست می‌نوشت وبسال ۱۲۹۵ درگذشت .

۱٤۸۷) هاشم قراباغی

از خوشنویسان گم نام قرن سیزدهم است و بخط وی یک قطعه یی در نزد آقای حسام‌الدین کامیار دیده‌ام بقلم دودانگ و کتابت خوش ، با رقم و تاریخ : « کتبه‌العبد المذنب هاشم قراباغی ۱۲۸۱» .

Marfat.com

۱۴۸۸) هاشم همدانی - میرزا

سپهر گوید که شعر میگفت واز علوم ادبی بهره داشت ونستعلیق وشکسته را خوش می‌نوشت وبسال ۱۲۴۰ درگذشت.

۱۴۸۹) هبة‌الله کاشانی - میر

صاحب مناقب هنروران گوید که درخط شاگردسلطان‌علی‌مشهدی واستاد میرمعز کاشانی بود.

مؤلف خلاصة‌الاشعار و دیگران گویند که درشیوهٔ مصاحبت و منادمت منفرد بود ودر تیراندازی مهارت داشت ودر خوش‌طبعی وخوشر فهمی وشعرشناسی مسلم بود و گاهی غزلی میگفت و درشعر «قانعی» تخلص میکرد. بسال ۹۵۸ درگذشت.

۱۴۹۰) هجرانی

از شاعران وندیمان امیرعلیشیر نوائی بود، در خلاصة‌الاخبار ومرآة‌العالم است که شعرمیگفت ودرسلک مشاهیر خوشنویسان نستعلیق، جای داشت وبسال ۹۲۱ درگذشت.

۱۴۹۱) هدایت‌الله اصفهانی

صاحب مناقب هنروران، اورا ازشاگردان میرمعز کاشانی دانسته‌است.

قطعه‌یی از یک مرقع، بقلم کتابت جلی‌عالی، در کتابخانهٔ ملک‌است که رقم: «کتبه هدایت‌الله» [دارد] وممکن‌است، بخط همین خوشنویس باشد.

Marfat.com

۱٤۹۲) هدایت‌الله ایموری

از کاتبان گم‌نام قرن یازدهم و بخط وی یک نسخه عالم آرای عباسی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم کتابت متوسط ، که چنین تمام میشود : « تمت ... بتاریخ بیست‌وهشتم شهررجب سنهٔ ۱۰۸۳ ثلث وثمانین والف ... کتبه المذنب هدایت‌الله بن شکرالله ایموری . تم بالخیر والعادة » .

۱٤۹۳) هدایت‌الله زرین رقم

کتابدار کتابخانهٔ عالم گیر پادشاه هندوستان (۱۰٦۸-۱۱۱۹) ومعلم مشق خط کام بخش ودیگر شاهزادگان دربار بود .

کتابت های وی ، بیشتر دیوان حافظ بود ، که بامر عالم گیر بخط خفی می‌نوشت .

ابتدا بشیوهٔ محمد حسین کشمیری می‌نوشت ؛ ولی بعد اسلوب سیدعلی‌خان تبریزی جواهررقم را کسب کرد . غلام‌محمد هفت‌قلمی خطاورا بخط سیدعلی‌خان ترجیح نهاده است ؛ ولی من که خط هر دورا بدقت نگریسته‌ام ، استواری و نمک خط جواهرقلم از خط زرین رقم برتر میدانم .

وفات وی بسال ۱۱۱۸ دراحمد نگر اتفاق افتاده است .

بخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ازسرقعی ، بقلم‌دودانگ و کتابت‌خوش ، بارقم‌وتاریخ : «العبد الراجی ، هدایت‌الله ۱۰۹۸ » درمجموعهٔ آقای دکتر مهدوی ، تهران ؛

منتخبی از کلمات حضرت علی بن ابی‌طالب ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم‌وتاریخ : « هدایت‌الله زرین رقم ۱۱۱۱ » درمجموعه یی که گویافعلاً بکتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران منتقل شده است .

یک‌قطعه ازسرقعی ، بقلم‌دودانگ و کتابت‌خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه

العبد المذنب الراجی ، هدایت غفرله ، ۱۰۹٦ » در کتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه بقلم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «فقیر هدایت‌الله زرین رقم غفر ذنوبه ۱۱۱۱ » در همان کتابخانه ؛

یک‌قطعه بقلم سه دانگ ودودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : «حسب الفرموده ملاذدوستان ، خواجه محمد فتوح زید قدره ، فقیر هدایت‌الله مشق نمود ، ۱۰۹٤ » در همان کتابخانه ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه الفقیر الحقیر المذنب هدایت‌الله زرین رقم ، فی‌سنهٔ ۱۱۱۲ » درموزهٔ باستانشناسی ، دهلی ؛

دوقطعه از یک مرقع درمجموعهٔ آقای دکتر مهدوی است ، بارقم هدایت‌الله بدون نسبت زرین رقم ، اگر آنها هم بخط همین هدایت‌الله باشد ، از بهترین خطوط اوست که بقلم دودانگ و نیم دودانگ و کتابت عالی نوشته است و چنین رقم وتاریخ دارد : «العبدالراجی هدایت‌الله ۱۰۹۸ » و «در دارالخلافهٔ شاه جهان‌آباد فی شهور سنهٔ ۱۰۸۲ بجهت برخورداری ، قرة العینی ، محمد افضل طول‌الله عمره نوشته شد» .

۱٤۹٤) هدایت‌الله شیرازی

از کاتبان گم‌نام قرن دهم وبخط وی یک‌نسخه تیمورنامهٔ هاتفی است (که سهواً بآن عنوان شهنشاهنامهٔ قاسم گنابادی داده‌اند) بقلم کتابت خفی متوسط ، که‌چنین تمام می‌شود : «تمت‌الکتاب تمرنامهٔ مولانا هاتفی ، بعون‌الله الملک‌الغنی کاتبه الفقیر الحقیر الراجی ، هدایت‌الله الشیرازی ، غفرالله ذنوبه وستر عیوبه ، سنه تسع وتسعین وتسعمائة» ، درموزهٔ آثار اسلامی وترک ، استانبول .

Marfat.com

۱٤۹٥) هدایت الله شیرازی

کاتب گمنام دیگری است که سه‌قرن بعداز هدایت‌الله مذکور می‌زیسته وبخط وی یک‌نسخه سراج‌المنیر، بقلم کتابت‌خوش، دیده‌ام که گویا اکنون در کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران است و چنین رقم و تاریخ دارد: «کتبه العبد الحقیر هدایت‌الله شیرازی فی‌شهر رجب ۱۲۸٥».

۱٤۹٦) هدایت الله عبدالصمد خانی - شیخ

از خوشنویسان سرکاری سیف‌الدوله بهادر دلیرجنگ بود و صاحب مرآة‌الاصطلاح، وی را در دهلی دیده و با وی آشنا شده است و هم او گوید که جوان دل‌چسبی است و نستعلیق را خوش می‌نویسد ونیز گوید که درنوشتن چه‌جلی وچه خفی، قلم‌را فاق نمی‌زند.

۱٤۹۷) هدایت الله کاتب

کاتب گم‌نام دیگری‌است که درحدود قرن یازدهم می‌زیسته و بخط وی یک‌نسخه کلیات اهلی‌شیرازی در کتابخانهٔ سلطنتی‌است، بقلم دودانگ و کتابت خفی متوسط، بارقم: «حرره هدایت‌الله الکاتب».

۱٤۹۸) هدایت الله کاشانی

ملقب به‌لسان‌الملک، فرزند ارشد میرزا محمدتقی لسان‌الملک کاشانی و نوادهٔ دختری فتح علی خان صبا ملک‌الشعرا بود.

لسان‌الملک درجوانی منشی مجلس مصلحت خانه دولتی ناصرالدین شاه بود ودر تألیف دورهٔ ناسخ‌التواریخ با پدر هم کاری می کرد و پس ازمرگ پدر،

Marfat.com

اتمام تألیف بقیهٔ مجلدات کتاب ، بعهدهٔ وی گذاشته وبلقب پدر ملقب شد .

ازانواع علوم واصناف ادبیات متداول بهره داشت وشعرفارسی وعربی میسرود ودرفن ترسل ماهربود ونقاشی می کرد ونستعلیق وشکسته را خوش می نوشت .

منشآت ودیوان اشعارفارسی وعربی وی در روزنامهٔ شرف بمیزان یازده هزار بیت احصاء شده است .

ازجمله آثارش کتابی است بعنوان « تذکرهٔ خوشنویسان » که نگارنده در تألیف این کتاب ازآن استفاده کرده است و آن کتابی خلاصه و فهرست مانند است مشتمل برنام عموم خوشنویسان وسال درگذشت هریک از ایشان ، که متأسفانه تاریخهای منقول وی غالباً دقیق ودرست نیست .

۱۴۹۹) هدایت‌الله لاهوری

جزهدایت‌الله زرین رقم سابق‌الذکراست . این یک نستعلیق رابشیوهٔ میرعماد می‌نوشت وهنگام تألیف تذکرهٔ هفت‌قلمی (متوفی سال ۱۲۳۹) درگذشته بود .

هلالی = طاهرمحمد

Marfat.com

۱۵۰۰) یادگار - حاجی

از کاتبان گم نام قرن دهم ویازدهم وبخطوی یک قطعه درسرقعی از کتابخانهٔ آستان رضوی درمشهداست ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم : «المذنب حاجی یادگار الکاتب غفرذنوبه وسترعیوبه» .

۱۵۰۱) یارعلی

ازخطاطان گم نام قرن نهم وبخطوی یک قطعه ازسرقعی در کتابخانهٔ دانشگاه استانبول است ، بقلم نیم دودانگ متوسط ، بارقم : « کتبه الفقیر یارعلی عفی عنه» .

۱۵۰۲) یاری بخاری

ازخوشنویسان گم نام قرن دهم است و بخط وی دیده‌ام :

یک قطعه ازسرقع بهرام میرزا صفوی ، بقلم دودانگ و نیم دودانگ خوش ، بارقم : «مشقه العبد الفقیر یاری البخاری» ؛

یک قطعه ، نیز بقلم دودانگ ونیم دودانگ خوش ، باتاریخ ورقم : «تحریراً فی شهورسنهٔ ۹۰۹ ، مشقه العبد الحقیر، یاری البخاری غفرذنوبه» درموزهٔ چارتر سکی، کراکوی لهستان .

۱۵۰۳) یاری شیرازی

ازشاگردان سلطان محمد خندان وازمعاصران یاری هروی است .

Marfat.com

بخصال ستوده موصوف وبحسن خط وشیوائی اسلوب معروف بود .

هنگام تألیف مناقب هنروران (سال ۹۰۹) درقید حیات بوده است .

۱۵۰۴) یاری هروی کاتب

ازشاگردان محمد اوبهی است و خط وی را به‌پاکیزگی وسزه ستوده‌اند و گفته‌اند که جلی وخفی هردورا خوش می‌نوشت و آثاروی میرساند که باید وی را یکی‌ازخوشنویسان زبردست قرن‌دهم دانست .

یاری‌شعرمی گفت وبعض اشعارش بخط‌خودوی‌موجوداست . گویندازهرات بیرون‌نرفت وبقول سپهر ، بسال ۹۸۰ درآن شهر درگذشت .

بخط وی دیده‌ام :

یک‌قطعه ازسرقعی ، بقلم‌نیم‌دودانگ عالی ، بارقم : «العبدالمذنب یاری غفرذنبه» درکتابخانهٔ سلطنتی ، تهران ؛

یک‌قطعه ، بقلم دودانگ خوش ، بارقم : «مشقه‌العبد یاری ، غفر ذنوبه» درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه ، بقلم نیم‌دودانگ خوش ، با رقم : « مشقه یاری » درمجموعهٔ نگارنده ؛

یک‌قطعه ازسرقعی ، بقلم نیم‌دودانگ عالی ، با رقم : « کتبه العبد یاری ، غفرالله ذنوبه» درکتابخانهٔ آستان رضوی ، مشهد ؛

چهارقطعه ازسرقع سیداحمد مشهدی ، بقلمهای‌ازپنج‌دانگ تاکتابت‌عالی بارقمهای : «مخلص‌داعی ، یاری‌غفرذنبه» ، «العبدیاری» و «العبدالمذنب یاری الکاتب ، سترعیوبه و غفرذنوبه» درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

دوقطعه ازسرقع امیرغیب‌بیک ، بقلم نیم‌دودانگ و کتابت جلی عالی ، با رقمهای : «مشقه یاری» و « کتبه العبد المذنب ، یاری‌الکاتب ، سترعیوبه وغفر ذنوبه» درهمان کتابخانه ؛

سه قطعه در مرقعهای دیگر ، بقلمهای دو دانگ و نیم دو دانگ و کتابت عالی وخوش ، بارقمهای : «العبد یاری» و «مشقه یاری» و « کتبه یاری غفرذنوبه وسترعیوبه» درهمان کتابخانه ؛

یک قطعه ازاشعار ترکی نوائی ، بقلم کتابت خوش ، بارقم : «العبد یاری» در کتابخانهٔ عمومی لنین گراد ؛

یک نسخه بوستان سعدی ، بقلم کتابت جلی خوش ، بارقم وتاریخ : « کتبه العبدالفقیر الحقیر المذنب ، یاری الکاتب غفرذنوبه وسترعیوبه ، سنهٔ ٩٥٤ » در موزهٔ اسلامی وترك ، استانبول ؛

یک نسخه دیوان خطائی (شاه اسمعیل صفوی) و ده نامهٔ خطائی ، بقلم کتابت جلی خوش ، که چنین تمام می شود : «تمت الکتاب بعون الملک الوهاب، برسم خزانهٔ عالیشأن عدالت نشان منبع لطف واحسان ، یعنی عالی حضرت محمد خان فی شهور سنهٔ ٩٥٤ ، کتبه الداعی المذنب ، یاری الکاتب ، غفرذنوبه وسترعیوبه» در کتابخانهٔ آقای سلطان القرائی ، تهران .

۱۵۰۰) یاری هروی مذهّب

وی نیز معاصر یاری هروی کاتب ویاری شیرازی بود . درزمان سلطان حسین میرزا بایقرا می زیست و باسلطان علی مشهدی ملازم بود . شعر می گفت و او را از مذهبان بی قرین معاصر بهزاد نقاش دانسته اند و بسیاری از قطعات خطوط سلطان علی مشهدی و سلطان محمد نور و سلطان محمد خندان را ، که بقلم زر یا سفیداب یارنگه نوشته شده است و غالب آنها در کتابخانه های استانبول است ، وی تحریر کرده وتحریرات وی نهایت مهارت ودقت اورا دراین هنر نشان می دهد .

با اینکه وی را فقط جزو مذهبان آورده اند ، گاهی درضمن مرقعها که مشتمل بر خطوط سلطان علی مشهدی و سلطان محمد نور و خندان است و دیگر مواضع ،

قطعاتی هم بخط وی هست که مهارت اورا درخوشنویسی نستعلیق ، معلوم میدارد وازآن جمله است :

دوقطعه ازمرقع مالک دیلمی ، که اشعاری ازخود اوست ، بقلم سه دانگ ونیم دودانگ عالی وخوش نوشته وخود تحریر کرده است وچنین رقم دارد : «لمحرره یاری المذهّب ...» و «لمحرّره ... مشقّه یاری» درکتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف ، استانبول ؛

یک قطعه ازمرقع امیرغیب بیک ، بقلم نیم دودانگ خوش رنگه محرر ، که مضمون آن یک رباعی است ، بارقم : «لمحرره یاری المذهب» درهمان کتابخانه .

بااینکه دویاری هردو خوشنویس وهردوهروی وهردو دریک عصر می زیسته اند ، نباید آن دورا یکی دانست ، که صاحب گلستان هنر نام هردورا جداگانه با نسبت کاتبی ومذهبی یاد کرده است وصاحب مناقب هنروران فقط نام یاری هروی مذهب را آورده است ودرقواعد خطوط وریحان نستعلیق یاری کاتب یاد شده است .

۱۵۰۶) یاسمن بو

درتذکرة الخواتین نام وی آمده است وگوید که همسرمیرزا عسکری دامغانی بود وچندی درگلبرگهٔ دکن اقامت داشت وپس از مرگ شوهرخود ، باحرم یکی ازامرای گورکانی ، بدهلی رفت وتا پایان عمر باعزت زیست .

جز نستعلیق ، ثلث ونسخ وشکسته رانیز خوش می نوشت وشعر می گفت .

۱۵۰۷) یحیی اصفهانی - میرزا

میرزاسنگلاخ نام اورا بالقب «ادیب الخطاطین» آورده گوید که خواهرزادهٔ میرزا طاهر وحید قزوینی و بنی عم جمالای شیرازی و برادرشمسا بینی و برادرزادهٔ میرزا تقی مستوفی الممالک بود . شعر می گفت و «واله» تخلص می کرد .

Marfat.com

درچهارده سالگی بمشق خط پرداخت ودرجوانی شهرت یافت ومدت چهارده سال بوزارت ومشاغل دیوانی اشتغال داشت. در اواخر عمر کارش به تراجع افتاد وهنگام انعزال وعزلت، کتابی درلغت نوشت ودراصفهان درگذشت.

آنچه دربارهٔ وی بااطمینان میتوان گفت این است که محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲٦) آورده گوید، همشیره‌زادهٔ وحید است وشاگرد پدرمن (ابوتراب) وبسیار خوش مشق بود. الحال تارك است.

۱۵۰۸) یحیی اصفهانی - میر

میرزاسنگلاخ نام وی را بالقب «محیی الکتاب» و «محیی الدین» آورده است میرزاحبیب گوید برادرزن وشاگرد میرعماد بود وباوجود این خطوی بشیوهٔ میرعلی هروی بود.

گویند که وقتی شاه عباس ازمیرعماد خواست که یکی ازشاگردانش [را] باستکتاب نسخه شرح ملاخلیل قزوینی بر کافی کلینی، مأمور کند ومیر، میریحیی را باین کار واداشت، که البته این قول درست نیست، زیرا که شرح وترجمهٔ کافی ملاخلیل، بسال ۱۰۷۵ انجام شده است ودرآن تاریخ میرعماد پنجاه سال وشاه عباس سی وهشت بود، تادرگذشته بودند.

نیز متأخرین تذکره‌نویسان یعنی میرزاحبیب ومیرزاسنگلاخ وعبدالمحمد خان گویند که اقلام شش گانه را چه جلی وچه خفی خوش می‌نوشته است وشاه عباس بوی لقب «میرثانی» داده بود.

سپهر سال وفاتش را ۱۰۰۵ ضبط کرده است.

۱۵۰۹) یحیی دولت آبادی - حاج میرزا سید

حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی فرزند آقاسید هادی ساکن دولت‌آباد اصفهان

که خود را از احفاد قاضی نورالله شوشتری میداند درسال ۱۲۷۹ هجری قمری در دولت‌آباد متولد شده است.

خانوادهٔ او بعلت مخالفت ظل السلطان وبعضی از علمای اصفهان با پدرش مجبور بمهاجرت از اصفهان ورفتن به عتبات شدند وپس از بازگشت به ایران در طهران در ظل حمایت امین السلطان ساکن گشتند و مرحوم حاج میرزا یحیی ناگزیر وارد سیاست و امور اجتماعی شد. نخست در پی تأسیس مدارس جدید برآمد و مدرسهٔ سادات را بنیان نهاد. در کشاکش مشروطیت بمخالفت با استبداد برخاست وپس از استقرار مشروطیت چند دوره نمایندگی مجلس یافت. آنگاه به اروپا رفت و در اواخر عمر سمت نمایندگی سیاسی ایران در بلژیک را داشت. در بازگشت از اروپا دیری نپائید که در ابان ۱۳۱۸ (۱۳۵۸ ه. ق.) زندگی را بدرود گفت.

از تألیفات او چهار جلد کتاب حیات یحیی که شرح زندگانی خود اوست معروف است ویک کتاب دبستانی بنام کتاب علی که آن را بنام حاج میرزا علی خان امین الدوله صدر اعظم مظفرالدین شاه نوشته است. نمونهٔ خط نستعلیق او درج اول حیات یحیی ص ۱۱۵ چاپ شده است (ح. م.)

۱۵۱۰) یحیی دیلمی

سپهر گوید که نستعلیق را خوش نوشت وبسال ۱۰۲۴ درگذشت.

۱۵۱۱) یحیی قزوینی ـ ملا

محمدصالح اصفهانی وی را نیز همشیره‌زادهٔ میرعماد دانسته، گوید خوش‌نویس بدی نیست وخطش مزه دارد وهرروز می‌نویسد.

درقزوین بسرمی‌برد. بیست تومان مواجب داشت وبکتابت شرح ملا خلیل قزوینی به کافی اشتغال داشت.

۱۵۱۲) یحیی بن زکریا بیرام

میرزا حبیب گوید که خود و پدرش هر دو شیخ الاسلام استانبول بودند و هر دو خوشنویس می نوشتند.

یحیی از دانشمندان عصر و صاحب تألیفات است، از جمله: شرح بر فرایض منظومهٔ محسن قیصری و تخمیس قصیدهٔ برده و دیوان اشعار.

بسال ۱۰۵۳ در سنین پنجاه و چهار سالگی در استانبول در گذشت و در نزدیکی مدرسهٔ سلطان سلیم بخاک سپرده شد.

۱۵۱۳) یحیی سیبک نیشابوری

از شاعران زمان شاهرخ بن امیر تیمور گورکان است و صاحب مناقب هنروران وی را در جزو کاتبان چهل گانهٔ کتابخانهٔ بایسنغر میرزا آورده است.

وفاتش بسال ۸۵۲ اتفاق افتاده است.

یزدانی = عبدالوهاب بن وصال

یساری = محمد اسعد

یساری زاده = مصطفی عزت

۱۵۱۴) یعقوب بن حسن

ملقب به سراج حسنی از کاتبان خوشنویس قرن نهم است که اقلام شش گانه را استادانه و نستعلیق را خوش می نوشته است و بخطوی یک نسخه ظفرنامهٔ تیموری شرف الدین علی یزدی، در کتابخانهٔ مجلس شورای ملی است، بقلم کتابت جلی و عنوانها بقلم ثلث و رقاع عالی، بارقم و تاریخ: «... یعقوب بن حسن الملقب به سراج الحسنی القطانی عفا الله عنه، فی یوم الخمیس رابع عشرین من جمادی الاخر لسنة اربعین و ثمانمائة هجریة...». به ترجمهٔ (یعقوب کاتب نیز مراجعه شود).

Marfat.com

۱۵۱۵) یعقوب کاتب

کاتب گم‌نام دیگری از قرن نهم ومعاصر یعقوب سراج حسنی سابق الذکر ویاشخص اوباشد. بااین رقم یک نسخه دیوان غزلیات ورباعیات حافظ در کتابخانهٔ سلطنتی است، بقلم کتابت خفی، که چنین تمام می‌شود: «قد وقع الفراغ ... من تحریر هذا الکتاب المزین بالدقایق و النصایح، الموشح باللطایف و البدایع العبد المذنب یعقوب الکاتب ... فی عشرین شهر ربیع الاخر لسنة اربعة و خمسین وثمانمائة».

۱۵۱۶) یقینی

درمجالس النفایس است که ازشعرای هرات بود ونستعلیق را خوش مینوشت وخالی از جنون نبود.

یکتا = احمدیارخان

۱۵۱۷) یغمای جندقی

نامش ابوالحسن وچندی نویسندهٔ ذوالفقارخان سردار سمنانی بود. ازمنشیان زبردست واز شاعران بنام قرن سیزدهم است. به‌لطف‌طبع وحسن محضر معروف بود ونستعلیق را خوش می‌نوشت وشکسته‌اش درست‌تر از نستعلیق اوبود. کلیات آثار نظم‌ونثر وی بچاپ رسیده و متداول است.

یک‌نسخه از برهان‌قاطع که خود آن را تصحیح کرده وحاشیه‌زده بخط وی درنزد آقای حبیب یغمائی دیده‌ام که بقلم کتابت خفی متوسط نوشته است.

وفات‌وی بسال ۱۲۷۶ اتفاق افتاده است.

Marfat.com

۱۵۱۸) یوسف

ازخطاطان گم نام قرن اخیر وبخطوی یک قطعه ازمرقعی در کتابخانهٔ سلطنتی است ، بقلم دودانگ متوسط ، بارقم وتاریخ : «یوسف غفرذنوبه سنهٔ ۱۲۸۰» .

۱۵۱۹) یوسف

ازکتیبه نگاران ترك قرن اخیر و بخط وی سه لوحه بر مزار مولانا جلال‌الدین بلخی ، درقونیه است ، بقلم سه دانگ کتیبهٔ عالی ، با رقم و تاریخهای : «کتبه یوسف ۱۲۸۶» و «یوسف ۱۲۹٤» .

۱۵۲۰) یوسف ضیاءالدین

فرزند عبدالرحمن جامی را غلام محمد هفت‌قلمی ، جزوخوشنویسان آورده گوید که ، علاوه بر فضایل خط نستعلیق را بطور میرعلی هروی ، خوش‌می‌نوشت ودیگری از تذکره‌نویسان ، جزوی ، متذکر خوشنویسی ضیاءالدین یوسف نیست .

۱۵۲۱) یوسف عادل شاه

درطرایق الحقایق است که عادلشاه پادشاه دکن ، درعلم‌عروض وقافیه وفنون موسیقی مهارت داشت واهل هنر را اعزاز می کرد و درمجلس وی پیوسته شعرشاعران قدیم خوانده می‌شد و خود گاهی شعر می گفت و نستعلیق را خوش می‌نوشت وبسال ۹۱۶ درگذشت .

۱۵۲۲) یوسف علی سبز مشهدی

ازخطاطان گم‌نام قرن نهم و بخط وی دو قطعه از یک مرقع در کتابخانهٔ خزینهٔ اوقاف استانبول است ، بقلم نیم دودانگ و کتابت متوسط ، بشیوهٔ سلطان‌علی

مشهدی ، بارقمهای : «مشقه العبد یوسف علی سبزمشهدی تجاوزالله عنه» و «مشقه العبد یوسف علی سبز مشهدی» .

۱۵۲۳) یوسف قزوینی

محمد صالح اصفهانی (متوفی سال ۱۱۲۶) وی را برادر روحید قزوینی دانسته گوید ، ازشاگردان پدر من (ابوتراب) بود وخوش می نوشت .

یوسف کابلی = محمد یوسف

۱۵۲۴) یوسف کاتب

از کاتبان گم نام قرن نهم است وبخطوی یک نسخه دیوان کاتبی دردست فروشنده یی دیده ام ، بقلم کتابت خوش ، بشیوهٔ اظهر تبریزی ، با تاریخ و رقم : «تمت الکتاب فی ۲۳ شوال سنه ۸۵۰ ، کاتبه یوسف» .

۱۵۲۵) یوسف میرزا قاجار

ازشاگردان چابک دست میرزا سیدحسین خوشنویس باشی تبریزی است و مرحوم امیرخیزی نقل می کرد که استاد می گفت که خط یوسف میرزا مانند شمشیر است . یک نسخه دعای صباح وشرح آن بکتابخانهٔ مجلس شورای ملی عرضه شد که متن آن بقلم نسخ نیم دودانگ عالی وترجمهٔ آن نستعلیق کتابت خفی متوسط بود و چنین رقم داشت : «اقل ابناء ملوك سلطان یوسف ابن مرحوم منوچهرمیرزا فی شهر رجب سنه ۱۲۷۶» که ممکن است بخط همین یوسف میرزا باشد .

۱۵۲۶) یوسف همدانی

از خطاطان نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و نیمهٔ اول قرن حاضر است و بخط وی

Marfat.com

یک لوحه دارم ، بقلم شش دانگ و چهار دانگ و سه دانگ خوش ، با رقم و تاریخ : «حضور . . . مشیرالدوله ایدنصره . . . العبد الحقیرالفقیر یوسف الهمدانی ۱۳۰۷ .»

کتابخانهٔ سلطنتی ـ مهدی بیانی

پایان ـ شنبهٔ ۷ خردادماه ۱۳٤٥

Marfat.com

فهرست اسامی کتب خطی و چاپی

به کتابت یا تحریر خطاطان مشهور

اعداد اشاره به شمارهٔ ردیف خوشنویسان است

آ

آتشکدهٔ آذر : حبیب‌الله شیرازی ، ۲۱۰
آتشکدهٔ آذر : علی شیدای تویسرکانی - ملا ، ۶۶۹
آتشکدهٔ آذر : فتح‌علی تنکابنی - میرزا ، ۷۵۳
آتشکدهٔ آذر : محمدحسن بن محمدرضا ، ۹۶۶
آثار عجم : محمدقدسی - میرزا ، ۱۲۰۱
آداب‌المشق : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
آداب‌المشق باباشاه‌اصفهانی : محمدحسین تهرانی - کاتب‌السلطان ، ۹۹۳

الف

ابداع‌البدایع شمس‌العلماء : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
احسن‌الاخلاق : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
احسن‌الکبار : غیاث‌الدین کازرونی ، ۷۴۵
احوال امام‌زاده‌ها (رساله) : حیدرعلی‌ثریا ، ۲۸۷
اخلاق محتشمی : حسن‌محمد کاتب ، ۲۳۷
اخلاق محسنی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
اخلاق منصوری غیاث منصور : محمد بهرام ، ۹۲۶
اخلاق ناصری خواجه نصیرطوسی : غیاث‌الله بهبهانی ، ۷۱۷
اخلاق ناصری خواجه‌نصیر طوسی وغیره : محمد ابراهیم اولیاسمیع ، ۸۴۵
اخلاق ناصری خواجه‌نصیرطوسی : محمدعلی کهنه ، ۱۱۷۷
ادعیه : محمدرضامنشی ، ۱۰۵۶
ادعیه : محمدشفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
ادعیه : محمدمهدی طهرانی ، ۱۲۵۹
اسرارنامه شیخ‌عطار : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰

Marfat.com

اسکندرنامهٔ ترکی : ابراهیم منشی ، ۳۷
اسکندر نامهٔ نظامی : روزبهان ، ۳٤۷
الاسماء الحسنی : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
اشارات العلوم : احمدبن حسن ، ۷۲ (باو نسبت می‌دهند) .
اصطلاحات العرفای عبدالرزاق کاشانی : محمدحسن لواسانی ، ۹٦۵
الف‌لیلة ولیلهٔ‌فارسی : محمدجعفر گلپایگانی ، ۹۵۵
الف‌النهار : محمدحسین قزوینی ، ۹۹۸
انجمن خاقان : محمد مهدی فراهانی ، ۱۲٦۰
انوارسهیلی ؛ علی محمدشیرازی ، ٦۸٦
انوارسهیلی : محمد ابراهیم اولیا سمیع ، ۸٤۵
انیس‌العاشقین : محمد اسامی هروی شیخ ، ۸۸۱
اوصاف الاشراف خواجه‌نصیر : محمدشفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
اوصاف ناصری : محمدرضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰٤۹

ب

بحرالجواهر درعلم حساب وسیاق : عباس علی تفرشی ، ٤۷۲
برج زواهر : عباس بن‌محمدشفیع تبریزی : ٤۷٦
برهان قاطع (باحواشی) : یغمای جندقی : ۱۵۱۷
بستان السیاحه : زین‌العابدین قزوینی ۳۵۹
بستان السیاحه : محمداسماعیل شیرازی ، ۸٦۵
بوستان سعدی : احمدبن اسحق ، ٦۵
بوستان سعدی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
بوستان سعدی : حسین‌میر کلنگی : ۲۷۲
بوستان سعدی : سلطان علی ، ۳۷۹
بوستان سعدی : سلطان محمدخندان : ۳۸٤
بوستان سعدی (دونسخه) : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
بوستان سعدی : شاه قاسم کاتب ، ٤۰۷
بوستان سعدی : شاه محمد مشهدی ، ٤۰۹
بوستان سعدی (سه‌نسخه) : شاه محمود نیشابوری ، ٤۱۰
بوستان سعدی : عبدالواحد مشهدی ، ۵۷۹
بوستان سعدی : علی‌تبریزی - میر ، ٦۳۱

بوستان سعدی (دونسخه) : علی‌منظوری حقیقی ، ۶۹۵
بوستان سعدی (۶ نسخه) : علی هروی - میر ، ۷۰۳
بوستان سعدی : علی هروی - میر ، ۷۰۴
بوستان سعدی (سه‌نسخه) : عماد حسنی‌سیفی - میر ، ۷۰۹
بوستان سعدی : کشوری ، ۷۹۹
بوستان سعدی (دونسخه) : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
بوستان سعدی : میرک تاشکندی ، ۱۴۲۸
بوستان سعدی : یاری هروی کاتب ، ۱۵۰۴
بهارستان جامی : علی‌رضا کاتب ، ۶۵۹
بهارستان جامی : ناصرالدین علی ، ۱۴۳۶
بیاض بختاورخان : محمدصادق ، ۱۱۰۴

پ

پندنامهٔ جامی : عمادحسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
پندنامهٔ عطار : نظیف‌زاده - احمدحامد ، ۱۴۵۹
پندنامهٔ لقمان : مصطفی‌قلی‌نوری ، ۱۳۶۹

ت

تاج‌المآثر حسن‌نظامی : ابوسعید میر ، ۴۹
تاریخ (شاه) اسماعیل صفوی : ابوالهادی قزوینی ، ۶۲
تاریخ افغانستان : محمدحسین بحرانی ، ۹۷۲
تاریخ بیهقی : محمدصادق شیرازی ، ۱۱۰۸
تاریخ جنگ‌چین : علی‌شیرازی - میر ، ۶۷۱
تاریخ شورش روسیه : مدیرالکتاب ، ۱۳۴۱
تاریخ طبرستان : علی نایینی ، ۶۹۷
تاریخ (شاه) طهماسب‌صفوی : ابوالهادی قزوینی ، ۶۲
تاریخ (سلطان) محمود غزنوی تألیف‌عباسقلی سپهر : محمدحسین‌شیرازی - کاتب‌السلطان ۹۸۹
تاریخ معجم : فتح‌علی شیرازی - میرزا ، ۷۵۴
تاریخ نخجیر ناصری : محمدحسین شیرازی - کاتب‌السلطان ۹۸۹
تاریخ نگارستان : احمد غفاری ، ۷۹
تاریخ وصاف : محمد ابراهیم اولیاسمیع ، ۸۴۵

Marfat.com

تحریر اقلیدس : محمد علی‌قاینی بیرجندی ـ میرزا سید ، ۱۱۷۰
تحفه‌الاحرار جامی : باباشاه اصفهانی ، ۱۳۸
تحفةالاحرار جامی : حسین‌شرعی ، ۲۵٤
تحفةالاحرار جامی (چهار نسخه) : حسین‌میر کلنگی ، ۲۷۲
تخفةالاحرار جامی : خواجه خان ، ۳۰۲
تحفه‌الاحرار جامی : خواوندسالک بن‌میر ک ، ۳۰٤
تحفه‌الاحرار جامی (سه‌نسخه) : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
تحفةالاحرار جامی : علی‌رضا کاتب ، ٦٥۹
تحفه‌الاحرار جامی : عمادحسنی سیفی ـ میر ، ۷۰۹
تحفةالاحرار جامی : کمال‌نوربخشی‌نیشابوری ، ۸۰۳
تحفه‌الاحرار جامی : محمدشیخ ، ۸۳۸
تحفه‌الاحرار جامی : مقصود هروی ، ۳۸۹
تحفه‌الاحرار جامی : ناصر ، ۱٤۳٥
تحفةالاحرار جامی ، نظام‌بن یقینی ، ۱٤٥۷
تحفهٔسامی : حسام‌الدین ـ درویش ، ۲۱۱
تحفةالعراقین خاقانی : شاه قاسم کاتب ، ٤۰۷
تحفةالغرایب : پیرحسین ، ۱٦۸
تحفةالملوک : ابراهیم باغ‌میشه ، ۲٥
تحفةالملوک : ابوالخیر ـ سید ، ٤۸
تحفةالملوک : عماد حسنی سیفی ـ میر ، ۷۰۹
تحفةالملوک : محمدحسن خوانساری ، ۹٦۲
تحفةالمؤمنین : علی‌اکبر نایینی : ٦۲۲
تحفةالمؤمنین : محمد اسماعیل سیفی ـ میر ، ۸۹۰
تحفةالوزراء : علی‌محمد شیرازی محرم ، ٦۸۷
تحفةالوزراء : قاسم تبریزی ـ حاج‌آقا ، ۷۸۱
تحقیقات شیخ صفی‌الدین (ازیک‌مجموعه) : بهاءالدین درجزینی ، ٦۰
تذکرهٔ خوشنویسان : هدایت‌الله کاشانی ، ۱٤۹۸
تذکرهٔ دولتشاه سمرقندی (دونسخه) : فولاد محمدبخاری ، ۷۷۳
تذکرةالشعرای دولتشاه سمرقندی : محسن بن لطف‌الله سبزواری ، ۸۳٦
تذکرهٔ شمع انجمن: احمدحسین ، ۷۳

Marfat.com

تذکره (شاه) طهماسب : محمدحسین نورس دماوندی ، ۱۰۰۸
ترجمهٔ ادعیه : محمدعلی تبریزی ، ۱۱۵۶
ترجمهٔ الف لیلة ولیله (درشش مجلد) : محمدحسین تهرانی ـ کاتب‌السلطان ، ۹۹۳
ترجمهٔ تاریخ قیاصره : علی نایینی ، ۶۹۷
ترجمهٔ تاریخ یمینی : علی‌شیرازی ـ میر ، ۶۷۰
ترجمهٔ چهل‌حدیث (سه نسخه) : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
ترجمهٔ چهل‌حدیث : محمدرضا ، ۱۰۳۵
ترجمهٔ رشف‌النصایح الایمانیه : مجدمذهب ، ۸۲۵
ترجمهٔ زادالمعاد : محمدهاشم خوانساری ـ سید ، ۱۲۷۹
ترجمةالصلوة : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
ترجمهٔ صحیفهٔ سجادیه : محمد ساوجی ـ میرزا ، ۱۰۶۸
ترجمهٔ قرآن (متعدد) : احمدوقار ، ۸۷
ترجمهٔ قرآن : محمد حسین شریف هندی ، ۹۸۵
ترجمهٔ قرآن : محمدحسین شیرازی کاتب‌السلطان، ۹۸۹
ترجمهٔ قرآن : محمدحسین کاشانی ـ شیخ ، ۱۰۰۰
ترجمهٔ قرآن : محمد کریم شیرازی ، ۱۲۱۹
ترجمهٔ کتاب‌آبی : محمدرضا شیرازی صفا ـ حاج ، ۱۰۴۹
ترجمهٔ منظوم چهل‌حدیث ترجمهٔ‌جامی (دونسخه) : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
ترجمهٔ نصایح منسوب به‌حضرت رسول بحضرت علی‌بن‌ابی‌طالب : شاه محمود نیشابوری ۴۱۰
ترجیع بند : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
ترجیع بندی از جامی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
تفسیر بیضاوی : محمدنرگس بن احمد ، ۱۲۶۷
تفسیر بیضاوی : مصطفی طیبی ، ۱۳۶۳
تفسیر کاشفی : احمدآزاد ، ۶۴
تکملةالنفحات عبدالغفور لاری : عماد حسنی سیفی ـ میر ، ۷۰۹
تهذیب‌المنطق : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
تیمورنامهٔ هاتفی : شاه‌قاسم کاتب ، ۴۰۷
تیمورنامهٔ هاتفی : شاه‌محمد دره‌یی ، ۴۰۸
تیمورنامهٔ هاتفی : شاه‌محمود نیشابوری ، ۴۱۰

Marfat.com

تیمورنامهٔ هاتفی : علاءالملک سبزواری ، ۶۰۵
تیمورنامهٔ هاتفی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
تیمورنامهٔ هاتفی : محمد رزه‌یی ، ۱۰۳۴
تیمورنامهٔ هاتفی : هدایت‌الله شیرازی ، ۱۴۹۴

ث

ثمانیهٔ امیرخسرو دهلوی : محمدسعید هروی ، ۱۰۸۰

ج

جام‌جم اوحدی : حسین کلو ، ۲۷۳
جام جم اوحدی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
جام‌جم اوحدی : محمدبن فخرالدین ـ شیخ ، ۱۱۸۷
جامع‌الحکایات محمدعوفی : محمدرضا تبریزی ، ۱۰۴۰
جامع‌الحکایات محمدعوفی : محمدسعید لاهیجانی ، ۱۰۷۹
جامع‌الحکایات محمدعوفی (سه‌قسم اول از دورهٔ کامل) : محمد لاهیجانی ـ نورالدین ۱۲۲۴
جغرافیای عالم : آقا ـ میرزا ، ۸
جمال وجلال محمد آصفی : سلطان علی قاینی : ۳۷۸
جنات‌الخلود : فتح‌علی تنکابنی ـ میرزا ، ۷۵۳
جنگ اشعار فارسی و عربی : جعفر بایسنقری ، ۱۸۱
جنگ اشعار : علی‌رضا کاتب ، ۶۵۹
جنگ اشعار متفرقه : لطف‌الله بن مصطفی: ۸۱۸
جواهرالتفسیر کاشفی : مقصودخاکی ، ۱۳۸۶
جوشن کبیر : محمدتقی کاتب‌السلطان ، ۹۴۱
جوگ : محمدمحسن خفری ، ۱۲۳۱
جهانگشای جوینی : عبدالرحیم افسر ، ۵۳۲
جهانگشای جوینی (ناتمام) : علی‌شیرازی ـ میر ، ۶۷۰
جهانگیرنامه : عبدالرحیم عنبرین قلم ، ۵۳۶
جهان‌نما : ابوالفتح تبریزی متخلص به‌جریحه ، ۵۳

چ

چهارمقاله نظامی عروضی : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰
چهل حدیث (وترجمهٔ فارسی‌آن) : سلیم نیشابوری ، ۳۹۴

Marfat.com

چهل‌حدیث (وترجمهٔ فارسی جاسی) : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
چهل حدیث : محمدقلی کاتب ، ١٢٠٦
چهل کلمهٔ حضرت علی‌بن‌ابی‌طالب با ترجمهٔ منظوم حسین بن سیف‌الدین هروی (سه نسخه) : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
چهل کلمهٔ منتخب از نثراللئآلی حضرت علی‌بن ابی‌طالب : شاه محمود نیشایوری ، ٤١٠
چهل کلمه : عبدالرشید دیلمی ، ٥٤١
چهل کلمه با ترجمه : محمود هروی شیخ ، ١٣٣٦
چهل مجلس علاءالدولهٔ سمنانی : عبدالرحیم عنبرین‌قلم ، ٥٣٦
چهل کلمهٔ نبوی : باباشاه اصفهانی ، ١٣٨

ح

حال‌نامهٔ عارفی : سلطان حسین هروی ، ٣٧٢
حال‌نامهٔ عارفی : عبدالکریم خوارزمی ، ٥٦٩
حال‌نامهٔ عارفی : عبدی نیشابوری ، ٥٨٧
حال‌نامهٔ عارفی : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ١٣٤٨
حبیب‌السیر : محمدتقی خاتون‌آبادی ، ٩٣٧
حبیب‌السیر : محمدعلی شیرازی ـ میرزا ، ١١٦٧
حجةالسعاده : باقر تبریزی ـ میرزا ، ١٤٥
حدایق‌السحر : علی نایینی ، ٦٩٧
حدایق‌السحر : محمدحسین بحرانی ، ٩٧٢
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : شیخی بیک نقاش ، ٤٣٨
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : قطب‌الدین حسن تونی ، ٧٨٩
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمدتقی تویسرکانی ، ٩٣٦
حدیقه‌الحقیقهٔ سنایی : محمدرحیم اردبیلی ، ١٠٢٦
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمدقاسم بن محمد میرک‌حسینی ، ١١٩٨
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمد «بن» ملامیرحسینی ، ١٢٤٧
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ : ١٣٤٨
حدیقةالحقیقهٔ سنایی : منعم‌الدین اوحدی ، ١٣٩٦
حدیقة الشیعه : نصرالله تفرشی ، ١٤٤٤
حسن‌وعشق «رساله» : فتاحی‌نیشابوری، ٧٤٩

Marfat.com

خ

خردنامهٔ اسکندری : محمداسین هروی ، ۸۹۸
خسرووشیرین نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
خسرو وشیرین نظامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
خسرووشیرین نظامی : محمد داوری شیرازی ، ۱۰۲۰
خسرووشیرین وحشی : محمد محسن قاینی ، ۱۲۳۲
خسرو و شیرین هاتفی : مظفر حسین ، ۱۳۷۲
خلاصةالحساب شیخ بهایی : علی‌محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
خلاصةالخمسه : عبدالغنی ، ۵۶۰
خلدبرین : عبدالرشید دیلمی ، ۵۴۱
خلدبرین مجدخوافی : فضل‌الله موسوی ، ۷۶۹
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : خلیل جامی ، ۳۰۰
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : شاه‌محمود نیشابوری، ۴۱۰
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : محمدشاه دارابی ، ۱۰۸۶
خمسهٔ امیرخسرو دهلوی : محمد علاءالدین ، ۱۱۴۸
خمسهٔ جامی : قاسم‌علی شیرازی ، ۷۸۴
خمسهٔ جامی : محمود رفیقی ـ کمال‌الدین هروی ، ۱۳۰۹
خمسهٔ خواجوی کرمانی : علی‌بن لطف‌الله معاد ، ۶۸۱
خمسهٔ نظامی : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳
خمسهٔ نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
خمسهٔ نظامی : امین اردستانی ، ۱۲۵
خمسهٔ نظامی (متن) : و خمسهٔ امیرخسرو دهلوی (درحاشیه) باباشاه اصفهانی ، ۱۳۸
خمسهٔ نظامی : پیرمحمد ، ۱۷۰
خمسهٔ نظامی : حسین بن محمد میرک‌حسینی ، ۲۷۱
خمسهٔ نظامی : زین‌العابدین شیرازی ، ۳۵۵
خمسهٔ نظامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
خمسهٔ نظامی : سلیم نیشابوری ، ۳۹۴
خمسهٔ نظامی : شادی‌محمد ، ۴۰۰

Marfat.com

خمسهٔ نظامی : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
خمسهٔ نظامی : شجاع الدین ، ٤١٢
خمسهٔ نظامی : عبدالله هروی ـ شیخ ، ٥٠٧
خمسهٔ نظامی : عبدالرحمن خوارزمی ، ٥٢٩
خمسهٔ نظامی : عبدالرحیم عنبرین‌قلم ، ٥٣٦
خمسهٔ نظامی : عبدالوهاب حجازی ، ٥٨٠
خمسهٔ نظامی (درستن) وخمسهٔ امیرخسرو دهلوی (درحاشیه) : علی‌تبریزی ـ میر ٦٣١
خمسهٔ نظامی : محمدحسین دارالمرزی ، ٩٧٩
خمسهٔ نظامی . محمد (بن) فخرالدین ـ شیخ ، ١١٨٧
خمسهٔ نظامی (چهارنسخه) : محمدقوام شیرازی ، ١٢٠٧
خمسهٔ نظامی : محمد کرمانی ـ شمس‌الدین ، ١٢١٧
خمسهٔ نظامی : محمد «بن» ملامیرحسین ، ١٢٤٧
خمسهٔ نظامی : محمود ، ١٢٩١
خمسهٔ نظامی : محمود سیاوشانی ، ١٣١٣
خمسهٔ نظامی : محمود «بن» نظام ، ١٣٣١
خمسهٔ نظامی (پنج‌نسخه) : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ١٣٤٨
خمسهٔ نظامی : منعم‌الدین اوحدی ، ١٣٩٦
خمسهٔ نظامی : نعیم‌الدین شیرازی ، ١٤٦٥
خمسهٔ امیرعلی‌شیرنوایی : اسحق‌محمد ، ٩٣
خمسهٔ امیرعلی‌شیرنوایی (ترکی ـ دونسخه) : سلطان‌علی مشهدی ، ٣٧٩
خمسهٔ امیرعلی‌شیر نوایی : عبدالوهاب حجازی ، ٥٨٠
خواب‌نامهٔ یوسفی : منعم‌الدین اوحدی ، ١٣٩٦

د

دستور حکومت : مصطفی نجم‌آبادی ، ١٣٧٠
دعای صباح : عبدالکریم طباطبایی ، ٥٧٢
دعای صباح وشرح آن : یوسف‌میرزا قاجار ، ١٥٢٥
دعای کمیل : عبدالعلی خراسانی ، ٥٤٩
دفتر اول مثنوی مولانا : محمدشفیع شیرازی ، ١٠٩٧
دفترپنجم مثنوی مولانا : سلطان‌علی مشهدی ، ٣٧٩

دفتر دوم سلسلةالذهب جامی : محمد رزه‌یی ، ۱۰۳٤
دیوان ابن یمین : حسین‌خوارزمی ، ۲٤۹
دیوان ابوالفضل ساوجی : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
دیوان ادیب‌صابر : محمدعلی شیرازی ـ میرزاسید ، ۱۱٦۸
دیوان اشرف : محمدسعیداشرف ، ۱۰۷۷
دیوان امیرخسرو دهلوی ؛ سلطان‌علی مشهدی ، ۳۷۹
دیوان امیرخسرو دهلوی : محمد بقال ، ۹۲۳
دیوان امیرخسرو دهلوی : نعیم‌الدین شیرازی ، ۱٤٦۵
دیوان‌امیرشاهی (دونسخه) : سلطان‌علی‌مشهدی ، ۳۷۹
دیوان امیرشاهی : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤۱۰
دیوان امیرشاهی : عبدالله شیرازی ، ٤۹٦
دیوان امیرشاهی : علی‌حسینی ـ میر ، ٦٤۳
دیوان امیرشاهی (دونسخه) : علی‌رضا کاتب ، ٦۵۹
دیوان امیرشاهی : عماد حسینی ـ میر ، ۷۱۰
دیوان امیرشاهی : محمدبهرام ، ۹۲٦
دیوان امیرشاهی : محمدحسین رزه‌یی ـ میر ، ۹۸۰
دیوان امیرشاهی : محمدرضا تبریزی ، ۱۰٤۱
دیوان امیرشاهی : محمدقاسم بن شادیشاه ، ۱۱۹۳
دیوان امیرشاهی : محمدقاسم قزوینی ، ۱۱۹٦
دیوان امیرشاهی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
دیوان امیرشاهی : محمدمؤمن هروی ، ۱۲۵۵
دیوان امیرشاهی : محمود ـ جلال‌الدین ، ۱۲۹۲
دیوان‌امیرشاهی: محمود‌ـزین‌الدین،۱۲۹۳
دیوان امیرشاهی : محمود بن سلطان‌علی ، ۱۳۱۱
دیوان امیرعلی‌شیرنوائی (ترکی) : حسین شرعی ، ۲۵٤
دیوان امیرعلی‌شیر نوایی (ترکی) : سلطان‌علی قاینی ، ۳۷۸
دیوان امیرعلی‌شیر نوایی(ترکی) : سلطان‌علی مشهدی ، ۳۷۹
دیوان امیرعلی‌شیر نوایی (ترکی) : سلطان محمد خندان ، ۳۸٤
دیوان امیرعلی‌شیر نوایی : قاسم علی شیرازی ، ۷۸٤
دیوان امیرعلی‌شیر نوایی (ترکی) : محیی هروی ، ۱۳۳۹

دیوان امیری : حسین مشهدی ـ میرشرف‌الدین ، ۲۵۷
دیوان انوری : حسین‌علی ساوجی سوزی ، ۲۳۲
دیوان انوری : عبدالوهاب شیرازی ، ۵۸۲
دیوان انوری : علی حافظ ، ۶۴۰
دیوان انوری : محمد یحیی ، ۱۲۸۷
دیوان اوحدی : علی‌جان هروی ، ۶۳۹
دیوان اوحدی : میرک شیرازی ، ۱۴۲۹
دیوان بابافغانی : محمد مؤمن ، ۱۲۵۱
دیوان بسحق‌اطعمه : محمد یحیی ، ۱۲۸۷
دیوان ثانی نوایی : قاسم علی شیرازی ، ۷۸۴
دیوان جامی : پیرعلی جامی ، ۱۶۹
دیوان جامی : تولک باقی ، ۱۷۸
دیوان جامی : خلیل جامی ، ۳۰۰
دیوان جامی : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
دیوان جامی : علی درویش ، ۶۵۲
دیوان جامی : علی‌رضا کاتب ، ۶۵۹
دیوان جامی : محمد اسامی هروی شیخ ، ۸۸۱
دیوان جامی : محمدحسین بن‌سیف‌الدین علی ، ۹۸۴
دیوان جامی : محمدحسین بن غیاث‌الدین علی ، ۹۹۶
دیوان جامی(دونسخه) : محمدبن فخرالدین شیخ ، ۱۱۸۷
دیوان جامی : محمود ـ زین‌الدین ، ۱۲۹۳
دیوان جامی : مقصود تبریزی ، ۱۳۸۴
دیوان جامی : منعم‌الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
دیوان جلایر : علی‌تبریزی ـ میر ، ۶۵۳۱
دیوان جمال‌الدین اصفهانی : عبدالغنی، ۵۶۰
دیوان جمال‌الدین اصفهانی : محمدرضاخاتون آبادی ، ۱۰۴۳
دیوان حافظ : احمد اصفهانی ، ۶۶
دیوان حافظ : اظهرتبریزی ، ۱۱۱
دیوان حافظ : پیرحسین ، ۱۶۸
دیوان حافظ : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱

Marfat.com

دیوان حافظ : حسن شیرازی ، ۲۲۰
دیوان حافظ : حسن کاتب ، ۲۳۶
دیوان حافظ : حسین‌میر کلنگی ، ۲۷۲
دیوان حافظ : زین‌الدین جامی ، ۳۵۱
دیوان حافظ : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
دیوان حافظ : سکندر ، ۳۶۸
دیوان حافظ (دونسخه) : سلطان علی‌مشهدی ، ۳۷۹
دیوان حافظ (دونسخه) : سلطان محمدخندان ، ۳۸۴
دیوان حافظ : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
دیوان حافظ (سه‌نسخه) : شاه قاسم کاتب ، ۴۰۷
دیوان حافظ : عبدالرحیم انیسی‌خوارزمی ، ۵۳۳
دیوان حافظ : عبدالرحیم‌عنبربن‌قلم ، ۵۳۶
دیوان حافظ : علی‌نقی شیرازی - میرزا ، ۷۰۰
دیوان حافظ : عماد حسنی‌سیفی - میر ، ۷۰۹
دیوان حافظ : عنایت‌الله شیرازی ، ۷۱۸
دیوان حافظ : کمال نوربخشی نیشابوری ، ۸۰۳
دیوان حافظ : لطف‌الله لاریجانی - سید ، ۸۱۷
دیوان حافظ : محمدحسن بن‌فیروز بخت حسینی، ۹۶۴
دیوان حافظ (دونسخه : محمد حسین‌شیرازی کاتب‌السلطان ، ۹۸۹
دیوان حافظ : محمدرحیم مشهدی ، ۱۰۳۱
دیوان حافظ : محمد رزه‌یی ، ۱۰۳۴
دیوان حافظ : محمدصالح خاتون آبادی ، ۱۱۱۴
دیوان حافظ : محمدقاسم بن‌غیاث‌الدین ، ۱۱۹۴
دیوان حافظ : محمدقطب‌الدین حسینی ، ۱۲۰۲
دیوان حافظ : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
دیوان حافظ : محمدمحسن مصور ، ۱۲۳۳
دیوان حافظ : محمدمسیح شیرازی ، ۱۲۴۰
دیوان‌حافظ : محمدمهدی‌طهرانی ۱۲۵۹
دیوان حافظ : محمود نیشابوری ، ۱۳۳۴
دیوان حافظ : مقصود بن‌جمشید ، ۱۳۸۵

دیوان حسن دهلوی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
دیوان حسن دهلوی : شجاع فارسی ، ٤۱۳
دیوان حسینی (ترکی) : خلیل تبریزی ، ۲۹۸
دیوان حضرت‌علی بن ابی‌طالب : دوست‌محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
دیوان حکیم‌سوری : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
دیوان حکیم‌سوری ضیاء لشکردانش : محمدرضا شیرازی صفا ـ حاج ، ۱۰٤۹
دیوان خاقانی : قطب‌الدین‌حسن تونی ، ۷۸۹
دیوان خاقانی : کمال ثانی ، ۸۰۰
دیوان خاوری : محمدصادق گلپایگانی ، ۱۱۰۹
دیوان خطائی (شاه اسماعیل‌صفوی) ودهنامهٔ خطایی : یاری هروی کاتب ، ۱۵۰٤
دیوان رشیدوطواط : علی‌شیرازی میر ، ٦۷۰
دیوان رضی‌الدین نیشابوری : محمد زمان اصفهانی ، ۱۰٦٤
دیوان رودکی : ابراهیم‌آملی ، ۲۱
دیوان ریاضی : روح‌الله افصحی ، ۳٤٦
دیوان ریاضی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
دیوان سلطان ابراهیم میرزا صفوی متخلص به‌جاهی: جمال مشهدی ، ۱۹۰
دیوان سلطان‌احمد : صالح بن‌علی‌رازی ، ٤٤٤
دیوان سلطان حسین‌میرزا بایقرا : سلطان علی‌مشهدی ، ۳۷۹
دیوان سلطان حسین‌میرزا : قاسم علی‌شیرازی ، ۷۸٤
دیوان سلطان سلیم عثمانی : شهسوار سلیمی ، ٤۳۳
دیوان سلطان سلیم‌عثمانی : عبدالواحد مشهدی ، ۷۹۵
دیوان سلمان ساوجی : سلطان محمد تایبادی ، ۳۸۲
دیوان سلمان ساوجی : سلمان همدانی ـ سید ، ۳۹۲
دیوان سوزنی : کمال‌ثانی ، ۸۰۰
دیوان سهیلی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
دیوان سیف‌اسفرنگ : کمال ثانی ، ۸۰۰
دیوان شریف : زینب‌سلطان ، ۳۵۰
دیوان شمس تبریزی : محمدبن‌احمد ـ شیخ ، ۸۵٦
دیوان شمس تبریزی : ناصر ۱٤۳۵
دیوان صائب : محمدصالح خاتون آبادی ، ۱۱۱٤

Marfat.com

دیوان ظهیر فارابی : عبدالرحیم افسر ، ۵۳۲
دیوان ظهیرفارابی : غیاث‌الدین قاسمی ، ۷۴۴
دیوان ظهیرفارابی : محمدباقر مازندری ، ۹۱۴
دیوان عبدالرحمن جامی : علی‌جامی - غیاث‌الدین ، ۶۳۶
دیوان عرفی : محمدصالح خاتون‌آبادی ، ۱۱۱۴
دیوان عنصری : عبدالغفار تبریزی ، ۵۰۴
دیوان عنصری : محمداسماعیل بن‌عبدالنبی ، ۸۶۸
دیوان «شیخ» علی‌نقی کمره‌ای : محمدجعفر شیرازی ، ۹۵۲
دیوان غزلیات امیرشاهی سبزواری : سیداحمد مشهدی ، ۸۴
دیوان غزلیات و رباعیات حافظ : یعقوب کاتب ، ۱۵۱۵
دیوان فتح‌علی‌شاه : رضی‌آذربایجانی - میرزا ، ۳۴۰
دیوان فتح‌علی‌شاه (دونسخه) : محمدمهدی طهرانی ، ۱۲۵۹
دیوان فرخی : علی‌رضا شیرازی - سید ، ۶۵۶
دیوان فرخی : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
دیوان فضولی بغدادی : عبدالله بن غیب‌الله ، ۵۰۱
دیوان فغانی : حسین صفوی - میر ، ۲۵۶
دیوان قاآنی : محمدعلی طهرانی - آقا ، ۱۱۶۹
دیوان قاسم انوار : محمود بن سلطان‌علی ، ۱۳۱۱
دیوان قبولی (فارسی وترکی) : غیاث‌مجلداصفهانی ، ۷۴۷
دیوان قطران : محمدرضا شیرازی ، ۱۰۴۸
دیوان کاتبی : سلطان حسین ، ۳۶۹
دیوان کاتبی : عبدالرحمن خوارزمی ، ۵۲۹
دیوان کاتبی : محمدبقال ، ۹۲۳
دیوان کاتبی : یوسف کاتب ، ۱۵۲۴
دیوان کامل جامی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
دیوان کمال‌الدین اسماعیل : محمدبن ملامیرحسینی ، ۱۲۴۷
دیوان کمال‌خجندی : محمدعلی بن یارعلی ، ۱۱۸۲
دیوان کمال خجندی : نعیم‌الدین شیرازی : ۱۴۶۵
دیوان کمال‌الدین اصفهانی : عبدالغنی ، ۵۶۰
دیوان لطف‌الله نیشابوری : محمدسیمی نیشابوری ، ۱۰۸۵

Marfat.com

دیوان مانی : حیدرحسینی - میر ، ۲۸٤
دیوان مجدهمگر : حسین بن ابوالخیر حسینی ، ۲٤٥
دیوان مجمر : محمدرضا شیرازی‌صفا - حاج ، ۱۰٤۹
دیوان مشتاقی : عباس نایینی ، ٤۷۸
دیوان مغربی : علی‌رضاشیرازی - سید ، ٦٥٦
دیوان مغربی : محمدبن فخرالدین - شیخ ، ۱۱۸۷
دیوان مغربی : محمود شیرازی - میرزا ، ۱۳۱٦
دیوان منسوب به‌بابا کوهی : محمدابراهیم مشکین‌قلم ، ۸٥۰
دیوان میرزاعلی‌آبادی : علی‌بابا شیرازی ، ٦۲٤
دیوان ناصرخسرو : ابوالحسن منشی ، ٤٦
دیوان ناصرخسرو : عبدالجواد عنقا، ٥۱۷
دیوان‌ناصرخسرو : عسکربیک اردوبادی ، ٥۹۸
دیوان ناصرالدین‌شاه : محمدحسین‌شیرازی - کاتب‌السلطان ، ۸۸۹
دیوان نظام هروی : محمود - زین‌الدین ، ۱۲۹۳
دیوان وفا : محمود - سید ، ۱۲۹٤
دیوان هلالی جغتائی : حسین‌سهوی - میر ، ۲٥۳
دیوان هلالی جغتایی : قاسم - میرزا ، ۷۷۸
دیوان هلالی جغتایی : محمدحسین کاشانی - شیخ ، ۱۰۰۰
دیوان هلالی جغتایی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳

ذ

ذخیرةالآخره «رساله» : احمدشاملو ، ۷٦
ذخیرةالملوک سیدعلی همدانی : محمود رفیقی - کمال‌الدین هروی ، ۱۳۰۹

ر

رافع‌الخلاف (حاشیه‌ای است بر کتاب مختلف علامهٔ حلی) : شیخ ابراهیم بن‌شیخ عبدالله زاهد گیلانی ، ۱۸
رباعیات ابوسعید ابوالخیر : محمدجان شیرازی ، ۹٤۸
رباعیات خیام : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
رباعیات خیام : علی‌شیرازی - میر ، ٦۷۰
رباعیات خیام : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹

رباعیات خیام (بامقدمهٔ منثور) : محمدجان شیرازی ، ۹٤۸
رباعیات خیام : محمدقوام شیرازی : ۱۲۰۷
رباعیات خیام : محمود هروی ـ شیخ ، ۱۳۳٦
رباعیات مختلف : معجزی یزدی ، ۱۳۷۷
رباعیات میر سید محمد جامه‌باف : حسین میرکلنگی ، ۲۷۲
رسالات عروض وصلوة وصد کلمه : علی‌نقی بن محمد نعیم همدانی ، ۷۰۲
رسالهٔ احکام سعد و نحس در روزهای هفته : محمود بن نعیم گیلانی ـ غیاث‌الدین ، ۱۳۱۲
رسالهٔ اسماءاعظم : سلطان‌علی ، ۳۷۹
رسالهٔ ایمان شاه نعمت‌الله : محمد هادی ماهانی ، ۱۲۷۷
رساله‌ای از بهاءالدین محمد عاملی : محمدابراهیم بن عبدالخالق ، ۸٤٦
رساله‌ای درآیین بهایی : علی‌اکبر میلانی ، ٦۲۱
رساله‌ای در تاریخ ناصرالدین‌شاه : ابراهیم منشی رازی ، ۳۸
رساله‌ای در توضیح کتاب اقلیدس : شیخ ابراهیم بن شیخ عبدالله زاهد گیلانی ، ۱۸
رساله‌ای در حکمت : محمدابراهیم نواب ، ۸۵۲
رساله‌ای در شکیات نماز : محمد ایروانی ، ۹۰۰
رساله‌ای در علم قافیه : محمد ابریشمی ، ۸۵۵
رساله باب حادی عشر : مالک دیلمی ، ۸۲۰
رسالهٔ خاتمیهٔ ملاحسین کاشفی : سلطان محمود نیشابوری ، ٤۱۰
رساله حسن و دل فتاحی نیشابوری : مالک دیلمی ، ۸۲۰
رساله در امامت (که قاضی کر هرودی بنام شاه‌عباس تألیف کرده‌است) : محمد صالح خاتون‌آبادی ، ۱۱۱٤
رساله در شرح احوال حضرت رسول : موسی منشی گروسی ، ۱٤۰۰
رساله در وحدت وجود : محتشم کاشانی ، ۸۲۹
رسالهٔ سلطان علی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
رسالهٔ شرح رباعیات خیام : محمدهادی ماهانی ، ۱۲۷۷
رسالهٔ صفوت : علی منظوری حقیقی ، ٦۹۵
رسالهٔ ضمیمهٔ نه‌سپهر : شرف‌الدین عبدالواحد ، ٤۱۵

رسالهٔ غدیریه : محمدرضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
رسالهٔ فیضیه : علی نایینی ، ۶۹۷
رسالهٔ کنوزالرموز : محمدرحیم مشهدی ، ۱۰۳۱
رسالهٔ کوچکی درعلم فراست : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
رسالهٔ گل‌ومل ازسلطان حسین میرزا بایقرا : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
رسالهٔ گوگرد احمر : حسن‌خان کاشانی - سید ، ۲۲۲
رسالهٔ المعینیه درعلم هیأت : عبدالغنی قاینی ، ۵۶۲
رسالهٔ موجودات و موجودیت فارسی از میر سید شریف : محمد مومن هروی ، ۱۲۵۵
رسالهٔ نصرةالدین: محمدعلی شیرازی - میرزا ، ۱۱۶۶
رسالهٔ نورانیهٔ یوسفی ازمحمدحسین بن حاج ملا هادی سبزواری : محمد علی سبزواری ۱۱۶۳
رسایل اهلی شیرازی : حسن ، ۲۱۳
رسایل فارسی اخوان‌الصفا : محمدعلی‌شیرازی - میرزا ، ۱۱۶۷
رسم‌الخط مجنون رفیقی و قواعد خطوط سلطان علی : محمدبهرام ، ۹۲۶
رفیق توفیق محمدعلی قزوینی : محمدامین‌سیفی - میر ، ۸۹۰
روزنامهٔ میرزا محمد کلانتر (تاریخ استیلای افاغنه) دونسخه : علی‌رضا شیرازی - سید ۶۵۶
رشنایی‌نامه : عبدالکریم خوارزمی ، ۵۶۹
روضةالصفا (جلداول) : حسن بن محمد ، ۲۳۸
روضةالصفا (جلد پنجم) : عرب‌شاه - میر ، ۵۹۴
روضةالصفا : محمدبن عبدالله ، ۱۱۴۳
روضةالصفا (دورهٔ کامل) : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
روضةالطاهرین : محمداسماعیل شیرازی ، ۸۶۵

ز

زادالمسافرین : محمد صادق شیرازی ، ۱۱۰۸
زادالمعاد (ترجمهٔ فارسی‌آن) : عباس نوری - میرزا ، ۴۷۹
زبدة الحقایق عین‌القضاة همدانی : سلطان علی‌قاینی ، ۳۷۸
زیارت‌نامه : محمود مستوفی نظام - میرزا ، ۱۳۲۹
زینت‌المجالس : محسن گلپایگانی - سید ، ۸۳۵
زینةالملوک (رساله):عمادحسنی‌سیفی -میر، ۷۰۹

س

سبحةالابرار جامی : ابوتراب اصفهانی معروف به‌ترابا ، ٤٤
سبحة الابرار جامی : امینی مشهدی ، ۱۲۸
سبحةالابرار جامی : خواجه‌جان ، ۳۰۲
سبحةالابرار جامی: سلطان حسین جمشید ، ۳۷۱
سبحة الابرار جامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
سبحةالابرار جامی : شاه‌محمدمشهدی ، ٤۰۹
سبحةالابرار جامی : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤۱۰
سبحةالابرار جامی : عبدالرحمن کاتب ، ۵۳۰
سبحةالابرار جامی : علی‌هروی - میر ، ۷۰۳
سبحةالابرار جامی : عمادحسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
سبحةالابرار جامی : فرید کاتب ، ۷٦۱
سبحةالابرار جامی : محمدامین هروی ، ۸۹۸
سبحةالابرار جامی : محمدقوام شیرازی ، ۱۲۰۷
سبحةالابرار جامی (وطریق‌التحقیق) : محمودحکیم ، ۳۰٤
سبحةالابرار جامی : محمود هروی مذهب ، ۱۳۳۷
سبعهٔ امیرخسرو دهلوی : محمدبن ملامیرحسینی ، ۱۲٤۷
سبعهٔ جامی : محمود - جلال‌الدین ، ۱۲۹۲
ستین امام فخررازی : کاظم‌تهرانی ، ۷۹۳
سحر حلال : محمدداوری‌سبزواری ، ۱۰۲۰
سراج‌الغیر : هدایت‌الله شیرازی ، ۱٤۹۵
سرمایهٔ ایمان عبدالرزاق لاهیجی : عماد حسنی - میر ، ۷۱۰
سفرنامهٔ دوم ناصرالدین شاه بخراسان : محمدرضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
سفرنامهٔ عراق ناصرالدین شاه : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
سفرنامهٔ فرنگستان ناصرالدین‌شاه : محمود فراش خلوت ، ۱۲۹۹
سفرنامهٔ کربلای ناصرالدین شاه »(قسمتی) : محمدرضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
سفرنامهٔ مظفرالدین‌شاه‌قاجار به‌فرنگ : داود گلپایگانی ، ۳۱۲
سفینهٔ اشعار : اظهرتبریزی ، ۱۱۱
سلامان وابسال جامی : محمدامین ، ۸۸٤
سلسلةالذهب جامی : بابا شاه اصفهانی ، ۱۳۸

Marfat.com

سلسلةالذهب جامی : مرشدالدین شیرازی - شیخ ، ۱۳٤۸
سلسلةالنسب صفویه : حاجت قلی‌سراغی ، ۲۰۱
سوانح العلوم : احمدبن حسن ، ۷۲
سوزو گداز : محمدیحیی‌بن رستم کیا ، ۱۲۸۸
سیرالعباد سنایی : عیسی‌الهی ، ۷۲٦

ش

شاهنامهٔ فردوسی : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳
شاهنامهٔ فردوسی : برهان ، ۱٥٤
شاهنامهٔ فردوسی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
شاهنامهٔ فردوسی : خیرالدین ... ، ۳۰۸
شاهنامهٔ فردوسی : حسن‌بن‌محمد حسن ، ۲۳۹
شاهنامهٔ فردوسی : خلیل‌الله هفت‌قلمی ، ۲۹۹
شاهنامهٔ فردوسی : شاه محمد مشهدی، ٤۰۹
شاهنامهٔ فردوسی : شهر امیر شیراز ، ٤۳۲
شاهنامهٔ فردوسی : محمدششنقی ، ۱۰۹٦
شاهنامهٔ فردوسی (دونسخه) : محمدقوام‌شیرازی ، ۱۲۰۷
شاهنامهٔ فروسی : محمدمؤمن هروی ، ۱۲٥٥
شاهنامهٔ فردوسی (دونسخه) : محمود شوشتری کاغذی ، ۱۳۱٥
شاهنامهٔ فردوسی (دونسخه) : مرشدالدین شیرازی ، ۱۳٤۸
شاهنامهٔ فردوسی : منعم‌الدین اوحدی ، ۱۳۹٦
شاهنامهٔ فردوسی وخمسهٔ نظامی : محمدبن‌مطهرنیشابوری : ۱۲٤۳
شاه‌و گدای هلالی : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤۱۰
شبستان خیال : حسام‌الدین - درویش ، ۲۱۱
شرح ابراهیم نجم‌آبادی بربشارة‌الشیعه : علی‌نقی‌بن‌محمدتقی ، ۷۰۱
شرح تجرید قوشچی علی‌بن‌لطف‌الله معاد : ٦۸۱
شرح حکمة‌العین : محمد باقرشیرازی ، ۹۱۱
شرح شمسیه : علی‌محمدلواسانی صفا ، ٦۸۹
شرح فقه‌اکبر : احمدبن حسن ، ۷۲
شرح قصیدهٔ نونیهٔ جامی : محمدقطب‌الدین بن‌محمدتقی ، ۱۲۰۳
شرح گلشن‌راز : جوری ، ۱۹۳

Marfat.com

شرح گلشن راز : طاهرمحمد هلالی ، ٤٦٠
شرح گلشن راز : عبدالکریم طباطبایی ، ٥٧٢
شرح لمعات عراقی : محمدجعفرانصاری ، ٩٥٠
شرح مثنوی سبزواری : علی‌اصغرتفرشی ، ٦١٤
شرح معمای امیرحسین : موسی سمرقندی ، ١٣٩٩
شرح المکتسب فاضل جلد کی : علی‌محمدلواسانی صفا ، ٦٨٩
شرف نامهٔ بدلیسی : میر کی‌همدانی ، ١٤٣٢
شش دفتر مثنوی مولانا : اظهرتبریزی ، ١١١
شش‌دفتر مثنوی مولانا : امین - میرزا ، ١٢٤
شش‌دفتر مثنوی مولانا : حسن‌علی‌شیراز ، ٢٣٣
شش دفتر مثنوی مولانا : شریف کشمیری ، ٤١٧
شش دفتر مثنوی مولانا : عبدالاحدجاسی ، ٤٨١
شش دفتر مثنوی مولانا : عبدالرحمن خوارزمی ، ٥٢٩
شش دفترمثنوی مولانا : عبدالرشید دیلمی ، ٥٤١
شش‌دفتر مثنوی مولانا : علی‌باباشیرازی ، ٦٢٤
شش‌دفتر مثنوی مولانا : علی‌نقی شیرازی - میرزا ، ٧٠٠
شش‌دفتر مثنوی مولانا : فتح‌علی‌شیرازی - میرزا ، ٧٥٤
شش دفترمثنوی مولانا : محمدابراهیم اولیا سمیع ، ٨٤٥
شش‌دفتر مثنوی‌مولانا : محمدحسین‌شیرازی - کاتب السلطان ، ٩٨٩
شش‌دفتر مثنوی مولانا (دونسخه) : محمدداوری شیرازی ، ١٠٢٠
شش‌دفتر مثنوی مولانا : محمدبن‌فخرالدین شیخ ، ١١٨٧
شش‌دفتر مثنوی مولانا : محمد کاظم والهٔ اصفهانی ، ١٢١٥
شش‌دفتر مثنوی مولانا : محمدمهدی فراهانی ، ١٢٦٠
شش‌دفتر مثنوی‌مولانا : محمود بمرودی ، ١٢٩٨
شش‌دفتر مثنوی مولانا : ناصر ، ١٤٣٥
شفای ابن‌سینا : علی‌معدانی ، ٦٩٤
شفای ابن‌سینا : محمدمحسن خاتون آبادی ، ١٢٣٠
شفای ابن‌سینا (بیست‌وپنج‌نسخه) : مصطفی طیبی ، ١٣٦٣
شمس‌الحقایق : عسکربیک ارودبادی ، ٥٩٨
شمس‌المضیئه : احمدبصیرت ، ٧٠

Marfat.com

شمس المناقب : آقا ـ میرزا ، ۸
شهنشاه نامهٔ فارسی سلطان مرادخان عثمانی : منصور شیرازی ـ علاءالدین ، ۱۳۹۵
شیروشکر شیخ بهاءالدین محمدعاملی : عبدالغفار همدانی ، ۵۵۸
شیرین وفرهاد وحشی ووصال : علی‌شیرازی ـ میر ، ۶۷۰

ص

صحیفهٔ سجادیه : احمدشاملو ، ۷۶
صحیفهٔ سجادیه (باترجمه وحواشی دو نسخه) : محتشم اصفهانی ، ۸۲۹
صحیفهٔ سجادیه : محمدابراهیم قمی ، ۸۴۹
صحیفهٔ سجادیه : محمد رازی ـ نورالدین ، ۱۰۲۳
صحیفهٔ سجادیه : محمدهاشم طایر ، ۱۲۸۳
صدپند لقمان : خواجکی ، ۳۰۱
صدپند لقمان : رضاقلی ادیب ـ میرزا ، ۳۳۵
صد کلمهٔ حضرت علی بن ابی‌طالب : شاه محمد مشهدی ، ۴۰۹
صد کلمهٔ حضرت علی بن ابی‌طالب (باترجمهٔ منظوم) : شاه‌محمود نیشابوری ، ۴۱۰
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب : عبدالقادر حسینی ، ۵۶۶
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب : علی نایینی ، ۶۹۷
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب (باترجمهٔ منظوم) : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
صد کلمهٔ حضرت علی بن ابی‌طالب : غیب‌الله امامی ، ۷۴۸
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب (با ترجمهٔ منظوم) : محمد شرفی یزدی ، ۱۰۸۹
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب : محمد کمال نیشابوری ، ۲۲۰
صد کلمهٔ حضرت علی‌بن ابی‌طالب (با ترجمهٔ منظوم) : محمود گرگانی ـ میرزا، ۱۳۲۶
صد کلمهٔ جضرت علی‌بن ابی‌طالب (باترجمهٔ منظوم) : محیی شیرازی ، ۱۳۳۸
صفات‌العاشقین هلالی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
صفوة‌الصفی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷

ط

طب یوسفی هروی : علی کاتب ـ میر ، ۷۰۶
طرایق الحقایق : عبدالجواد نیشابوری ، ۵۱۸
طریق‌التحقیق : محمود حکیم ، ۱۳۰۴
طیبات سعدی ، محمد نوری ، ۱۲۷۵

ظ

ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : حسین بن لقمان مختاری ، ۲۷۶
ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : سلطان علی قاینی ، ۳۷۸
ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : شیرعلی ، ۴۳۹
ظفرنامهٔ نیموری شرف‌الدین علی‌یزدی (چهار نسخه): مرشدالدین‌شیرازی ـ شیخ ، ۱۳۴۸
ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : حمدالله بن مرشد ، ۲۸۱
ظفرنامهٔ تیموری شرف‌الدین علی یزدی : یعقوب بن حسن ، ۱۵۴
ظفرنامهٔ هاتفی (دونسخه) : پیرعلی جامی ، ۱۶۹
ظفرنامهٔ هاتفی : پیرمحمد ، ۱۷۰

ع

عالم‌آرای عباسی : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
عالم‌آرای عبّاسی : هدایت‌الله ایموری ، ۱۴۹۱
عجایب‌المخلوقات قزوینی : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ۱۳۴۸
عجایب المخلوقات قزوینی : منعم‌الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
علم‌المحجة : عبدالرحیم تبریزی ، ۵۳۴
عوامل فی‌النحو : علی‌محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
عوامل : محمدنرگس بن‌احمد ، ۱۲۶۷
عیون‌الحساب : محمدحسین مازندرانی ، ۱۰۰۴

غ

غررو درر : محمدحکیم ، ۱۰۱۳
غزلیات امیرشاهی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
غزلیات امیرشاهی : محمدباقر هروی ـ میر ، ۹۱۷
غزلیات امیرشاهی : محمود هروی ـ شیخ ، ۱۳۳۶
غزلیات جامی : عماد حسینی ـ میر ، ۷۱۰
غزلیات ریاحی سمرقندی : محمدحسین بن سلطان حسین ، ۹۸۳
غزلیات‌موسی : سلطان‌علی‌مشهدی ، ۳۷۹

ف

فرهنگ جهانگیری : محمد مؤمن ، ۱۲۵۱
فعلت فلاتلم‌فی‌الهیئة : محمد بن عبدالله ، ۱۱۴۲

فقه‌شاهی : عبدالله شیرازی ، ٤٩٦
فلک‌السعادة : محمدحسین بحرانی ۹۷۲
فواتح (شرح دیوان حضرت علی بن ابی‌طالب) : مجنون بهبهانی ، ۸۲۷
فواید الضیائیه : قاسم حسینی ، ۷۸۲
فیض‌الدموع : محمدرضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰

ق

قانون الریاضة فی‌سبیل الهدایة : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
قرآن : احمدیار خان ، ۸۸
قرآن : اسدالله شیرازی ، ۹۷
قرآن : اسدالله کرمانی ، ۹۸
قرآن : دوست‌محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
قرآن : شهرامیر شیرازی ، ٤۳۲
قرآن : عبدالله شیرازی ، ٤۹۷
قرآن (محشای مترجم) : علی‌رضا شیرازی (سید) ، ٦٥٦
قرآن (بخط علی‌رضا پرتو و ترجمهٔ فارسی آن) : علی شیرازی - میر ، ٦۷۰
قرآن : علی‌محمد شیرازی ٦۸٦
قرآن : محتشم اصفهانی ، ۸۲۹
قرآن : محراب‌بیک ، ۸۳۰
قرآن : محمدابراهیم قمی ، ۸٤۹
قرآن : محمدحسین نورس دماوندی ، ۱۰۰۸
قرآن : محمدشفیع ارسنجانی ، ۱۰۹٥
قرآن : محمد شیرازی ، ۱۱۰۳
قرآن : محمد کاتب ، ۱۲۱۰
قرآن : محمدمهدی تبریزی ، ۱۲٥٦
قرآن : محمود طویخانه‌یی ، ۱۳۱۸
قران‌السعدین امیرخسرو دهلوی : سلطان محمدخندان ، ۳۸٤
قران‌السعدین امیرخسرو دهلوی : محمدیوسف کابلی ، ۱۲۹۰
قرابادین صالحی (تحفة‌الصالحین) : محمدعلی جراح نظام ، ۱۱٥۸
قصاید عربی مختلف : شاه‌قاسم کاتب ، ٤۰۷
قصیده‌ای در مدح ناصرالدین‌شاه : حسین بن حسن ، ۲٤۷
قصیدهٔ پیاسی : عمادحسینی - میر ، ۷۱۰

Marfat.com

فصیدهٔ عربی وترجمهٔ منظوم آن بفارسی : محمد اصفهانی ، ۸۷۰
قواعد خطوط(رسالهٔ منظوم) : جمال مشهدی ، ۱۹۰

ک

کاشف‌الغواشی (حاشیه‌ای است بر کشاف) : شیخ ابراهیم بن عبدالله زاهد گیلانی،۱۸
کامل بهائی : محمدباقر گیلانی ، ۹۱۵
کتاب‌العالم : احمد بن حسن ، ۷۲
کتاب فارسی در اخلاق، محمد فاضل : عباس نوری ـ میرزا ، ۴۷۹
کشکول شیخ بهایی : جمالا ، ۱۸۹
کلام‌الملوک : ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
کلمات حضرت علی بن ابی‌طالب : عبدالجبار اصفهانی ، ۵۱۵
کلمات قصار حضرت علی‌بن ابی‌طالب : حسین هروی ـ کمال‌الدین ، ۲۷۸
کلمات قصار حضرت علی بن ابی‌طالب : محمدباقر (سمسوری) اصفهانی ، ۹۰۷
کلیات آثار جامی: عبدالرحمن جامی ۱۸۰
کلیات اشعار سلطان احمدجلایر : عبدالله تبریزی ـ میر ، ۴۸۸
کلیات امیرعلی شیرنوایی : علی‌بخاری ـ میر ، ۶۲۵
کلیات اوحدی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
کلیات اهلی شیرازی : هدایت‌الله کاتب ، ۱۴۹۷
کلیات جامی : خلیل‌جامی، ۳۰۰
کلیات جامی(کامل) : خواوند سالک بن‌میرک ، ۳۰۴
کلیات جامی : ظهوری ، ۴۶۵
کلیات جامی: محمد حسین بن‌سیف‌الدین علی ، ۹۸۴
کلیات خاقانی : علی‌بخاری ـ فخرالدین ، ۶۲۶
کلیات خاقانی : محمد لطیف‌شوخی بخارایی ، ۱۲۲۵
کلیات خاقانی : معجزی یزدی ، ۱۳۷۷
کلیات خواجوی کرمانی: سلطان علی‌مشهدی ، ۳۷۹
کلیات خواجوی کرمانی : صفرشاه ـ خلیفه ، ۴۵۳
کلیات داعی شیرازی : سلطان علی‌مشهدی ، ۳۷۹
کلیات سعدی : زین‌العابدین شیرازی ، ۳۵۵
کلیات سعدی : شاه محمدمشهدی ، ۴۰۹
کلیات سعدی: عبدالله شیرازی ، ۴۹۶

کلیات سعدی : عسکربیک اردوبادی ، ۵۹۸
کلیات‌سعدی:علی‌تبربزی- میر ۶۳۱
کلیات سعدی : علی‌حسینی ، ۶۴۶
کلیات سعدی (دونسخه) : علی‌محمدشیرازی ، ۶۸۶
کلیات سعدی (دونسخه) : علی‌نقی‌شیرازی - میرزا ، ۷۰۰
کلیات سعدی : عنایت‌الله شیرازی ، ۷۱۸
کلیات سعدی : فضل‌الله شیرازی - میرزا ، ۷۶۷
کلیات سعدی : محمدجان کرمانی ، ۹۴۹
کلیات سعدی : محمدرحیم اردبیلی ، ۱۰۲۶
کلیات سعدی : محمد شفیع شیرازی ، ۱۰۹۷
کلیات سعدی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
کلیات سعدی : محمد کاظم واله‌اصفهانی ، ۱۲۱۵
کلیات سعدی : محمدمهدی شیرازی ، ۱۲۵۸
کلیات سعدی : محمود شیرازی - میرزا ، ۱۳۱۶
کلیات سعدی (دونسخه) : مرشدالدین شیرازی شیخ ، ۱۳۴۸
کلیات سعدی : مظفربن‌عبدالله ، ۱۳۷۳
کلیات سعدی: مقصود علی‌شیرازی ، ۱۳۸۸
کلیات سعدی : منعم‌الدین اوحدی ، ۱۳۹۶
کلیات‌صائب : محمد افلاطون ، ۸۷۷
کلیات عراقی : احمدبخاری ، ۶۸
کلیات «حاج‌سید» عظیم‌شیروانی ، احمدبصیرت ، ۷۰
کلیات عمادفقیه کرمانی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
کلیات فتح‌علی‌خان صبا : علی‌اکبرتفرشی ، ۶۱۷
کلیات قاآنی : ابوالفتح تبریزی متخلص به‌جرعه، ۵۳
کلیات قاآنی (قسمتی) : محمدرضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
کلیات کاتبی : سلطان‌علی‌مشهدی ، ۳۷۹
کلیات مشفقی : محمدرضا بن‌سلطان محمد ، ۱۰۴۶
کلیات وحشی : محمودبن‌سلیم گیلانی - غیاث‌الدین، ۱۳۱۲
کلیات همام تبریزی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
کلیله‌ودمنه : باقرتبریزی - میرزا ، ۱۴۵
کلیله‌ودمنه : سلطان محمدنور ، ۳۸۷

Marfat.com

کلیله‌ودمنه : شرف‌الدین بن‌شهاب‌الدین ، ٤١٤
کلیله‌ودمنه : محمدباقر تبریزی ، ٩٠٦
کلیله‌ودمنه : محمودبن محمدحسن ، ١٣٢٨
کنزالمصایب : محمدابراهیم اولیاسمیع ، ٨٤٥

گ

گلستان سعدی : آقا ـ میرزا ، ٧
گلستان سعدی : جعفربایسنغری ، ١٨١
گلستان سعدی (دونسخه) : جعفرحسینی سبزواری ، ١٨٣
گلستان سعدی : حسین‌شرعی ، ٢٥٤
گلستان سعدی : حسین‌میر کلنگی ، ٢٧٢
گلستان سعدی : درویش‌محمد ، ٣١٤
گلستان سعدی ،(دونسخه) : سلطان علی‌مشهدی ، ٣٧٩
گلستان سعدی : سلطان محمدنور ، ٣٨٧
گلستان سعدی : صالح نبیرهٔ ارباب ، ٤٤٥
گلستان سعدی : عبدالکریم طهرانی، ٥٧١
گلستان سعدی : علی‌اکبر دبیرالسلطان ، ٦١٨
گلستان سعدی : علی‌رضا کاتب ، ٦٥٩
گلستان سعدی : علی‌هروی : میر ، ٧٠٣
گلستان سعدی: علی- میر ، ٧٠٧
گلستان سعدی (دونسخه) : عمادحسنی سیفی - میر ، ٧٠٩
گلستان سعدی : گوهرشاد ، ٨١١
گلستان سعدی: لطف‌الله لاریجانی - سید ، ٨١٧
گلستان سعدی(باترجمه‌ترکی) : محتشم‌اصفهانی ، ٨٢٩
گلستان سعدی : محمدطاهر زنجانی - سید ، ١١٣١
گلستان سعدی : میرک‌تاشکندی ، ١٤٢٨
گلستان وبوستان سعدی : محمدقوام شیرازی ، ١٢٠٧
گلشن‌راز شبستری : عبدالرحیم افسر ، ٥٣٢
گلشن راز شبستری : عبدالرحیم انیسی خوارزمی ، ٥٣٣
گلشن راز شبستری : عماد حسنی سیفی - میر ، ٧٠٩
گلشن‌راز شبستری : محمودخان کاشی - ملک‌الشعراء ، ١٣٢٤
گنج‌شایگان : محمدحسین بحرانی ، ٩٧٢

Marfat.com

گوی وچوگان عارفی (دونسخه) : سلطان علی‌مشهدی ، ۳۷۹
گوی وچوگان عارفی : «شاه» طهماسب اول صفوی ، ٤٦۳
گوی وچوگان عارفی : عبدالله شیرازی، ٤۹٦
گوی وچوگان عارفی (دونسخه) : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
گوی وچوگان عارفی : محمدترکستانی ـ میرزا ، ۹۳۲
گوی وچوگان عارفی : محمدحسین ، ۹٦۸
گوی وچوگان عارفی : محمدقاسم‌بن‌شادیشاه ، ۱۱۹۳

ل

لباب الاختیار : نعمةالله نیشابوری شریف ، ۱٤٦۳
لب‌التواریخ ـ یحیی‌بن‌عبداللطیف قزوینی : حسن‌علی ، ۲۳۰
لب قصص مثنوی مولانا : اسماعیل تفرشی ، ۱۰۲
لطیفهٔ غیبیه : عباس‌علی‌تفرشی ، ٤۷۲
لمعات دیوان عراقی : بهاءالدین درجزینی ، ۱٦۰
لمعات دیوان عراقی : سلطان علی‌قاینی ، ۳۷۸
لمعات دیوان عراقی : عارف هروی ، ٤٦۷
لمعات دیوان عراقی : غیاث مجلداصفهانی ، ۷٤۷
لمعات دیوان عراقی وعشق‌نامه : محمود شوشتری کاغذی ، ۱۳۱۵
لمعات دیوان عراقی و گلشن‌راز شبستری : محمود حمازی، ۱۳۰۷
لوایح جامی : احمدمشهدی ـ سید ، ۸٤
لوایح جامی : علی هروی ـ میر ، ۷۰۳
لوایح جامی : فتح‌علی شیرازی ـ میرزا ، ۷۵٤
لوایح جامی : فضل‌الله شیرازی ـ میرزا ، ۷٦۷
لوایح جامی (دونسخه) : محمدداوری شیرازی ، ۱۰۲۰
لوایح جامی : محمود اورنگ ، ۱۲۹۷
لوایح جامی : محمود حکیم ، ۱۳۰٤
لوامع‌الاشراق ملا جلال دوانی ؛ محمد شفیع قزوینی ۱۰۹۸
لیلی و مجنون ترکی فضولی بغدادی : محمد شوشتری ـ حاج ، ۱۱۰۲
لیلی‌ومجنون مکتبی : علی‌رضا کاتب، ٦۵۹
لیلی ومجنون مکتبی : علی‌شیرازی ـ حاجی ، ٦۷۲
لیلی و مجنون نظامی : علی منظوری حقیقی ، ٦۹۵

Marfat.com

لیلی ومجنون هاتفی : علی‌رضا کاتب ، ۶۵۹
لیلی و مجنون هاتفی : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ۱۳۴۸

م

مثنویات جامی : حسین میرکلنگی ، ۲۷۲
مثنویات جامی : سلطان محمد کاتب ، ۳۸۵
مثنویات خواجوی کرمانی (کامل) : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ۱۳۴۸
مثنویات همای و همایون ، کمال‌نامه ، روضةالانوار خواجوی کرمانی: علی تبریزی- میر ۶۳۱
مثنوی اشترنامه : محمداسامی هروی ـ شیخ ، ۸۸۱
مثنوی امیرخسرو دهلوی : جعفر حسینی سبزواری ، ۱۸۳
مثنوی پیر و جوان: علی‌محمد شیرازی ، ۶۸۶
مثنوی خسرو و شیرین نظامی : جعفر بایسنغری ، ۱۸۱
مثنوی خضرخانی‌ودولرانی امیرخسرو : بایزید دوری ـ سلطان ، ۱۴۸
مثنوی خضرخان ودولرانی امیر خسرو : محمدقوام شیرازی ، ۱۲۰۷
مثنوی روشنائی‌نامه منسوب به‌ناصرخسرو (دونسخه) : عبدالواحد مشهدی ، ۵۷۹
مثنوی شاه ودرویش هلالی (دو نسخه) : علی‌رضا کاتب ، ۶۵۹
مثنوی شاه ودرویش هلالی : مرشدالدین شیرازی ـ شیخ ، ۱۳۴۸
مثنوی عشق و روح فضولی : جعفر حسینی سبزواری ، ۱۸۳
مثنوی «شیخ» عطار : اسماعیل حسینی ، ۱۰۳
مثنوی «شیخ» عطار : جهانگیر سلطانی ، ۱۹۵
مثنوی «شیخ» عطار : دوست محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
مثنوی فرهاد و شیرین وحشی و وصال : محمدحسین فراهانی ـ سید ، ۹۹۷
مثنوی گنج‌زر : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
مثنوی گوی وچوگان عارفی : عماد حسنی سیفی ـ میر ، ۷۰۹
مثنوی مولانا : احمدوقار ، ۸۷
مثنوی مولانا : خورد کاتب ، ۳۰۵
مثنوی مولانا : عبدی بخارایی ـ درویش ، ۵۸۶
مثنوی مولانا : محمدابراهیم منعم ، ۸۵۱
مثنوی مولانا : محمدتقی کرمانی ، ۹۴۲
مثنوی مولانا : محمدحسین شیرازی ـ کاتب‌السلطان ، ۹۸۹
مثنوی مولانا : محمدعلی قاینی بیرجندی ـ میرزا سید ، ۱۱۷۰

Marfat.com

مثنوی مولانا : محمد کوزه کنانی ، ۱۲۲۱
مثنوی واله و سلطان : محمدرضا ، ۱۰۳۶
مثنوی واله و سلطان : محمدرفیع ، ۱۰۶۰
مثنوی همای و همایون : شمس بایسنغری ، ۴۲۵
مثنوی یوسف وزلیخای جامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
مجالس العشاق : دوست‌محمد کوشوانی هروی ، ۳۱۷
مجالس العشاق : فرید کاتب ، ۷۶۱
مجالس المؤمنین قاضی نورالله شوشتری : محمدسعید لاهیجانی، ۱۰۷۹
مجالس المومنین قاضی نورالله شوشتری : محمدصالح مشهدی ، ۱۱۱۹
مجمع الخواص و مجالس النفایس : محمدزمان خاتون‌آبادی ، ۱۰۶۷
مجمع الفصحا (در دوجلد) : آقا ـ میرزا ، ۸
مجموعهٔ اشعار : مظفر بن عبدالله ، ۱۳۷۳
مجموعهٔ اشعار حافظ : حسین مشهدی ـ میرشرف‌الدین ، ۲۵۷
مجموعهٔ اشعار متفرقه : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
مجموعه‌ای از اشعار شاهی، خیالی، بساطی ، طوسی ، بسحق اطعمه : سلطان علی‌مشهدی ۳۷۹
مجموعه‌ای از اشعار عراقی ـ حسینی ، اوحدی ومغربی (در دوجلد) : علی‌قاسمی ـ سید ۶۷۵
مجموعه‌ای از دیوان حافظ و مغربی و اوحدی و غیره: محمدلاهیجانی ـ نورالدین، ۱۲۲۴
مجموعه‌ای از دیوان کمال خجندی و امیرخسرو دهلوی و بساطی و عصمت بخارایی و ناصر بخارایی : حسین بن علی تونی ، ۲۵۹
مجموعه‌ای از مثنویات هفت‌منظر . شیرین وخسرو ، لیلی ومجنون و تیمورنامهٔ هاتفی : سلطان محمد نور ، ۳۸۷
مجموعه‌ای از منازل‌القمر کاشفی و شرح بیست باب بهاءالدین محمدعاملی : عین‌علی ، ۷۲۸
مجموعه‌ای مشتمل بر مثنویات اسرارنامه ، الهی‌نامه ، منطق‌الطیر ، مصیبت‌نامه ،وصلت نامه و مختارنامهٔ شیخ عطار : پیرحسین ، ۱۶۸
مجموعهٔ غزلیات و رباعیات سعدی : لطف‌الله لاریجانی ـ سید ، ۸۱۷
مجموعهٔ منتخب اشعار شعرای دورهٔ غزنوی : احمداصفهانی ، ۶۶
مجموعهٔ منتخب غزلیات حافظ ، امیرخسرو ، کمال خجندی ، حسن کاتبی ، امیرشاهی،

Marfat.com

جامی ، حافظ سعد ، اشرف ، بساطی : عبدالرحیم انیسی خوارزمی، ۵۳۳
محرق القلوب : علی اصغر ، ۶۱۲
مخزن الاسرار نظامی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
مخزن الاسرار نظامی : محمدحسین شیرازی ـ کاتب السلطان ، ۹۸۹
مخزن الاسرار نظامی : محمدصلاح ـ میر ، ۱۱۲۸
مخزن الانشاء : محمدرضا کلهر ـ میرزا ، ۱۰۵۰
مرآة الخیال : ابراهیم شیرازی، ۳۱
مصطلحات الصوفیه : صدرالدین محمد لواسانی ، ٤٤۹
مفاتیح الاعجاز لاهیجی : سلطان علی شیرازی ، ۳۷۸
مفاتیح الاعجاز لاهیجی : عنایت‌الله معین‌الدین محمد : ۷۱۹
مفتاح الرزق : علی‌شیرازی ـ میر ، ۶۷۱
مفتاح الرموز مفتاح الملک : محمدرضا شیرازی صفا ـ حاج ، ۱۰٤۹
مفتاح الفلاح و دعای کمیل : محمدحسن حسینی دبیرالملک ، ۹۷۸
مفردات کامل میرعلی تبریزی (سه‌نسخه) : علی هروی ـ میر ، ۷۰۳
مفردات میرعلی تبریزی : کمال محرر ، ۸۰۲
مفردات نستعلیق : مالک دیلمی ، ۸۲۰
مقالات خواجه عبدالله انصاری : عبدالرشید دیلمی ، ٥٤۱
مقالات خواجه عبدالله انصاری : محمد کاشانی ـ میرمعزالدین ، ۱۲۱۳
مقامات حمیدی : عبدالقادر فتوحی ، ۵۶۸
مقامات حمیدی : محمدعلی حسینی ، ۱۱۵۹
مقطعات ابن یمین : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
ملستان : احمد بصیرت ، ۷۰
مناجات حضرت علی بن ابی‌طالب : احمد قوام‌السلطنه ، ۸۰
مناجات حضرت علی‌بن ابی‌طالب : اسماعیل استرابادی ، ۱۰۱
مناجات حضرت علی‌بن ابی‌طالب : عبدالوهاب شیرازی ، ۵۸۲
مناجات حضرت علی‌بن ابیطالب (دونسخه) : علی‌محمد طهرانی ، ۶۸۸
مناجات حضرت علی‌بن ابیطالب : علی هروی ـ میر ، ۷۰۳
مناجات حضرت علی‌بن ابی‌طالب (دونسخه‌با ترجمهٔ فارسی) : عماد حسنی سیفی ـ میر ۷۰۹
مناجات حضرت علی‌بن ابیطالب : مالک دیلمی ، ۸۲۰

Marfat.com

مناجات حضرت علی‌بن ابیطالب : مسعودمذهب کرمانی ، ۱۳۵۱
مناجات خواجه عبدالله انصاری : ابوالخیر - سید ، ٤٨
مناجات خواجه عبدالله انصاری : رضاقلی ادیب - میرزا ، ۳۳۵
مناجات خواجه عبدالله انصاری : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
مناجات خواجه عبدالله انصاری : عبدالجبار اصفهانی ، ۵۱۵
مناجات خواجه عبدالله انصاری : عبدالرحیم کاتب ، ۵۳۸
مناجات خواجه عبدالله انصاری : علی‌هروی - میر ، ۷۰۳
مناجات خواجه عبدالله انصاری (دونسخه) : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
مناجات خواجه عبدالله انصاری : محمدباقر قاجار ، ۹۱۲
مناجات خواجه عبدالله انصاری : محمدحسین تبریزی ، ۹۷۳
منتخبات اشعار حافظ : محمود عمادالسلطان - سید ، ۱۳۲۰
منتخبات اشعار فارسی متفرقه : عبدالرحیم انیسی خوارزمی ، ۵۳۳
منتخبات اشعار متفرقه : محمدتقی هروی ، ٩٤٦
منتخبات گلستان : محمود عمادالسلطان - سید ، ۱۳۲۰
منتخب اشعار اهلی شیرازی : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
منتخب اشعار جامی : باباشاه اصفهانی ، ۱۳۸
منتخب اشعار جامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
منتخب اشعار جامی : محمدمحسن هروی ، ۱۲۳٤
منتخب اشعار سعدی و جامی : سلطان محمدنور ، ۳۸۷
منتخب اشعار سعدی و حافظ : علی‌رضا کاتب ٦٥٩
منتخب اشعار صفی‌علی‌شاه : علی‌منظوری حقیقی ، ٦٩٥
منتخب اشعار متفرقه و(اشعار خود شاه‌محمود) : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
منتخب اشعار متفرقه : علی‌رضا کاتب ، ٦٥٩
منتخب بوستان سعدی (دونسخه) : شاه‌محمود نیشابوری ، ٤١٠
منتخب بوستان سعدی : محمود کاتب ، ۱۳۲۲
منتخب بوستان سعدی : حسین هروی ، ۱۳۳۹
منتخب بوستان و رباعیات جامی : محمدصالح دردسند ، ۱۱۱۵
منتخب تفسیر منظوم : علی‌منظوری حقیقی ، ٦٩٥
منتخب حدیقةالحقیقهٔ سنایی : شاه‌قاسم کاتب ، ٤٠٧
منتخب حدیقةالحقیقهٔ سنایی : عبدالرزاق قزوینی ، ٥٤٠

Marfat.com

منتخب حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمدابراهیم ، ۸۴۳
منتخب حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمدحسین تبریزی ، ۹۷۳
منتخب حدیقةالحقیقهٔ سنایی : محمد شفیع شیرازی، ۱۰۹۷
منتخب حدیقه ونان وحلوای بهاءالدین عاملی وساقی‌نامهٔ ظهوری : کامران تبریزی، ۷۹۶
منتخب خمسهٔ نظامی : علی‌منظوری حقیقی ، ۶۹۵
منتخب دیوان حافظ : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
منتخب دیوان فرخی : محمد گلپایگانی - میرزا ، ۱۲۲۲
منتخب السلطان (اشعاری از حافظ و سعدی که ناصرالدین‌شاه انتخاب کرده است) : محمد رضا کلهر - میرزا ، ۱۰۵۰
منتخب شاهنامهٔ فردوسی : محمودحکیم ، ۱۳۰۴
منتخب شش دفتر مولانا : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
منتخب مثنوی مولانا : شاه‌قاسم کاتب، ۴۰۷
منتخب نثراللئآلی : صدرالدین محمدلواسانی ، ۴۴۹
منتخبی از سبحةالابرار جامی : مالک دیلمی ، ۸۲۰
منتخبی از کلمات حضرت علی بن ابی‌طالب : هدایت الله زرین‌قلم ، ۱۴۹۲
منشآت امیرنظام : حسین خویی : ۲۵۱
منطق‌الطیر شیخ عطار : اسدالله شیرازی ، ۹۷
منطق‌الطیر شیخ عطار : محمدابریشمی ، ۸۵۵
منطق‌الطیر شیخ عطار : محمدرضا خویی ، ۱۰۴۵
منظومهٔ دستور مجالس نزاری قهستانی : محمد رحیم اردبیلی ، ۱۰۲۶
منظومهٔ قواعد خطوط : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
منهاج العباد : ابوالبقا ، ۴۱
مهروسشتری عطار : ابراهیم خلیل ، ۲۹
مهروسشتری عطار : مرشدالدین شیرازی - شیخ، ۱۳۴۸

ن

ناسخ‌التواریخ (جلداول) : محسن گلپایگانی - سید ، ۸۳۵
نامهٔ احمدی : زین‌العابدین قزوینی ، ۳۵۹
نامهٔ دانشوران (جلدششم) ابوالفضل ساوجی ، ۵۵
نامهٔ دانشوران : طاهر همدانی - میرزا ، ۴۵۹
نامهٔ دانشوران (جلداول) : محمد رضا شیرازی صفا - حاج ، ۱۰۴۹

Marfat.com

نای نی‌جامی : علی‌هروی - میر ، ۷۰۳
نثراللئالی : ابوالمعالی حسینی ، ۶۱
نثراللئالی : غلام‌حسین میرزا ، ۷۳۳
نثراللئالی محمد اسماعیل افشار ، ۸۶۳
نزهةالارواح امیرحسینی : عارف هروی ، ۴۶۷
نزهةالعاشقین : احمد مشهدی - سید ، ۸۴
نزهة العاشقین : علی‌هروی - میر ، ۷۰۳
نزهةالقلوب (دونسخه) : محمدتقی خاتون آبادی ، ۹۳۷
نصاب الصبیان: شمس‌الکتاب ، ۴۲۶
نصاب الصبیان : علی‌محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
نصایح (رساله) : عماد حسنی سیفی - میر ، ۷۰۹
نصایح ارسطو : نویسی ، ۱۴۷۴
نصایح انوشیروان : غلام حسین‌میرزا ، ۷۳۳
نصایح بزرگمهر وخواجه عبدالله انصاری ومناجات او : شاه محمود نیشابوری ، ۴۱۰
نصایح جامی : محمدباقر قاجار ، ۹۱۲
نصایح سعدی : علی‌محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
نصایح السلاطین : تولک باقی ، ۱۷۸
نصایح لقمان : علی‌هروی - میر ، ۷۰۳
نصایح الملوک : باباشاه اصفهانی ، ۱۳۸
نصیحةالملوک سعدی : آقا - میرزا ، ۷
نصیحةالملوک در چهل باب: محمدحسن‌فارسی ، ۹۶۳
نصیحت‌نامهٔ جامی : علی‌نقی بن‌محمدتقی ، ۷۰۱
نصیحت‌نامهٔ خواجه عبدالله انصاری : محمدمحسن هروی ، ۱۲۳۴
نفایس الفنون : محمدمهدی گلپایگانی ، ۱۲۶۱
نفحات الانس جامی : محمود سیاوشانی ، ۱۳۱۳
نقدالحواشی محمدهادی شیرازی : محمدجعفر شیرازی ، ۹۵۲
نگارستان قاضی‌احمد غفاری : محمدصالح خاتون‌آبادی ، ۱۱۱۴
نگارستان قاضی احمدغفاری ، محمدلاهیجانی - نورالدین ، ۱۲۲۴
نورس: خلیل‌الله شامی - میر ، ۲۹۷
نهایةالایضاح : محمدعلی‌قاینی بیرجندی - میرزا سید ، ۱۱۷۰
نه‌سپهر امیرخسرو دهلوی : علی‌ادایی ، ۶۱۰

Marfat.com

و

وجیزهٔ حاج میرزا آقاسی : علی‌محمد لواسانی صفا ، ۶۸۹
وصایای خواجه‌نظام‌الملک : داود ـ شیرازی : میرزا ، ۳۱۱

ه

هدایة السبیل : علی‌رضا شیرازی ، سید ، ۶۵۶
هدایة الطالبین حاج ملاهادی سبزواری : عبدالصمد شکوری ، ۵۴۵
هدیةالملوک وهدایةالسلوک : محمدقوام شیرازی ، ۱۲۰۷
هزاردستان : محمد ابراهیم نواب، ۸۵۲
هشت بهشت : مظفر علی‌شیروانی ، ۱۳۷۶
هفت‌اورنگ جامی (دونسخه) : شاه‌محمود نیشابوری ، ۴۱۰
هفت اورنگ جامی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
هفت اورنگ جامی : محمد امامی هروی ـ شیخ ، ۸۸۱
هفت اورنگ جامی : محمدرزه‌یی ، ۱۰۳۴
هفت اورنگ جامی : محمد قوام شیرازی ، ۱۲۰۷
هفت‌بند حسن کاشانی : عیدالجبار اصفهانی ، ۵۱۵
هفت‌بند حسن کاشانی : عماد حسنی‌سیفی ـ میر ، ۷۰۹
هفت‌پیکر نظامی : اظهر تبریزی ، ۱۱۱
هفت منظر هاتفی ، شاه‌محمود نیشابوری ، ۴۱۰

ی

یوسف وزلیخای جامی : بابای حصاری ، ۱۳۵
یوسف وزلیخای جامی : حسین‌میرکلنگی ، ۲۷۲
یوسف وزلیخای جامی : سلطان علی مشهدی ، ۳۷۹
یوسف وزلیخای جامی ، (دونسخه) : سلطان محمد خندان ، ۳۸۴
یوسف وزلیخای جامی : علی‌جامی ـ فخرالدین ، ۶۳۷
یوسف وزلیخای جامی : علی‌هروی ـ میر ، ۷۰۳
یوسف وزلیخای جامی : محسن ، ۸۳۱
یوسف وزلیخای جامی : محمدامین هروی ، ۸۹۸
یوسف وزلیخای جامی : محمدبن‌خواجه حاجی ، ۱۰۱۸
یوسف وزلیخای جامی : محمدرزه‌یی ، ۱۰۳۴
یوسف وزلیخای جامی(دونسخه) : محمدقوام شیرازی ، ۱۲۰۷
یوسف وزلیخای منسوب به‌فردوسی : محمود شیرازی ـ میرزا ، ۱۳۱۶

Marfat.com

غلط نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۵۹۸	۱۹	۹۰۹	*۹۶۹
۶۳۳	۱۲	عجایت	عجایب
۶۷۱	۶	اسقاد	استاد
۶۷۲	۱۴	فروغ	فروع
۶۸۴	۵	محمد حسن	محمد حسین*
۶۹۹	۵	دانشوزان	دانشوران
۷۲۴	۶	پادشان	پادشاه
۷۲۴	۹	رابر	وابر
۷۳۲	۸	۱۳۱۰	*۱۳۱۱
۷۳۳	۷	قدزت	قدرت
۷۳۷	۱۱	حسنعلی	حسینعلی
۷۹۶	۲۲	حاسبها	حاسبهما*
۸۵۷	۱۲	اینته	انبته
۸۷۲	۵	المخدوسی	لمخدوسی
۸۹۱	۱۲	ععیف	ضغیف
۹۵۲	۳	تبریزق	تبریزی

* این تصحیحات به‌قرینهٔ مطلب صورت گرفته است.

افتاده‌ها

در متن کتاب چندجا سنواتی است که مرحوم بیانی فرصت تکمیل آن را نیافته‌اند. اکنون بطور کلی بذکر آنها مبادرت میشود :

صفحه	موضوع	تاریخ
۸۵۳	شاهزاده محمد کام بخش هندی	متوفی ۱۱۱۹
۸۵۹	تاریخ تألیف کلمات الشعراء	۱۰۹۳-۱۱۰۸*
۹۰۳	« « مجمع الخواص	حدود ۱۰۰۰*
۹۱۱	حکومت سلطان ابراهیم میرزا تیموری درفارس	۸۱۷ - ۸۳۸
۹۳۰	زمان سلطان سلیمان خان عثمانی	۹۲۶ - ۹۷٤

* به‌لطف آقای دانش‌پژوه و با مراجعه به فهرست استوری.

۱۳۳۷- دستگاه لابیرنت : پرفسور اعلم - دکترجواهری	۹۵	ریال
۱۳۳۸- فرهنگ اصطلاحات کشاورزی : ابوالحسن گونیلی	۲۰۰	»
۱۳۳۹- اقتصاد عمومی (جلد دوم وچاپ دوم) : علی محمد اقتداری	—	
۱۳٤۰- سنگ شناسی عمومی رسوبی : سیروس زرعیان	۱۵۰	»
۱۳٤۱- هیدرولیک (جلد دوم): فیروتریت	۱۳۰	»
۱۳٤۲- نشانه شناسی بیماریهای گوش گلو و بینی : دکترعبدالحسین طباطبائی	٦۰	»
۱۳٤۳- کلیات مفردات پزشکی : دکتر محسن مجتبائی	۸۷	»
۱۳٤٤- اعتبار قضیه محکوم بها درامور مدنی (چاپ دوم) : ناصر کاتوزیان	۷۵	»
۱۳٤۵- بیماریهای گیاه -قارچهای انگلی (جلدششم) عزت‌الله خبیری	۸۵	»
۱۳٤٦- زندگی شاه عباس اول (جلددوم ، چاپ چهارم) : نصرالله فلسفی	۱۲۰	»
۱۳٤۷- اصول مقدماتی پروتز : دکتر حسین نواب ، دکترجعفر دادمنش	۱۵۰	»
۱۳٤۸-اصول رادیوگرافی دامپزشکی : مهدی برکشلی،دکترجهانگیربهارمست	۱٤۰	»
۱۳٤۹- الکترونیک (جلداول،چاپ دوم) : ناصرقلی قاجاررحیمی	۱٦۰	»
۱۳۵۰- فرهنگ اساطیر یونان‌ورم(چاپ‌دوم ، اثرپیر گریمال،ترجمه احمد بهمنش	۱۲۰	»
۱۳۵۱- جنین‌شناسی (جلددوم) : دکتراحمد شفاقی	۱٤۰	»
۱۳۵۲- تاریخ آل مظفر (جلددوم) : حسن قلی ستوده	۱۲۰	»
۱۳۵۳-تاریخ فرهنگ ایران (چاپ‌چهارم) : عیسی‌صدیق	۱۸۵	»
۱۳۵٤- اقتصاد اجتماعی(جلداول،چاپ‌سوم):شمس‌الدین جزایری	۱۰۵	»
۱۳۵۵-اتم درزیست‌شناسی(جلداول،چاپ‌دوم) : زین‌العابدین ملکی	۸۰	»
۱۳۵٦- درسهای آزمایشگاهی پزشکی(جلداول): دکتر[illegible] دکترخرسندی دکتر رفوآه ، دکتر روان‌شناس	۱۳۵	»
۱۳۵۷- تاریخ عمومی، تفوق وبرتری فرانسه(جلددوم) : خانبابا بیانی	۱۲۰	»
۱۳۵۸- جانورشناسی‌عمومی (جلددوم): خانم طلعت حبیبی	۲٤۰	»
۱۳۵۹- اساطیریونان و رم یاافسانه خدایان(جلداول):سعیدفاطمی	۱۵۰	»
۱۳٦۰- تاریخ جهانی(جلددوم): اثردولاندلن، ترجمهٔ احمد بهمنش	۱۱۰	»
۱۳٦۱- فیزیک‌زیستی (جلداول): دکترذبیح‌الله‌عزیزی، دکترابوالفضل رسولی	۹۵	»
۱۳٦۲- مجموعه‌اسناد ومدارک‌فرخ خان امین‌الدوله (جلددوم) : بکوشش کریم اصفهانیان	۱٤۰	»
۱۳٦۳- کتابداری (دفتردوم): زیرنظر ایرج افشار	۷۰	»
۱۳٦٤- زراعت (جلدسوم): منصورعطایی	۵۰	»
۱۳٦۵- استخراج معادن(جلدپنجم) نصرالله محمودی	۱۳۰	»

Marfat.com

فهرست آخرین انتشارات دانشگاه تهران

۱۳۱۰ - اصول گدازواستخراج فلزات (جلدسوم، چاپ‌دوم): هادی یگانه حائری ۱۱۰ ریال
۱۳۱۱ - قصهٔ حمزه(حمزه نامه) جلددوم: بکوشش جعفرشعار ۷۰ »
۱۳۱۲ - رادیوالکتریسیته (چاپ دوم): ناصرقلی قاجاررحیمی ۱۹۰ »
۱۳۱۳ - اصول پرورش طیور: دکترمرادعلی زهری ۱۶۰ »
۱۳۱۴ - باغبانی (جلدچهارم) : حسن شیبانی ۱۶۰ »
۱۳۱۵ - حقوق بین ملل‌عمومی(جلداول): تألیف روسو، ترجمهٔ محمدعلی حکمت ۱۶۵ »
۱۳۱۶ - قضادراسلام (چاپ‌دوم): محمدسنگلجی ۸۰ »
۱۳۱۷ - شرح مثنوی شریف (جلداول) : بدیع‌الزمان فروزانفر ۱۱۰ »
۱۳۱۸ - شیمی صنعتی آلی : محمدعلی رحمتی ۱۷۰ »
۱۳۱۹ - ترجمهٔ فارسی شرایع‌الاسلام (جلددوم): از محقق‌حلی‌بکوشش دانش‌پژوه ۱۵۰ »
۱۳۲۰ - حل‌المسائل آنالیز(جلددوم) : حسن عطاری نژاد ۱۶۵ »
۱۳۲۱ - جنایت ومکافات (جلددوم): تألیف داستایفسکی، ترجمهٔ مهری‌آهی ۷۰ »
۱۳۲۲ - اقتصادعمومی (جلداول، چاپ‌دوم): علی‌محمداقتداری -
۱۳۲۳ - ریاضیات درشیمی(جلدسوم) : تقی‌هورفر ۱۸۰ »
۱۳۲۴ - حقوق کارو‌بیمه‌های‌اجتماعی(چاپ‌دوم): شمس‌الدین‌جزایری ۱۰۰ »
۱۳۲۵ - حقوق بین ملل‌عمومی (جلددوم): تألیف‌روسو، ترجمهٔ محمدعلی‌حکمت ۱۰۵ »
۱۳۲۶ - یادداشتهای‌قزوینی(جلدنهم): بکوشش‌ایرج افشار ۸۰ »
۱۳۲۷ - فرهنگ‌لغات وتعبیرات‌مثنوی(جلدپنجم) : بکوشش‌سیدصادق گوهرین ۱۳۰ »
۱۳۲۸ - فشارخون کلیوی: دکترعبدالصمدرفعت ۸۰ »
۱۳۲۹ - دولپه‌های‌دارویی‌پیوسته گلبرك : دکترنامدار-دکترمجتبائی- دکترسمسار ۱۵۰ »
۱۳۳۰ - زهرشناسی (جلد اول - چاپ دوم) : دکترجواد عطابخش ۱۲۰ »
۱۳۳۱ - مدیریت اسنادوفن بایگانی : جعفربوشهری -
۱۳۳۲ - کلیات وقوانین‌علم‌شیمی(جلدسوم): محمدرضا مصطفوی رجالی ۱۲۰ »
۱۳۳۳ - سندرمهای‌بالینی گوش و گلوو‌بینی‌وحنجره: پروفسوراعلم-دکترمقصودی
دکترمعین‌زاده ۱۴۰ »
۱۳۳۴ - مکانیك استدلالی (چاپ‌سوم) : تقی فاطمی ۱۴۰ »
۱۳۳۵ - سه سفرنامه (هرات ، مرو، مشهد): بکوشش قدرت‌الله‌روشنی‌زعفرانلو ۹۰ ریال
۱۳۳۶ - بیماریهای پلیومیلیت ودرمان‌آن: دکترمرتضی‌مشایخی ۶۰ »

Marfat.com